



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

۳۱

علم مفادیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سی و یکم- حرف ی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۲۳	یأجوج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۲	یاران خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۵	یأس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۳	یلور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۶	یلوه گویی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۲	یتیم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۶۲	یحیی(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۲۱	یعقوب(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۸۴	یقین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۳۰	یوسف(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۹۸	یوشع بن نون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۰۳	یوشع(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۲۱	یونس(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۸۹	یهود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۱۱۵	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سی و یکم - حرف ی / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف: ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره: ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی: ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است. که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف،

فایده، پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنج‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش‌های تفسیری؛ ۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانش‌های نوین زبان‌شناسی است می‌باشد. زبان‌شناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک

و متودولوژی می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه

مراکز قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله

بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصورات اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را

در منظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش

آن در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و

صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و

یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه

فرو فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هر آیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات

است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت

بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآوردند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف

آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق

ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل در آوردن استعداد های معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکان پذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ پردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) - وجود

لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند

و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر بخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و

کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

یأجوج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

افساد يأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱،۱۲

۱- مردم شمال ، از طوایفی فسادانگیز به نام يأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین شکایت بردند .

قالوا یذا القرنین إنَّ یأجوج و مأجوج مفسدون

مفسران و مؤرخان، با استفاده از ادله مختلف و برخی متون باستانی، این را مسلم گرفته اند که مراد از یأجوج و مأجوج، همان قبایل مغول و تاتار هستند.

۱۲- > عن أمير المؤمنين (ع) : إنَّ ذوالقرنین ... وجد ... قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذالقرنین ! إنَّ یأجوج و مأجوج خلف هذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شیئاً > فهل نجعل لك خرجاً < تؤدیه إلیک فی کلّ عام > علی أن تجعل بیننا و بینهم سدّاً < ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده: .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز

از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>

امت بودن یا جوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۳

۱۳- > عن حذیفه قال : سألت رسول الله (ص) عن یا جوج و ما جوج ؟ فقال : یا جوج أمّه و ما جوج أمّه ;

از حذیفه، روایت شده که گفت: از رسول خدا(ص) در باره یا جوج و ما جوج را پرسیدم؟ فرمود: یا جوج، یک امت و ما جوج هم یک امت است.>

ایمنی از هجوم یا جوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۷

۷- آسیب پذیران از هجوم یا جوج و ما جوج ، از ذوالقرنین برای ساختن سدّی در میانه دو رشته کوه بلند در برابر هجوم آن متجاوزان ، کمک خواستند .

قالوا یذا القرنین .. تجعل بیننا و بینهم سدّا

پیروزی یا جوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳،۴

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یا جوج و ما جوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّی إذا فتحت یا جوج و ما جوج و هم من کلّ حدب ینسلون

>حدب< به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون> یعنی، به سرعت

می روند و می تازند.

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یاجوج و ماجوج در سراسر زمین در آینده

حَتَّى إِذَا فَتَحْتِ يَاجُوجَ وَ مَاجُوجَ وَ هُم مِّن كَلِّ حَدَبِ يَنسَلُونَ

اضافه شدن لفظ عموم <کَلِّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یاجوج و ماجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست؛ بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

خروج یاجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۱،۲

۱- سنت الهی بر ثبت اعمال مؤمنان برای پاداش و محرومیت هلاک شدگان از بازگشت به دنیا، تا خروج یاجوج و ماجوج (انقراض دنیا) ادامه خواهد داشت .

فمن يعمل ... و حرم علی ... حَتَّى إِذَا فَتَحْتِ يَاجُوجَ وَ مَاجُوجَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حتی> معنای غایت را افاده کند. البته میان اهل ادب در افاده آن برای غایت، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی از سیاق و آهنگ آیه، غایت قابل استفاده است. براین اساس <حَتَّى إِذَا فَتَحْتِ...> غایت برای <فمن يعمل من الصالحات... و حرام قریه...> خواهد بود. گفتنی است که نوع مفسران بر آنند که مقصود از یاجوج و ماجوج، دو گروه از مردمی هستند که در آخر الزمان ظاهر می شوند و به تاختوتاز و فتوحات دست می زنند و پس از مرگ آنان، عمر دنیا به پایان می رسد.

۲- اختلافات دینی پیروان ادیان الهی در مسأله توحید، تا خروج یاجوج و ماجوج (انقراض دنیا) ادامه خواهد داشت .

وَ تَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ .. حَتَّى إِذَا فَتَحْتِ يَاجُوجَ وَ مَاجُوجَ

برداشت یاد شده

مبتنی بر این است که <حَتَّى> غایت برای <و تقطعوا أمرهم بینهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۲

۲- هجوم یاجوج و ماجوج ، از علایم نزدیکی برپایی قیامت است .

حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ . . . و اقترَب الوعد الحقّ

ماجرای یاجوج و ماجوج مربوط به دوره آخرالزمان است. بنابراین ذکر مسأله برپایی قیامت پس از این ماجرا، بیانگر این است که این ماجرا از علایم برپایی قیامت است.

خطر تجاوز یاجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إِنَّ يَأْجُوجَ وَّ مَاجُوجَ مَفْسُودُونَ فِي الْأَرْضِ

درگیری یاجوج و ماجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۹ - ۳

۳- از پیدایش درگیری های داخل میان یاجوج و ماجوج ، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است . *

فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ . . . و تركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض

بدان احتمال که ضمیر در <بعضهم> به یاجوج و ماجوج بازگردد؛ یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

راههای هجوم یاجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۶

۶- میانه دو کوه مرتفع و سد آسا، تنها راه نفوذ و حمله یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) علیه همسایگان

خود بود .

فهل نجعل لك خرجاً على أن تجعل بيننا وبينهم سداً

عجزاً ياجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۷ - ۲

۲- یاجوج و ماجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما استطعوا أن يظهروه و ما استطعوا له نقباً

<ظهور> به معنای <علو> و بالا رفتن است <فما استطعوا أن يظهروه> یعنی: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند.> .
<نقب> به معنای <سوراخ و تونل> است و <ما استطعوا له نقباً> یعنی: <نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.> .

قصه یاجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۱۲، ۶

۶- میانه دو کوه مرتفع و سد آسا ، تنها راه نفوذ و حمله یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) علیه همسایگان خود بود .

فهل نجعل لك خرجاً على أن تجعل بيننا وبينهم سداً

۱۲- > عن أمير المؤمنين (ع) : إن ذالقرنين ... وجد ... قوماً لا يكادون يفقهون قولاً قالوا : يا ذالقرنين ! إن ياجوج و ماجوج خلف هذين الجبلين و هم يفسدون في الأرض إذا كان إبان زروعنا و ثمارنا خرجوا علينا من هذين السدين ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتى لا يبقون من ها شيئاً > فهل نجعل لك خرجاً > تؤديه إليك في كل عام > على أن تجعل بيننا و بينهم سداً > ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان

نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یاجوج و ماجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۷ - ۲

۲- یاجوج و ماجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما استطعوا أن يظهروه و ما استطعوا له نقباً

>ظهور< به معنای <علو> و بالا رفتن است <فما استطعوا أن يظهروه> یعنی: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند.> .
>نقب< به معنای <سوراخ و تونل> است و <ما استطعوا له نقباً> یعنی: <نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یاجوج و ماجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّى إذا فتحت یاجوج و ماجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

>حدب< به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا

شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون> یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

محدوده افساد یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۲

۲- منطقه گسترده ای از سرزمین شمال، در عهد ذی القرنین، مورد تهدید هجوم ها و فسادگری های یأجوج و مأجوج قرار داشت.

إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ

حرف <ال> در <فی الأرض> برای عهد حضوری است و چون تعبیر <فی الأرض> برای مناطق کوچک و محدود، تعبیر متعارفی نیست، مراد از آن منطقه ای گسترده خواهد بود.

وسعت هجوم یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۴

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْتَ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ وَ هُم مِّنْ كُلِّ حَدْبٍ يَنْسِلُونَ

اضافه شدن لفظ عموم <کَلِّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست؛ بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

هجوم یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت.

حتّى إذا فتحت يأجوج و مأجوج و هم من كلّ حدب ینسلون

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین

است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون> یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

هجوم یا جوج در آخرالزمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۲

۲- یا جوج و مأجوج ، در آستانه قیامت (آخرالزمان) به حمله و هجوم علیه دیگر انسان ها خواهند پرداخت .

و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

ممکن است این آیات، در صدد پیش گویی برخی حوادث آخرالزمان و اشرط الساعه باشد. عبارت های <إذا جاء وعد ربی> و <نفخ فی الصور> جملگی، قرائن این معنا هستند. لذا جمله <ترکنا...> بیان کننده برخی از همان اشرط الساعه خواهد بود، یعنی، در آن هنگام (و در پی متلاشی شدن سد ذوالقرنین) برخی مردم، موجب اضطراب برخی دیگر می شوند. و با توجه به این که سد، در برابر یا جوج و مأجوج بوده است، محتمل است، این اضطراب، از ناحیه هجوم و حمله آنان باشد.

یاران خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{یاران خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۲،۴

۲ - مجاهدان راه خدا ، یاران خدا هستند .

تؤمنون بالله و رسوله و تجهدون فی سبیل الله. .. یا ایها الذین ءامنوا کونوا أنص

ارتباط آیه شریفه با آیات پیشین، بیانگر مطلب بالا است.

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

یا ایها الذین ءامنوا کونوا أنصار الله کما قال عیسی ابن مریم .

.. قال الحواریون

امربه معروف یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین
او

الذین إن مکَّنتهم . . . و نهوا عن المنکر

برپایی نماز یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین
او

الذین إن مکَّنتهم . . . و نهوا عن المنکر

زکات یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین
او

الذین إن مکَّنتهم . . . و نهوا عن المنکر

زمینه تشخیص یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شناخته شدن یاران خدا و پیامبران و جدا گشتن صفوف آنان از دیگران ، حکمت تشریح جهاد از سوی خداوند

و أنزلنا الحديد .. و ليعلم الله من ينصره و رسله

نهی از منکر یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر

، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مكنهم ... و نهوا عن المنکر

یاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۲۱

۲۱ - دین داران راستین ، کسانی اند که به یاری خدا برمی خیزند و با دشمنان دین او به جهاد و پیکار می پردازند ، در حالی که او را نمی بینند .

من ینصره و رسله بالغیب

یاران خدا و یژگیهای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۲

۲ - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، امر به معروف و نهی از منکر ، از بارزترین ویژگی های یاران خدا و پیکارکنندگان راه دین او

الذین إن مكنهم ... و نهوا عن المنکر

یأس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

یأس

آثار یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۷ - ۵

۵ - شادی و یأس بی جهت ، به هنگام برخورداری و تنگنا ، با توجه به خدادادی بودن امکانات ، بی معنا است .

و إذا أذقنا الناس رحمہ فرحوا بها .. و إن تصبہم سیئہ ... إذا هم یقنطون . أول

استفهام در <أولم يروا> انکاری است؛ یعنی: <آنان، غفلت کردند و ندیدند.>. بنابراین، استفاده می شود که توجه به عامل اصلی بودن گشایش و تنگی اقتصادی، انسان را از حالت شادمانی و یأس بیجا، دور می کند.

آثار یأس از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ - یأس یهود از سرای

آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

يُود أَحَدَهُمْ لَوْ يَعْمُرُ الْفِ سَنَهُ وَ مَا هُوَ بِمُزْحَازِحَةٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يَعْمُرَ

آثار یأس از اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۴

۴ - لزوم دوری جستن از محیط فساد ، در صورت یأس از اصلاح آن

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

آثار یأس از امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۸

۸ - احساس خطر شدید و یأس از عوامل نجات دهنده مادی ، زمینه توجه انسان به خدا و دعا به درگاه او است .

وَ إِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظَّلَلِ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

آثار یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۹

۹ - معتقدان به آخرت اما مأیوس از ثواب اخروی مانند کافران ، بی اعتقاد به رستخیزانند .

قَدْ يَسْأَلُونَ مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

در صورتی که مقدر آیه چنین باشد: <قَدْ يَسْأَلُونَ مِنَ الْآخِرَةِ..> استفاده می شود که معتقدان به معاد ولی ناامید از ثواب اخروی همچون کافرانی اند که اصولاً از زنده شدن دوباره مأیوس اند.

آثار یأس از حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۳

۳ - سعی در هدایت گمراهان ، پس از یأس از حق پذیری آنان ، لازم نیست .

إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّيُؤْمِنُونَ .

فاصفح عنهم

آثار یأس از هدایت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۳

۳- نفرین موسی (ع) به درگاه پروردگار، پس از ناامیدی از هدایت فرعونیان

و إن لم تؤمنوا .. فدعا ربّه أن هؤلأ قوم مجرمون

<دعا> در مقام شکایت، دربردارنده درخواست مجازات است.

آثار یأس از هدایت گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۸

۸- نفرین بر ظالمان و گمراه کنندگان جامعه پس از ناامیدی از هدایت آنان کاری پسندیده و روا

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

آثار یأس انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۹

۹ ناامیدی پیامبران از هدایت یافتن مردم، شرط نزول عذاب الهی بر امت های آنان بود.

حتی إذا استیئس الرسل .. جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

آثار یأس مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۸

۸ ناباوری و ناامیدی مشرکان به حیات اخروی ، عامل عبرت نگرفتن آنان از سرگذشت شوم اقوام پیشین چون قوم لوط

أفلم یكونوا یرونها بل كانوا لایرجون نشورًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <بل> برای اضراب انتقالی است، یعنی، این طور نیست که آنان به خاطر ندیدن آثار به جا مانده از قوم هلاک شده قوم لوط، از آن عبرت نگرفته اند بلکه چون آنان اعتقاد و امیدی به روز رستاخیز ندارند از چنین حادثه ای عبرت نیاموخته اند.

آثار یأس یهود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

اجتناب از یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ - گنهکاران نباید از شمول فضل و رحمت خداوند ، ناامید باشند .

ثم تولیتم .. فلولاً فضل الله علیکم و رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۵

۲۵ - گنهکار نباید از آمرزش و رحمت خداوند مأیوس باشد.

من عمل منکم سوءاً .. فأنه غفور رحیم

اهمیت یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۲

۲ - باید کافران را از طمع در ایمان مردم مأیوس کرد و زمینه های موفقیت کافران در فریب مؤمنان را از بین برد .

فلایصدنک عنها من لایؤمن بها

چنان که مفسران گفته اند: نهی <لایصدنک> گرچه ظاهراً متوجه کافران است، ولی در حقیقت نهی از ایجاد سبب است؛ یعنی تو ای موسی و دیگر مؤمنان نباید به گونه ای عمل کنید که کافران بتوانند شما را از ایمان بازدارند.

حرمت یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - مایوس شدن بندگان از رحمت خداوند هرچند گناهانشان بسیار باشد حرام است .

لا تَقْنَطُوا مِنْ

رحمه الله إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

زمینه یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۲

۲ آدمی ، به هنگام از دست دادن امکانات و موهبت های دنیوی ، از رحمت الهی مأیوس شده و تدبیر خداوند در هستی را منکر می شود .

و لئن أذقنا الإنسن . . . إنّه لیئوس کفور

<کفور> می تواند از کفر که به معنای انکار است گرفته شده باشد. بر این اساس جمله <إنه ... کفور> اشاره به این دارد که: انسان در پی برخوردار شدن از نعمت و سلب آن نعمت از وی چنین می پندارد که تبدیلهای و تغییرها در هستی به دست خداوند نیست و از اختیار او بیرون است.

زمینه یأس از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۴

۴ - فقر ، تنگدستی ، بیچارگی و درماندگی زمینه ساز یأس و نومیدی از خدا (کفر) و پناهنده شدن به غیر او (شرک)

من کان یظنّ . . . هل یدهبّن کیده ما یغیظ

روی سخن در این بخش، با آن اشخاصی است که به خداپرستی گرویده بودند و همین که با برخی از ناملایمات زندگی روبه رو شدند از عبادت او روی برتافتند و به گمان آن که در هستی جز خدا، نیروهای دیگری نیز دخالت دارند، به شرک (آیین سابقشان) بازگشتند.

زمینه یأس از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ باور و توجه به انحصار علم و حکمت

در خداوند، زمینه ساز قطع امید از غیر اوست .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً إنه هو العليم الحكيم

هر چند جمله <عسى الله .. > حاوی حصر نیست، ولی می توان گفت حصری که از تعلیل (إنه هو ...) استفاده می شود به آن جمله نیز سرایت می کند. بنابراین مفاد (عسى الله ...) چنین می شود: من تنها به خدا امید دارم و به غیر او امیدی ندارم؛ زیرا تنها او دانا و حکیم مطلق است.

زمینه یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمتم تفكهنون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زمینه یأس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۵

۵ - تلاش وحی ناباوران، برای مایوس ساختن پیامبر (ص) از دعوت آنان به اسلام

وقالوا .. فاعمل إنا عملون

از مانع تراشی های مشرکان و تأکیدهای مکرر آنها مبنی بر نرسیدن دعوت پیامبر(ص) به آنان و نیز تأکیدشان بر پایبندی به کیش خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه یأس مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- کافران و ناپاوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمت تفکھون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناپاورانه دارند.

زمینه یأس نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۷

۷ اشراف و سران قوم نوح ، در صدد مأیوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد جدلنا فأكثر جدلنا فأتنا بما تعدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱

۱ نوح (ع) ، در پی درخواست قومش (تحقق بخشیدن به عذاب های موعود) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا .. قال ... لا ينفعكم نصحي إن أردت أن أنصح لكم

زمینه یأس هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ - تلاش قوم عاد ، به ایجاد یأس و ناامیدی در حضرت هود (ع) نسبت به دستیابی او به اهداف رسالتش

قالوا سواء علينا أوعظت أم لم تكن من الوعظين

یادآوری قوم عاد به حضرت هود(ع) مبنی بر مؤثر نبودن موعظه هایش، می تواند به منظور ایجاد یأس در آن حضرت و نیز بازداشتن ایشان از تلاش برای ادامه رسالت و تبلیغ خود باشد.

سرزنش یأس

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۸

۸ انسان ها نباید علی رغم ارتکاب گناهان بسیار و یا گرفتار شدن به ارتداد ، از پذیرش توبه خویش و مغفرت و رحمت الهی مأیوس باشند .

و الذین عملوا السيئات .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

کلمه <السيئات> جمع <سيئه> است و <ال> در آن مفید استغراق و شمول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱۰

۱۰- دچار شدن به یأس و پوچی ، از خصلت های مذموم و ناپسند انسان و مورد نکوهش خداوند است .

و إذا مسه الشرّ كان يوسّوا

سرزنش یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۳

۳- یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتكن من القنطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۶

۶- یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، از گناهان بزرگ و امری بس نکوهیده

و من يقنط من رحمه ربّه إلا الضالّون

اینکه خداوند یأس از رحمت خویش را عمل گمراهان قرار داد و مأیوسان را برابر گمراهان شمرده است، بیانگر بزرگی این عمل است.

سرزنش یأس از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۳

۳- یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتکن من القنطین

شگفتی یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ -

۹ - دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا ، به هنگام برخورداری از آنها ، و مأیوس شدن از رحمت خدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سيئه .. إذا هم يقنطون

آیه، درصدد توبیخ و سرزنش چنین روحیه ای است و <اذا> که فجایه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

۱۳ - ناامید شدن از رحمت خدا ، به هنگام ابتلا به سختی ها ، به رغم مشاهده رحمت او ، امری غیر منتظره است .

و إذا أذقنا الناس رحمه .. و إن تصبهم سيئه ... إذا هم يقنطون

عوامل رفع یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۹ - ۲

۲ - بارش باران پس از مدت ها انتظار و مأیوس شدن انسان ها از آن ، خوشحالی فوق العاده ای در پی دارد . *

إذا هم يستبشرون . و إن كانوا ... لمبلسين

احتمال دارد تکرار <من قبل> به منظور بیان طولانی بودن نباریدن باران و ناامیدی عمیق مردم باشد. در این صورت، کیفیت خوشحالی، تابع مقدار ناامیدی است.

عوامل یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۲

۲ ملاحظه عوامل طبیعی ، عامل یأس زکریا از اعطای فرزند به او

قال ربّ انّی یکون لی غلام و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱۱

و مایه یأس اوست .

و إذا أنعمنا علی الإنسان .. و إذا مسّه الشرّ

به قرینه مقابله <مسّه الشرّ> با <أنعمنا> احتمال دارد که مراد از دچار شدن به سختی و شرّ، از دست دادن نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۳

۳ - جرم و گناه ، عامل ناامیدی انسان ، در قیامت است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱۸،۹

۱ - انسان ها ، به هنگام برخورداری از اندک رحمتی ، شادمان ، به هنگام مواجهه با کمی ناگواری ، مأیوس و ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمه .. یقنطون

<قنوط> در لغت، به معنای <یأس از خیر> است (مفردات راغب). <ذوق> به معنای <چشیدن و خوردن بسیار کم> استعمال می شود. کاربرد <أذقنا> به جای هر واژه دیگر، می تواند به منظور یاد شده باشد. لازم به ذکر است که تنوین <رحمه> و <سیئه> تنکیر و برای قَلت است.

۸ - ناکامی ها و برخورداری ها ، عواملی مؤثر در ایجاد روحیه امید و یأس در انسان ها است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیئه .. إذا هم یقنطون

۹ - دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا ، به هنگام برخورداری از آنها ، و مأیوس شدن از رحمت خدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سیئه .. إذا هم یقنطون

آیه، درصدد توبیخ و

سرزنش چنین روحیه ای است و <إِذَا> که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۹ - ۱

۱ - انسان ها ، در پی تأخیر بارش باران بر آنها ، اندوهگین و ناامید می شوند .

و إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ

<إِبْلَاس> مصدر <مبلسین> به معنای <اندوه ناشی از شدت سختی> است (مفردات راغب). و نیز به معنای <یأس و ناامیدی> نیز آمده است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۴

۴ - سیطره یأس و ناامیدی بر انسان ، به هنگام مواجه شدن با سختی و ناکامی ها (شرور)

و إِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَنْوَسْ قَنُوطَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۱

۱ - آسیب دیدن محصولات کشاورزی ، یأس آور برای انسان ها و باعث احساس حرمان برای آنان

لَوْ نَشَاءُ .. فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ... بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

عوامل یأس از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه بریده شدن امید انسان از غیر خدا

و ظَنُّوا أَنَّهُمْ أَحِيطَ بِهِمْ دَعْوَا اللّٰهِ مَخْلَصِينَ لَهُ الدِّينَ لئنْ أُنجيتنا منْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الْ

عوامل یأس از فرزند داری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۴

۴- پیری و سالمندی ، از عوامل

یأس انسان از فرزنددار شدن

مَسْنَى الْكَبْرِ فِيمَ تَبْشُرُونَ .. فَلَاتَكُنْ مِنَ الْقَنْطَرِينَ

عوامل یأس انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۳

۳ اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجت آنان ، موجب یأس پیامبران از موفقیت خویش و ایمان آوردن قومشان

حَتَّى إِذَا اسْتَيْسَسَ الرِّسْلَ

متعلق <استیسس> ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

عوامل یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأیوس سازنده کافران از پیوستن به آنان در شرک

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ

حرف <لا> گرچه برای نفی مستقبل است ولی مفهوم سخن، شامل زمان حال نیز می شود.

عوامل یأس مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۷

۷- اعلام پیروزی قطعی حق بر باطل ، مایه امید مؤمنان و یأس مشرکان و باطل گرایان

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَطْلُ إِنَّ الْبَطْلَ كَانَ زَهُوقًا

اعلام صریح بر شکست قطعی باطل، در پی بیان تلاشهای کافران جهت اخراج پیامبر(ص) از مکه، می تواند برای تقویت بنیه روانی مؤمنان و ایجاد یأس در دل مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۶

۶ - مشرکان ، با برخورداری از امکانات اندک ، شادمان شده و با اندک گرفتاری ، ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سيئة. .. يقنطون

ممکن است به قرینه آیات پیش که درباره مشرکان است <ال> در

<الناس> عهد و مراد از <الناس> مشرکان باشد. لازم به ذکر است که تنوین <سَيِّئَه> تنکیر و برای قَلَّت است.

عوامل یأس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۴

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن يتمنوه أبداً بما قدمت أيدهم

کفر یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۲

۲ - مایوس بودن از رحمت خدا ، روحیه ای ناپسند و کافرانه است .

و الذين كفروا .. يئسوا من رحمتي

گناه یأس از آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۷

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قومًا غضب الله عليهم قد يئسوا من الآخرة

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد يئسوا..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

گناه یأس از رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۷

۷- یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قوماً غضب الله عليهم قد یسوا من الآخره

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یسوا..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ > عن أبي عبدالله (ع) : ..

[من الكبائر] الإيأس من روح الله ، لأن الله عزوجل يقول : < إنه لا يأس من روح الله إلا القوم الكافرون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: [یکی از گناهان کبیره] ناامیدی از رحمت خداست ؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: <إنه لا يأس من روح الله إلا القوم الكافرون> . . .< .

ممنوعیت یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۷ - ۴

۴- هیچ کس ، حتی مطرودین درگاه الهی و لعن شدگان ، نباید از رحمت خداوند مأیوس شوند ؛ بلکه باید خواسته های خویش را از او طلب کنند .

و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين . قال ربّ فأنظرنى إلى يوم يبعثون . قال فإنك من ال

منشأ یأس کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من يهد الله فما له من مضلّ

یادآوری گمراه نشدن هدایت یافتگان (مؤمنان)، می تواند به منظور مأیوس ساختن کافران و مشرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

منشأ یأس مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۳

۳ - خداوند در صدد مأیوس کردن مشرکان ، از پیشرفت و نفوذ آیینشان

ما أنتم عليه بفتنين

إخبار خداوند به ناتوانی مشرکان که به صورت روشن و قاطع بیان گردیده است می تواند برای ایجاد یأس و ناامیدی

در میان آنان از هرگونه پیشرفت و نفوذ در میان مردم باشد.

منشأ یأس مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من یهد الله فما له من مضلّ

یادآوری گمراه نشدن هدایت یافتگان (مؤمنان)، می تواند به منظور مأیوس ساختن کافران و مشرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

موانع یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ توجه به توانایی و قدرت خداوند ، برطرف کننده هر گونه نگرانی و یأس مسلمانان نسبت به آینده

اولمّا اصابکم مصیبه .. انّ الله علی کل شیء قدیر

سؤال مسلمانان (انّی هذا)، حکایت از این معنا دارد که چنین واقعه ای را هرگز انتظار نداشتند و عدم انتظار، طبعاً ناامیدی آدمی را در پی دارد که خداوند با بیان قدرت مطلقه خویش، از جمله نصرت آنان، در مقام زایل ساختن یأس مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۷

۷- هدایت و شناخت پروردگار ، موجب امیدواری به رحمت او و زداینده هر گونه یأس و ناامیدی

و من یقنظ من رحمه ربّه إلا الضالّون

حضرت ابراهیم(ع) یأس از رحمت پروردگار را معلول گمراهی و نشناختن پروردگار دانست. بنابراین هدایت و شناخت پروردگار، می تواند موجب امیدواری به رحمت خدا و عامل از بین رفتن یأس شود.

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۲ - ۴

۴ - توکل و اعتماد به خدا ، مایه آرامش و عدم یأس در بحران ها

قال کَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِين

موانع یأس حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۶

۶ - توجه به مخالفت و ستیزه جویی با حق در طول تاریخ ، مانع راه یابی روحیه یأس و ناامیدی در حق گرایان

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

ناپسندی یأس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۹

۹ - دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا ، به هنگام برخورداری از آنها ، و مأیوس شدن از رحمت خدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سيئه ... إذا هم يقنطون

آیه، درصدد توبیخ و سرزنش چنین روحیه ای است و <اذا> که فجایه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۷ - ۵

۵ - شادی و یأس بی جهت ، به هنگام برخورداری و تنگنا ، با توجه به خدادادی بودن امکانات ، بی معنا است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها ... و إن تصبهم سيئه ... إذا هم يقنطون . أَوَّل

استفهام در <اَوَلَمْ يَرَوْا> انکاری است؛ یعنی: <آنان، غفلت کردند و ندیدند.>. بنابراین، استفاده می شود که توجه به عامل اصلی بودن گشایش و تنگی اقتصادی، انسان را از حالت شادمانی و

یأس بیجا، دور می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۶

۶ - حرص و آز در شرائط رفاه و یأس و ناامیدی به هنگام سختی ، امری ناپسند و مورد نکوهش

لايسئم الإنسان من دعاء الخير و إن مسه الشر فيئوس قنوط

با توجه به لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۷

۷ - ناامیدی و منفی بافی مفرط در سختی ها و سرخوشی مستانه در آسایش ، دو خصلت ناشایست و همگن

و إن مسه الشر فيئوس قنوط . و لئن أذقته رحمه منا من بعد ضراء مسته ليقولن ه

ناپسندی یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۲

۲ - مأیوس بودن از رحمت خدا ، روحیه ای ناپسند و کافرانه است .

و الذين كفروا .. يئسوا من رحمتي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۹

۹ - یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، در عین وعده او به آموزش تمامی گناهان بندگان ، امری بی جا و نامعقول است .

لا تفتنوا من رحمه الله إن الله يغفر الذنوب جميعاً

جمله <إن الله يغفر الذنوب جميعاً> به منزله تعلیل برای جمله <لا تفتنوا..> می باشد؛ یعنی، از رحمت خدا مأیوس

نشوید؛ چون او همه گناهان را می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

نهی از یأس

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۴،۵

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لا تأیسوا من روح الله

۵ مأیوس نشدن از رحمت خدا و امید داشتن به یاری او ، توصیه یعقوب (ع) به فرزندان خویش

و لا تأیسوا من روح الله

<روح> به معنای سرور ، فرح ، استراحت و رحمت می باشد. اضافه آن کلمه به <الله> و متعلق قرار گرفتن <من روح الله> برای <لا تأیسوا> گویای این است که مراد از آن <رحمت> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۷

۷ - گناه کاران ، نباید خود را از لطف و یاری خدا محروم بدانند .

و ما أصبکم .. و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر

با توجه به آیات پیشین که در مورد انسان ها و جوامع گنه کار است می توان استفاده کرد که <ما لکم من دون الله..> ناظر به این نکته است که خداوند ملجأ و پناهگاه تمامی انسان ها حتی گنه کاران می باشد.

یأس ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- حضرت ابراهیم (ع) تا سالخوردگی فاقد فرزند و از فرزنددار شدنش از راه عوامل طبیعی و عادی مأیوس بود .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربی لسمیع الدعاء

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۲

۲- ابراهیم (ع) آن گاه خبر فرزنددار شدنش را از فرشتگان دریافت کرد که کاملاً پیر و از فرزنددار شدن مأیوس بود .

قال أبشّرتُمونی علی أن مَسنی الکبر فبم تبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ - ناامید شدن ابراهیم (ع) ، از هدایت قوم بت پرست خویش

و قال إننی ذاهب إلی ربی سیهدین

از تصمیم ابراهیم (ع) برای هجرت از شهر خود پس از نجات یافتن از آتش افروزی مشرکان علیه ایشان برداشت یاد شده به دست می آید.

یأس ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱۵

۱۵- شیطان ، ناتوان و ناامید از به دام افکندن آدم (ع) و گمراه ساختن او

لأحتنکن ذریته إلا قليلاً

تأکید ابلیس بر گمراه ساختن ذریه آدم (ع) و به میان نیاوردن نامی از خود او، می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

یأس احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۳

۳- احزاب متحد ، در حالی از محاصره مدینه ناامید و پراکنده شدند که آکنده از خشم بودند .

و ردّ الله الذين كفروا بغيظهم

<باء> در <بغیظ> برای ملبسه است و <بغیظهم> حال برای موصول <الذین کفروا> است.

یأس اخروی بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۷

۷ - بدکارانِ دروغ‌انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ،

ناامید و اندوه ناک اند .

ثُمَّ كَانَ عَقِبَهُ الَّذِينَ أُسْوُوا السَّوْءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ... و يوم تقوم الساعة ي

يأس اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۱

۱ - مجرمان ، در روز برپایی قیامت ، اندوهگین و ناامیدند .

و يوم تقوم الساعة يلبس المجرمون

<إبلاس> در لغت، اندوه ناشی از شدت سختی (مفردات راغب) و نیز به معنای یأس است (لسان العرب).

يأس اخروی مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۲

۲ - اندوه سنگین و یأس آلود مجرمان در جهنم

لا يفتّر عنهم و هم فيه ملبسون

<إبلاس> (مصدر <ملبسون>) به معنای اندوه ناشی از یأس است. (مفردات راغب)

يأس اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۴ - ۷

۷ - روبه رو شدن مشرکان با عذاب الهی در قیامت ، همراه با یأس کامل آنان از وجود یاری دهنده ای برای خود

قيل ادعوا شركاءكم .. فلم يستجيبوا لهم و رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - ناتوانی معبودان مشرکان از شفاعت آنها در پیشگاه خداوند ، از عوامل یأس و اندوه آنان در قیامت است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون . و لم یکن لهم من شرکائهم شفعا

ذکر <و لم یکن لهم .. شفعا> پس از بیان ناامیدی مشرکان در قیامت، ممکن است برای اشاره به این نکته باشد که یأس آنان، ناشی از شفیع نداشتن شان است.

یأس اخروی مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۷

۷ - بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثمَّ كان عقبه الذين أسئوا السوای أن کذبوا بأیت الله .. و یوم تقوم الساعه ی

یأس از آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۸

۸ انسان ها نباید علی رغم ارتکاب گناهان بسیار و یا گرفتار شدن به ارتداد ، از پذیرش توبه خویش و مغفرت و رحمت الهی مأیوس باشند .

و الذين عملوا السيئات .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

کلمه <السيئات> جمع <سيئه> است و <ال> در آن مفید استغراق و شمول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۳

۳ - ناامیدی دوزخیان از نجات کامل خود از عذاب جهنم و یا تخفیف و بخشش عمده آن

ادعوا ربکم یخفف عنا یوماً من العذاب

دوزخیان، از نگهبانان جهنم درخواست تخفیف تنها یک روز و اندکی از عذاب خود را دارند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

یأس از ازدواج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۴

۴ - ناامیدی از زناشویی و بی میلی نسبت به امور جنسی ، نشان سالخوردگی زنان و مجوز فرونهادن حجاب و پوشش برای آنان است .

و القواعد من النساء اللّٰتی لایرجون نکاحاً .. غیر متبرّجت بزینہ

جمله <اللّٰتی لایرجون نکاحاً> صفت

و قید توضیحی برای <و القواعد من النساء> و بیان کننده مقصود از آن است.

یأس از اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد كان ..> و یا عطف بر جمله <يسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۷

۷ - توجه به باور ناردست یهود درباره (عذاب نشدن یهود جز روزی چند) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

یأس از ایمان اقوام انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۸

۱۸ > قال المؤمنون : . . . یا أباالحسن (ع) فاخبرنی عن قول الله عزوجل : > حتى إذا استیأس الرسل و ظنوا أنهم قد كذبوا جائهم نصرنا < قال الرضا (ع) يقول الله عزوجل : > حتى إذا استیأس الرسل < من قومهم و ظنّ قومهم أن الرسل قد كذبوا جاء الرسل نصرنا . . . ;

مأمون [به امام رضا(ع)] گفت: ای اباالحسن! پس مرا خبر ده از سخن خداوند

عزوجل: <حتی إذا استیأس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا جائهم نصرنا> امام رضا(ع) فرمود: خداوند می فرماید: تا آن گاه که رسولان از قوم خود ناامید شدند و قومشان گمان کردند رسولان دروغ گفته اند، یاری ما برای پیامبران رسید...<

یأس از ایمان اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۲

۲ ناامیدی و یأس شعیب (ع) از ایمان آوردن کفرپیشگان مردم مدین

اعملوا علی مکانکم .. سوف تعلمون ... وارتقبوا

جمله هایی نظیر <هرچه از دستتان برمی آید کوتاهی نکنید ، بر مواضع ناصوابتان بمانید ، به زودی خواهید دانست و منتظر باشید> سخنانی است که آدمی پس از یأس و ناامیدی ، به زبان می آورد. گفتنی است که: <ارتقاب> (مصدر ارتقبوا) به معنای انتظار کشیدن است.

یأس از ایمان بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷- توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

یأس از ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷- توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

- فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

يَأْسُ مِنْ إِيمَانِ سَخْتَدِلَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیمار دل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

يَأْسُ مِنْ إِيمَانِ فِرْعَوْنِيَّانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۱ - ۱

۱- درخواست آزادی بیان ، پیشنهاد موسی (ع) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

وَ إِنَّ لِمَنْ يَتُومَنُوا لِي فَاَعْتَرَلُونَ

<فاعترلون>، کنایه از این است که اگر خود اهل ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیامم را به مردم برسانم.

يَأْسُ مِنْ إِيمَانِ قَوْمِ ثَمُودَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۱

۱ - التجای پیامبر پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

ظرف <قال> محذوف است؛ یعنی،

<قال بعد ما ایس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی) است. بنابراین <بما کذبون> به تأویل <بتکذیبهم ایای> می باشد.

یأس از ایمان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۱

۱ - التجای پیامبر پس از نوح به درگاه پروردگار، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

ظرف <قال> محذوف است، یعنی، <قال بعد ما ایس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی) است. بنابراین <بما کذبون> به تأویل <بتکذیبهم ایای> می باشد.

یأس از ایمان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۳

۳ - ناامیدی شدید نوح (ع) از گرایش کافران قومش به ایمان و رنج عمیق وی از کفرورزی آنان

و نَجْنی و من معی من المؤمنین

از این که نوح(ع) از پیشگاه خدا خواستار فیصله یافتن نزاع میان او و قومش شده است، نشان می دهد که او دیگر هیچ گونه امیدی به گرویدن قومش به خود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۲

۲ - ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

و قال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ نوح (ع)، در پی درخواست قومش)

تحقق بخشیدن به عذاب های موعود (از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأنتا بما تعدنا .. قال ... لا ينفعكم نصحي إن أردت أن أنصح لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۲

۲ خداوند ، در پی تلاش های حضرت نوح (ع) و مؤثر نبودن آن تلاشها ، او را از ایمان آوردن کفرپیشگان قومش مأیوس کرد .

و أوحى إلی نوح أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن

فاعل <لن يؤمن> کلمه ای همانند <أحد> می باشد یعنی: <لن يؤمن أحد من قومك.> <إلا> به معنای <غیر> و صفت برای <أحد من قومك> است نه استثنای از جمله <لن يؤمن...> زیرا استثنای مؤمنان از جمله سابق، استثنای وجیه بلکه صحیحی نیست. بنابراین جمله <لن يؤمن...> چنین معنا می شود: احدی از افراد غیر مؤمن قومت (کافران آنان) ایمان نخواهد آورد.

یأس از ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۳

۳ - ناامیدی و یأس پیامبر اسلام (ص) از ایمان آوردن کفرپیشگان در نیمه نخست رسالت

قل يقوم اعمالوا علی مکانکم انی عمل فسوف تعلمون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، از ایمان آوردن مردم مکه ناامید بود. از این رو آنان را به خودشان و نهاده و به آنان فرمود: هر چه از دستتان برمی آید، انجام دهید و بر مواضع نادرست خود باقی بمانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳،۶

۳ - پیامبر (ص)

(در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم و لی دین

۶- پیامبر (ص) پس از ناامیدی از ایمان کافران ، از آنان خواست برای پابندی او به دین خود ، مشکل آفرین نباشند .

و لی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۲

۲ پیامبران ، در صورت ناامیدی از ایمان آوردن کفرپیشگان ، وظیفه ای از جهت تبلیغ رسالت ، برعهده نداشتند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم انا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۹

۹ ناامیدی پیامبران از هدایت یافتن مردم ، شرط نزول عذاب الهی بر امت های آنان بود .

حتی إذا استئیس الرسل .. جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲- توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حتی تأتیهم الساعه بغته

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

یأس از ایمان مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - یأس و ناامیدی پیامبر (ص) ، از ایمان آوردن مشرکان مکه

و قیلہ یربب ان هؤلاء قوم لایؤمنون

یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵،۷

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب الله علیهم قد یسوا من الآخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قومًا غضب الله علیهم قد یسوا من الآخره

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یسوا..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

یأس از پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

۶ برخی از مؤمنان مایوس از پیروزی در جنگ بدر و مطمئن به شکستی مرگ آفرین در آن کارزار

یجدلونک .. کأنما یساقون إلى الموت و هم یظرون

یأس از تخفیف عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ناامیدی دوزخیان از نجات کامل خود از عذاب جهنم و یا تخفیف و بخشش عمده آن

ادعوا ربکم یخفف عنا یومًا من العذاب

دوزخیان، از نگهبانان جهنم درخواست تخفیف تنها یک روز و اندکی از عذاب

خود را دارند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ - گنهکاران نباید از شمول فضل و رحمت خداوند ، ناامید باشند .

ثم تولیتم .. فلولا فضل الله علیکم و رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۲

۲ آدمی ، به هنگام از دست دادن امکانات و موهبت های دنیوی ، از رحمت الهی مأیوس شده و تدبیر خداوند در هستی را منکر می شود .

و لئن أذقنا الإنسن .. إنه لیئوس کفور

<کفور> می تواند از کفر که به معنای انکار است گرفته شده باشد. بر این اساس جمله <إنه ... کفور> اشاره به این دارد که: انسان در پی برخوردار شدن از نعمت و سلب آن نعمت از وی چنین می پندارد که تبدیلهای و تغییرها در هستی به دست خداوند نیست و از اختیار او بیرون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۶

۶- یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، از گناهان بزرگ و امری بس نکوهیده

و من یقنظ من رحمه ربّه إلا الضالّون

اینکه خداوند یأس از رحمت خویش را عمل گمراهان قرار داد و مأیوسان را برابر گمراهان شمرده است، بیانگر بزرگی این عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۹

۹ - دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا ،

به هنگام برخورداری از آنها ، و مایوس شدن از رحمت خدا ، با از دست دادن امکانات ، ناپسند و مذموم است .

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سيئه .. إذا هم يقنطون

آیه، درصدد توبیخ و سرزنش چنین روحیه ای است و <اذا> که فجایه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قوماً غضب الله عليهم قد یسوا من الآخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۸

۸ انسان ها نباید علی رغم ارتکاب گناهان بسیار و یا گرفتار شدن به ارتداد ، از پذیرش توبه خویش و مغفرت و رحمت الهی مایوس باشند .

و الذین عملوا السيئات .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

کلمه <السيئات> جمع <سيئه> است و <ال> در آن مفید استغراق و شمول می باشد.

یأس از عوامل طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۵، ۱۰، ۹

۹- نقش مؤثر دعا در فرزنددار شدن انسان ، حتی در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر

إسمعیل و إسحق إن ربی لسمیع الدعاء

۱۰- امکان فرزنددار شدن انسان در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی ، با اراده و مشیت الهی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربی لسمیع الدعاء

۱۵- دعا ، راه امیدی برای مأیوس شدگان از عوامل طبیعی و عادی در رسیدن به مطلوب خویش

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربی لسمیع الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۴

۴- در لحظه های دشوار ، کارآمد نبودن قدرت های غیر الهی بر ملا می شود و از اسباب ظاهری قطع امید می گردد .

و إذا مسکم . . . ضلّ من تدعون

یأس از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۷

۷ یأس از غیر خداوند و دعای خالصانه به درگاه او، از اسباب استجابت سریع دعا

بل إیاه تدعون فیکشف ما تدعون إلیه

حرف <فاء> برای افاده معنی ترتیب بدون انفصال است. بنابراین میان <تدعون> و <فیکشف> فاصله ای فرض نشده است.

یأس از گمراهگری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من يهد الله فما له من مضلّ

یادآوری گمراه نشدن هدایت یافتگان (مؤمنان)، می تواند به منظور مایوس ساختن کافران و مشرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

یأس از گمراهی آدم(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱۵

۱۵- شیطان ، ناتوان و ناامید از به دام افکندن آدم (ع) و گمراه ساختن او

لأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا

تأکید ابلیس بر گمراه ساختن ذریه آدم(ع) و به میان نیاوردن نامی از خود او، می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

یأس از محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۷ - ۲

۲ - لحظه ناامیدی حاضران بر بستر محتضر و بر زبان آوردن کلمات یأس ، شایان یادآوری برای دل‌بستگان دنیا

و قیل من راق

یأس از مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۳

۳ اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجت آنان ، موجب یأس پیامبران از موفقیت خویش و ایمان آوردن

قومشان

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلَ

متعلق <استیئس> ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

یأس از هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ - یاس پیامبر (ص) از هدایت مشرکان و کافران ، در نیمه نخست رسالت (دوره مکه)

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

درخواست داوری خداوند که به معنای دخالت خداوند با شکست مشرکان در دنیا و یا کیفر دادن در آخرت است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۹ - ۷

۷ - لزوم ارشاد تمام مردم ، هر چند امیدی به پندپذیری برخی

از آنان نیست .

فذكر إن نفع الذكری

چنانچه مراد از <إن>، تشکیک باشد، جمله <إن نفع الذكری> قید <ذكر> نخواهد بود؛ بلکه جمله معترضه ای است که تعریض به وجود افراد تذکرناپذیر در بین مردم دارد. مفاد آیه در این احتمال این است که باید همه مردم را ارشاد کرد ولی مگر تذکر سودی دارد؟! این تعبیر علاوه بر اظهار یأس از سودمندی تذکر برای گروهی از مردم، بر نکوهش آنان نیز دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۶

۶ برخی مردم در مرحله ای از گمراهی قرار می گیرند که دیگر امیدی به هدایت آنان نیست.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

در این آیه گویا مردم به دو بخش تقسیم شده اند: یک دسته به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت می دهند و دسته ای دیگر به تعبیر آیه <الموتی> هستند. و همان گونه که امید به زنده شدن مرده در این جهان واهی است، نمی توان به هدایت این گونه افراد امیدی داشت.

یأس از هدایت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۲

۲- انبیا از هدایت شدن اقوام کافر ناامید شدند و آنان رانفرین کردند .

قالت لهم رسلهم .. و استفتحوا

انبیا پس از ارائه بیّنات و چند گفت و گو با کافران و تهدید شدن از سوی آنان و اعلام تهدید خداوند، از خداوند طلب پیروزی برای خویش کردند و این نشانگر این است که آنان امیدی به هدایت اقوام خویش نداشتند.

یأس از هدایت انسان ها

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۹

۹ مبلغان دینی ، پس از یأس از هدایت پذیری انسانها ، موظف به ابلاغ و بیان معارف الهی نیستند .

فلاتبتئس بما كانوا يفعلون

یأس از هدایت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

یأس از هدایت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

یأس از هدایت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۴

۴ - مؤمن آل فرعون ، پس از تلاش گسترده هدایتگرانه اش ، از تأثیر پذیری قومش مأیوس شد .

فستذکرون ما أقول لكم

از تعبیر و آهنگ <فستذکرون ما أقول لكم> (پس به زودی آنچه را به شما می گویم به یاد خواهید آورد) استفاده می شود

که مؤمن آل فرعون، از هدایت پذیری مردم مایوس بود.

یأس از هدایت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ - ناامید شدن ابراهیم (ع)، از هدایت قوم بت پرست خویش

و قال إني ذاهب

إلى ربّي سيهدين

از تصمیم ابراهیم(ع) برای هجرت از شهر خود پس از نجات یافتن از آتش افروزی مشرکان علیه ایشان برداشت یاد شده به دست می آید.

يأس از هدایت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرني بما كذبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آيس من إيمانهم>. <باء> در <بما كذبون> سببه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما كذبون>، به تأویل <بسبب تكذيبهم إياي> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّي مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح (ع)، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

ولا تزد الظلمين إلاّ ضللاً

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملاً مأیوس بود؛ زیرا اصولاً پیامبران الهی

برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی درازتر قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نو میدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن يؤمن من قومك .. فلا تبتئس بما كانوا يفعلون

برداشت فوق، از تفریح <لا-تبتئس> بر اخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است؛ یعنی، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

یأس از هدایت قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۵

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلى الفلك المشحون

فرار یونس (ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

یأس از هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۱۱

۱۱- هجرت از سرزمین کفر، پس از ناامیدی از هدایت کافران و ناتوانی از ایفای وظایف، امری ضروری و بایسته

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون .. فأسر بعبادی

تکلیف هجرت، پس از شکوه موسی (ع) از فراگیری جرم و نفوذناپذیری فرعونیان در برابر حق و ادامه تعرض های آنان نسبت به بنی اسرائیل، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و

و قال نوح رب لاتذر على الأرض من الكافرين ديارًا

یأس از هدایت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی پیامبر (ص) ، از هدایت مشرکان در مرحله نخست رسالت خویش

فاعبدوا ما شئتم من دونه

برداشت یاد شده با توجه به امر تهدیدی <فاعبدوا..> و مکی بودن این سوره و آیات مورد بحث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۷

۷ پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند دستور یافت یأس و نومیدی خود را نسبت به هدایت یافتن مشرکان ابلاغ کرده و اعلان کند که در انتظار نزول عذاب بر آنان به سر می برد .

فهل ينتظرون .. قل فانتظروا إني معكم من المنتظرين

یأس از هدایت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نومیدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن يؤمن من قومك .. فلا تبئس بما كانوا يفعلون

برداشت فوق ، از تفریع <لا-تبئس> بر اخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است؛ یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار ، پس از

ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم ایای> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه اُنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح (ع) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

ولا تزد الظلمین إلاّ ضللاً

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملاً مأیوس بود؛ زیرا اصولاً پیامبران الهی برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی دراز؛ قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

یأس انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۸

۱۸ > قال المؤمنون: ... یا أبا الحسن (ع) فاخبرنی عن قول الله عزوجل: > حتی إذا استیأس الرسل و ظنّوا أنّهم قد کذبوا جائهم نصرنا < قال الرضا (ع) يقول الله عزوجل: > حتی إذا استیأس الرسل <

من قومهم و ظنّ قومهم أن الرسل قد كذبوا جاء الرسل نصرنا . . .

مأمون [به امام رضا(ع)] گفت: ای ابالحسن! پس مرا خبر ده از سخن خداوند عزوجل: <حتّى إذا استیأس الرسل و ظنّوا أنهم قد كذبوا جائهم نصرنا> امام رضا(ع) فرمود: خداوند می فرماید: تا آن گاه که رسولان از قوم خود ناامید شدند و قومشان گمان کردند رسولان دروغ گفته اند، یاری ما برای پیامبران رسید . . .<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۲

۲- انبیا از هدایت شدن اقوام کافر ناامید شدند و آنان رانفرین کردند .

قالت لهم رسلهم . . . و استفتحوا

انبیا پس از ارائه بیّنات و چند گفت و گو با کافران و تهدید شدن از سوی آنان و اعلام تهدید خداوند، از خداوند طلب پیروزی برای خویش کردند و این نشانگر این است که آنان امیدی به هدایت اقوام خویش نداشتند.

یأس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۶

۶ حالات روحی روانی انسان (ناامیدی ، شادمانی مفرط ، تکبر و . . .) حتی باکمترین سختیو رفاه تغییرپذیر است .

و لئن أذقنا الإنسن . . . إنّه لیئوس کفور. و لئن أذقته نعماء . . . إنّه لفرح فخور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - خداوند ، فرو فرستنده باران ، پس از ناامیدی انسان از بارش آن

و هو الذی ینزلّ الغیث من بعد ما قنطوا

۲ - خداوند ، تنها پناهگاه انسان و نویددهنده او

در مشکلات و ناامیدی ها است .

و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا

آیه شریفه با طرح نزول باران در شرایط ناامیدی، ضمن اشاره به رحمت گسترده الهی، ناظر به این نکته است که در بدترین شرایط هم نباید ناامید شد و باید به خدا پناه برد.

یأس برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۲،۴

۲ فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین، در کناری به دور از یوسف و کارگزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما استیئسوا منه خلصوا نجیاً

از معانی <خلوص> اعتزال و کناره گیری کردن است. <نجی> به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شریفه حال برای فاعل <خلصوا> می باشد. بنابراین <خلصوا نجیاً> یعنی، برادران یوسف از دیگران جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

۴ بازگشت همگان به کنعان، نظر و رأی اکثریت فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین

قال کبیرهم ألم تعلموا .. فلن أبرح الأرض

استفهام در <ألم تعلموا ..> استفهام توییخی است. از نتیجه ای که <لاوی>، فرزند ارشد یعقوب، در سخنان خویش بیان می دارد (فلن أبرح الأرض؛ از دیار مصر نمی روم) معلوم می شود منشأ توییخ و سرزنش او از برادرانش این بوده که آنان را مصمم بر بازگشت می دیده است.

یأس جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فيه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۳

۳ - ناامیدی دوزخیان از نجات کامل خود از عذاب جهنم و یا تخفیف و بخشش عمده آن

ادعوا ربکم یخفف عنا یوماً من العذاب

دوزخیان، از نگهبانان جهنم درخواست تخفیف تنها یک روز و اندکی از عذاب خود را دارند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

یأس حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

یأس خویشاوندان محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۷ - ۲

۲ - لحظه ناامیدی حاضران بر بستر محتضر و بر زبان آوردن کلمات یأس ، شایان یادآوری برای دلپستگان دنیا

وقیل من راق

یأس داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۴

۴ داود و عیسی (ع) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد و لعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از

یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

یأس در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۶۸

۶- انسان ، در برخورد با کمترین سختی ها و ناگواری ها ، دچار یأس و سرخوردگی شدید می شود .

و إذا مسَّ الشرَّ كانَ يوسًا

تعبیر از گرفتار شدن به شرّ و سختی به <مسَّ الشرّ> (شر او را مس کند) حاکی از کمترین ناگواری است.

۸- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و نزل .. شفاء و رحمه للمؤمنين و لا يزيد الظالمين إلا خسارًا . و إذا أنعمنا ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۶

۶- حرص و آز در شرائط رفاه و یأس و ناامیدی به هنگام سختی ، امری ناپسند و موردنکوهش

لايسئم الإنسان من دعاء الخير و إن مسَّه الشرُّ فيئوس قنوط

با توجه به لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۷

۷- ناامیدی و منفی بافی مفرط در سختی ها و سرخوشی مستانه در آسایش ، دو خصلت ناشایست و همگن

و إن مسَّه الشرُّ فيئوس قنوط . و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد ضراء مسّته ليقولنّ ه

یأس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۳،۷

۳ - جرم و گناه ، عامل ناامیدی انسان ، در

قیامت است .

و یوم تقوم الساعة یبلس المجرمون

۷- بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثم کان عقبه الذین أسوأ السوای أن کذبوا بآیت الله .. و یوم تقوم الساعة ی

یأس دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۸

۸- پیامبر اسلام (ص) موضع قاطع و سازش ناپذیری خود را حتی در صورت تنها ماندن به دشمنان اعلام کرد و آنان را از امید بستن به سازش و تسلیم مأیوس ساخت .

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم انی عمل فسوف تعلمون

یأس دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۶

۲۶ روز نصب حضرت علی (ع) به امامت و رهبری ، روز یأس دشمنان دین از شکست اسلام

الیوم یئس الذین کفروا .. الیوم اکملت لکم دینکم

سیاق و لحن آیه حکایت از آن دارد که بین این دو فراز از آیه (یعنی <الیوم یئس> و <الیوم اکملت>)، ارتباط کامل وجود دارد و می رساند که یأس دشمنان، ریشه در اکمال و اتمام دین دارد و این کمال و تمامیت با توجه به شأن نزول با نصب حضرت علی(ع) تحقق پذیرفته است.

یأس زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۲

۲ ملاحظه عوامل طبیعی ، عامل یأس زکریا از اعطای فرزند به او

قال ربّ انّی یکون لی غلام و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۹

۹- زکریا ، طبق عوامل عادی و طبیعی ، از فرزنددار شدن خود ، ناامید بود .

و کانت امرأتی عاقراً فهب لی من لدنک ولیاً

یأس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرافده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرافده شده باشد.

یأس زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرافده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در

آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

یأس شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۲

۲ ناامیدی و یأس شعیب (ع) از ایمان آوردن کفرپیشگان مردم مدین

اعملوا علی مکانکم .. سوف تعلمون ... وارتقبوا

جمله هایی نظیر <هرچه از دستتان برمی آید کوتاهی نکنید ، بر مواضع ناصوابتان بمانید ، به زودی خواهید دانست و منتظر باشید > سخنانی است که آدمی پس از یأس و ناامیدی ، به زبان می آورد. گفتنی است که: <ارتقاب> (مصدر ارتقبوا) به معنای انتظار کشیدن است.

یأس شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۵

۵ شیطان ، مأیوس از گمراه شدن گروهی از مردم توسط وی

و قال لاتخذن من عبادك نصیباً مفروضاً

شیطان، بی تردید خواهان گمراهی تمامی مردم است؛ بنابراین گفته او که برخی از بندگان را به اطاعت از خود خواهم گرفت، حکایت از ناامیدی او نسبت به اغوای همه مردم دارد.

یأس عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۴

۴ داود و عیسی (ع) ، مایوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد و لعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

یأس غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ خدا فراموشان، دارای چهره هایی مایوس و اندوهبار به هنگام نزول عذاب الهی

فلما نسوا به .. فإذا هم مبلسون

ابلاس به معنی ناامید و متحیر شدن است. (قاموس اللغة). ابلاس به حزن و اندوهی گفته می شود که از شدت سختی بر کسی عارض شود. (مفردات راغب).

یأس فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۶

۶ - فرعون از پیروزی خود در برابر معجزه موسی (ع) مایوس شده و تنها به حمایت ساحران چشم دوخته بود .

قال نعم و إنکم إذا لمن المقربین

تلاش فرعون برای جلب حمایت ساحران از خود، به هر قیمت ممکن و بیش از انتظار آنها، گویای برداشت یاد شده است.

یأس قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ قوم ثمود ، امید های خویش درباره صالح (ع) را به خاطر مبارزه او علیه شرک ، بر باد رفته می دیدند .

قد كنت فينا مرجوًا قبل هذا أتتهنا أن نعبد ما يعبد آباؤنا

قید <قبل هذا> دلالت بر قطع

امید قوم ثمود از صالح(ع) دارد و جمله <أتنهنا> بیانگر دلیل و علت آن است.

یأس قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۸

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاّب فسادها و ارتکاب رفتارهای پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ تنها کفرپیشگان به یاری خدا امید ندارند و از رحمت او مأیوسند .

لا یأیئس من روح الله إلا القوم الکفرون

مراد از <کافرون> در آیه شریفه ، منکران قدرت خدا و رحمت آفرینی او و آگاهیش به نیاز بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۲

۲ - یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فيه ملبسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۵

۵- قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۷

۷- یأس و ناامیدی کافران از دستیابی به اهداف و آرمان های خود

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعة يحسبه الظمآن

ماء حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <يحسبه الظمان..لم يجده شيئاً> مربوط به دنیا باشد یعنی، در همین دنیا است که کافران همچون تشنگان، به نتیجه اعمال خود و در پی نیل به اهداف خویش اند و ولی به آن دست نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلى خروج من سبيل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران، مأیوس و ناتوان از مقابله با پیامبر (ص) و پیشگیری از دعوت آن حضرت

نترّص به ريب المنون

پناه بردن کافران به آرزو و دل بستن به حادثه، نشانه یأس آنان از مقابله کارساز با پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۲

۲ - مرگ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیرهای خویش و نقطه های امید

فيه يصعقون . يوم لا يغني عنهم كيدهم شيئاً

در صورتی که <يَوْمَهُمُ الَّذِي..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳

۳- پیامبر (ص) در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود

را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم و لی دین

یأس گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۱

۱- در پی توصیه ملائکه به ابراهیم (ع) برای اجتناب از یأس ، او تنها گمراهان را مأیوس از رحمت خداوند خواند .

فلاتکن من القنطین . قال و من یقنط من رحمه ربّه إلا الضالون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۸

۸- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزل .. شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلا خساراً . و إذا أنعمنا ع

یأس گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۵

۲۵ گنهکار نباید از آموزش و رحمت خداوند مأیوس باشد.

من عمل منکم سوءاً .. فأنه غفور رحیم

یأس گناهکاران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۲

۲۲ برخی مردم در صدر اسلام، با وجد علاقه به اسلام، به سبب گناهان و خلافهای گذشته خود امید راه یافتن به جرگه

مؤمنان را نداشتند.

و إذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم .. أنه من عمل منكم سوءاً بجهله

<إذا جاءك الذين يؤمنون> دلالت دارد که برخی از مردم، که متمایل به اسلام بودند، نزد پیامبر(ص) می آمدند، ولی از عملکرد

گذشته خویش بیمناک بودند. آیه شریفه با وعده رحمت و مغفرت به آنان در صدد جذب سریعتر آنان به ایمان است.

یأس لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۱

۱ - ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

یأس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۲

۲ پیامبران ، در صورت ناامیدی از ایمان آوردن کفرپیشگان ، وظیفه ای از جهت تبلیغ رسالت ، برعهده نداشتند .

و قُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، از هدایت یافتن گروهی از کفرپیشگان عصر بعثت مأیوس بود .

قُلْ كَلِّمْتُمْ بَعْضَ فِتْرَتِكُمْ فَاسْتَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی پیامبر (ص) ، از هدایت مشرکان در مرحله نخست رسالت خویش

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ

برداشت یاد شده با توجه به امر تهدیدی <فاعبدوا..> و مکی بودن این سوره و آیات مورد بحث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۳

۳ - ناامیدی و یأس پیامبر اسلام (ص) از ایمان آوردن کفرپیشگان در نیمه نخست رسالت

قل يقوم اعمالوا علی مکانتکم انئی

عمل فسوف تعلمون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، از ایمان آوردن مردم مکه ناامید بود. از این رو آنان را به خودشان و نهاده و به آنان فرمود: هر چه از دستتان برمی آید، انجام دهید و بر مواضع نادرست خود باقی بمانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ - یاس پیامبر (ص) از هدایت مشرکان و کافران ، در نیمه نخست رسالت (دوره مکه)

أنت تحکم بین عبادك فی ما كانوا فیہ یختلفون

درخواست داوری خداوند که به معنای دخالت خداوند با شکست مشرکان در دنیا و یا کیفر دادن در آخرت است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۸ - ۲

۲ - یاس و ناامیدی پیامبر (ص) ، از ایمان آوردن مشرکان مکه

وقیله یربّ إنّ هؤلاء قوم لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳،۶

۳ - پیامبر (ص) در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم و لی دین

۶ - پیامبر (ص) پس از ناامیدی از ایمان کافران ، از آنان خواست برای پایبندی او به دین خود ، مشکل آفرین نباشند .

و لی دین

یاس مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۱

۱ - کافران

به آیات الهی و لقاء الله ، از رحمت خداوند ، مأیوس اند .

و الذین کفروا بأیت الله و لقاءه أولئک یشوا من رحمتی

یأس مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۳

۳ - کافران به قرآن ، مأیوس از رحمت خداوندند .

و الذین کفروا بأیت الله .. أولئک یشوا من رحمتی

یأس مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۱

۱ - کافران به آیات الهی و لقاء الله ، از رحمت خداوند ، مأیوس اند .

و الذین کفروا بأیت الله و لقاءه أولئک یشوا من رحمتی

یأس موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۲

۲ نامیدی موسی (ع) از حرکت بنی اسرائیل و مبارزه با جباران برای ورود به سرزمین مقدس

قال رب انی لا املک الا نفسی و اخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۶

۶ موسی (ع) از ایمان آوردن فرعونیان به خدا و پذیرش تعالیم وی ناامید شد .

عسی ربکم أن یهلك عدوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۳

۳- نفرین موسی (ع) به درگاه پروردگار، پس از ناامیدی از هدایت فرعونیان

و إن لم تؤمنوا .. فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

<دعا> در مقام شکایت، دربردارنده درخواست مجازات است.

یأس مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

۴ - مؤمن آل فرعون ، پس از تلاش گسترده هدایتگرانه اش ، از تأثیرپذیری قومش مأیوس شد .

فستذکرون ما أقول لكم

از تعبیر و آهنگ <فستذکرون ما أقول لكم> (پس به زودی آنچه را به شما می گویم به یاد خواهید آورد) استفاده می شود که مؤمن آل فرعون، از هدایت پذیری مردم مأیوس بود.

یأس مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

۶ برخی از مؤمنان مأیوس از پیروزی در جنگ بدر و مطمئن به شکستی مرگ آفرین در آن کارزار

یجدلونک .. کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

یأس نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۲،۷

۲ خداوند ، در پی تلاش های حضرت نوح (ع) و مؤثر نبودن آن تلاشها ، او را از ایمان آوردن کفرپیشگان قومش مأیوس کرد .

و أوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک إلا من قدامن

فاعل <لن یؤمن> کلمه ای همانند <أحد> می باشد یعنی: <لن یؤمن أحد من قومک.> <إلا> به معنای <غیر> و صفت برای <أحد من قومک> است نه استثنای از جمله <لن یؤمن...> زیرا استثنای مؤمنان از جمله سابق، استثنای وجیه بلکه صحیحی نیست. بنابراین جمله <لن یؤمن...> چنین معنا می شود: احدی از افراد غیر مؤمن قومت (کافران آنان) ایمان نخواهد آورد.

۷ نومیدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن یؤمن من

قومك .. فلا تبتئس بما كانوا يفعلون

برداشت فوق ، از تفریع <لا-تبتئس> بر اخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است؛ یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <قال بعد ما آیس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم ایای> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۴

۴ - التجای نوح (ع) به ربوبیت خدا در شرایط یأس و هجوم مشکلات بر سر راه رسالتش

قال رب ان قومی کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۳

۳ - ناامیدی شدید نوح (ع) از گرایش کافران قومش به ایمان و رنج عمیق وی از کفرورزی آنان

و نجنی و من معی من المؤمنین

از این که نوح(ع) از پیشگاه خدا خواستار فیصله یافتن نزاع میان او و قومش شده است، نشان می دهد که او دیگر هیچ گونه امیدی به گرویدن قومش به خود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲،۵

نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه اُنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

۵ - غلبه همه جانبه قوم نوح بر آن حضرت و بستن تمامی راه های امید بر روی ایشان

اُنّی مغلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح (ع) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

و لاتزد الظلمین إلاّ ضللاً

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملاً مأیوس بود زیرا اصولاً پیامبران الهی برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی درازتر قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۲

۲ - ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

وقال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دياراً

یأس یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۵

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر ، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلى الفلك المشحون

فرار یونس (ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

یأس یهود از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۱ - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لن يتمنوه أبداً

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن يتمنوه أبداً بما قدمت أيدیهم

یأس و امید

{یأس و امید}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ سرزنش مؤمنان به خاطر وجود یأس در میان آنان

الن یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلثه الاف من الملائکه

لحن آیه با کلمه استفهام، دلالت بر توییح کسانی دارد که در نبردها و رویارویی با دشمنان دین، علی رغم وعده های الهی به امداد آنان، دچار دلهره و یأس می شوند و سستی میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۲ - ۵

۵ امید برخورداری از رحمت الهی ، برانگیزاننده مردم برای پیروی خدا و رسول (ص)

و اطیعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون

یاور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

یاور

محرومیت مشرکان از یاور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - مشرکان هواپرست ، از داشتن هرگونه یاوری ، در برابر اراده الهی ، محروم اند .

فمن یهدی من أضلّ الله و ما لهم من نصرین

ملاکک یاور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۸

۸ - انسان ها ، دارای گرایشی درونی به قدرتی برتر جهت انتخاب ولیّ و یاورند .

و ما

لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

نفی مطلق غیر خدا برای ولایت و یاور، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و اتکا به ولیّ برتر است.

نیاز به یاور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان در قیامت ، نیازمند ولایت و یاور است .

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

یاور ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲

۲ - اسماعیل (ع) ، کمک کار پدرش ابراهیم (ع) در مسائل اجتماعی و زندگی

فلّمّا بلغ معه السعی

از آمدن قید <معه> (در معیت او) برداشت یاد شده به دست می آید.

یاور اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۴

۴ - خداوند ، یگانه معبود به حق و تنها پشتوانه انسان در قیامت

این ما کنتم تعبدون . من دون اللّٰه هل ینصرونکم أو ینتصرون

یاور اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

ہی مولیکم

یاور اخروی منافقان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

ہی مولیکم

یاور انبیا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۷

۷ خداوند ، یاری کننده پیامبران خویش و سرکوب کننده مخالفان ایشان

حتی إذا استیئس الرسل .

.. جاءهم نصرنا

یاور انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۷

۷ برای انسان ها ، هیچ سرپرست و یاوری جز خداوند نیست .

و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یاوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و کفی برّبک هادیّا و نصیرًا

یاور انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۱۰، ۵

۵ - انسان ها ، جز خداوند یاوری ندارند .

و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

۱۰ - مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یاوری برای بندگان جز او

له ملک السموت و الأرض و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۹

۹ تنها خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لكم من دون الله من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۴ - ۲

۲- تنها ، خداوند ، قادر بر یاری رساندن در بحبوحه قطع همه اسباب ظاهری است .

هنالك الوليه لله الحقّ

اهل لغت، تفاوتی را بین معنای <وَلَايَت> و <وَلَايَت> ذکر کرده اند و آن این که <وَلَايَت> به معنای نصرت است و <وَلَايَت> به معنای سرپرستی و تدبیر. گرچه برخی مفسران این

تفاوت را انکار کرده اند، (ر.ک: المیزان) ولی با توجه به موارد مشابه در آیات دیگر و نیز آیه قبل که سخن از نصرت است، به نظر می رسد این معنا در این مورد، اقرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۳

۳ - خدا، تنها دستگیر و یاور مردمان در دنیا و سرای آخرت

من كان يظنّ أن لن ينصره الله في الدنيا و الآخره. .. هل يذهبنّ كیده ما يعيظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۹

۹ - تنها خداوند، ولی و یار و یاور حقیقی انسان است .

و الذين اتّخذوا من دونه أولياء ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله زلفى

محکوم شدن ولّی و یاور گرفتن غیرخدا که از جمله بعد استفاده می شود (إِنَّ اللَّهَ يَحْكُم بَيْنَهُمْ..) بیانگر این است که تنها خدا ولّی و یاور حقیقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۵

۵ - انسان ها، هیچ گونه سرپرست و یآوری جز خداوند ندارند .

و ما لكم من دون الله من ولّی و لا نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۶

۶ - تنها خداوند، سرپرست و یاور حقیقی انسان ها، در دنیا و آخرت است .

ولا یغنی . . . ما اتّخذوا من دون الله أولياء

یاور اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ -

۴- خداوند ، تنها یاور قابل اتکا ، به هنگام عذاب و گرفتاری ها است .

هنالك الوليه لله الحق

چنان چه <هنالك> اشاره به زمان عذابی باشد که <أُحيط بثمره> بر آن دلالت داشت، مراد این است که هنگام نزول عذاب، امید آدمی به اسباب، منقطع گشته و تنها نقطه امیدبخش، نصرت خدای یگانه است.

یاور دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶ - قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لينصرن الله من ينصره إن الله لقوى عزيز

یاور مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۳۰

۳۰ - ستایش خدا از سرپرستی خود نسبت به مسلمانان و یاری رساندن به آنان

هو سمّیکم المسلمین .. فنعم المولى و نعم النصير

یاور مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۵

۵ - مشرکان ، معبود ها را یار و یاور خود می دانستند .

و الذين اتّخذوا من دونه أولياء

<ولی> (مفرد <أولياء>) در لغت به سه معنا آمده است: محب، صدیق و نصیر (قاموس المحيط و مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه جمله بعد (ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله) در معنای سوم به کاررفته است.

یاور موحدان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۱۳

۱۳- خداوند ، فراهم آورنده شرایط مناسب ، برای استوار ماندن یکتاپرستان مهاجر ، بر عقیده توحیدی خویش

و یهییء

لکم من أمرکم مرفقاً

یاور موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۳

۳ برادر موسی (هارون) شریک او در دریافت وحی و یاور او در امر رسالت بود .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوءا لقومکم بمصر بیوتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۳ - ۲

۲- هارون (ع) ، در خدمت اهداف موسی (ع) بود و او را در انجام رسالت های الهی اش یاری می کرد .

و وهبنا له .. هرون

تعبیر <بخشیدن هارون به موسی> مبالغه در خدمت گذاری کامل او به اهداف الهی برادرش موسی (ع) است. <نبیاً> حال است و بیانگر این که <هارون> در حالی که خود نیز پیامبر بود، کمر به خدمت موسی (ع) بسته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۵ - ۴

۴ - هارون ، یار و مددکار موسی (ع) در رسالت

ثم أرسلنا موسی و أخاه هرون

ذکر <اخوت> که در تعبیرات کنایی به معنای معین و پشتیبان به کار می رود علاوه براین که بیانگر نسبت سببی هارون با موسی (ع) است، می تواند اشعار به این نکته نیز داشته باشد که رسالت اصلی، بر دوش موسی بوده و رسالت هارون، یاری کردن و مدد رساندن به او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۵ - ۲،۵

۲ هارون ، برگزیده خداوند برای معاونت و یاری حضرت موسی (ع)

(در امر خطیر رسالت

و لقد ءاتینا موسی الکتب و جعلنا معه أخاه هرون وزیرًا

<وزیر> که از واژه <وزر> (به معنای ثقل) گرفته شده است اسم برای شخصی است که بارسنگین مسئولیت پادشاهی را بر دوش گیرد و نقش مشاور او را داشته باشد و با رأی خود او را کمک کند (قاموس المحيط).

۵ رسالت و مسئولیت اصلی هدایت و رهبری جامعه بر دوش حضرت موسی (ع) بود و هارون تنها نقش معاونت و مشاورت او را بر عهده داشت .

و لقد ءاتینا موسی الکتب و جعلنا معه أخاه هرون وزیرًا

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که دریافت کننده کتاب و شریعت، حضرت موسی (ع) بود و برادرش هارون، تنها به عنوان معاون و مشاور او معرفی گردیده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۲

۲ هارون ، شریک و همتای موسی (ع) در امر رسالت و تبلیغ فرعون و قوم او

و لقد ءاتینا موسی الکتب .. أخاه هرون وزیرًا. فقلنا اذهبوا إلى القوم الذین کذّ

یاور مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۷ - ۱۰

۱۰- هدایت شدگان ، از عنایت خداوند و از مددکار و یاورانی برخوردار خواهند بود .

فمنهم من هدی الله و منهم من حقت علیه الضلله .. فإن الله لا یهدی من یضلّ و ما

از آن جایی که خداوند مردم را دو گروه هدایت پذیر و گمراه معرفی کرده و گمراهان را محروم از هدایت خدا و یار و یاور دانسته است، به

قرینه مقابله می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

یاوه گویی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار یاوه گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - یاوه گویی ، نشانه جهل و نادانی انسان است .

و إذا سمعوا اللغو . . . و قالوا ... لا نبتغي الجاهلین

اجتناب از یاوه گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۵

۵ - رعایت ادب در سخن گفتن و پرهیز از بیهوده گویی ، امری ستوده و مورد توصیه خداوند

و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

تهمت یاوه گویی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ - اتهام یاوه سرایی ، حربه کافران علیه پیامبر (ص) و مؤمنان بود .

ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

باطل، در اصل، به معنای <بی ثبات و بی ریشه> است. گاهی، درباره کسی به کار برده می شود که مطلبی عاری از حقیقت بگوید (مفردات راغب).

تهمت یاوه گویی به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۱،۱۳

۱۱ - اتهام یاوه سرایی ، حربه کافران علیه پیامبر (ص) و مؤمنان بود .

ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

باطل، در اصل، به معنای <بی ثبات و بی ریشه> است. گاهی، درباره کسی به کار برده می شود که مطلبی عاری از حقیقت بگوید (مفردات راغب).

۱۳ - کافران ، سخنان مؤمنان پیرو پیامبر (ص) را نیز عاری از حقیقت می دانستند .

و

لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

جمع آورده شدن مخاطب کافران (إن أنتم..). در خطاب به پیامبر(ص) احتمال دارد از این جهت باشد که آنان، می خواستند با این موضع گیری، مدافع فکری برای پیامبر(ص) باقی نگذارند و گفته های مؤمنان را نیز پیشاپیش، مخدوش اعلام کنند.

کیفر یاوه گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرزّصون ... یوم هم علی النار یفتنون

کیفر یاوه گویی علیه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - عذاب دردناک و شدید ، کیفر یاوه سرایی علیه رسولان الهی است .

ما قد قیل للرسل ... ذو عقاب ألیم

یاوه گویی مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۶

۶ - مخالفان پیامبر (ص) ، مردمی یاوه گو و باطل اندیش بودند .

إذا لارتاب المبطلون

<مبطل> به معنای <یاوه گو> و <مدعی بطلان حق> است.

یاوه گویان

اجتناب از مقابله به مثل با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۲

۲ - پرهیز ایمان آوردگان از اهل کتاب ، از مقابله به مثل کردن در برابر سخنان یاوه و بی ادبانه افراد نادان

و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

اجتناب از همنشینی با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

۱۲ - لزوم پرهیز از هم نشینی با افراد نادان و یاوه گو

لانبغی الجهلین

ترک گفتگو با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۹

۹ - لزوم قطع گفتوگو با یاوه گویان ، جدا شدن از آنها و رها کردن آنان به حال خویش

و قالوا .. سلم علیکم

<سلام علیکم> معادل تعبیر <بدرود> است که در وقت تودیع گفته می شود.

روش برخورد با یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱،۳،۴،۱۰

۱ - مواجه شدن ایمان آوردگان از اهل کتاب ، با یاوه گویی مخالفان نادان

الذین ءاتینهم الکتب من قبله .. و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

۳ - ستایش خداوند از ایمان آوردگان اهل کتاب به خاطر رفتار پسندیده آنان در برابر یاوه گویان

و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

۴ - سکوت در برابر یاوه گویان ، نمودی از بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب

أولئك یؤتون أجرهم مرتین بما صبروا .. و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

۱۰ - رعایت ادب و حفظ منش بزرگوارانه از سوی ایمان آوردگان از اهل کتاب به هنگام جدا شدن از یاوه گویان و وانهادن

آنان به حال خویش

و قالوا .. سلم عليكم

سرزنش مقابله به مثل با ياوه گويان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۶

۶ - مقابله به مثل کردن در برابر ياوه گویی جاهلان ، امری نکوهیده در بينش الهی و به دور از شأن مؤمنان

و

إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

نفرین بر یاوه گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخزصون

یتیم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{ یتیم }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره ایتام

و یسئلونک عن الیتامی

آثار اجتناب از احترام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۵ - ۲

۲ - ترک یتیم نوازی ، بی توجهی به تغذیه فقیران ، تصاحب ارث دیگران و دلبستگی شدید به ثروت ، مایه گرفتاری به

عذابی بی نظیر در قیامت

فیومئذ لا یعذب عذابه أحد

ضمیر <عذابه> ، ممکن است به انسان برگردد که در آیات پیشین ویژگی های او بیان شده بود. در این صورت عذاب که

اسم مصدر و به معنای تعذیب است به مفعول خود اضافه شده است و مفاد آیه شریفه این است که عذاب کردن آن فرد، به

گونه ای انجام می گیرد که کسی جز خداوند آن گونه عذاب نمی کند.

آثار احترام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۸

۸ - راه دستیابی به عزّت و گران قدری در پیشگاه خداوند ، گرمی داشتن یتیمان است ؛ نه برخورداری از رفاه و ثروت .

و نعمة فيقول ربّي أكرمن .. كلاً بل لا تكرمون اليتيم

آثار انفاق به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا .. إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزَاءً وَكَانَ سَعِيكُمْ مَشْكُورًا

آثار بلوغ یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۲

۱۲- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لا تقربوا .. حتی یبلغ أشده

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حفظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی یبلغ أشده> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتم است؛ بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

آثار بی احترامی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۹

۹ - ذلت و خواری در پیشگاه خداوند ، نتیجه بی احترامی به یتیمان است؛ نه کاهش ثروت .

رَبِّي أَهْنَن . كَلَّا بَل لَّا تَكْرَمُونَ الْيَتِيمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۳

۳ - کسانی که یتیمان را گرامی نداشته و بر

تغذیه مساکین توصیه نمی کنند و به ناحق ارث دیگران را تصرف کرده و به مال دنیا دل بسته اند ، در قیامت به سخت ترین شکل به بند کشیده خواهند شد .

لاتکرمون .. لاتحْضون ... تأکلون ... تحبّون ... و لایوثق وثاقه أحد

ممکن است ضمیر <وثاقه> به <الإنسان> برگردد. در این صورت <وثاق> به مفعول خود اضافه شده است.

آثار تحقیر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۴

۴ - خداوند ، کسانی را که به شخصیت یتیمان بها ندهند ، گرامی نخواهد شمرد .

يقول ربّي أكرمن .. كلاً بل لاتكرمون الیتیم

آثار ترشروی با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۴

۴ - ترش رویی در برابر یتیمان و رد خواسته های آنان ، دورسازنده انسان از قرب به خداوند است .

فذلک

<ذلک>، اسم اشاره ای است که برای دور به کار می رود و در آیه شریفه یا برای تحقیر به کار رفته و یا نشانگر دوری از خداوند است.

آثار رد خواسته های یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۴

۴ - ترش رویی در برابر یتیمان و رد خواسته های آنان ، دورسازنده انسان از قرب به خداوند است .

فذلک

<ذٰلِكَ>، اسم اشاره ای است که برای دور به کار می رود و در آیه شریفه یا برای تحقیر به کار رفته و یا نشانگر دوری از خداوند است.

آثار ولایت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۷

۱۷- قبول سرپرستی اموال یتیم ، تعهدی مسؤولیت آور است . *

و لاتقربوا مال الیتیم . . . و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً

احتمالاً <أوفوا..> با توجه به اینکه پس از جمله <لا-تقربوا مال الیتیم> آمده است، از نوع ذکر عام پس از خاص باشد. بنابراین کفالت اموال یتیمان، می تواند از موارد معاهدات باشد.

آثار یتیم نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۶

۶ - یتیم نوازی ، لازمه پذیرش روز جزا و نشانه کام یابی در آن است .

یکذب بالدين . فذلک الذی یدع الیتیم

اجتناب از سلطه بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۱،۲

۱ - پرهیز از تحمیل خواسته های خود بر یتیمان ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

فأما الیتیم فلاتقهر

<قَهْر> به معنای مسلط شدن است. خداوند را <قاهر> می گویند زیرا خلق را مقهور تسلط و قدرت خویش ساخته و آنان را بر وفق آنچه اراده اش تعلق گرفته چه دلخواه آنان باشد و چه از آن اکراه داشته باشند متحوّل ساخته است. (تاج العروس)

۲ - خداوند ، با گوشزد کردن یتیمی پیامبر (ص) و مراقبت های خویش از آن حضرت ، او را به پرهیز از سلطه بر یتیمان فراخواند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی . . . فأما الیتیم فلاتقهر

حرف <فاء>، این آیه را بر جمله مناسب آن در آیات پیشین، تفریع کرده است.

اجتناب از غصب ارث یتیم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۳

۳ - لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترک تجاوز به حق ارث آنان

لا تکرمون الیتیم . . . و تأکلون التراث اکلاً لما

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

احترام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - کسانی که در تنگنای اقتصادی به سر می برند ، در صورت احترام به یتیمان و ترغیب دیگران به فقرزدایی از جامعه ، نزد خداوند گرامی بوده و از حقارت و خواری مبرا خواهند بود .

فیقول ربی آهنن . کلاً بل لا تکرمون الیتیم . و لاتحضون علی طعام المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۸

۸ - ارج نهادن به یتیمان ، تغذیه نیازمندان ، پرهیز از غصب ارث دیگران و دل نبستن به ثروت ، توشه هایی سودمند برای آخرت

لا تکرمون . . . لاتحضون . . . تأکلون . . . تحبون . . . یلیتینی قدّمت لحياتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۴

۴ - آزمون دانستن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، سیر کردن گرسنگان ، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، زمینه ساز اعتماد به رهایی از

فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ

<نفس مطمئن> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، میرا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۸

۸ - آزمون دیدن فقر و غنا ، گرامی داشت یتیمان ، تغذیه فقیران ، ترک تصرف ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی ، مایه احساس رضایت انسان از خداوند و زمینه ساز رضایت خداوند از او است .

فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً

نفس <راضی> و <مرضی> به قرینه آیات پیشین انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، میرا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۵

۵ - اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا ، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان ، قطع حرام خواری و دل نبستن به ثروت ، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. وَادْخُلِي جَنَّتِي

احسان به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۷، ۱۳، ۳

۳ - احسان به پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از جمله پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ

<إحساناً> مفعول مطلق برای فعل محذوف <تحسنون> یا <احسنوا> می باشد. کلمات <ذی القربى و ...> عطف بر <الوالدین> است.

پدر، مادر، یتیمان و مساکین از وظایف ضروری اهل ایمان است.

و بالوالدین إحساناً و ذی القربی و الیتمی و المسکین

فرمانهای موجود در آیه، هر چند که به عنوان میثاقهای خدا با بنی اسرائیل مطرح شده است، ولی بیان آن در قرآن نشانه این است که: عمل کردن به آن فرمانها وظیفه همگان خصوصاً اهل ایمان است.

۱۷ - یکتا پرستی و احسان به والدین، خویشان، یتیمان و درماندگان، از مصادیق اعمال شایسته است.

و عملوا الصلحت .. لاتعبدون إلا الله و بالوالدین إحساناً ... و المسکین

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از <الصلحات> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۸، ۱۵، ۲۰

۸ ضرورت احسان و نیکی به خویشاوندان، یتیمان و درماندگان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتمی و المساکین

۱۵ ضرورت احسان به ایتام و اولویت دادن به آنان، پس از پدر، مادر و خویشان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتمی

۲۰ احسان به ایتام، نیازمندان و درماندگان، زمینه جلب محبت الهی

و الیتمی و المساکین و ابن السبیل .. انّ الله لا یحبّ من کان مختالاً فخوراً

احکام مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱، ۳، ۴

۱ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل <لاتقربوا> (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد که از جمله تصریح و تأکید

بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

۳- تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

و لا تقربوا .. إلا بالتی هی أحسن

<التی> صفت برای کلمه ای مانند <الخصله> (طریقه و روش) است. بنابراین <لا-تقربوا ... إلا ...> یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

۴- به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه <أحسن> (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۸، ۷، ۳، ۱

۱- تصرف بی جا و حیف و میل اموال یتیمان ، ممنوع و حرام است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

۳- پرهیز از هرگونه امری که موجب حیف و میل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن شود ، واجب و لازم است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

۷- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

۸- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

۱۰- عهده داران مال یتیم ، موظف به انتخاب ثمربخش ترین شیوه حفظ و به کاراندازی آن

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب <لاتقربوا..> متصدیان امور یتیمان باشند که خداوند،

به آنها دستور می دهد: <جز با رعایت مصالح آنها، نباید در آن اموال دخل و تصرف کنند>. بنابراین مراد از <التي هي أحسن> تصرف ثمربخش و مفید است.

۱۱- یتیم، از تصرف در مال خویش تا هنگام رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی، ممنوع است.

حتى يبلغ أشده

<حتى يبلغ أشده> غایت کفالت یتیم است؛ یعنی، شما ای متکفلان ایتام! از اموال آنها مراقبت کنید و در آنها دخل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

۱۲- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لا تقربوا .. حتى يبلغ أشده

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حفظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتى يبلغ أشده> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتام است؛ بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

احکام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱،۴،۵

۱ وجوب پرداخت اموال یتیم به وی

و اتوا الیتامی اموالهم

۴ حرمت تبدیل و تعویض اموال مرغوب یتیم، به اموال غیر مرغوب

و اتوا

الیتامی اموالهم و لا تبدلوا الخیث بالطیب

۵ حرمت تصرف غاصبانه در اموال یتیمان

و اتوا الیتامی اموالهم .. و لا تاكلوا اموالهم الی اموالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۸

۱۸ ضرورت پرهیز از سپردن اموال یتیمان به آنها، قبل از رسیدن آنان به مرحله رشد

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: هم الیتامی لا تعطوهم اموالهم حتی تعرفوا منهم الرشد ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۲۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۹، ۴، ۳، ۲

۲ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتى اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

۳ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی، دو شرط برای جواز تصرف یتیمان در اموال خود

و ابتلوا الیتامی .. فادفعوا الیهم اموالهم

۴ وجوب ردّ اموال یتیمان، پس از بلوغ جنسی و احراز رشد اقتصادی آنان

و ابتلوا الیتامی .. فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: ایناس الرشد حفظ المال.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۶۴، ح ۷، ب ۱۱۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۴، ح ۶۰.

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولی یتیم از مال وی، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم

نبودن (کافی بودن) آن مال

و من كان فقيراً فلياكل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلك رجل يحبس نفسه عن المعيشه فلا بأس ان يأكل بالمعروف اذا كان يصلح لهم اموالهم فان كان المال قليلا فلا ياكل منه شيئاً . . .

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۳

۳ جواز تصرف در اموال یتیمان، در صورتی که ظلم به آنها نباشد.

انّ الذین یا کلون اموال الیتامی ظلماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲۳، ۱۱، ۵

۵ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

<أشد> به معنای تجربه و شناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسبت مورد، مقصود از <أشد> تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

۱۱ مراعات کردن عدالت در مبادلات و انتخاب سودمندترین روش برای تصرف در اموال آنها بیش از توان متعارف واجب نیست.

إلا بالتی هی أحسن . . . و أوفوا الکیل ... لانکلف نفسا إلا وسعها

بیان این حقیقت که <خداوند انسان را بیش از توانش تکلیف نمی کند> پس از فرمانهای یاد شده، اشاره به این دارد که مکلفان برای رعایت آن فرمانها لازم نیست خود را به مشقت اندازند. چرا که انجام تکلیف تا حد قدرت متعارف فرض است و نه بیش از آن.

عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله(ع) قال: سأله أبي و أنا حاضر عن اليتيم متى يجوز أمره؟ قال: حتى يبلغ أشده قال: و ما أشده؟ قال: الاحتلام قال قلت: قد يكون الغلام ابن ثمان عشرة سنه او اقل او اكثر و لا يحتلم؟ قال: إذا بلغ و كتب عليه الشيء جاز أمره إلا أن يكون سفيها او ضعيفا.

عبدالله بن سنان گوید: پدرم از امام صادق(ع) درباره یتیم سؤال کرد که در چه زمانی تصرفات او صحیح و معتبر است؟ فرمود: زمانی که به حد رشد برسد. بار دیگر پرسید: رشد او چه زمانی است؟ فرمود: زمان محتمل شدن است. پرسید: گاهی جوان به هجده سالگی یا کمتر یا بیشتر می رسد، ولی محتمل نمی شود؟ فرمود: هرگاه به سن بلوغ و حد تکلیف رسید، تصرفاتش صحیح و معتبر است مگر اینکه سفیه و یا ضعیف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۲،۲۰

۱۲- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لا تقربوا .. حتی يبلغ أشده

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حفظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی يبلغ أشده> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتم است، بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به

بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

۲۰- > عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (ع) قال : سأله أبي و أنا حاضر عن اليتيم حتى يجوز أمره ؟ قال : > حتى يبلغ أشده < قال : و ما > أشده < قال : الإحتلام ، ... ;

عبدالله بن سنان گوید: من همراه پدرم بودم که او از حضرت امام صادق(ع) در باره یتیم سؤال کرد که چه موقع امر او نافذ است؟ حضرت فرمود: <حتی يبلغ أشده> پدرم پرسید مقصود از <أشده> [در سخن خدا] چیست؟ حضرت فرمود: محتمل شدن ... <.

ارزش معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۶

۶- ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان ، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است .

کَلَّا بِلْ لَاتُكْرَمُونَ الْيَتِيمَ

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد؛ به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درك شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

ازدواج با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱،۲،۳

۱ ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از بی عدالتی نسبت به آنان

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء

جزای شرط <ان خفتم> حذف شده و <فانکحوا>، جانشین آن جزاست. یعنی: <ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فلا تنکحوهن و انکحوا>. و این نهی بنابر آنچه در شأن نزول آمده ناظر به ازدواج برخی از مردم با یتیمان، بدون پرداخت مهریه

مناسب به آنان است.

۲ ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم .. و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله <ان خفتم .. >، استفاده می شود که ازدواج با دختران یتیم در صورت ترس از بی عدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

۳ ازدواج با یتیمان، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۴

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم، به قصد پایمال کردن حقوق آنان، در عصر بعثت

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۳ بیزاری از ازدواج با دختران یتیم، از اخلاق و رسوم جاهلی

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه پس از <ترغبون> کلمه <عن> مقدر باشد که در این صورت، <رغبت> به معنای اعراض کردن خواهد بود.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

<رغبت> به معنای اعراض باشد، جمله <و ترغبون...> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله <لا- تؤتونهن ما کتب لهن>.

استفاده از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ برداشت از اموال یتیم در قبال خدمت به وی، بر ولی ثروتمند حرام است.

و من کان غنیاً فلیستعفف

برخی برآنند که مراد از تصرف و بهره گیری از اموال یتیم، بهره هایی است که ولی و سرپرست یتیمان به عنوان کارمزد از اموال یتیم می گیرد.

۱۱ استفاده نکردن ولی غنی از اموال یتیمان در قبال خدمت به آنان، امری نیکو و پسندیده (مستحب)

و من کان غنیاً فلیستعفف

در برداشت فوق <فلیستعفف> (باید از تصرف در اموال یتیم بپرهیزد)، بر معنای استجابی حمل شده است؛ چون مقابل <فلیاکل> قرار گرفته که دلالت بر وجود ندارد.

۱۲ جواز بهره گیری متعارف ولی از مال یتیم، در قبال خدمت به او، در صورت فقر

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولی یتیم از مال وی، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن (کافی بودن) آن مال

و من کان فقیراً فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلک رجل یحبس نفسه عن المعیشه فلا بأس ان یأکل بالمعروف اذا کان یصلح لهم اموالهم فان کان المال قلیلاً فلیاکل منه شیئاً... .

دارایی وی ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصی او القیم فی اموالهم و ما یصلحهم.

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۴۶، ح ۶۷.

۲۱ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من کان فقیراً فلیأخذ من مال الیتیم قدر الحاجه و الکفایه علی وجه القرض ثم یردّ علیه ما أخذ اذا وجد.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۳

۳ جواز تصرف در اموال یتیمان ، در صورتی که ظلم به آنها نباشد .

انّ الذّین یاکلون اموال الیتامی ظلماً

اصلاح امور یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۵،۶،۷،۹

۵ توصیه خداوند به اصلاح امور ایتام

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر

۶ اصلاح امور ایتام ، خیر است .

اصلاح لهم خیر

۷ جواز هرگونه معاشرت با ایتام بر اساس برادری و اصلاح امور آنان

الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

۹ معاشرت و اصلاح امور ایتام ، بهتر از پرهیز از معاشرت با آنان است .

و یسلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

بنابراینکه <خیر>، افعال التفضیل باشد. گویا مسلمانان به خاطر آیات شدیداللحنی که درباره چگونگی رفتار با ایتام و اموال آنان

نازل شده بود از معاشرت با آنان پرهیز داشتند که آیه مزبور، پرهیز را رد کرده و معاشرت برادرانه و دخالت اصلاح طلبانه در امور آنان را تجویز کرده است.

اطعام به خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۲

۲ - رساندن غذا به خویشاوندان یتیم خود، بر تغذیه دیگر نیازمندان مقدم است.

یتیمًا ذا مقربه

<مقربه> مصدر و با <قربه> (خویشاوندی) به یک معنا است. (صحاح اللغه)

اطعام به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۸ - ۱،۲،۷

۱ - اطعام ایثارگرانه به نیازمندان، یتیمان و اسیران، از ویژگی های ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ .. و يطعمون الطعام على حبه مسكينًا و یتیمًا و أسیرًا

<علی حبه> حال برای فاعل <یطعمون> است و ضمیر آن به <طعام> بازمی گردد. مقصود از دوست داشتن غذا (علی حبه)، نیاز داشتن به آن است؛ چون انسان در وقت نیاز به چیزی، دوست دارد که به آن دست یابد تا با آن رفع نیاز کند. از این رو اطعام ابرار، نوعی ایثار از سوی آنان است.

۲ - رفع نیاز های غذایی مستمندان، یتیمان و اسیران در حد ایثار، سیره و برنامه ابرار در زندگی است.

و يطعمون الطعام .. أسیرًا

آمدن فعل <یطعمون> به صیغه مضارع، بر استمرار دلالت دارد؛ یعنی، کار اطعام، عملی است مستمر و از برنامه های زندگی ابرار محسوب می شود.

۷ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: كان عند فاطمة (عليها السلام) شعيرٌ فجعلوه عصيداً فلما انضجوها و

وضعوها بين أيديهم جاء مسكين ... فقام على (ع) فأعطاه ثلثَها فما لَبِثَ أن جاء يتيماً ... فأعطاه ثلثها الثاني ... فلما لبث أن جاء أسير ... فأعطاه الثلث الباقي و ما ذاقوها فأنزل الله فيهم هذه الآية إلى قوله < و كان سعيكم مشكوراً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: نزد فاطمه(س) مقداری جو بود که آن را حلوا کردند. پس از این که آن را پختند و برای خوردن آوردند، مسکینی آمد ... حضرت علی(ع) برخاست و ثلث آن را به او داد. زمانی نگذشت که یتیمی آمد ... حضرت ثلث دیگرش را به او داد ... زمانی نگذشت که اسیری آمد ... و ثلث باقی مانده را به او عطا فرمود و خود هیچ از آن حلوا نچشیدند. پس خداوند درباره آنان آیه < و يطعمون الطعام... > تا آیه < كان سعيكم مشكوراً > را نازل کرد.

اطعام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۹ - ۱

۱ - اطعام و انفاق ابرار به مستمندان ، یتیمان و اسیران ، کاملاً خالصانه و تنها برای جلب رضای خداوند است .

و يطعمون .. و أسیراً . إنما نطعمکم لوجه الله

امتحان با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - ثروتمندان ، در انجام دادن وظیفه رسیدگی به یتیمان و مسکینان ، همواره مورد آزمایش الهی اند .

ابتلیه ربّه فأکرمه و نعمة .. الیتیم ... طعام المسکین

امتحان یتیم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱

۱ لزوم آزمایش یتیمان تا هنگام بلوغ و توان ازدواج ، برای تشخیص رشد اقتصادی آنان

و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح .. رشداً

امداد به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۴

۱۴- امداد رسانی به ایتام و بازماندگان انسان های صالح و حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربک .. رحمه من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۳

۳ - یتیمان ، در معرض مجبور شدن به اجرای دستور های دیگران و نیازمند امداد و حمایت در برابر تجاوزگران

فأما الیتیم فلاتقهـر

انفاق به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۷

۷ والدین ، خویشاوندان ، یتیمان ، فقرا و در راه ماندگان ، به ترتیب از موارد مصرف انفاق هستند .

فللوالدین و الاقربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۸ - ۱

۱ - اطعام ایثارگرا نه به نیازمندان ، یتیمان و اسیران ، از ویژگی های ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ ... وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

<علی حبه> حال برای فاعل <یطعمون> است و ضمیر آن به <طعام> بازمی گردد. مقصود از دوست داشتن غذا (علی حبه)، نیاز داشتن به آن است؛ چون انسان در وقت نیاز به چیزی، دوست دارد که به آن

دست یابد تا با آن رفع نیاز کند. از این رو اطعام ابرار، نوعی ایثار از سوی آنان است.

اولیای یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۷

۷ متصدیان اموال یتیمان ، در معرض لغزش های فراوان

و اتوا الیتامی . . . و لا تاكلوا ... انه كان حوباً كبيراً

لحن تأکید آمیز آیه در برخورد با اموال یتیمان و رعایت احکام آن، حکایت از این معنا دارد که متصدیان اموال یتیم در معرض خطر انحراف مالی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۸، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ حرمت اسراف و سوء استفاده اولیا از اموال یتیمان

اموالهم و لا تاكلوها اسرافاً و بداراً ان یکبروا

۱۰ برداشت از اموال یتیم در قبال خدمت به وی ، بر ولیّ ثروتمند حرام است .

و من كان غنياً فليستعفف

برخی برآنند که مراد از تصرف و بهره گیری از اموال یتیم، بهره هایی است که ولیّ و سرپرست یتیمان به عنوان کارمزد از اموال یتیم می گیرد.

۱۲ جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال یتیم ، در قبال خدمت به او ، در صورت فقر

و من كان فقيراً فلياكل بالمعروف

۱۸ هشدار خداوند به اولیای یتیمان ، نسبت به عدم رعایت حقوق آنان

فان انستم منهم رشداً . . . و كفى بالله حسيباً

اهمیت آرامش یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۸

۸ - یتیمان ، باید از مأوای مناسب برخوردار و از سرگردانی رهانیده شوند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

آیه شریفه، گرچه در

مقام امتنان بر پیامبر(ص) است و ماوا بخشیدن به آن حضرت را در دوران یتیمی، امدادی الهی به او خوانده است و ولی نعمت شمردن این عمل، تمجید از آن و نشانگر مطلوب بودن چنین رفتاری است.

اهمیت احترام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۵،۶

۵ - لزوم ارج نهادن و احترام به یتیمان

کَلَّا بِلْ لَا تَكْرَمُونَ الْيَتِيمَ

۶ - ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است.

کَلَّا بِلْ لَا تَكْرَمُونَ الْيَتِيمَ

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد و به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درک شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۳

۳ - لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترک تجاوز به حق ارث آنان

لَا تَكْرَمُونَ الْيَتِيمَ . . . وَ تَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

اهمیت اکرام یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۸

۸ - مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لاتکرمون

... و لا تحضون ... تأكلون ... تحبون ... كلاً ... يومئذ يتذکر الإنس

اهمیت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۴

۴ - فضیلت تغذیه خویشاوندان یتیم خود ، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار محروم جامعه است .

یتیمًا ذا مقربه . أو مسکینًا ذا متربه

اهمیت تأمین یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۴ - ۶

۶ - > عن الرضا (ع) : ... علم الله عزوجل أنّ كلّ أحد لا يقدر على فكّ رقبه فجعل إطعام الیتیم و المسکین مثل ذلك ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: ... خدای عزوجل می دانست که تمامی افراد، توانایی آزاد کردن بنده را ندارند. پس غذا دادن به یتیم و مسکین را همسان آزاد کردن بنده قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - یتیمان نیازمند ، سزاوارترین قشر جامعه به دریافت کمک های غذایی در سال های قحطی اند .

أو إطعم ... یتیمًا

۳ - رساندن غذا به یتیمان در سال های قحطی ، تکلیفی سنگین و نیازمند همتی والا است .

ما العقبه .. أو إطعم فی یوم ذی مسغبه . یتیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۳

۳- ایمان آوردن و تشویق یکدیگر به صبر و ترحم ، برتر از اقدام به آزادسازی بردگان و تغذیه یتیمان و مساکین است .

ثم کان من

حرف <ثم> برای تراخی رتبی است و دلالت دارد که آنچه بعد از آن آمده، در مرتبه ای والاتر از کارهای قبل است.

اهمیت حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱

۱ ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم، در صورت ترس از بی عدالتی نسبت به آنان

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء

جزای شرط <ان خفتم> حذف شده و <فانکحوا>، جانشین آن جزاست. یعنی: <ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فلا تنکحوهن و انکحوا>. و این نهی بنا بر آنچه در شأن نزول آمده ناظر به ازدواج برخی از مردم با یتیمان، بدون پرداخت مهریه مناسب به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۰

۲۰ حفظ حقوق یتیمان و استیفای کامل آن، وظیفه ای همگانی

و ان تقوموا للیتمی بالقسط

اهمیت حمایت از یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۸ - ۴

۴ - حمایت ویژه اسلام از مستمندان، یتیمان و اسیران

و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمًا و أسیرًا

از اختصاص به ذکر یافتن سه گروه یاد شده در بیان ویژگی ها و ایثارگری های ابرار، مطلب یاد شده به دست می آید.

اهمیت رعایت مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۴

۴- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی

اهمیت شخصیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۴،۶

۴ - خداوند ، کسانی را که به شخصیت یتیمان بها ندهند ، گرامی نخواهد شمرد .

يقول ربّي أكرمن . . . كلاً بل لا تكرمون الیتیم

۶ - ارزشمندترین رابطه مردم با یتیمان ، بها دادن به شخصیت آنان و اکرام و احترام به ایشان است .

كلاً بل لا تكرمون الیتیم

آیه شریفه، عنایتی ویژه به احترام یتیمان دارد؛ به گونه ای که گویا اولین انتظار آنان از جامعه، درك شخصیت آنها و بها دادن به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۳

۳ - لزوم بها دادن به شخصیت یتیمان و ترك تجاوز به حق ارث آنان

لا تكرمون الیتیم . . . و تأكلون التراث أكلاً لما

آیه بعد، از حب مال سخن گفته و در این آیه خوردن میراث مطرح شده است. ارتباط این آیات با دو آیه قبل، بیانگر این است که هر کس برای یتیمان ارزشی قائل نباشد، میراث آنان را تصاحب می کند و هر کس به فکر تغذیه مساکین نباشد، گرفتار مال دوستی است.

اهمیت محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۴

۴ - اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

و لا تقربوا مال اليتيم إلا بالتي هي أحسن

برخورد با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۲،۳

۲ لزوم برخورد نیک با خویشاوندان

، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمه .. . فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

۳ لزوم توجه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربى و الیتامى و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ لزوم برخورد نیک و گفتار صواب و متین با یتیمان

و ليقولوا قولاً سديداً

برکت اخروی اطعام به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أولئک أصحاب المیمنه

<یُمن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

بلوغ یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲۰، ۱۱

۱۱- یتیم ، از تصرف در مال خویش تا هنگام رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی ، ممنوع است .

حتى يبلغ أشده

<حتی یبلغ اشدّه> غایت کفالت یتیم است، یعنی، شما ای متکفلان ایتام! از اموال آنها مراقبت کنید و در آنها دخل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (ع) قال : سأله أبي و أنا حاضر عن اليتيم حتى يجوز أمره ؟ قال : < حتى يبلغ أشده > قال :
و ما < أشده > قال : الإحتلام ، ... ;

عبدالله بن سنان گوید: من همراه پدرم بودم که او از حضرت امام صادق(ع) در باره یتیم سؤال کرد که چه موقع امر او نافذ است؟ حضرت فرمود: <حتی يبلغ أشده> پدرم پرسید مقصود از <أشده> [در سخن خدا] چیست؟ حضرت فرمود: محتمل شدن ...>.

بنی اسرائیل و یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لا تعبدون إلا الله و بالوالدين احساناً .. ثم توليتم إلا قليلا منكم

بی اعتنایی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - بی اعتنایی به یتیمان ، نشانه رد شدن در امتحان الهی است .

إذا ما ابتليه ربّه فأكرمه و نعمة .. كلاً بل لا تكرمون اليتيم

تأمین نیازهای یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۸

۸ - یتیمان ، باید از مأوای مناسب برخوردار و از سرگردانی رهانیده شوند .

ألم يجدك يتيماً فإوى

آیه شریفه، گرچه در مقام امتنان بر پیامبر(ص) است و مأوا بخشیدن به آن حضرت را در دوران یتیمی، امدادی الهی به او

خوانده است و ولی نعمت شمردن این عمل، تمجید از آن و نشانگر مطلوب بودن چنین رفتاری است.

تأمین یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۰، ۱۰

۱۰ - ضرورت دستگیری از یتیمان، در ماندگان، در راه ماندگان و فقیرانی که تقاضای کمک دارند.

و آتی المال علی حبه .. الیتمی و المسکین و ابن السبیل و السائلین

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان، یتیمان، مساکین، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است.

و لکن البر من .. و آتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۳

۳ لزوم توجه به نیازمندی های خویشاوندان، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۶، ۷

۶ یتیمان، مساکین و در راه ماندگان، باید از خمس غنایم و دیگر درآمدها بهره مند شوند.

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

۷ یتیمان، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (ص) باشند. *

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و .. جانشین مضاف إليه باشد و یعنی یتامی الرسول و ...

تبدیل مال یتیم

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۴۸

۴ حرمت تبدیل و تعویض اموال مرغوب یتیم ، به اموال غیر مرغوب

و اتوا الیتامی اموالهم و لا تبدلوا الخیث بالطیب

۸ تبدیل اموال مرغوب یتیمان به نامرغوب ، ضمیمه ساختن دارایی آنان به ثروت خویش ، گناهی بزرگ

و لا تبدلوا الخیث بالطیب و لا تاکلوا .. انه کان حوباً کبیراً

متعدی شدن فعل <لا تاکلوا> به <الی> ، گویای این است که در آن فعل ، معنای ضمیمه ساختن تضمین شده است.

تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۵،۱۳

۵ هشدار خداوند نسبت به عدم رعایت حقوق یتیمان

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً .. فلیتقوا الله

۱۳ حکمت حرمت اجحاف در مال یتیم ، ادامه حیات و استقلال وی و مصون ماندن نسل انسان از آثار سوء آن اجحاف

ولیکش الذین

امام رضا (ع) فرمود: ... ففی تحریم مال الیتیم استبقاء الیتیم و استقلاله بنفسه و السلامه للعقب ان یصیبه ما اصابهم ...

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۹۲، ح ۱، ب ۳۳ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۷۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال کردن حقوق آنان ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنکوهن

بنابر اینکه

بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبیت> به معنای تمایل است.

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

تجاوز به مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۷

۷ آتشی سوزان و برافروخته، فرجام پایمال کنندگان اموال یتیمان

ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً .. و سیصلون سعیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱

۱ هرگونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل <لاتقربوا> (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد که از جمله تصریح

و تأکید بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

تحقیر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۳

۳ - محروم ساختن یتیمان از اکرام و احترام و بها ندادن به شخصیت آنان، فرهنگی حاکم بر مردم عصر بعثت

لاتکرمون الیتیم

تصرف مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱،۳،۴،۵

۱ هر گونه تصرف عدوانی در داراییهای یتیمان و تجاوز به آن حرام است.

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف در اموال یتیمان با به کارگیری فعل <لاتقربوا> (نزدیک نشوید)، اشاره به جهاتی دارد که از

جمله تصریح و تأکید بر این که هر نوع و مصداقی از تصرف در مال یتیم، ممنوع است.

۳ تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

و لا تقربوا .. إلا بالتی هی أحسن

<التی> صفت برای کلمه ای مانند <الخصله> (طریقه و روش) است. بنابراین <لا-تقربوا ... إلا ...> یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

۴ به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه <أحسن> (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

۵ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

<أشد> به معنای تجربه و شناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسبت مورد، مقصود از <أشد> تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

تصرفات یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۲،۳،۷

۲ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتی إذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

۳ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی، دو شرط برای جواز تصرف یتیمان در اموال خود

و ابتلوا الیتامی .. فادفعوا الیهم اموالهم

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال، با اذن و نظارت ولی

و ابتلوا الیتامی حتی

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولی بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲۳

۲۳ عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله(ع) قال: سأله أبي و أنا حاضر عن الیتیم متى يجوز أمره؟ قال: حتى يبلغ أشده قال: و ما أشده؟ قال: الاحتلام قال قلت: قد يكون الغلام ابن ثمان عشرة سنه او اقل او اكثر و لا يحتلم؟ قال: إذا بلغ و كتب عليه الشیء جاز أمره إلا أن يكون سفیها او ضعيفا.

عبدالله بن سنان گوید: پدرم از امام صادق(ع) درباره یتیم سؤال کرد که در چه زمانی تصرفات او صحیح و معتبر است؟ فرمود: زمانی که به حد رشد برسد. بار دیگر پرسید: رشد او چه زمانی است؟ فرمود: زمان محتمل شدن است. پرسید: گاهی جوان به هجده سالگی یا کمتر یا بیشتر می رسد، ولی محتمل نمی شود؟ فرمود: هرگاه به سن بلوغ و حد تکلیف رسید، تصرفاتش صحیح و معتبر است مگر اینکه سفیه و یا ضعیف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- یتیم، از تصرف در مال خویش تا هنگام رسیدن به مراحل رشد و بلوغ کافی، ممنوع است.

حتى يبلغ أشده

<حتى يبلغ أشده> غایت کفالت یتیم است، یعنی، شما ای متکفلان ایتام! از اموال آنها مراقبت کنید و در آنها دخل و تصرف بی جا نکنید تا زمانی که آنان به رشد کافی برسند و این حکایت از آن دارد که یتیم، قبل از رسیدن

به رشد لازم، حق تصرف در اموال خود را ندارد.

تضییع حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لا تعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً .. ثم تولیتهم إلا قليلاً منکم

تکفل یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱۴، ۱۳

۱۳ تهدید خداوند ، نسبت به فسادگران در امور ایتم

قل اصلاح لهم خیر .. و الله يعلم المفسد من المصلح

۱۴ تشویق اصلاحگران امور ایتم و تضمین اجر آنان ، از جانب خداوند

قل اصلاح لهم خیر .. و الله يعلم المفسد من المصلح

حرمت تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱

۱- تصرف بی جا و حیف و میل اموال یتیمان ، ممنوع و حرام است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

حسن معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۵

۵ - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ

توصیف <نفس> به <مطمئن> در قیامت ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او

حاصل شده بود.

حفظ مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۴

۴ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت حفظ اموال یتیمان

انّ الذّین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲۱، ۲۲ - ۲۰، ۱۲

۱۲ تجاوز نکردن به اموال یتیمان و رعایت عدالت در مبادلات از تکالیفی است که انسانها بر انجام آن توانا هستند. *

و لاتقربوا مال الیتیم . . . و أوفوا الکیل و المیزان بالقسط لانکلف نفسا إلا وسعها

برخی بر آنند که هدف از جمله <لاتکلف . . .> تذکر این معناست که فرمانهای یاد شده در حد توان انسانهاست تا مبادا به گمان اینکه این اوامر مشقتبار و طاقت شکن است، از پذیرش آنها سرباز زنند.

۲۰ ضایع نساختن اموال یتیمان، عدالت در داد و ستد، پرهیز از سخنان نابحق و پایبند بودن به پیمانهای الهی، از توصیه های خداوند به انسانها

و لاتقربوا مال الیتیم . . . ذلکم وصیکم به

۲۱ توصیه های چهارگانه (ضایع نساختن دارایی یتیمان و . . .) تعلیماتی است که باید انسانها فراگیرند و به خاطر بسپارند و رفتار خویش را بر اساس آن پایه ریزی کنند.

ذلکم وصیکم به لعلکم تذکرون

<تذکر> (مصدر تذکرون) به معنای فراگرفتن و به خاطر سپردن است و مفعول آن همان حقایقی است که در آیه مطرح شده.

۲۲ تکالیف چهارگانه (ضایع نساختن دارایی یتیمان و . . .) دارای ارتباطی تنگاتنگ و به منزله تکلیفی واحد

ذکرم وصیکم به

به کارگیری ضمیر و اسم اشاره مفرد برای تکالیف یاد شده می

تواند حاکی از برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ پرهیز از شرک، فرزندکشی، کردارهای شنیع، کشتن بیگناهان، تجاوز به دارایی یتیمان، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

ألا تشرکوا به شیئاً... و أن هذا صرطی مستقیماً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر متکلم در <صراطی> خداوند باشد. صراط خداوند یعنی راهی که به سوی اوست.

حقوق دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۲، ۱۴، ۱۵

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکوهن

بنابر اینکه <رغبت> به معنای اعراض باشد، جمله <و ترغبون...> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله <لا تؤتونهن ما کتب لهن>.

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتیمی النساء... و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا...>، عطف به <فیهن> است؛ یعنی <لله یفتیکم ان تقوموا...> بنابراین قیام برای قسط

درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۲

۲ رعایت حقوق ایتام، از مصادیق تقواست .

و اتَّقوا

اللّٰه .. و اتوا الیتامی اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به اولیای یتیمان ، نسبت به عدم رعایت حقوق آنان

فان انستم منهم رشداً .. و کفی باللّٰه حسیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱۲، ۷، ۸، ۳، ۱

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکان یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا اللّٰه

جمله <فلیتقوا اللّٰه>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً) چنین معنا می شود: فلیتقوا اللّٰه فی امر الذریه الضعاف؛ یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۳ عواطف انسانی ، از زمینه های ایجاد انگیزه برای رعایت حقوق یتیمان جامعه

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم

۷ بی تقوایی آدمی نسبت به حقوق ایتم دیگران ، زمینه ساز پیمان شدن حقوق یتیمان وی از سوی جامعه

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا اللّٰه

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: یعنی لیکش ان اخلفه فی ذریته کما صنع بهؤلاء الیتامی.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۱ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۳۸.

۸ هشدار خداوند نسبت به کسانی که یتیمان را از ارشاد محروم می کنند .

نصیب ... ولیخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً

به مقتضای ارتباط این آیه با آیه قبل، مصداق مورد نظر از ترس و وحشت درباره یتیمان، محروم کردن آنان از ارث است.

۱۲ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت رعایت حقوق یتیمان

ولیحش الذین . . . ذریه ضعیفاً ... ولیقولوا قولاً سدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۴، ۲۳، ۲۱، ۱۵

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتیمی النساء . . . و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا . . .>، عطف به <فیهن> است، یعنی <لله یفتیکم ان تقوموا ...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

۲۱ خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل الله یفتیکم فیهن . . . و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعّلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن . . . و ما تفعّلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

حمایت از یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳- حمایت خداوند از فرزندان یتیم پدري صالح و حفظ مال آنها ، جلوه ای از رحمت و ربوبیت او بوده است .

فأراد

رَبِّكَ ... رحمه من رَبِّكَ

<رحمه> مفعولٌ له برای فعل <أراد> است؛ یعنی، اراده پروردگار به باقی ماندن گنج یتیمان، به خاطر رحمت او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۳

۳ - یتیمان ، در معرض مجبور شدن به اجرای دستور های دیگران و نیازمند امداد و حمایت در برابر تجاوزگران

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

خدمت به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۹، ۱۲، ۱۰

۱۰ برداشت از اموال یتیم در قبال خدمت به وی ، بر ولیّ ثروتمند حرام است .

و من كان غنيًّا فليستعفف

برخی برآنند که مراد از تصرف و بهره گیری از اموال یتیم، بهره هایی است که ولیّ و سرپرست یتیمان به عنوان کارمزد از اموال یتیم می گیرد.

۱۲ جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال یتیم ، در قبال خدمت به او ، در صورت فقر

و من كان فقيراً فليأكل بالمعروف

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن (کافی بودن) آن مال

و من كان فقيراً فليأكل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلك رجل يحبس نفسه عن المعيشه فلا بأس ان يأكل بالمعروف اذا كان يصلح لهم اموالهم فان كان المال قليلا فلا يأكل منه شيئاً

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

خطر تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء -

۲- مال یتیم و سوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه <لا تقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لا تأکلوا و لا تصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

خیانت به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱۰

۱۰ خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۲،۳

۲ ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم ... و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله <ان خفتم ... >، استفاده می شود که ازدواج با دختران یتیم در صورت ترس از بی عدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

۳ ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی

دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۶

۶ وعده خداوند به بیان و تلاوت آیاتی از قرآن ، درباره احکام زنان یتیم

قل الله يفتيكم فيهنّ و ما يتلى عليكم في الكتب في یتمی النساء

در برداشت

فوق، <مایتلی>، بر ضمیر <فیهن> عطف شده است و اضافه <یتمی> به <النساء>، اضافه صفت به موصوف است، یعنی زنانی که یتیم هستند.

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم، به قصد پایمال کردن حقوق آنان، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

بنابر اینکه بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

۱۳ بیزاری از ازدواج با دختران یتیم، از اخلاق و رسوم جاهلی

فی یتمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

بنابر اینکه پس از <ترغبون> کلمه <عن> مقدر باشد که در این صورت، <رغبت> به معنای اعراض کردن خواهد بود.

رشد اقتصادی یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۵

۵ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

ولا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

<أشد> به معنای تجربه و شناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسبت مورد، مقصود از <أشد> تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

ولا تقربوا... حتی یبلغ أشده

به اینکه پیام آیه، در راستای حفظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی یبلغ أشده> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتم است. بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

رشد یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۳، ۲، ۱

۱ لزوم آزمایش یتیمان تا هنگام بلوغ و توان ازدواج ، برای تشخیص رشد اقتصادی آنان

و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح . . . رشداً

۲ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتی اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

۳ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای جواز تصرف یتیمان در اموال خود

و ابتلوا الیتامی . . . فادفعوا الیهم اموالهم

رعایت مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۱، ۴

۴ به هنگام تصرف در اموال یتیمان باید سودمندترین روش به حال آنان انتخاب شود.

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق با توجه به کلمه <أحسن> (بهتر و نیکوتر) استفاده شده است.

۱۱ مراعات کردن عدالت در مبادلات و انتخاب سودمندترین روش برای تصرف در اموال آنها بیش از توان متعارف

واجب نیست.

إلا بالتي هي أحسن... و أوفوا الكيل... لانكلف نفسا إلا وسعها

بیان این حقیقت که <خداوند انسان را بیش از توانش تکلیف نمی کند> پس از فرمانهای یاد شده، اشاره به این دارد که مکلفان برای رعایت آن فرمانها لازم نیست خود را به مشقت اندازند. چرا که انجام تکلیف تا حد قدرت متعارف فرض است و نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۷۸

۷- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

۸- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

زمینه اجتناب از احترام به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۷

۷- غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنایی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلبستگی به ثروت است .

ابتلیه... کلاً بل لا تکرمون الیتیم . و لا تحضون... و تأکلون التراث... و تحبّ

زمینه تحقیر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۸

۸- دنیاطلبی و ثروت خواهی ، زمینه ساز بی ارزش انگاشتن یتیمان و دست اندازی به ارث آنان

بل لا تكرمون اليتيم . . . و تأكلون التراث ... و تحبّون المال حبًّا جَمًّا

زمينه طرد يتيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - پرخاش به یتیمان و راندن آنان از نزد خود ، از کسی سر می زند که جزای آخرت را دروغ می پندارد .

فذلک الذی یدع الیتیم

<ذلک>، اشاره به کسی است که آیه قبل او را تکذیب کننده روز جزا معرفی کرد. <دُع> (مصدر <یَدُعُ>)، به معنای دور ساختن با خشونت است (قاموس). تعبیر <ذلک الذی...> که مبتدای معرفه در کنار خبر معرفه ای قرار گرفته که بر جنس دلالت دارد بیانگر حصر است.

زمینه ظلم به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۳

۳ - یتیمان ، در معرض مجبور شدن به اجرای دستور های دیگران و نیازمند امداد و حمایت در برابر تجاوزگران

فأما الیتیم فلا تقهر

زمینه غصب ارث یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۷۸

۷ - غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنایی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلبستگی به ثروت است .

ابتلیه .. کلاً بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضون ... و تأکلون التراث ... و تحب

۸ - دنیاطلبی و ثروت خواهی ، زمینه ساز بی ارزش انگاشتن یتیمان و دست اندازی به ارث آنان

بل لاتکرمون الیتیم .. و تأکلون التراث ... و تحبون المال حباً جماً

زمینه یتیم نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - مراقبت از نماز ، زمینه ساز یتیم نوازی و رسیدگی به درماندگان

يدع اليتيم .

و لا يحضّ ... فويل للمصلين . الذين هم عن صلاتهم ساهون

حرف <فاء> در <فويل>، نکوهش غافلان از نماز را بر نکوهش دو دسته قبل (آزار دهندگان یتیمان و بی تفاوتان در برابر فقر دیگران)، تفریع کرده است؛ یعنی، چون آن دو حالت نکوهیده است، پس وای به حال این نماز گزاران! کنایه از این که اگر آنان نماز گزار حقیقی بودند، چنین رفتاری نمی داشتند.

زندگی دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۶

۱۶ اهتمام اسلام، به ازدواج زنان و سامان بخشیدن به زندگی دختران یتیم

التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

<ما كتب لهن>، شامل حق ازدواج هم می شود. در عین حال، به نکاح نیز مستقلا اشاره شده که بیانگر اهمیت ویژه آن است.

سرزنش اذیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۸

۸ - ریاکاری شخص نماز گزار، نکوهیده تر از یتیم آزاری و رسیدگی نکردن به مستمندان است .

الذی یدعّ الیتیم . و لا يحضّ ... فويل للمصلين ... الذين هم يراءون

آوردن حرف <فاء> در خصلت سومی که برای مکذبان جزا شمرده شده است، بیانگر آن است که آن خصلت، با تمام ویژگی هایش، نکوهیده تر از دو خصلت نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۶

۶ - مضایقه کردن نماز گزاران غافل و ریاکار، از عاریه دادن لوازم زندگی خود به نیازمندان، نکوهیده تر از یتیم آزاری و بی توجهی به فقیران است .

... و لا یحِضُّ ... فویل للمصلِّین . الذین ... و یمنعون الماعون

با آن که تعبیر <فویل للمصلِّین>، ادامه بیان اوصاف کسانی است که جزای الهی را تکذیب کردند؛ ولی حرف <فاء> و تغییر سیاق، نشانگر تفاوت درجه آن با دو وصف قبل است. بنابراین وصفی که در این آیه، از ویژگی های همان <مصلِّین> شمرده شده است، نارواتر از اوصافی است که در آیه دوم و سوم آمده بود.

سرزنش بی اعتنایی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۷

۷ - بی اعتنایی رفاه مندان به یتیمان ، به دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجهی های دیگران است .

فأکرمه و نعّمه .. کلاً بل لا تکرمون الیتیم

سرزنش تحقیر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۴

۴ - تحقیر یتیمان و تحمیل ذلّت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فأما الیتیم فلا تقهر

<قَهْر>؛ یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلّت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

سرزنش تحمیل ذلت بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۴

۴ - تحقیر یتیمان و تحمیل ذلّت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فأما الیتیم فلا تقهر

<قَهْر>؛ یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلّت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

شخصیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱۱

۱۱ لزوم حفظ شخصیت ایتام ،

با رفتار و برخورد برادرانه با آنان

و ان تخالطوهم فاخوانکم

از اینکه خداوند به جای هر معیار دیگری در برخورد با ایتام، از برادری سخن گفته است، احتمالاً کنایه از پرهیز از رفتارهای ترحم و یا تحقیرآمیز باشد که موجب از بین رفتن شخصیت آنان می شود.

شرایط تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۷،۸

۷- تصرف در اموال و دارایی های یتیمان با رعایت مصالح آنان ، مجاز و مشروع است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

۸- جواز تصرف در مال یتیم ، مشروط به رعایت بالاترین سطح مصالح وی است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

عدالت در حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۹،۲۸

۱۹ لزوم رعایت قسط ، درباره یتیمان

و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

عوامل محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- خضر (ع) با توجه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی، حفاظت اموال یتیمان را، برخاسته از گستردگی ربوبیت خداوند دانست.

فأراد ربّك

خضر(ع) با اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب (ربّك) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و

مدبر تو، مالک و مدبر یتیمان نیز هست.

غصب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۱،۲،۹

۱ حرمت تصرف ظالمانه و ناروا در اموال یتیمان

انّ الذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً

۲ خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع، خوردن آتش است.

انّ الذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

۹ تصرف سرپرست یتیم در مال وی، به انگیزه شخصی و با قصد عدم پرداخت آن، ظلم است.

انّ الذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً

امام کاظم (ع) در پاسخ سؤال از تصرف در مال یتیم فرمود: .. لا ینبغی له ان یأکل الاّ القصد ... فان کان من نیته ان لا یرده علیهم فهو بالمنزل الذی قال الله عزّ و جل: <انّ الذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً>.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۹۰.

غصب مال یتیم در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۹

۹- تصرف بی جا در اموال یتیمان و حیف و میل آنها، امری رایج و شایع در میان اعراب جاهلی

و لاتقربوا مال الیتیم

غضب بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۵

۵ - توجه به سقوط اخلاقی منکران معاد ، تا حد خشونت با یتیمان ، مایه پرهیز از تکذیب آخرت است .

فذلک الذی یدع الیتیم

غفلت از خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵

۵ - بی اعتنایی ثروتمندان به نیازهای خویشاوندان یتیم خود، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجهی آنان به دیگر نیازمندان است.

يقول أهلكت مالا لبدا .. يتيمًا ذا مقربه

فرجام اخروی معرضان از یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۱

۱ - منکران آیات الهی که به بردگان، یتیمان و مسکینان خدمتی نکرده و صبر و ترحم، را رواج ندهند، در آخرت گرفتار فرجامی شوم و نکبت بار خواهند شد.

و الذين كفروا بايتنا هم أصحاب المشئمه

<مشأمه> از <شؤم>، نقطه مقابل يُمن (صحاح) گرفته شده است. (العین)

فضایل اخروی حامیان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۳

۳ - گروه سمت راست در آخرت، مجموعه ای سامان یافته از مؤمنانی که حامی بردگان و یتیمان و مسکینان بوده و مردم را به صبر و ترحم ترغیب کرده اند.

و ما أدريک ما العقبه .. أولئک أصحاب الميمنه

<أَيْمَنَ> و <مِيمَنَه>، نقطه مقابل <أَيْسَرَ> و <مَيْسِرَه> (سمت چپ) است (صحاح اللغه). تقابل این دسته با <أَصْحَابِ الْمَشْأَمَةِ> با توجه به این که <مشأمه> در یک احتمال به معنای <مَيْسِرَه> است (صحاح) بیانگر آن است که قرار گرفتن در سمت راست یا چپ در آخرت، نشانگر فرجام افراد است.

فضیلت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - فضیلتِ تغذیه خویشاوندان یتیم خود ، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار

محروم جامعه است .

یتیمًا ذا مقربه . أو مسکینًا ذا متربه

کفالت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۲۱، ۲۰، ۷

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولی

و ابتلوا الیتامی حتّی اذا بلغوا النّکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولی بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

۲۰ جواز بهره گیری سرپرست یتیم از دارایی وی ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصی او القیم فی اموالهم و ما یصلحهم.

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۴۶، ح ۶۷.

۲۱ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من کان فقیراً فلیأخذ من مال الیتیم قدر الحاجه و الکفایه علی وجه القرض ثم یردّ علیه ما أخذ اذا وجد.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

کیفر اخروی اعراض از تأمین یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فَكِّ رَقَبَهُ ... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا ... عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ

کیفر تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم .. فلیتقوا الله

جمله <ولیکش .. >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتقوا الله > (از خدا بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

کیفر غضب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ مبعوث شدن خورندگان مال یتیمان به ناروا در قیامت در حالی که آتش از دهانشان شعله می کشد .

ان الذین یا کلون اموال الیتامی

رسول الله (ص): یبعث اناس من قبورهم یوم القیامه تأجیح افواههم ناراً. از آن حضرت سؤال شد اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: ان الذین یا کلون اموال الیتامی ظلماً ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۷۶.

مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ وجوب پرداخت اموال یتیم به وی

و اتوا الیتامی اموالهم

۵ حرمت تصرف غاصبانه در اموال یتیمان

و اتوا الیتامی اموالهم .. و لا تاکلوا اموالهم الی اموالکم

۹ تصرف غاصبانه در اموال یتیمان و تأخیر در واگذاری آن به ایشان ، گناهی بزرگ

و اتوا الیتامی اموالهم و لا تاکلوا .. انّه کان حوباً کبیراً

تأخیر در پرداخت، از <و اتوا الیتامی> به دست می آید / چون علاوه بر لزوم پرداخت اموال یتیم، دلالت بر پرداخت به موقع آن نیز دارد.

۱۰ خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۲

۲ ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم ... و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله <ان خفتم ... >، استفاده می شود که ازدواج با دختران یتیم در صورت ترس از بی عدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۸

۱۸ ضرورت پرهیز از سپردن اموال یتیمان به آنها ، قبل از رسیدن آنان به مرحله رشد

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: هم الیتامی لا تعطوهم اموالهم حتی تعرفوا منهم الرشد

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۲۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۴، ۹، ۷، ۲

۲ رسیدن به مرحله بلوغ جنسی و تحقق رشد اقتصادی ، دو شرط برای تحویل اموال یتیمان به آنان

حتى اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا اليهم اموالهم

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولی

و ابتلوا الیتامی حتى اذا بلغوا النکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولی بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

۹ حرمت اسراف و سوء استفاده اولیا از اموال یتیمان

اموالهم ولا تاكلوها اسرافاً و بداراً

۱۴ لزوم گرفتن شاهد ، به هنگام پرداخت اموال یتیمان به آنان

فاذا دفعتم اليهم اموالهم فاشهدوا عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲

۲ اموال یتیمان، وسوسه انگیز و دست اندرکاران آن اموال در خطر تجاوزگری و تصرفهای عدوانی

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف با فعل <لاتقربوا> می تواند اشاره به این جهت نیز داشته باشد که داراییهای یتیمان به سبب نبود مدافع لغزشگاهی است و وسوسه انگیز که آدمی با کمترین بی احتیاطی به گناه تصرف آلوده می شود.

محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- عهده داران مال یتیم ، موظف به انتخاب ثمربخش ترین شیوه حفظ و به کاراندازی آن

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب <لاتقربوا..> متصدیان امور یتیمان باشند که خداوند، به آنها دستور می دهد: <جز با رعایت مصالح آنها، نباید در آن اموال دخل و تصرف کنند>. بنابراین مراد از <التی هی أحسن> تصرف ثمربخش و مفید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۴، ۱۳

۱۳- حمایت خداوند از فرزندان یتیم پدری صالح و حفظ مال آنها ، جلوه ای از رحمت و ربوبیت او بوده است .

فأراد ربك .. رحمة من ربك

<رحمه> مفعولٌ له برای فعل <أراد> است ؛ یعنی، اراده پروردگار به باقی ماندن گنج یتیمان، به خاطر رحمت او بوده است.

۱۴- امدادسانی به ایتام و بازماندگانِ انسان های صالح و

حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربك .. رحمه من ربك

محبت به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۳

۳ - پذیرش و نوازش ، بالاترین نیاز یتیمان است .

فذلك الذي يدع اليتيم

محدوده تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۲

۱۲- عدم جواز تصرف در مال یتیم برای دیگران ، پس از رسیدن وی به حد بلوغ و رشد اقتصادی

و لا تقربوا .. حتی يبلغ أشده

با توجه به اینکه پیام آیه، در راستای حفظ منافع یتیم است و بدیهی است که صرف بلوغ جسمی و سنی بدون بلوغ فکری و اقتصادی وی تضمین کننده منافع و مصالح او نخواهد بود و <حتی يبلغ أشده> غایت برای تصرف مجاز از سوی سرپرستان امور ایتم است؛ بنابراین معنا چنین می شود: شما جز جایی که در جهت مصالح یتیمان باشد، تصرف نکنید تا زمانی که آنان به بلوغ کافی برسند و وقتی آنها به بلوغ رسیدند، حق تصرف ندارید.

مراد از یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۸ - ۹

۹ - > عن النبي (ص) في قول الله < مسكيناً > قال: فقيراً، و < یتیماً > قال: لا أب له، و < أسيراً > قال: المملوك و المسجون؛

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <مسکیناً> روایت شده که فرمود: [مراد] فقیر و تهیدست است و درباره <یتیماً>

فرمود: [مقصود] کسی است که پدر ندارد و درباره <أسیراً> فرمود: مراد برده و زندانی است.<

مردم مقارن بعثت و یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۳

۳ - محروم ساختن یتیمان از اکرام و احترام و بها ندادن به شخصیت آنان، فرهنگی حاکم بر مردم عصر بعثت

لا تکرمون الیتیم

مسئولیت اولیای یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- عهده داران مال یتیم، موظف به انتخاب ثمربخش ترین شیوه حفظ و به کاراندازی آن

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب <لا تقربوا..> متصدیان امور یتیمان باشند که خداوند، به آنها دستور می دهد: <جز با رعایت مصالح آنها، نباید در آن اموال دخل و تصرف کنند>. بنابراین مراد از <التی هی أحسن> تصرف ثمربخش و مفید است.

مصالح یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۳

۳ تصرف در داراییهای یتیمان برای مصالح آنان، مجاز و مشروع است.

و لا تقربوا .. إلا بالتی هی أحسن

<التی> صفت برای کلمه ای مانند <الخصله> (طریقه و روش) است. بنابراین <لا-تقربوا ... إلا ...> یعنی تصرف نکنید مگر به بهترین روش تصرف. بدیهی است که مراد تصرفی است که برای یتیم نیکو باشد.

مصلحت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۹

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولی یتیم از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در

جهت مصلحت آن و کم نبودن (کافی بودن) آن مال

و من كان فقيراً فليأكل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلك رجل يحبس نفسه عن المعيشه فلا بأس ان يأكل بالمعروف اذا كان يصلح لهم اموالهم فان كان المال قليلاً فلا يأكل منه شيئاً . . .

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۲۲، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۴

۴ ایتام و کیفیت معاشرت با آنان ، از مسائل مورد ابتلا در صدر اسلام

و یستلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر

فعل مضارع <یستلونک> دلالت بر استمرار و تکرار سؤال دارد و تکرار سؤال، نشانگر ابتلای جامعه به مورد سؤال است.

۷ جواز هر گونه معاشرت با ایتام بر اساس برادری و اصلاح امور آنان

الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

۸ معاشرت با ایتام ، باید بر اساس برادری دینی باشد .

و ان تخالطوهم فاخوانکم

یعنی بدون اینکه خود را مثلاً برتر از آنان بدانید و یا آنان را به استضعاف بکشید؛ بلکه همانند رفتار با دیگران، باید برادری بین شما حاکم باشد.

۹ معاشرت و اصلاح امور ایتام ، بهتر از پرهیز از معاشرت با آنان است .

و یستلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

بنابراینکه <خیر>، افعال التفضیل باشد. گویا مسلمانان به خاطر آیات شدیداللحنی که درباره چگونگی رفتار با ایتام و اموال

آنان نازل شده بود از معاشرت با آنان پرهیز داشتند که آیه مزبور، پرهیز را رد کرده و معاشرت برادرانه و

دخالت اصلاح طلبانه در امور آنان را تجویز کرده است.

۱۱ لزوم حفظ شخصیت ایتام، با رفتار و برخورد برادرانه با آنان

و ان تخالطوهم فاخوانکم

از اینکه خداوند به جای هر معیار دیگری در برخورد با ایتام، از برادری سخن گفته است، احتمالاً کنایه از پرهیز از رفتارهای ترحم و یا تحقیرآمیز باشد که موجب از بین رفتن شخصیت آنان می شود.

۲۲ تحمیل نشدن رنج و مشقت به مردم، فلسفه تجویز معاشرت با ایتام از سوی خداوند

و ان تخالطوهم فاخوانکم .. و لو شاء الله لاعتکم

معرضان از یتیم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۲

۲ - سمت چپ در آخرت، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم، امتناع کرده اند.

فک رقبه .. و الذین کفروا بایتنا هم أصحاب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

منشأ یتیم ذلت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - پندار ذلت برای یتیمان، مایه توهم معیار بودن ثروت برای عزت مندی است.

نعمه فیقول ربی اکرم من .. کلاً بل لا تکرمون الیتیم

کلاً به قرینه تقابل <اکرمن> و <لاتکرمون> این نکته را گوشزد می کند که گوینده <رَبِّي اکرمن>، اگر یتیمان را محترم و گرامی می دانست، ثروت را مایه احترام نزد خداوند، قرار نمی داد؛ زیرا در آن صورت معترف بود که یتیم با وجود محرومیت از ثروت نیز گرامی است؛ ولی حال که یتیمان را گرامی نمی شمرد، این گمان برای او پدیدار شده است که فقط ثروتمندان نزد خداوند محترم اند.

موانع بی اعتنایی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۱

۱ - خداوند، بازدارنده انسان از عشقورزی به ثروت و تصاحب حق دیگران و بی توجهی به نیازمندان و یتیمان

بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحضون ... و تأکلون ... و تحبون ... کلاً

حرف <کلاً>، برای ردع و بازداشتن مخاطب از اموری است که پیش از آن مطرح بوده است.

مهربانی با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۴

۴ - ایمان به آیات الهی، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان، یتیمان و تنگدستان، قدردانی از نعمت های بینایی، گویایی و هدایت است.

ألم نجعل له عینین . و لساناً و شفقتین . و هدینه النجدین ... ثم کان من الذین ءام

<الذین آمنوا> گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها به قرینه <والذین کفروا بآیاتنا> در آیات بعد مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین که بعضی از تکالیف را <عقبه> نامیده بود قرینه بر

مراد از <صبر> است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از <مرحمه>، ترحم بر <رقبه>، <یتیم> و <مسکین> است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین که نعمت های الهی را برشمرده گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا <بینایی و بصیرت>، زمینه ساز <ایمان> و <داشتن زبان و لب>، زمینه ساز توصیه است.

ناپسندی اذیت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۴

۴ - بی توجهی نماز گزاران به نماز خویش ، نکوهیده تر از آزار یتیمان و فراموش کردن بینوایان است .

فویل للمصلین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

این آیه، مانند آیات دیگر این سوره، بیانگر خصلت های تکذیب گران کیفر الهی است. آوردن حرف <فاء> در خصلت سوم به بعد و تغییر سیاق کلام، بیانگر ترتیب رتبی و نکوهیده تر بودن آنها است.

ناپسندی خوردن مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا، پرخاش به والدین، تبذیر، فرزندکشی، زنا، قتل ناحق، خوردن مال یتیم، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن، اعمال ناپسند و منفور خداوند

كُلِّ ذَلِكْ كَان سَيِّئَةً عِنْد رَبِّكَ مَكْرُوهاً

ناپسندی طرد یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۲

۲ - پرخاش به یتیمان و از خود راندن آنان، رفتاری نکوهیده است .

فذلک الذی یدع الیتیم

ناپسندی غضب بر یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون

۲- پرخاش به یتیمان و از خود راندن آنان ، رفتاری نکوهیده است .

فذلک الذی یدع الیتیم

ناظر بی اعتنایی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۹

۹- خداوند در کمین مردم بی توجه به یتیمان و مسکینان ، غاصب ارث دیگران و دل بسته به ثروت

إن ربک لبالمرصاد .. بل لاتکرمون الیتیم . و لاتحصون ... و تأکلون ... و تحب

نشانه های رشد یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۵

۵ رشد یتیمان (به دست آوردن تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان) پایان جواز تصرف دیگران در اموال آنان

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده

<أشد> به معنای تجربه و شناخت است. (لسان العرب). بر اساس این معنا و به مناسبت مورد، مقصود از <أشد> تجربه در معاملات و شناخت سود و زیان است.

نقش مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲

۲- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه <لاتقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لا تأكلوا و لا تصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

نهی از تحقیر یتیم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۴

۴ - تحقیر یتیمان و تحمیل ذلت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

<قَهْر>؛ یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

نهی از ذلت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۴

۴ - تحقیر یتیمان و تحمیل ذلت بر آنان ، کاری نکوهیده و مورد نهی خداوند

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

<قَهْر>؛ یعنی، بر کسی فائق آمدن و او را به طریقی ذلت آفرین، گرفتار ساختن. (تاج العروس)

نهی از غصب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۹

۱۹- < عن أبي جعفر (ع) قال: ... بعث الله محمداً و... أنزل عليه في سورة بني اسرائيل بمكة... و أنزل نهياً عن أشياء حذر عليها و لم يغاظ فيها ولم يتواعد عليها و قال: ... > و لاتقربوا مال اليتيم إلا بالتي هي أحسن حتى يبلغ أشده و أوفوا بالعهد إن العهد كان مسئولاً <... >

امام باقر(ع) فرمود:.. خداوند حضرت محمد(ص) را برانگیخت و ... بر او آیاتی از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود ... که در آن آیات از چیزهایی نهی کرده که پرهیز از آنها لازم است؛ ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و بر مرتکبین آن موارد وعید عذاب نداده است و فرمود: ... و لاتقربوا

مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن حتی یبلغ أشده و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسؤلاً <....

نیازهای معنوی یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۳

۳ - پذیرش و نوازش ، بالاترین نیاز یتیمان است .

فذلک الذی یدع الیتیم

نیازهای یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۳

۳ - یتیمان ، در معرض مجبور شدن به اجرای دستور های دیگران و نیازمند امداد و حمایت در برابر تجاوزگران

فأما الیتیم فلا تقهر

نیکی به یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإن الله کان به علیماً

وجوب محافظت از مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۳

۳- پرهیز از هرگونه امری که موجب حیف و میل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن شود ، واجب و لازم است .

و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

هشدار به متولیان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲

۲ اموال یتیمان، وسوسه انگیز و دست اندرکاران آن اموال در خطر تجاوزگری و تصرفهای عدوانی

و لا تقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف با فعل <لا تقربوا> می تواند اشاره به این جهت نیز داشته باشد که داراییهای یتیمان به سبب نبود مدافع لغزشگاهی است وسوسه

انگیز که آدمی با کمترین بی احتیاطی به گناه تصرف آلوده می شود.

یتیم در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ - رغبت به ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال کردن حقوق آنان ، در عصر بعثت

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

بنابر اینکه بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

یتیم هنگام قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - یتیمانِ نیازمند ، سزاوارترین قشر جامعه به دریافت کمک های غذایی در سال های قحطی اند .

أو إطعم .. یتیمًا

۳ - رساندن غذا به یتیمان در سال های قحطی ، تکلیفی سنگین و نیازمند همتی والا است .

ما العقبه .. أو إطعم فی یوم ذی مسغبه . یتیمًا

یتیم نوازی

آثار یتیم نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۶

۶ - یتیم نوازی ، لازمه پذیرش روز جزا و نشانه کام یابی در آن است .

یکذب بالدين . فذلک الذی يدع الیتیم

زمینه یتیم نوازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۵ - ۶

۶ - مراقبت از نماز، زمینه ساز یتیم نوازی و رسیدگی به درماندگان

یدع الیتیم . و لایحضّ ... فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون

حرف <فاء> در <فویل>، نکوهش غافلان از نماز را بر نکوهش دو دسته قبل

(آزار دهندگان یتیمان و بی تفاوتان در برابر فقر دیگران)، تفریع کرده است، یعنی، چون آن دو حالت نکوهیده است، پس وای به حال این نمازگزاران! کنایه از این که اگر آنان نمازگزار حقیقی بودند، چنین رفتاری نمی داشتند.

یتیمان

فیء به یتیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۵

۵ - یتیمان ، بینوایان و در راه ماندگان (ابن السبیل) از جمله سهم بران < فیء >

ما أفاء الله على رسوله .. فله .. و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

یحیی(ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۴،۵

۴ بشارت اعطای یحیی به زکریا ، در اجابت درخواست ذریه پاک از خداوند

فنادته الملائکه .. انّ الله یشرک یحیی

۵ زکریا به هنگام نماز در محراب ، بشارت اعطای یحیی را دریافت .

و هو قائم یصلی فی المحراب انّ الله یشرک یحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۱۶

۱۶ زکریا ، با توجه به امکان غیر الهی بودن بشارت اعطای یحیی به وی ، از خداوند درخواست نشانه کرد .

انّ الله یشرک یحیی .. قال ربّ اجعل لی ایه

امام صادق(ع): ان زکریا لّما دعا ربّه ان یهب له ذکراً فنادته الملائکه بما نادته به احبّ ان یعلم ان ذلک الصوت من الله .. و ذلک قول الله: < ربّ اجعل لی آیه ... > .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص

آثار تقوای یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی (ع) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حناناً من لدننا و زكوه و كان تقيّاً

با توجه به تفاوت سیاق <و كان تقيّاً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم ..) که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

آیات خدا در ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۵

۵- ناتوانی زکریا (ع) از سخن گفتن با مردم به مدت سه شبانه روز کامل ، نشانه ای الهی بر زمان تحقق یافتن بشارت فرزند بود .

قال ءايتك ألا تكلم الناس ثلاث ليال سوياً

<سوياً> یا صفت برای <ثلاث لیل> است و یا حال برای فاعل <ألاً تکلم> و در هر دو صورت مراد از <سه شب> سه شبانه روز است. آیه چهل و یکم سوره آل عمران شاهد این معنا است. فعل <ألاً تکلم> فعل نفی است و مراد از آن، تکلیف زکریا به سکوت نیست، بلکه از صادر نشدن سخنی از زکریا خبر می دهد.

اخلاق یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- حضرت یحیی (ع) ، فرزند دلخواه زکریا

(ع) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و كان تقيًا . و برًا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصيًا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهاى زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ راضيًا>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

استعداد یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

و ءاتينه الحکم صبيًا

اعلام بشارت ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۸

۸- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند .

أن سبّحوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد؛ یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

امنیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۲،۳

۲- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم عليه يوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا <سلام علیه>؛ یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند

جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۳- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه .. یوم یموت و یوم یبعث حیًا

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

امیدواری یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۶

۱۶- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی)، خدا را با رغبت و امید می خواندند .

و یدعوننا رغبًا و رهبًا

بشارت ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱

۱- خداوند، زکریا (ع) را بر فراهم آوردن زمینه تولد یحیی (ع) به رغم سال خوردگی وی و نازایی همسرش مطمئن ساخت .

قال كذلك

جمله <قال كذلك>؛ یعنی، <قال الله الأمر كما وعدتك> یا <قال الله الأمر كما قلت>؛ در صورت اول، خداوند بر وعده سابقش تأکید میورزد که <ای زکریا همان گونه که گفته ام تو به هر کیفیت دارای پسر خواهی شد و در صورت دوم، خداوند موانع تولد یحیی را تصدیق کرده است؛ یعنی، <واقعیت همان است که تو گفتی و اسباب عادی برای تولد یحیی فراهم نیست، ولی خدای تو گفته است: این کار بر

من آسان است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۲

۲- زکریا (ع) ، خواهان علامت و نشانه ای بر الهی بودن بشارت تولد یحیی به وی *

قال رب اجعل لی آیه

علامت خواهی زکریا ممکن است از آن جهت باشد که وی اطمینان یابد آنچه او دریافت داشته، وحی الهی بوده است و نه القآت شیطانی؛ امکان تردید در این امور برای پیامبران با توجه به این نکته است که آنان تنها با امدادهای خداوند از آزار شیاطین و القآت آنها مصون می ماندند و خداوند گاه با ارائه نشانه و گاه با وسیله دیگر آنان را مطمئن می ساخت.

پیشگامی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴، ۱۲

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کارهای خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ...> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کارهای خیر

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله

>إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ..< به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

تاریخ ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۱۲

۱۲- > عن أبي جعفر (ع) قال : إنما ولد يحيى بعد البشارة له من الله بخمس سنين ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: همانا یحیی، پنج سال بعد از آن که خداوند به ولادت او بشارت داد، متولد شد.

تداوم تقوای یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع) ، تقوایی مستمر و همیشگی داشت .

و كان تَقِيًّا

>تَقِيًّا< صفت مشبیه از <وقی> و دال بر رسوخ و ثبوت است. <کان> نیز در موارد بسیاری بر حالتی ثابت در <اسم> خود دلالت می کند. بنابراین <و کان تَقِيًّا>، یعنی یحیی پیوسته و مداوم، پرهیزکار بود.

تقرب یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۴

۴- یحیی (ع) از مقربان درگاه خداوند و محبوب او بود .

و حناناً من لدناً

در باره مهر اعطایی به حضرت یحیی(ع) چهار تصور وجود دارد که وصف <حناناً من لدناً> با تمام آنها سازگار است: مهر خداوند یا مردم به یحیی(ع) و مهر آن حضرت به خداوند یا مردم، دربرداشت یاد شده، مهرورزی خداوند به آن حضرت مورد نظر است.

تکامل یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۸

۸ - حضرت یحیی (ع)

در پرتو عنایات خاص خداوند ، از شایستگی و رشد و تکاملی ویژه ، برخوردار بود .

ءاتینه .. و زکوه

<زکاه> در معانی <شایستگی> و <پاکی> و <رشد کردن> و <خجستگی> و <تمجید> استعمال شده است (لسان العرب). در هر مورد، معنا یا معانی مناسب آن، مورد نظر خواهد بود.

تکلیف یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۳

۳- خداوند ، فهم کامل و همه جانبه کتاب آسمانی (تورات) و عمل قاطعانه بر طبق آن را ، به یحیی (ع) فرمان داد .

یحیی خذ الکتب بقوه

<ال> در <الکتاب> عهد است و ممکن است مراد همان تورات باشد زیرا کتاب دیگری که بر یحیی (ع) نازل شده باشد شناخته شده نیست. فرمان <خذ> کنایه از فهم و تدبیر کامل است و <بقوه> که حال برای فاعل <خذ> می باشد، به معنای نیرومندی هم در مقام علم و فراگیری و هم در مقام عمل است.

تنزیه یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۵،۷

۵- حضرت یحیی (ع) ، شخصیتی مبرّا از گردن فرازی ، بزرگ نمایی ، سلطه جویی ناحق و اعراض از حاجات مردم

و لم یکن جبّاراً عصیّاً

<جبّار> صیغه مبالغه و به معنای گردن فرازی است که برای دیگران بر خود حقی قائل نیست (لسان العرب) و به معنای <سلطه جو> و <کسی که به دروغ مدعی درجه ای از کمال باشد> نیز آمده است (مفردات راغب). <عصی> صیغه مبالغه است و به قرینه <برّاً> و <جبّاراً> که در رابطه با مردم

است، مراد از <عصی> نیز سرپیچی از برآوردن حاجات مردم و تواضع نداشتن در برابر آنها است. به کاربردن صیغه مبالغه در کلام منفی، برای مبالغه در نفی است.

۷- حضرت یحیی (ع)، مبرا از گناه در برابر خدا *

و لم یکن .. عصیاً

می توان گفت جمله <و لم یکن .. عصیاً> بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

تورات در دوران یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۷

۷- تورات موجود در عصر یحیی، کتابی تحریف نشده و مورد تأیید خداوند بود. *

یحیی خذ الکتب

ممکن است مراد از <الکتاب> تورات باشد. در این صورت فرمان خداوند به دریافت آن، به معنای صحیح گذاشتن بر مطالب آن است.

خشوع یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی)، از خاشعان درگاه الهی بودند.

و کانوا لنا خشعین

دعای یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۳

۱۳- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله تعالى : > حناناً من لدنا < قال : إنه كان يحيى إذا دعا قال في دعائه : > يارب يا الله <
ناداه الله من السماء ليبيك يا يحيى سل حاجتك ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره سخن خدا: > و حناناً من لدنا < فرمود: همانا يحيی زمانی که دعا می کرد، در دعایش می

گفت: ای پروردگار ای خدا! خدا از آسمان به او ندا می داد لیک ای یحیی! حاجت خود را بخواه.

رسالت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ یحیی ، تصدیق کننده و مبلغ رسالت و نبوت عیسی بن مریم (س)

مصدقاً بکلمه من الله

< کلمه الله >، عیسی بن مریم است که به دلیل آیه چهل و پنجم از سوره آل عمران.

رضایت از یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- حضرت یحیی (ع) ، فرزند دلخواه زکریا (ع) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و کان تقیاً . و برآ بولدیه و لم یکن جناراً عصیاً

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهای زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ رضیاً>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

زکریا(ع) هنگام بشارت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۸

۸- زکریا (ع) در زمان دریافت بشارت تولد یحیی (ع) ، در نهایت پیری و از کف دادن قوای جنسی و شهوانی قرار داشت .

و قد بلغت من الکبر عتیا

زکریا(ع) هنگام ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱،۲،۸

۱- زکریا (ع)، در زمان فرا رسیدن نشانه وعده داده شده برای پیدایش فرزندش یحیی، در عبادت گاه بود.

فخرج علی قومه من المحراب

محراب های بنی اسرائیل

همان مسجدهای آنها بود که برای نماز در آن اجتماع می کردند (کتاب <العین>). فاء در <فخرج> فصیحه است؛ یعنی از جملائی محذوف حکایت می کند. به قرینه آیه قیل، آن محذوف، سخن نگفتن زکریا به مدت سه روز است که چه به اعجاز و چه با اراده خود و به فرمان خداوند در آن سه روز سخن نگفت. تعبیر <فخرج...؛ آنگاه از عبادتگاه خود بیرون آمد>، حاکی از این است که در آن سه روز در عبادتگاه بود.

۲- زکریا (ع) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد.

فخرج علی قومه من المحراب

۸- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند.

أَنْ سَبَّحُوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد؛ یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

زمینه تکامل یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی (ع)، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت، محبت الهی و تکامل معنوی بود.

و حنَّاناً من لدنَّا و زكوه و كان تَقِيًّا

با توجه به تفاوت سیاق <و كان تَقِيًّا> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم..). که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و

زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۲

۲- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا <سلام علیه>؛ یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

زمینه حکمت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی (ع) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حناناً من لدننا و زكوه و كان تقياً

با توجه به تفاوت سیاق <و كان تقياً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم ..) که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

زمینه محبوبیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی (ع)

ع) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حنأنا من لدنا و زكوه و كان تقياً

با توجه به تفاوت سیاق <و كان تقياً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم..). که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

زهد یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

انّ الله يبشرك بيحیی . . . و سیداً و حصوراً و نبياً من الصالحین

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گیرند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسیداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- < قال رسول الله (ص) : . . . قال الله تعالى : > و آتیناه الحکم صبیئاً

< یعنی الزهد فی الدنيا ... >

از رسول خدا(ص) روایت شده: .. خدای تعالی فرموده است: <و آتیناه الحکم صبیّاً> یعنی زهد در دنیا را (به او دادیم)...>.

سجده یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکيئاً

سلام بر یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱،۱۰

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حياً

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنّ أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثه مواطن يوم يولد ... و يوم يموت ... و يوم يبعث ... و قد سلّم الله عزّوجلّ على یحیی (ع) في هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : > و سلام علیه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حياً ... <

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود.. و روزی که می میرد...

و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی (ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً>...<.

سلامتی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱،۲،۳

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

۲- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا <سلام علیه>؛ یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۳- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هر گونه رنج و عذاب

و سلم علیه .. یوم یموت و یوم یبعث حیاً

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

شخصیت معنوی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۷

۷- شخصیت معنوی یحیی ، شخصیتی بی مانند بود و پیش از او ، کسی به آن مقام نرسیده بود .

لم نجعل له من قبل سمياً

از جمله معانی ذکر شده برای <سمی> نظیر و شبیه است (مفردات راغب). در این صورت مراد این است که کسی در گذشته ویژگی های یحیی را نداشته است.

شخصیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع) ، شخصیتی الهی و مورد عنایت خاص خدا بود .

لم نجعل له من قبل سمياً

شرافت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

ان الله يبشرك بيحيى .. و سيداً و حصورا و نبياً من الصالحين

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسيداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء

عبادات یحییٰ (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ -

۱۵- > عن النبي (ص) في قوله < و آتيناہ الحکم صبياً > قال : أعطى الفهم و العبادہ و هو ابن سبع سنين ;

۱ . الدرالمشور، ج ۵، ص ۴۸۴.

عصمت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۷

۷- حضرت یحیی (ع) ، مبرا از گناه در برابر خدا *

و لم یکن .. عصياً

می توان گفت جمله < و لم یکن .. عصياً > بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

عفت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

ان الله يبشرك بيحيى .. و سیداً و حصوراً و نبياً من الصالحين

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسیداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵ / مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

عمل به تکلیف یحیی (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - حضرت یحییٰ

(ع)، در عمل به کتاب آسمانی خود و انجام مسؤلیت اجرای احکام الهی، کمترین کوتاهی روا نداشت.

و کان تَقِيًّا

متعلق <تَقِيًّا> به قرینه آیه قبل، مسؤلیت هایی است که متوجه یحیی شده بود. او آن تکالیف را به گونه ای عمل کرد که برای خود <وقایه> و <حفاظی> از عذاب الهی قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۸

۸- یحیی (ع)، فردی وظیفه شناس و مسؤلیت پذیر در قبال خدا، والدین و جامعه

و کان تَقِيًّا. و بَرًّا بولدیه و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا

<تَقِيًّا> نشان رابطه یحیی(ع) با خدا و <بَرًّا بولدیه>، با پدر و مادر و <لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا>، با مردم و جامعه است.

عمل خیر یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کارهای خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند.

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ...> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۳- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود.

و زکریا... و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

فعل مضارع <یسارعون> و فعل <کانوا> پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است

و متعدی شدن فعل <یسارعون> به <فی> حکایت از جدیت و علاقه به کار دارد.

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

عواطف یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱

۱- خداوند ، روحیه رحمت و عطوفتی ژرف به یحیی عطا نمود .

ءاتینه .. و حناناً من لدنا

<حنان> مصدر و به معنای شفقت و مهربانی است (مصباح). تنوین آن برای تفخیم است. این کلمه عطف بر <الحکم> در آیه قبل است.

فضایل یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۴

۴ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، پیامبرانی برتری یافته بر همه مردم عصر خویش

و زکریا و یحیی ... و کلا فضلنا علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۸

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا ، به یحیی (ع) در کودکی او بود .

و ءاتینه الحکم صبیئاً

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است ، یکی از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد

العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۵،۸،۹

۵- یحیی (ع)، در پرتو اراده خداوند، از محبت عمیق مردم نسبت به خویش برخوردار بود.

و حنّاناً من لدنّا

در این برداشت، مراد از <حنّاناً> محبت مردم نسبت به یحیی (ع)، دانسته شده است.

۸- حضرت یحیی (ع) در پرتو عنایات خاص خداوند، از شایستگی و رشد و تکاملی ویژه، برخوردار بود.

ءاتینه .. و زکوه

<زکاه> در معانی <شایستگی> و <پاکی> و <رشد کردن> و <خجستگی> و <تمجید> استعمال شده است (لسان العرب). در هر مورد، معنا یا معانی مناسب آن، مورد نظر خواهد بود.

۹- حضرت یحیی (ع)، تقوایی مستمر و همیشگی داشت.

و کان تقیّاً

<تقیّاً> صفت مشبّهه از <وقی> و دال بر رسوخ و ثبوت است. <کان> نیز در موارد بسیاری بر حالتی ثابت در <اسم> خود دلالت می کند. بنابراین <و کان تقیّاً>، یعنی یحیی پیوسته و مداوم، پرهیزکار بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱،۵،۶،۸،۱۱

۱- یحیی (ع) نسبت به پدر و مادرش بسیار نیکوکار بود.

و برّاً بولدیه

<برّاً> عطف بر <تقیّاً> در آیه قبل است و با کلمه <بارّاً> به یک معناست جز این که <برّاً> مبالغه دارد و <برّالوالدین> احسان و نیکی گسترده به آنها است (مفردات راغب).

۵- حضرت یحیی (ع)، شخصیتی برّا از گردن فرازی، بزرگ نمایی، سلطه جویی ناحق و اعراض از حاجات مردم

و لم يكن جبارًا عصيًا

<جبار> صيغه مبالغه و به

معنای گردن فرازی است که برای دیگران بر خود حقی قائل نیست (لسان العرب) و به معنای <سلطه جو> و <کسی که به دروغ مدعی درجه ای از کمال باشد> نیز آمده است (مفردات راغب). <عصی> صیغه مبالغه است و به قرینه <بِراً> و <جَبَّاراً> که در رابطه با مردم است، مراد از <عصی> نیز سرپیچی از برآوردن حاجات مردم و تواضع نداشتن در برابر آنها است. به کاربردن صیغه مبالغه در کلام منفی، برای مبالغه در نفی است.

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها، سربرنتافت.

و بِرًّا بَوْلِدِيهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا

چون جملات پیشین در باره حضرت یحیی (ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود، محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

۸- یحیی (ع)، فردی وظیفه شناس و مسؤولیت پذیر در قبال خدا، والدین و جامعه

و كَانَ تَقِيًّا . وَ بِرًّا بَوْلِدِيهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا

<تَقِيًّا> نشان رابطه یحیی (ع) با خدا و <بِرًّا بَوْلِدِيهِ>، با پدر و مادر و <لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا>، با مردم و جامعه است.

۱۱- حضرت یحیی (ع)، فرزند دلخواه زکریا (ع) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و كَانَ تَقِيًّا . وَ بِرًّا بَوْلِدِيهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از

بیان دعاهای زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ رضیاً>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۲،۳،۹

۲- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا <سلام علیه>؛ یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۳- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز، مصون از هر گونه رنج و عذاب

و سلم علیه . . . یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

۹- حضرت یحیی (ع) در آخرت، دارای حیاتی ویژه است .

و یوم یبعث حیّاً

فعل <یبعث> بر زنده شدن نیز دلالت دارد. تصریح به <حیّاً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱

۱- زکریا

، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادريس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أولئك الذين أنعم الله عليهم

<أولئك> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أنعم الله...> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

فهم یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- <عن النبي (ص) في قوله > و آتينا الحكم صبياً < قال : أعطى الفهم و العباده و هو ابن سبع سنين ;

۱ . الدرالمشور، ج ۵، ص ۴۸۴.

قاطعت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۳

۳- خداوند ، فهم کامل و همه جانبه کتاب آسمانی (تورات) و عمل قاطعانه بر طبق آن را ، به یحیی (ع) فرمان داد .

ییحیی خذ الكتب بقوه

<ال> در <الكتاب> عهد است و ممکن است مراد همان تورات باشد؛ زیرا کتاب دیگری که بر یحیی(ع) نازل شده باشد شناخته شده نیست. فرمان <خذ> کنایه از فهم و تدبیر کامل است و <بقوه> که حال برای فاعل <خذ> می باشد، به معنای نیرومندی هم در مقام علم و فراگیری و هم در مقام عمل است.

قدرت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۹

۹- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیًا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا در آورد.

قصه یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱،۳،۷

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

<ذَٰلِكَ>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکر است .

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱

۱ سرگذشت زکریا ، عیسی ، مریم ، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن ، حق و از جانب پروردگار است .

الحق من ربك

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم

و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

قضاوت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتينه الحكم صبيًا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

کودکی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۵، ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا، به یحیی (ع) در کودکی او بود .

و ءاتينه الحكم صبيًا

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است / یکی از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد (لسان العرب).

۹- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتينه الحكم صبيًا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا درآورد.

۱۰- حضرت یحیی، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیئاً

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و

به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

۱۱- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

و آئینه حکم صبیاً

۱۵- > عن النبی (ص) فی قوله < و آئیناه الحکم صبیاً > قال : أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین ;

۱ . الدرالمشور، ج ۵، ص ۴۸۴.

۱۶- > قال رسول الله (ص) : ... قال الله تعالى : < و آئیناه الحکم صبیاً > یعنی الزهد فی الدنيا ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: .. خدای تعالی فرموده است: < و آئیناه الحکم صبیاً > ; یعنی زهد در دنیا را (به او دادیم) ... < .

کیفر قتل یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریا و یحیی پیامبر (ع)

و یقتلون النبیین بغير حق .. فبشرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انّ نبی الله زکریا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی الله.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

گریه یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام

شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أُولَئِكَ . . إِذَا تَلَى عَلَيْهِم آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

مالکیت یحیی (ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۶

۶- وجود مالکیت خصوصی در زندگانی یحیی و زکریای پیغمبر

فهب لی من لدنک ولیئا . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

محبت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۷

۷- یحیی (ع) در پرتو عنایت های خداوند ، دوست دار او و سرشار از اشتیاق به وی بود .

حناناً من لدنا

در این برداشت، وصف <حناناً> بیانگر مهر و محبتی است که خداوند آن رانسبت به خود، به یحیی(ع) عطا فرموده است.

محبوبیت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۴

۴- یحیی (ع) از مقربان درگاه خداوند و محبوب او بود .

و حناناً من لدنا

در باره مهر اعطایی به حضرت یحیی(ع) چهار تصور وجود دارد که وصف <حناناً من لدنا> با تمام آنها سازگار است: مهر خداوند یا مردم به یحیی(ع) و مهر آن حضرت به خداوند یا مردم، در برداشت یاد شده، مهرورزی خداوند به آن حضرت مورد نظر است.

مرگ یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱۰، ۳، ۱

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

۳- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه . . . یوم یموت و یوم یبعث حیاً

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع

است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنَّ أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثه مواطن يوم يولد ... و يوم يموت ... و يوم يبعث ... و قد سلّم الله عزّوجلّ على يحيى (ع) في هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : > و سلام عليه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حيّاً ... < ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود.. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: > و سلام علیه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حيّاً <...<

مسئولیت پذیری یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۸

۸- یحیی (ع) ، فردی وظیفه شناس و مسئولیت پذیر در قبال خدا ، والدین و جامعه

و كان تقياً . و برّاً بولديه و لم يكن جبّاراً عصياً

>تقیّاً< نشان رابطه یحیی(ع) با خدا و >برّاً بوالديه< ، با پدر و مادر و >لم يكن جبّاراً عصياً< ، با مردم و جامعه است.

معجزه ولادت

یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۶

۶- تولد یحیی ، امری اعجاز آمیز و غیر عادی بود

قال كذلك قال ربك هو علي هين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱

۱- بشارت و وعده خداوند به زکریا ، با تولد اعجاز گونه یحیی تحقق یافت .

نبشرك بغلم اسمه یحیی . . . یحیی خذ الکتب

معجزه یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ آفرینش حضرت یحیی (ع) ، همراه با اعجاز

ان الله يبشرك بيحیی . . . كذلك الله يفعل ما يشاء

مقام یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۸

۸ منزلت متعالی یحیی و زکریا ، در پیشگاه خداوند

فنادته الملائكة . . . يبشرك بيحیی

نزول ملائکه بر زکریا (ع)، دلالت بر عظمت مقام او دارد. و بشارت خداوند به اعطای یحیی به وی حاکی از ارجمندی مقام

یحیی است.

۱۲ حیات جاودانه حضرت یحیی (ع) *

بیشرک بیحیی

با توجه به معنای لغوی کلمه <یحیی> (زنده می ماند)، با صیغه مضارع که حاکی از استمرار آن معناست.

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

انّ الله يبشرك بيحیی . . . و سیداً و حصورا و نبیاً من الصالحین

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا

بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسیداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

۱۴ اعتقاد به نبوت عیسی (ع)، ارزشی برای یحیی

مصدقاً بکلمه من الله

مقامات یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط (ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع)، شخصیتی الهی و مورد عنایت خاص خدا بود.

لم نجعل له من قبل سمياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۵، ۱۰، ۹، ۲

۲- یحیی (ع) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود.

ییحیی خذ الكتب بقوه

در باره این که ندای <یا یحیی> گفته چه کسی بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداوند و توسط فرشته وحی؛ ۲ توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

۹- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای

احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیئاً

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا در آورد.

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیئاً

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

۱۵- > عن النبی (ص) فی قوله < و آتیناه الحکم صبیئاً > قال : أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین ;

۱ . الدرالمشور، ج ۵، ص ۴۸۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۷

۷- حضرت یحیی (ع) ، مبرّاً از گناه در برابر خدا *

و لم یکن .. عصیئاً

می توان گفت جمله <و لم یکن .. عصیئاً> بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۴

۴- حضرت یحیی (ع) دارای کرامت و ارجمندی ویژه در پیشگاه خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیئاً

منشأ علم یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا، به یحیی (ع) در کودکی او بود.

و ءاتینه الحکم صبیئاً

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است؛ یکی

از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد (لسان العرب).

منشأ فهم یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۸

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا، به یحیی (ع) در کودکی او بود.

و ءاتینه الحکم صبیًا

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است؛ یکی از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد (لسان العرب).

منشأ محبت به یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۵

۵- یحیی (ع)، در پرتو اراده خداوند، از محبت عمیق مردم نسبت به خویش برخوردار بود.

و حنانًا من لدنًا

در این برداشت، مراد از <حنانًا> محبت مردم نسبت به یحیی(ع)، دانسته شده است.

منشأ نامگذاری یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۴

۴ - <یحیی>، نامی تعیین شده از سوی خدا برای فرزند زکریا

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیًا

مهربانی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱

۱- خداوند ، روحیه رحمت و عطوفتی ژرف به یحیی عطا نمود .

ءاتینه .. و حناناً من لدناً

<حنان> مصدر و به معنای شفقت و مهربانی است (مصباح). تنوین آن برای تفخیم است. این کلمه عطف بر <الحکم> در آیه قبل است.

نامگذاری یحیی (ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۹

۹ نامگذاری یحیی (ع) ، از جانب خداوند

ان الله يبشرك بيحیی

نبوت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۲

۲- یحیی (ع) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود .

ییحیی خذ الکتب بقوه

در باره این که ندای <یا یحیی> گفته چه کسی بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداوند و توسط فرشته وحی؛ ۲ توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

نسب یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند

من النبیین . . . من ذرّیه ابرهیم و اِسْرءیل

نعمتھای یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱

۱- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، ہارون ، اسماعیل و ادريس (ع)

(بر خوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

<أُولَئِكَ> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أَنْعَمَ اللَّهُ...> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

نقش یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲،۳

۲- یحیی (ع) موهبتی بی چشمداشت از جانب خداوند به زکریا (ع) ، پس از دعا و روی آوردن او به درگاه الهی

إِذْ نَادَى رَبَّهُ .. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى

<هبه> به معنای عطیه و بخششی بدون عوض و خالی از اغراض (چشمداشت) است (لسان العرب).

۳- یحیی (ع) ، نخستین فرزند زکریا (ع) پس از استجابت دعای او برای فرزنددار شدن

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا .. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى

نیاکان یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۱،۲

۱ زکریا، یحیی و الیاس، نوادگانی از ذریه ابراهیم(ع) بودند.

و من ذریته .. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

۲ زکریا، یحیی و الیاس از نوادگان نوح(ع) بودند.

و من ذریته .. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

نیکی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱،۶

۱- یحیی (ع) نسبت به

پدر و مادرش بسیار نیکوکار بود .

و بَرًّا بولدیه

<بَرًّا> عطف بر <تَقِيًّا> در آیه قبل است و با کلمه <بَارًّا> به یک معنا است جز این که <بَرًّا> مبالغه دارد و <بَرِّالوالدین> احسان و نیکی گسترده به آنها است (مفردات راغب).

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و بَرًّا بولدیه و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا

چون جملات پیشین در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود؛ محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

وحی به یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۲

۲- یحیی (ع) دریافت کننده وحی و دارای شخصیتی ممتاز در پیشگاه خداوند بود .

یحیی خذ الکتب بقوه

در باره این که ندای <یا یحیی> گفته چه کسی بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداوند و توسط فرشته وحی؛ ۲ توصیه زکریا به فرزندش یحیی. ظاهر آیه مؤید احتمال اول است. برداشت یاد شده نیز بر همین اساس است.

وراثت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۸

۸- یحیی (ع) ، وارث حضرت زکریا (ع) و خاندان یعقوب بود .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب . . .

یزکریا اِنَّا نَبَشْرُکْ بَغْلَمِ اسْمِهِ یَحِیّی

ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱۰، ۲، ۱

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

۲- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا <سلام علیه>؛ یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۱۰- > عن أبی الحسن الرضا (ع) : إنَّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یولد ... و یوم یموت ... و یوم یبعث ... و قد سلّم الله عزّوجلّ علی یحیی (ع) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : > و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً ... < ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود.. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع

و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً...>.

ویژگیهای حیات اخروی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع) در آخرت، دارای حیاتی ویژه است.

و یوم یبعث حیاً

فعل <یبعث> بر زنده شدن نیز دلالت دارد. تصریح به <حیاً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

ویژگیهای دعای یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۶

۱۶- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی)، خدا را با رغبت و امید می خواندند.

و یدعوننا رغباً و رهباً

ویژگیهای یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

و ءاتینہ الحکم صبیاً

هدایت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ زکریا، یحیی، عیسی و الیاس (ع) از هدایت خاص خداوند بهره مند بودند.

و کلا هدینا .. و من ذریته ... و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس

یحیی (ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس (ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

یحیی (ع) در

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱۰، ۳، ۱

۱- حضرت یحیی (ع)، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

۳- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه ... یوم یموت و یوم یبعث حیاً

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنَّ أَوْحَشَ مَا يَكُونُ هَذَا الْخَلْقِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ يَوْمَ يُولَدُ ... وَ يَوْمَ يَمُوتُ ... وَ يَوْمَ يَبْعَثُ ... وَ قَدْ سَلَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ يَحْيَى (ع) فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْمَوَاطِنَ وَ آمَنَ رُوْعَتَهُ فَقَالَ : > وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا ... < ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود.. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد

و یوم یموت و یوم یبعث حیاً <...>.

یحیی(ع) و اجرای احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۹

۹- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیًا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا در آورد.

یحیی(ع) و تحمیل بر والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۶

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و بڑا بولدیه و لم یکن جبارًا عصیًا

چون جملات پیشن در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود؛ محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

یحیی(ع) و سلطه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۵

۵- حضرت یحیی (ع) ، شخصیتی مبرّا از گردن فرازی ، بزرگ نمایی ، سلطه جویی ناحق و اعراض از حاجات مردم

و لم یکن جبارًا عصیًا

<جَبَّار> صیغه مبالغه و به معنای گردن فرازی است که برای دیگران بر خود حقی قائل نیست (لسان

العرب) و به معنای <سلطه جو> و <کسی که به دروغ مدعی درجه ای از کمال باشد> نیز آمده است (مفردات راغب).
<عصی> صیغه مبالغه است و به قرینه <بَرّاً> و <جَبَّاراً> که در رابطه با مردم است، مراد از <عصی> نیز سرپیچی از
برآوردن حاجات مردم و تواضع نداشتن در برابر آنها است. به کاربردن صیغه مبالغه در کلام منفی، برای مبالغه در نفی است.

یحیی(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۷

۷- حضرت یحیی (ع) ، مبرا از گناه در برابر خدا *

و لم یکن .. عصیاً

می توان گفت جمله <و لم یکن .. عصیاً> بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار)
دلالت دارد.

یحیی(ع) هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادیس (ع) ، هنگام
شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجداً و بکیّاً

یعقوب (ع) از دیدگاه قرآن در تفسیرراهنما

یعقوب(ع)

آثار اندوه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وايضا عينا من الحزن

<ايضا> مصدر باب افعال

از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

آثار توصیه های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۸

۸ توصیه یعقوب (ع) به فرزنداناش (لزوم اختیار کردن دروازه های متعدد برای ورود به مصر) جز تلاش برای سلامتی فرزنداناش ، اثر دیگری نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

استثنا در عبارت <إلا حاجه ..> استثنای منقطع است. ظاهر آن است که ضمیر فاعلی در <قضایها> به یعقوب(ع) باز گردد. بر این اساس معنای <ما کان یغنی ... إلا حاجه فی نفس یعقوب قضایها> چنین می شود: تدبیر یعقوب(ع) هرگز بازدارنده آنچه از ناحیه خداوند مقدر شده بود نشد ؛ لکن یعقوب(ع) خواسته ای داشت که با دستور خویش (ادخلوا من أبواب متفرقه) عملی ساخت. بر اساس این معنا مراد از خواسته او (حاجه) انجام وظیفه است و آن راهنمایی فرزندان به اسباب رهایی از خطرات احتمالی است.

آثار خدانشناسی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ معرفت ویژه یعقوب (ع) نسبت به خداوند و صفات او ، دلیل تضرعش به درگاه او و شکایت نبردنش به غیر او .

إنما أشکوا بئى و حزنى إلى الله و أعلم من الله ما لاتعلمون

جمله <أعلم من الله> به منزله تعلیل برای <إنما أشکوا ..> است ؛ یعنی ، دلیل اینکه من فقط به خدا شکایت می برم [و شما این گونه

نیستید] آن است که من از صفات و ویژگیهای خدا، چیزهایی را می دانم که شما نمی دانید.

آثار محبت یعقوب(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۷

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

آثار محبت یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۷

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

آخرت طلبی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۱

۱ - آخرت اندیشی و یاد مستمر قیامت ، از اوصاف ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام)

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ

<خالصة> موصوف برای صفت مقدر (چون خصله) و یا صفت است. <باء> آن برای سببیت و عبارت <ذکری الدار> نیز بیان برای <خالصة> می باشد. بر این اساس پیام آیه چنین خواهد بود: ما با خصلت و صفت خالص و بی شائبه که عبارت است از آخرت اندیشی آنان را خالص ساختیم.

آگاهی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۷

۷ یعقوب (ع) از روحیات فرزندان خویش مطلع بود .

لا تَقْصُصْ ... فیکیدوا لک کیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۶

۶ آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندان او (یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است . *

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندان او را باور نکرد و آنان را علی رغم داشتن شهود عینی که جای شک باقی نمی گذاشت به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: ۱ یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. ۲ کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. ۳ این کید و نقشه از ناحیه فرزندان او اجرا شده است. اینها واقعیهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت / ولی نکته ای که برای او پس از آنکه

فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندانش است مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طراح و مجری آن نقشه بودند.

آل یعقوب و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۹،۱۰

۹ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب در برخورد با او

لولا أن تفندون

۱۰ ترور شخصیت یعقوب (ع) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفندون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۲،۴،۵

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنك لفي ضللك القديم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضللك القديم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنك لفي ضللك القديم

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف (ع) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف . . . قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

۵ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب به ساحت والای آن حضرت

إنك لفي ضللك القديم

ابراهیم(ع) و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق (ع) ، پدران یعقوب و یوسف (ع) بودند .

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۴

۴- تولد یعقوب (ع) ، در زمان حیات ابراهیم (ع) بود .

و وهبنا له إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) است و ولی از آن جا که خداوند نام یعقوب را همراه با اسحاق ذکر فرمود و هر دو را به عنوان موهبت خود به ابراهیم یادآور شد، می رساند که یعقوب(ع) در زمان حیات ابراهیم(ع) تولد یافته بود.

ابراهیم(ع) هنگام ولادت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

و هبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

اجابت دعای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ خداوند خواسته یعقوب (ع) (ورود فرزندانش از درب های متعدد) را برآورده ساخت . *

إلا حاجة في نفس يعقوب قضيتها

برداشت فوق ، بر اساس این احتمال است که ضمیر فاعلی در <قضاها> به <الله> باز گردد. بر این اساس مفاد <و

لما دخلوا < قضاها > چنین می شود: هر چند توصیه یعقوب (ع) اثری نداشت ؛ لکن خداوند خواسته او را عملی ساخت.

احترام بنیامین به یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۹

۹ بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب (ع) به مسافرت اقدام نمی کرد .

۱۰ اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخاناً) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

احترام به یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴

۴ احترام ویژه یوسف (ع) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

احتضار یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۶

۶ - یعقوب (ع) در آستانه مرگ ، فرزندان را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد .

إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدي

احساس خطر یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف .. قالوا لئن أكله الذئب و نحن عصبه

اخلاص یعقوب(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- عبادت و بندگی مداوم و مخلصانه ، از اوصاف حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و كانوا لنا عبدین

فعل <کون> که مفید استقرار وصف است بیانگر دائمی بودن عبادت ابراهیم(ع) است و تقدم جار و مجرور (لنا)، نشانگر انحصار عبادت آنان، برای خداوند متعال است که از آن به خالصانه بودن یاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۲

۲ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) از هرگونه آلودگی های مادی و متضاد با آخرت اندیشی پاک و منزّه بود .

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِ الدَّارِ

اسباط یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۸

۱۸ - > حنان بن سدیر عن أبيه عن أبي جعفر (ع) قال : قلت له ، كان ولد يعقوب أنبياء ؟ قال لا و لكنهم كانوا أسباطاً أولاد الأنبياء ... ;

حنان بن سدیر از پدرش روایت کرده که از امام باقر(ع) سؤال نمودم: آیا فرزندان یعقوب، پیامبر بودند؟ فرمود: نه، و لکن آنان اسباط و فرزندان پیامبران بودند .. <

استغفار یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۲

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش نوید داد که به زودی آمرزش گناهانشان را از درگاه خداوند خواهد خواست و برای آنان

شفاعت خواهد کرد .

قال سوف أستغفر لكم ربی

استقبال از یعقوب (ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۲

۲ یوسف (ع) برای استقبال از پدر و مادر، برادران و سایر بستگانش، از شهر مصر بیرون رفت.

فلما دخلوا علی یوسف . . قال ادخلوا مصر

جمله <ادخلوا مصر> (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

استمداد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) برای کشف حقیقت آنچه فرزندانش درباره یوسف (ع) ابراز می کردند، از خداوند کمک خواست.

والله المستعان علی ما تصفون

<وصف> (مصدر تصفون) به معنای بیان کردن است و مراد از <ما> سخنان دروغین برادران یوسف می باشد. کمک گرفتن از خدا بر سخنان و گزارشهای غیر واقعی، به معنای کمک گرفتن از او در کشف حقیقت است.

اسحاق(ع) و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق (ع)، پدران یعقوب و یوسف (ع) بودند.

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

اسکان یعقوب(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در حکومت مصر برای جای دادن به یعقوب (ع) و خاندان او در آن دیار، محدودیت و مشکلی نداشت.

وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند.

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

اسماعیل(ع) عموی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۲۰

۲۰ - از امام باقر (ع) روایت شده که : <... قال تعالی فی قصه یعقوب > قالوا نعبد إلهك وإله آبائك إبراهيم و اسماعیل و اسحاق < و اسماعیل کان عمّ یعقوب (ع) و قد سماه أباً فی هذه الایه ;

... خداوند در قصه یعقوب فرموده: [فرزندان یعقوب در جواب پدر] گفتند: ما خدای تو و پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می پرستیم. و اسماعیل عموی یعقوب بود، در حالی که خداوند او را در این آیه، پدر خوانده است.

اطاعت از یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۳، ۲، ۳

۲ فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند.

وادخلوا من أبواب متفرقه... و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

<حیث> اسم مکان و به معنای جا

و محل است.

۳ اطاعت فرزندان یعقوب از پدر خویش

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

۱۳ اطاعت فرزندان یعقوب از او در مورد ورودشان از دروازه های متعدد ، به توفیق الهی بود .

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم .. . إلا حاجة فی نفس یعقوب قضیها

از یک سو برآورده شدن خواسته یعقوب(ع) (ورود فرزندان از دربهای متعدد) به خود آنان نسبت داده شده (و لما دخلوا من حیث أمرهم) و از سویی بیان شده که خداوند خواسته او را برآورده ساخته است. از این دو بیان معلوم می شود که توفیق خدا و اراده او موجب شد که فرزندان یعقوب به آنچه پدرشان توصیه کرده بود، موفق شوند.

اطمینان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۴

۴ یعقوب (ع) مطمئن به مکر و کید فرزندانش علیه یوسف (ع) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لا تقصص رءیاک علی إخوانک فیکیدوا لک کیداً

چنان چه یعقوب(ع) اطمینان و یقین به کید و مکر فرزندانش علیه یوسف(ع) نداشت ، پس از نقل رؤیا می فرمود: >فإنی أخاف أن یکیدوا .. < (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۷،۸

۷ یعقوب (ع) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد .

فأکله الذئب .. قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

>تسویل < (مصدر سؤلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند

به صورت امری نیکوست و مراد از <أمرًا> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سؤلت...> چنین معنا می شود: آنچه گفتید صحت ندارد؛ بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

۸ اطمینان یعقوب (ع) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندان او علیه یوسف (ع)

بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> می رساند که یعقوب (ع) سخن فرزندان او را پذیرفت و جمله <سؤلت لکم...> بیانگر این نکته است که او به توطئه آنان علیه یوسف (ع) اطمینان پیدا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۹

۹ یعقوب (ع) در پی تعهد فرزندان او بر محافظت از یوسف (ع) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست.

كما أمنتکم علی أخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع)، بنیامین و لاوی، اطمینان داشت.

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف (ع)، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۰، ۹

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیان او به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت.

و أعلم من الله ما لا تعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر

اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۶

۶ یعقوب (ع) مطمئن به یاری و رحمت خداوند در یافتن یوسف و بنیامین

فتحسوا من یوسف و أخیه و لاتأیسوا من روح الله

جلوه و نمود رحمت خداوند در آیه شریفه ، یاری و کمک او در یافتن یوسف و دستیابی به بنیامین است.

اعراض یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولى عنهم

<تولى> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

اعطای یعقوب(ع) به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۳

۳- اعطای اسحاق و یعقوب به حضرت ابراهیم (ع) ، موهبتی الهی و پاداش هجرت او بود .

فلما أعتزلهم و ما یعبدون من دون الله و هبنا له إسحق و یعقوب

حرف <لَمَّا> بیانگر ترتب جزا(وهبنا ..) بر شرط (اعتزلهم...) می باشد و دلالت می کند که وجود جزا، به خاطر وجود شرط بوده است.

الگوگیری از یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، اسوه و الگوی انسان ها

و اذکر عبدنا إبرهیم . . . إنهم عندنا لمن المصطفین الأخیار

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، درصدد بیان سرگذشت شخصیت هایی است که برای پیامبراسلام(ص) و مؤمنان، درس آموز و سازنده است.

امامت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱

۱- حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، برخوردار از منصب پیشوایی و رهبری در جامعه

و جعلنهم أئمه

امیدواری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۴، ۲۰، ۱۳، ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

۱۳ یعقوب (ع) برای مراجعت فرزندانش به یاری خداوند دل بسته بود و به کمک او امید داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصیر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

۲۰ اعتقاد و باور یعقوب (ع) به علم و حکمت الهی ، موجب اتکا و امید آن حضرت به یاری خداوند بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو ..> تعلیل برای <عسی الله ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۳

۳ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف (ع) و بنیامین امیدوار شد .

يَبْنِي اَذْهَبُوا فَتَحْسَبُوا مِنْ يَوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَأْتِسُوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

انتظارات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۵

۵ یعقوب (ع) از فرزندانش انتظار نداشت با به خطر انداختن خویش در حفظ بنیامین و باز \$ گرداندن او تلاش کنند .

إِلَّا أَنْ يَحَاطَ بِكُمْ

احاطه که ظاهراً مصدر <يحاط> است به معنای گرفتن پیرامون چیزی از همه جوانب آن است و در آیه شریفه کنایه از مغلوب شدن و بسته شدن همه راهها و چاره هاست.

اندوه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها علی أبيه یعقوب ، فاغتم یعقوب لما سمع من يوسف مع ما أوحى الله عزوجل إليه أن استعد للبلاء

... و خاف أن يكون ما أوحى الله عزوجل إليه من الإستعداد للبلاء هو في يوسف خاصه فاشتدت رفته عليه من بين ولده فلما رأى إخوه يوسف ما يصنع يعقوب بيوسف و تكرمته إياه و إيثاره إياه عليهم إشتد ذلك عليهم ... و قالوا : إن يوسف و أخاه < أحب إلى أبينا منا > ... ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... هنگامی که یوسف (ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او وحی کرد که آماده بلا- باش غمگین شد ... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد ؛ چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرمی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۲،۳

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع) ، از اعتذار های یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لا تأمنا .. قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) : قيل له : كيف يحزن يعقوب على يوسف و قد أخبره جبرئيل أنه لم يمت و أنه سيرجع إليه فقال : إنه نسي ذلك ;

از امام صادق(ع) روایت شده که به ایشان گفته شد: چگونه یعقوب برای یوسف محزون می شود و حال آنکه جبرئیل او را خبر داده بود که یوسف نمرده و به زودی به سوی او برمی گردد؟ امام(ع) فرمود: یعقوب خبر جبرئیل را فراموش کرده بود.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۴

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۶

۶ یعقوب (ع) با بیان اینکه از غم و اندوهش به اطرافیان و فرزندانش شکایت نمی کند ، خویشان را سزاوار ملامت آنان نمی دید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف .. قال إنما أشکوا بثی و حزنی إلى الله

انقیاد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندان آنان ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشارالیه <تلک> پیامبران یاد شده در آیه قبل و فرزندانشان است. به کارگیری

<تلک> برای اشاره به مذکر به لحاظ خبر (أمه) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشار الیه <تلک> پیامبران یاد شده در آیه قبل است. به کارگیری <تلک> برای اشاره به مذکر و لحاظ خبر (أمه) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۲

۳۲ > از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند <وخرّوا سجّداً> سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند: <أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ؛ سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ؛ بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود.>

اوامر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند .

بینی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

اولاد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲

۲ ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندان‌ش ، از انبیا و دریافت کنندگان

وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

اهانت به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۹

۹ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب در برخورد با او

لولا أن تفندون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۵

۵ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب به ساحت والای آن حضرت

إنك لفي ضللك القديم

اهتمام یعقوب(ع) بر توکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۸

۱۸ توصیه های یعقوب (ع) به فرزندان خویش (لزوم توکل بر خدا و به کارگیری اسباب و علل) جلوه ای از علم ویژه او بود

ادخلوا من أبواب متفرقة . . . و عليه فليتوكل المتوكلون ... إنه لذو علم لما علمنه

اهتمام یعقوب(ع) به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جميل عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

ایمان به تعالیم یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱

۱ - ضرورت ایمان داشتن به خدا، قرآن و احکام و معارف نازل شده بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (

قولوا ءامنا بالله و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم . . . و یعقوب

ایمان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۴، ۲۰

۲۰ اعتقاد و باور یعقوب (ع) به علم و حکمت الهی، موجب اتکا و امید آن حضرت به یاری خداوند بود.

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو...> تعلیل برای <عسی الله...> می باشد.

۲۴ باور یعقوب (ع) به علم و حکمت خداوند، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود.

فصبر جمیل... إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو...> علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسی الله...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جمیل> نیز باشد.

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است.

برادران یوسف و بیماری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۳

۳ فرزندان یعقوب، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتن در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

برادران یوسف و رضایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۵، ۶

۵ زمینه سازی برادران یوسف جهت جلب رضایت پدر در بردن یوسف (ع)

يَا بَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ

۶ فرزندان یعقوب ، با دروغ و نیرنگ در صدد برآمدند تا اعتماد وی را جلب کرده و رضایت او را در سپردن یوسف (ع)

(به ایشان فراهم سازند .

و إنا له لنصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۴،۶،۷

۴ فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

۶ برادران یوسف، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

<مراوده> (مصدر نراود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود ...> چنین است، همانا با ملاحظت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

۷ تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف (ع)

إنا لفاعلون

جمله <سنرود عنه أباه> این احتمال را برای یوسف (ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی با جمله <إنا لفاعلون> به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۰،۱۲

۱۰ ضرورت تهیه طعام، دغدغه خاطر نداشتن برای بهای آذوقه و لطف و عنایت خاص دربار مصر به فرزندان یعقوب، دلیل های آنان برای لزوم سفر به مصر و اصرارشان بر جلب موافقت پدر با مسافرت بنیامین

ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا

سخنان فرزندان یعقوب (یا أبانا هذه ..) در راستای جلب

رضایت وی برای سفر بنیامین است و هر جمله آن اشاره به دلیلی بر لزوم این مسافرت دارد. فرزندان یعقوب با جمله <ما نبغی...> بیان می دارند که مورد توجه خاص عزیز مصر قرار گرفته اند و سزاوار نیست درخواست او (آوردن بنیامین) را برآورده نسازند. آنان با عطف جمله <نمیر أهلنا> بر جمله ای مقدر نظیر <نستظهر بها> (از این بضاعت باز گردانده شده برای تهیه آذوقه کمک می گیریم) بیان می کنند که مشکل نداشتن بهای آذوقه را ندارند و با جمله <نحفظ أخاننا> می رسانند که به خاطر پاسخ مثبت به عزیز مصر و دریافت آذوقه، ملزم به حفظ برادرشان هستند و با جمله <ذلک کیل یسیر> بیان می کنند که سخت نیازمند تهیه طعام هستند.

۱۲ لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غله با آمدن بنیامین به مصر، از دلیل های ارائه شده به یعقوب (ع) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

<ازدیاد> (مصدر <نزداد> از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. <کیل بعیر> / یعنی، بار و محموله ای که معمولاً بر یک شتر حمل می کنند. گفتنی است جمله های <فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم...> و <منع منا الکیل> دلالت می کند بر اینکه یوسف(ع) اعطای سهمیه به فرزندان یعقوب را بدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از <نزداد کیل بعیر> این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

برادران یوسف و یعقوب(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۷،۸،۹

۷ برادران یوسف با حضور در پیشگاه یعقوب (ع) لب به شکایت گشوده و از بی اعتمادی او نسبت به آنان درباره یوسف (ع) انتقاد کردند .

قالوا یا بانا ما لک لاتأمنّا

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف (ع) تأکید کردند .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

۹ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به او ، و تحریک احساسات وی در صدد فریب دادن او بودند .

قالوا یا بانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

برداشت فوق ، از خطاب <یا بانا> (ای پدر جانمان) و نیز لحن کلام <ما لک لاتأمنّا ..> (چه شده است که به ما درباره یوسف بی اعتماد هستی) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۸

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف (ع) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید فراوان ، از آوردن جمله اسمیه به همراه <إِنَّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳،۵

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف .. قالوا لئن أکله الذئب و نحن عصبه

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود، امری خسارت بار و

تباه کننده قلمداد کردند .

إِنَّا إِذَا لَخْسِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش ، موافقت او را برای فرستادن یوسف (ع) به همراه خود جلب کردند .

إِنَّا لَهُ لَحَفْظُونَ ... فلما ذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب ، پس از رها ساختن یوسف (ع) در چاه ، گریان نزد پدر آمدند .

و جاءو أباهم عشاءً يبكون

علل الشرايع، ص ۴۷، ح ۱، ب ۴۱ نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۷.

۲ برادران یوسف برای حق جلوه دادن صحنه های دروغین ، حضور خویش در نزد پدر را تا شامگاهان به تأخیر انداختند .

و جاءو أباهم عشاءً

<عشاء> به اول تاریکی شب گفته می شود و برخی از اهل لغت گفته اند: <عشاء> از اول مغرب است تا سپری شدن ثلث شب. تصریح قرآن به زمان گزارش دروغین (شامگاهان) اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۳

۳ برادران یوسف با ارائه پیراهن خونین او به یعقوب (ع) ، درصدد اثبات ادعای ساختگی خویش برآمدند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد

کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۶،۷،۵

۵ فرزندان یعقوب به وی خاطر نشان کردند که عزیز مصر (یوسف) بدون آگاهی ایشان و بدون کمترین امتنایی، بضاعت آنان را بازگردانده است.

هذه بضعتنا ردّت إلینا

آوردن فعل <رَدَّت> به صورت مجهول و یاد نکردن از فاعل آن برای رساندن این معناست که باز گرداننده به گونه ای عمل کرده که ما متوجه او نشویم و احساس کوچکی و شرمندگی نکنیم.

۶ فرزندان یعقوب در کنار پدر و پیرامون او زندگی می کردند.

و لما فتحوا متعهم .. قالوا یاأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند.

قال هل ءامنکم .. یاأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۲،۳،۱۳

۲ فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند.

وادخلوا من أبوب متفرقه .. و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

<حیث> اسم مکان و به معنای جا و محل است.

۳ اطاعت فرزندان یعقوب از پدر خویش

ولما دخلوا من حيث أمرهم أبوهم

١٣ اطاعت

فرزندان یعقوب از او در مورد ورودشان از دروازه های متعدد ، به توفیق الهی بود .

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم .. إلا حاجة فی نفس یعقوب قضیها

از یک سو برآورده شدن خواسته یعقوب(ع) (ورود فرزندان از دربهای متعدد) به خود آنان نسبت داده شده (و لما دخلوا من حیث أمرهم) و از سویی بیان شده که خداوند خواسته او را برآورده ساخته است. از این دو بیان معلوم می شود که توفیق خدا و اراده او موجب شد که فرزندان یعقوب به آنچه پدرشان توصیه کرده بود، موفق شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۳

۳ فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر ، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۸،۱۰

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهران ، اعتذار آنان نزد یعقوب (ع) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلی أیکم فقولوا .. و ما کنا للغیب حفظین

جمله <و ما کنا ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد ، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گوئید بینجامد.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهرانی ، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۳،۴

۳ فرزندان یعقوب ، بر این گمان بودند که پدرشان داستان سرقت بنیامین را تصدیق نخواهد کرد .

وسئل القریه ... والعیبر التی أقبلنا فیها

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقلولوا یأبانا .. وسئل القریه ... والعیبر التی أقبلنا فیها

<اقبال> (مصدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العیبر التی ...> یعنی، از کاروانی پرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۴،۵،۶

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

۵ فرزندان یعقوب از وی تقاضا کردند یوسف (ع) را فراموش کرده و یاد او را از خاطر بزداید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرضاً ..) جواب قسم است / یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرضاً ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۷

۷ > نشیط ... قال : قلت لأبی عبد الله (ع) : أکان إخوه یوسف صلوات الله علیه أنبیاء قال : لا و لا برره أتقیاء و کیف و هم یقولون لأبیهم یعقوب : < تالله إنک لفی ضلالک القدیم > ;

نشیط گفت: به امام صادق(ع) گفتم: آیا برادران یوسف پیامبر بودند؟ حضرت فرمود: نه، از نیکان و پرهیزکاران نیز نبودند و چگونه پیامبر بودند در حالی که به پدرشان یعقوب می گفتند: تالله إنک لفی ضلالک القدیم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۲،۳،۴،۵

۲ فرزندان یعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با یوسف (ع) و بنیامین و یعقوب (ع) ، آن را مرتکب می شدند .

قالوا یاأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنا خطئین

مراد از <ذنوبنا> به قرینه مقام رفتار فرزندان یعقوب با وی و یوسف و بنیامین می باشد.

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با یوسف (ع) ، بنیامین و یعقوب (ع) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

یاأبانا استغفر لنا ذنوبنا

۴ فرزندان یعقوب با لحنی ملتمسانه از وی خواستند برای آمرزش گناهانشان از خداوند ، طلب آمرزش کند .

یاأبانا استغفر لنا ذنوبنا

تصریح فرزندان یعقوب به <یا أبانا>

(ای پدر ما) برای جلب مهر و محبت و برانگیختن عواطف اوست که از آن به <لحنی ملتسمانه> تعبیر شد.

۵ فرزندان یعقوب به تقرّب وی در نزد خداوند باور داشته و بدان معترف بودند .

يَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

بردگی در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ <استرقاق> کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه كذلك نجزي الظلمين

جمله <كذلك نجزي الظلمين> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

برده داری در دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۸

۸ رواج برده داری و خرید و فروش انسان در عصر حضرت یعقوب (ع)

و أسروه بضعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۷

۷ برده داری و خرید و فروش انسان ، امری رایج در عصر یعقوب (ع)

و شروه بثمان بخش

برکت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ اسحاق و یعقوب ، رحمت و برکتی از ناحیه خداوند برای ابراهیم (ع) و خانواده او

فبشّرناها بإسحق .. رحمت الله و برکتہ علیکم أهل البيت

برگزیدگی فرزندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۵

۵ خداوند ، گروهی از فرزندان یعقوب را به پیامبری برانگیخت و به آنان وحی کرد .

أوحینا إلی .. و الاسباط

<اسباط> جمع <سبط>

در لغت به فرزندزادگان گفته می شود، و مراد از آن در آیه فرزندزادگان حضرت یعقوب (ع) هستند و برخی از مفسران مقصود از <الاسباط> را فرزندان اسحاق دانسته اند. گفتنی است که آمدن کلمه <الاسباط> پس از <یعقوب> نظر اول را تأیید می کند.

برگزیدگی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۶، ۲

۲- امامت و رهبری حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به انتخاب و انتصاب خداوند بود .

و جعلنهم أئمه

۶- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، از سوی خداوند به عنوان هادی و راهنمای مردم برگزیده شدند .

و جعلنهم أئمه یهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۱

۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از برگزیدگان خداوند از میان انسان ها

و إئمه عندنا لمن المصطفین

<مصطفی> (مفرد <مصطفین>) به معنای شخص برگزیده و انتخاب شده است.

بشارت به یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۳، ۲، ۱

۱ حامل پیراهن یوسف (ع) به عنوان پیکی مژده رسان پیش از دیگر افراد کاروان به حضور یعقوب (ع) رسید .

فلما أن جاء البشیر

<بشیر> به معنای اسم فاعل (مبشّر) به کسی گفته می شود که پیامی مسرت بخش را ابلاغ می کند. گفتنی است چنان چه

<بشیر> همراه دیگر فرزندان به حضور یعقوب (ع) رسیده بود، مناسب تر آن بود که جمله به این صورت بیان می شد: <فلما أن جاءوا ألقاه البشیر علی وجهه>.

بنابراین جمله <فلما أن جاء البشير> ظهور در این دارد که مژده رسان پیش از دیگران آمده بود.

۲ پیک فرزندان یعقوب زنده بودن یوسف (ع) و همراه داشتن پیراهن وی را به یعقوب (ع) بشارت داد.

فلما أن جاء البشير

مصادق مورد نظر برای بشارت و خبرت مسرت بخش به مناسبت مورد خبر از حیات یوسف(ع)، سلطنت او و نیز به همراه داشتن پیراهن معجزه آسای وی است. قابل ذکر است که جمله <اذهبوا بقمیصی> در آیه ۹۳ می رساند که <بشیر> یکی از همان برادران یوسف بوده نه شخصی دیگر.

۳ افکندن پیراهن یوسف (ع) بر چهره یعقوب (ع) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب (ع)

فلما أن جاء البشير ألقیه علی وجهه

جمله <ألقاه ..> جواب برای <فلما أن جاء البشير> است و لذا دلالت می کند به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی درامان خواهند بود.

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

<آمن> (مصدر آمین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصادق بارز از امنیت، دغدغه

معاش نداشتن و درمان بودن از ناحیه حکومت است.

بشارتهای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۰، ۷، ۲

۲ برگزیده شدن یوسف (ع) از جانب خداوند، بشارت یعقوب (ع) به یوسف

و کذلک یجتیک ربک

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و کذلک .. یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیایها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> / یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> / یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۱۰ کامل شدن نعمت الهی بر یوسف و خاندان یعقوب، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع).

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۲

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش نوید داد که به زودی آموزش گناهانشان را از درگاه خداوند خواهد خواست و برای آنان شفاعت خواهد کرد.

قال سوف أستغفر لکم ربی

بصیرت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

<أولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

بنیامین و رضایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۹

۹ بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب (ع) به مسافرت اقدام نمی کرد .

اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخاناً) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

بی اعتمادی یعقوب(ع) به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۴

۴ یعقوب (ع) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف (ع) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إنی لیحزنی أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب

بیان قصه یوسف(ع) برای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ یوسف (ع) پس از ورود خاندانش به مصر ، خلاصه ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد .

يأبت .. قد أحسن بي إذ أخرجني من السجن

و جاء بكم من البدو

بینایی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۲،۷

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیراً

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد؛ یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیراً

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف (ع) در بینا شدن چشم یعقوب (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴،۵،۸

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن ، فروغ گرفت و بینایش بازگشت .

ألقيه علی وجهه فارتد بصیراً

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: ۱\$ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب (ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی

بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقى> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

بینش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۹

۹ یعقوب (ع) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را ، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف (ع) دانست .

بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵، ۱۵، ۵

۵ یعقوب (ع) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

جمله <سؤلت لکم...> / یعنی ، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

۱۵ یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی

بهم جمیعاً

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصیر جمیل .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۴،۶

۴ یعقوب (ع) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشکوا بئی و حزنی إلى الله

هدف یعقوب (ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا ، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

۶ یعقوب (ع) با بیان اینکه از غم و اندوهش به اطرافیان و فرزندانش شکایت نمی کند ، خویشان را سزاوار ملامت آنان نمی دید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف .. قال إنما أشکوا بئی و حزنی إلى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

بینی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

پاداش اخروی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقديم <لها> بر <ما كسبت> گويای حصر است. بنابراین <لها ما كسبت>؛ يعنى،

دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت> یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پایان اندوه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۳

۳ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف (ع) و بنیامین امیدوار شد .

بینی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأیسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

پسران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱،۳

۱ - ابراهیم و یعقوب (ع) هر یک دارای پسرانی چند بودند .

و وصى بها إبراهيم بنيه و

۳- یعقوب (ع)، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم (تسلیم شدن در برابر خدا) سفارش کرد.

و وصی بها ابرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <ابراهیم> است؛ یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۲

۲ - یعقوب ، دارای پسرانی چند

إذ قال لبنیه

برداشت فوق، از جمع آوردن کلمه <بنیه> استفاده شده است.

پول رایج دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۸

۸ درهم (سکه نقره ای) پولی رایج در عصر یعقوب (ع)

درهم معدوده

پیروان دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴

۲ یوسف (ع) در زندان مصر، پیروی خویش از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت.

واتبع مله اباہی ابرهیم و إسحق و یعقوب

۴ یوسف (ع)، پیرو شریعت پدرانش، ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود.

واتبعت مله اباى ابرهيم و اسحق و يعقوب

پيرى يعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ يعقوب (ع) در زمان وزارت يوسف و داستان اتهام سرقت بنيامين ، سالخورده و بسيار كهنسال بود .

إن له أبا شيخا كبيرا

<شيخ> به معنای پيرمرد و <كبير> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال

می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعًا .. وابتضت عيناه من الحزن

پیشگامی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد آتينا موسى و هرون .. يحيى ... إنهم كانوا يسرعون فى الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم كانوا يسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۹۰ ۴۸) از آنان یاد شده است.

پیشگویی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۶

۶ یعقوب (ع) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف (ع) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لك كيدا

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف)

را برای اطرافیان‌ش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیان‌ش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف .. قالوا تالله إنک لفی ضلک القدیم

تأثیر بازداشت بنیامین در یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۲

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف (ع) را برای یعقوب (ع) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف (ع) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

تأثیر فراق یوسف(ع) در یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابيضت عیناه من الحزن

<ابيضاض> مصدر باب افعال از ماده <بيض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

تاریخ ولادت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی

است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱،۴

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نَجِّينَهُ و لَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ .. و وهبنا له إسحق و يعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

۴- تولد یعقوب (ع) ، در زمان حیات ابراهیم (ع) بود .

و وهبنا له إسحق و يعقوب

یعقوب(ع) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) است و ولی از آن جا که خداوند نام یعقوب را همراه با اسحاق ذکر فرمود و هر دو را به عنوان موهبت خود به ابراهیم یادآور شد، می رساند که یعقوب(ع) در زمان حیات ابراهیم(ع) تولد یافته بود.

تبلیغ یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) در آستانه سفر فرزندانش به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال يَبْنِي لَاتَدْخُلُوا .. و عليه فليتوكل المتوكلون

تداوم عبودیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۵- عبادت و بندگی مداوم و مخلصانه ، از اوصاف حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و كانوا لنا عبدین

فعل <کون> که مفید استقرار وصف است بیانگر دائمی بودن عبادت ابراهیم(ع) است و تقدم جار و مجرور (لنا)، نشانگر انحصار عبادت آنان، برای خداوند متعال است که از آن به خالصانه بودن یاد می شود.

تدبیر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۰، ۶

۶ تدبیر یعقوب (ع) (ورود فرزندانش به مصر از دروازه های متعدد) مانع پیشامدی که خداوند برای آنان مقدر کرده بود ، نشد .

ما كان یغنی عنهم من الله من شیء

ضمیر در <یغنی> به یعقوب(ع) و یا تدبیر او که از <ادخلوا من أبواب متفرقه> استفاده می شود برمی گردد. مآل هر دو احتمال یک معناست.

۱۰ یعقوب (ع) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده ، به کار بست .

إلا حاجة فی نفس یعقوب قضیها

تذکرهای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۶

۱۶ یعقوب (ع) با توجه دادن فرزندانش به آمرزگاری و مهربانی خداوند ، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

سوف أستغفر لکم ربی إنه هو الغفور الرحیم

ترس یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با

فرستادن یوسف به همراه فرزندان

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

تصميم يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ تصميم يعقوب (ع) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندان دربار یوسف (ع) و پی گیری نکردن آن

بل سؤلت لكم .. والله المستعان علی ما تصفون

۱۲ يعقوب (ع) مصمم بر شکييا بودن در فراق یوسف (ع) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندان

فصبر جميل

متعلق صبر ، به قرينه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ يعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندان (یوسف (ع) ، بنیامین و لایوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جميل

صبر جميل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

تعاليم در شریعت يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحينا إليهم فعل الخيرت و إقام الصلوه و إيتاء الزكوه

تعاليم شريعت يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کارهای نیک ، اقامه نماز

و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحينا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إيتاء الزكوه

تعالیم یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۲، ۱۲

۱ یعقوب (ع) در آستانه سفر فرزندان به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال یبني لا تدخلوا .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

۱۲ حاکمیت خدا بر هستی ، لزوم اتکا به خداوند و تنافی نداشتن توکل با تدارک اسباب و علتها ، از تعالیم یعقوب (ع) به فرزندان خویش

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنی عنکم من الله من شیء

تفضل به یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۲

۱۲ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

تقرب یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۵

۵ فرزندان یعقوب به تقرب وی در نزد خداوند باور داشته و بدان معترف بودند .

ياأبانا استغفر لنا ذنوبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۲

۲ - عظمت مقام و قرب ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) در پیشگاه خداوند

و إنهم عندنا لمن المصطفین

برگزیدگی ابراهیم (ع) و ..

از سوی خداوند با آمدن قید <عندنا> (پیشگاه ما)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

تقوای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوای پیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

تکلیف یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

تلاش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۰

۱۰ تلاش یعقوب (ع) برای پیشگیری از برخورد های نامناسب فرزندان با یکدیگر

لا تقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیداً

تنزیه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ یوسف (ع) و پدرانش ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب (ع) ، موحدانی مبرّاً از کمترین شرک‌ورزی به خدا

ما کان لنا

أَنْ نَشْرَكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۲

۲ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) از هرگونه آلودگی های مادی و متضاد با آخرت اندیشی پاک و منزّه بود .

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالصِهِ ذِكْرِي الدَّارِ

توحید افعالی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصْنَعُونَ

توحید پسران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۳،۷

۳ - پسران یعقوب (ع) در زمان حیات او ، انسانهایی موحد و پرستشگر خدای یکتا بودند .

إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي

برداشت فوق از قید <من بعدی> استفاده شده است.

۷ - فرزندان یعقوب ، او را بر ملازمت به پرستش خدای بی همتا و تسلیم بودن در برابرش مطمئن ساختند .

قَالُوا نَعْبُدُ .. إِلَهًا وَحَدًا

توحید در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ توحید ، روح و رکن اصیل آیین ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع)

واتبعت مله آباءى إبرهیم . . ما كان لنا أن نشرك بالله من شىء

جمله <ما كان لنا . . > توصیف <مله آباءى ... > می باشد. تفسیر و تبیین یک آیین به یکی از حقایق آن ، می رساند که حقیقت یاد شده رکن و پایه

اصلی آن آیین است.

توحید یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۰

۱۰ - یعقوب ، ابراهیم ، اسماعیل و اسحق (ع) موحدانی پرستشگر خدای یکتا

عبد إلهک و إله ءابائک إبرهیم و إسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۲

۲ ابراهیم، اسحاق (ع) و یعقوب (ع) دارای مقامی رفیع و بهره مند از هدایتی ویژه به توحید و برهانهای آن، از جانب خداوند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب کلاً هدینا

بهره مندی از هدایت ویژه الهی حاکی از مرتبه والای آن پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۶، ۹

۹ یوسف (ع) و پدرانش ابراهیم، اسحاق، یعقوب (ع)، موحدانی مبرا از کمترین شرکورزی به خدا

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء

۱۶ اعتقاد ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکورزی، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود.

ما کان لنا أن نشرک بالله من شیء ذلک من فضل الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ توحید یعقوب (ع) در توکل کردن بر خداوند

علیه توکلت

تقدیم <علیه> بر <توکلت> گویای حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۴،۵

۴ یعقوب (ع) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم

و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله

هدف یعقوب (ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا ، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

۵ یعقوب (ع) بهره مند از روحیه توحیدی

قال إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله

توصیه های یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۳

۳ - یعقوب (ع) ، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم (تسلیم شدن در برابر خدا) سفارش کرد .

و وصی بها ابرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <ابراهیم> است ؛ یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱،۶

۱ - توصیه یعقوب (ع) بر ملازمت فرزندانش بر آیین یهودیت ، از ادعای دروغین یهود

أم کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه یهودیان است. بنابراین <أم کنتم شهداء...> ؛ یعنی، شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندانش را به پایداری در آئین یهود سفارش کرد؟)

۶ - یعقوب (ع) در آستانه مرگ ، فرزندانش را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨- يوسف - ١٢ - ٥ - ٢٣

٢٣ > عن علي بن الحسين (ع) : ...

فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها علي أبيه يعقوب . . . فقال يعقوب ليوسف : لا تقصص رؤياك هذه علي إخوتك . . .
فلم يكتف يوسف رؤياه فقصّها علي إخوته . . .

از امام سجاده (ع) روایت شده . . . هنگامی که یوسف آن خواب را دید و بامداد برای پدرش یعقوب بازگو کرد . . . یعقوب به یوسف گفت: این خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن . . . یوسف خواب خود را پوشیده نداشت و برای برادرانش بازگو کرد . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۳

۳ یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتى تؤتون مؤثقا من الله لتأتنني به إلا أن يحاط بكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۷

۷ یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر ، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

بينى لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۸

۱۸ توصیه های یعقوب (ع) به فرزندان خویش (لزوم توکل بر خدا و به کارگیری اسباب و علل) جلوه ای از علم ویژه او بود .

ادخلوا من أبواب متفرقه . . . و عليه فليتوكل المتوكلون ... إنه لذو علم لما علمنه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۵

۵ مایوس نشدن از رحمت خدا و امید داشتن به یاری او ، توصیه یعقوب (ع) به فرزندان خویش

و لا تأیسوا من روح الله

<روح> به معنای سرور ، فرح ، استراحت و رحمت می باشد. اضافه آن کلمه به <الله> و متعلق قرار گرفتن <من روح الله> برای <لا تأیسوا> گویای این است که مراد از آن <رحمت> می باشد.

توکل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ توحید یعقوب (ع) در توکل کردن بر خداوند

علیه توکلت

تقدیم <علیه> بر <توکلت> گویای حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۰

۲۰ اعتقاد و باور یعقوب (ع) به علم و حکمت الهی ، موجب اتکا و امید آن حضرت به یاری خداوند بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو...> تعلیل برای <عسی الله...> می باشد.

تهمت به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۷

۷ فرزندان یعقوب ، او را درباره گزارشهایشان ، متهم به ناباوری کردند .

و ما أنت بمؤمن لنا و لو كنا صدقین

معنای جمله <و لو كنا صادقین> به ضمیمه <و ما أنت بمؤمن لنا> چنین می شود: درباره یوسف حقیقت را بگوییم نمی پذیری، دروغ هم بگوییم نمی پذیری ؛ این دو برای تو تفاوتی ندارد. این سخن فرزندان یعقوب، متهم ساختن او

به ناباوری نسبت به ایشان است.

تهمت بی عقلی به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۸

۸ سست شدن عقل و خرد بر اثر پیری و کهنسالی ، اتهام خانواده یعقوب به آن حضرت

لولا أن تفنّدون

<فَنَدَ > به معنای فساد عقل بر اثر پیری است و <تفنّدون > (مصدر تفنّدون) ؛ یعنی ، کسی را به خاطر پیری و فرتوتی سست اندیشه شمردن (کشاف).

تهمت خطا به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۲

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالك القديم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از حد به وی متهم کردند .

إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ

تهمت کج فکری به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنك لفي ضللك القديم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه

وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف (ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف (ع) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

جبرئیل و یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷

۱۷ "عن أبي عبد الله (ع): ... هبط عليه جبرئيل فقال له: يا يعقوب ربك يقرؤك السلام و يقول لك: شكوتني إلى الناس ... فلا تعود تشكوني إلى خلقي... فقال: "إنما أشكوا بئني و حزني إلى الله... ;

از امام صادق (ع) روایت شده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود آمد و گفت: پروردگارت سلام می رساند و می گوید: از من به مردم شکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشكوا بئني و حزني إلى الله ... " .

حجتهای یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۲

۲ ابراهیم، اسحاق (ع) و یعقوب (ع) دارای مقامی رفیع و بهره مند از هدایتی ویژه به توحید و برهانهای آن، از جانب خداوند.

و وهبنا له إسحق و يعقوب كلاً هدينا

بهره مندی از هدایت ویژه الهی حاکی از مرتبه والای آن پیامبران است.

حسن فرجام یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب

، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

خداشناسی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لاتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لاتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

خطر گرگها در دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۶

۶ حمله گرگ ها به آدیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع

و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن يأكله الذئب و أتم عنه غفلون

خطر مرگ یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۶

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرصاً ..) جواب قسم است ؛ یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرصاً...> می باشد.

خواسته های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۰

۱۰ - ابراهیم و یعقوب (ع) ، از پسرانشان خواستند تا همواره تسلیم خدا بوده و مطیع فرمان او باشند .

فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

جمله <فلاتموتن ..> کنایه از لزوم تسلیم همیشگی در برابر خدا و همواره مطیع او بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۶

۶ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتننی به إلا أن يحاط بكم

ظاهر این است که عبارت <إلا أن يحاط بكم> استثنا از قسم که مفاد <لتأتننی به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع)

به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و

چنین بگویند: <والله لئن أتینک به إلا أن يحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۴

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لا تأیسوا من روح الله

خویشاوندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و ...) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم و اجتینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

دانش تحلیل حوادث یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۴

۴ یعقوب (ع) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمراً

دانش تعبیر رؤیای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۸

۸ یعقوب (ع) و فرزندانش به تعبیر خواب آگاهی داشتند .

لا تقصص رءیاك علی إخوتك فیکیدوا لک کیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) بهره مند از دانش تعبیر و تأویل رؤیایها

ینی رأیت

أحد عشر كوكبا... كذلك يجتبيك

درهم در دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۸

۸ درهم (سکه نقره ای) پولی رایج در عصر یعقوب (ع)

درهم معدوده

دلایل بی اعتمادی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۳

۳ بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او ، دلیل یعقوب (ع) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد <هل ءامنکم علیه إلا...> چنین می شود: اعتماد من به شما [اگر اعتماد کنم] در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

دلایل تضرع یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ معرفت ویژه یعقوب (ع) نسبت به خداوند و صفات او ، دلیل تضرعش به درگاه او و شکایت نبردنش به غیر او .

إنما أشکوا بئى و حزنى إلى الله و أعلم من الله ما لاتعلمون

جمله <أعلم من الله> به منزله تعلیل برای <إنما أشکوا...> است ؛ یعنی ، دلیل اینکه من فقط به خدا شکایت می برم [و شما این گونه نیستید] آن است که من از صفات و ویژگیهای خدا ، چیزهایی

را می دانم که شما نمی دانید.

دلایل توصیه های یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۷

۷ - منزّه بودن آیین ابراهیم از هرگونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها ابرهیم بینى ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن

تفریع جمله <لاتموتن . . . > بر <ان الله . . . > به وسیله حرف <فاء> گویای برداشت فوق است.

دلایل مخالفت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندان

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

دوراندیشی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۶۸، ۵، ۴

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندان به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد . . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندان را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لاتدخلوا من باب وحد . . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه

در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۸ یعقوب (ع) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید
* .

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۹

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب (ع) برای فرزندانش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب واحد .. إنه لذو علم لما علمنه

دین پسران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۴

۴ - یعقوب (ع) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۴

۴ - یعقوب ، پیرو آیین ابراهیم و مبلغ آن

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۵

۵- ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب (ع) و نوادگان او ، نه یهودی بودند و نه نصرانی

أم تقولون .. کانوا

جمله <أم تقولون...> در بردارنده استفهام انکاری توییخی است؛ یعنی، چنین پنداری هست ولی پنداری باطل و ناصواب می باشد و معتقدان به آن سزاوار ملامت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب (ع)، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبع مله اباؤی إبرهیم و إسحق و یعقوب

ذکر آخرت طلبی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۷

۷ - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا .. إنا أخلصنهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إنا أخلصناهم...> تعلیل برای <أذکر...> باشد؛ یعنی، سرگذشت ابراهیم (ع) و... را یاد کن؛ چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

ذکر زهد یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۷

۷ - صفت آخرت اندیشی و دنیاگریزی ابراهیم، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) شایان یاد و یادآوری است .

و اذکر عبدنا .. إنا أخلصنهم بخالصة ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إنا أخلصناهم...> تعلیل برای <أذکر...> باشد؛ یعنی، سرگذشت ابراهیم (ع) و... را یاد کن؛ چون آنان را به آخرت اندیشی خالص گردانیدیم.

ذکر قصہ یعقوب (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۱

۱ - یادآوری

سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر عبدنا ابرهیم و اسحق و یعقوب

رحمت بر یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۱

۱- حضرت ابراهیم و فرزندانش ، اسحاق و یعقوب ، برخوردار از رحمت هایی ویژه از جانب خداوند

و وهبنا لهم من رحمتنا

<من> برای تبعیض است؛ یعنی <وهبنا لهم بعض رحمتنا> عنوان <هبه> و بخشش الهی، حاکی از ویژگی و مرتبه والای آن است.

رحمت بودن یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب ، رحمت و برکتی از ناحیه خداوند برای ابراهیم (ع) و خانواده او

فبشرنها باسحق .. رحمت الله و برکتہ علیکم أهل البيت

رضایت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش ، موافقت او را برای فرستادن یوسف (ع) به همراه خود جلب کردند .

إننا له لحفظون .. فلما ذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزنداناش ، موافقت نمود .

قال لن أرسله معکم حتی تؤتون موثقاً

روحیات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۵

۵ یعقوب (ع) بهره مند از روحیه توحیدی

قال إنما

أشكوا بئى و حزنى إلى الله

روش برخوردار يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸ - ۲

۲ يعقوب (ع) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

أفعل تفضيل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۷

۱۷ يعقوب (ع) برای واداشتن فرزندانش به پابندی به سوگند و پیمانشان ، آنان را متوجه نظارت و شهادت خدا کرد .

الله على ما نقول و كيل

از جمله <الله ..> در صورتی که آن را جمله ای خبری بدانیم ، برداشت فوق استفاده می شود.

زکات در شریعت يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و يعقوب (ع)

و أوحينا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إيتاء الزكوه

زکات يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

زمان بشارت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ زمان آگاهی ابراهیم (ع) به دارا شدن فرزند و

نوه (اسحاق و یعقوب) اندکی پیش از به هلاکت رسیدن قوم لوط بود .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط. وامرأته قائمه فضحكت فبشّرتها بإسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت يويلتى ءألد و أنا عجوز و هذا بعلى شيخًا

زمان کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتينى بهم جميعًا .. و ابيضت عيناه من الحزن

زمینه آگاهی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۸

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إنى رأيت أحد عشر .. كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث

زمینه بیماری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۲

۲ یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع)، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود.

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

<حرص> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده

و مشرف بر هلاکت باشد.

زمینه سازی رضایت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۷

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده ، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند .

قال هل ءامنکم .. یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

زمینه مرگ یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۲

۲ یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

<حرص> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

ساره هنگام تولد یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ ساره همسر ابراهیم (ع) ، تا به دنیا آمدن نوه اش یعقوب ، زنده بود .

فبشرنها بإسحق و من ورآء إسحق یعقوب

بشارت دادن به همسر ابراهیم که از پسر اسحاق فرزندی به نام یعقوب به دنیا خواهد آمد، این سؤال را به ذهن می آورد که

چرا به او بشارت داده نشد که مثلاً از یعقوب نیز فرزندی به نام یوسف به دنیا خواهد آمد؟ در پاسخ این پرسش

می توان گفت: یاد کردن از خصوص یعقوب اشاره به این معنا دارد که ساره او را درک می کند و جمال او را خواهد دید؛ یعنی، تا آن زمان زنده است.

سجده آل یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّداً

<خرو> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّداً> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقاً

تأویل رؤیا ؛ یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سجده یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئک . . . إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا

سَجْدًا و بَكِيًّا

سجده يعقوب(ع) بر يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران يوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبويه على العرش و خرّوا له سَجْدًا

<خرو> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سَجْدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا على يوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران يوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان يوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال يَأْتِ هَذَا تَأْوِيلَ رَأْيِي مِنْ قَبْلِ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا

تأویل رؤیا ؛ یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سرزنش يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۴

۴ فرزندان يعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق يوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتّوا تذکر يوسف

لحن و سياق جمله <قالوا تالله...> گویای ملامت يعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن يوسف(ع) است.

سوگند در دين يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ سوگند به نام خدا و پیمان بستن با او ، دارای جایگاهی ویژه در آیین یعقوب (ع) و در نزد خاندان او

حتی

تؤتون موثقاً من الله .. إلا أن يحاط بكم

شخصیت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و با گذشت بود .

ياأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربی إنه هو الغفور الرحيم

شدت اندوه یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۷

۱۷ > سئل أبو عبدالله (ع) ما بلغ من حزن یعقوب علی یوسف ؟ قال : حزن سبعین ثکلی بأولادها ... ;

از امام صادق (ع) سؤال شد: حزن یعقوب بر یوسف چقدر بود؟ فرمود: به مقداری که هفتاد زن فرزند مرده به خاطر فرزندانشان اندوهگین باشند .. <.

شرایط رضایت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۲

۲ یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با

خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند) .

لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقا من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لنأتتني> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقا)؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

شفاعت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۸

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف (ع) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد . *

ياأبانا استغفر لنا ذنوبنا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب(ع) به <ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لكم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب(ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۲

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش نوید داد که به زودی آمرزش گناهانشان را از درگاه خداوند خواهد خواست و برای آنان شفاعت خواهد کرد .

قال سوف أستغفر لكم ربی

شفای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۲،۷

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه على وجه أبي يأت بصيرًا

<يأت> در آیه شریفه

به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد؛ یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألقيه على وجه أبي يأت بصيراً

فعل <یأت> جواب امر <فألقيه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه على وجه أبي يأت بصيراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف (ع) در بینا شدن چشم یعقوب (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴،۵،۸

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن ، فروغ گرفت و بینایش بازگشت .

ألقيه على وجهه فارتد بصيراً

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: ۱\$ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب (ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقيه على وجه أبي يأت بصيراً .. ألقيه على وجهه فارتد بصيراً

ضمیر <ه> در <ألقيه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب (ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقيه>

دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

أَلْقِيهِ عَلَيَّ وَجْهَهُ فَارْتَدَّ بَصِيرًا

شک یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۲

۲ یعقوب (ع) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

استفهام در <هل ءامنکم...> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنکم...> یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

شکوه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷، ۱۴، ۶، ۳، ۲

۲ یعقوب (ع) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ، تنها به خداوند شکایت می کرد .

قال إنما أشکوا بئى و حزنى إلى الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ؛ یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بد رفتاری آن چیز. بنابراین <إنما أشکوا بئى و حزنى إلى الله> ؛ یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

۳ یعقوب (ع) هرگز از غم و

اندوهش به غیر خدا (فرزندان و اطرافیانش) شکایت و گلایه نکرد .

قال إنما أشکوا بئنی و حزنی إلی الله

۶ یعقوب (ع) با بیان اینکه از غم و اندوهش به اطرافیان و فرزندانش شکایت نمی کند ، خویشان را سزاوار ملامت آنان نمی دید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف .. قال إنما أشکوا بئنی و حزنی إلی الله

۱۴ معرفت ویژه یعقوب (ع) نسبت به خداوند و صفات او ، دلیل تضرعش به درگاه او و شکایت نبردنش به غیر او .

إنما أشکوا بئنی و حزنی إلی الله و أعلم من الله ما لاتعلمون

جمله <أعلم من الله> به منزله تعلیل برای <إنما أشکوا ..> است ؛ یعنی ، دلیل اینکه من فقط به خدا شکایت می برم [و شما این گونه نیستید] آن است که من از صفات و ویژگیهای خدا ، چیزهایی را می دانم که شما نمی دانید .

۱۷ "عن أبي عبد الله(ع): ... هبط عليه جبرئيل فقال له: يا يعقوب ربك يقرؤك السلام و يقول لك: شكوتني إلی الناس ... فلاتعود تشکونی إلی خلقی... فقال: "إنما أشکوا بئنی و حزنی إلی الله... ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود آمد و گفت: پروردگارت سلام می رساند و می گوید: از من به مردم شکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشکوا بئنی و حزنی إلی الله ... " .

صبر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۲۲، ۱۶، ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) مصمم بر شکویا بودن در فراق یوسف (ع)

و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندان

فصبر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف (ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندان می باشد.

۱۶ یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

۲۲ > عن الصادق (ع) فی قوله عزوجل فی قول یعقوب < فصبر جمیل > قال : بلاشکوی ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که از قول یعقوب (ع) فرموده: <فصبر جمیل> روایت شده که فرمود: مراد ، صبر بدون گله است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۴ ، ۱۴ ، ۹ ، ۸

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندان (یوسف (ع) ، بنیامین و لایوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود (مجمع البیان).

۹ یعقوب (ع) ، پیامبری صبور و بردبار بود .

فصبر جمیل

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

۲۴ باور یعقوب (ع) به علم و حکمت خداوند ، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود .

فصبر جمیل ... إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو...> علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسی الله...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جمیل> نیز

باشد. برداشت فوق ، ناظر به این احتمال است.

عبادت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱

۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) ، امتی پرستشگر خدا و تسلیم در برابر او

تلک أمه قد خلت

مشار الیه <تلک> پیامبران یاد شده در آیه قبل است. به کارگیری <تلک> برای اشاره به مذکر و لحاظ خبر (أمه) می باشد.

عبرت از قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و اذکر عبدنا ابرهیم و اسحق و یعقوب

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر یادآوری سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و.. می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبودیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۳

۳ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از بندگان حقیقی و بلندمرتبه خداوند

عبدنا ابرهیم و اسحق و یعقوب

تصریح به عبد بودن ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) با آن که همه انسان ها عبد هستند و نیز اضافه آن به ضمیر جلاله (نا)، می

تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

عذرآوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۵

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از

آن اعتذار می جست .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع) ، از اعتذار های یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لا تأمناً .. قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندان

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

عصمت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکورزی ، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء ذلك من فضل الله علينا

عفو یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۵،

۱ یعقوب (ع) از ستم فرزندان در حق خویش درگذشت و آنان را بخشود .

قال سوف أستغفر لكم ربي

۱۵ یعقوب (ع) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و باگذشت بود .

ياأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربي إنه هو الغفور الرحيم

عقیده یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

علاقه یعقوب(ع) به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۴

۴ تعلق قلبی یعقوب (ع) به یوسف (ع) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا .. و قال یأسفی علی یوسف

علاقه یعقوب(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۴

۴ تعلق قلبی یعقوب (ع) به یوسف (ع) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا .. و قال یأسفی علی یوسف

علاقه یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۳،۴

۳ علاقه یعقوب (ع) به یوسف (ع) علاقه ای بسیار شدید و زایل نشدنی بود .

قال یأسفی علی یوسف و ابيضت عیناه من الحزن

۴ تعلق قلبی یعقوب (ع) به یوسف (ع) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا .. و قال یأسفی علی یوسف

علاقی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۲

۱۲ - علاقه به ایجاد گرایش های صحیح دینی در فرزندان ، از خصلت های پیامبرانی ، چون ابراهیم و یعقوب (ع)

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب یینی

علم غیب یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لا تعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف . . قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ یعقوب (ع) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف (ع) ، به زنده بودن او اطمینان داشت .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لا تعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب (ع) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف (ع) اطمینان داشت .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۲ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم

أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۳ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لا-تعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

علم لدنی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۷، ۱۵

۱۵ خداوند ، آموزنده و اهدا کننده دانش ویژه به یعقوب (ع)

و إنه لذو علم لما علّمه

حرف <لام> در <لما علّمناه> برای تعلیل است و <ما> در آن مصدریه می باشد.

۱۷ ناسازگار ندیدن تدبیر و برنامه ریزی در امور زندگی با حاکمیت اراده خداوند ، از دانش های اعطا شده به یعقوب (ع)

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء .. إنه لذو علم لما علّمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افزوده شده بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

علم یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۹، ۱۸، ۱۴

۱۴ یعقوب (ع) از دانشی ویژه برخوردار بود .

و إنه لذو علم لما علّمه

نکره آوردن <علم> حاکی از ویژگی آن است.

۱۸ توصیه های یعقوب (ع) به فرزندان خویش (لزوم توکل

بر خدا و به کارگیری اسباب و علل (جلوه ای از علم ویژه او بود .

ادخلوا من أبواب متفرقه . . . و علیه فلیتوکل المتوکلون ... إنه لذو علم لما علّمه

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب (ع) برای فرزنداناش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد . . . إنه لذو علم لما علّمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۶

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) قال : قدم أعرابيّ على يوسف . . . قال له يوسف : . . . فإذا مررت بوادي كذا و كذا فقف فناد : يا يعقوب ! يا يعقوب ! فإنه سيخرج إليك رجل . . . فقل له : لقيت رجلاً بمصر و هو يقرئك السلام و يقول لك : إن وديعتك عند الله عزوجل لن تضيع ، قال : فمضى الأعرابيّ . . . فأبلغه ما قال له يوسف . . . فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حيّ لم يمت و أن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته و كان يقول لبنيه : < إني أعلم من الله ما لا تعلمون > . . .

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف وارد شد . . . یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گذر کردی بایست و صدا بزنی: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهد آمد ... به او بگو مردی را در

مصر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت ... و گفتار یوسف را به یعقوب ابلاغ کرد ... پس یعقوب می دانست یوسف زنده است و نمرده و خدای تعالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: <إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ> ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، مردان علم و عمل

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <الأبصار> کنایه از علم و <الأیدی> کنایه از عمل باشد.

عمل به تکلیف یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۹

۹ یعقوب (ع) در فرمان خویش مبنی بر ورود فرزندان از درب های متعدد ، خواسته ای جز انجام وظیفه (پیشنهاد و راه گریز از خطر) نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

یعقوب(ع) با اعتقاد به حاکمیت اراده خداوند، می دانست که تأمین سلامتی فرزندان به دست خداست و از اختیار او بیرون است و ولی توجه او به کارآیی اسباب و علتهای در محدوده مشیت الهی، او را به چاره اندیشی واداشت و اما نتیجه را منوط به خواست خداوند می دید. از این رو حاجت و خواسته آن حضرت چیزی جز انجام وظیفه

راهنمایی فرزندان نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، مردان علم و عمل

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <الأبصار> کنایه از علم و <الأیدی> کنایه از عمل باشد.

عمل خیر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۲، ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ،

داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از افراد خیر و نیکوکار بودند .

و إنهم ... الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خَیْر> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خَیْر> به سکون یاء در مقابل <شَرَّ> است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

عوامل اندوه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۲

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف (ع) را برای یعقوب (ع) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف (ع) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۱۲ یعقوب (ع) بر اثر فراق یوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وایضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱

۱ یعقوب (ع)

(در فراق یوسف (ع) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشكوا بُني و حزني إلى الله

<بُني> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را تحمل کند. از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

عوامل رنج یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) ، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود .

لنأتننی به

جمله های <إنا له لحافظون> و <فإنه خير حافظاً> در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب(ع) خواهان نرسیدن گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله <لنأتننی به> (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

عوامل غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولی عنهم .. فهو كظیم

<كظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ، یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

عوامل کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابيضت عيناه من الحزن

<ابيضاض> مصدر باب افعال از ماده <بيض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود .

يَأْتِ بِصِيرًا

عوامل نگرانی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۴

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إِلَّا كَمَا أَمَّنْتُمْ عَلَىٰ أُخِيهِ مِنْ قَبْلِ

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

فرزندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ انتساب بنی اسرائیلیان به هر یک از فرزندان یعقوب ، اساس گروه بندی آنان

و قَطَّعْنَهُمْ اثْنَيْ عَشَرَ أُسْبَاطًا أُمَّمًا

<اسباط> در لغت به معنای نوادگان است. به کارگیری این واژه برای تیره های دوازده گانه بنی اسرائیل اشاره به این دارد که اساس این قبایل که همگان نواده های یعقوب (اسرائیل) هستند دوازده فرزند او می باشند.

فضایل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱

۱ اسحاق و یعقوب(ع)، موهبت خداوند به ابراهیم(ع) بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) پیامبرانی بودند که بر همه مردم عصر خویش برتری یافته بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . . . و کلا فضلنا علی العلمین

برتری یافتن هر یک از پیامبران بر همه مردم که در اولین نظر از کلمه <العالمین> به ذهن می آید مستلزم برتری یافتن هر یک از پیامبران بر دیگری است. لذا نمی توان عموم <العالمین> را حقیقی دانست، بلکه دارای عموم عرفی بوده و ناظر به همه جوامع عصر خود آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) بهره مند از دانش تعبیر و تأویل رؤیایها

إني رأيت أحد عشر كوكبا .. كذلك يجتبيك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ -

۱۶ یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۹، ۱۴

۱۴ یعقوب (ع) از دانشی ویژه برخوردار بود .

و إنه لذو علم لما علّمه

نکره آوردن <علم> حاکی از ویژگی آن است.

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب (ع) برای فرزنداناش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد .. إنه لذو علم لما علّمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۹، ۴

۴ یعقوب (ع) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمراً

۹ یعقوب (ع) ، پیامبری صبور و بردبار بود .

فصبر جمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۲، ۵

۵ یعقوب (ع) بهره مند از روحیه توحیدی

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

۱۲ یعقوب (ع) حقایق را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لا تعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶

۱۳ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لا-تعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و با گذشت بود .

يأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربى إنه هو الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۳

۳- خداوند ، برای ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ستایشی راستین و بلندآوازه در تاریخ قرار داده است .

و جعلنا لهم لسان صدق عليًا

از جمله معانی و کاربردهای کلمه <لسان> ثنا و تمجید است؛ بنابراین <جعلنا ..>، یعنی برای آنها ثنا و تمجیدی راستین و رفیع قرار دادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱

۱- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادريس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أولئك الذين أنعم الله عليهم

<وَأُولَئِكَ> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله

<أنعم الله... > نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر

نیز از این گونه نعمت‌ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم ، یعقوب و اسحاق (ع) ، از زمره صالحان اند .

و کلاً جعلنا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- عبادت و بندگی مداوم و مخلصانه ، از اوصاف حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و کانوا لنا عبدین

فعل <کون> که مفید استقرار وصف است بیانگر دائمی بودن عبادت ابراهیم(ع) است و تقدم جار و مجرور (لنا)، نشانگر انحصار عبادت آنان، برای خداوند متعال است که از آن به خالصانه بودن یاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، مردان علم و عمل

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <الأبصار> کنایه از علم و <الأیدی> کنایه از عمل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - آخرت اندیشی و یاد مستمر قیامت ، از اوصاف ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام)

إننا أخلصنهم بخالصة ذکری الدار

<خالصه> موصوف برای صفت مقدر (چون خصله) و یا صفت است. <باء> آن برای سببیت و عبارت <ذکری الدار> نیز بیان برای <خالصه> می باشد. بر این اساس

پیام آیه چنین خواهد بود: ما با خصلت و صفت خالص و بی شائبه که عبارت است از آخرت اندیشی آنان را خالص ساختیم.

۲- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) از هرگونه آلودگی های مادی و متضاد با آخرت اندیشی پاک و منزّه بود .

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِ الدَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۵،۷

۵- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) از خوبان و نیکان بودند .

إِنَّهُمْ ... الْأَخْيَارِ

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، اسوه و الگوی انسان ها

و اذکر عبدنا إبرهیم . .. إِنَّهُمْ عَدْنَا لِمَنِ الْمَصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، درصدد بیان سرگذشت شخصیت هایی است که برای پیامبر اسلام(ص) و مؤمنان، درس آموز و سازنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷- داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایبندگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إِسْمَاعِيلَ وَ الْيَسَعَ وَ ذَالْكَفْلِ ... هَذَا ذَكَرَ وَ إِنَّ لِّلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّثَابٍ

<مثاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مثاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

فقر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ یعقوب (ع) و فرزندان او از مال و منال کافی برخوردار نبودند و از جهت امکانات مالی در محدودیت بودند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

از جمله احتمالاتی که می توان آن را دلیل یوسف در باز گرداندن سرمایه برادرانش دانست ، محدودیت مالی خاندان یعقوب است. جمله < ما نبغی هذه بضعتنا ... نمیر اهلنا > در آیه ۶۵ مؤید این احتمال است.

فلسفه اندوه یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۹

۹ < عن علی بن الحسین (ع) : ... قال یعقوب (ع) > *إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب < فانتزعه حذراً علیه من أن تكون البلوی من الله عزوجل علی یعقوب فی یوسف خاصه ... >*

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... یعقوب [به فرزندان] گفت: < بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد > پس یوسف را از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلایی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد >.

فلسفه توصیه های یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۹

۹ یعقوب (ع) در فرمان خویش مبنی بر ورود فرزندان او از درب های متعدد ، خواسته ای جز انجام وظیفه (پیشنهاد و راه گریز از خطر) نداشت .

ما کان یغنی عنهم من

الله من شيء إلا حاجه في نفس يعقوب قضيتها

يعقوب(ع) با اعتقاد به حاکمیت اراده خداوند، می دانست که تأمین سلامتی فرزندان به دست خداست و از اختیار او بیرون است. ولی توجه او به کارآیی اسباب و علتها در محدوده مشیت الهی، او را به چاره اندیشی واداشت. اما نتیجه را منوط به خواست خداوند می دید. از این رو حاجت و خواسته آن حضرت چیزی جز انجام وظیفه راهنمایی فرزندان نبود.

فلسفه سجده یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۲

۳۲ > از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند < وخرّوا سجداً > سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند: > أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف. سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود.<

فلسفه نگرانی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۹

۹ یعقوب (ع) نگران از چشم زخم و حسادت بر فرزندان خویش در صورت ورود جملگی آنان به مصر از یک دروازه آن

لاتدخلوا من باب واحد... و ما أغنی عنکم من الله من شيء

آیه شریفه در این باره که یعقوب(ع) چه خطری را برای فرزندان خویش و یا برای بنیامین احساس می کرده، بیانی ندارد. بسیاری از مفسران گفته اند از اینکه یعقوب(ع) از آنان خواسته متفرق شوند و از دربهای متعدد

وارد گردند، می توان حدس زد که وی از خطر چشم زخم و مانند آن هراسان بوده است.

فواید قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، یسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود .. سلیمان ... ایوب ... ابرهیم و اسحق و یعقوب... اسمعیل و یسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هَذَا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

قدرت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أولی الأیدی و الأبصر

<أولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱،۳

۱ - ابراهیم و یعقوب (ع) هر یک دارای پسرانی چند بودند .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب بینی

۳ - یعقوب (ع) ، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم (تسلیم شدن در برابر خدا) سفارش کرد .

و وصی بها ابرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <ابراهیم> است؛ یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه>.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۲،۳،۴،۶،۷

۲ - یعقوب ، دارای پسرانی چند

إذ قال لبنیه

برداشت فوق، از جمع آوردن کلمه <بنیه> استفاده شده است.

۳ - پسران یعقوب (ع) در زمان حیات او ، انسانهایی موحد و پرستشگر خدای یکتا بودند .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

برداشت فوق از قید <من بعدی> استفاده شده است.

۴ - یعقوب (ع) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

۶ - یعقوب (ع) در آستانه مرگ ، فرزندانش را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

۷ - فرزندان یعقوب ، او را بر ملازمت به پرستش خدای بی همتا و تسلیم بودن در برابرش مطمئن ساختند .

قالوا نعبد .. إلهاً وحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إنی لیحزنی أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع) ، از اعتذار های یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لا تأمناً .. قال إنی لیحزنی أن تذهبوا به

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۴ یعقوب)

ع) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف (ع)، از ابراز آن خودداری کرد.

قال إني ليحزنني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۱، ۱۲

۱۱ تصمیم یعقوب (ع) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف (ع) و پی گیری نکردن آن

بل سؤلت لكم .. والله المستعان علی ما تصفون

۱۲ یعقوب (ع) مصمم بر شکایا بودن در فراق یوسف (ع) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

فصبر جمیل

متعلق صبر، به قرینه جمله های قبل، فراق یوسف (ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۵

۵ برادران یوسف، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند.

سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش، موافقت نمود.

قال لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقا

۲ یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با

خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند) .

لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقاً من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لنأتنتنی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقاً)؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

۳ یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتى تؤتون موثقاً من الله لنأتنتنی به إلا أن يحاط بكم

۵ یعقوب (ع) از فرزندانش انتظار نداشت با به خطر انداختن خویش در حفظ بنیامین و باز \$ گرداندن او تلاش کنند .

إلا أن يحاط بكم

احاطه که ظاهراً مصدر <يحاط> است به معنای گرفتن پیرامون چیزی از همه جوانب آن است و در آیه شریفه کنایه از مغلوب شدن و بسته شدن همه راهها و چاره هاست.

۶ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لنأتنتنی به إلا أن يحاط بكم

ظاهر این است که عبارت <إلا أن يحاط بكم> استثنا از قسم که مفاد <لنأتنتنی به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <والله لنأتینک به إلا أن يحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می

گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله على ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۶، ۷، ۵، ۴، ۱

۱ یعقوب (ع) در آستانه سفر فرزندانش به مصر، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال یبنی لا تدخلوا .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لا تدخلوا من باب وحد .. ما أغنی عنکم من الله من شیء

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لا تدخلوا من باب وحد .. ما أغنی عنکم من الله من شیء

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لا تدخلوا من باب وحد .. ما أغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب (ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۷ یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر، به آنان

توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

بینی لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ یعقوب (ع) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندان او بوده ، به کار بست .

إلا حاجة في نفس يعقوب قضيتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۴، ۱۲، ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جميل عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۶، ۵، ۲، ۱

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندان او ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندان او به قرینه <فهو كظیم> از سر خشم و غضب بر

آنان بوده است.

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف (ع) را برای

يعقوب (ع) تجديد كرد و موجب اظهار تأسف شديد او بر فراق يوسف (ع) شد .

و قال يأسفي على يوسف

حرف <الف> در آخر <اسفي> منقلب از يای متکلم است. بنابراین <يأسفي> ، یعنی ای دریغ من.

۵ حزن و اندوه شديد يعقوب (ع) در فراق يوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابيضت عينا من الحزن

<ابيضاض> مصدر باب افعال از ماده <بيض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

۶ افول بینایی يعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعًا .. وابيضت عينا من الحزن

۷ گریه فراوان يعقوب (ع) در فراق يوسف (ع) *

وابيضت عينا من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی يعقوب(ع) بود و ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان يعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه يعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ يعقوب (ع) بر اثر فراق يوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابيضت عينا من الحزن فهو كظيم

(كظيم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۳ يعقوب (ع) بر عملکرد فرزنداناش درباره يوسف (ع)

و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولى عنهم . . . فهو كظيم

<كظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ؛ یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱۳،۴

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافییه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ؛ یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصًا أو تکون من الهلکین

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . . .> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۰،۹،۳،۲،۱

۱ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثی و حزنی إلی الله

<بثّ> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را تحمل کند.

از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

۲ یعقوب (ع) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع)، تنها به خداوند شکایت می کرد.

قال إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن / یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بد رفتاری آن چیز. بنابراین >إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله < / یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

۳ یعقوب (ع) هرگز از غم و اندوهش به غیر خدا (فرزندان و اطرافیانش) شکایت و گلایه نکرد.

قال إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت.

و أعلم من الله ما لا تعلمون

>من الله < می تواند به معنای >از ناحیه خدا < باشد و نیز می تواند به معنای >درباره خدا < باشد. بر اساس معنای اول مراد از >ما لا تعلمون < به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود.

و أعلم من الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۳،۴

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند.

بینی اذهبوا فتحسسوا

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۳ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف (ع) و بنیامین امیدوار شد.

یَبْنِي اَذْهَبُوا فَتَحْسَبُوا مِنْ يَوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَأْتِسُوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند.

وَ لَا تَأْتِسُوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۰، ۹، ۸، ۴، ۳، ۲

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد.

وَ لَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرَ قَالَ أَبُوهُمْ اِنِّي لِأَجِدُ رِيحَ يَوْسُفَ

جمله <قال أبوهم...> جواب شرط <لما فصلت...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع)

از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندان از مصر، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد.

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۴ شامه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۸ سست شدن عقل و خرد بر اثر پیری و کهنسالی، اتهام خانواده یعقوب به آن حضرت

لولا أن تفنّدون

<فَنَدَ > به معنای فساد عقل بر اثر پیری است و <تفنید > (مصدر تفنّدون)؛ یعنی، کسی را به خاطر پیری و فرتوتی سست اندیشه شمردن (کشاف).

۹ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب در برخورد با او

لولا أن تفنّدون

۱۰ ترور شخصیت یعقوب (ع) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفنّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند.

إنك لفي ضلالك القديم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالك القديم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از

حد به وی متهم کردند .

إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضلالك القديم

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف (ع) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضلالك القديم

۵ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب به ساحت والای آن حضرت

إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴،۱۱

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن ، فروغ گرفت و بینایش بازگشت .

ألقىه على وجهه فارتد بصيرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: ۱\$ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۱۱ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱

۱ یعقوب (ع) از ستم فرزندان در حق خویش درگذشت و آنان را

بخشود .

قال سوف أستغفر لكم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱

۱ خاندان یعقوب ، تقاضای یوسف (ع) را پذیرفتند و همگی از کنعان به سوی مصر کوچ کردند .

وأتونی بأهلكم أجمعین .. فلما دخلوا علی یوسف

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <وأتونی بأهلكم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلكم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۷

۱ یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکر میانی <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف (ع) رفتند.

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّداً

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّداً> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی

یوسف < و >ادخلوا< در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نَجِّينَهُ و لوطًا إِلَى الْأَرْضِ .. و هبنا له إسحق و یعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

قضاوت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

کتاب آسمانی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت -

۳ - اسحاق و یعقوب (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی، برخوردار بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب و جعلنا فی ذرّيته النبوه

از مصداق های اتمّ و اکمل ذریه ابراهیم، اسحاق و یعقوب اند که خداوند به آنها، نبوت و کتاب عطا کرده است.

کرامات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۳،۴

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندان از مصر، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد.

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ریح یوسف

۴ شامه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ریح یوسف

کظم غضب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد.

و تولّی عنهم .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد / یعنی، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

کیفر دزد در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ > استرقاق < کیفر سارقان در شریعت

فهو جزؤه كذلك نجزي الظلمين

جمله <كذلك نجزي الظلمين> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم، مقتضای آیین ماست.

گریه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۷

۷ گریه فراوان یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) *

وايضا عينا من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیله است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود و ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجداً و بكيّاً

گزارش برادران یوسف به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب از مصر بازگشتند و گزارش سفرشان را برای او شرح دادند .

فلما رجعوا إلى أبيهم قالوا

۲ ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود .

فإن لم تأتونی به فلا کیل

لکم .. فلما رجعوا إلى أبيهم قالوا ياأبانا منع منا الكى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۱

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال کیرهم .. ارجعوا إلى أبيکم فقولوا ياأبانا إن ابنک سرق

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيکم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

ياأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <ياأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله <إن ابنک سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله <و ما کنا ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنک سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب

و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم / یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهان، اعتذار آنان نزد یعقوب (ع) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلی أییکم فقولوا .. و ما کنا للغیب حفظین

جمله <و ما کنا ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب (ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گوئید بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱

۱ فرزندان یعقوب به کنعان بازگشتند و گزارش سفرشان را همان گونه که لاوی سفارش کرده بود، برای پدرشان بیان کردند

ارجعوا إلی أییکم فقولوا یا بانا .. قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

از آن جا که مطالب آیه ۸۱ و ۸۲ سخنان لاوی در مصر است و جمله <بل سؤلت ..> پاسخ یعقوب در برابر آن گفته هاست، معلوم می شود که اولاً: بخشی از داستان به خاطر اختصار آورده نشده است و آن اینکه: <ارجعوا إلی أییکم و قالوا کذا و کذا>. ثانیاً: فرزندان یعقوب همان سخنان لاوی را به همان گونه که وی سفارش کرده بود برای پدرشان گزارش کردند.

لاوی و اذن یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۴، ۱۱

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه

يعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي أو يحكم الله لي

گویا مقصود لاموی از <حتی یاذن لی اَبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن يحاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <يحكم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

۱۴ > عن أبي الحسن الهادي (ع) :... قال [لاموی] : < لن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي ... > ;

از امام هادی(ع) روایت شده است: ... (لاموی) گفت: هرگز از این سرزمین دور نمی شوم تا اینکه پدرم به من اجازه دهد <...>.

مجازات دزد در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ > استرقاق < کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه كذلك نجزي الظلمين

جمله <كذلك نجزي الظلمين> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

محبت یعقوب(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۳، ۹، ۶، ۴، ۳

۳ یوسف (ع) و بنیامین محبوب تر از دیگر فرزندان یعقوب در

نزد آن حضرت

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

۴ یوسف (ع) محبوب تر از بنیامین در نزد یعقوب (ع)

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا

برداشت فوق، از تقدیم <یوسف> بر برادرش <بنیامین> استفاده شده است.

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند.

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد؛ یعنی، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۹ لطف و محبت افزون تر یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین و شایسته نبودن آن دو برای آن لطف و محبت، از سخنان و

پیش درآمد های جلسه مشورتی برادران یوسف علیه وی

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا و نحن عصبه إن أبانا لفي ضلل مبين

۱۳ محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا .. إن أبانا لفي ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱ یعقوب (ع) به فرزندش بنیامین علاقه ای ویژه داشت.

قالوا سنرود عنه أباه

۲ یعقوب (ع)، همواره از مسافرت کردن بنیامین به همراه برادرانش، جلوگیری می کرد.

قالوا سنرود عنه أباه

بنیامین ، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

>با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نمایم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم < که مفاد >سنرود عنه أباه< می باشد اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین ، ممانعت پدرشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) ، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود .

لَتَأْتَنِّي بِهِ

جمله های <إنا له لحافظون> و <فإن الله خير حافظاً> در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب(ع) خواهان نرسیدن گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله <لَتَأْتَنِّي بِهِ> (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۸

۸ برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است .

فخذ أحدنا مكانه

محبت یعقوب(ع) به فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۲، ۳، ۲

۲ یعقوب (ع) همه فرزندان خویش را گرمی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلي أبينا منا

افعل تفضيل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

دیگر فرزندان یعقوب در نزد آن حضرت

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

۱۲ برادران یوسف به دلیل نیرومندی و کارآمد بودنشان ، خویش را به محبت پدرشان یعقوب سزاوارتر می دیدند .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا و نحن عصبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۴،۵

۴ برادران یوسف ، نبود وی در میان خانواده را ، مایه توجه کامل یعقوب (ع) به آنان می پنداشتند .

اقتلوا یوسف .. یخل لکم وجه أییکم

<یخل لکم وجه أییکم> (خالی شود صورت پدرتان برای شما) کنایه از آن است که توجه و اقبال او از یوسف(ع) منقطع می شود و تنها برای شما خواهد بود. فعل <یخل> جواب امر (اقتلوا) و (اطرحوه) است و با <إن> شرطیه مقدر مجزوم شده است ؛ یعنی: <إن تقتلوه أو تطرحوه یخل لکم وجه أییکم...>.

۵ برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب (ع) نمی دیدند .

لیوسف و أخوه أحب .. اقتلوا یوسف ... یخل لکم وجه أییکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند ؛ ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین ، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

محبت یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۶

۶ رابطه یوسف (ع) و

پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال يوسف لأبيه يأت . . . بيني

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <بینی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۴

۱۴ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

يأت . . . قال بيني لانتقص رءياك

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <بینی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۵، ۱۳، ۹، ۶، ۵، ۴، ۳

۳ یوسف (ع) و بنیامین محبوب تر از دیگر فرزندان یعقوب در نزد آن حضرت

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

۴ یوسف (ع) محبوب تر از بنیامین در نزد یعقوب (ع)

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا

برداشت فوق ، از تقدیم <یوسف> بر برادرش <بنیامین> استفاده شده است.

۵ شایستگی های معنوی یوسف (ع) و فضیلت های خدادادی وی ، عامل محبت فراوان یعقوب (ع) به او بود .

كذلك يجتبيك ربك . . . ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا

بیان مسأله محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) ، پس از بیان ویژگیهای یوسف (و كذلك يجتبيك . . .) ، اشاره به ریشه

محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) دارد.

همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا ليويسف و أخوه أحب إلى أبينا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ؛ یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۹ لطف و محبت افزون تر یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین و شایسته نبودن آن دو برای آن لطف و محبت ، از سخنان و پیش در آمد های جلسه مشورتی برادران یوسف علیه وی

إذ قالوا ليويسف و أخوه أحب إلى أبينا منا و نحن عصبه إن أبانا لفي ضلل مبين

۱۳ محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليويسف و أخوه أحب .. إن أبانا لفي ضلل مبين

۱۵ > عن علي بن الحسين (ع) : . . . فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها علي أبيه يعقوب ، فاعتم يعقوب لما سمع من يوسف مع ما أوحى الله عزوجل إليه أن استعد للبلاء . . . و خاف أن يكون ما أوحى الله عزوجل إليه من الإستعداد للبلاء هو في يوسف خاصّه فاشتدت رفته عليه من بين ولده فلما رأى إخوه يوسف ما يصنع يعقوب بيوسف و تكرمته إياه و إثارة إياه عليهم إشتد ذلك عليهم . . . و قالوا : إن يوسف و أخاه < أحب إلى أبينا منا > . . . ؛

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که

یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او وحی کرد که آماده بلا باش غمگین شد... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد؛ چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرامی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۳

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۲

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنك لفي ضللك القديم

محبت یوسف(ع) به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۶

۶ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال يوسف لأبيه يأبت .. يئني

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یئنی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی

از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۴

۱۴ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت .. قال یبنی لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف (ع) و <یبنی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب (ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۷

۷ یوسف (ع) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

محدوده مسؤولیت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موظف بودند که در چارچوب فرمان های الهی به هدایت مردم بپردازند و نه بر اساس سلیقه شخصی و نه دستور گیری از دیگران .

و جعلنهم أئمه یهدون بأمرنا

<بأمرنا> متعلق به <یهدون> و در حقیقت به منزله قید و شرط برای هدایت کردن است ، یعنی ، هدایت کردن مردم باید به فرمان ما باشد

محرمات یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۱۴، ۱۱، ۲

۲ یعقوب (ع)، برخی خوردنی ها را بر خود حرام کرده بود .

الأ ما حرّم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوریه

۱۱ آنچه از خوردنی ها که یعقوب (

ع) بر خویش حرام کرده بود، بر بنی اسرائیل نیز حرام بود.

كل الطعام كان حلالاً لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل على نفسه

بنابراینکه استثنای در <الا ما حرم...> استثنای متصل باشد.

۱۴ حلیت همه خوردنی‌ها بر بنی اسرائیل، جز گوشت شتر که اسرائیل (ع) (یعقوب) قبل از نزول تورات بر خود حرام کرده بود.

كل الطعام كان حلالاً لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل على نفسه

امام صادق (ع): .. ان اسرائیل کان اذا اکل من لحم الابل هیّج علیه وجع الخاصره فحرم علی نفسه لحم الابل و ذلك قبل ان تنزل التوراه.

کافی، ج ۵، ص ۳۰۶، ح ۹؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۹۱، ح ۳۱.

مخالفت یعقوب (ع) با برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد.

قال هل ءامنکم علیه إلا کما أمتکم علی أخیه من قبل

مدح صبر یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ شکیبایی یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع)، ستودنی و درخور تحسین بود.

فصبر جمیل

چنان چه <جمیل> صفت برای <صبر> باشد، در تقدیر گرفتن مبتدا (صبری صبر جمیل) و یا خبر (صبر جمیل أحسن)

ضروری است. برداشت فوق ناظر به این احتمال است.

مدح یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰

۳- خداوند ، برای ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ستایشی راستین و بلندآوازه در تاریخ قرار داده است .

و جعلنا لهم لسان صدق علیاً

از جمله معانی و کاربردهای کلمه <لسان> ثنا و تمجید است؛ بنابراین <جعلنا ..>، یعنی برای آنها ثنا و تمجیدی راستین و رفیع قرار دادیم.

مدیریت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۰

۱۰ تلاش یعقوب (ع) برای پیشگیری از برخورد های نامناسب فرزندان با یکدیگر

لا تَقْصُصْ رِءْیَاكَ عَلٰی اِخْوَتِكَ فِی كِیْدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ تسلط و مدیریت یعقوب (ع) بر خانواده و فرزندان خویش

یٰۤاَبَا نَا مَنَعْنَا الْكَيْلَ فَاَرْسَلْنَا اٰخَانَ نَكْتَلُ

مسابقه در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۴

۴ مسابقه ، امری مشروع در آیین یعقوب (ع) و مرسوم در زمان آن حضرت

قَالُوا يٰۤاَبَا نَا اِنَّا ذٰهَبْنَا نَسْتَبِقُ

مسئولیت یعقوب(ع)

۹- هدایت مردم به سوی خدا و صفات ، افعال و سخنان او ، وظیفه ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود .

و جعلنهم أئمة يهدون بأمرنا

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: ۱ <أمر> در اصل به معنای شأن و لفظی است عام که شامل تمامی افعال و اقوال می شود (مفردات راغب). ۲ <باء> در <بأمرنا> ممکن است برای غایت و به معنای <إلی>

باشد.

مسیحیان و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۲

۲ - نصارا آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین نصرانیت و ایشان را نصرانی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل .. كانوا هوداً أو نصری

مسیحیان و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۱

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهيم .. و من أظلم ممن كتم شهادة عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصری

مصریان باستان و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۶

۶ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبع مله ءاباءى إبراهيم و إسحق و یعقوب

معامله لقیط در دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ خرید و فروش لقیط (انسان یافت شده) امری ناروا و غیرقانونی در عصر یعقوب

و أسزوه بضعه

معلم یعقوب(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۵، ۱۶

۱۵ خداوند ، آموزنده و اهدا کننده دانش ویژه به یعقوب (ع)

و إنه لذو علم لما علّمه

حرف <لام> در <لما علّمناه> برای تعلیل است و <ما> در آن مصدریه می باشد.

۱۶ حاکمیت اراده خداوند بر اسباب و علل ، از تعالیم خداوند به یعقوب (ع)

ادخلوا من أبواب متفرقة و ما أغنى عنكم من الله من شيء .. و إنه لذو علم لما علّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۲

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إليهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

مقامات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۲

۲ ابراهیم، اسحاق(ع) و یعقوب(ع) دارای مقامی رفیع و بهره مند از هدایتی ویژه به توحید و برهانهای آن، از جانب خداوند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب کلاً هدینا

بهره مندی از هدایت ویژه الهی حاکی از

مرتبه والای آن پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۵

۵- اسحاق و یعقوب (ع) ، فرزندان ابراهیم و از پیامبران الهی بودند .

وهبنا له إسحق و یعقوب و كلاً جعلنا نبیاً

اسحاق(ع)، فرزند ابراهیم(ع) بود، ولی یعقوب(ع) به دلیل آیه بیست و هفتم سوره هود (و من وراء إسحاق یعقوب) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰، ۲، ۱

۱- حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، برخوردار از منصب پیشوایی و رهبری در جامعه

و جعلنهم أئمه

۲- امامت و رهبری حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به انتخاب و انتصاب خداوند بود .

و جعلنهم أئمه

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۳

۳ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از بندگان حقیقی و بلندمرتبه خداوند

عبدنا ابرهیم و إسحق و یعقوب

تصریح به عبد بودن ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)

با آن که همه انسان ها عبد هستند و نیز اضافه آن به ضمیر جلاله (نا)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۱،۲

۱ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از برگزیدگان خداوند از میان انسان ها

و إنهم عندنا لمن المصطفین

<مصطفی> (مفرد <مصطفین>) به معنای شخص برگزیده و انتخاب شده است.

۲ - عظمت مقام و قرب ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) در پیشگاه خداوند

و إنهم عندنا لمن المصطفین

برگزیدگی ابراهیم(ع) و .. از سوی خداوند با آمدن قید <عندنا> (پیشگاه ما)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

مکان بشارت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ نوید تولد اسحاق و یعقوب به ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، در جلسه پذیرایی ابراهیم از فرشتگان بیان شد .

فبشرنها بإسحق و من وراء إسحق یعقوب

ملاقات یعقوب(ع) با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۶

۶ یعقوب (ع) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف (ع) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف (ع) پایان یافت

فلما دخلوا علی یوسف

منشأ امامت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۲

۲- امامت و رهبری حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به انتخاب و انتصاب خداوند بود

و جعلنهم أئمة

منشأ صداقت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرتین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیاً

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام صادق و راست باشد؛ یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیاً> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

منشأ صلاحیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۷

۷- دستیابی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی ، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود .

و کلاً جعلنا صلحین

منشأ علم یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

نامگذاری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ خداوند ، پیش از تولد یعقوب ، نام یعقوب را برای او برگزید و آن را به ابراهیم (ع) و همسرش اعلام کرد .

فبشّرنا بإسحق و من وراء إسحق يعقوب

نبوّت فرزندان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ خداوند ، گروهی از فرزندان یعقوب را به پیامبری برانگیخت و به آنان وحی کرد .

أوحينا إلی . . . و الاسباط

<اسباط> جمع <سبط> در لغت به فرزندانگان گفته می شود، و مراد از آن در آیه فرزندانگان حضرت یعقوب(ع) هستند و برخی از مفسران مقصود از <الاسباط> را فرزندان اسحاق دانسته اند. گفتنی است که آمدن کلمه <الاسباط> پس از <یعقوب> نظر اول را تأیید می کند.

نبوت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۲

۲ ابرهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و فرزندانش ، از انبیا و دریافت کنندگان وحی از جانب خداوند

و ما انزل علی ابراهیم . . . و الاسباط

چون <الاسباط> به معنای نوه ها پس از یعقوب ذکر شده است، به نظر می رسد منظور از آن، فرزندان یعقوب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحينا إلی ابراهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتاهم الكتب والحكم والنبوه

<أولئك> اشاره به انبيای مذکور در

آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵،۶

۵ اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

۶ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی شناخته شده برای مردم مصر

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۵

۵- اسحاق و یعقوب (ع) ، فرزندان ابراهیم و از پیامبران الهی بودند .

وهبنا له اسحق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً

اسحاق(ع)، فرزند ابراهیم(ع) بود، ولی یعقوب(ع) به دلیل آیه بیست و هفتم سوره هود (و من وراء اسحاق یعقوب) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۳

۳- اسحاق و یعقوب (ع) از مقام نبوت و کتاب آسمانی ، برخوردار بودند .

و وهبنا له إسحق و يعقوب و جعلنا في ذرّيته النبوة

از مصداق های اتمّ و اکمل ذریه ابراهیم، اسحاق و یعقوب اند که خداوند به آنها، نبوت و کتاب عطا کرده است.

نسب یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۴

۴- برخی از پیامبران

یاد شده در سوره مریم (اسحاق ، یعقوب و اسماعیل) از نسل ابراهیم (ع) بودند .

من النبیین . . . من ذرّیه ابرهیم

نسل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۲

۲ - نوادگان یعقوب (طایفه های دوازده گانه بنی اسرائیل) برخوردار از پیامبران و احکام و معارف آسمانی

قولوا ءامنا باللّٰه و ما أنزل إلّٰی . . . و الأسباط

اسباط (جمع سبط) به معنای نوادگان است و مراد از آن، در آیه شریفه، طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل است که هر کدام به یکی از دوازده فرزند یعقوب (اسرائیل) منتهی می شدند. جمله <و ما أنزل الی ... الأسباط> حکایت از آن دارد که: از میان نوادگان یعقوب، کسانی به پیامبری مبعوث شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۵،۱۱

۵- برخی از پیامبران یاد شده در سوره مریم (زکریا ، یحیی ، عیسی ، موسی و هارون (ع)) از نسل اسرائیل (یعقوب) بودند .

من النبیین . . . من ذرّیه ابرهیم و إسرءیل

۱۱- حضرت ابراهیم (ع) ، علاوه بر حضرت یعقوب و ذرّیه او ، نسلی مشتمل بر پیامبران الهی ، داشت .

و من ذرّیه ابرهیم و إسرءیل

<اسرائیل> لقب یعقوب است. آن حضرت، نوه حضرت ابراهیم(ع) و فرزند اسحاق بوده است. اگر نسل پیامبران، تنها از طریق یعقوب استمرار می یافت، دیگر ذکر ابراهیم و اسرائیل به طور مستقل ضرورتی نداشت، زیرا یکی از دیگری کفایت می کرد، ولی ذکر مستقل نشان از آن دارد

که تیره دیگری نیز از نسل ابراهیم، مشتمل بر پیامبران است که همان فرزندان اسماعیل (ع) می باشند.

نشانه های قدرت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است.

و تولی عنهم... فهو کظیم

برداشت فوق، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولی عنهم> است.

نشانه های کظم غضب یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است.

و تولی عنهم... فهو کظیم

برداشت فوق، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولی عنهم> است.

نعمت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۲

۲- اسحاق و یعقوب (ع) موهبت خداوند به ابراهیم (ع) بود.

و وهبنا له إسحق و یعقوب

نعمتهای یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱

۱- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی

، هارون ، اسماعیل و ادريس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

<أُولَئِكَ> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أَنْعَمَ اللَّهُ...> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

نقش یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۱،۶

۱ - اسحاق و یعقوب (ع) ، موهبت الهی برای ابراهیم (ع) بود .

و ابرهیم . . . و وهبنا له إسحق و یعقوب

۶ - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق . . . و جعلنا فی ذرّیته النبوه... و ءاتینه أجره فی الدنیا

نگرانی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۴

۴ - یعقوب (ع) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۵

۵ یعقوب (ع) ، نگران آسیب دیدن یوسف (ع) از ناحیه برادرانش

فیکیدوالک کیداً

جلد - نام سورہ -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۲

۲ یعقوب (ع) همواره از کید فرزندانش علیه یوسف (ع) نگران بود .

يَا بَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أَخَافُ .. قَالُوا لَئِن أَكَلَهُ الذُّبَابُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۶۸، ۵، ۴

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لَا تَدْخُلُوا مِن بَابِ وَحْدٍ .. مَا أُغْنِي عَنْكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لَا تَدْخُلُوا مِن بَابِ وَحْدٍ .. مَا أُغْنِي عَنْكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لَا تَدْخُلُوا مِن بَابِ وَحْدٍ .. مَا أُغْنِي عَنْكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

از اینکه یعقوب (ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت ، معلوم می شود در این سفر ، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود .

يعقوب (ع) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید .

*

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء

نماز در شریعت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۴

۱۴- انجام کار های نیک ، اقامه نماز و پرداخت زکات ، از تکالیف شریعت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع)

و أوحينا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إيتاء الزکوه

نماز یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحينا إليهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إيتاء الزکوه

نواهی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۱ ، ۱

۱ یعقوب (ع) ، فرزندش یوسف (ع) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

بینی لاتقصص رءیاک علی إختوک

۲۱ یعقوب (ع) افشا شدن رؤیای یوسف (ع) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف (ع) را از آن برحذر داشت .

لاتقصص رءیاک علی إختوک .. إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جمله <إن الشيطان .. > هم ناظر به <فيكيدوا ... > است و هم ناظر به <لاتقصص رؤياك >. بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لاتقصص ... > به ضميمه <إن الشيطان > چنين می شود: شيطان درصدد است که

تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

نیاکان یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق (ع) ، پدران یعقوب و یوسف (ع) بودند .

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

و توطئه برادران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۲

۲ یعقوب (ع) همواره از کید فرزندانش علیه یوسف (ع) نگران بود .

يأبانا ما لك لا تأمنا على يوسف

و دین ابراهیم(ع) یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۴

۴ - یعقوب ، پیرو آیین ابراهیم و مبلغ آن

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

وحي به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷

۱۷ "عن أبی عبداللہ(ع): ... هبط علیه جبرئیل فقال له: يا یعقوب ربك يقرؤك السلام و يقول لك: شكوتني إلى الناس ...

فلا تعود تشكونی إلی خلقی... فقال: "إنما أشکوا بئنی و حزنی إلی الله... ۱

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود آمد و گفت: پروردگارت سلام می رساند و می گوید: از من به مردم شکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشکوا بئنی و حزنی إلی الله ... " ... "

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی

خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحينا إليهم

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحينا إليهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <عَلَّمْنَا> است.

ورود یعقوب(ع) به مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۸

۱۸ > عن الحسن بن اسباط قال : سألت أبا الحسن في كم دخل يعقوب من ولده علي يوسف ؟ قال : في أحد عشر إنبأ له . . .

حسن بن اسباط گوید: از امام رضا(ع) سؤال کردم: یعقوب در میان چند نفر از فرزندانش وارد بر یوسف شد؟ حضرت فرمود: در میان یازده پسر خود . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱

۱ یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . . . و رفع أبويه علي العرش

ترتیب ذکر ی میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبويه علي العرش . . . > گویای این نکته است

که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف (ع) رفتند.

وقت استغفار یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۸

۱۸ > عن أبي عبدالله (ع) : في قول يعقوب لبنيه < سوف أستغفر لكم ربي > قال : أخرها إلى السحر ليلة الجمعة ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب که گفت: <سوف أستغفر لكم ربي> روایت شده است که فرمود: یعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت.

وکیل یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله على ما نقول وکیل

هتك شخصیت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ ترور شخصیت یعقوب (ع) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفنّدون

هدایت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۲

۲ ابراهیم، اسحاق(ع) و یعقوب(ع) دارای مقامی رفیع و بهره مند از هدایتی ویژه به توحید و برهانهای آن، از جانب خداوند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب کلاً هدینا

بهره مندی از هدایت ویژه الهی حاکی از مرتبه والای آن پیامبران است.

هدایتگری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ -

۶- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، از سوی خداوند به عنوان هادی و راهنمای مردم برگزیده شدند .

و جعلنهم أئمة يهدون

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موظف بودند که در چارچوب فرمان های الهی به هدایت مردم بپردازند و نه بر اساس سلیقه شخصی و نه دستور گیری از دیگران .

و جعلنهم أئمة يهدون بأمرنا

<بأمرنا> متعلق به <یهدون> و در حقیقت به منزله قید و شرط برای هدایت کردن است یعنی، هدایت کردن مردم باید به فرمان ما باشد

۹- هدایت مردم به سوی خدا و صفات ، افعال و سخنان او ، وظیفه ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود .

و جعلنهم أئمة يهدون بأمرنا

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: ۱ <أمر> در اصل به معنای شأن و لفظی است عام که شامل تمامی افعال و اقوال می شود (مفردات راغب). ۲ <باء> در <بأمرنا> ممکن است برای غایت و به معنای <إلی> باشد.

هشدار به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۶

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرصاً ..) جواب قسم است یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرصاً...> می باشد.

هشدارهای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ یعقوب (ع) فرزنداناش را به مجازات های الهی در صورت شکستن سوگند و پیمانشان ، هشدار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

سیاق آیه دلالت دارد که غرض یعقوب(ع) از وکیل قرار دادن خداوند و توجه دادن فرزنداناش به وکالت او ، هشدار دادن آنان به مجازات الهی است.

هوشیاری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۴

۴ یعقوب (ع) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

یعقوب(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم ، یعقوب و اسحاق (ع) ، از زمره صالحان اند .

و کلاً جعلنا صلحین

یعقوب(ع) از محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۸

۸ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) از نیکوکاران هستند.

و من ذریته . . . و كذلك نجزي المحسنين

مشارالیه <کذلک> هم می تواند هدایت باشد، که از <هدینا> استفاده می شود، و هم می تواند کثرت ذریه صالح باشد، که از <وهبنا> و <من ذریته> به دست

می آید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

یعقوب(ع) در دربار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۳

۱ یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکر می میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۳ یوسف (ع) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشاند .

و رفع أبویه علی العرش

یعقوب(ع) در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لایوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعًا .. وابيضت عيناه من الحزن

يعقوب(ع) در فراق لاوى

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع)، بنیامین و لایوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند.

فصیر جمیل

صبر جمیل، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود (مجمع البیان).

یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۲

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع)، از اعتذار های یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لا تأمنا .. قال إني ليحزني أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع)، بنیامین و لایوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند.

فصیر جمیل

صبر جمیل، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۶، ۱۷، ۱۲، ۷، ۶، ۲

۲ ماجرای بنیامین، خاطره یوسف (ع) را برای یعقوب (ع) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف (ع) شد.

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای

متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً .. وایضت عیناه من الحزن

۷ گریه فراوان یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) *

وایضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود ؛ ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب (ع) بر اثر فراق یوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وایضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) : قيل له : كيف يحزن يعقوب علي يوسف و قد أخبره جبرئيل أنه لم يمت و أنه سيرجع إليه فقال : إنه نسي ذلك ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که به ایشان گفته شد: چگونه یعقوب برای یوسف محزون می شود و حال آنکه جبرئیل او را خبر داده بود که یوسف نمرده و به زودی به سوی او برمی گردد؟ امام(ع) فرمود: یعقوب خبر جبرئیل را فراموش کرده بود.

۱۷ > سئل أبو عبدالله (ع) ما بلغ من حزن يعقوب علي

یوسف؟ قال: حزن سبعین ثکلی بأولادها...؛

از امام صادق(ع) سؤال شد: حزن یعقوب بر یوسف چقدر بود؟ فرمود: به مقداری که هفتاد زن فرزند مرده به خاطر فرزندانشان اندوهگین باشند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱،۲،۴

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

>تفتؤا< از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیہ است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۲ یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

>حرص< به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله >قالوا تالله...< گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱،۲

۱ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثی و حزنی إلی الله

>بث< در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را

تحمل کند. از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

۲ یعقوب (ع) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع)، تنها به خداوند شکایت می کرد .

قال إنما أشكوا بئى و حزنى إلى الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ؛ یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بدرفتاری آن چیز. بنابراین >إنما أشكوا بئى و حزنى إلى الله < ؛ یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۳

۱۳ > عن أبى جعفر (ع) : . . . انه [يعقوب] دعا ربّه فى السحر أن يهبط عليه ملك الموت فهبط عليه . . . قال يعقوب : . . . هل عرض عليك فى الأرواح روح يوسف ؟ فقال : لا فعند ذلك علم أنه حى فقال لولده : > اذهبوا فتحسسوا من يوسف . . . < . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید . . . پس او فرود آمد ... یعقوب گفت: ... آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: > اذهبوا فتحسسوا من يوسف ... < . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود .

يَأْتِ بِصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

یعقوب(ع) و آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

یعقوب(ع) و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲،۱۴

۲ یعقوب (ع) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندان را باور نکرد .

قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندان را نپذیرفت.

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصیر جمیل عسی اللہ أن یأتینی بهم جمیعاً

یعقوب (ع) و احترام فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۲

۲ یعقوب (ع) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به

همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا لـيوسف و أخوه أحب إلـى أبينا مـنـا

افعل تفضيل (أحب) گویای برداشت فوق است.

يعقوب(ع) و بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۳،۶

۳ یعقوب (ع) ، فرزندان او را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

۶ آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندان او (یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است . *

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندان او را باور نکرد و آنان را علی رغم داشتن شهود عینی که جای شک باقی نمی گذاشت به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: ۱ یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. ۲ کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. ۳ این کید و نقشه از ناحیه فرزندان او اجرا شده است. اینها واقعیتهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت و ولی نکته ای که برای او پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندان او است مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طراح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولى عنهم

<تولى> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندانش به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

یعقوب(ع) و بازگشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

یعقوب(ع) و بازگشت لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

یعقوب(ع) و بازگشت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

يعقوب (ع) و برادران يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵ - ۷،۱۰

۷ يعقوب (ع) از روحيات فرزندان خویش مطلع بود .

لاتقصص ... فيكيدوا لك كيدًا

۱۰ تلاش يعقوب (ع) برای پيشگيري از برخورد های نامناسب فرزندان با يكديگر

لاتقصص رءياك على

إخوتك فيكيدوا لك كيداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۳

۳ یعقوب (ع) از سپردن یوسف (ع) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لك لا تأمنا على يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۴،۹

۴ یعقوب (ع) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف (ع) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إني ليحزنني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب

۹ > عن علي بن الحسين (ع) : . . . قال يعقوب (ع) > إني ليحزنني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب < فانتزعه حذراً عليه من أن تكون البلوى من الله عزوجل على يعقوب في يوسف خاصه . . . ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . یعقوب [به فرزندان] گفت: > بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد < پس یوسف را از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلایی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد < .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۶

۶ یعقوب (ع) ادعای فرزندانش درباره یوسف (ع) (طعمه گرگ شدن او) را باور نکرد و آن را نپذیرفت .

و ما أنت بمؤمن لنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ -

۷ یعقوب (ع) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد .

فأكله الذئب .. قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

<تسویل> (مصدر سؤلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند به صورت امری نیکوست و مراد از <أمراً> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سؤلت ...> چنین معنا می شود: آنچه گفتید صحت ندارد بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۷، ۶، ۳

۳ یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتى تؤتون موثقاً من الله لتأتني به إلا أن يحاط بكم

۶ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتني به إلا أن يحاط بكم

ظاهر این است که عبارت <إلا أن يحاط بكم> استثنا از قسم که مفاد <لتأتني به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <والله لتأينك به إلا أن يحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

۱۷ یعقوب (ع) برای واداشتن فرزندانش به پایبندی به سوگند

و پیمانشان ، آنان را متوجه نظارت و شهادت خدا کرد .

الله علی ما نقول وکیل

از جمله <الله ..> در صورتی که آن را جمله ای خبری بدانیم ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۲، ۱۲

۱ یعقوب (ع) در آستانه سفر فرزندان به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال یبنی لا تدخلوا .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

۱۲ حاکمیت خدا بر هستی ، لزوم اتکا به خداوند و تنافی نداشتن توکل با تدارک اسباب و علتها ، از تعالیم یعقوب (ع) به فرزندان خویش

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أغنی عنکم من الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۵، ۳، ۲

۲ یعقوب (ع) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندان را باور نکرد .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندان را نپذیرفت.

۳ یعقوب (ع) ، فرزندان را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

۵ یعقوب (ع) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پردازهای نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

جمله <سؤلت لکم ..> / یعنی ، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴، ۱۳، ۱

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندان، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت.

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب (ع) از فرزندان به قرینه <فهو کظیم> از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندان درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد.

و تولی عنهم .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد، یعنی کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است.

و تولی عنهم .. فهو کظیم

برداشت فوق، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولی عنهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۶، ۲، ۱

۱ یعقوب (ع) از ستم فرزندان در حق خویش در گذشت و آنان را بخشود.

قال سوف أستغفر لكم ربی

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش نوید داد که به زودی

آمزش گناهانشان را از درگاه خداوند خواهد خواست و برای آنان شفاعت خواهد کرد .

قال سوف أستغفر لكم ربي

۱۶ یعقوب (ع) با توجه دادن فرزندانش به آمزشگاری و مهربانی خداوند ، آنان را به آمزش گناهانشان امیدوار ساخت .

سوف أستغفر لكم ربي إنه هو الغفور الرحيم

یعقوب(ع) و برادران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۴،۵

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند .

يَبْنِي اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لا تأيسوا من روح الله

۵ مأیوس نشدن از رحمت خدا و امید داشتن به یاری او ، توصیه یعقوب (ع) به فرزندان خویش

و لا تأيسوا من روح الله

<روح> به معنای سرور ، فرح ، استراحت و رحمت می باشد. اضافه آن کلمه به <الله> و متعلق قرار گرفتن <من روح الله> برای <لا تأيسوا> گویای این است که مراد از آن <رحمت> می باشد.

یعقوب(ع) و برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۸

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل

صحيح حوادث شد .

إني رأيت أحد

عشر .. كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث

يعقوب(ع) و بنيامين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۴

۴ احتمال گرفتاری بنيامين به سرنوشت يوسف (ع) ، مایه نگرانی يعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلا كما أمنتكم على أخيه من قبل

يعقوب(ع) با نام نبردن از يوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنيامين ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

يعقوب(ع) و بوی يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۳، ۴، ۳، ۲

۲ يعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی يوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العير قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

جمله <قال أبوهم .. > جواب شرط <لما فصلت ... > است و از این رو می رساند که شنیدن بوی يوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود يعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی يوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ يعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندان از مصر ، یافته خویش (شنیدن بوی يوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العير قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۴ شامه معجزه آسای يعقوب (ع) و کرامت او

در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۱۳ > عن أبي عبد الله (ع) قال: ... ان ابراهيم لما أوقدت له النار أتاه جبرئيل (ع) بثوب من ثياب الجنة ... فلما حضر ابراهيم الموت جعله في تميمه و علّقه إسحاق على يعقوب ، فلما ولد يوسف (ع) علّقه عليه فكان في عضده ... فلما أخرج يوسف بمصر من التميمه وجد يعقوب ريحه و هو قوله : < إني لأجد ريح يوسف ... > فهو ذلك القميص الذي أنزله الله من الجنة ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد ... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را] بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إني لأجد ريح يوسف ...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۴

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف (ع) تکذیب کرده و این احساس را

ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف . .. قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

يعقوب(ع) و بی رحمی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ تعریض یعقوب (ع) به فرزندان مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف (ع) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظاً و هو أرحم الرحمی

يعقوب(ع) و پیراهن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۲

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

جمله <قال أبوهم . .. > جواب شرط <لما فصلت ... > است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن

همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار

دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

يعقوب(ع) و توطئه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۱، ۸

۸ اطمینان یعقوب (ع) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف (ع)

بل سؤلت لکم أنفسکم أمراً

کلمه <بل > می رساند که یعقوب(ع) سخن فرزندان را نپذیرفت و جمله <سؤلت لکم . .. > بیانگر این نکته است که او

به توطئه آنان علیه یوسف (ع) اطمینان پیدا کرد.

۱۱ تصمیم یعقوب (ع) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف (ع) و پی گیری نکردن آن

بل سؤلت لکم .. والله المستعان علی ما تصفون

یعقوب (ع) و حیات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

یبنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

یعقوب (ع) و حیات لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی است.

یعقوب (ع) و حیات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع)، بنیامین و لاوی، اطمینان داشت.

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

مراد از ضمير جمع در <بهم> یوسف(ع)، بنیامین و

لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۳، ۱۱، ۹

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

>من الله< می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لا تعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۱ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۳ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایق درباره خداوند

و أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) قال : قدم أعرابي على يوسف . . . قال له يوسف : . . . فإذا مررت بوادي كذا و كذا فقف فناد : يا يعقوب ! يا يعقوب ! فإنه سيخرج إليك رجل . . . فقل له : لقيت رجلاً بمصر و هو يقرئك السلام و يقول لك : إن وديعتك عند الله عزوجل لن تضيع ، قال : فمضى الأعرابي . . . فأبلغه ما قال له يوسف . . . فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حي لم يمت و أن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته و كان يقول لبنيه : > إني أعلم من الله ما لا تعلمون < . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف

وارد شد . . . یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گذر کردی بایست و صدا بزنی: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهد آمد ... به او بگو مردی را در مصر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت ... و گفتار یوسف را به یعقوب ابلاغ کرد ... پس یعقوب می دانست یوسف زنده است و نمرده و خدای تعالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: <إني أعلم من الله ما لا تعلمون>...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن، پیدا خواهند شد .

بینی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف . . قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ یعقوب (ع) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف (ع)، به زنده بودن او اطمینان

داشت .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لا تعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب (ع) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف (ع) اطمینان داشت .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۱ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۲ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

یعقوب(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب .. إن أبانا لفي ضلل مبين

یعقوب(ع) و خواسته های برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۵

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندان

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندان، موافقت نمود .

قال لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقاً

یعقوب(ع) و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۵

۵ اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی پیرو شریعت پدرشان ابراهیم (ع)

واتبعت مله ءاباءى إبراهيم و إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) و رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۱

۲۱ یعقوب (ع) افشا شدن رؤیای یوسف (ع) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف (ع) را از آن برحذر داشت .

لاتقصص رءياك على إخوتك .. إن الشيطان للإنسن عدو مبين

جمله <إن الشيطان .. > هم ناظر به <فیکیدوا...> است و هم ناظر به <لاتقصص رؤياك> . بنابر وجه دوم، مفاد جمله

<لاتقصص...> به ضمیمه <إن الشيطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس

برحذر باش!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف (ع) و خاندان

یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

ینی رأیت أحد عشر كوكبا .. يتم نعمته عليك و على ءال يعقوب

یعقوب(ع) و سرزنشهای برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۶

۶ یعقوب (ع) با بیان اینکه از غم و اندوهش به اطرافیان و فرزندانش شکایت نمی کند ، خویشان را سزاوار ملامت آنان نمی دید .

قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف .. قال إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله

یعقوب(ع) و سلامتی فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ یعقوب (ع) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده ، به کار بست .

إلا حاجة في نفس يعقوب قضيتها

یعقوب(ع) و عهد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۲

۲ یعقوب (ع) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنكم عليه إلا كما أمنتكم على أخيه من قبل

استفهام در <هل ءامنكم ..> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنكم ...> یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی

ما نقول وکیل

یعقوب (ع) و فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) ، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود .

لتأتنی به

جمله های <إنا له لحافظون> و <فالله خیر حافظاً> در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب (ع) خواهان نرسیدن گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله <لتأتنی به> (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولی عنهم .. فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولی عنهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۳

۳ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف (ع) و بنیامین امیدوار شد .

یبنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأیسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب (ع) پس از داستان بنیامین ، جستجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندان او را مأمور

تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

یعقوب(ع) و فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۳

۳ یعقوب(ع) به فرزندش یوسف(ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب(ع) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف(ع) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولی عنهم .. فهو كظيم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو كظيم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولی عنهم> است.

یعقوب(ع) و فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۹

۱۹ پیش بینی و احساس خطر یعقوب(ع) برای فرزندانش در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد .. إنه لذو علم لما علمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۱

ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

يعقوب(ع) و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۴

۴ یعقوب (ع) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله

هدف یعقوب(ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

يعقوب(ع) و کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) برای کشف حقیقت آنچه فرزندان او درباره یوسف (ع) ابراز می کردند، از خداوند کمک خواست .

والله المستعان علی ما تصفون

<وصف> (مصدر تصفون) به معنای بیان کردن است و مراد از <ما> سخنان دروغین برادران یوسف می باشد. کمک گرفتن از خدا بر سخنان و گزارشهای غیر واقعی، به معنای کمک گرفتن از او در کشف حقیقت است.

يعقوب(ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۲

۲ یعقوب (ع)، همواره از مسافرت کردن بنیامین به همراه برادرانش، جلوگیری می کرد .

قالوا سنرود عنه أباه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۸

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد.

قال هل ءامنكم عليه إلا كما أمنتكم على أخيه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱،۲

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش، موافقت نمود.

قال لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقاً

۲ یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند).

لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقاً من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لنأتنتنی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقاً)؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۶

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود.

لاتدخلوا من باب وحد... ما أغنى عنكم من الله من شيء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول

و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

یعقوب(ع) و ملاقات با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جميعًا

یعقوب(ع) و ملاقات با لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جميعًا

یعقوب(ع) و ملاقات با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جميعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

يعقوب (ع) و نقش شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۲۱ یعقوب (ع) افشا شدن رؤیای یوسف (ع) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف (ع) را از آن برحذر داشت .

لا تقصص رؤیاك على إخوانك .. إن الشيطان للإنس عدو مبين

جمله <إن الشيطان ..> هم ناظر به <فیکیدوا...> است و هم ناظر به <لا تقصص رؤیاك> . بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لا تقصص...> به ضمیمه <إن الشيطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

یعقوب(ع) و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۳

۳ یعقوب (ع) از سپردن یوسف (ع) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لك لا تأمنا على يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندان

قال إنى .. أخاف أن يأكله الذئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند .

واتبع مله ءاباءى إبراهيم و إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) و یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توصیه یعقوب (ع) بر ملازمت فرزندانش بر آیین یهودیت ، از ادعا های دروغین یهود

أم

کنتم شهداء إذ حضر يعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه یهودیان است. بنابراین <أم کنتم شهداء...> یعنی، شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندان را به پایداری در آئین یهود سفارش کرد؟)

یعقوب(ع) هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۶

۱۶- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند.

أولئك... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجداً و بکياً

یعقوب(ع) هنگام حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب (ع) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین، سالخورده و بسیار کهنسال بود.

إن له أباً شيخاً كبيراً

<شيخ> به معنای پیرمرد و <کبير> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال می باشد.

یوسف(ع) و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۴،۷

۴ یوسف (ع)، پیر و شریعت پدران، ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود.

واتبع مله آباءى إبراهيم و إسحق و یعقوب

یوسف (ع) از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد.

ذلکما مما علمنی ربی انی ترکت .. واتبعت مله اباہی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی، نقش داشته است.

یوسف(ع) و کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۵

۵ یوسف (ع) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود .

يَا بُصَيْرًا

یوسف(ع) و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۵

۵ یوسف (ع) رؤیای شگفت خویش را برای پدرش (یعقوب (ع)) بیان کرد .

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴۸

۴ احترام ویژه یوسف (ع) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویہ علی العرش

۸ یوسف (ع) پس از ورود خاندانش به مصر، خلاصه ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد .

يأبت . . . قد أحسن بي إذ أخرجني من السجن و جاء بكم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ١٠١ - ١

١ يوسف (ع) ، پس از

برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتینى .. فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلماً و ألحقنى بالصلحین

یهود و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل .. کانوا هوداً

جمله <أم تقولون .. > دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۱، ۹

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم .. و من أظلم ممن کتم شاهده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله > به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم .. کانوا هوداً أو نصری

یقین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

یقین

۱۳ - ایمان ، یقین و تعقل ، عناصری مرتبط و متکامل در مواجهه مثبت با آیات الهی

لأیت للمؤمنین . . . آیت لقوم یوقنون ... آیت لقوم یعقلون

با توجه به این که در راستای شناخت پدیده های گوناگون هستی، تعبیر متفاوتی (مؤمنین، یوقنون، یعقلون) به کار رفته است؛ می توان استفاده کرد که هر یک از آنها، در بخش های خاصی از جهان هستی کاربرد دارد.

آثار یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۲

۲ - پابندی به نماز و زکات و باور به آخرت ، شرط بهرهوری از هدایت و بشارت قرآن

هدی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های < یقیمون > و < یؤتون > مضارع و مفید استمرار است؛ یعنی، < هدی و بشری للذین یستمرون علی اقامه الصلاه و إیتاء الزکاه >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۹

۹ - برپایی کامل نماز و پرداخت مدام زکات و یقین به عالم آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت ویژه قرآن است .

هدی . . . للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۱۰، ۳

۳ - یقین به آخرت و برپایی نماز و پرداخت زکات ، زمینه ساز بهره مندی از هدایت های افزون الهی است .

الذین یقیمون . . . و هم بالأخره هم یوقنون . أولئک علی هدی من ربهم

۱۰ - رستگاری ، تنها در پرتو اقامه نماز و پرداخت زکات و

یقین به آخرت است .

الذین یقیمون الصلوه و .. و أولئک هم المفلحون

آثار یقین به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۶

۶ - صبر و یقین برخی از پیروان موسی (ع) به آیات الهی، زمینه ساز گزینش آنان از سوی خدا برای پیشوایی بنی اسرائیل بود .

و جعلنا منهم أئمه .. لما صبروا و كانوا بآیتنا یوقنون

بنابراین احتمال که در <لما> معنای جزا باشد؛ یعنی، آنان به رهبری انتخاب شدند، به پاداش صبوری که پیشه کردند و یقینی که به آیات الهی پیدا کردند.

آثار یقین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متی هذا الوعد .. لو یعلم الذین

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق ستیزی و هرگونه گناه بازمی دارد.

آثار یقین به حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۳

۳- شناخت حقایق در حد یقین ، مانع سرگرمی به تفاخر و برتری جویی

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

به قرینه آغاز سوره، می توان گفت: جواب <لو> محذوف است. در نتیجه مفاد آیه این می شود که

اگر به حد <علم الیقین> عالم می‌شدید، آن دانش، مانع فخرفروشی و مباحثات شما می‌شد؛ بلکه اگر جمله <لترون الجحیم> (در آیه بعد) را جواب <لو> بدانیم، باز هم می‌توانیم این نکته را از آیه شریفه به دست آوریم.

آثار یقین به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - اطاعت کامل از دستورات وحی، تنها در پرتو باور و یقین به قیامت میسر خواهد بود.

و إِنَّه لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَاتَمْتَرَنَّ بَهَا وَ اتَّبِعُونَ

ارتباط دو قسمت آیه شریفه (و إِنَّه لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَاتَمْتَرَنَّ بَهَا) و (اتَّبِعُونَ) نشانگر آن است که اعتقاد به قیامت، زمینه ساز پیروی کامل از دستورات خداوند است.

اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۴

۴ ورود ابراهیم(ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایاندن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و کذلک نری إبرهیم ملکوت السموت و الأرض و لیکون من الموقنین

جمله <و لیکون...> عطف بر محذوف است. یعنی ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) برای مقاصدی بوده و از آن جمله اینکه وی از اهل یقین باشد. بیان این هدف از میان اهداف دیگر، نشانه برجسته بودن و اهمیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۱

۱ - اقامه نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت از نشانه های مؤمنان راستین

هدی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالآخره هم یوقنون

<الذین> در برداشت یاد

شده، وصف احترازی است؛ یعنی، آیات قرآن برای آن دسته از مؤمنان، هدایتگر و بشارت بخش است که پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات باشند و به جهان آخرت نیز باور قطعی داشته باشند.

اهل یقین و آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین، مشهود و غفلت ناپذیر است .

لو تعلمون علم یقین . . . لترون الجحیم

جمله <لترون الجحیم>، می تواند جواب <لو> باشد؛ در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود؛ این مشاهده بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لترون> قطعی است. فعل مضارع <لترون> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

اهل یقین و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - وجود نشانه های فراوان و مهم الهی در زمین برای اهل یقین

و فی الأرض آیت للموقنین

جمع و نکره آمدن <آیات>، دلالت بر فراوانی و عظمت آن دارد.

۲ - حق باوران اهل یقین، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض آیت للموقنین

اهل یقین و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶- دوزخ و آتش سوزان

آن در دنیا برای اهل یقین ، مشهود و غفلت ناپذیر است .

لو تعلمون علم یقین ... لتروّن الجحیم

جمله <لتروّن الجحیم>، می تواند جواب <لو> باشد؛ در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود؛ این مشاهده بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لتروّن> قطعی است. فعل مضارع <لتروّن> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

اهمیت تحصیل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۴

۴ - لزوم تحصیل علم به آخرت و تلاش برای رساندن آن به مرحله یقین

کَلَّا لو تعلمون علم یقین

اهمیت یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۴

۴ - اسناد هر چیز (فعل ، سخن ، وصف و ...) به خداوند ، باید از روی علم و یقین باشد .

و أن تقولوا علی الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۷

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما ... فدلیمها بغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- یقین ، نشان دهنده عالی ترین مراتب ایمان و معرفت

و اعبد ربّک حتی یأتیک الیقین

از اینکه

به پیامبر(ص) که مظهر ایمان است توصیه شد که برای نیل به یقین، عبادت نماید، برداشت فوق به دست می آید.

۷- نیل به مرتبه والای یقین ، هدف و فلسفه عبادت است .

و اعبد ربّک حتی یأتیک الیقین

<حتی> برای انتهای غایت و به معنای <إلی> است و در این آیه <یقین> غایت و هدف برای <عبادت> (و اعبد ..) قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاّیه - ۴۵ - ۴ - ۷

۷- اهمیت یقین و باور جزمی ، در حوزه معارف الهی (توحیدی)

لقوم یوقنون

اهمیت یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۵

۵- یقین به عالم آخرت ، در میان عقاید دینی ، دارای اهمیتی ویژه است .

و هم بالأخره هم یوقنون

ذکر آخرت، از میان مجموعه اعتقادات، حاکی از اهمیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۶

۶- ضرورت باور به جهان آخرت و تحصیل یقین به آن

و بالأخره هم یوقنون

اهمیت یقین به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۷

۷- برخورداری از روحیه صبر و بردباری و نیز یقین به آیات الهی، از شرایط رهبری و امامت دینی است.

و جعلنا منهم أئمه .. لَمَا صبروا و كانوا بآيتنا يوقنون

<لَمَا> زمانی است و دلالت می کند بر این که برگزیدگان بنی اسرائیل، زمانی که به مقام صبر و یقین رسیدند، به

پیشوایی انتخاب شدند و این، نشان می دهد که رهبران دینی باید چنین مقامی را برای خود تحصیل کنند و یا واجد آن دو باشند.

اهمیت یقین در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۴

۴ - لزوم مبتنی ساختن مبانی عقیدتی، بر بنیان علم و یقین و پرهیز از اتکا به گمان

قتل الخزصون

معنای لغوی <خزص> اتکا به گمان است. از این که تکیه بر گمان مورد نکوهش واقع شده استفاده می شود که ضد آن (اتکا بر علم) ضروری و بایسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۸ - ۶

۶ - لزوم اتکای معارف و عقاید، بر شالوده یقین و برهان؛ و نه حدس و گمان

و إِنَّ الظنَّ لَا يَغْنَىٰ مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

ایمان اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۴، ۱۱

۱۱ قوانین الهی، بهترین و برترین قانون در دیدگاه اهل یقین

و من احسن من الله حكماً لقوم يوقنون

۱۴ تنها اهل یقین، قادر بر تشخیص برتری احکام قرآن بر دیگر قوانین هستند.

و من احسن من الله حكماً لقوم يوقنون

حکم خدا، برترین حکم است، چه اهل یقینی وجود داشته باشند و یا وجود نداشته باشند؛ بنابراین قید <لقوم یوقنون> به

سؤال در <و من احسن> باز می گردد؛ یعنی جواب این سؤال، تنها از اهل یقین بر می آید؛ چون تنها آنان به این حقیقت واقفند.

توحید ربوبی اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۵

۵- اهل یقین ، قادر به درک و شناخت ربوبیت یگانه خداوند بر نظام هستی

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

خداشناسی اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۵

۵- اهل یقین ، قادر به درک و شناخت ربوبیت یگانه خداوند بر نظام هستی

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۴ - ۱

۱ - آفرینش انسان و سایر جانداران ، دربردارنده نشانه هایی از خداوند برای جویندگان یقین

و فی خلقکم و ما یبئ من دابّه ءایت

رستگاری اهل یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۷

۷ - تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت ، رستگارند .

الذین یقیمون الصلوه .. و أولئک هم المفلحون

زمینه یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- مطالعه نظام و کیفیت اداره هستی ، زمینه ساز راهیابی انسان به مرحله یقین

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

از مطرح شدن مسأله یقین، پس از ذکر ربوبیت خداوند بر جهان هستی، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۴

۴ - توجه به خدادادی بودن نعمت بیان و ابزار آن ، مایه یقین به

آگاهی خداوند از نیت ها ، افکار و دانسته های انسان است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له ... و لساناً و شفیتین

زمینه یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۴

۴ - اقامه نماز و پرداخت زکات ، دارای پیوندی عمیق با یقین به آخرت

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون

جمله <و هم بالأخره..> حال معلله است؛ یعنی، یقین داشتن آنان به آخرت و کیفر و پاداش الهی، آنها را پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات می کند.

زمینه یقین به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - امکان شناخت و یقین به یگانگی خدا از طریق مطالعه در مظاهر هستی

قال ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

<إن کنتم موقنین> یعنی، اگر شما طالب یقین هستید و بنای رسیدن به شناخت و حق را دارید، کافی است که به حاکمیت تدبیر و ربوبیت واحد بر نظام آسمان ها و زمین و موجودات میان آنها توجه کنید.

صفات اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین (کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد يَبَيِّنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در

<لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

عوامل رحمت بر اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۶

۶ - روشنگری های قرآن ، مایه هدایت و رحمت برای جویندگان یقین

بصائر . . . و هدّی و رحمه لقوم یوقنون

عوامل وصول به یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۶

۶ وصول به یقین در پرتو امدادها و توفیقات الهی امکان پذیر است.

و كذلك نرى إبرهیم . . . و لیکون من الموقنین

عوامل هدایت اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۶

۶ - روشنگری های قرآن ، مایه هدایت و رحمت برای جویندگان یقین

بصائر . . . و هدّی و رحمه لقوم یوقنون

عوامل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱

۱ خداوند ، هدایت کننده مؤمنان ، از ظلمت شبهاتِ معاد به نورِ علم و یقین

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَخْرُجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ . . . او كَالَّذِيْ مَرَّ ... فَلَمَّ

داستان مورد بحث در آیه، مثال و ارائه نمونه ای برای ولایت الهی و نتیجه آن است ؛ یعنی هدایت مؤمنان به نور پس از خارج ساختن آنان از ظلمت و تاریکی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۴

- توجه به خدادادی بودن نعمت بینایی ، مایه یقین به پنهان نبودن چیزی از خداوند است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له عینین

مطرح کردن نعمت بینایی در پی سرزنش کسانی که به آگاهی خداوند توجه ندارند نوعی استدلال بر علم خداوند است. به این بیان که انسان باید خداوند را آگاه تر از خود بداند؛ زیرا او ابزار این آگاهی را در اختیار وی قرار داده است.

عوامل یقین به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۲۱

۲۱ شناخت خداوند و صفات او ، موجب یقین آدمی به معاد است .

الله الذی . . لعلکم بلقاء ربکم توقنون

فضایل اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۵

۵- اهل یقین ، قادر به درک و شناخت ربوبیت یگانه خداوند بر نظام هستی

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۰ - ۲

۲ - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض ءایت للموقنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ تنها اهل یقین ، قادر بر تشخیص برتری احکام قرآن بر دیگر قوانین هستند .

و من احسن من الله حكماً لقوم يوقنون

حکم خدا، برترین حکم است، چه اهل یقینی وجود داشته باشند و یا وجود نداشته باشند ؛ بنابراین قید <لقوم یوقنون> به

سؤال در <و من احسن> باز می گردد؛ یعنی جواب این سؤال، تنها از اهل یقین بر می آید؛ چون تنها آنان به این حقیقت واقفند.

فضایل اهل یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۶

۶ - محسنان، برپادارنده نماز و پرداخت کننده زکات و اهل یقین به عالم آخرت و برخوردار از عنایت خاص خداوندند.

للمحسنین .. أولئك على هدى من ربهم

اضافه <رب> به ضمیر <هم> که مرجع آن، محسنان است اشاره به نکته یاد شده می کند.

مراتب یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکوین - ۱۰۲ - ۷ - ۳

۳ - تعدد مراحل یقین و تفاوت علمی بودن و عینی بودن آن

لو تعلمون علم اليقين .. ثم لترونها عين اليقين

مقام یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۵

۵ رسیدن به یقین، مرتبه ای بلند برای انسان و قله ای برای معرفت و شناخت

و كذلك نرى .. و ليكون من الموقنين

مطرح ساختن <یقین>، به عنوان اصلیتین هدف <ارائه ملکوت>، گویای عظمت یقین و اهل آن و همچنین نقطه نهایی در مقوله شناخت است.

موجبات یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۴ - ۶

۶ - مطالعه و تحقیق در نظام حیات ، راهی برای دستیابی انسان به یقین در خداشناسی

و فی خلقکم .. لقوم یوقنون

از آیه شریفه استفاده می شود که از متن نظام طبیعت می توان

به یقین دست یافت.

ویژگی اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ بهره مندی از احکام برتر (قوانین الهی) مخصوص اهل یقین است.

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

بدان احتمال که لام در <لقوم> برای منفعت باشد، یعنی بهره مندی از قوانین الهی از آن اهل یقین است.

ویژگیهای اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین (کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند)، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن، حقایق و معارف دینی را در می یابند.

قد یبنا الأیت لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در <لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

هدایت اهل یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۱

۱ - تنها برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و اهل یقین به آخرت، مشمول هدایت ویژه پروردگار خویش اند.

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم بالأخره هم یوقنون . أولئک علی هدی من

یقین اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۶

۶ - یقین مشرکان در قیامت ، به نبودن هیچ

راه فراری از عذاب الهی

و ظنّوا ما لهم من محیص

<ظنّ> در لغت هم به معنای گمان آمده و هم به معنای یقین. طبق گفته برخی از مفسران این کلمه در آیه شریفه به معنای یقین است.

یقین اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل > **إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** > قال: **الرجس هو الشك** ;

از امام صادق (ع) درباره این سخن خداوند عزوجل: **<إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ..>** روایت شده که فرمود: **<رجس>** در این آیه، همان شک است. گفتنی است که مفهوم رجس، هر نوع پلیدی را شامل می شود و برحسب این روایت، یکی از مصادیق آن شک است.

یقین به آثار گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۸

۸ - یقین به نتیجه ذلت بار گناه ، مایه پرهیز انسان از آن است .

و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا .. إنّنا موقنون

اعتراف مجرمان به معرفت و یقین پیدا کردن در قیامت، پس از مشاهده وضع خود در آن روز و درخواست مؤکد آنان از خدا برای بازگشت به دنیا، جهت انجام دادن کار خوب، نشان می دهد که اگر کسی به نتیجه بد گناه یقین پیدا کند، از آن پرهیز خواهد کرد.

یقین به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۱

۱ - اقامه نماز ،

پرداخت زکات و یقین به آخرت از نشانه های مؤمنان راستین

هدی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

<الذین> در برداشت یاد شده، وصف احترازی است؛ یعنی، آیات قرآن برای آن دسته از مؤمنان، هدایتگر و بشارت بخش است که پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات باشند و به جهان آخرت نیز باور قطعی داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۱،۷

۱ - اقامه همواره نماز، و پرداخت مداوم زکات و یقین به آخرت، از صفات محسنان است .

هدی و رحمه للمحسنین . الذین یقیمون... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های مضارع <یقیمون> و <یؤتون> دلالت بر استمرار دارند. لازم به ذکر است که <زکات> در این آیه، به قرینه مکی بودن سوره، زکات اصطلاحی نیست، بلکه اعانه های مالی است. گفتمی است در صورتی که جمله <الذین یقیمون...> جمله وصفی و یا بدلی باشد، مفید معنای یاد شده است.

۷ - تنها محسنان، به عالم آخرت یقین دارند .

للمحسنین . . و هم بالأخره هم یوقنون

تقدیم فاعل فعل <یوقنون> و تکرار ضمیر <هم> بر اختصاص و انحصار، دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۵

۵ - یقین به جهان آخرت از صفات اهل تقواست .

و بالأخره هم یوقنون

یقین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷

۷- حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به

آن است .

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا .. ثُمَّ لَتَسْتَلْنَنَّ

یقین به حقایق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- یقین به حقایق وعده های خداوند و باور به معاد ، تکلیفی الهی و معرفتی ارجمند است .

أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

یقین به حقایق پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۹ - ۳

۳- انسان ، پس از مرگ به حقایق آشنا شده و به آنها یقین پیدا می کند .

و اَعْبَدُ رَبِّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ

برداشت فوق، از وجه تسمیه مرگ به <یقین> استفاده می شود؛ یعنی، از این رو به مرگ <یقین> گفته می شود که حقایق برای انسان آشکار شده و او به آنها یقین پیدا می کند.

یقین به رؤیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکوین - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲ - سوگند مکرر خداوند ، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

یقین به طلوع فجر

۴۱ - ابی بصیر گوید : > سألت ابا عبد الله (ع) عن رجلين قاما في شهر رمضان فقال احدهما : هذا الفجر و قال الآخر : ما أرى شيئاً قال : ليأكل الذي لم يستيقن الفجر و قد حرم الأكل على الذي زعم قد رأى ، ان الله يقول : و

كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ثم أتموا الصيام إلى الليل ۛ

از امام صادق(ع) سؤال کردم از دو نفر که در ماه رمضان درباره [طلوع] فجر اختلاف نموده اند، و یکی از آن دو می گوید این فجر است و دیگری می گوید من چیزی [از سفیدی صبح] نمی بینم. امام فرمودند: آن کس که یقین به طلوع فجر ندارد می تواند بخورد؛ ولی آن کس که معتقد است فجر را دیده بر او حرام است که بخورد. خداوند می فرماید: و كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ثم أتموا الصيام إلى الليل <.

یقین به علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۴

۴ - توجه به خدادادی بودن نعمت بیان و ابزار آن ، مایه یقین به آگاهی خداوند از نیت ها ، افکار و دانسته های انسان است .

أیحسب أن لم یره أحد . ألم نجعل له ... و لساناً و شفقتین

یقین به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۷

۱۷ برپایی قیامت ، اصلی که باید به آن یقین و اطمینان داشت .

لعلکم بلقاء ربکم توقنون

<لقای پروردگار> کنایه از برپایی قیامت است ۛ زیرا در آن صحنه است که ربوبیت خدا برای انسانها ملموس و محسوس می شود و آن را به عین یقین درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱

۱ - علم و

باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنُّ أن يفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنُّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

یقین به نظارت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۸ - ۴

۴ - توجه به خدادادی بودن نعمت بینایی ، مایه یقین به پنهان نبودن چیزی از خداوند است .

أیحسب أن لم يره أحد . ألم نجعل له عينين

مطرح کردن نعمت بینایی در پی سرزنش کسانی که به آگاهی خداوند توجه ندارند نوعی استدلال بر علم خداوند است. به این بیان که انسان باید خداوند را آگاه تر از خود بداند؛ زیرا او ابزار این آگاهی را در اختیار وی قرار داده است.

یقین به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۶

۶ - ایمان و عمل صالح ، از لوازم و مظاهر یقین به وحی و هدایت آسمانی است .

لقوم یوقنون .. أن نجعلهم کالذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یقین به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی (ع) به آغوش وی

فرددنه إلى أمه .

.. و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

یقین در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۸

۸ - باور ها و اعتقادات ، باید از علم و یقین سرچشمه گرفته و متکی بر دلیل و برهان باشد .

و جعلوا الملائكة .. أشهدوا خلقهم

عبارت <أشهدوا خلقهم> نشانگر آن است که هر گونه باور و اعتقادی، بایستی برخاسته از علم و یقین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۷

۷ - یقین و برهان ، تنها شالوده مطمئن برای دستیابی به عقاید و باورها

ما أنزل الله بها من سلطان إن يتبعون إلا الظنّ

از تخطئه مشرکان در مبتنی ساختن عقاید و باورهایشان بر حدس و گمان و نه یقین و برهان مطلب بالا استفاده می شود.

یقین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

ليجمعنكم إلى يوم القيمة لا ريب فيه

مرجع ضمیر <فيه> می تواند <یوم القیامه> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۲۴ - ۶

۶- قیامت، روز تجلی حقایق و از میان رفتن پرده های اوهام است.

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۴

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها

و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعينهم في غطاء .. كفروا بأيت ربهم و لقاءه

مقصود از لقای پروردگار، مسلماً برخورد حسی نیست (لاتدرکه الأبصار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیامت، به حقانیت یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۷، ۱۹

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربنا أبصرنا و سمعنا .. إنا موقنون

۱۹ - به یقین رسیدن مجرمان درباره معاد ، در قیامت دلیل درخواست شان از خدا جهت بازگشت به دنیا است .

فارجعنا نعمل صلحًا إنا موقنون

<إنا موقنون> به منزله تعلیل برای درخواست است.

یقین رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۷

۷ - برخورداری از روحیه صبر و بردباری و نیز یقین به آیات الهی ، از شرایط رهبری و امامت دینی است .

و جعلنا منهم أئمة .. لئما صبروا و كانوا بأيتنا يوقنون

<لئما> زمانی است و دلالت می کند بر این که برگزیدگان بنی اسرائیل، زمانی که به مقام صبر و یقین رسیدند، به پیشوایی انتخاب شدند و این، نشان می دهد که رهبران دینی باید چنین مقامی را برای خود تحصیل کنند و یا واجد آن دو باشند.

یقین فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انکار معجزات الهی ، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقانیت آن

و جحدوا

بها و استیقتتها أنفسهم

<جَحَدَ> (مصدر <جحدوا>) به معنای نفی و انکار کردن است. <استیقان> (مصدر <إستیقت>) معادل <ایقان> و جمله <استیقتتها أنفسهم> حال برای ضمیر فاعل در <جحدوا> است؛ یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار کردند.

یقین کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن يفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

یقین لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حقاً أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه و منّ عليه بالحكمه . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمه ؛

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: >به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود

اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می‌کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می‌کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام... در این جا به او حکمت داده شد.

یقین مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی (ع) به آغوش وی

فرددنه إلى أمه .. و لتعلم أن وعد الله حق

یقین محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۷

۷ - تنها محسنان، به عالم آخرت یقین دارند.

للمحسنين .. و هم بالأخره هم يوقنون

تقديم فاعل فعل <يوقنون> و تکرار ضمير <هم> بر اختصاص و انحصار، دلالت می‌کند.

یقین مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۳

۳ - حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت.

فأشارت إليه

خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

یقین مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۵

۵ - جهان بینی و اعتقادات مؤمن آل فرعون ، بر علم و شناخت اطمینان بخش استوار بود .

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به ما لیس لی به علم

یقین مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۱

۱ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و یقین به آخرت از نشانه های مؤمنان راستین

هدی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

<الذین > در برداشت یاد شده، وصف احترازی است، یعنی، آیات قرآن برای آن دسته از مؤمنان، هدایتگر و بشارت بخش است که پایبند به اقامه نماز و پرداخت زکات باشند و به جهان آخرت نیز باور قطعی داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶ - اهل ایمان ، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و یعلمون أنّها الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۱

۱ - مؤمنان واقعی ، دارای ایمان به خدا و رسول او و بدور از هرگونه شک و تردید

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا

يَقِينُ يُوسُفَ (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۳

۳ یوسف (ع) ہیچ

ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

ینی رأیت أحد عشر كوكبا .. رأيتهم لی سجدين

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت.

یقین یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱

۲۱- < قال المأمون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عزوجل : > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه < فقال الرضا (ع) : ذاك يونس بن متى (ع) ذهب مغاضباً لقومه > فظن < بمعنى إستيقن > أن لن نقدر عليه < أي لن نضيق عليه رزقه ... > فنادی فی الظلمات < أي ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : > أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين < بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل <و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه> امام فرمود: او یونس بن متى بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظن > در کلام خدا به معنای <إستيقن > و <لن نقدر عليه> به معنای <لن نضيق عليه رزقه > ... می باشد. <فنادی فی الظلمات>؛ یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانك إني كنت من الظالمين>؛ یعنی،

... من از ستم کارانم زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم.

یوسف (ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

یوسف (ع)

آثار احسان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ نیکوکاری یوسف (ع) ، مایه رسیدن او به مقام نبوت بود .

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مكانه إنا نريك من المحسنين

آثار اطاعت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۷

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت .. واتبعت مله ءابائی

جمله <اتبعت .. > عطف بر <ترکت > در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف (ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

آثار بی گناهی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با

فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه .. وقال الملك ائتونى به أستخلصه لنفسى

آثار حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف (ع) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا .. قال معاذ الله إنه ربى أحسن مثواى

آثار دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه كیدهن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه كیدهن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

آثار دوراندیشی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۵

۵ سرزمین مصر بر اثر پیش بینی یوسف (ع) و تدبیر عالمانه او ، از عواقب فاجعه آمیز قحطی مصون ماند .

و جاء إخوه يوسف

آثار

رشد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۵

۵ رسیدن یوسف (ع) به سن رشد ، زمینه ساز برخورداری او از علم و حکمت

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

آثار رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۸

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إني رأيت أحد عشر .. كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ > عن علي بن الحسين (ع) : ... فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها علي أبيه يعقوب ، فاغتم يعقوب لما سمع من يوسف مع ما أوحى الله عزوجل إليه أن استعد للبلاء ... و خاف أن يكون ما أوحى الله عزوجل إليه من الإستعداد للبلاء هو في يوسف خاصّه فاشتدت رفته عليه من بين ولده فلما رأى إخوه يوسف ما يصنع يعقوب بيوسف و تكرمته إياه و إثارة إياه عليهم إشتد ذلك عليهم ... و قالوا : إن يوسف و أخاه > أحب إلى أئينا منّا < ... ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: ... هنگامی که یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به

او وحی کرد که آماده بلا باش غمگین شد ... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد؛ چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرامی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند.

آثار عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع)، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند.

ذلك ليعلم أنى لم أخنه .. وقال الملك ائتونى به أستخلصه لنفسى

آثار عقیده به خاتمیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - اعتقاد مردم مصر به ختم نبوت و نیامدن هیچ پیامبری پس از یوسف (ع)، منشأ مخالفت آنان با دعوت موسی (ع)

حتى إذا هلك قلم لن يبعث الله من بعده رسولا

اعلام ختم نبوت پس از یوسف(ع) از سوی مردم مصر، می تواند دلیل و یا بهانه آنان در مخالفت با دعوت موسی(ع) باشد.

آثار علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف (ع)، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او

، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مکین أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <آمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

آثار فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) بر اثر فراق یوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابيضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

آثار فضایل یوسف(ع)

۵ شایستگی های معنوی یوسف (ع) و فضیلت های خدادادی وی ، عامل محبت فراوان یعقوب (ع) به او بود .

كذلك يجتبيك ربك .. ليوسف و أخوه أحب إلي أبينا منا

بیان مسأله محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) ، پس از بیان ویژگیهای یوسف (و كذلك يجتبيك ..) ، اشاره به ریشه محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) دارد.

آثار محبت یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلي أبينا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

آثار مطالعه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۱ مطالعه سرگذشت یوسف (ع) ، زمینه باور و توجه به ربوبیت خدا و علم و حکمت اوست .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العليم الحكيم

آثار ملاقات یوسف(ع) با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر

با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إني أنا أخوك فلاتبتئس بما كانوا يعملون

تفریح <فلاتبتئس .. > به وسیله حرف <فاء> بر <إني أنا أخوك> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ؛ یعنی، یوسف(ع) با این تفریح بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ؛ ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

آرامش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۶

۶ طمأنینه و آرامش یوسف (ع) به هنگام دفاع از خویش

قال هی رودتني عن نفسي

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش ، در سخن خود (هی رودتني عن نفسي) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

آل یعقوب در دربار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱

۱ یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر .. و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکر میانیان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش .. > گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد

بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

آل یعقوب و حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۷

۷ خانواده یعقوب، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع)، انکار می کردند .

قال أبوهم .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إني لأجد ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا...> باشد زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما كذبتموني و...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنك لفي ضلالك القديم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالك القديم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

آیات خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران

وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

ابراهیم(ع) و دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۹

۱۹ ابراهیم و اسحاق (ع) ، به هنگام شروع داستان یوسف (خواب دیدن ستارگان ، خورشید و ماه) در حال حیات نبودند .

كما أتمها علي أبويك من قبل

برداشت فوق ، از قید <من قبل> استفاده می شود. البته این در صورتی است که <من قبل> قید برای <أبويك> باشد ، نه متعلق به <أتمها>.

ابراهیم(ع) و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق (ع) ، پدران یعقوب و یوسف (ع) بودند .

علي أبويك من قبل إبراهيم وإسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند .

واتبعته ملة آباءي إبراهيم وإسحق ويعقوب

اتمام نعمت بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۱، ۱۰

۱۰ کامل شدن نعمت الهی

بر یوسف و خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) .

و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

۱۱ یعقوب (ع) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف (ع) و خاندان یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

إنی رأیت أحد عشر کوکبا .. یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتیبیک ربک و یعلمک .. لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسرائین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات> ، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و ..> باشد که از جمله های <کذلک یجتیبیک ربک و ...> به دست می آید.

اتهام دزدی به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۴ ، ۹ ، ۴ ، ۳

۳ برادران یوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنیامین (یوسف) سخن گفتند و سابقه دزدی را برای او نیز امری ثابت شده قلمداد کردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

۴ یوسف (ع) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل .. قال ... الله أعلم بما تصفون

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (

مطرح کردن سرقت دروغین او (از خود دفاع نکرد .

فأسرها يوسف في نفسه و لم يبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرها> و <لم يبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرها...> یعنی، یوسف (ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف (ع) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان (دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین) را باور ندارد .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل . . . و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . . .> عطف بر <أنتم...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسر> و <لم يبدها> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

اجابت دعای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند ، دعای یوسف (ع) (درخواست رهایی از کید زلیخا و همپالگی های وی) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت .

فاستجاب له ربه فصرف عنه كيدهن

<استجاب> (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

اجابت دعوتهای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱

۱ خاندان یعقوب ، تقاضای یوسف (ع) را پذیرفتند و همگی از کنعان

به سوی مصر کوچ کردند .

وأتونی بأهلکم أجمعین .. فلما دخلوا علی یوسف

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

احتجاج یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف (ع) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلا أسماء .. ذلک الدین القيم

احترام به مادر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴،۳۲

۴ احترام ویژه یوسف (ع) به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

۳۲ > از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند <وخرّوا سجّداً> سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند : <أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ؛

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ؛ بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود.>

احترام یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - يوسف - ١٢ - ٢١ - ٨

٨ عزيز مصر ، اداره امور يوسف (ع)

را به همسرش زلیخا واگذار کرد، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد.

لامرأته أكرمي مثويه

<مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أكرمي مثواه>؛ یعنی، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۲

۲ تکریم و بزرگداشت یوسف (ع) از جانب عزیز، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

<یوسف> مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۲

۳۲ > از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند <وخرّوا سجداً> سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند: <أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف و إنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف؛

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود؛ بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود.>

احترام یوسف(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر

، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و ليكوثًا من الصغرين

احسان به يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۶، ۱۵، ۸

۸ يوسف (ع) پس از ورود خاندانش به مصر ، خلاصه ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد .

يأبت .. قد أحسن بي إذ أخرجني من السجن و جاء بكم من البدو

۱۵ خداوند ، يوسف (ع) را از احسان های خویش برخوردار ساخت و به او نعمت ها بخشید .

قد أحسن بي

۱۶ آزاد ساختن يوسف (ع) از زندان و کوچ دادن خاندان یعقوب از کنعان به مصر ، از جمله احسان های خداوند در حق يوسف (ع) .

و قد أحسن بي إذ أخرجني من السجن و جاء بكم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ يوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتيتني ... فاطر السموت و الأرض ... توفني مسلمًا و ألحقني بالصلحين

احسان يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷

۱۷ دستیابی یوسف (ع) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

كذلك مَكَّنَّا .. نصیب برحمتنا ... و لانضیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۳

۳ اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یا ایها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا .. إنا نریک من المحسنین

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف (ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف (ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوای پیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتقّ و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

اختفای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۶

۶ کاروان یابنده یوسف (ع) به منظور کالای تجارتي قرار دادن او ، سعی در مخفی ساختن وی داشتند .

و أسرّوه بضعه

در فعل <أسرّوا> (پنهان ساختند) معنای جعل و قرار دادن اشراب شده است ؛ از این رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معنای جمله نیز چنین می شود: یوسف (ع) را کالای تجارتي قرار دادند و او را پنهان ساختند.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف (ع) ، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد .

امرات العزیز ترود فتیها . . فلما رأینه اکبرنه

اختیارات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف(ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین ، ممنوع کرد ، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه او باشد.

اخلاص یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود .

إنه من عبادنا المخلصین

مراد از <مخلصین> (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاً در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و نه اسیر هواهای نفسانی اند.

ادعای مالکیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۲

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و خویشان را مالک او می شمردند .

أسروه بضعه . . . و شروه بئمن

از آن جایی که

کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

ادعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهی بر صدق دعوی خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله < هذا أخی > می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای < قد من الله > باشد به عنوان شاهی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را در خواهید یافت.

اذیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۲

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف (ع) ، همچون یوسف (ع) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

استخدام همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۶

۶ تعبیر یوسف (ع) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأَنسِيهِ الشَّيْطَانَ ذَكَرَ رَبَّهُ

با توجه به اینکه ضمیر

در <فأنساه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشيطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

استشمام بوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۲،۳،۴

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

جمله <قال أبوهم . . . > جواب شرط <لما فصلت ... > است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۴ شامه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

استعاده یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی (تمنای زلیخا ، ابراز اشتیاق او ، خلوت بودن قصر و بسته بودن

درب ها) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۸

۸ استعاذه یوسف (ع) به خداوند از روا داشتن ظلم و ستم

قال معاذ الله .. إنا إذا لظلمون

استعدادهای معنوی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۵

۵ شایستگی های معنوی یوسف (ع) و فضیلت های خدادادی وی ، عامل محبت فراوان یعقوب (ع) به او بود .

كذلك يجتبيك ربك .. ليوسف و أخوه أحب إلي أبينا منا

بیان مسأله محبت افزون تر یعقوب (ع) به یوسف (ع) ، پس از بیان ویژگیهای یوسف (و كذلك يجتبيك ..) ، اشاره به ریشه محبت افزون تر یعقوب (ع) به یوسف (ع) دارد.

استفاده از کارد در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۹

۹ استفاده از کارد برای تناول خوردنی ها در مصر باستان و عصر یوسف (ع)

و ءات كل وحده منهن سكينا

استقبال یوسف (ع) از مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ یوسف (ع) برای استقبال از پدر و مادر، برادران و سایر بستگانش، از شهر مصر بیرون رفت.

فلما دخلوا علی یوسف .. قال ادخلوا مصر

جمله <ادخلوا مصر> (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

استمداد یوسف(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . . . و إلاّ تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلاّ تصرف...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

اسحاق(ع) و دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۹

۱۹ ابراهیم و اسحاق (ع) ، به هنگام شروع داستان یوسف (خواب دیدن ستارگان ، خورشید و ماه) در حال حیات نبودند .

كما أتمّها علي أبويك من قبل

برداشت فوق ، از قید <من قبل> استفاده می شود. البته این در صورتی است که <من قبل> قید برای <أبويك> باشد ، نه متعلق به <أتمّها>.

اسحاق(ع) و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق (ع) ، پدران یعقوب و یوسف (ع) بودند .

علي أبويك من قبل إبراهيم و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند .

واتبعته مله اباى

إبرهیم و إسحق و یعقوب

اضطرار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : ... ان یوسف (ع) ... لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

اطمینان قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ من قُبُل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می طلبد - برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

اطمینان همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إننا نریک من المحسنین

اطمینان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

۸ یوسف (ع) به رازداری بنیامین ، اطمینان داشت .

إني أنا أخوك

اعتراض یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۹

۹ یوسف (ع) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش ، عذر تقصیرشان (جهل و نادانی) را به آنان القا کرد .

إذ أنتم جاهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۵

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنك...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنك اليوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

اعدام همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم‌بند زندانی یوسف (ع)، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد.

و

قال الذی نجا منهما

افشاگری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۲،۵

۲ یوسف (ع) در نزد عزیز مصر ، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت ، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرا دانست .

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر <هی رودتنی> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف(ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله <هی رودتنی> معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین <هی راودتنی> یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

۵ یوسف (ع) مراوده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش ، پنهان کرده و فاش نساخته بود .

قالت .. قال هی رودتنی عن نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما سمع الملك كلام الصبی . . . قال لیوسف : < أعرض عن هذا . . . > و اکتمه قال : فلم یکتمه یوسف و أذاعه فی المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمرأه العزیز تراود فتاها عن نفسه . . .

از امام سجاد(ع) نقل شده است: . . . همین که پادشاه سخن کودک را شنید ...

به یوسف گفت: از این ماجرا در گذر ... و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای از زنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است ... <

اقتدار یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۷

۷ یوسف (ع) انسانی مقتدر و امین و شایسته اعتماد بود .

إنك اليوم لدینا مکین أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۲،۳،۱۰

۲ یوسف (ع) در سرزمین مصر به منزلتی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ

<تمکین> (مصدر مَكَّنَّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ> یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حیث یشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

۳ یوسف (ع) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ

<يتَّبِعُوا> به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله <يتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ> (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای <مَكَّنَّا...> است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

۱۰ اقتدار کامل و بدون

منازع یوسف (ع) در مصر، پرتوی از رحمت خاص خداوند بر او بود.

كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ . . . نَصِيبَ بِرَحْمَتِنَا مِنْ نَشْءٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۳،۹،۱۰

۳ اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قالوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا . . . إنا نريك من المحسنين

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف (ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف (ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود.

إنا نريك من المحسنين

۱۰ نیکوکاری یوسف در زمان اقتدارش، در رفتار و منش او جلوه گر بود.

إنا نريك من المحسنين

<نری> در آیه شریفه، به معنای <اطمینان داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <می بینیم> گویای آن است که اطمینان برادران یوسف به شخصیت وی از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

اقدامات امنیتی در حکومت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۴

۴ دستگاه حکومتی یوسف (ع)، درباره کاروانهایی که به مصر وارد می شدند، تفحص می کرد تا به فسادگر و سارق نبودن

ایشان اطمینان پیدا کند .

لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

جمله <لقد علمتم> (یقیناً دانستید و دریافتید که ما چنین و چنان نیستیم) حاکی است که کاروانهای وارد شده به مصر، مورد تفحص قرار می گرفتند تا هدف آنان از ورود به مصر مشخص شود که مبادا برای جاسوسی ، خرابکاری ، سرقت و .. به مصر وارد شده باشند.

اقرار به فضایل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۳

۳ برادران یوسف با سوگند به خداوند به منزلت برتر او اذعان و اعتراف کردند .

تالله لقد ءاثرک الله علینا

حرف <تاء> در <تالله> حرف قسم است.

اقرار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) بدون امداد الهی ، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید .

و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۲ احساس ناتوانی یوسف (ع) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب .. و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ تصریح یوسف (ع) به سیرت و منزلت نکوهیده برادران خویش

قال أنتم شرّ مكاناً

القباب يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۲

۲ ساقی دربار ، يوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید

و بالقب < صدیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیها الصدیق

الهام به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا\$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا لیوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

امانتداری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۷

۷ یوسف (ع) انسانی مقتدر و امین و شایسته اعتماد بود .

إنك الیوم لدینا مکین أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۹

۱۹ < عن الرضا (ع) : ... فی قوله تعالی : <...إنی حفیظ علیم > قال : حافظ لما فی یدیّ عالم بكل لسان ;

از امام رضا(ع) .. درباره سخن خدا <...إنی حفیظ علیم > روایت شده است که فرموده: مراد این است که نگه دارنده چیزی هستم که در تصرف من است و آگاه به همه زبانها می باشم.<

امداد به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می دانست نه برخاسته از

اراده خود بدون توفیق الهی .

أني لم أخنه .. و ما أُبرئ نفسي إن النفس لأُمّارة بالسوء إلا ما رحم ربي

از ارتباط <ما أُبرئ نفسي> (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم) با جمله <لم أخنه بالغیب> و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف(ع) (حاشا لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف(ع) با جمله <ما أُبرئ نفسي> درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام؛ بلکه با توجه به عبارت <إلا ما رحم ربي> در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است؛ زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

امیدواری همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۵

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف (ع) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

و قال للذی ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذی> باز گردد و محتمل است به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذی...> چنین می شود: یوسف(ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر

می رسد.

امیدواری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۸

۸ یوسف (ع) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم .. لعلهم یرجعون

انقیاد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۶، ۱۵

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف (ع) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ یوسف)

ع) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود .

إِنَّ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ

مراد از <مخلصین> (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاً در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و نه اسیر هواهای نفسانی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۹

۱۹ تسلیم خدا بودن در تمامی عمر و در حال مردن ، از دعا ها و درخواست های یوسف (ع) به درگاه خداوند

توفنی مسلماً

اوامر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۲

۲ یوسف (ع) از کارگزارانش خواست بهای دریافت شده از فرزندان یعقوب را در بارها و اثاثیه آنان جاسازی کنند .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

اهتمام یوسف(ع) به خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۳

۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

اهتمام یوسف(ع) به عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳

۳ رنج و محنت در راستای اطاعت خدا و حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

اهتمام یوسف(ع) به مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ یوسف (ع) تحقق امور را به مشیت خداوند می دانست و در عین قدرت و مکنات ، به او اتکا داشت .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنين

اهداف یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۶

۶ یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گذاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم يعرفونها . .. لعلهم يرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

اهمیت قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلك من أنباء الغیب

<ذلك> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ؛ یعنی: <ذلك النبأ من أنباء الغیب>.

ایمان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴،۱۵

۱۴ پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به

خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم لایؤمنون

جمله <إنی ترکت ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ؛ یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت .

۱۵ یوسف (ع) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندگان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم .. هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۸

۸ یوسف (ع) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی ، رحمت او را مایه ترک گناهان و بدی ها دانست و خود را ستایش نکرد .

و ما أبرء نفسی إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۹،۱۱

۹ یوسف (ع) نمونه ای بارز از مؤمنان تقوایسته و باورداران به سرای آخرت

و لأجر الآخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

از مصداقهای مورد نظر برای <الذین آمنوا ..> به قرینه آیات قبل ، یوسف (ع) است .

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکنا لیوسف .. و لأجر الآخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ یوسف (ع) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ، معتقد بودند و بدان باور داشتند.

قد منّ الله علينا .. لقد اثرک الله علينا

بازرسی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱،۲،۳

۱ یوسف (ع) خود به بازرسی بارها و اثاثیه کاروان فرزندان یعقوب اقدام کرد.

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه

ضمیر در <بدأ> و <استخرج> به قرینه <أخیه> به یوسف باز می گردد. اسناد آن دو فعل به یوسف، ظاهراً حقیقی است نه مجازی (به این معنا که او دستور داده باشد که چگونه بازرسی کنند در حالی که خود مباشرت نداشته باشد). تغییر سیاق؛ یعنی، تبدیل فعل جمع (قالوا فما جزاؤه) به فعل مفرد (بدأ) قرینه بر معنای یاد شده است. <وعاء> به معنای ظرف و <أوعیه> جمع آن می باشد.

۲ یوسف (ع) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت.

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه <ثم> دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرا رسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر برادران به دقت انجام می گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین، جام شاهی را از باروی بیرون آورد.

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر

است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

بازی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) : . . . فقالوا كما حكى الله عزوجل <... أرسله معنا غداً يرتع ويلعب > أي يرعى الغنم ويلعب ؛
از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً يرتع ويلعب > یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند.

برادر ابوینی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱

۱ از میان برادران یوسف ، بنیامین برادر پدری و مادری یوسف (ع) و سایرین ، برادران پدری او بودند .

إذ قالوا ليوסף و أخوه

فرزندان یعقوب، بنیامین را برادر یوسف می خواندند، با اینکه وی نیز فرزند یعقوب(ع) و با آنان برادر بود (لیوسف و أخوه).
این تعبیر می رساند که ارتباط اخوت میان یوسف(ع) و بنیامین قوی تر از ارتباط اخوت وی با دیگر فرزندان یعقوب می باشد
یعنی، بنیامین برادر پدر و مادری یوسف(ع) و با سایر برادران، برادر پدری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۶

۶ بنیامین و یوسف (ع) دو فرزند یعقوب (ع) از یک مادر

إن يسرق فقد سرق أخ له من

قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۲

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف (ع) ، همچون یوسف (ع) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

برادران پدری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱

۱ از میان برادران یوسف ، بنیامین برادر پدری و مادری یوسف (ع) و سایرین ، برادران پدری او بودند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه

فرزندان یعقوب، بنیامین را برادر یوسف می خواندند، با اینکه وی نیز فرزند یعقوب(ع) و با آنان برادر بود (لیوسف و أخوه). این تعبیر می رساند که ارتباط اخوت میان یوسف(ع) و بنیامین قوی تر از ارتباط اخوت وی با دیگر فرزندان یعقوب می باشد ؛ یعنی، بنیامین برادر پدر و مادری یوسف(ع) و با سایر برادران، برادر پدری بودند.

برادران یوسف و پیراهن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱،۳

۱ برادران یوسف قبل از قرار دادن او در چاه ، پیراهن او را از بدنش خارج کردند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۳ برادران یوسف با ارائه پیراهن خونین او به یعقوب (ع) ، درصدد اثبات ادعای ساختگی خویش برآمدند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

برادران یوسف و تبعید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، کشتن یا تبعید او را گناه

می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند .

اقتلوا يوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تكونوا من بعده قومًا صلحين

برادران یوسف و رضایت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱

۱ فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً ناامید گشتند .

فلما استئسوا منه

<یأس> <و> <استئاس> به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که <استئاس> حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در <منه> یوسف و یا بنیامین است. بنابراین <فلما استئسوا منه ...> ؛ یعنی، پس آن گاه که فرزندان یعقوب از [جلب رضایت] یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند

برادران یوسف و رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۳، ۲۰

۲۰ برادران یوسف ، در خطر گرفتاری به دام دشمنی های شیطان در صورت شنیدن رؤیای یوسف (ع)

فیکیدوا لک کیداً إن الشیطن للإنسن عدو مبین

۲۳ > عن علی بن الحسین (ع) : ... فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصها على أبيه يعقوب ... فقال يعقوب ليوسف : لا تقصص رؤياك هذه على إخوتك ... فلم يكتف يوسف رؤياه فقصها على إخوته ... ؛

از امام سجاده(ع) روایت شده ... هنگامی که یوسف آن خواب را دید و بامداد برای پدرش یعقوب بازگو کرد ... یعقوب به یوسف گفت: این خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن ... یوسف خواب خود را پوشیده نداشت

و برای برادرانش بازگو کرد...>.

برادران یوسف و سرنوشت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۴

۴ برادران یوسف تا قبل از بردن او به صحرا ، نسبت به سرنوشت او به نظر قطعی نرسیده بودند . *

فلما ذهبوا به و أجمعوا

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای اتفاق نظر و عقیده و نیز به معنای تصمیم گرفتن و مهتّیای انجام کاری شدن است. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

برادران یوسف و سلامتی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱

۱ کاروان فرزندان یعقوب با سوغاتی ارزشمند و دلیلی روشن بر سلامت یوسف (ع) ، از مصر به سوی کنعان حرکت کردند .

اذهبوا بقمیصی هذا .. و لما فصلت العیر

<فصلت> از مصدر <فصول> گرفته شده است و <فصول> به معنای خارج شدن و جدا گشتن می باشد.

تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۷۹؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۱۸۵.

برادران یوسف و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، کشتن یا تبعید او را گناه می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند .

اقتلوا يوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تكونوا من بعده قومًا صالحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۵

۵ برادران يوسف در توطئه عليه او ، از كشتنش احتراز مي كردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند .

و ألقوه في غيبث الجب ..

و أجمعوا أن يجعلوه في غيب الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند ، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

برادران یوسف و کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزله بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ؛ ولی در حقیقت <ما جئنا ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

برادران یوسف و نیازهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۴

۴ برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیازهای طبیعی یوسف (ع) (حضور در مرتع و گردش و بازی) در صدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند .

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

<رتع> (مصدر يرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها ، مزارع و مراتع است.

برادران یوسف و هلاکت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ -

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود ، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند .

إِنَّا إِذَا لَخْسِرُونَ

برادران یوسف و یافتن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب ، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف (ع) و استرداد بنیامین *

يَأْيُهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلُنَا الضَّرَّ . . فَأَوْفَ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف(ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند ، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

برادران یوسف و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۴،۶

۴ یعقوب (ع) مطمئن به مکر و کید فرزندانش علیه یوسف (ع) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لَا تَقْصُصْ رِءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا

چنان چه یعقوب(ع) اطمینان و یقین به کید و مکر فرزندانش علیه یوسف(ع) نداشت ، پس از نقل رؤیا می فرمود: >فإني أخاف أن يكيدوا... < (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

۶ یعقوب (ع) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف (ع) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا

ضمیر در >یکیدوا< به >إخوه< باز

می گردد و این گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۶،۷

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لِيُوسُفَ وَأَخُوهُ أَحِبُّ إِلَيْنَا مَنَا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ؛ یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا لِيُوسُفَ وَأَخُوهُ أَحِبُّ إِلَيْنَا مَنَا

چنان چه یوسف (ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف (ع) اکتفا می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۴،۷

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً

جمله <اقتلوا یوسف..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۱۲ اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه

بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۴ برادران یوسف ، نبود وی در میان خانواده را ، مایه توجه کامل یعقوب (ع) به آنان می پنداشتند .

اقتلوا یوسف .. یخل لکم وجه ائیکم

<یخل لکم وجه ائیکم> (خالی شود صورت پدرتان برای شما) کنایه از آن است که توجه و اقبال او از یوسف(ع) منقطع می شود و تنها برای شما خواهد بود. فعل <یخل> جواب امر (اقتلوا) و (اطرحوه) است و با <إن> شرطیه مقدر مجزوم شده است ؛ یعنی: <إن تقتلوه أو تطرحوه یخل لکم ...>.

۷ برادران یوسف حضور او در نزد یعقوب را ، مایه تلخ کامی و نابسامانی خویش می دانستند .

اقتلوا یوسف .. تکونوا من بعده قومًا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۷

۷ برادران یوسف با حضور در پیشگاه یعقوب (ع) لب به شکایت گشوده و از بی اعتمادی او نسبت به آنان درباره یوسف (ع) انتقاد کردند .

قالوا یا بانا ما لک لاتأمننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۵۸

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکید فراوان مراقبت از یوسف (ع) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید

فراوان ، از آوردن جمله اسمیه به همراه <إِنَّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۷

۷ غفلت برادران از حراست یوسف (ع) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب (ع) نبود .

أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ > عن أبي جعفر (ع) في قوله < لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون > يقول: لا يشعرون أنك أنت يوسف... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <لتنبئهم... و هم لا يشعرون> روایت شده که می فرمود: [یعنی] نمی دانند تو همان یوسفی...<.

۲۰ > عن علي بن الحسين (ع) :... فانطلقوا به مسرعين مخافه أن يأخذهم منهم و لا يدفعه إليهم... ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: .. یوسف را با سرعت بردند ، مبادا یعقوب او را از دست آنان بگیرد و به آنان ندهد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۵،۶

۵ برادران یوسف ، او را به درمهایی اندک و بهایی ناچیز ، به کاروانیان فروختند . *

و شروه بثمان بخش

برداشت فوق، براساس این احتمال است که مراد از ضمیر فاعلی در <شروه>، برادران یوسف باشد. بر این مبنا برادران یوسف فروشنده، و طبعاً کاروانیان خریدار او بودند. عبارت <الذی اشتره من مصر> در آیه بعد، می تواند مؤید این احتمال باشد ؛ زیرا

این عبارت می‌رساند که پیش از فروش یوسف (ع) در مصر، یک بار دیگر نیز خرید و فروش در مورد او انجام گرفته بود.

۶ یوسف (ع) در نزد برادرانش، شخصی بی‌مقدار و کم‌ارزش بود. *

و كانوا فيه من الزهدين

در برداشت فوق، ضمیر در <كانوا> به برادران یوسف باز گردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۹،۱۶

۹ برادران یوسف بجز بنیامین، از کنعان برای دریافت آذوقه به مصر آمدند و به حضور یوسف (ع) رسیدند.

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه

جمله <ائتونی بأخ لکم...> (برادر پدری خود را به نزد من آوردید) در آیه بعد می‌رساند که مراد از <إخوه> برادران یوسف بجز بنیامین است. جمله <ولما جهزهم...> در آیه بعد بیانگر هدف آنان از آمدن به مصر است.

۱۶ > عن أبي جعفر (ع) : >... فعرّفهم يوسف و لم يعرفه إخوته لهيبه الملك و عزّته... ;

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: ... یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی نشناختند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۳

۳ فرزندان یعقوب، ضمن معرفی خویش و بیان تعداد نفرات، به یوسف (ع) یادآور شدند که یک برادر پدری نیز دارند.

قال ائتونی بأخ لکم من أبيکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

۳ بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او ، دلیل یعقوب (ع) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد <هل ءامنکم علیه إلا...> چنین می شود: اعتماد من به شما [اگر اعتماد کنم] در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

۹ یعقوب (ع) در پی تعهد فرزندانش بر محافظت از یوسف (ع) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

کما أمنتکم علی أخیه من قبل

۱۶ تعریض یعقوب (ع) به فرزندانش مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف (ع) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظًا و هو أرحم الرحمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۹

۹ > عن أبي عبد الله عليه السلام . . . قال : إنهم سرقوا يوسف من أبيه إلا- تری أنه قال لهم حين قالوا : ماذا تفقدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملك ، و لم يقولوا : سرقتم صواع الملك ، إنما عنی أنکم سرقتم يوسف من أبيه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود] فرمود: آنان یوسف را از پدرش

سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانۀ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۱

۱ فرزندان یعقوب با شنیدن اتهام سرقت به سوی یوسف (ع) و کارگزاران وی بازگشتند .

قالوا و اقبلوا عليهم

ضمیر در <قالوا> و <اقبلوا> به کلمه <العیر> در آیه قبل باز می گردد و جمله <و اقبلوا عليهم> حال برای ضمیر در <قالوا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ؛ ولی در حقیقت <ما جئنا ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۲،۳،۵

۲ برادران یوسف در حضور او ، بنیامین را به

داشتن روحیه سرقت متهم کردند .

قالوا إن يسرق

چون از نظر ظاهر بنیامین سارق شناخته شد، اقتضای مقام آن بود که برادران یوسف از فعل ماضی (سرق) استفاده می کردند. آنان با آوردن فعل مضارع (یسرق) که دلالت بر استمرار و تجدد دارد به جای فعل ماضی درصدد بیان این معنا بودند که بنیامین دارای روحیه سرقت است.

۳ برادران یوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنیامین (یوسف) سخن گفتند و سابقه دزدی را برای او نیز امری ثابت شده قلمداد کردند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

۵ برادران یوسف بر \$ این باور بودند که یوسف (ع) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل> می تواند متعلق به <سرق> باشد. بر این اساس جمله <فقد سرق...> چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود. همچنین می تواند متعلق به مضمون <أخ له> باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۳

۳ اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یا ایها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا ..

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف(ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف(ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۹، ۱۸، ۱۴، ۱۲، ۸، ۳

۳ فرزندان یعقوب سختی معیشت و نابسامان بودن وضع مادی خاندان یعقوب را به یوسف گزارش کردند .

قالوا یا ایها العزیز مسنا و أهلنا الضر و جننا بیضعه مزجیه

۸ فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش ، از یوسف (ع) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند .

مسنا و أهلنا الضر و جننا بیضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزندان یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: ۱ منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف(ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. ۳ مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

۱۴ برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب (ع) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه ، آذوقه و غلات به آنان ببخشد .

مسنا و أهلنا الضر .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل

جود و کرم بود .

فأوف لنا الكيل و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

۱۹ اظهار مسکنت و ذلت برادران یوسف به پیشگاه او و شکایت آنان از فقر و تنگدستی ، در سومین سفر آنان به مصر

مسنًا و أهلنا الضر . . . و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۲

۲ بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف (ع) ، همچون یوسف (ع) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱،۲،۳

۱ فرزندان یعقوب در پی سخنان عزیز مصر (آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید) دریافتند که او برادرشان یوسف (ع) است .

هل علمتم ما فعلتم بيوسف . . . قالوا أءنك لانت يوسف

جمله <أءنك . . . > حاوی چهار تأکید است: اسمی بودن جمله ، حرف تأکید <إِنَّ > ، لام تأکید و ضمیر فصل <أنت > . و اینها حاکی از این است که برادران یوسف بر اینکه مخاطبشان همان یوسف (ع) است ، اطمینان کردند .

۲ استبعاد و شگفتی ، فرزندان یعقوب از اینکه عزیز مصر برادرشان یوسف باشد .

قالوا أءنك لانت يوسف

برادران یوسف علی رغم اطمینانشان بر اینکه عزیز مصر همان یوسف است ، جمله خویش را با استفهام تقریری بیان کردند و از او خواستند که به یافته آنان اقرار کند و این بیانگر استبعاد و شگفتی ایشان است ؛ یعنی ، در عین اطمینان ناباور بودند .

۳ یوسف)

ع) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أَنْتَ لَأَنْتَ يَوْسُفُ قَالَ أَنَا يَوْسُفُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۸، ۹، ۶، ۳

۳ برادران یوسف با سوگند به خداوند به منزلت برتر او اذعان و اعتراف کردند .

تَاللّٰهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا

حرف <تاء> در <تالله> حرف قسم است.

۶ اعتقاد و باور برادران یوسف به خدادادی بودن مقام و منزلت برتر او

لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و اِنْ كُنَّا لَخٰطِئِيْنَ

<اِنْ> در جمله فوق به اصطلاح مخففه از مثقله (اِنَّ) است. دلیل آن حرف <لام> در <لخاطئين> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و اِنْ كُنَّا لَخٰطِئِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار برادران یوسف علیه وی ، گناه بود و بدون آمرزش خداوند عقوبت او را در پی داشت .

يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۲، ۳

۲ فرزندان یعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با یوسف (ع) و بنیامین و یعقوب (ع)، آن را مرتکب می شدند.

قالوا یاأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خطئین

مراد از <ذنوبنا> به قرینه مقام رفتار فرزندان یعقوب با وی و یوسف و بنیامین می باشد.

۳ فرزندان یعقوب از رفتارهای ناروایشان با

یوسف (ع) ، بنیامین و یعقوب (ع) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

يَا بَانَا اسْتَغْفِر لَنَا ذُنُوبَنَا

بردگی همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۷

۷ هم بند نجات یافته یوسف (ع) از زندان ، غلام و برده پادشاه مصر بود .

اذكرني عند ربك فأنسيه الشيطان ذكر ربه

<رب> در <عند ربك> به معنای مالک است و مراد از آن ، به دلیل آیات بعد (آیه ۴۳ و ۴۵) ، پادشاه مصر می باشد.

بردگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۰، ۷

۷ نجات یوسف (ع) از چاه سرآغاز بردگی او

و أسزوه بضعه

بضاعت و کالای تجارتي قرار دادن انسان ، مستلزم برده بودن و یا برده شمردن اوست.

۱۰ کاروانیان بردن یوسف (ع) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسزوه بضعه والله عليم بما يعملون

چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیدا شده امری مجاز و قانونی بود ، مخفی ساختن یوسف(ع) (أسزوه بضاعه) وجهی نداشت.

برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ رؤیای یوسف (ع) حاکی از برگزیده شدنش از ناحیه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و کذلک یجتبیک ربک

<اجتباء> به معنای گزینش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراین <یجتبیک ربک> یعنی ، پروردگارت تو را برمی گزیند و برای خویش خالص می گرداند ، به طوری

که نصیبی در تو برای غیر او نخواهد بود.

۲ برگزیده شدن یوسف (ع) از جانب خداوند، بشارت یعقوب (ع) به یوسف

و كذلك یجتیبك ربك

۵ آینده یوسف (ع) و برگزیده شدنش، بر آن منوالی بود که در خواب دیده بود.

كذلك یجتیبك ربك

برنامه ریزی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ یوسف (ع) در سال های قحطی، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد.

و لما جهزهم بجهازهم .. فان لم تأتونی به فلا کیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فان لم تأتونی به...> (اگر در سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۹

۹ طرح و نقشه یوسف (ع) برای مسافرت بنیامین از کنعان به مصر

فان لم تأتونی به فلا کیل لکم .. اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

بشارت به مادر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) به پدر و مادر و بستگانش

نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی درامان خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله آمین

<آمن> (مصدر آمین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت ، دغدغه معاش نداشتن و درامان بودن از ناحیه حکومت است.

بشارت به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۰، ۷، ۲

۲ برگزیده شدن یوسف (ع) از جانب خداوند ، بشارت یعقوب (ع) به یوسف

و کذلک یجتیک ربک

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و کذلک ... یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیایها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ؛ یعنی، آن واقعت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۱۰ کامل شدن نعمت الهی بر یوسف و خاندان یعقوب ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) .

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

بشارت دهنده

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) قال: ... > فلما أن جاء البشير < و هو يهودا إبنه ... >

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: ... > فلما أن جاء البشير < و آن بشیر ، یهودا فرزند یعقوب بود ... >.

بشارت دهنده یوسف(ع)

۱ حامل پیراهن یوسف (ع) به عنوان پیکی مژده رسان پیش از دیگر افراد کاروان به حضور یعقوب (ع) رسید .

فلما أن جاء البشير

>بشیر< به معنای اسم فاعل (مبشّر) به کسی گفته می شود که پیامی مسرت بخش را ابلاغ می کند. گفتنی است چنان چه >بشیر< همراه دیگر فرزندان به حضور یعقوب(ع) رسیده بود، مناسب تر آن بود که جمله به این صورت بیان می شد: >فلما أن جاءوا ألقاه البشير على وجهه<. بنابراین جمله >فلما أن جاء البشير< ظهور در این دارد که مژده رسان پیش از دیگران آمده بود.

۲ پیک فرزندان یعقوب زنده بودن یوسف (ع) و همراه داشتن پیراهن وی را به یعقوب (ع) بشارت داد .

فلما أن جاء البشير

مصادق مورد نظر برای بشارت و خیرت مسرت بخش به مناسبت مورد خیر از حیات یوسف(ع)، سلطنت او و نیز به همراه داشتن پیراهن معجزه آسای وی است. قابل ذکر است که جمله >اذهبوا بقمیصی< در آیه ۹۳ می رساند که >بشیر< یکی از همان برادران

یوسف بوده نه شخصی دیگر.

۳ افکندن پیراهن یوسف (ع) بر چهره یعقوب (ع) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب (ع)

فلما أن جاء البشير ألقیه علی وجهه

جمله <ألقاه ..> جواب برای <فلما أن جاء البشير> است و لذا دلالت می کند به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

بشارت نجات به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۸

۸ خداوند یوسف (ع) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحینا إلیه لتنبئنه بامرهم هذا

جمله <لتنبئنه> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

بشارتهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم یعنی،

مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) برادرانش را به آمرزش خدا و شمول رحمتش بر آنان نوید داد .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

برداشت فوق بر این اساس است که <یغفر الله ..> جمله ای خبری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی درامان خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

<آمن> (مصدر آمین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت ، دغدغه معاش نداشتن و درامان بودن از ناحیه حکومت است.

بلوغ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۲

۳۲ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما راهق یوسف راوده ته إمرأه الملك عن نفسه . . . ;

از امام سجاده(ع) روایت شده است: .. چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت ، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد ...< .

بنیامین در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

بنیامین و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۶

۶ تأسف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

بنیامین و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱

۱ از میان برادران یوسف، بنیامین برادر پدری و مادری یوسف (ع) و سایرین، برادران پدری او بودند.

إذ قالوا ليوסף و أخوه

فرزندان یعقوب، بنیامین را برادر یوسف می خواندند، با اینکه وی نیز فرزند یعقوب(ع) و با آنان برادر بود (لیوسف و أخوه).

این تعبیر می رساند که ارتباط اخوت میان یوسف(ع) و بنیامین قوی تر از ارتباط اخوت وی با دیگر فرزندان یعقوب می باشد

یعنی، بنیامین برادر پدر و مادری یوسف(ع) و با سایر برادران، برادر پدری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۴

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر، برادر ناپدید شده وی (یوسف (ع)) باشد، ناباور بود.

إني أنا أخوك

تأکید حکم در جمله <إني أنا أخوك> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إنَّ> و ضمیر فصل (أنا)

گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۶

۶ بنیامین و یوسف (ع) دو فرزند یعقوب (ع) از یک مادر

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۳

۳ بنیامین برخورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف (ع) شرح داده بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

بی رغبتی به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۳،۴،۹

۳ کاروانیان یابنده یوسف (ع) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شروه .. و كانوا فیه من الزهدين

<زهدي> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. ازاین رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف (ع) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمان بخص .. و كانوا فیه

جمله <و كانوا ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمان بخس> است ؛ یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری] یوسف (ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند .

۹ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما أخرجوه أقبل إليهم إخوه يوسف فقالوا هذا عبدنا . . . أمنكم من يشتري هذا العبد؟ فاشتره رجل منهم بعشرين درهماً و كان إخوته فيه من الزاهدين . . . ؛

از امام سجاد (ع) روایت شده است: . . . هنگامی که کاروانیان یوسف را از چاه درآوردند، برادران او به نزد آنان رفتند و گفتند: این برده ماست ... آیا از شما کسی هست که این برده را بخرد؟ پس مردی از آنان او را به بیست درهم خرید و برادران وی به او بی رغبت بودند .

بی گناهی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۸،۱۴

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف (ع) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلى ربك فستله ما بال النسوة اللتي قطعن أيديهنّ

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۴

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست

کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مرادده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۳

۳ یوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهی بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملك ائتونی به .. فلما کلمه

اتصال جمله <فلما کلمه> به <ائتونی به> و نیارودن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

بی نظیری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۷

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

بیان قصه یوسف(ع) برای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ یوسف (ع) پس از ورود خاندانش به مصر ، خلاصه

ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد .

يَأْتِ . . . قَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَ جَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ

بینات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۳،۵،۱۹

۳ - یوسف (ع) ارائه دهنده دلایل روشن و بی ابهام ، بر رسالت خویش برای مردم مصر

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت

۵ - شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت) .

لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت فما زلتم في شك مما جاءكم به

۱۹ - > عن محمد بن مسلم قال : قلت لأبي جعفر (ع) . . . كان يوسف رسولاً نبياً؟ قال : نعم أما تسمع قول الله تعالى : > و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات < ;

از محمد بن مسلم نقل شده که گفت : به امام باقر(ع) عرض کردم : .. آیا یوسف(ع) دارای رسالت و نبوت بود؟ حضرت فرمود: آری آیا نشنیده ای سخن خدای تعالی را [که فرمود]: و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات < .

بینش همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نريك من المحسنين

بینش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است.

رأيتهم لی سجدين

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸

۲۸ یوسف (ع)، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را، مصداقی از ستم کاری می دانست.

إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۸، ۱۹، ۱۰، ۳، ۲

۲ زندانی شدن و خوار گشتن، محبوب تر از گناه و معصیت، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إليّ مما يدعونني إليه

۳ رنج و محنت در راستای اطاعت خدا و حفظ حریم عفت، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إليّ مما يدعونني إليه

۱۰ یوسف (ع) بدون امداد الهی، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید.

و إلاّ تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

۱۸ یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را، سقوط به ورطه

سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلا تصرف .. أصب إيهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

۱۹ یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکماً و علماً .. و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إيهنّ و أكن من الجهلين

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتینه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری ها و مشکلات ، در بینش یوسف (ع)

فلما جاءه الرسول قال ارجع إلی ربك فسنله ما بال النسوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۲

۲ یوسف (ع) از این اندیشه که امور خویش را خود بدون عنایت الهی تدبیر کند ، مبرّا و منزّه بود .

و ما أبرئ نفسي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۵

۵ یوسف (ع) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی

و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ یوسف (ع) تحقق امور را به مشیت خداوند می دانست و در عین قدرت و مکت ، به او اتکا داشت .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

پاداش احسان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۹

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و كذلك نجزی المحسنین

<جزاء> (مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

پاداش اخروی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض .. و لانضیع أجر المحسنین . و لأجر الآخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و كذلك مکنا لیوسف .. و لأجر الآخره خیر للذین ءامنوا و كانوا یتقون

پاداش دنیوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و كذلك مکتنا لیوسف فی

الأرض ... و لانضيع أجر المحسنين. و لأجر الأخره خير ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و كذلك مکنّا لیوسف .. و لأجر الأخره خير للذین ءامنوا و کانوا یتقون

پاداش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷

۱۷ دستیابی یوسف (ع) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

كذلك مکنّا .. نصیب برحمتنا ... و لانضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوای پیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنين

پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر *

اثنونی به أستخلصه .. قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف)

ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فَأَنْسِيهِ الشَّيْطَانَ ذَكَرَ رَبَّهُ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بضع سنين

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ؛ یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض .. و كذلك مكننا ليوسف في الأرض

پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

وقال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳،۴

۳ بازجویی پادشاه

از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فَسئله ما بال النسوه . . . قال ما خطبكنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبكنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبكنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلك ليعلم أني لم أكنه .. و قال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسي> ؛ یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره

امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

پارگی پیراهن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۷

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف (ع) ، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد .

و قدت قمیصه من دبر

<قَدَّ> (مصدر قَدَّت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی و سراسری است (لسان العرب) ؛ یعنی ، آن گاه گفته می شود <قَدَّ القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱، ۱۲، ۱۰

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قمیصه قُدَّ من قُبَل فصدقت و هو من الكذبین

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ من قُبَل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می

طلبید - برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱،۲

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

و إن كان .. و هو من الصدقین

۲ پاره شدن پیراهن یوسف (ع) محور و تکیه گاه کشف حقیقت، در نظر داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

و شهد شاهد .. و هو من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱،۲،۴

۱ عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبر

ظاهر این است که ضمیر در <رأی> به عزیز مصر برگردد.

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع)، به صداقت او پی برد .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبر قال إنه من کیدکن

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داور ماجرای یوسف و زلیخا را، برای رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبر قال إنه من کیدکن

پایان فراق یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - يوسف - ١٢ - ٩٩ - ٦

٦ يعقوب (ع) و

خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف (ع) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف (ع) پایان یافت .

فلما دخلوا علی یوسف

پدر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند .

واتبعت مله اباؤی ابرهیم و اسحق و یعقوب

پرسش از فضایل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربك علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسائلین

پرسش از قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۳

۳ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره سرگذشت یوسف (ع)

لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسائلین

پرسش از کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۲

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا .. ماذا تفقدون

پیراهن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۶

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) را آشکار کردند

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب (ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۲۰، ۶

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف (ع)، از پشت پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۲۰ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . فغلقت الأبواب علیها و علیه و قالت : لاتخف و ألفت نفس ها علیه فأفلت منها هارباً إلى الباب ففتحه فلحقته فجدبت قمیصه من خلفه . . . ;

از امام سجاد (ع) روایت شده است: . . . [همسر عزیز] درها را به روی خود و یوسف بست و گفت: نترس و خود را به روی او انداخت. یوسف از چنگ او نجات یافت و به طرف در فرار کرد و در را باز کرد؛ پس آن زن به او رسید و پیراهن او را از پشت او کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلك سوء بل هی راودتنی عن

نفسی فسل هذا الصبی . . . و کان عندها من أهلها صبی زائر لها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : . . . انظر إلی قمیص یوسف . . .

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودک بپرس کودکی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود پس خدا آن کودک را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: . . . به پیراهن یوسف نگاه کن . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۲، ۴، ۱، ۲

۱ یوسف (ع) ، برادرانش را با پیراهنی خاص از خویش روانه کنعان کرد .

اذهبوا بقمیصی هذا

کلمه <هذا> گویای آن است که یوسف (ع) پیراهن خاصی را به برادرانش سپرد تا به کنعان ببرند.

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیراً

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد؛ یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۴ یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا . . .

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه> یعنی ، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۱۲ > عن أبي جعفر (ع) [في قوله تعالى] : < قال ... إذهبوا بقميصي هذا > الذي بلّته دموع عيني ... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای تعالی: <قال... إذهبوا بقميصي هذا> روایت شده: پیراهنی که اشک های چشم آن را تر کرده است ، [با خود ببرید]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال : ... ان ابراهيم لما أوقدت له النار أتاه جبرئيل (ع) بثوب من ثياب الجنة ... فلما حضر ابراهيم الموت جعله في تميمه و علّقه إسحاق على يعقوب ، فلما ولد يوسف (ع) علّقه عليه فكان في عضده ... فلما أخرج يوسف بمصر من التميمه وجد يعقوب ريحه و هو قوله : < إني لأجد ريح يوسف ... > فهو ذلك القميص الذي أنزله الله من الجنة ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را]

بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إني لأجد ريح يوسف...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۵۸، ۴، ۳

۳ افکندن پیراهن یوسف (ع) بر چهره یعقوب (ع) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب (ع)

فلما أن جاء البشير ألقیه علی وجهه

جمله <ألقاه...> جواب برای <فلما أن جاء البشير> است و لذا دلالت می کند به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن، فروغ گرفت و بینایش بازگشت.

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: ۱\$ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش، تحقق یافت.

اذهبوا بقمیصی هذا فآلقوه علی وجهه أبی یأت بصیرًا .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و

مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقی> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقيه علی وجهه فارتد بصیرًا

پیشگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف (ع) از آینده و آگاهی او به غیب

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

مفاد <قضى الأمر...> تأویل و تفسیر رؤیای هم بندان یوسف نیست؛ بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی، مصر و اطراف آن (کنعانو...) را فرا گرفت.

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

تأثیر فراق یوسف(ع) در یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع)، موجب نابینایی هر دو چشم او شد.

وایبضت عیناه من الحزن

<ایبضاض> مصدر باب افعال از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

تأخیر در قبول خواسته یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ > عن رسول الله (ص) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولآه من ساعتہ و لکنه آخر ذلک سنه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می دادم ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد.

تبری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۲

۲ یوسف (ع) در نزد عزیز مصر، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرا دانست.

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیهایی نظیر <هی رودتنی> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف(ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می

شود او از جمله <هی رودتنی> معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین <هی راودتنی> یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) در زندان مصر، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را، ابراز داشت.

إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخره هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد.

إن ربي بكيدهنّ عليم

تبعيد يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۸،۹

۸ برادران یوسف، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند.

اقتلوا يوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تكونوا من بعده قومًا صلحين

مراد از صلاح در <قوماً صالحين> صلاح امور دنیوی است؛ زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تكونوا> عطف بر <يخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تكونوا...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف، بر آن بودند که

پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف . . . و تکونوا من بعده قومًا صالحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

تبلیغ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲،۱۵

۲ یوسف (ع) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نریک من المحسنین .. ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله

۱۵ یوسف (ع) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندگان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم .. هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱

۱ یوسف (ع) با اظهار مهربانی و ملاطفت به هم بندگان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۱

۱ یوسف (ع)

(، پس از ارشاد هم بندگان خویش به توحید و یکتاپرستی ، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت .

يصحبي السجن أما أحد كما فيسقى ربه خمراً

تحريك عواطف يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۲

۲ فرزندان یعقوب با تحريك عواطف يوسف (ع) در صدد جلب رضایت او برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قالوا یا ایها العزيز إن له أبا شیخا کبیرا

تحقق پیشگویی يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۵

۵ پیشگویی يوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه أبی یأت بصیرا .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب (ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقى> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب (ع) دانسته اند.

تحقق تعبیر رؤیای يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۵،۶

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر يوسف (ع) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

و قال للذی ظن أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذی> باز گردد و محتمل است به يوسف (ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس

احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذی...> چنین می شود: یوسف(ع) به

ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف (ع) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنسأه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنسأه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

تحقق دورانیشی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۸

۸ حدس و پیش بینی یوسف (ع) (تقویت عزم برادرانش برای آمدن به مصر با مشاهده بهای باز گردانده شده) حدسی صائب و نظری بجا بود .

لعلهم یعرفونها .. لعلهم یرجعون ... ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا و نمیر أهلن

تحقق رؤیای همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۶

۶ تعبیر یوسف (ع) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنسأه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنسأه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که

وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

تحقق رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، رؤیای یوسف را عینیت بخشید و حقیقت آن را در صحنه وجود ظاهر ساخت .

هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقاً

رؤیا اگر صادق باشد و با آنچه تحقق می یابد موافق و مطابق باشد ، رؤیای حق نامیده می شود. بنابراین مفاد جمله >قد جعلها ربی حقاً< این است که خداوند چنان کرد که رؤیای گذشته من با آنچه واقع شد ، مطابق باشد.

تخت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲

۲ یوسف (ع) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه علی العرش

تدبیر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱،۳

۱ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه فی رحل أخيه

۳ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه فی رحل أخيه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴،۲۱

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ،

کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

كذلك كدنا ليوسف

۲۱ موفقیت یوسف (ع) در طرح و اجرای نقشه برای ننگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تروی

كذلك كدنا ليوسف . . . نرفع درجت من نشاء و فوق كل ذي علم عليم

مصدق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

تذکر به چاه انداختن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱

۱ عزیز مصر در پی مشاهده ذلت فرزندان یعقوب ، داستان رها کردن یوسف (ع) در چاه کنعان را به آنان یادآوری کرد .

قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه

مراد از <ما فعلتم بيوسف> و یا مصداق مورد نظر از آن، داستان رهاسازی یوسف(ع) در چاه کنعان است. گویا این یادآوری همان است که خداوند در آیه ۱۵ از همین سوره بیان داشت، بدین مضمون که همانا این واقعه (داستان چاه) را در آینده به آنان گزارش خواهی کرد، در حالی که متوجه نیستند (تو را نمی شناسند).

ترس از طعمه گرگ شدن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۹

۹ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال یعقوب (ع) < إني ليحزنني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب > فانترعه حذراً عليه من أن تكون البلوى من الله عزوجل علی یعقوب فی يوسف خاصه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: .

.. یعقوب [به فرزندان] گفت: <بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد> / پس یوسف را از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلایی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد.<

تشویق به تدبیر در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۲

۲ خداوند ، انسان ها را به تأمل در سرگذشت یوسف (ع) و برادرانش ترغیب کرده است .

لقد كان في يوسف و إخوته آيات للسائلين

حرف لام در <لقد> نشانه قسم مقدر و <قد> نیز برای تأکید است. هدف از تأکید و سوگند خداوند بر اینکه در داستان یوسف و برادرانش آیاتی برای پرسش کنندگان است ، ترغیب انسانها به تأمل در آن داستان می باشد.

تشویقهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۹

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

اثتونی بأخ لكم من أياكم ألا ترون أني أوفى الكيل و أنا خير المتزئين

جمله <ألا- ترون ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <اثتونی بأخ لكم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۴

۴ استفاده یوسف (ع) از روش ترغیب

به همراه تهدید برای رسیدن به مقصود خویش

ألا ترون أنى أوفى الكيل . . . فإن لم تأتوني به فلا كيل لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۷

۷ یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم يرجعون

تصلیب همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵

۵ یوسف (ع) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضى الأمر...> ؛ یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

تصميم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ > عن الرضا (ع) : . . . و أما قوله عزوجل فى يوسف : > و لقد همّت به و همّ بها < فإنها همّت بالمعصية و همّ يوسف بقتلها إن أجبرته . . . فصرف الله عنه قتلها و

الفاحشه و هو قوله عزوجل : < كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء > یعنی القتل والزنا ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: ... قول خدای عزوجل درباره یوسف که فرموده: < و لقد هممت به و هم بها > مقصود این است که آن زن قصد معصیت کرد و یوسف قصد کرد که اگر بانو وی را مجبور به گناه کند، او را بکشد ... پس خداوند، قتل و عمل خلاف عفت را از او بگردانید و این است سخن خدای عزوجل: < كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء > ; یعنی، قتل و زنا ...< .

تعالیم قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد كان في يوسف و إخوته آيات للسائلين

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ > عن أبي عبدالله (ع) : التقيه من دين الله ... لقد قال يوسف < أيتها العير إنكم لسارقون > والله ما كانوا سرقوا شيئاً ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: تقيه از دین خداست .. به تحقیق یوسف گفت:

>أيتها العير إنكم لسارقون< [ولی] به خدا سوگند چیزی را ندزدیده بودند...<.

۱۲ > عن أبي عبدالله (ع) : قال رسول الله (ص) : لا كذب على مصلح ثم تلا : > أيتها العير إنكم لسارقون < ثم قال : والله ما سرقوا و ما كذب ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: رسول خدا(ص) فرمود: دروغ برای کسی که قصد اصلاح دارد نیست. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: >أيتها العير إنكم لسارقون< ; سپس فرمود: به خدا سوگند کاروانیان دزدی نکرده بودند و [اعلام کننده نیز [دروغ نگفت...<.

تعالیم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۳

۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندگان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که >این دانش را پروردگارم به من آموخته است< آن است که: هم بندگان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف >کما< در >ذلکما< مؤید این هدف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم .. أن الله لایهدی کید الخائنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۴

۱۴ یوسف

(ع) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهی، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت.

يغفر الله لكم و هو ارحم الراحمين

جمله <و هو ..> حالیه است و به منزله تعلیل برای <یغفر الله> می باشد؛ یعنی، چون <ارحم الراحمین> است، گناه شما را می بخشاید. قابل ذکر است که یوسف با یادآوری این صفت خداوند، پس از گذشت از گناه برادرانش، به این نکته اشاره می کند که: من از شما درگذشتم پس او که از همه از من و غیر من مهربان تر است، بی هیچ تردید از شما خواهد گذشت.

تعبیر رؤیای همبندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷

۷ هم بندان یوسف (ع)، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند.

تَبْنَا بَتَّوِيلَه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۱،۷

۱ یوسف (ع)، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت.

يُصْحَبِي السَّجْنَ اَمَّا اَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رِبَهَ خَمْرًا

۷ هم بندان زندانی یوسف (ع)، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد.

قَضَى الْأَمْرَ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیان> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و گویای اصرار و تقاضای مکرر هم بندان یوسف (ع) است.

تعبیر رؤیای یوسف (ع)

جلد - نام سوره -

۹ > عن أبي جعفر (ع): ... تأويل هذه الرؤيا أنه سيملك مصر و يدخل عليه أبواه و إخوته أما الشمس فأم يوسف راحيل و القمر يعقوب و أما أحد عشر كوكباً فإخوته فلما دخلوا عليه سجدوا شكراً لله و حده حين نظروا إليه ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده: تأویل این خواب یوسف این است که او به زودی بر مصر پادشاهی خواهد کرد و پدر و مادر و برادرانش بر او وارد می شوند ؛ اما خورشید مادر یوسف <راحیل> و ماه <یعقوب> و یازده ستاره <برادران او> هستند. پس هنگامی که بر او وارد شدند و به او نظر افکندند برای خدا سجده شکر کردند ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ رؤیای یوسف گویای آن بود که به مقامی رفیع نایل خواهد شد و بر برادرانش سیادت خواهد یافت .

يَبْنِي لَاتَقْصَصْ رِءْيَاكَ عَلٰى اِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا

از اینکه برادران یوسف در صورت شنیدن رؤیایش در صدد ضربه زدن به او برمی آمدند ، دو نکته روشن می شود: ۱ رتبه و منزلت والای یوسف(ع) ؛ ۲- آشنایی برادران او به تعبیر و تأویل رؤیا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ رؤیای یوسف (ع) حاکی از برگزیده شدنش از ناحیه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و كذلك يجتبيك ربك

<اجتباء> به معنای گزینش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراین <يجتبيك

ربك > یعنی ، پروردگارت تو را برمی گزیند و برای خویش خالص می گرداند ، به طوری که نصیبی در تو برای غیر او نخواهد بود.

۵ آینده یوسف (ع) و برگزیده شدنش ، بر آن منوالی بود که در خواب دیده بود .

كذلك يجتبيك ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۹

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال يأبت هذا تأويل رءى من قبل قد جعلها ربى حقاً

تأویل رؤیا > یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

تعدد بینات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۴

۴ - دعوت یوسف پیامبر ، متکی بر دلایل متعدد و روشن بود .

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت

تعدد درهای کاخ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۳

۳ دربار یوسف (ع) ، دارای دربهایی متعدد برای ورود و خروج مراجعه کنندگان *

لاتدخلوا من باب واحد وادخلوا من أبواب متفرقة

در اینکه مراد از مفعول <ادخلوا> چیست ، آیا مصر است و یا بارگاه یوسف؟ دو نظر ابراز شده است. برداشت فوق ناظر به

احتمال دوم است. قابل ذکر است که تکرار <لما دخلوا> در آیه ۶۹ مؤید احتمال اول می باشد.

تعلیم یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

يجتبيك ربك .. إن ربك عليم حكيم

تعلیم تعبیر رؤیا به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت .. واتبعت مله ءابائی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

تعلیم علم غیب به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت .. واتبعت مله ءابائی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

تعهد یوسف(ع)

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۷

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعيم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کار گزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

تفضل به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۹

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف (ع) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن يجعلوه في غيب الجب و أوحينا إليه

تقصیر در محافظت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۵

۵ برادران یوسف در داستان ساختگی خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) ناخواسته به کوتاهی در حراست از یوسف (ع) اعتراف کردند .

إنا له لحفظون .. ذهبنا نستبق ... فأكله الذئب

تقوای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵، ۱۶

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی، انسانی موحد، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود.

معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف (ع) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا .. قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۹،۱۱

۹ یوسف (ع) نمونه ای بارز از مؤمنان تقوایبشه و باورداران به سرای آخرت

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و كانوا یتقون

از مصداقهای مورد نظر برای <الذین آمنوا...> به قرینه آیات قبل ، یوسف(ع) است.

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و كذلك مکنا لیوسف .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و كانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوایبشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

تقیه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ > عن أبی عبدالله (ع) : التقیه من دین الله ... لقد قال یوسف < أیتها العیر إنکم لسارقون > والله ما كانوا سرقوا شیئاً ...

;

از امام صادق(ع) روایت شده است: تقیه از دین خداست .. به تحقیق یوسف گفت: <أیتها العیر إنکم لسارقون> [ولی] به خدا سوگند چیزی را ندزدیده بودند ...<

تکذیب توطئه علیه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۵

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند

ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ يوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا عليه من سوء

تلاش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلك ليعلم .. أن الله لا يهدي كيد الخائنين

تنزیه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۲

۲ یوسف (ع) از این اندیشه که امور خویش را خود بدون عنایت الهی تدبیر کند ، مبرّا و منزّه بود .

و ما أُبرِّءُ نفسي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزّه بودن از کینه توزی و حس انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

تواضع یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۸

۸ یوسف (ع) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی ، رحمت او را مایه ترک گناهان و بدی ها دانست و خود را ستایش نکرد

و ما أْبْرَأُ نَفْسِي إِنْ النَّفْسُ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

توحید افعالی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱،۲

۱ یوسف (ع) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می

دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفیق الهی .

أنى لم أأخنه .. و ما أُبرِّئُ نفسى إن النفس لأُماره بالسوء إلا ما رحم ربي

از ارتباط <ما أُبرِّئُ نفسى> (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم) با جمله <لم أأخنه بالغیب> و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف(ع) (حاشا لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف(ع) با جمله <ما أُبرِّئُ نفسى> درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام؛ بلکه با توجه به عبارت <إلا ما رحم ربي> در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است؛ زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

۲ یوسف (ع) از این اندیشه که امور خویش را خود بدون عنایت الهی تدبیر کند، مبرا و منزله بود .

و ما أُبرِّئُ نفسى

توحید در دین یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ توحید ، روح و رکن اصیل آیین ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع)

واتبع ملة اباى ابراهيم .. ما كان لنا ان نشرك بالله من شىء

جمله <ما كان لنا ..> توصیف <ملة اباى ...> می باشد. تفسیر و تبیین یک آیین به یکی از حقایق آن ، می رساند که حقیقت یاد شده رکن و پایه اصلی آن آیین است.

توحید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵، ۱۶

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی، انسانی موحد، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود.

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوی

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف (ع)، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او، جلوه‌هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود.

ءاتینه حکماً و علماً .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۹، ۱۶

۹ یوسف (ع) و پدرانش ابراهیم، اسحاق، یعقوب (ع)، موحدانی مبرا از کمترین شرک‌ورزی به خدا

ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء

۱۶ اعتقاد ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرک‌ورزی، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود.

ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء ذلك من فضل الله علينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۸

۱۸ یوسف (ع)، معتقد به توحید افعالی، و انسانی قدرشناس و سپاسگزار در برابر نعمت‌های الهی

قد جعلها ربی حقاً و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بكم من البدو

توصیه به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۳

٢٣ > عن علي بن الحسين (ع) .:

.. فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها على أبيه يعقوب ... فقال يعقوب ليوسف : لا تقصص رؤياك هذه على إخوتك ...
فلم يكتف يوسف رؤياه فقصّها على إخوته ... ;

از امام سجاده (ع) روایت شده ... هنگامی که یوسف آن خواب را دید و بامداد برای پدرش یعقوب بازگو کرد ... یعقوب به یوسف گفت: این خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن ... یوسف خواب خود را پوشیده نداشت و برای برادرانش بازگو کرد ... <

توصیه های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۸

۸ هفت سال تلاش برای تولید غله ، ذخیره سازی غله ها با خوشه های آن ، صرفه جویی در مصرف ، توصیه های یوسف (ع) به مردم مصر برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت ساله قحطی و خشکسالی

قال تزرعون سبع سنين دأباً

برخی برآنند که رؤیای پادشاه اشاره ای به دستورالعملها و چاره اندیشیها ندارد و تدبیرهایی که یوسف (ع) بیان داشته و دستوراتی که صادر کرده از دانشی خدادادی او بوده و ارتباطی به رؤیای پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس این نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۴

۴ باقی گذاشتن مقداری از ذخیره های هفت ساله و مصرف نکردن همه آنها در دوران قحطی ، توصیه یوسف (ع) به عهده داران حکومت مصر

یا کلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قليلاً مما تحصنون

<احصان> (مصدر تحصنون) به معنای قرار دادن چیزی در محلی امن است. بنابراین حاصل معنای

>إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ< چنین است: مقداری از آنچه را در انبارها ذخیره می کنید در دوران قحطی نخورید. حکمت این امر احتمالاً دارا بودن بذر است برای کشت در سال پانزدهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۳

۳ یوسف (ع) به کارگزارانش توصیه کرد سرمایه فرزندان یعقوب را به گونه ای در اثاثیه آنان جاسازی کنند که تا رسیدن به وطنشان متوجه آن نشوند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها إذا انقلبوا إلی أهلهم

توطئه به چاه انداختن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۶،۷

۶ برادران یوسف پس از همراه بردن او ، همگی خود را برای نهادن وی در نهانخانه چاه ، مهیا ساختند .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه فی غیبت الجب

در برداشت فوق <اجماع> به معنای تصمیم گرفتن و مهیای انجام کار شدن گرفته شده است. قابل ذکر است که آیات پیشین (۹، ۱۰ و ۱۱) مؤید این معنا می باشد.

۷ صحنه نهادن یوسف در چاه به دست برادرانش ، صحنه ای بس فجیع و اندوه بار بود .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه فی غیبت الجب

<لما> حرف شرط است و جواب آن در آیه شریفه ذکر نشده است. هدف از نیاوردن جواب، تفهیم فجیع بودن و اندوه بار بودن اموری است که هنگام قرار دادن یوسف در چاه پیش آمد / یعنی، آن گاه که برادران یوسف مصمم شدند او را در چاه قرار دهند، اموری واقع شد که طاقت شنیدنش را ندارد.

توطئه

تبعید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۲

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً

جمله <اقتلوا یوسف..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲ اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کتتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب .. . اقتلوا یوسف

توطئه علیه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً

جمله <اقتلوا یوسف..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲ اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کتتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با

هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۲،۳

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت.

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود.

لا تقتلوا يوسف و ألقوه فی غیبت الجب .. إن کنتم فعلین

جمله شرطی <إن کنتم فاعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف (ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود؛ یعنی، <إن کنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند.

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جَبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جَبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۲،۴

۲ یعقوب (ع) همواره از کید فرزندانش علیه یوسف (ع) نگران بود .

يَا بَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ

۴ بردن یوسف (ع) از نزد یعقوب (ع) ، مشکل اساسی برادران یوسف در اجرای توطئه علیه او

قَالُوا يَا بَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۶

۱ فرزندان یعقوب ، پس از طرح توطئه علیه یوسف (ع) از او خواستند تا یوسف (ع) را همراه آنان به مرتع بفرستد .

أرسله معنا غداً

۲ برادران یوسف ، زمان اجرای توطئه علیه او را ، فردای همان روز مشورت با یکدیگر و گفت و گو با پدرشان تعیین کردند .

إِذْ قَالُوا .. قَالُوا يَا بَانَا ... أرسله معنا غداً

۳ برادران یوسف در اجرای نقشه شوم خویش علیه او ، تعجیل داشتند و درنگ را روا نمی دانستند .

أرسله معنا غداً

برداشت فوق، از تصریح برادران او به اینکه <فردا یوسف(ع) را به همراه ما بفرست> استفاده می شود.

۶ یوسف (ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است .

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

برداشت فوق ، از فعل <یلعب> (بازی کند) به دست می آید ؛ زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۵،۶

۵ برادران یوسف در

توطئه علیه او ، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند .

و ألقوه فی غیبت الجب .. و أجمعوا أن يجعلوه فی غیبت الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند ، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

۶ برادران یوسف پس از همراه بردن او ، همگی خود را برای نهادن وی در نهانخانه چاه ، مهیا ساختند .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه فی غیبت الجب

در برداشت فوق <اجماع> به معنای تصمیم گرفتن و مهیای انجام کار شدن گرفته شده است. قابل ذکر است که آیات پیشین (۹، ۱۰ و ۱۱) مؤید این معنا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۸،۹

۸ اطمینان یعقوب (ع) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف (ع)

بل سؤلت لکم أنفسکم أمراً

کلمه <بل> می رساند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت و جمله <سؤلت لکم ..> بیانگر این نکته است که او به توطئه آنان علیه یوسف(ع) اطمینان پیدا کرد.

۹ یعقوب (ع) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را ، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف (ع) دانست .

بل سؤلت لکم أنفسکم أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۴،۵،۴

۱ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و واداشتن او به آمیزش ، درصدد برآمد تا با

وی در آویزد .

واستبقا الباب

۴ زلیخا برای دستیابی به یوسف (ع) و جلوگیری از خروج وی ، به تعقیب او پرداخت و با سرعت به سمت درب خروجی دوید .

واستبقا الباب

۵ یوسف (ع) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود ؛ یعنی ، او با آوردن <أهلك> در صدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف (ع) بود.

توطئه قتل یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۲

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

جمله <اقتلوا یوسف..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲ اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کتتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود و لذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب .. اقتلوا یوسف

توفیق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱

۱ یوسف (ع) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفیق الهی .

أني لم أخنه .. و ما أبرء نفسي إن النفس لأمارة بالسوء إلا ما رحم ربي

از ارتباط < ما أبرء نفسي > (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم) با جمله < لم أخنه بالغیب > و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف(ع) (حاشا لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف(ع) با جمله < ما أبرء نفسي > درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام؛ بلکه با توجه به عبارت < إلا ما رحم ربي > در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است؛ زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

توقعات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۵

۵ یوسف (ع) امید داشت برادرانش بضاعت های برگردانده شده به آنان را به هنگام رسیدن به وطنشان باز شناسند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها

روشن است که فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش بضاعت های خود را در آن می یافتند. بنابراین جای < لعل > (شاید و باشد) نبود. از این رو در تفسیر کلمه < لعل > چند وجه ذکر شده است:

۱ اشفاق و ترجی مربوط به قید <إذا انقلبوا> است / یعنی، امید است که پس از رسیدن به اهلشان دریابند نه قبل از آن. ۲ مقصود از شناخت بضاعت شناختن حق آن است / یعنی، شاید حق آن را بشناسند و قدردانی کنند. ۳ لعل به معنای <کی> (تا اینکه) است و معنای ترجی و امید ندارد.

توکل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ یوسف (ع) تحقق امور را به مشیت خداوند می دانست و در عین قدرت و مکتت، به او اتکا داشت .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

تهدید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۸

۸ زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغیرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجنن) است / زیرا یوسف(ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

تهدیدهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۴

۴ استفاده یوسف (ع) از روش ترغیب به همراه تهدید برای رسیدن به مقصود خویش

ألا ترون أنى أوفى الكيل .. فإن لم تأتونی به فلا کیل لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

تهمت به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۱، ۱۲، ۱۵

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش ، عزیز مصر ، یوسف (ع) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و <ما> در جمله فوق نافیه است. بنابراین <ما جزاء...> یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند ، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف (ع)

و ألفیا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر ، یوسف (ع) را به تحقق تجاوز ، متهم نکرد .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

برداشت فوق ، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۴۸

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبر قال إنه من کیدکن

۸ عزیز مصر ، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را ، از

مکر های زلیخا شمرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً .. إنه من كيدك

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در <إنه ..> به معنایی که از <قالت ما جزاء...> در آیه ۲۵ استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۳

۳ گناهکار وانمود کردن یوسف (ع)، از اهداف زندانی ساختن او *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۷، ۱۹

۱۷ زلیخا پیش از جلسه بازجویی و محکمه دادرسی، یوسف (ع) را مجرم معرفی می کرد و به کام جویی از وی متهم می ساخت .

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

برداشت فوق از قید <الآن> استفاده می شود.

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

تهمت های کار گزاران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۵، ۶

۵ کار گزاران یوسف (ع) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند .

جعل السقایه فی رحل أخیه ثم أذن مؤذّن أیتها العیر إنکم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب ، اتهام

سرقه را به آنان اعلام کرد .

ثم أذن مؤذّن أيتها العير إنكم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قافله و شترانی که بار و بنه آنان را حمل می کنند، گفته می شود. این کلمه مرادف کاروان و قافله در فارسی است. <اذان> به معنای اعلام کردن است و <تأذین> مصدر <أذن> به معنای کثرت اعلام می باشد. بنابراین <أذن مؤذّن...> یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

جستجوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۳، ۴، ۶، ۳، ۲

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند .

یبنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۳ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف (ع) و بنیامین امیدوار شد .

یبنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لا تأیسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب(ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف(ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف(ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع)

ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لا تأیسوا من روح الله

۶ یعقوب (ع) مطمئن به یاری و رحمت خداوند در یافتن یوسف و بنیامین

فتحسوا من یوسف و أخیه و لا تأیسوا من روح الله

جلوه و نمود رحمت خداوند در آیه شریفه ، یاری و کمک او در یافتن یوسف و دستیابی به بنیامین است.

۱۳ > عن أبي جعفر (ع) : . . . انه [یعقوب] دعا ربّه فی السحر أن یهبط علیه ملک الموت فهبط علیه . . . قال یعقوب : . . . هل عرض عليك فی الأرواح روح یوسف ؟ فقال : لا فعند ذلك علم أنه حیّ فقال لولده : > اذهبوا فتحسسوا من یوسف . . . < . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید . . . پس او فرود آمد . . . یعقوب گفت: . . . آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: > اذهبوا فتحسسوا من یوسف . . . < . . .

جعله یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۷

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال

نخست است.

جوانمردی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت.

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

۱۲ یوسف (ع)، شخصیتی با گذشت، جوانمرد و بزرگواری

أفتنا .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت، بزرگواری و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به .. فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت، بزرگواری و منزّه بودن از کینه توزی و حس انتقام جویی به هنگام قدرت، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ یوسف (ع)، انسانی با گذشت، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود.

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ یوسف (ع) انسانی با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لا تثریب علیکم

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لا تثریب علیکم

< تثریب > به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

جوانی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶، ۴، ۲

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف (ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف (ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف (ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف (ع) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث

و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد، به مقام نبوت نایل گردید.

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

برداشت فوق، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی، انسانی موحد، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود.

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۶

۶ یوسف (ع)، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی، مصون و معصوم بود.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۶

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف (ع) و داستان مرآده او، در عنفوان جوانی یوسف (ع) بود.

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حباً

جهل به قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲،۵

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلك من أنباء الغيب

<ذلك> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است

؛ یعنی: <ذلك النبأ من أنباء الغيب>.

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت.

و ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما كنت لديهم> (نزد آنان نبود) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

چاه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۵

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع)، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است.

ألقوه في غيب الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱

۱ کاروانی در اطراف چاهی که یوسف (ع) در آن بود، منزل گزیدند و مأمور تهیه آب را به سوی آن چاه روانه کردند.

و جاءت سياره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسی که برای تهیه آب بر سر چاه، نهر و مانند آن می رود، گفته می شود.

چوپانی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ <عن أبي جعفر (ع) :... فقالوا كما حكى الله عزوجل <... أرسله معنا غداً يرتع ويلعب > أي يرعى الغنم ويلعب ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً يرتع

و يلعب < / یعنی، اور ابا

ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند.

حاکمان مصر باستان و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۶،۷

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم .. لیسجنه حتی حین . و دخل معه السجن فیان

حاکمیت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع) بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر، پاداشی بر تقوایبشگی، صبر و نیکوکاری او بود.

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

حجتهای خدا بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۵، ۴، ۲

۲ مشاهده حجت و برهان الهی، تنها مانع یوسف (ع) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و هم بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله <هم بها> به منزله جواب برای <لولا أن...> است؛ یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. <برهان> به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف ربوبیت خداوند و نعمتهای او را مشاهده می کرد (إنه ربی أحسن مثنوی). ب) یوسف(ع) با تمام وجود دریافته بود که گنه کاران و ستمگران، رستگار نمی شوند (إنه لا یفلح الظالمون). ج) او تردیدی نداشت که آمیزش با زلیخا، ظلم و معصیت خداوند است (معاذ الله...).

۴ بهره مندی یوسف (ع) از برهان و حجت الهی (مشاهده ربوبیت خدا و...) عامل عصمت او از ارتکاب گناهان

لولا أن رءا برهن ربه كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

۵ خداوند، با ارائه برهان به یوسف (ع)، او را از آمیزش با زلیخا (زنا

(و نگاه های شهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

۱۴ > عن علی بن الحسین (ع) انه قال : . . . قامت إمرأه العزیز إلى الصنم فألقت علیه ثوباً ، فقال لها یوسف : ما هذا ؟ قالت : استحیی من الصنم أن یرانا فقال لها یوسف : أتستحیین ممّن لا یسمع و لا یبصر . . . و لا أستحیی أنا ممّن خلق الإنسان و علّمه فذلک قوله عزوجل : < لولا أن رأى برهان ربّه > ;

از امام سجّاد(ع) روایت شده که فرمود: همسر عزیز [در خلوتگاهی که برای یوسف ترتیب داده بود] برخاست و پارچه ای بر روی بت افکند. یوسف به او گفت: این کار چیست؟ گفت: من از بت شرم دارم که ما را ببیند. یوسف گفت: آیا تو از کسی که نه می شنود و نه می بیند شرم داری ؛ ولی من از کسی که انسان را خلق کرده و به او علم داده، شرم نکنم؟ این

است سخن خدای عزوجل که فرموده: لولا أن رأی ...>

۱۵ > عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأی یوسف] : انه النبوه المانعه من إرتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبايح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده] روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد.>

۱۶ > عن الرضا (ع) : لقد همّت به و لولا- أن رأی برهان ربّه لهمّ بها کما همّت به ، لکنّه کان معصوماً ، والمعصوم لا یهمّ بذنب ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد ; ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند.>

حسب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۳

۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

حق طلبان و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسانین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین

حرف لام در <للسائین> لام انتفاع است و <للسائین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

حکمت خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائين

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائین> لام انتفاع است و <للسائین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . .) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

حکمت در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصیر جمیل . . . إنه هو العلیم الحکیم

حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۲،۹

۲ یوسف (ع) در

سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ؛ زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتينه حكماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين

<جزاء>(مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ > عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأى یوسف] : انه النبوه المانعه من ارتكاب الفواحش والحكمه الصارفه عن القبایح ؛

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده] روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد<.

حکومت مصر باستان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ نظام حکومتی مصر در زمان عزیز ، نظامی استبدادی و فاقد دستگاه

قضایی مستقل بود .

و لئن لم يفعل . . . لیکوناً من الصغیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما کان لیاخذ أخاه فی دین الملک

حکومت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . . . أنت ولی فی الدنیا و الآخره

حلم یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۹،۱۰

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها...> / یعنی، یوسف (ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۰ یوسف (ع) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فأسرّها يوسف في نفسه و لم يبدها لهم

خائنن به يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان يوسف)

ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لا يهدي كيد الخائنين

مصدق مورد نظر برای <الخائنين> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه ۳۵.

خدا و رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، رؤیای یوسف را عینیت بخشید و حقیقت آن را در صحنه وجود ظاهر ساخت .

هذا تأويل ربي من قبل قد جعلها ربي حقاً

رؤیا اگر صادق باشد و با آنچه تحقق می یابد موافق و مطابق باشد ، رؤیای حق نامیده می شود. بنابراین مفاد جمله <قد جعلها ربي حقاً> این است که خداوند چنان کرد که رؤیای گذشته من با آنچه واقع شد ، مطابق باشد.

خداشناسی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۷

۷ یوسف (ع) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ ، معتقد بودند و بدان باور داشتند .

قد منّ الله علينا .. لقد اشرک الله علينا

خریدار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲

۲ عزیز مصر ، یوسف (ع) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

وقال الذی اشتريه من مصر

<من مصر> محتمل است متعلق به <اشتره> باشد ، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتره> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است

که مراد از <الذی اشتراه>، عزیز مصر است.

خزانه داری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۵۶، ۴، ۵، ۶

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله، منصوب کند.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۴ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبارهای غذایی از حیف و میل شدن، توانا بود.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۵ یوسف (ع) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها، آگاهی کامل داشت.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی .. . علیم

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود، به کار می گیرد و بدان

متعهد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض ... و كذلك مکننا لیوسف فی الأرض

خواسته های کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۲

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

خواسته های همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷

۷ هم بندان یوسف (ع) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

نبئنا بتأویله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱

۱ یوسف (ع) ، تقاضای هم بندان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ .. قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در <تأویله> رؤیای هر یک از هم بندگان یوسف باشد. بر این مبنا جمله <قال لا یأتیکما...> چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان

حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۷

۷ هم بندان زندانی یوسف (ع) ، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیا> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و گویای اصرار و تقاضای مکرر هم بندان یوسف (ع) است.

خواسته های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را برگزینند .

ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۸

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذى ظنّ أنه ناج منهما اذكرنى عند ربك

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسبه الشيطان ذكر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذى> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی

زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶،۷،۸

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف (ع) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فسنله ما بال النسوه .. قال ما خطبکّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۸،۱۶،۱

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت

به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار< این است که امور یاد شده را به من بسیار ۱ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) :... ان یوسف (ع) ... لما دفعته الضروره إلى تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض ... ۱

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>

۱۸ > عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممن ینظرون الزهد و یدعون الناس أن ینکونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف ... أخبرونی این أتم عن ... یوسف النبی (ع) حیث قال لملک مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض ... > فکان من أمره الذی کان أن اختار مملکه الملک و ما حولها إلى الیمن ... فلم نجد أحداً عاب ذلك علیه ... ۱

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند .. فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه

کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۲،۴،۹

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فَأَلْقَوْهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتُ بَصِيرًا

>یأت< در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله >فارتد بصیراً< در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که >یأت< به معنای >می آید< است و >بصیراً< حال می باشد؛ یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۴ یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا .. فَأَلْقَوْهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي

برداشت فوق از حرف >فاء< در >فألقوه< استفاده شده است. >فألقوه<؛ یعنی، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۹ یوسف (ع) از برادران خویش خواست تمام اهل و عیالشان (خاندان یعقوب) را به مصر کوچ دهند .

وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال، از پدر و مادر و خویشانشن خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند.

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا...> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

خودستایی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ > قال سفیان : قلت لأبی عبدالله (ع) یجوز أن یرکب الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطرَّ إلیه ، أما سمعت قول یوسف : > .
..إنی حفیظ علیم <...> ;

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای سخن یوسف را که گفت: <...إنی حفیظ علیم...>.

خون پیراهن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۲۰، ۱۹، ۵، ۴، ۲

۲ برادران یوسف، پیراهن وی را به خونی دروغین (خونی غیر از خون او) آغشته کردند.

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود.

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاء و> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاء و...> یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن

خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند ، به خوبی نشان می داد که خون یوسف نیست .

جاء و علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۱۹ > عن أبي عبدالله (ع) قال لما أوتى بقميص يوسف إلی یعقوب ... کان به نضح من دم ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد .. روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود.<

۲۰ > عن أبي جعفر (ع) فی قوله < و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب > قال : إنهم ذبحوا جدیاً علی قمیصه ؛

از امام باقر(ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: <و جاؤوا ..> فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند.<

خیرخواهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۸

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الكيل و تصدق علينا إن الله یجزی المتصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۶ یوسف (ع) از خداوند خواستار آمرزش خطاها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله <یغفر..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

دادخواهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . . . ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . . .> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أنی لم أحنه...> باشد ؛ یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

دانش اقتصاد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۵

۵ یوسف (ع) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها ، آگاهی کامل داشت .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی . . . علیم

دانش تحلیل حوادث یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كذلك .. يعلمك من تأويل الأحاديث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیایها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ؛ یعنی، آن واقعت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إني رأيت أحد عشر .. كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

يجتبيك ربك .. إن ربك عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

يجتبيك ربك و يعلمك .

.. لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات> ، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و...> باشد که از جمله های <كذلك يجتبيك ربك و...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۹، ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند ، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیایها

و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

۱۶ آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیایها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكنا ليوسف في الأرض و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

۱۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلّمه...> ؛ یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیایها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷، ۱۰، ۹، ۸

۸ یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتني من تأويل الأحاديث

<احاديث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند

رؤیایا باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

علمتني من تأويل الأحاديث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است، استفاده می شود.

۱۰ خداوند، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیاها و حوادث

رب قد .. علمتني من تأويل الأحاديث

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنّت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قد آتيتني من الملك و علمتني .. أنت وليّ في الدنيا و الآخرة

دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷۸،۲۲

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كذلك .. يعلمك من تأويل الأحاديث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا>، یعنی، آن واقیعت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار>، یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۸ رؤیای یوسف، موجب آگاهی یعقوب)

ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد.

ینی رأیت أحد عشر... كذلك یجتیبك ربك و یعلمك من تأویل الأحادیث

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع)، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد.

یجتیبك ربك... إن ربك علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است.

یجتیبك ربك و یعلمك... لقد كان فی یوسف و إخوته آیت للسانین

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و...> باشد که از جمله های <كذلك یجتیبك ربك و...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۹، ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

۱۶ آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیاها، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

۱۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل رخدادها

، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلمه...> یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیایها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷،۱۴

۷ هم بندان یوسف (ع) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ

۱۴ محسن بودن یوسف (ع) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

جمله <إِنَّا نَرَاكَ> تعلیل برای <تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۳، ۱۰، ۱

۱ یوسف (ع) ، تقاضای هم بندان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ .. قَالَ لَأَيُّكُمْ طَعَامٌ تَرْزُقَانَهُ إِلَّا تَبَأْتُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در <تأویله> رؤیای هر یک از هم بندان یوسف باشد. بر این مبنا جمله <قَالَ لَأَيُّكُمْ...> چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

۱۰ آگاهی یوسف (ع) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیایها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف (ع) بود .

ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

<من> در <مما> می تواند برای تبعیض باشد

و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق، بر اساس احتمال نخست است.

۲۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال: لما أمر الملك بحبس يوسف في السجن ألهمه الله علم تأويل الرؤيا... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع)، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت.

يصحبي السجن أما أحدكما فيسقى ربه خمراً

۲ یوسف (ع)، رؤیای < آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب > را به رهایی صاحب رؤیا و ساقی ارباب خویش شدن تعبیر کرد.

أما أحدكما فيسقى ربه خمراً

<سَيِّقِي> (مصدر يسقى) به معنای نوشانیدن و یا اعطای نوشیدنی است. بنابراین <أما أحدكما فيسقى...> ; یعنی: یکی از شما به مالک و ارباب خود شراب خواهد نوشاند و ساقی او خواهد شد.

۳ یوسف (ع)، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد.

و أما الآخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

<صلب> (مصدر يصلب) یعنی، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

۵ یوسف (ع)، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن

را به ایشان گوشزد کرد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضى الأمر...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۴،۵،۶،۳

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذى نجا منهما وادّكر بعد أمّه

<ادّكر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی، <ادّكر> شده است. <أمّه> در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

۵ ساقی پادشاه، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه، اطمینان داشت .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

ترکیب <أنا أنبئكم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف (ع) از تعبیر رؤیاهاست.

۶ ساقی پادشاه مصر، با بیان دانش یوسف (ع)، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أنبئكم>

بتأويله < می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف (ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی ، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلك سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلك> هفت سال آبادانی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شکفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷، ۱۰، ۹، ۸

۸ یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتی من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

علمتی من

تأویل الأحادیث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است ، استفاده می شود.

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد .. علمتني من تأویل الأحادیث

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتيتني من الملك و علمتني .. أنت وليّ في الدنيا و الآخره

دانش کشاورزی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۵،۶

۵ یوسف (ع) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها ، آگاهی کامل داشت .

قال اجعلني على خزائن الأرض إني .. علم

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلني على خزائن الأرض إني حفیظ علم

جمله <إني حفیظ علم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

دربار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲

۲ یوسف (ع) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه على العرش

درخواست از یوسف (ع)

جلد - نام سوره -

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف (ع) ، او را به وصال خویش فرامی خواند .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودت) به معنای درخواست کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست می باشد. بنابراین <راودته ...> ؛ یعنی، زلیخا با ملاحظت و اظهار عشق و علاقه از یوسف(ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زرخرید بوده ناسازگار است.

درخواست زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : > ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين > فالآيات شهادة الصبی و القمیص المخزق من دبر و استباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إیاه علی الباب فلما عصاها فلم تزل ملحه بزوجه حتی حبسه .
؛ ...

از امام باقر(ع) درباره

سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم...> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.

درخواست فراموشی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۵

۵ فرزندان یعقوب از وی تقاضا کردند یوسف (ع) را فراموش کرده و یاد او را از خاطر بزداید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

دشمنان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۶

۶ یعقوب (ع) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف (ع) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لک کیداً

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

دعای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲۳، ۱۱

۱۱ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب... و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلا تصرف...> (اگر مکر آن زنان را از

من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

۲۳ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . و خرجن النسوه من عندها (إمرأه العزیز) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتهآ تسأله الزیارة فأبى علیهنّ و قال : > إلاّ تصرف عنّی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۶

۶ یوسف (ع) از خداوند خواستار آمرزش خطاها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله <یغفر..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۹،۲۳،۲۸

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

۱۹ تسلیم خدا بودن در تمامی عمر و در حال مردن ، از دعا

ها و درخواست های یوسف (ع) به درگاه خداوند

توفنی مسلماً

۲۳ ملحق شدن به صالحان در سرای آخرت ، از تقاضا های یوسف (ع) در نیایشش به درگاه خداوند

و ألحقني بالصلحين

۲۸ > عن أبي عبد الله (ع) يقول: بينا رسول الله (ص) جالس في أهل بيته إذ قال: أحبّ يوسف أن يستوثق لنفسه... لما عزل له عزيز مصر عن مصر... خرج إلى فلاة من الأرض فصلّى ركعات فلما فرغ رفع يده إلى السماء فقال: > رب قد آتيتني من الملك و علمتني من تأويل الأحاديث فاطر السماوات والأرض أنت وليي في الدنيا والآخرة < قال: فهبط إليه جبرئيل فقال له: يا يوسف ما حاجتك؟ فقال: رب > توفني مسلماً و ألحقني بالصلحين < فقال أبو عبد الله (ع) خشي الفتن ;

از امام صادق(ع) روایت شده که می فرمود: رسول خدا(ص) زمانی در جمع خانواده خود نشسته بود که بی مقدمه فرمود: یوسف دوست داشت کار خود را محکم کند... هنگامی که عزیز مصر به نفع او از ریاست مصر برکنار شد... یوسف به بیانانی رفت و چند رکعت نماز خواند و چون فارغ شد، دست به سوی آسمان برداشت و گفت: <رب قد آتيتني...>. [پیامبر(ص)] فرمود: پس جبرئیل بر یوسف فرود آمد و به او گفت: ای یوسف! حاجت تو چیست؟ یوسف گفت: پروردگارا! >توفنی مسلماً و ألحقني بالصلحين < سپس امام صادق(ع) فرمود: یوسف از فتنه ها ترسید.<

دعوت از همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳

۳ یوسف (ع) ، هم بندهان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

دعوت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۶

۶ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا) ، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهن> یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلك لیعلم أنى لم أخنه .. و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او

را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف (ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف (ع) و نیز دعوت از یوسف (ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

دعوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۲

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد.

و لما دخلوا .. ءاوی إلیه أخواه

دعوتهای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳

۳ یوسف (ع)، هم بندگان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند.

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند.

إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

دفاع يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ٢٦ - ١٦

١ دفاع

یوسف (ع) از خویش، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتنی عن نفسی

۶ طمأنینه و آرامش یوسف (ع) به هنگام دفاع از خویش

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش، در سخن خود (هی رودتنی عن نفسی) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

دلایل دروغگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذابين

دلایل صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

و إن كان ... و هو من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۲،۴

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع)، به صداقت او پی برد .

فلما رءا قميصه قُدد من دُبر قال إنه من كيدكن

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای

رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُذ من دُبُر قال إنه من کیدکن

دلایل عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فستله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت <الّتی قطعن أیدیهنّ> داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

دلایل علم غیب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۶

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن ، دلیل یوسف (ع) فراروی زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلاّ نبأتکما بتأویله .. ذلکما مما علمنی ربی

دلایل نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۹، ۳

۳ - یوسف (ع) ارائه دهنده دلایل روشن و بی ابهام ، بر رسالت خویش برای مردم مصر

و لقد جاء کم یوسف من قبل بالبینت

١٩ - > عن محمد بن مسلم قال : قلت لأبي جعفر (ع) ... كان يوسف

رسولاً نبياً؟ قال: نعم أما تسمع قول الله تعالى: < و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات > ;

از محمد بن مسلم نقل شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: .. آیا یوسف(ع) دارای رسالت و نبوت بود؟ حضرت فرمود: آری آیا نشنیده ای سخن خدای تعالی را [که فرمود]: و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات <.

دوران دیشی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

دین یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۴

۲ یوسف (ع) در زندان مصر، پیروی خویش از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت.

واتبع مله اباى إبرهیم و إسحق و یعقوب

۴ یوسف (ع)، پیرو شریعت پدرانش، ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود.

واتبع مله اباى إبرهیم و إسحق و یعقوب

ذکر قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون برای بیدار کردن مردم و انصراف آنان از قتل موسی (ع)، سرگذشت یوسف پیامبر را یاد آور شد.

أتقتلون رجلاً... إني أخاف عليكم... و لقد جاءكم يوسف

ربوبیت خدا در قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد.

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

بدیهی است که داستان یوسف (ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان، از آن داستان سود می برند.

رحمت بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۷

۷ یوسف (ع) مصونیت خویش از گناه و خیانت را پرتوی از رحمت الهی بر خویش می دانست.

ما أبرء نفسي .. إلا ما رحم ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷

۱۷ دستیابی یوسف (ع) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی، پاداش کارهای نیک او بود.

كذلك مكّنا .. نصيب برحمتنا ... ولا نضيع أجر المحسنين

رشد یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید.

أكرمي مثويه .. و لما بلغ أشده

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است.

بنابراین <أشدد> یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

نکره آوردن <حكماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوت نایل گردید .

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

رفاه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

كذلك مكنا ليوسف في الأرض

رفع تهمت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۸

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی

، هدف یوسف (ع) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلى ربك فستله ما بال النسوة التي قطعن أيديهنّ

رنجهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۴

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

روش اثبات حق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

روش برخورد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۶

۶ طمأنینه و آرامش یوسف (ع) به هنگام دفاع از خویش

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش ، در سخن خود (هی رودتنی عن نفسی) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان

یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۴

۴ استفاده یوسف (ع) از روش ترغیب به همراه تهدید برای رسیدن به مقصود خویش

ألا ترون أنى أوفى الكيل .. فإن لم تأتونى به فلا كيل لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۶

۶ یوسف (ع) با بازگرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فى رحالهم لعلهم يعرفونها .. لعلهم يرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

روش تبلیغ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۴

۴ یوسف (ع) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقایق توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت

ءأرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

رؤیای همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۳،۴،۵،۶

۳ هم بندان یوسف (ع) در زندان ، هر کدام رؤیایی دیده و برای او بازگو کردند .

قال أحدهما إني أريني أعصر خمراً

۴ آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب ، رؤیای یکی از دو زندانی هم بند یوسف (ع)

قال أحدهما إني أريني أعصر خمراً

<عصر> (مصدر أعصر) به معنای گرفتن آب از چیزی (میوه، لباس تر و ..)

است. <خمر> به شراب مست کننده ای که از انگور به دست می آید، گفته می شود و مراد از <خمر> در آیه شریفه به قرینه <عصر (آب می گرفتم) انگور است. تعبیر کردن از انگور به شراب، به این لحاظ بوده که آن زندانی از انگور، برای تهیه شراب آب می گرفته است.

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف (ع)

و قال الآخر إني أريني أحمل فوق رأسي خبزًا تأكل الطير منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

۶ هر کدام از هم بندان یوسف (ع) ، رؤیای خویش را به طور مکرر دیده بودند .

إني أريني أعصر .. إني أريني أحمل

به کارگیری فعل مضارع <أرى> (در خواب می بینم) به جای فعل ماضی <رأيت> (در خواب دیدم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ؛ یعنی، چندین شب پی در پی چنین دیده ام، به گونه ای که اگر باز هم بخوابم، مطمئنم که آن رؤیا را خواهم دید.

رؤیای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إني رأيت أحد عشر كوكبا والشمس والقمر رأيتهم لي سجدین

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأيتهم لي سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم

نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۳ یوسف (ع) هیچ ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

إنی رأیت أحد عشر کوكبا .. رأیتهم لی سجدین

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوكبا .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

۵ یوسف (ع) رؤیای شگفت خویش را برای پدرش (یعقوب (ع)) بیان کرد .

إذ قال یوسف لأبیه یأبت إنی رأیت

زلیخا و امتناع یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۵

۵ زلیخا ، سوگند یاد کرد که در صورت استتکاف یوسف (ع) از آمیزش با او ، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم یفعل ما أمره لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

زلیخا و حقانیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زلیخا و دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مرآوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرآوده شده باشد.

زلیخا و عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و

استقرار است.

زلیخا و کفران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ زلیخا، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التي هو في بيتها... إنه ربي أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربي...> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التي هو في بيتها> استفاده می شود؛ یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود؛ ولی یوسف(ع) با جمله <إنه ربي...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

زلیخا و مجازات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود؛ یعنی، او با آوردن <أهلك> در صدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

زلیخا و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۷۸

۷ عزیز مصر، یآوری یوسف (ع) و گزینش او به فرزندی را، در گرو علاقه مندی یوسف (ع) به وی و همسرش زلیخا می

دانست .

أكرمي مثويه عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدًا

جمله <عسى..> تعلیل برای <أكرمي مثواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

۸ عزیز مصر، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد.

لامرأته أكرمي مثويه

<مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أكرمي مثواه>؛ یعنی، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۲، ۱۹، ۱۸، ۶، ۵، ۳

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف (ع) به منظور کام جویی، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت .

و رودته التي هو في بيتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد پرود> که مراد از آن است، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف (ع)، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف (ع) به خواسته های خویش

و رودته التي هو في بيتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التي هو في بيتها> (آن زن که یوسف در

خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلط زلیخا بر یوسف (ع) را برساند.

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند.

رودته ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لك

<تغلیق> (مصدر غلقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لك> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۸ زلیخا، همه شرایط و امکانات را برای کام جویی از یوسف (ع) فراهم کرده بود.

رودته ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لك

۱۹ زلیخا به دلیل اکرام یوسف (ع) و خدمت به او، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضای نامشروعش، تسلیم وی باشد.

رودته التي هو فی بیتها .. قال ... إنه ربی

۳۲ > عن علی بن الحسین (ع) : ... فلما راهق یوسف راودته إمرأه الملك عن نفسه ...

از امام سجاد (ع) روایت شده است: ... چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱

۱ زلیخا، پس از استنکاف یوسف (ع) از وصال او، بر آن شد تا با قهر و غلبه از وی کام بگیرد.

و لقد هممت به

کلمه <هممه> و مشتقات آن، اگر به وسیله حرف <باء> متعدی شود، به معنای قصد کردن است.

بنابراین <ولقد همت به> ؛ یعنی، همانا زلیخا قصد یوسف(ع) کرد تا از او کام گیرد، و چون زلیخا از پیش نیز چنین قصدی داشت (رودته التی...)، معلوم می شود مراد از این قصد، عزمی دیگر است و آن به قرینه <استبقا...> در آیه بعد آهنگ انجام آن با قهر و غلبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۷، ۶، ۴، ۱

۱ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و واداشتن او به آمیزش، درصدد برآمد تا با وی درآویزد.

واستبقا الباب

۴ زلیخا برای دستیابی به یوسف (ع) و جلوگیری از خروج وی، به تعقیب او پرداخت و با سرعت به سمت درب خروجی دوید.

واستبقا الباب

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف (ع)، از پشت پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید.

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف (ع)، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد.

و قدت قمیصه من دبر

<قد> (مصدر قدت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی و سراسری است (لسان العرب) ؛ یعنی، آن گاه گفته می شود <قد القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش، عزیز مصر، یوسف (ع) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد.

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و

<ما> در جمله فوق نافیه است. بنابراین <ما جزاء...> یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف (ع)

و ألفیا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر، یوسف (ع) را به تحقق تجاوز، متهم نکرد.

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

برداشت فوق، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱

۱ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای کام جویی وی از او، در شهر شایع شد.

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۳، ۱۰

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع)، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند.

وقالت اخرج عليهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج عليهنّ> می رساند که یوسف (ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد؛ یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف (ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف (ع)، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد.

امرات العزیز ترود فتيها

.. فلما رأينه أكبرنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۲

۲ زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد.

لقد رودته عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۴،۱۱

۴ زندانی شدن یوسف (ع)، به تحریک و درخواست زلیخا نبود.*

لئن لم يفعل ما أمره لیسجنن .. ثم بدا لهم ... لیسجننه

تعبیر <ثم بدا لهم> (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين > فالآيات شهادة الصبي و القميص المخرق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحة بزوجه حتى حبسه .
; ..

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم ..> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت

در، یوسف را به طرف خود می کشد؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۶

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد.

أنا رودته عن نفسه وإنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد؛ یعنی، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

زلیخا و ذلت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۵

۵ زلیخا، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف (ع) از آمیزش با او، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت.

و لئن لم يفعل ما ءامره لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

زمان رؤیای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱۱، ۸

۸ > عن أبی جعفر (ع): ... رأی یوسف هذه الرؤیا و له تسع سنین فقَصَّها علی أبیه ... و كان یوسف من أحسن الناس وجهاً و كان یعقوب یحبّه ...؛

از امام

باقر(ع) روایت شده:.. یوسف این خواب را در سن نه سالگی دید و آن را برای پدرش نقل کرد ... یوسف از تمام مردم زیبا صورت تر بود و یعقوب او را دوست می داشت <.

۱۱ > قال أبو حمزة : فقلت لعلی بن الحسین (ع) : متى رأى يوسف الرؤيا ؟ فقال : فى تلك الليلة التى بات فيها يعقوب و ولده شباعاً و بات فيها ذمیال جائعاً رائهاً . . . ;

ابو حمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم چه وقت یوسف(ع) این خواب را دید؟، فرمود: همان شبی که یعقوب و فرزندانش با شکم سیر خوابیدند و ذمیال با شکم گرسنه و در حال ناراحتی خوابید . . <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤیای شکفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنی

کلمه <بنی> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است . <یبنی> ; یعنی، ای پسر کوچک من .

زمینه اقتدار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و كذلك مکنا لیوسف فى الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است . <تمکین> (مصدر مکنا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است . قید <فى الأرض> حکایت از آن دارد

که: مراد از <مکنّا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

زمینه برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و كذلك مکنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

عبارت <لنعلّمه> عطف بر عبارتی مقدر است ؛ یعنی: مکنّا لیوسف لنفعل کذا و لنعلّمه . . . ؛ مراد از لنفعل کذا ، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأیتهم لی ساجدین> و <کذلک یجتیک ربک...>.

زمینه تقرب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۳

۳ یوسف (ع) با یادآوری نعمت های الهی و توجه به ربوبیت و علم و حکمت فراگیر خداوند ، خویشتن را در محضر او احساس کرد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم . رب قد ءاتیتنی

تغییر سیاق ؛ یعنی، التفات از غیبت (إن ربی . . . إنه هو العلیم) به خطاب (رب قد ءاتیتنی) حاوی نکاتی است از جمله اینکه یوسف(ع) با یاد کردن از نعمتهای خدادادی و توجه به ربوبیت و علم و حکمت مطلق الهی، به این حقیقت توجه پیدا کرد که خداوند حاضر و ناظر است. از این رو خود را در محضر او احساس کرد و او را مخاطب قرار داد.

زمینه توطئه علیه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۸

۸ حسادت برادران یوسف به وی ،

آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

زمینه حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۵

۵ رسیدن یوسف (ع) به سن رشد ، زمینه ساز برخورداری او از علم و حکمت

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

زمینه حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و كذلك مكّنا ليوסף في الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مکّنا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <في الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکّنا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

زمینه علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۵

۵ رسیدن یوسف (ع) به سن رشد ، زمینه ساز برخورداری او از علم و حکمت

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

زنان اشراف مصر و دعای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۳

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف

شدند .

فصرف عنہ کیدھن

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنہ کیدھن> دلالت می کند که پس از دعای یوسف (ع)، دیگر آن مرآوده ها و تقاضاها از یوسف (ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مرآوده شده باشد.

زنان اشراف مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند .

فلما رأینہ أکبرنہ .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأینہ أکبرنہ و قَطَّعن أیدینہنَّ

<إکبار> (مصدر اکبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأینہ أکبرنہ و قَطَّعن أیدینہنَّ

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع)، به جای خوردنیها، کارد بر دست های خویش نهاده، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأینہ أکبرنہ و قَطَّعن أیدینہنَّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قَطَّعن) برای رساندن این

نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند، زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۲۲ جمال بی مانند یوسف (ع)، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد.

حش لله ما هذا بشرًا

۲۳ زنان اشراف، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند.

إن هذا إلا ملك كريم

۲۴ زنان ملامت کننده زلیخا، با مشاهده یوسف (ع)، زلیخا را در عشقش محق دانستند.

فلما رأينه أكبرنه .. إن هذا إلا ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۶

۶ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا)، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند.

مما يدعونني إليه

<يدعون> در جمله فوق، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب

إليه> یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <يدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۵،۶،۷

۵ زنان اشراف، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند.

ما خطبكن إذ رودتن يوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا عليه من سوء

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر،

بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زاییده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

زندان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ وجود زندان در مصر باستان و در عصر حضرت یوسف (ع)

إلا أن يسجن

زندانی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

زندانی کردن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۴۷

۴ زندانی شدن یوسف (ع) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم يفعل ما أمره ليسجنن . . . ثم بدا لهم ... ليسجننه

تعبیر > ثم بدا

لهم < (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت ليسجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم .. ليسجنه حتى حين. و دخل معه السجن فتیان

زیبایی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴،۵

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

۵ خداوند ، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است .

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

زیبایی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أيديهنّ

<إكبار> (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود

بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنَّ

۱۷ زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش نهاده ، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنَّ

استفاده از ماده <قطع> که به معنای بریدن و جدا ساختن است در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قَطَّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۲۰ جمال یوسف (ع) ، جمالی بی نظیر ، دلربا و در اوج زیبایی و ملاحظت بود .

فلما رأينه أكبرنه و قَطَّعن أیدیهنَّ و قلن حش لله ما هذا بشرًا

نقل این قسمت از داستان یوسف (فلما رأينه ..) برای بیان اوج زیبایی و دلربایی یوسف (ع) است. علاوه بر این، محتمل است اشاره به معذور بودن زلیخا در عشقش به یوسف (ع) باشد. مؤید این احتمال، این است که قرآن از او مذمت نکرده و یوسف (ع) نیز او را در مراحل مراوده، به عذابهای الهی هشدار نداده است.

۲۲ جمال بی مانند یوسف (ع) ، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

ساقی پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی، <ادّکر> شده است. <أمّه> در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد.

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

۶ ساقی پادشاه مصر، با بیان دانش یوسف (ع)، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد.

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أنبئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار، ماجرای یوسف (ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود.

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه

و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد.

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب <صدیق> او را مخاطب قرار داد.

یوسف أیها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع)، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد.

یوسف أیها الصدیق

۴ ساقی دربار، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد.

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و آخر یابست

۵ ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع)

به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۵

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف (ع) فرستاده شده بود.

سجده آل یعقوب (ع) بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خزوا له سجداً

<خرو> (مصدر خزوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجداً> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خزوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقاً

تأویل رؤیا ؛ یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سجده خورشید بر یوسف (ع)

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إني رأيت أحد عشر كوكبا والشمس والقمر رأيتهم لي ساجدين

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأيتهم لي ساجدين

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدين، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی يك جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبا .. رأيتهم لي ساجدين

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأيت> به دست آورد.

سجده ستارگان بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إني رأيت أحد عشر كوكبا والشمس والقمر رأيتهم لي ساجدين

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأيتهم لي ساجدين

ضمیر <هم> و نیز

جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبا .. رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده مادر یوسف بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۷،۹

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّداً

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّداً> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقاً

تأویل رؤیا ؛ یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سجده ماه بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره -

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا .. رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رَفَعَ أَبُوبِهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرَّوا لَهُ سَاجِدًا

<خروور> (مصدر خَرَّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سَجَّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در

<خَرَّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های

ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۹ سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال يَأْتِ هَذَا تَأْوِيلَ رَأْيِي مِنْ قَبْلِ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا

تأویل رؤیا ، یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

سخاوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۱،۱۸

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الكيل و تصدق علينا

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الكيل و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

سختی فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۲

۲ یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تكون حرصاً أو تكون من الهلكين

<حرص> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباہ شده و مشرف بر هلاکت باشد.

سرزمین کنعان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ سرزمین کنعان ، خارج از قلمرو حکومتی مصر در زمان یوسف (ع) *

و

بعید به نظر می رسد که یوسف(ع) همه غلات را از تمامی مناطق مصر به مرکز حکومت منتقل کرده باشد زیرا طبیعی آن بود که غلات هر منطقه - به ویژه در آن زمان که حمل و نقل امری مشکل بود - در همان جا ذخیره شود. بنابراین اگر کنعان در قلمرو حکومت یوسف(ع) بود، در آن جا نیز انباری تهیه می شد و غلات در آن ذخیره می گردید و نیازی به آمدن کنعانیان به مرکز مصر نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غله در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یا بانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

سرزمین مصر در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینه دار تولید غلات و محصولاتش بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنین دأباً فما حصدتم فذروه فی سنبله

سرزنش شک در نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۸

۸ - نكوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شكّ ممّا جاءكم به

سرزنش یوسف(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۶

۱۶ > عن النبی (ص) فی

قوله : < إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق يوسف (ع) صنماً لجدّه أبي أمّه من ذهب و فضّه ، فكسره و ألقاه في الطريق ، فعيره بذلك إخوته ؛

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا- و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند.<

سن یوسف(ع) در چاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ > قال أبو حمزة : فقلت لعلی بن الحسین (ع) : إبن کم کان یوسف یوم ألقوه فی الجبّ ؟ فقال : إبن تسع سنین . . . ؛

أبو حمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم: زمانی که یوسف را در چاه انداختند چند ساله بود؟ فرمود: نه ساله. . .<

سنّ یوسف(ع) در زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ > عن الصادق (ع) : انه قال : دخل یوسف السجن و هو إبن إثنتی عشر سنه و مکث فیہ ثمان عشر سنه . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند. . .<

سهمیه بندی غلات در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه یوسف (ع) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به مصر ، فرزندان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته استفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۴ یوسف (ع) به هر فرد در هر نوبت ، تنها یک بار شتر غله می فروخت .

نزداد کیل بعیر

۱۵ تحویل سهمیه هر فرد به شخص متقاضی ، از جمله مقررات وضع شده از ناحیه یوسف برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چنان چه کسی می توانست سهمیه دیگری را دریافت کند <نزداد کیل بعیر> (با آمدن بنیامین یک بار شتر اضافه دریافت می کنیم) به عنوان یک دلیل مستقل برای لزوم مسافرت بنیامین به مصر مطرح نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۹

۹ تداوم سیاست یوسف (ع) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا بیضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا بیضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدت ها ادامه

داشت.

سهولت ملاقات با یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ ملاقات مردم حتی غیر مصریان ، با یوسف (ع) امری سهل و آسان بود .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

<فاء> در عبارت <فدخلوا علیه> می رساند که فاصله ای میان آمدن برادران و ملاقات با او نبوده است. جمله <عرفهم> نیز دلالت می کند که دربان و حاجبی که از حسب و نسب مراجعه کنندگان پرسش کند و به یوسف (ع) گزارش دهد و اجازه ملاقات بخواهد در میان نبوده است. اینها حکایت از آسانی ملاقات مردم حتی غیر مصریان با یوسف (ع) می کند.

سیاستهای اقتصادی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۴

۴ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ یوسف (ع) در سال های قحطی ، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد .

و لما جهزهم بجهازهم .. فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به...> (اگر در

سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱

۱ یوسف (ع) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد.

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۴، ۱۵

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه یوسف (ع) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به مصر ، فرزندان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته استفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۴ یوسف (ع) به هر فرد در هر نوبت ، تنها یک بار شتر غله می فروخت .

نزداد کیل بعیر

۱۵ تحویل سهمیه هر فرد به شخص متقاضی ، از جمله مقررات وضع شده از ناحیه یوسف برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چنان چه کسی می توانست سهمیه دیگری را دریافت کند <نزداد کیل بعیر> (با آمدن بنیامین یک بار شتر اضافه دریافت می کنیم) به عنوان یک دلیل مستقل برای لزوم مسافرت بنیامین به مصر مطرح نمی

شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۹،۱۰

۹ تداوم سیاست یوسف (ع) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدتها ادامه داشت.

۱۰ یوسف (ع) از فقیران و تهیدستان برای پرداخت سهمیه شان، بهایی دریافت نمی کرد.

مسنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

برداشت فوق، مقتضای تفریع <أوف لنا الکیل> به وسیله <فاء> بر <مسنا و أهلنا الضر...> است.

سیمای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۵

۲۵ سیمای یوسف (ع)، نمایانگر بزرگواری و کرامت والای او بود.

إن هذا إلا ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۳

۱۳ سیمای یوسف (ع) و عملکرد او، نشان دهنده شخصیت بلند مرتبه و بیانگر نیکوکاری او بود.

إننا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <یقین داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <نری> (می بینیم) گویای این

مطلب است که: علم و یقین آن دو نفر به شخصیت یوسف(ع)، از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

شخصیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع)، شخصیتی با گذشت، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به .. فسله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت.

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <امین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ

است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

شخصیت یوسف (ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکوناً من الصغیرین

شرایط ملاقات با یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی

۳ یوسف (ع) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به ... و لا تقربون

نون مکسور در <لا تقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لا تقربون> یعنی، نزد من نیاید.

شرك همبندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۲

۲ دو زندانی هم بند یوسف (ع) ، از مشرکان بودند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر

شفاعت نزد یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۸

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف (ع) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد . *

يٰۤاَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب(ع) به

<ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لکم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب (ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

شک در بشر بودن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ جمال بی مانند یوسف (ع) ، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد .

حش لله ما هذا بشرًا

شک در نبوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۵

۵ - شک و تردید مستمر مردم مصر در رسالت یوسف (ع) تا پایان عمر ایشان (علی رغم مشاهده دلایل روشن بر صدق رسالت آن حضرت) .

لقد جاءکم یوسف من قبل بالبینة فما زلتُم فی شکٍّ ممّا جاءکم به

شکرگزاری یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۸

۱۸ یوسف (ع) ، معتقد به توحید افعالی ، و انسانی قدرشناس و سپاسگزار در برابر نعمت های الهی

قد جعلها ربی حقًا و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه

او پرداخت .

رب قد ءاتيتنى . . . فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلماً و ألحقنى بالصلحين

شکنجه در دوران يوسف(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن يسجن أو عذاب أليم

شکنجه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

شناسایی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ > عن أبي جعفر (ع) : > ... فعرّفهم يوسف و لم يعرفه إخوته لهيبه الملك و عزّته ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی
شناختند ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۲۰ ، ۳ ، ۱

۱ فرزندان یعقوب در پی سخنان عزیز مصر (آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید) دریافتند که او برادرشان یوسف (ع)
(است .

هل علمتم ما فعلتم بيوسف .. قالوا أءنك لأنت يوسف

جمله < أءنك .. > حاوی چهار تأکید است: اسمی بودن جمله ، حرف تأکید < إن > ، لام تأکید و ضمیر فصل < أنت > . و

اینها حاکی از این است که برادران یوسف بر اینکه مخاطبشان همان یوسف(ع) است ، اطمینان کردند.

یوسف (ع) در پی پرسش برخاسته از شکفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنك لأنت يوسف قال أنا يوسف

۲۰ > عن سدیر قال : سمعت أبا عبدالله (ع) يقول : إن فی القائم سنّه من یوسف . . . فما تنکر هذه الأّمه أن یكون الله أن یفعل بحجته ما فعل بیوسف . . . هم لا-یعرفونه حتی یأذن الله عزوجل أن یعرفهم نفسه كما أذن لیوسف حین قال : . . . أنا یوسف و هذا أخی ;

سدیر گوید: شنیدم از امام صادق(ع) که می فرمود: به تحقیق در حضرت قائم سنتی از یوسف است . . . چه چیزی را انکار می کند این امت؟ [آیا] این را که خداوند نسبت به حجّت خود کاری را انجام دهد که درباره یوسف انجام داد؟ ... آنان قائم را نمی شناسند تا اینکه خدای عزوجل اذن دهد که خود را معرفی کند، همان گونه که به یوسف اذن [معرفی خود را] داد آن گاه که او گفت: ... أنا یوسف و هذا أخی <.

شیطان و تبرئه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

شیطان و نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با

فَأَنسِيهِ الشَّيْطَانَ ذَكَرَ رَبَّهُ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بضع سنين

صبر در فراق يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۴، ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) مصمم بر شکييا بودن در فراق يوسف (ع) و بردباري کردن بر رفتار ناهنجار فرزنداناش

فصبر جميل

متعلق صبر، به قرينه جمله های قبل، فراق يوسف (ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزنداناش می باشد.

۱۴ شکييايي يعقوب (ع) در فراق يوسف (ع)، ستودنی و درخور تحسین بود.

فصبر جميل

چنان چه <جميل> صفت برای <صبر> باشد، در تقدیر گرفتن مبتدا (صبری صبر جميل) و یا خبر (صبر جميل أحسن) ضروری است. برداشت فوق ناظر به این احتمال است.

صبر يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۰، ۹

۹ يوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد.

فَأَسْرَهَا يَوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يَبْدِهَا لَهُمْ

ضمیر <ها> در <أَسْرَهَا> و <لم يبدّها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران يوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فَأَسْرَهَا...> یعنی، يوسف (ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۰ يوسف (ع) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباري

فأسرّها يوسف في نفسه و لم يبدّها لهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۰ -

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقوایبندگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علينا إنه من يتقّ و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوایبشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علينا إنه من يتقّ و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

صحت تعبیر رؤیای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۳

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش باز گو کرد .

یوسف أیها الصدیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال الملك ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف (ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف (ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو ...) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر

آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۳،۵

۳ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع)، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد.

فلما رءا قمیصه قُد من دُبُر قال إنه من کیدکن

۵ عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع)، زنان را انسانهایی پر مکر و حيله خواند.

إنه من کیدکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۲

۲ ساقی دربار، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب <صدیق> او را مخاطب قرار داد.

یوسف أیها الصدیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد.

و إنه لمن الصدقین

صفات زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۸

۸ زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغیرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت > زندانی خواهد

شد < (لیسجنن) است زیرا یوسف (ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

ضمان در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

طعمه گرگ شدن یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۳،۵،۶

۳ غفلت از یوسف (ع) به خاطر سرگرمی به دویدن و مسابقه دادن ، اعتذار دروغین برادران او در توجیه طعمه گرگ شدن یوسف (ع)

يٰۤاَبَانَا اِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوْسُفَ عِنْدَ مَتْعٰنَا

<استباق> به معنای مسابقه دادن و پیشی گرفتن است و جمله <نستبق> حال برای فاعل <ذهبنا> است. بنابراین <ذهبنا نستبق> یعنی، می رفتیم در حالی که با یکدیگر مسابقه می دادیم. رفتن و مسابقه دادن با مسابقه تیراندازی یا اسب دوانی مطابقتی ندارد زیرا بلکه با مسابقه دویدن منطبق است.

۵ برادران یوسف در داستان ساختگی خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) ناخواسته به کوتاهی در حراست از یوسف (ع) اعتراف کردند .

اِنَّا لَهٗ لِحٰفِظُوْنَ . . . ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ ... فَاَكَلَهٗ الذُّبُّ

۶ یعقوب (ع) ادعای فرزندانش درباره یوسف (ع) (طعمه گرگ شدن او) را باور نکرد و آن را نپذیرفت .

و مَا اَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۴۶

۴ خونین

بودن روی پیراهن یوسف ، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود .

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاء و> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاء و...> یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) را آشکار کردند . *

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب(ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

ظلم به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۵،۱۱

۵ یوسف (ع) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

۱۱ ذلت و مسکنت برادران یوسف در برابر وی ، نتیجه و پیامد ستم های آنان به او بود .

تصدق علینا .. هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

از اینکه یوسف(ع) در پاسخ

اظهارات ذلت آمیز برادرانش یادآور ستمهای آنان به وی می شود ، می توان دریافت که یوسف(ع) درصدد است به این نکته اشاره کند که ذلت امروز برادرانش در مقابل وی ، نتیجه ستم دیروز آنان در حق اوست.

عبرت از قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۳

۳ سرگذشت یوسف (ع) و برادرانش سرگذشتی آموزنده و مایه عبرت است .

لقد كان في قصصهم عبره

می توان گفت ضمیر در <قصصهم> به یوسف(ع) و برادران او و تمام کسانی که در داستان یوسف(ع) نظیر زلیخا نقش داشته اند باز می گردد. بر این اساس دلالت جمله <لقد كان...> بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

عجز یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۰، ۱۲

۱۰ یوسف (ع) بدون امداد الهی ، خویشان را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید .

و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن

۱۲ احساس ناتوانی یوسف (ع) از ترك گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب . . . و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن

عدالت قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . . . و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ،

دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد، و از آن جایی که حق را، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

عدالت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۶،۸،۹

۶ یوسف (ع) سهمیه و جیره افراد را همواره عادلانه و بدون کمترین نقصی به آنان پرداخت می کرد .

ألا ترون أنى أوفى الكيل

کیل (پیمانه کردن) مصدر است و در آیه شریفه، به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن آذوقه و غلات است. <ایفاء> (مصدر اوفی) به معنای پرداختن به طور کامل و بدون نقص و کاستی است. آوردن فعل مضارع (اوفی) به جای فعل ماضی <وفیت> اشاره به روش مستمر یوسف(ع) در ایفای کیل دارد.

۸ یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لكم من أيبكم ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

جمله <ألا- ترون ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لكم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

عزت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقوایبندگان صبور و نیکوکار است .

قد من الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

عزیز مصر و صداقت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۲

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع) ، به صداقت او پی برد .

فلما رءا قميصه قُد من دُبر قال إنه من كيد كن

عزیز مصر و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۷

۷ عزیز مصر در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود .

قالت .. قال هي رودنتي عن نفسي و شهد شاهد من أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱۳، ۸، ۷، ۱

۱ عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا ، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت .

فلما رءا قميصه قُد من دُبر

ظاهر این است که ضمیر در <رأی> به عزیز مصر برگردد.

۷ عزیز مصر ، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی ، از مکرهای زنانه زلیخا شمرد .

إنه من كيد كن

محمّل است ضمیر در <إنه> به حقیقتی که از جمله <عَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ . . .> استفاده می شود ، ارجاع داده شود. برداشت فوق ، بر اساس این احتمال است.

۸ عزیز مصر ، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (

ع) و تعیین کیفر برای او را، از مکر های زلیخا شمرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً .. إنه من كيدك

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در <إنه ..> به معنایی که از <قالت ما جزاء...> در آیه ۲۵ استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

۱۳ عدالت و انصاف عزیز مصر، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قميصه .. قال إنه من كيدك إن كيدك عظيم

عزیز مصر و مجازات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود؛ یعنی، او با آوردن <أهلك> در صدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف (ع) بود.

عزیز مصر و مقامات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۵

۵ عزیز مصر در پی خرید یوسف (ع)، به شخصیت والا و منزلت بلند او اطمینان پیدا کرد .

لامرأته أكرمي مثويه عسى أن ينفعنا

عزیز مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲،۶،۸

را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

و قال الذی اشتریه من مصر

<من مصر> محتمل است متعلق به <اشتره> باشد ، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتره> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از <الذی اشتره>، عزیز مصر است.

۶ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف (ع) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندى خود و همسرش برگزیند .

قال الذی .. أكرمی مثنویه عسی أن ینفعا أو نتخذہ ولدًا

۸ عزیز مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلت را پاس دارد .

لامرأته أكرمی مثنویه

<مثنوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أكرمی مثنواه> ؛ یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۳،۴،۵

۳ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع) ، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبر قال إنه من کیدکن

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبر قال إنه من کیدکن

۵ عزیز مصر

پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع)، زنان را انسانهایی پر مکر و حيله خواند .

إنه من كيدكّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱،۲

۱ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف (ع) - که برده ای زرخرید بوده ناسازگار است.

۲ تکریم و بزرگداشت یوسف (ع) از جانب عزیز ، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

<یوسف> مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا ، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او ، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکوناً من الصغیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۶

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلك لیعلم أنى لم أخنه بالغب

چنان چه <ذلك لیعلم...> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلك لیعلم...> ؛ یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بدانند من در نهران به او خیانتی نکردم.

عزیز مصر هنگام خرید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۴

۴ همسر زلیخا در زمان خرید یوسف (ع) ، سمت <عزیزی> را نداشت . *

و قال الذی اشتریه من مصر

یاد نکردن از عنوان عزیز مصر برای خریدار یوسف(ع) ، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

عزیزی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۵

۵ عزیزی از سمت های حکومتی در زمان یوسف (ع)

قالوا یا ایها العزیز

عزیزی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ،

از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إني أنا أخوك فلاتبتئس بما كانوا يعملون

تفریح <فلاتبتئس ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إني أنا أخوك> بیانگر دلیل یوسف (ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است؛ یعنی، یوسف (ع) با این تفریح بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم؛ ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۵

۵ یوسف (ع)، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یاأيها العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۴،۲۰

۴ یوسف (ع) در دوران قحطی مصر، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت .

قالوا یاأيها العزيز

۲۰ > عن أبي الحسن الهادي (ع) :... لما مات العزيز... إفتقرت إمرأه العزيز و احتاجت حتى سألت الناس فقالوا : ما يضرّك لو قعدت للعزيز و كان يوسف يسمي العزيز [خ. ل. و. كلّ ملك كان لهم سمي بهذا الإسم]... فقامت إليه و قالت : سبحان... من جعل العبيد بالطاعة ملوكاً...؛

از امام هادی (ع) روایت شده است: ... پس از مرگ عزیز مصر ... همسر وی [زلیخا] فقیر و نیازمند شد تا آن جا

که از مردم درخواست کمک می کرد. پس مردم به او گفتند: چه ضرر دارد که بر سر راه عزیز بنشینی [واز او کمک بخواهی] و یوسف در آن زمان عزیز نامیده می شد [و هر پادشاهی که بر مصریان حکومت می کرد به این اسم نامیده می شد]... پس همسر عزیز بر سر راه یوسف ایستاد و گفت: ... منزه است خدایی که بردگان را در سایه اطاعت، به پادشاهی می رساند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر، پاداشی بر تقوایبشگی، صبر و نیکوکاری او بود.

قد منّ الله علينا إنه من يتقّ و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

عشق زلیخا به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱،۲

۱ زلیخا، شیفته و شیدای یوسف (ع) شد.

و رودته التی هو فی بیتها... و غلّقت الأبواب

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف (ع)، او را به وصال خویش فرامی خواند.

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودت) به معنای درخواست کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست می باشد. بنابراین <راودته...> یعنی، زلیخا با ملاحظت و اظهار عشق و علاقه از یوسف (ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

جلد - نام سوره - سوره

۵ عشق یوسف (ع) تا درون قلب و دل زلیخا نفوذ کرده و آن را به تسخیر خویش درآورده بود .

قد شغفها حبًا

<شغاف> به جداره و یا هسته مرکزی قلب گفته می شود. <شغف> ؛ یعنی، جداره قلب شد و یا به مرکز آن رسید. ضمیر فاعلی در <شغفها> به <فتیها> برمی گردد و <حبًا> تمیزی است مبذل از فاعل. بنابراین <شغفها حبًا> در اصل چنین بوده است: <شغف حبّ یوسف یاها> ؛ یعنی، محبت یوسف جداره قلب زلیخا شد و آن را احاطه کرد، و یا عشق یوسف (ع) جداره قلب زلیخا را شکافت و به درون آن نفوذ کرد.

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف (ع) و داستان مراوده او، در عنفوان جوانی یوسف (ع) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًا

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع)، علی رغم همسری او برای عزیز مصر، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرات العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ؛ یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) فی قوله <قد شغفها حبًا> یقول: قد حجبها حبّه عن الناس فلا تعقل غیره ؛

از امام باقر (ع) درباره قول خدا <قد شغفها حبًا> روایت شده که می فرمود: عشق یوسف پرده ای بر قلب همسر عزیز کشیده بود به گونه

ای که او را از مردم جدا کرده بود و به هیچ کس غیر از یوسف نمی اندیشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲،۱۳

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف (ع)، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد.

امرات العزیز ترود فتيها . . . فلما رأينه أكبرنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۱۱

۱ زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند.

قالت فذلکنّ الذی لمتنی فیه

۱۱ > عن علی بن الحسین . . . فقالت لهنّ > فذلکنّ الذی لمتنی فیه < یعنی فی حبه ۱

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . همسر عزیز [با اشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا درباره او سرزنش می کردید ۱ یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید.

عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت

عصمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۶، ۶

۶ یوسف (ع) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

۱۶ > عن الرضا (ع) : لقد هممت به و لولا- أن رأى برهان ربّه لهم بها كما هممت به ، لکنّه کان معصوماً ، والمعصوم لا يهّم بذنب . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد ؛ ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هر گونه شرکورزی ، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء ذلك من فضل الله علينا

عظمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۵، ۲۳، ۱۹

۱۹ اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

رأینه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۲۳ زنان اشراف ، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إن هذا إلا ملك كريم

۲۵ سیمای یوسف (ع) ، نمایانگر بزرگواری و کرامت والای او بود .

إن هذا إلا ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إننا نريك من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ > عن أبي جعفر (ع) : > ... فعرّفهم يوسف و لم يعرفه إخوته لهيبه الملك و عزّته ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی نشناختند ... <.

عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۴، ۹، ۴

۴ یوسف (ع) ، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) امتناع میورزید .

و رودته التي هو في بيتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مراوده ، کشمکش و نزاع میان طرفین را قید کرده و گفته اند: <مراوده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق ، براساس این معناست.

۹ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و

سلطه ظاهری زلیخا بر او ، تمنای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد .

رودته ... و قالت هیت لك قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است ؛ یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً> .

۱۴ پاک دامنی اعجاب انگیز ، و عفاف شگفت آور یوسف (ع)

و رودته التی ... و غلقت الأبواب و قالت هیت لك قال معاذ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۵

۵ خداوند ، با ارائه برهان به یوسف (ع) ، او را از آمیزش با زلیخا (زنا) و نگاه های شهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱

۱ یوسف (ع) حافظ عفت خویش و بی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۶،۷

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت ليسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۶، ۷، ۸

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا عليه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

۸ یوسف (ع) ، برخوردار از عفتی اعجاب برانگیز و درخور برترین ستایش

قلن حش لله

<حاش لله> سخنی است که از شدت شگفت زدگی حکایت دارد.

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد ، یعنی ، من از

او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲،۳

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلك لیعلم أنى لم أخنه بالغيب

چنان چه <ذلك لیعلم...> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلك لیعلم...> یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهران به او خیانتی نکردم.

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلك لیعلم أنى لم أخنه بالغيب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

عفو یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار

آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع)، انسانی با گذشت، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود.

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱،۲،۳

۱ یوسف (ع) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود.

قال لاثریب علیکم

روا نداشتن سرزنش برادران که جمله <لاثریب...> گویای آن است، می رساند که یوسف(ع) آنان را مورد عفو خویش قرار داد.

۲ یوسف (ع) انسانی با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لاثریب علیکم

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود.

لاثریب علیکم

<اثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

عقود در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله، ضمان و کفالت، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

عقیده به خاتمیت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۹

۹ - پندار باطل مردم مصر به پایان یافتن نبوت و نیامدن هیچ پیامبری از

جانب خدا ، برای انسان های بعد از یوسف (ع)

حَتَّى إِذَا هَلَكَ قَلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا

عقیده یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲، ۲۱، ۲۰

۲۰ یوسف (ع) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او ، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد ؛ زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۲ یوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ احساس ناتوانی یوسف (ع) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب . . . و إلا تصرف عنی کیدهن أصب إلیهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱، ۷، ۸

۱ یوسف (ع) مصون ماندن خویش از گناهان

و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفیق الهی .

أني لم أخنه .. و ما أبرء نفسي إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربي

از ارتباط <ما أبرء نفسي> (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم) با جمله <لم أخنه بالغیب> و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف(ع) (حاشا لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف(ع) با جمله <ما أبرء نفسي> درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام؛ بلکه با توجه به عبارت <إلا ما رحم ربي> در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است؛ زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

۷ یوسف (ع) مصونیت خویش از گناه و خیانت را پرتوی از رحمت الهی بر خویش می دانست .

ما أبرء نفسي .. إلا ما رحم ربي

۸ یوسف (ع) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی ، رحمت او را مایه ترک گناهان و بدی ها دانست و خود را ستایش نکرد .

و ما أبرء نفسي إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۸

۱۸ یوسف (ع) ، معتقد به توحید افعالی ، و انسانی قدرشناس و سپاسگزار در برابر نعمت های الهی

قد جعلها ربي حقاً و

قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بكم من البدو

علاقه به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلك لیعلم أنى لم أخنه .. و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

علاقه یعقوب (ع) به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۳،۴

۳ علاقہ یعقوب (ع) به یوسف (ع) علاقہ ای بسیار شدید و زایل نشدنی بود .

قال یأسفی علی یوسف و ابیضت عیناه من الحزن

۴ تعلق قلبی یعقوب (ع) به یوسف (ع) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً .. و قال یأسفی علی یوسف

علاقه یوسف (ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۸

۸ اشتیاق وافر یوسف (ع) به بنیامین و دیدار او

ائتونی بأخ لکم .. فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی و لاتقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ یوسف (ع) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم .. لعلهم یرجعون

علم خدا در

قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد.

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

بدیهی است که داستان یوسف (ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان، از آن داستان سود می برند.

علم غیب یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۰، ۹، ۷، ۵، ۴

۴ یوسف (ع)، از علم غیب برخوردار بود.

قال لا يأتيكما طعام ترزقانه إلاّ نبأكما بتأويله

ضمیر در <بتأويله> محتمل است به <طعام> باز گردد، و ممکن است مراد از آن رؤیای هر یک از هم بندگان یوسف (ع) باشد. بر اساس احتمال نخست، جمله <قال لا يأتيكما...> حاکی از این است که یوسف (ع)، از غیب مطلع بوده است.

۵ یوسف (ع)، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندگان زندانش فاش ساخت.

ذلکما مما علمنی ربی

۷ یوسف (ع)، پیش از آوردن غذا برای زندانیان، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد.

قال لا يأتيكما طعام ترزقانه إلاّ نبأكما بتأويله قبل أن يأتيكما

بر این اساس که ضمیر در <تأويله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لا يأتيكما...> چنین معنا می شود: یوسف (ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شما اعطا می

شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام >مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

۹ خداوند ، آموزنده علم غیب به یوسف (ع)

ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

۱۰ آگاهی یوسف (ع) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیایها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف (ع) بود .

ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

>من< در >مما< می تواند برای تبعیض باشد و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف (ع) از آینده و آگاهی او به غیب

قَضَى الْأَمْرَ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

مفاد >قضى الأمر...< تأویل و تفسیر رؤیای هم بندگان یوسف نیست ؛ بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا ، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۶

۶ آگاهی یوسف (ع) از غیب و اطلاع او بر حوادثی از آینده

فَأَلْقَوْهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا

تأثیر پیراهن یوسف (ع) بر چشمان یعقوب (ع) و بینا شدن آنها ، از امور غیبی است و یوسف (ع) از آن آگاه بود.

علم لدنی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۳،۱۰

۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی

بودن دانش های ویژه اش ، هم بندگان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندگان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

۱۰ آگاهی یوسف (ع) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیاها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف (ع) بود .

ذلکما مما علمنی ربی

<من> در <مما> می تواند برای تبیض باشد و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۵

۱۵ یوسف (ع) آگاه به بهره مندی ابراهیم و اسحاق (ع) از نعمت های کامل الهی

کما أتمها علی أبویک من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۲،۹

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و

حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود؛ زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف (ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود.

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين

<جزاء> (مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۹

۱۹ > عن الرضا (ع) : ... فی قوله تعالی : <...إني حفيظ عليم> قال : حافظ لما فی یدی عالم بكل لسان؛

از امام رضا(ع) .. درباره سخن خدا <...إني حفيظ عليم> روایت شده است که فرموده: مراد این است که نگه دارنده چیزی هستم که در تصرف من است و آگاه به همه زبانها می باشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲۱،۲۶

۲۱ موفقیت یوسف (ع) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تر وی

كذلك كدنا ليوسف .. نرفع درجت من نشاء و فوق كل ذي علم عليم

مصدق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

۲۶ برادران یوسف برخوردار از علم و دانش و یوسف (ع) عالم تر و آگاه تر از همه آنان

و فوق كل ذي علم عليم

بر اساس اولین

معنایی که برای جمله فوق در برداشت قبل آمد ، مصداق مورد نظر برای <علیم> یوسف است و مصداق <کل ذی علم> برادران او هستند.

عوامل برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتییك ربك و یعلمك .. لقد كان فی یوسف و إخوته آیت للسائلین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات> ، <اجتبا و گزینش یوسف(ع)> و .. <باشد که از جمله های > کذلک یجتییك ربك و ... < به دست می آید.

عوامل خشوع برای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربی حقاً

عوامل خضوع برای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربی حقاً

عوامل رفع اندوه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی

ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إني أنا أخوك فلا تبئس بما كانوا يعملون

تفریع <فلا تبئس .. > به وسیله حرف <فاء> بر <إني أنا أخوك> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ؛ یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ؛ ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

عوامل عصمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۲،۴

۲ مشاهده حجت و برهان الهی ، تنها مانع یوسف (ع) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و هم بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله <هم بها> به منزله جواب برای <لولا أن .. > است ؛ یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. <برهان> به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد ؛ یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف ربوبیت خداوند و نعمتهای او را مشاهده می کرد (إنه ربی أحسن مثنوی). ب) یوسف(ع) با تمام وجود دریافته بود که گنه کاران و ستمگران، رستگار نمی شوند (إنه لا یفلح الظالمون). ج) او تردیدی نداشت که آمیزش با زلیخا، ظلم و معصیت خداوند است (معاذ الله ...).

۴ بهره مندی یوسف (ع) از برهان و حجت الهی (مشاهده ربوبیت

خدا و ...) عامل عصمت او از ارتکاب گناهان

لولا أن رءا برهن ربه كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

عوامل نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۲

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن

عهد با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۵،۶

۵ برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۶ برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

<مراوده> (مصدرنراود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود ...> چنین است، همانا با ملاحظت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

غذای همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۶،۷

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن ، دلیل یوسف (ع) فراروی زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لا يأتيكما طعام ترزقانه إلا تنبأتما بتأويله .. ذلکما مما علمنی ربی

۷ یوسف (ع) ، پیش از آوردن غذا برای زندانیان ، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد

قال لا يأتیکما طعام ترزقانه إلا بتأیکما بتأویله قبل أن یأتیکما

بر این اساس که ضمیر در <تأویله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لا یأتیکما..> چنین معنا می شود: یوسف(ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام > مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

غریزه جنسی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۸

۸ یوسف (ع) ، برخوردار از تمایل جنسی و توانا بر کام یابی از زنان

و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

فرار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۵،۸ - ۲

۲ یوسف (ع) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او ، به طرف درب خروجی فرار کرد .

و لقد همّت به .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۵ یوسف (ع) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۸ یوسف (ع) ، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد .

و ألفیا سیدها لدا الباب

فرجام همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵

۵ یوسف (ع)، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری

را، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضى الأمر...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

فرزندخواندگی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ انتخاب فردی به عنوان فرزند (فرزندخواندگی) ، امری متعارف در زمان یوسف (ع) ، و دارای اعتبار قانونی در دیار مصر باستان

أو نتخذہ ولدًا

فرزندخواندگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۶،۷

۶ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف (ع) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندى خود و همسرش برگزیند .

قال الذى .. أكرمی مثویہ عسى أن ینفعنا أو نتخذہ ولدًا

۷ عزیز مصر ، یاوری یوسف (ع) و گزینش او به فرزندى را ، در گرو علاقه مندى یوسف (ع) به وی و همسرش زلیخا می دانست .

أكرمی مثویہ عسى أن ینفعنا أو نتخذہ ولدًا

جمله <عسى...> تعلیل برای <أكرمی مثواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و

در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

فروش غلات در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۹

۹ تداوم سیاست یوسف (ع) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها، در دوران قحطی مصر

و جئنا بیضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا بیضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدت‌ها ادامه داشت.

فروش یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۴، ۵، ۹

۱ کاروانیان، یوسف (ع) را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز فروختند.

و شروه بثمان بخص درهم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیاره> باز می گردد. <بخص> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخوس = ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمان بخص> / یعنی، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندک بودن است.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف (ع) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمان بخص .

.. و كانوا فيه من الزهدين

جمله <و كانوا ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمان بخس> است ؛ یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری] یوسف (ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند .

۵ برادران یوسف ، او را به درمهایی اندک و بهایی ناچیز ، به کاروانیان فروختند . *

و شروه بثمان بخس

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که مراد از ضمیر فاعلی در <شروه> ، برادران یوسف باشد . بر این مبنا برادران یوسف فروشنده ، و طبعاً کاروانیان خریدار او بودند . عبارت <الذی اشتره من مصر> در آیه بعد ، می تواند مؤید این احتمال باشد ؛ زیرا این عبارت می رساند که پیش از فروش یوسف (ع) در مصر ، یک بار دیگر نیز خرید و فروش در مورد او انجام گرفته بود .

۹ > عن علی بن الحسین (ع) : ... فلما أخرجوه أقبل إليهم إخوه يوسف فقالوا هذا عبدنا ... أمنكم من يشتري هذا العبد؟ فاشتره رجل منهم بعشرين درهماً و كان إخوته فيه من الزاهدين ... ؛

از امام سجاد (ع) روایت شده است : .. هنگامی که کاروانیان یوسف را از چاه در آوردند ، برادران او به نزد آنان رفتند و گفتند : این برده ماست ... آیا از شما کسی هست که این برده را بخرد؟ پس مردی از آنان او را به بیست درهم خرید و برادران وی به او بی رغبت بودند .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱

۱ کاروان یابنده یوسف (ع) ، به مصر وارد شد و او را در آن

دیار به فروش رساند .

و شروه بثمان . . . و قال الذی اشتریه من مصر

فضایل قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، شخصی فرزانه، کاردان و عادل بود.

و شهد شاهد . . . و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد، و از آن جایی که حق را، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

فضایل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) پیامبرانی بودند که بر همه مردم عصر خویش برتری یافته بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . . . و کلا فضلنا علی العلمین

برتری یافتن هر یک از پیامبران بر همه مردم که در اولین نظر از کلمه <العالمین> به ذهن می آید مستلزم برتری یافتن هر یک از پیامبران بر دیگری است. لذا نمی توان عموم <العالمین> را حقیقی دانست، بلکه دارای عموم عرفی بوده و ناظر به همه جوامع عصر خود آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۱

۲۱ فضیلت های یوسف (ع) و نعمت های عطا شده به او و حضرت ابراهیم و اسحاق (ع) و خاندان یعقوب، جلوه هایی از

یجتیبیک ربک ... و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب ... إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۲،۴

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت.

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف (ع) در سن جوانی، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود.

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

برخی از مفسران، <حکم> را به دانش معارف الهی، احکام شریعت، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۴،۱۵

۱۴ پاک دامنی اعجاب انگیز، و عفاف شگفت آور یوسف (ع)

و رودته التی ..

و غَلَقْتَ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود .

إنه من عبادنا المخلصین

مراد از <مخلصین> (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاً در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و نه اسیر هواهای نفسانی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) از زمره نیکوکاران بود .

إننا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۴،۱۰

۴ یوسف (ع) ، از علم غیب برخوردار بود .

قال لا یأتیکما طعام ترزقانه إلا نأتیکما بتأویله

ضمیر در <بتأویله> محتمل است به <طعام> باز گردد ، و ممکن است مراد از آن رؤیای هر یک از هم بندان یوسف(ع) باشد. بر اساس احتمال نخست ، جمله <قال لا یأتیکما...> حاکی از این است که یوسف(ع) ، از غیب مطلع بوده است.

۱۰ آگاهی یوسف (ع) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیایها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف (ع) بود .

ذلکما مما علمنی ربی

<من> در <مما> می تواند برای تبعیض باشد و

محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف (ع) از آینده و آگاهی او به غیب

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

مفاد <قضی الأمر...> تأویل و تفسیر رؤیای هم بندگان یوسف نیست ؛ بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا ، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

۱۲ یوسف (ع) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا .. قال تزرعون

یوسف (ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی ، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف (ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به .. فسله ما بال النسوه التی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۸

۸ یوسف (ع) ، برخوردار از عفتی اعجاب برانگیز و درخور برترین ستایش

قلن حش لله

<حاش لله> سخنی است که از شدت شگفت زدگی حکایت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۷

۷ یوسف (ع) انسانی مقتدر و امین و شایسته اعتماد بود .

إنك اليوم لدینا مکین أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ اقتدار کامل و بدون منازع یوسف (ع) در مصر ، پرتوی از رحمت خاص خداوند بر او بود .

كذلك مکننا لیوسف .. نصیب برحمتنا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۹

۹ یوسف (ع) نمونه ای بارز از مؤمنان تقوایبشه و باورداران به سرای آخرت

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و كانوا یتقون

از مصداقهای مورد نظر برای <الذین آمنوا ..> به قرینه آیات قبل ، یوسف (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۶،۷،۸

۶ یوسف (ع) سهمیه و جیره افراد را همواره عادلانه و بدون کمترین نقصی به آنان پرداخت می کرد .

کیل (پیمانہ کردن) مصدر است و در آیه شریفه، به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن آذوقه و غلات است. <ایفاء> (مصدر اوفی) به معنای پرداختن به طور کامل و بدون نقص و کاستی است. آوردن فعل مضارع (اوفی) به جای

فعل ماضی <وفیت> اشاره به روش مستمر یوسف(ع) در ایفای کیل دارد.

۷ یوسف (ع) از میهمانان و کسانی که برای تهیه آذوقه و دریافت سهمیه به او مراجعه می کردند ، به خوبی پذیرایی می کرد

ألا ترون .. أنا خیر المنزلین

<نزول> به طعام و مانند آن که برای میهمان تهیه شده گفته می شود و <نزیل> به معنای میهمان است. <منزلین> در آیه شریفه از همین ماده گرفته شده و به معنای میزبانها و مهمان نوازان می باشد.

۸ یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنى أوفى الكیل و أنا خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزّه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلا تبئس بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲۱،۲۶

۲۱ موفقیت یوسف (ع) در طرح و اجرای نقشه برای ننگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تروی

كذلك كدنا لیوسف ... نرفع درجت من نشاء و فوق كل ذی علم علیم

مصدق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

۲۶ برادران یوسف برخوردار از علم و دانش و یوسف (ع) عالم تر و آگاه تر از همه آنان

و فوق كل ذی علم علیم

معنایی که برای جمله فوق در برداشت قبل آمد ، مصداق مورد نظر برای <علیم> یوسف است و مصداق <کل ذی علم> برادران او هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فَأَسْرَهَا يَوْسُفَ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يَبْدِهَا لَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۹

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) ، انسانی با گذشت ، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود .

هَلْ عَلَّمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقوای پیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، برتر و با فضیلت تر از سایر برادرانش بود .

لقد ءاثرک الله علینا

<ایثار> (مصدر آثر) به معنای برتری دادن و اختیار کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۲

۲ یوسف (ع) انسانی

با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لا تثریب علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۶،۷

۶ آگاهی یوسف (ع) از غیب و اطلاع او بر حوادثی از آینده

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیراً

تأثیر پیراهن یوسف (ع) بر چشمان یعقوب (ع) و بینا شدن آنها ، از امور غیبی است و یوسف (ع) از آن آگاه بود.

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیراً

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف (ع) در بینا شدن چشم یعقوب (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۵،۸

۵ خداوند ، اعطا کننده حکومت و فرمانروایی به یوسف (ع)

رب قد ءاتیننی من الملک

۸ یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتنی من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

فضایلیوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴

۴ احترام ویژه یوسف (ع)

(به پدر و مادر خویش

و رفع أبویه علی العرش

فلسفه استمرار زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ > عن أبي عبد الله (ع) :... [في قول الله] > قال للذي ظنَّ أنه ناجٍ منهما اذكرني عند ربك < قال : و لم يفرع يوسف في حاله إلى الله فيدعوه فلذلك قال الله > فأנסاه الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن بضع سنين < ... ;

از امام صادق(ع): .. [درباره سخن خدا] > قال للذي ... اذكرني عند ربك < روایت شده است که فرمود: یوسف در آن حال به خداوند پناه نبرد که او را بخواند. برای همین است که خدا فرمود: فأנסاه الشيطان ذكر ربه ... <.

فلسفه بیان قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلی دهنده پیامبر (ص) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان > ما أكثر الناس .. < با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم يمكرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبدا از ایمان نیابردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

فلسفه تدبیر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا\$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

فلسفه خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلني علي خزائن الأرض

فلسفه دادخواهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۲، ۳، ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلك ليعلم أني لم أخنه بالغيب

چنان چه <ذلك ليعلم...> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلك ليعلم...> یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بدانند من در نهان به او خیانتی نکردم.

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی

و درخواست بازجویی از زنان ، در صدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی در صدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلك ليعلم .. أن الله لا يهدى كيد الخائنين

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لا يهدى .. > عطف بر <أنى ... > است ؛ یعنی: <ذلك ليعلم أن الله ... >. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

فلسفه ذکر قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربك علیم حکیم. لقد كان فی يوسف و إخوته آیت للسائلین

فلسفه زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

فلسفه زندانی کردن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۲۳

۲ تصمیم قاطع دولت مردان

مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم .. لیسجنه

۳ گناهکار وانمود کردن یوسف (ع) ، از اهداف زندانی ساختن او *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت لیسجنه

قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱ ، ۱۰ ، ۹

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدّ من قُبَل

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدّ

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قمیصه قُدّ من قُبَل فصدقت و هو من الكذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

و إن كان .. و هو من الصدقین

قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۸،۹

۸ برادران

یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تکونوا من بعده قومًا صالحین

مراد از صلاح در <قوماً صالحین> صلاح امور دنیوی است ؛ زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تکونوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف .. و تکونوا من بعده قومًا صالحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف ... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

قدرت جنسی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۳

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف (ع) ، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و

موانع را برطرف کرده بود، با جمله <هم بها لولا...> تنها مانع یوسف(ع) را، مشاهده برهان الهی معرفی کرد تا گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

قدرت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقوای پیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

قرآن و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۸،۹

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم وهم يمكرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمت های آن می باشد.

۹ بیان قرآن درباره مکرها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم وهم يمكرون

جمله <و ما كنت لديهم...> به منزله تعلیل برای <ذلك من أنباء الغیب...> است.

قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱۱،۹،۸،۶،۵،۴،۳،۱

(در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إني رأيت أحد عشر كوكبا والشمس والقمر رأيتهم لي سجدین

۳ یوسف (ع) هیچ ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

إني رأيت أحد عشر كوكبا . . . رأيتهم لي سجدین

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبا . . . رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

۵ یوسف (ع) رؤیای شکفت خویش را برای پدرش (یعقوب (ع)) بیان کرد .

إذ قال يوسف لأبيه يأتني رأيت

۶ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال يوسف لأبيه يأتني . . . بيني

تعبیر <يأتني> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <بينني> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

۸ > عن أبي جعفر (ع) : . . . رأی یوسف هذه الرؤيا و له تسع سنين فقصةها على أبيه . . . و كان يوسف من أحسن الناس وجهاً و كان يعقوب يحبه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده: . . . یوسف این خواب را در سن نه سالگی دید و

آن را برای پدرش نقل کرد ... یوسف از تمام مردم زیبا صورت تر بود و یعقوب او را دوست می داشت <.

۹ > عن أبي جعفر (ع) : ... تأويل هذه الرؤيا أنه سيملك مصر و يدخل عليه أبواه و إخوته أما الشمس فأُمّ يوسف راحيل و القمر يعقوب و أما أحد عشر كوكباً فإخوته فلما دخلوا عليه سجدوا شكراً لله و حده حين نظروا إليه ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده: تأویل این خواب یوسف این است که او به زودی بر مصر پادشاهی خواهد کرد و پدر و مادر و برادرانش بر او وارد می شوند ؛ اما خورشید مادر یوسف <راحیل> و ماه <یعقوب> و یازده ستاره <برادران او> هستند. پس هنگامی که بر او وارد شدند و به او نظر افکندند برای خدا سجده شکر کردند ...<.

۱۱ > قال أبو حمزة : فقلت لعلی بن الحسین (ع) : متى رأى يوسف الرؤيا ؟ فقال : فى تلك الليلة التى بات فيها يعقوب و ولده شباعاً و بات فيها ذمىال جائعاً رائهاً ... ;

ابو حمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم چه وقت یوسف(ع) این خواب را دید؟، فرمود: همان شبی که یعقوب و فرزندانش با شکم سیر خوابیدند و ذمیال با شکم گرسنه و در حال ناراحتی خوابید ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۳، ۲۰، ۱۴، ۱۳، ۶، ۵، ۴، ۱

۱ یعقوب (ع) ، فرزندش یوسف (ع) را از نقل خواب خویش برای برادرانش بر حذر داشت .

بینی لا تقصص رءیاك على إخوتك

۴ یعقوب (ع)

مطمئن به مکر و کید فرزندان‌ش علیه یوسف (ع) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیداً

چنان چه یعقوب(ع) اطمینان و یقین به کید و مکر فرزندان‌ش علیه یوسف(ع) نداشت ، پس از نقل رؤیا می فرمود: <فإنی أخاف أن یکیدوا .. > (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

۵ یعقوب (ع) ، نگران آسیب دیدن یوسف (ع) از ناحیه برادرانش

فیکیدوا لک کیداً

۶ یعقوب (ع) پیش بینی می کرد که همه فرزندان‌ش علیه یوسف (ع) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لک کیداً

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

۱۳ رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال بینی

کلمه <بنی> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <بینی> ؛ یعنی، ای پسر کوچک من.

۱۴ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت .. قال بینی لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <بینی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

۲۰ برادران یوسف ، در خطر گرفتاری به دام دشمنی های شیطان در صورت شنیدن رؤیای یوسف (ع)

فیکیدوا لک کیداً إن الشیطن للإنسن عدو مبین

۲۳ > عن علی بن الحسین (ع)

... فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها على أبيه يعقوب ... فقال يعقوب ليوسف : لا تقصص رؤياك هذه على إخوتك .
.. فلم يكتف يوسف رؤياه فقصّها على إخوته ... ;

از امام سجاده (ع) روایت شده ... هنگامی که یوسف آن خواب را دید و بامداد برای پدرش یعقوب بازگو کرد ... یعقوب به یوسف گفت: این خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن ... یوسف خواب خود را پوشیده نداشت و برای برادرانش بازگو کرد ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱

۱ رؤیای یوسف (ع) حاکی از برگزیده شدنش از ناحیه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و کذلک یجتیبک ربک

<اجتباء> به معنای گزینش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراین <یجتیبک ربک> یعنی ، پروردگارت تو را برمی گزیند و برای خویش خالص می گرداند ، به طوری که نصیبی در تو برای غیر او نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتیبک ربک و یعلمک .. لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسلین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات> ، <اجتبا و گزینش یوسف (ع) و ..> باشد که از جمله های <کذلک یجتیبک ربک و ...> به

دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۸،۱۵

۸ حسادت برادران یوسف به وی ، آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلي أبينا منا

۱۵ > عن علي بن الحسين (ع) : . . . فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها علي أبيه يعقوب ، فاعتم يعقوب لما سمع من يوسف مع ما أوحى الله عزوجل إليه أن استعد للبلاء . . . و خاف أن يكون ما أوحى الله عزوجل إليه من الإستعداد للبلاء هو في يوسف خاصّه فاشتدت رفته عليه من بين ولده فلما رأى إخوه يوسف ما يصنع يعقوب بيوسف و تكرمته إياه و إيثاره إياه عليهم إشتد ذلك عليهم . . . و قالوا : إن يوسف و أخاه > أحب إلي أبينا منّا < . . . ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . هنگامی که یوسف (ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او وحی کرد که آماده بلا- باش غمگین شد . . . و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد ؛ چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرمی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد . . . و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند < .

جلد - نام سوره - سوره

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً

جمله <اقتلوا یوسف..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲ اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۵ برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب (ع) نمی دیدند .

لیوسف و أخوه أحب .. اقتلوا یوسف ... یخل لکم وجه أییکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند ؛ ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین ، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

۷ برادران یوسف حضور او در نزد یعقوب را ، مایه تلخ کامی و نابسامانی خویش می دانستند .

اقتلوا یوسف .. تکونوا من بعده قومًا صلحین

۸ برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضاً .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

مراد از صلاح در <قومًا صالحین> صلاح امور

دنیوی است؛ زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تکونوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او، توبه کرده و درستکار شوند. *

اقتلوا یوسف .. و تکونوا من بعده قوماً صالحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

۱۱ > عن علی بن الحسین (ع) فی قوله تعالی : <وتکونوا من بعده قوماً صالحین> ای تتوبون؛

از امام سجاد(ع) روایت شده که درباره سخن خدا که می فرماید: [برادران یوسف گفتند:] <وتکونوا من بعده قوماً صالحین> فرمود: یعنی بعد از آن توبه می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت.

قال قائل منهم لا تقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از

برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود.

لا تقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب .. إن کنتم فعلین

جمله شرطی <إن کنتم فاعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف (ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود، یعنی، <إن کنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند.

قال قائل منهم لا تقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جَبَّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت بر آنند که <جَبَّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود.

لا تقتلوا یوسف .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه)

أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .
یلتقطه بعض السیاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

۷ > عن علی بن الحسین (ع) : ... قال کبیرهم > ولاتقتلوا یوسف < و لکن > ألقوه فی غیابت الجب < ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: ... که برادر بزرگ تر آنان گفت: یوسف را نکشید ، ولی او را در مخفی گاه چاه قرار دهید.

۸ > عن أبی جعفر (ع) : ... فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ... پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . . . قالوا یاأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان

طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

۳ یعقوب (ع) از سپردن یوسف (ع) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لک لا تأمنا علی یوسف

۴ بردن یوسف (ع) از نزد یعقوب (ع) ، مشکل اساسی برادران یوسف در اجرای توطئه علیه او

قالوا یا بانا ما لک لا تأمنا علی یوسف

۵ زمینه سازی برادران یوسف جهت جلب رضایت پدر در بردن یوسف (ع)

یا بانا ما لک لا تأمنا علی یوسف

۶ فرزندان یعقوب ، با دروغ و نیرنگ در صدد برآمدند تا اعتماد وی را جلب کرده و رضایت او را در سپردن یوسف (ع) به ایشان فراهم سازند .

و إنا له لنصحن

۷ برادران یوسف با حضور در پیشگاه یعقوب (ع) لب به شکایت گشوده و از بی اعتمادی او نسبت به آنان درباره یوسف (ع) انتقاد کردند .

قالوا یا بانا ما لک لا تأمنا

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف (ع) تأکید کردند .

ما لک لا تأمنا علی یوسف و إنا له لنصحن

۹ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به او ، و تحریک احساسات وی در صدد فریب دادن او بودند .

قالوا یا بانا ما لک لا تأمنا علی یوسف

برداشت فوق ، از خطاب <یا بانا> (ای پدر جانمان) و نیز لحن کلام <ما لک لا تأمنا ..> (چه شده است که به ما درباره یوسف بی اعتماد هستی) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۱ ، ۸ ، ۶ ، ۵ ، ۴ ، ۳ ، ۲ ، ۱

۱ فرزندان یعقوب ، پس از طرح توطئه علیه یوسف (ع) از

او خواستند تا یوسف (ع) را همراه آنان به مرتع بفرستد .

أرسله معنا غداً

۲ برادران یوسف ، زمان اجرای توطئه علیه او را ، فردای همان روز مشورت با یکدیگر و گفت و گو با پدرشان تعیین کردند .

إذ قالوا .. قالوا یا بانا ... أرسله معنا غداً

۳ برادران یوسف در اجرای نقشه شوم خویش علیه او ، تعجیل داشتند و درنگ را روا نمی دانستند .

أرسله معنا غداً

برداشت فوق، از تصریح برادران او به اینکه <فردا یوسف(ع) را به همراه ما بفرست > استفاده می شود.

۴ برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیازهای طبیعی یوسف (ع) (حضور در مرتع و گردش و بازی) درصدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند .

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

<رتع > (مصدر یرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها ، مزارع و مراتع است.

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

۶ یوسف (ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است .

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

برداشت فوق ، از فعل <یلعب > (بازی کنند) به دست می آید ؛ زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف (ع) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید فراوان ، از

آوردن جمله اسمیه به همراه <إِنَّ> و <لَا م> تأکید استفاده می شود.

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) :... فقالوا كما حكى الله عزوجل <... أرسله معنا غداً يرتع ويلعب > أي يركع الغنم ويلعب ۱

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً يرتع ويلعب > یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۹

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع) ، از اعتذار های یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لا تأمناً .. قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

۴ یعقوب (ع) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف (ع) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب

۷ غفلت برادران از حراست یوسف (ع) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب (ع) نبود .

أخاف أن يأكله الذئب و أتم عنه غفلون

۸ > عن أبي عبد الله (ع)

(قال : إن بنى يعقوب لما سألوا أباهم يعقوب أن يأذن ليوسف فى الخروج معهم قال لهم > إني أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غافلون < . . . قُرب يعقوب لهم العله اعتلوا بها فى يوسف (ع) ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: فرزندان یعقوب هنگامی که از پدر خواستند تا اذن دهد که یوسف با آنان بیرون رود، پدرشان گفت: من می ترسم که او را گرگ بخورد و شما از او غافل باشید . . . پس یعقوب عذری را که آنان برای نیاوردن یوسف اظهار کردند به [ذهن آنان] نزدیک کرد.

۹ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال یعقوب (ع) > إني ليحزنني أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب < فانترعه حذراً عليه من أن تكون البلوى من الله عزوجل على يعقوب فى يوسف خاصه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . . . یعقوب [به فرزندان] گفت: > بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد < ; پس یوسف را از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلایی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳،۴،۵

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف .. قالوا لئن أكله الذئب و

۴ تأکید برادران یوسف بر بی لیاقتی خویش در صورت ناتوانی از حراست یوسف (ع)

لئن أكله الذئب و نحن عصبه إنا إذا لخسرون

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند.

إنا إذا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ - ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش، موافقت او را برای فرستادن یوسف (ع) به همراه خود جلب کردند.

إنا له لحفظون .. فلما ذهبوا به

۴ برادران یوسف تا قبل از بردن او به صحرا، نسبت به سرنوشت او به نظر قطعی نرسیده بودند. *

فلما ذهبوا به و أجمعوا

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای اتفاق نظر و عقیده و نیز به معنای تصمیم گرفتن و مهیای انجام کاری شدن است. برداشت فوق، ناظر به معنای نخست است.

۵ برادران یوسف در توطئه علیه او، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند.

و ألقوه فی غیبت الجب .. و أجمعوا أن يجعلوه فی غیبت الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

۶ برادران یوسف پس از همراه بردن او، همگی خود را برای نهادن وی در نهانخانه چاه، مهیا ساختند.

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه فی غیبت الجب

در برداشت فوق <اجماع> به معنای تصمیم گرفتن و مهیای

انجام کار شدن گرفته شده است. قابل ذکر است که آیات پیشین (۹، ۱۰ و ۱۱) مؤید این معنا می باشد.

۷ صحنه نهادن یوسف در چاه به دست برادرانش، صحنه ای بس فجیع و اندوه بار بود.

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه في غيب الجب

<لما> حرف شرط است و جواب آن در آیه شریفه ذکر نشده است. هدف از نیاوردن جواب، تفهیم فجیع بودن و اندوه بار بودن اموری است که هنگام قرار دادن یوسف در چاه پیش آمد / یعنی، آن گاه که برادران یوسف مصمم شدند او را در چاه قرار دهند، اموری واقع شد که طاقت شنیدنش را ندارید.

۸ خداوند یوسف (ع) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش، نوید داد.

و أوحينا إليه لتنبئهم بأمرهم هذا

جمله <لتنبئهم> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف (ع) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن يجعلوه في غيب الجب و أوحينا إليه

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف (ع) به برادرانش، محتوای وحی خداوند به یوسف (ع)

و أوحينا إليه لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون

۱۴ خداوند به یوسف (ع) خبر داد که ملاقات او با برادرانش، پس از داستان چاه کنعان، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت.

لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون

جمله حالیه

<و هم لایشعرون> متعلق به <لتبئتن> است ؛ یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع) بر برادرانش در دیدار مجدد، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

و أوحینا إليه لتبئنههم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

۱۷ > قال أبو حمزة: فقلت لعلی بن الحسین (ع): إبن کم کان یوسف یوم ألقوه فی الجبّ؟ فقال: إبن تسع سنین... ؛

أبو حمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم: زمانی که یوسف را در چاه انداختند چند ساله بود؟ فرمود: نه ساله...<

۱۸ > قال رسول الله (ص) لما ألقى یوسف فی الجبّ أراه جبرئیل علیه السلام فقال له: یا غلام، من ألقاک فی هذا الجبّ؟ قال: إختوی. قال: و لِمَ؟ قال: لمودّه أبی إیای حسدونی... ؛

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل

نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت: چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...>

۱۹ > عن أبي جعفر (ع) في قوله < لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون > يقول: لا يشعرون أنك أنت يوسف...؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند < لتنبئهم.. و هم لا يشعرون > روایت شده که می فرمود: [یعنی] نمی دانند تو همان یوسفی...>.

۲۰ > عن علي بن الحسين (ع) :... فانطلقوا به مسرعين مخافه أن يأخذهم منهم و لا يدفعه إليهم...؛

از امام سجاد(ع) روایت شده است: .. یوسف را با سرعت بردند ، مبادا یعقوب او را از دست آنان بگیرد و به آنان ندهد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب ، پس از رها ساختن یوسف (ع) در چاه ، گریان نزد پدر آمدند .

و جاء و أباهم عشاءً يبكون

علل الشرايع، ص ۴۷، ح ۱، ب ۴۱، نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۷.

۲ برادران یوسف برای حق جلوه دادن صحنه های دروغین ، حضور خویش در نزد پدر را تا شامگاهان به تأخیر انداختند .

و جاء و أباهم عشاءً

<عشاء> به اول تاریکی شب گفته می شود و برخی از اهل لغت گفته اند: <عشاء> از اول مغرب است تا سپری شدن ثلث شب. تصریح قرآن به زمان گزارش دروغین (شامگاهان) اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱ برادران یوسف، پیش از حضور در نزد یعقوب (ع) با هماهنگی کامل، دروغهایی را برای ارائه به او، ساخته و پرداخته کردند.

قالوا یا بانا إنا ذهبنا .. فأکله الذئب

روشن است که همه فرزندان یعقوب در حضور او لب به سخن نگشودند و گزارش ندادند؛ بلکه یکی از آنان سخن می گفت. بنابراین نسبت دادن آن سخنان دروغین به همه ایشان (قالوا) گویای این است که آنان از پیش دروغها را بافته و تبادل نظر کرده بودند و همگی بر آن اتفاق نظر داشتند.

۲ طعمه گرگ شدن یوسف (ع)، گزارشی دروغین برادران او به پدرشان یعقوب

قالوا .. فأکله الذئب

۳ غفلت از یوسف (ع) به خاطر سرگرمی به دویدن و مسابقه دادن، اعتذار دروغین برادران او در توجیه طعمه گرگ شدن یوسف (ع)

یا بانا إنا ذهبنا نستبق و ترکنا یوسف عند متعنا

<استباق> به معنای مسابقه دادن و پیشی گرفتن است و جمله <نستبق> حال برای فاعل <ذهبنا> است. بنابراین <ذهبنا نستبق>؛ یعنی، می رفتیم در حالی که با یکدیگر مسابقه می دادیم. رفتن و مسابقه دادن با مسابقه تیراندازی یا اسب دوانی مطابقتی ندارد؛ بلکه با مسابقه دویدن منطبق است.

۵ برادران یوسف در داستان ساختگی خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) ناخواسته به کوتاهی در حراست از یوسف (ع) اعتراف کردند.

إنا له لحفظون .. ذهبنا نستبق ... فأکله الذئب

۶ یعقوب (ع) ادعای فرزندانش درباره یوسف (ع) (طعمه گرگ شدن او) را باور نکرد و

آن را نپذیرفت .

و ما أنت بمؤمن لنا

۸ اطمینان برادران یوسف به ناموفق بودن صحنه سازیهایشان در باوراندن دروغ های خود به یعقوب (ع)

و ما أنت بمؤمن لنا و لو كنا صدقین

<ایمان> به معنای تصدیق کردن شخص و باور کردن مدعای اوست. آوردن جمله اسمیه به همراه <باء> زائده که برای تأکید است حکایت از اطمینان برادران یوسف به مضمون جمله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۹، ۲۰، ۲۱ - ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۲۱

۱ برادران یوسف قبل از قرار دادن او در چاه ، پیراهن او را از بدنش خارج کردند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۲ برادران یوسف ، پیراهن وی را به خونی دروغین (خونی غیر از خون او) آغشته کردند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۳ برادران یوسف با ارائه پیراهن خونین او به یعقوب (ع) ، درصدد اثبات ادعای ساختگی خویش برآمدند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف ، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاءو> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاءو...> یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند ، به خوبی نشان می داد که

خون یوسف نیست .

جاء و علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) را آشکار کردند . *

و جاء و علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب (ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

۷ یعقوب (ع) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد .

فأكله الذئب .. قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

<تسویل> (مصدر سؤلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند به صورت امری نیکوست و مراد از <أمراً> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سؤلت ...> چنین معنا می شود: آنچه گفتید صحت ندارد ؛ بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

۸ اطمینان یعقوب (ع) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف (ع)

بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

کلمه <بل> می رساند که یعقوب (ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت و

جمله <سؤلت لکم .. > بیانگر این نکته است که او به توطئه آنان علیه یوسف (ع) اطمینان پیدا کرد.

۹ یعقوب (ع) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را ، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف (ع) دانست .

بل سؤلت لکم أنفسکم أمراً

۱۱ تصمیم یعقوب (ع) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف (ع) و پی گیری نکردن آن

بل سؤلت لکم ... والله المستعان علی ما تصفون

۱۹ > عن أبي عبدالله (ع) قال لما أوتى بقميص يوسف إلى يعقوب ... كان به نضح من دم ؛

از امام صادق (ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد .. روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود.<

۲۰ > عن أبي جعفر (ع) في قوله < و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب > قال : إنهم ذبحوا جدياً علی قمیصه ؛

از امام باقر (ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: < و جاؤوا .. > فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند.<

۲۱ > عن علی بن الحسین (ع) ... قال [یعقوب لهم] بل سؤلت لکم أنفسکم أمراً و ما كان الله ليطعم لحم يوسف الذئب من قبل أن أرى تأويل رؤياه الصادقه ؛

از امام سجاد (ع) روایت شده است: .. یعقوب به برادران یوسف گفت: <بل سؤلت لکم أنفسکم أمراً> و چنین نیست که خدا گوشت یوسف را به خورد گرگ بدهد، قبل از آنکه تأویل خواب راستین او را ببینم.<

جلد - نام سوره - سوره

۱ کاروانی در اطراف چاهی که یوسف (ع) در آن بود، منزل گزیدند و مأمور تهیه آب را به سوی آن چاه روانه کردند.

و جاءت سیّاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسی که برای تهیه آب بر سر چاه، نهر و مانند آن می رود، گفته می شود.

۲ آب آور کاروان به منظور آب کشیدن، دلو خویش را در چاه کنعان افکند و برخلاف انتظار، کودکی را از آن بیرون آورد.

فأدلی دلوه قال يبشري هذا غلم

<أدلاء> (مصدر أدلی) به معنای فرستادن <دلو> است. <غلام> به پسر کوچک گفته می شود (مصباح المنیر).

۳ یوسف (ع) با چنگ زدن به طناب و دلو آب آور کاروان، خود را از چاه نجات داد.

فأرسلوا واردهم فأدلی دلوه قال يبشري هذا غلم

۴ آب آور کاروان، از یافتن یوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش بشارت داد.

قال يبشري هذا غلم

۵ کاروان یابنده یوسف (ع)، او را به عنوان کالای تجاری به همراه خود بردند.

و أسروه بضعه

<بضاعه> به مال و کالایی اطلاق می شود که برای تجارت قرار داده شده است.

۶ کاروان یابنده یوسف (ع) به منظور کالای تجاری قرار دادن او، سعی در مخفی ساختن وی داشتند.

و أسروه بضعه

در فعل <أسروا> (پنهان ساختند) معنای جعل و قرار دادن اشراب شده است؛ از این رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معنای جمله نیز چنین می شود: یوسف (ع)

را کالای تجارتي قرار دادند و او را پنهان ساختند.

۷ نجات یوسف (ع) از چاه سرآغاز بردگی او

و أسروه بضعه

بضاعت و کالای تجارتي قرار دادن انسان، مستلزم برده بودن و یا برده شمردن اوست.

۱۳ اتراق کاروانیان در اطراف چاه کنعان، نجات دادن یوسف (ع) از آن چاه و به همراه خویش بردن او، به تقدیر خداوند و تحت نظارت دقیق او انجام می گرفت.

و جاءت سیاره... والله علیم بما یعملون

مراد از <ما> در <ما یعملون> می تواند کالا قرار دادن یوسف (ع) باشد (أسروه بضاعه). و نیز محتمل است همه داستان کاروان، در رابطه با یوسف (ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (کالا قرار دادن) کنایه از کیفردهی است و بنابر فرض دوم، علم خدا کنایه از تقدیر و تدبیر اوست / یعنی، تمام مقدماتی که مایه نجات یوسف (ع) از چاه شد (گذر کردن کاروان در اطراف کنعان، منزل کردن در اطراف چاه و...) همه به نظارت خدا و تدبیر او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۹، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ کاروانیان، یوسف (ع) را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز فروختند.

و شروه بثمان بخرم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیاره> باز می گردد. <بخرم> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخرس = ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمان بخرم> / یعنی، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندک

بودن است.

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و خویشان را مالک او می شمردند .

أَسْرُوه بضعه .. و شروه بثمان

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

۳ کاروانیان یابنده یوسف (ع) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شروه .. و کانوا فیه من الزهدین

<زهده> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. از این رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف (ع) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمان بخس .. و کانوا فیه من الزهدین

جمله <و کانوا ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمان بخس> است ؛ یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری] یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

۵ برادران یوسف ، او را به درمهایی اندک و بهایی ناچیز ، به کاروانیان فروختند . *

و شروه بثمان بخس

برداشت فوق، براساس این احتمال است که مراد از ضمیر فاعلی در <شروه>، برادران یوسف باشد. بر این مبنا برادران یوسف فروشنده، و طبعاً کاروانیان خریدار او بودند. عبارت <الذی اشتراه من مصر> در آیه بعد، می تواند مؤید این احتمال باشد ؛ زیرا این عبارت می

رساند که پیش از فروش یوسف (ع) در مصر، یک بار دیگر نیز خرید و فروش در مورد او انجام گرفته بود.

۶ یوسف (ع) در نزد برادرانش، شخصی بی مقدار و کم ارزش بود. *

و کانوا فیه من الزهیدین

در برداشت فوق، ضمیر در <کانوا> به برادران یوسف باز گردانده شده است.

۹ > عن علی بن الحسین (ع) : ... فلما أخرجوه أقبل إليهم إخوه يوسف فقالوا هذا عبدنا ... أمنكم من يشتري هذا العبد؟ فاشتره رجل منهم بعشرين درهماً و كان إخوته فیه من الزاهدین ... ;

از امام سجاد (ع) روایت شده است: ... هنگامی که کاروانیان یوسف را از چاه درآوردند، برادران او به نزد آنان رفتند و گفتند: این برده ماست ... آیا از شما کسی هست که این برده را بخرد؟ پس مردی از آنان او را به بیست درهم خرید و برادران وی به او بی رغبت بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷، ۶، ۳، ۲، ۱

۱ کاروان یابنده یوسف (ع)، به مصر وارد شد و او را در آن دیار به فروش رساند.

و شروه بثمان .. و قال الذی اشتریه من مصر

۲ عزیز مصر، یوسف (ع) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد.

و قال الذی اشتریه من مصر

<من مصر> محتمل است متعلق به <اشتره> باشد، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتره> باشد. برداشت فوق، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد، بیانگر آن است که مراد

از <الذی اشتراه>، عزیز مصر است.

۳ خریدار یوسف (ع) (همسر زلیخا) از شهروندان مصری بود.

و قال الذی اشتراه من مصر

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <من مصر> متعلق به محذوف و توصیفی برای <الذی اشتراه> باشد؛ یعنی: قال الذی اشتراه و هو من اهل مصر.

۶ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف (ع) در امور خویش بهره گیرد، و یا او را به فرزندى خود و همسرش برگزیند.

قال الذی .. أكرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذہ ولدًا

۷ عزیز مصر، یاوری یوسف (ع) و گزینش او به فرزندى را، در گرو علاقه مندى یوسف (ع) به وی و همسرش زلیخا می دانست.

أكرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذہ ولدًا

جمله <عسی..> تعلیل برای <أكرمی مثواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

۸ عزیز مصر، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد.

لامرأته أكرمی مثویه

<مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أكرمی مثواه>؛ یعنی، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

۱۱ خداوند، با

وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصر، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد.

و كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مَكَّنَّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <في الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مَكَّنَّا> در آیه شریفه، معنای دوم است.

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود.

و كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض و لنعلِّمه من تأويل الأحاديث

عبارت <لنعلِّمه> عطف بر عبارتی مقدر است؛ یعنی: مَكَّنَّا ليوسف لنفعل كذا و لنعلِّمه ..؛ مراد از لنفعل كذا، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأيتهم لي ساجدين لي> و <كذلك يجتئيك ربك ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید.

أكرمي مثويه .. و لما بلغ أشده

کلمه <أشَدَّ> چنانچه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشَدَّ>؛ یعنی، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد، شامل توان جسمی و عقلی است.

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی

و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ؛ زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف (ع) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸ ، ۲۱ ، ۲۰ ، ۱۹ ، ۱۸ ، ۱۵ ، ۱۰ ، ۹ ، ۸ ، ۶ ، ۵ ، ۴ ، ۳ ، ۲ ، ۱

۱ زلیخا ، شیفته و شیدای یوسف (ع) شد .

و رودته التي هو فی بیتها .. و غلقت الأبواب

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف (ع) ، او را به وصال خویش فرامی خواند .

و رودته التي هو فی بیتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودت) به معنای درخواست کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست

می باشد. بنابراین <راودته ...> یعنی، زلیخا با ملاطفت و اظهار عشق و علاقه از یوسف(ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف (ع) به منظور کام جویی، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت .

و روده التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد یروود> که مروده از آن است، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

۴ یوسف (ع)، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) امتناع میورزید .

و روده التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مروده، کشمکش و نزاع میان طرفین را قید کرده و گفته اند: <مروده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق، براساس این معناست.

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف (ع)، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف (ع) به خواسته های خویش

و روده التی هو فی بیتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التی هو فی بیتها> (آن زن که یوسف در خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلط زلیخا بر یوسف(ع) را برساند.

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند .

روده ...

و غَلَّقَتِ الأبوابَ و قالت هیت لک

<تغلیق> (مصدر غَلَّقَت) به معنای قفل کردن است. <هیت لک> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۸ زلیخا، همه شرایط و امکانات را برای کام جویی از یوسف (ع) فراهم کرده بود.

رودته ... و غَلَّقَتِ الأبوابَ و قالت هیت لک

۹ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او، تمنای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد.

رودته ... و قالت هیت لک قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است؛ یعنی، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۰ یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی (تمنای زلیخا، ابراز اشتیاق او، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها) به خدا پناه برد.

قال معاذ الله

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی، انسانی موحد، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود.

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۱۸ زلیخا، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد.

رودته التی هو فی بیتها .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی ..> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود؛ یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف (ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود؛ ولی یوسف (ع) با جمله <إنه

ربی ... < بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

۱۹ زلیخا به دلیل اکرام یوسف (ع) و خدمت به او، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضای نامشروعش، تسلیم وی باشد.

رودته الی هو فی بیتها .. قال ... إنه ربی

۲۰ یوسف (ع) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است.

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در < إنه > به < الله > باز می گردد و در برداشت فوق، جمله < إنه ربی > تعلیل برای < معاذ الله > گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد / زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت، قدرشناسی و سپاس دانست.

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۲ یوسف (ع)، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را، کفران احسان های خداوند به خویش دانست.

إنه ربی أحسن مثوای

۲۸ یوسف (ع)، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را، مصداقی از ستم کاری می دانست.

إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ زلیخا، پس از استکفاف یوسف (ع) از وصال

او، بر آن شد تا با قهر و غلبه از وی کام بگیرد.

و لقد همّت به

کلمه <همّه> و مشتقات آن، اگر به وسیله حرف <باء> متعدی شود، به معنای قصد کردن است. بنابراین <و لقد همّت به> یعنی، همانا زلیخا قصد یوسف (ع) کرد تا از او کام بگیرد، و چون زلیخا از پیش نیز چنین قصدی داشت (رودته التی ...)، معلوم می شود مراد از این قصد، عزمی دیگر است و آن به قرینه <استبقا...> در آیه بعد آهنگ انجام آن با قهر و غلبه است.

۲ مشاهده حجت و برهان الهی، تنها مانع یوسف (ع) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله <همّ بها> به منزله جواب برای <لولا أن...> است، یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. <برهان> به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد، یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف ربوبیت خداوند و نعمتهای او را مشاهده می کرد (إنه ربی أحسن مثنوی). ب) یوسف (ع) با تمام وجود دریافته بود که گنه کاران و ستمگران، رستگار نمی شوند (إنه لا یفلح الظالمون). ج) او تردیدی نداشت که آمیزش با زلیخا، ظلم و معصیت خداوند است (معاذالله...).

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف (ع)، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که

زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله <همّ بها لولا...> تنها مانع یوسف (ع) را، مشاهده برهان الهی معرفی کرد تا گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

۵ خداوند، با ارائه برهان به یوسف (ع)، او را از آمیزش با زلیخا (زنا) و نگاه های شهوانی به وی، حفظ کرد و مصون داشت.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

۶ یوسف (ع)، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی، مصون و معصوم بود.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

۱۳ > عن الرضا (ع) : . . . و أما قوله عزوجل في يوسف : > و لقد همّت به و همّ بها > فإنها همّت بالمعصية و همّ يوسف بقتلها إن أجبرته . . . فصرف الله عنه قتلها و

الفاحشه و هو قوله عزوجل : < كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء > یعنی القتل والزنا ... ؛

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: ... قول خدای عزوجل درباره یوسف که فرموده: < و لقد هممت به و هم بها > مقصود این است که آن زن قصد معصیت کرد و یوسف قصد کرد که اگر بانو وی را مجبور به گناه کند، او را بکشد ... پس خداوند، قتل و عمل خلاف عفت را از او بگردانید و این است سخن خدای عزوجل: < كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء > ؛ یعنی، قتل و زنا ...<

۱۵ > عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأى یوسف] : انه النبوه المانعه من ارتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبایح ؛

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده] روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد.<

۱۶ > عن الرضا (ع) : لقد هممت به و لولا- أن رأى برهان ربّه لهمّ بها كما هممت به ، لکنه کان معصوماً ، والمعصوم لا یهمّ بذنب ... ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد ؛ ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۲۰ ، ۱۶ ، ۱۵ ، ۱۴ ، ۱۳ ، ۱۲ ، ۱۱ ، ۹ ، ۸ ، ۷ ، ۶ ، ۵ ، ۴ ، ۲ ، ۱

۱ زلیخا برای کامجویی از یوسف (ع) و واداشتن او

به آمیزش ، درصدد برآمد تا با وی درآویزد .

واستبقا الباب

۲ یوسف (ع) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او ، به طرف درب خروجی فرار کرد .

و لقد همّت به .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۴ زلیخا برای دستیابی به یوسف (ع) و جلوگیری از خروج وی ، به تعقیب او پرداخت و با سرعت به سمت درب خروجی دوید .

واستبقا الباب

۵ یوسف (ع) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف (ع) ، از پشت پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف (ع) ، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد .

و قدت قمیصه من دبر

<قدّ> (مصدر قدّت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی و سراسری است (لسان العرب) ؛ یعنی ، آن گاه گفته می شود <قدّ القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

۸ یوسف (ع) ، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد .

و أَلْفِیَا سِیْدَهَا لِدَا الْبَابِ

۹ یوسف (ع) و زلیخا ، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب ، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند .

و أَلْفِیَا سِیْدَهَا

<إلفاء> (مصدر ألفتا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. <سید> به معنای شریف و دارای مجد است ، و مراد از آن در این جا ، شوهر است.

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش ، عزیز مصر ، یوسف (ع) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و <ما> در جمله فوق نافییه است. بنابراین <ما جزاء...> ؛ یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند ، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف (ع)

و ألفتا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

۱۳ تلاش زلیخا برای تبرئه خویش نزد عزیز مصر

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به <أهلك> (همسر تو) استفاده می شود ؛ یعنی ، او با آوردن <أهلك> درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر ، یوسف (ع) را به تحقق تجاوز ، متهم نکرد .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً

برداشت فوق ، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

۱۶ زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

۲۰ > عن علی بن الحسین (ع) : ...

فغلقت الأبواب عليها و عليه و قالت : لاتخف و ألت نفس ها عليه فأفلت منها هارباً إلى الباب ففتحه فلهفته فجدبت قميصه من خلفه ... ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... [همسر عزیز] درها را به روی خود و یوسف بست و گفت: نترس و خود را به روی او انداخت. یوسف از چنگ او نجات یافت و به طرف در فرار کرد و در را باز کرد ؛ پس آن زن به او رسید و پیراهن او را از پشت او کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۲، ۱

۱ دفاع یوسف (ع) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتنی عن نفسی

۲ یوسف (ع) در نزد عزیز مصر ، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت ، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرا دانست .

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر <هی رودتنی> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف (ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله <هی رودتنی> معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین <هی رودتنی> ؛ یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

۵ یوسف (ع) مراوده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش ، پنهان کرده و فاش

نساخته بود .

قالت .. قال هی رودتنی عن نفسی

۷ عزیز مصر در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود .

قالت .. قال هی رودتنی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

۸ مردی از خویشان زلیخا ، در ماجرای وی و یوسف (ع) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت .

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ من قُبَل

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قمیصه قُدَّ من قُبَل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می طلبد - برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

۱۳ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلك سوء بل هی راودتنی عن

نفسی فسل هذا الصبی . . . و كان عندها من أهلها صبی زائر لها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : . . . انظر إلی قمیص یوسف . . .

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودکک بپرس کودککی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود پس خدا آن کودکک را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: . . . به پیراهن یوسف نگاه کن . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱،۲،۳

۱ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا که مفاد عبارت <أعرض عن هذا> است در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف (ع) - که برده ای زرخریده بوده ناسازگار است.

۲ تکریم و بزرگداشت یوسف (ع) از جانب عزیز ، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

<یوسف> مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا ، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او ، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

۳ عزیز مصر ، پس

از روشن شدن خطای زلیخا، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد.

واستغفري لذنبك إنك كنت من الخاطئين

در جمله <استغفري لذنبك> (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد، استغفار به درگاه خداوند است و برخی بر آنند که مقصود، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای کام جویی وی از او، در شهر شایع شد.

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها

۲ زنان اشراف، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که <فی المدینه> متعلق به <قال> باشد. بر این مبنا <قال نسوه فی المدینه...> / یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف (ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

۳ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی از وی، زبانزد زنان اشراف شده بود.

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

<فی المدینه> می تواند متعلق به <قال> باشد و نیز محتمل است صفت برای <نسوه> باشد. براساس احتمال دوم، مراد از <قال نسوه فی المدینه...> این است که: زنان شهر، داستان زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

۵ عشق یوسف (ع) تا درون قلب و دل زلیخا نفوذ کرده و آن را به

تسخیر خویش درآورده بود .

قد شغفها حبًا

<شغاف> به جداره و یا هسته مرکزی قلب گفته می شود. <شغف> ؛ یعنی، جداره قلب شد و یا به مرکز آن رسید. ضمیر فاعلی در <شغفها> به <فتیها> برمی گردد و <حبًا> تمیزی است مبدل از فاعل. بنابراین <شغفها حبًا> در اصل چنین بوده است: <شغف حبّ یوسف إیها> ؛ یعنی، محبت یوسف جداره قلب زلیخا شد و آن را احاطه کرد، و یا عشق یوسف (ع) جداره قلب زلیخا را شکافت و به درون آن نفوذ کرد.

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف (ع) و داستان مرآورده او ، در عنفوان جوانی یوسف (ع) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًا

۷ زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را ، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًا

<فتا> به معنای برده و عبد ، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شده باشد.

۸ شیفته غلام زرخرید شدن و تقاضای کام روایی از او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًا إنا لنریها فی ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف (ع) به عنوان <برده و جوانک زلیخا>، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زرخرید عشق میورزد.

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرات العزیز

هدف زنان اشراف از ياد كردن زليخا به عنوان <همسر عزيز مصر>، رساندن زشتي هر چه افزون تر ماجراي اوست / يعني، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزيز مصر ناپسندتر.

۱۰ > عن علي بن الحسين (ع) :... فلما سمع الملك كلام الصبي... قال ليوسف : < أعرض عن هذا... > و اکتمه قال : فلم يکتمه يوسف و أذاعه في المدينة حتى قلن نسوة منهنّ إمراً العزيز تراود فتاها عن نفسه... /

از امام سجاد(ع) نقل شده است: .. همين که پادشاه سخن کودک را شنيد ... به يوسف گفت: از اين ماجرا در گذر ... و آن را پوشيده بدار. [امام فرمود:] يوسف ماجرا را پوشيده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اينکه عده اي از زنان شهر گفتند: همسر عزيز غلام خود را به خویش دعوت کرده است ... <.

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قوله < قد شغفها حباً > يقول : قد حجبها حبه عن الناس فلا تعقل غيره /

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <قد شغفها حباً> روايت شده که می فرمود: عشق يوسف پرده اي بر قلب همسر عزيز کشيده بود به گونه اي که او را از مردم جدا کرده بود و به هيچ کس غير از يوسف نمی انديشيد <.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۱ زليخا سرزنش زنان مصر را به خاطر عشقش به يوسف (ع) ، شنيد و به آن آگاهی

یافت .

فلما سمعت بمکرهنّ

فعل <سمع> متعدی است و نیازی به حرف <باء> برای تعدیه ندارد. بنابراین در <سمعت بمکرهنّ> معنای <علمت> اشراب شده است. از این رو مفاد آن چنین می شود: زلیخا به مکر زنان آگاه شد و این آگاهی از طریق خبرهایی بود که برای او نقل می شد.

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . . . فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۳ زلیخا، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان، آنان را به منزل خویش دعوت کرد .

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

مراد از <به سوی آنان فرستاد> که مفاد <أرسلت إلیهنّ> است به قرینه جمله <و أعتدت لهنّ متکئاً و . . .> این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إلیهنّ و أعتدت لهنّ متکئاً

۵ زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

و أعتدت لهنّ متکئاً

<اعتاد> (مصدر أعتدت) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. <متکئاً> به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که <متکئاً> به معنای طعام نیز

آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله <آتت...> (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <مَتَكُنَّا> در آیه <طعام> است.

۶ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

و ءات کل وحده منهن سکیناً

۷ زلیخا خود ، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود .

و أعتدت لهنّ متکنا و ءات کل وحده منهن سکیناً

ضمیر در <أعتدت> و <آتت> به <امرات العزیز> برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (أعتد) و (اوتیت) آورده می شد.

۸ تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد ، بیش از ده نفر نبودند .

و قال نسوه فی المدینه .. فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در <مکرهنّ ..> و <إلیهنّ> به <نسوه> در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که <نسوه> از صیغه های جمع قله است ، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده بیش از ده نفر نبود.

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع) ، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف (ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد / یعنی، اگر مجلس پذیرایی در

اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

۱۱ زلیخا، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند .

و قالت اخرج علیهنّ

۱۲ یوسف (ع) پس از دستور زلیخا بدون درنگ در مجلس زنان اشراف حاضر شد .

قالت اخرج علیهنّ فلما رأينه

<فاء> در <فلما..> فصیحه است و گویای جمله هایی مقدر می باشد یعنی: <فخرج علیهنّ فرأينه فلما رأينه...>. حذف این جمله ها برای رساندن این نکته است که دستور زلیخا همان و اطاعت یوسف(ع) همان.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف (ع)، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد .

امرات العزیز ترود فتيها .. فلما رأينه أكبرنه

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند .

فلما رأينه أكبرنه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع)، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه و قطعن أیدیهنّ

<إكبار> (مصدر أكبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع)، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأينه أكبرنه و قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۱

۱ زلیخا، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف ،

به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند .

قالت فذلک الذی لمتنی فیه

۲ زلیخا، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع)، اقرار و اعتراف کرد .

لقد روده عن نفسه

۳ زلیخا نزد زنان اشراف، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد .

لقد روده عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند؛ با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین <فاستعصم>؛ یعنی، یوسف (ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

۴ زلیخا در حضور زنان اشراف، تأکید کرد که هم چنان بر تقاضای وصال یوسف (ع) اصرار خواهد کرد .

و لئن لم يفعل ما ءامره

۵ زلیخا، سوگند یاد کرد که در صورت استتکاف یوسف (ع) از آمیزش با او، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم يفعل ما ءامره لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

<لام> در <لئن> گویای قسم است. <لیکوناً=یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

۶ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکوناً من الصغیرین

۸ زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغیرین) به منزله نتیجه

ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجن) است؛ زیرا یوسف (ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

۱۱ > عن علی بن الحسین :... فقالت لهنّ > فذلک الذی لمتننی فیه < یعنی فی جبهه ؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... همسر عزیز [با اشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا دربارہ او سرزنش می کردید؛ یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲۳، ۱۱، ۷، ۶، ۱

۱ یوسف (ع) حافظ عفت خویش و بی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

۶ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا) ، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما يدعونني إليه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهنّ> یوسف (ع) را به خویش دعوت می کردند و به دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلا تصرف عني كیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۱ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب .. و إلا تصرف عني كیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر)

أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلاّ تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

۲۳ > عن علی بن الحسین (ع) : . . . و خرجن النسوه من عندها (إمرأه العزیز) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتهآ تسأله الزیارة فأبی علیهنّ و قال : < إلاّ تصرف عنّی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین ;

از امام سجّاد(ع) روایت شده است: . . . و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱،۲،۳

۱ خداوند ، دعای یوسف (ع) (درخواست رهایی از کید زلیخا و همپالگی های وی) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

<استجاب> (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته

و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهنّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۴، ۲، ۱

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت

۲ تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم .. لیسجنه

۴ زندانی شدن یوسف (ع) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم يفعل ما ءامره لیسجنن .. ثم بدا لهم ... لیسجنه

تعبیر <ثم بدا لهم> (پس از مدتی این رأی برای آنان هویدا شد و به ذهنشان خطور کرد که زندانیش کنند) حاکی است که این رأی و نظر به پیشنهاد زلیخا نبوده است علاوه بر این آیه قبل گویای آن است که خداوند، زلیخا و دیگر زنان را از یوسف منصرف کرد و داستان مراوده متروک شد لذا زلیخا دیگر درصدد نبود که با زندانی کردن یوسف وی را رام سازد.

۶ آگاهی کامل عزیز و

حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع)، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع)، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت ليسجنه

۹ یوسف (ع)، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد .

ليسجنه حتى حين

۱۰ محکومیت یوسف (ع) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

ليسجنه حتى حين

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجنه حتى حين < فالآيات شهادة الصبي و القميص المخرق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحه بزوجه حتى حبسه .
; ...

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: >ثم بدا لهم...< روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.<

۱۲ > عن الصادق (ع) : انه قال : دخل يوسف السجن و هو ابن إثنتي عشر سنه و مكث فيه ثمان عشر سنه ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده

سال در زندان ماند .. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۷، ۱۸، ۱۴، ۱۲، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم ... ليسجنه حتى حين. و دخل معه السجن فتیان

۲ دو تن از خادمان دربار مصر ، هم زمان با زندانی شدن یوسف (ع) ، به زندان درافتادند .

و دخل معه السجن فتیان

<فتی> (مفرد فتیان) به معنای عبد و نیز به معنای جوان است.

۳ هم بندان یوسف (ع) در زندان ، هر کدام رؤیایی دیده و برای او بازگو کردند .

قال أحدهما إني أرىني أعصر خمراً

۴ آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب ، رؤیای یکی از دو زندانی هم بند یوسف (ع)

قال أحدهما إني أرىني أعصر خمراً

<عصر> (مصدر أعصر) به معنای گرفتن آب از چیزی (میوه، لباس تر و ..) است. <خمر> به شراب مست کننده ای که از انگور به دست می آید، گفته می شود و مراد از <خمر> در آیه شریفه به قرینه أعصر (آب می گرفتم) انگور است. تعبیر کردن از انگور به شراب، به این لحاظ بوده که آن زندانی از انگور، برای تهیه شراب آب می گرفته است.

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف (ع)

و قال الآخر إني أرىني أحمل فوق رأسي خبزًا تأكل الطير منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

۶ هر کدام از هم بندان یوسف (ع) ، رؤیای خویش

را به طور مکرر دیده بودند .

إني أريني أعصر .. إني أريني أحمل

به کارگیری فعل مضارع <أرى> (در خواب می بینم) به جای فعل ماضی <رأيت> (در خواب دیدم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ؛ یعنی، چندین شب پی در پی چنین دیده ام، به گونه ای که اگر باز هم بخوابم، مطمئنم که آن رؤیا را خواهم دید.

۷ هم بندان یوسف (ع) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نريك من المحسنين

۱۴ محسن بودن یوسف (ع) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ إنا نريك من المحسنين

جمله <إنا نراك> تعلیل برای <تَبَيَّنَا بِتَأْوِيلِهِ> است.

۱۷ > عن أبي عبدالله (ع) : < قال الآخر إني أراني أحمل فوق رأسي خبزاً > قال : أحمل فوق رأسي جفنه فيها خبز ... ؛

از امام صادق(ع) [درباره سخن خدا] <إني أراني أحمل ..> روایت شده که فرمود: یعنی، روی سرم کاسه بزرگی حمل می کنم که درون آن نان است ...>.

۱۸ > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل < إنا نراك من المحسنين > قال : كان يوسف المجلس و يستقرض للمحتاج و يعين الضعيف ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل <إنا نراك من المحسنين> روایت شده که فرمود: در مجلس جای نشستن را برای دیگران باز می کرد و برای نیازمند وام

می گرفت و به ناتوان کمک می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۵، ۲۳، ۱۳، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع)، تقاضای هم بندگان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت.

تَبْنَا بِتَأْوِيلِهِ .. قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانَهُ إِلَّا نَبَأُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در <تأویله> رؤیای هر یک از هم بندگان یوسف باشد. بر این مبنای جمله <قال لا یأتیکما...> چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

۲ یوسف (ع) اقبال هم بندگان را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت.

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ .. ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ قَوْمًا لَّا يُمْنُونَ بِاللَّهِ

۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش، هم بندگان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت.

ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

از اهداف یوسف (ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندگان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذَلِكُمْ> مؤید این هدف است.

۵ یوسف (ع)، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندگان زندانش فاش ساخت.

ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن، دلیل یوسف (ع) فراروی

زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لا يأتیکما طعام ترزقانه إلا بتأتیکما بتأویله .. ذلکما مما علمنی ربی

۷ یوسف (ع) ، پیش از آوردن غذا برای زندانیان ، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد .

قال لا يأتیکما طعام ترزقانه إلا بتأتیکما بتأویله قبل أن یأتیکما

بر این اساس که ضمیر در <تأویله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لا یأتیکما..> چنین معنا می شود: یوسف(ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام >مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

۱۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

ینی ترکت مله قوم لا یؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

۱۵ یوسف (ع) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندگان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی ینی ترکت مله قوم .. هم کفرون

۲۳ > عن أبي عبد الله (ع) قال : لما أمر الملك بحبس يوسف في السجن ألهمه الله علم تأویل الرؤیا ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد ، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۳

۲ یوسف (ع)

(در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبع مله اباى ابرهيم و اسحق و يعقوب

۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبع مله اباى ابرهيم و اسحق و يعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۴،۷،۳،۱

۱ یوسف (ع) با اظهار مهربانی و ملاحظت به هم بندان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

يصحبي السجن ارباب متفرقون خير أم الله الواحد

۳ یوسف (ع) ، هم بندان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

يصحبي السجن ارباب متفرقون خير أم الله الواحد

۴ یوسف (ع) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقایق توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت .

اُرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

۷ یوسف (ع) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را برگزینند .

اُرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف (ع) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلا أسماء .. ذلك الدين القيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵، ۷، ۲، ۱

۱ یوسف

(ع) ، پس از ارشاد هم بندگان خویش به توحید و یکتاپرستی ، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت .

يَصْحَبِي السَّجْنَ أَمَا أَحَدَكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا

۲ یوسف (ع) ، رؤیای < آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب > را به رهایی صاحب رؤیا و ساقی ارباب خویش شدن تعبیر کرد .

أَمَا أَحَدَكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا

<سَيِّقِي> (مصدر يسقي) به معنای نوشانیدن و یا اعطای نوشیدنی است. بنابراین <أَمَا أَحَدَكُمَا فَيَسْقِي ...> ; یعنی: یکی از شما به مالک و ارباب خود شراب خواهد نوشاند و ساقی او خواهد شد.

۳ یوسف (ع) ، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد .

و أَمَا الْآخِرُ فَيَصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ

<صلب> (مصدر يصلب) یعنی ، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

۵ یوسف (ع) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قَضَى الْأَمْرَ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قَضَى الْأَمْرَ ...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

۷ هم بندگان زندانی یوسف (ع) ، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را

تعبیر کند و تاویل آنها را بیان دارد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیا> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و گویای اصرار و تقاضای مکرر هم بندها یوسف (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۹، ۸، ۵، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذى ظنّ أنه ناج منهما اذكرنى عند ربك

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذكرنى عند ربك

از اینکه یوسف (ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف (ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف (ع) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

وقال للذى ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذى> باز گردد و محتمل است به یوسف (ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذى...> چنین می شود: یوسف (ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف (ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف (ع) از رؤیای هم

بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنساه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشیطن ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر انساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <انساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

۱۱ شیطان ، برای باقی ماندن یوسف (ع) در زندان ، به دسیسه و شیطنت پرداخت .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن

۱۳ یوسف (ع) پس از آزادی ساقی پادشاه ، سالیانی دیگر ، گرفتار زندان بود .

فلبث فی السجن بضع سنین

<بضع> به معنای <چند> و کنایه از عددی مبهم بین ۳ تا ۱۰ می باشد.

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (مانند گار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث...> بر جمله قبل معلوم

می شود ؛ یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف (ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

۱۵ > عن أبي عبد الله (ع) : . . . [في قول الله] > قال للذي ظنَّ أنه ناجٍ منهما اذكرني عند ربك < قال : و لم يفرع يوسف في حاله إلى الله فيدعوه فلذلك قال الله > فأنساه الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن بضع سنين < . . . ؛

از امام صادق (ع) : . . . [درباره سخن خدا] > قال للذي . . . اذكرني عند ربك < روایت شده است که فرمود: یوسف در آن حال به خداوند پناه نبرد که او را بخواند. برای همین است که خدا فرمود: فأنساه الشيطان ذكر ربه . . . < .

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله تعالى : > فلبث في السجن بضع سنين < قال : سبع سنين ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: > فلبث في السجن بضع سنين < روایت شده که فرمود: [مراد از بضع سنين] هفت سال است < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۱،۲،۷،۸

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملك إني أرى سبع بقرت سمان . . . إن كنتم للرءيا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إني أرى سبع بقرت سمان . . . و آخر يابست

> سمين < و > سمينه <

(مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمیز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن کنتم ..> استفاده می شود.

۸ پادشاه مصر ، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱،۲

۱ خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد کردند .

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> ؛ یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه

های چند رشته است ، نمی دانیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <أمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أُنبئکم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف (ع) از تعبیر رؤیاهاست.

۶ ساقی پادشاه مصر

، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئكم بتأويله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبئكم بتأويله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبئكم بتأويله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صدیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و آخر یابست

۵ ساقی دربار

، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می‌خورند و هفت خوشه سبز و خوشه‌هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه‌های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت ... لعلی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم، از انگیزه‌های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۴،۵،۶

۴ باقی گذاشتن مقداری از ذخیره‌های هفت ساله و مصرف نکردن همه آنها در دوران قحطی، توصیه یوسف (ع) به عهده داران حکومت مصر

یا کلن ما قدمتم لهن إلا قليلاً مما تحصنون

<احصان> (مصدر تحصنون) به معنای قرار دادن چیزی در محلی امن است. بنابراین حاصل معنای <إلا قليلاً مما تحصنون> چنین است: مقداری از آنچه را در انبارها ذخیره می‌کنید در دوران قحطی نخورید. حکمت این امر احتمالاً دارا بودن بذر است برای کشت در سال پانزدهم.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یا کلن ما قدمتم لهن إلا قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع <یا کلهن> در نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی

نخوردند و گرنه فعل ماضی <أَكَلَهُنَّ> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

۶ گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

يَاكُلَهُنَّ سَبْعَ عَجَافٍ .. ثم يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعَ شَدَادٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسَ

فعل <يُغَاثُ> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <يُغَاثُ النَّاسَ> یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم ؛ یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أَفْتَنَّا .. ثم يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسَ

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند ، دریافت که پس از گذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

۴ مسؤولیت حاکمان مصر در نظارت بر تولید ، توزیع و مصرف غلات ، محدود به دوران چهارده ساله آبادانی و

خشکسالی بود .

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون

استفاده نکته فوق از تغییر سیاقی است که در سخنان یوسف(ع) مشاهده می شود. او دستورالعملهای دوران چهارده ساله را با فعلهای مخاطب <تزرعون> و <فدروه> بیان داشت؛ ولی در بیان چگونگی سال پانزدهم و پایان بحران فعلهای <یغاث> و <يعصرون> به کار برد. از مقابله این دو سیاق معلوم می شود، مخاطبان <تزرعون> و ... حکومت مصر بود که باید عهده دار تولید و توزیع می شد و در سال پانزدهم خود مردم بدون دخالت و نظارت سیستم حکومت، به کار تولید و مصرف می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش، اطمینان یافت .

و قال الملك ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش، یوسف(ع) را احضار می کند، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

و قال الملك ائتونی به .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او

(اثتونی به) احضار اجباری نبوده است؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه، به سوی زندان روانه شد.

فلما جاء الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکر است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف (ع) فرستاده شده بود.

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند.

قال ارجع إلی ربك فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربك فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی، هدف یوسف (ع) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند.

قال ارجع إلی ربك فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۱۱ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف (ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت <الّتی قطعن أیدیهنّ> داستان

میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف (ع) در صدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف (ع) بهترین شاهد بوده است.

۱۲ یوسف (ع) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فَسْئَلُهُ مَا بِآلِ النَّسُوءِ الَّتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

با وجود اینکه زلیخا نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف (ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف (ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در عهد کودکی و نوجوانی یوسف (ع) برای وی انجام داده بود.

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إِن رَّبِّي بَكِيدُهُنَّ عَلِيمٌ

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فَسْئَلُهُ مَا بِآلِ النَّسُوءِ .. إِن رَّبِّي بَكِيدُهُنَّ عَلِيمٌ

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إِن رَّبِّي بَكِيدُهُنَّ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۱۶، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را

احضار کرد .

قال ما خطبکَنّ

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فَسئله ما بال النسوه . . قال ما خطبکَنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ...> / یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکَنّ إذ رودتَنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و <من> زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

۱۰ زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (ع)

ع) تشکیل شده بود، حضور داشت.

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق

۱۱ شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود.

قالت امرأت العزيز

توصیف زلیخا با وصف <همسر عزیز> می رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست.

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

۱۶ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استنکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد.

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جمله <أنا رودته عن نفسه> به بیانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شماره ۲ گذشت دلالت بر حصر دارد؛ یعنی، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

۱۷ زلیخا پیش از جلسه بازجویی و محکمه دادرسی، یوسف (ع) را مجرم معرفی می کرد و به کام جویی از وی متهم می ساخت.

قالت امرأت العزيز الثن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

برداشت فوق از قید <الآن> استفاده می شود.

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد.

و إنه لمن الصدقین

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع)

ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد.

قال ارجع إلی ربک . . . ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم...> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أنی لم أخنه...> باشد؛ یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

چنان چه <ذلک لیعلم...> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلک> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلک لیعلم...>؛ یعنی، بیرون رفتن من از زندان

و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است.

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد.

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود.

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد، از جمله <ذَلِكَ لِيَعْلَمَ...> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت، از زمره خائنان بودند.

أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَائِنِينَ

مصادق مورد نظر برای <القائين> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف (ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه ۳۵.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد.

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ... أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَائِنِينَ

چنان چه گذشت عبارت <أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي...> عطف بر <أَنِي...> است؛ یعنی: <ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنْ اللَّهُ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را

به ثمر نمی نشانند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ .. أَنْ اللَّهَ لَا يُهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع)، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند.

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنَه .. وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصَهُ لِنَفْسِي

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت.

قال الملك ائتونی به أستخلصه لِنفسي

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (بر گرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لِنفسي> یعنی، تا یوسف (ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۳ یوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهی بر پادشاه و درباریان، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت.

قال الملك ائتونی به .. فلما كلمه

اتصال جمله <فلما كلمه> به <ائتونی به> و نیارودن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف (ع)، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و

گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند / ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مكین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنك...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنك الیوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مكین أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو

نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر *

اثتونی به أستخلصه .. قال إنك الیوم لدینا مکین أمین

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی..> است.

۴ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفيظ عليم

جمله <إنی حفيظ عليم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

۱۵ > عن رسول الله (ص) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولاه من ساعته و لکنه أخر ذلك سنه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می داد / ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : . . . ان یوسف (ع) . . . لما دفعته الضروره إلى تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض . . . >.

۱۸ > عن أبی عبد الله (ع) أنه قال لقوم ممن یظهرون الزهد و یدعون الناس أن یكونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی این أنتم عن .

.. یوسف النبی (ع) حیث قال لملک مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض ... > فکان من أمره الذی کان أن اختار مملکه الملک و ما حولها إلى الیمن ... فلم نجد أحداً عاب ذلك علیه ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند ... فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...<

۱۹ > عن الرضا (ع) : ... فی قوله تعالی : <...إنی حفیظ علیم > قال : حافظ لما فی یدیّ عالم بكل لسان ;

از امام رضا(ع) .. درباره سخن خدا <...إنی حفیظ علیم > روایت شده است که فرموده: مراد این است که نگه دارنده چیزی هستم که در تصرف من است و آگاه به همه زبانها می باشم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۱، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض ... و كذلك مکنا لیوسف فی

۲ یوسف (ع) در سرزمین مصر به منزلی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مَكَّنَا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ

<تمکین> (مصدر مَكَّنَا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مَكَّنَا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ> یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حَيْثُ يَشَاءُ> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

۳ یوسف (ع) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مَكَّنَا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ

<يَتَّبِعُوا> به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله <يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ> (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای <مَكَّنَا...> است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

۵ سرگذشت یوسف (ع) (نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود

و كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

۱۱ به قدرت رسیدن یوسف (ع) پس از بردگی و اسارت در زندان، دلیلی متقن بر حاکمیت مشییت الهی بر تمامی اسباب و علتهاست .

كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نَصِيبٌ بِرَحْمَتِنَا مِنْ نَشَاءِ

جمله <رحمت خویش را بر هر کس که خواهیم شامل می گردانیم و به او قدرت می بخشیم> که مفاد <نصیب برحمتنا..> است به منزله ادعایی

است که با <كذلك مَكَّنَّا...> بر آن استدلال شده است؛ یعنی، خداوند برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۱۰، ۹، ۲

۲ یوسف (ع) در طی هفت سال آبادانی، به کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات برای دوران قحطی کاملاً موفق شد.

و جاء إخوه یوسف

۹ برادران یوسف بجز بنیامین، از کنعان برای دریافت آذوقه به مصر آمدند و به حضور یوسف (ع) رسیدند.

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

جمله <ائتونی بأخ لکم..> (برادر پدری خود را به نزد من آوردید) در آیه بعد می رساند که مراد از <إخوه> برادران یوسف بجز بنیامین است. جمله <ولما جهزهم...> در آیه بعد بیانگر هدف آنان از آمدن به مصر است.

۱۰ یوسف (ع) به مجرّد مشاهده برادران خویش، علی رغم گذشت سالیانی دراز، آنان را شناخت.

فدخلوا علیه فعرفهم

<فاء> در <فعرفهم> حکایت از آن دارد که یوسف (ع) بدون پرسش و جست و جو بلکه به مجرّد مشاهده برادرانش، آنان را شناخت.

۱۱ ملاقات مردم حتی غیر مصریان، با یوسف (ع) امری سهل و آسان بود.

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

<فاء> در عبارت <فدخلوا علیه> می رساند که فاصله ای میان آمدن برادران و ملاقات با او نبوده است. جمله <عرفهم> نیز دلالت می کند که دربان و حاجبی که از حسب و نسب مراجعه

کنندگان پرسش کند و به یوسف(ع) گزارش دهد و اجازه ملاقات بخواهد در میان نبوده است. اینها حکایت از آسانی ملاقات مردم حتی غیر مصریان با یوسف(ع) می کند.

۱۳ هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات با او، وی را نشناختند.

فدخلوا علیه فعرفهم و هم له منکرون

۱۵ کمترین فاصله زمانی میان آخرین برخورد یوسف (ع) با برادران خویش تا ملاقات آنان با وی، حدود بیست سال بوده است.

یرتع و یلعب... و لما بلغ أشده... فلبث فی السجن بضع سنین... تزرعون سبع... و

محاسبه‌های مرحله‌ای که یوسف(ع) در مصر بسر برد، حدود بیست سال می شود؛ زیرا کودکی حداکثر ده ساله بود که به دست کاروانیان افتاد و جمله <یرتع و یلعب> و نیز <أخاف أن يأكله الذئب> دلالت بر این معنا دارد. در خانه زلیخا به جوانی و رشد رسید (لما بلغ أشده) که این فاصله حدود هشت تا ده سال می شود. بیش از سه سال نیز (بضع سنین) در زندان بسر برد و هفت سال دوران پس از زندان را به وزارت اشتغال داشت و طبعاً یک سال پس از قحطی برادرانش به وی مراجعه کردند. مجموعه اینها حدوداً بیست سال می شود.

۱۶ > عن أبي جعفر (ع) : >... فعرفهم يوسف و لم يعرفه إخوته لهيبه الملك و عزته... /

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی نشناختند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر، نظارت مستقیم داشت.

و جاء إخوه يوسف... و لما جهزهم بجهازهم

۲ یوسف (ع) بار آذوقه و جیره غذایی برادران را، خود آماده کرد. *

و لما جهزهم بجهازهم

<تجهیز> (مصدر جهز) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن جهاز (زاد و توشه) است. ضمیر در <جهز> به یوسف (ع) برمی گردد. بنابراین <لما جهزهم...> یعنی، پس آن گاه که یوسف (ع) بار و بنه و زاد و توشه برادرانش را آماده ساخت. البته این احتمال که اسناد <جهز> به یوسف (ع) مجازی باشد، بعید به نظر نمی رسد زیرا بسیار متعارف است که فعل کارگزاران به کارفرما اسناد داده می شود.

۳ فرزندان یعقوب، ضمن معرفی خویش و بیان تعداد نفرات، به یوسف (ع) یادآور شدند که یک برادر پدری نیز دارند.

قال ائتونی بأخ لکم من أیکم

۴ بنیامین در اولین سفری که برادرانش برای تهیه خوار و بار به حضور یوسف (ع) رسیدند، همراه آنان نبود.

قال ائتونی بأخ لکم من أیکم

۵ برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند.

قال ائتونی بأخ لکم من أیکم

۶ یوسف (ع) سهمیه و جیره افراد را همواره عادلانه و بدون کمترین نقصی به آنان پرداخت می کرد.

ألا ترون أنى أوفى الكيل

کیل (پیمانانه کردن) مصدر است و در آیه شریفه، به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن آذوقه و غلات است.
<ایفاء> (مصدر)

اوفی) به معنای پرداختن به طور کامل و بدون نقص و کاستی است. آوردن فعل مضارع (اوفی) به جای فعل ماضی <وفیت> اشاره به روش مستمر یوسف(ع) در ایفای کیل دارد.

۸ یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

اثتونی بأخ لکم من أیکم ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

جمله <ألا- ترون ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <اثتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۶، ۳، ۲

۲ یوسف (ع) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی

۳ یوسف (ع) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به ... ولا تقربون

نون

مکسور در <لاتقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لاتقربون> / یعنی، نزد من نیاید.

۶ فرزندان یعقوب به بازگشت مجدد به مصر برای دریافت آذوقه، مصمم بودند.

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۶۷، ۶۴، ۳

۳ علاقه شدید یعقوب (ع) به بنیامین، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

<با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نمایم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم> که مفاد <سنرود عنه أباه> می باشد اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین، ممانعت پدرشان می باشد.

۴ فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند.

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۶ برادران یوسف، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند.

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

<مراوده> (مصدرنراود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود...> چنین است، همانا با ملاحظت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

۷ تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف (ع)

إنا لفعلون

جمله <سنرود عنه أباه> این احتمال را برای یوسف (ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی

با جمله <إنا لفاعلون> به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱۱، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد.

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

۲ یوسف (ع) از کارگزارانش خواست بهای دریافت شده از فرزندان یعقوب را در بارها و اثاثیه آنان جاسازی کنند.

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

۳ یوسف (ع) به کارگزارانش توصیه کرد سرمایه فرزندان یعقوب را به گونه ای در اثاثیه آنان جاسازی کنند که تا رسیدن به وطنشان متوجه آن نشوند.

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها إذا انقلبوا إلی أهلهم

۵ یوسف (ع) امید داشت برادرانش بضاعت های برگردانده شده به آنان را به هنگام رسیدن به وطنشان باز شناسند.

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها

روشن است که فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش بضاعت های خود را در آن می یافتند. بنابراین جای <لعل> (شاید و باشد) نبود. از این رو در تفسیر کلمه <لعل> چند وجه ذکر شده است: ۱ اشفاق و ترجی مربوط به قید <إذا انقلبوا> است، یعنی، امید است که پس از رسیدن به اهلشان دریابند نه قبل از آن. ۲ مقصود از شناخت

بضاعت شناختن حق آن است ، یعنی، شاید حق آن را بشناسند و قدردانی کنند. ۳ لعل به معنای <کی> (تا اینکه) است و معنای ترجی و امید ندارد.

۶ یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گذاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

۷ یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف (ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین ، ممنوع کرد ، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸

۱ فرزندان یعقوب از مصر بازگشتند و گزارش سفرشان را برای او شرح دادند .

فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا

۲ ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم .. فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا یأبانا منع منا

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أاخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان <أاخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

۴ فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین ، در طول سفرشان به مصر متعهد شدند و بر آن تأکید کردند .

فأرسل معنا أاخانا نکتل و إنا له لحفظون

۵ گزارش تحریم سهمیه آذوقه بدون همراهی بنیامین ، خبر و گزارشی مهم در دیدگاه فرزندان یعقوب

يأبانا منع منا الكيل

فرزندان یعقوب پیش از باز کردن بارها و محموله ها که معمولاً اولین اقدام مسافران و کاروانهاست خبر تحریم سهمیه آذوقه را برای پدرشان بیان کردند. این تعجیل نشان دهنده اهمیت این خبر در نظر آنان است.

۷ فرزندان یعقوب بجز راهی مصر شدن و به حضور یوسف (ع) رسیدن ، راهی برای تأمین آذوقه در سال های قحطی نداشتند .

يأبانا منع منا الكيل فأرسل معنا أاخانا

چنان چه جز به مصر رفتن راهی فراروی فرزندان یعقوب بود ، او آن راه را به فرزندانش پیشنهاد می کرد تا مجبور نباشد بنیامین را همراه آنان بفرستد.

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحفظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۶، ۹، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم

عليه إلا كما أمنتكم علي أخيه من قبل

۲ یعقوب (ع) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنکم علیه إلا كما أمنتکم علی أخیه من قبل

استفهام در <هل ءامنکم ..> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنکم ...> یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

۳ بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او ، دلیل یعقوب (ع) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیه إلا كما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد <هل ءامنکم علیه إلا...> چنین می شود: اعتماد من به شما [اگر اعتماد کنم] در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلا كما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

۹ یعقوب (ع) در پی تعهد فرزندانش بر محافظت از یوسف

(ع) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

كما أمنتكم على أخيه من قبل

۱۶ تعریض یعقوب (ع) به فرزندان مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف (ع) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظاً و هو أرحم الرحمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۷، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرزندان یعقوب پس از گزارش سفر ، به گشودن محموله های خریداری شده از مصر پرداختند .

و لما فتحوا متعهم

۲ فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش ، بهای غلات خریداری شده از مصر را در میان آنها یافتند .

و لما فتحوا متعهم وجدوا بضعتهم ردّت إلیهم

۳ فرزندان یعقوب با مشاهده بهای باز گردانده شده ، شادمان شدند و آن را به یعقوب گزارش کردند .

قالوا یا بانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا

<ما> در <ما نبغی> استفهامیه و مفعول برای نبغی است. <بغی> به معنای خواستن و طلب کردن می باشد. جمله <ما

نبغی> یعنی ، [بیش از این] چه می خواهیم؟

۴ اطمینان فرزندان یعقوب به باز گردانده شدن سرمایه خویش نه رخ دادن اشتباه و خطا از ناحیه کارگزاران یوسف

وجدوا بضعتهم ردّت إلیهم . . . هذه بضعتنا ردّت إلینا

جمله <ردّت إلینا> <دلالت بر آن دارد که فرزندان یعقوب بضاعت خویش را با این وصف که به آنان باز گردانده شده

است ، یافتند ؛ یعنی ، این گمان را نداشتند که اشتباهی رخ داده است تا خویشان را به ارجاع آن ملزم بینند.

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه باز گردانده شده

، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند .

قال هل ءامنکم .. یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

۸ حدس و پیش بینی یوسف (ع) (تقویت عزم برادرانش برای آمدن به مصر با مشاهده بهای باز گرداننده شده) حدسی صائب و نظری بجا بود .

لعلهم یعرفونها .. لعلهم یرجعون ... ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا و نمیر أهلن

۱۱ تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمیر أهلنا و نحفظ أخانا

۱۲ لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غله با آمدن بنیامین به مصر ، از دلیل های ارائه شده به یعقوب (ع) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

<ازدیاد> (مصدر <نزداد> از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. <کیل بعیر> / یعنی، بار و محموله ای که معمولاً بر یک شتر حمل می کنند. گفتنی است جمله های <فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم ...> و <منع منا الکیل> دلالت می کند بر اینکه یوسف(ع) اعطای سهمیه به فرزندان یعقوب را بدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از <نزداد کیل بعیر> این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه

یوسف (ع) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به مصر، فرزندان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته استفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۷ فرزندان یعقوب غله دریافتی در سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می شمردند.

ذلک کیل یسیر

<ذلک> اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. <یسیر> به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۳

۱۳ فرزندان یعقوب سوگند یاد کردند و با خدا پیمان بستند که در حد استطاعت، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند.

حتى توتون موثقاً .. فلما ءاتوه موثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۴،۵،۶،۷،۸

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود.

لا تدخلوا من باب وحد .. ما أغنى عنكم من الله من شيء

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت.

لا تدخلوا من باب وحد .. ما أغنى عنكم من الله من شيء

یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد .. ما أغنى عنكم من الله من شيء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۷ یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر ، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

بینی لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

۸ یعقوب (ع) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید .
*

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۶،۸،۲،۱

۱ ورود فرزندان یعقوب به مصر برای دومین بار

و جاء إخوه يوسف .. و لما دخلوا من حيث أمرهم أبوهم

۲ فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت ، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند .

وادخلوا من أبواب متفرقه .. و لما دخلوا من حيث أمرهم أبوهم

<حيث> اسم مکان و به معنای جا و محل است.

۶ تدبیر یعقوب (ع) (ورود فرزندانش به مصر

از دروازه های متعدد (مانع پیشامدی که خداوند برای آنان مقدر کرده بود ، نشد .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء

ضمیر در < یغنی > به یعقوب (ع) و یا تدبیر او که از < ادخلوا من أبواب متفرقه > استفاده می شود برمی گردد. مآل هر دو احتمال یک معناست.

۸ توصیه یعقوب (ع) به فرزندان (لزوم اختیار کردن دروازه های متعدد برای ورود به مصر) جز تلاش برای سلامتی فرزندان ، اثر دیگری نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

استثنا در عبارت < إلا حاجه ... > استثنای منقطع است. ظاهر آن است که ضمیر فاعلی در < قضاها > به یعقوب (ع) باز گردد. بر این اساس معنای < ما کان یغنی ... إلا حاجه فی نفس یعقوب قضاها > چنین می شود: تدبیر یعقوب (ع) هرگز بازدارنده آنچه از ناحیه خداوند مقدر شده بود نشد ؛ لکن یعقوب (ع) خواسته ای داشت که با دستور خویش (ادخلوا من أبواب متفرقه) عملی ساخت. بر اساس این معنا مراد از خواسته او (حاجه) انجام وظیفه است و آن راهنمایی فرزندان به اسباب رهایی از خطرات احتمالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف (ع) در آمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخواه

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا .. ءاوی إلیه أخواه

۳ یوسف (ع)

(در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إني أنا أخوك

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر ، برادر ناپدید شده وی (یوسف ع) باشد ، ناباور بود .

إني أنا أخوك

تأکید حکم در جمله <إني أنا أخوك> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إِنَّ> و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

۵ یوسف (ع) شرح ماجرای خود و برادرانش (داستان قرار دادن او در چاه کنعان و ...) را برای بنیامین باز گفت .

قال إني أنا أخوك فلا تبتئس بما كانوا يعملون

مراد از ضمیر در <كانوا> و <يعملون> برادران یوسف است. آوردن جمله <لا تبتئس> (اندوهگین نشو و تأسف نخور) پس از <إني أنا أخوك> می رساند که یوسف(ع) پس از معرفی خویش، ماجرای چاه کنعان و مسائل پیرامون آن را برای بنیامین باز گفته بود و گرنه مجرد معرفی خودش، زمینه ای برای ناراحتی و اندوه بنیامین نداشت.

۶ تأسف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلا تبتئس بما كانوا يعملون

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته

برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

۱۰ توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أحوک فلاتبتئس بما کانوا یعملون

تفریع <فلاتبتئس ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أحوک> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ؛ یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم ؛ ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه فی رحل أخیه

۲ یوسف (ع) خود به تجهیز و مهیا کردن محموله برادران خویش پرداخت .

فلما جهّزهم بجهازهم

۳ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه فی رحل أخیه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

۴ بی اطلاعی کارگزاران یوسف (ع) از طرح و نقشه وی (جاسازی کردن پیمانانه در محموله بنیامین) برای جلوگیری از بازگشت

جعل السقايه في رحل أخيه ثم أذن مؤذن

چنان چه کارگزاران یوسف (ع) از نقشه وی مطلع بودند، به سارق بودن فرزندان یعقوب تصریح و تأکید نمی کردند (إنکم لسارقون). همچنین از اینکه یوسف (ع) خود جام را در محموله بنیامین قرار داد، این معنا استفاده می شود که او نمی خواست دیگران از نقشه وی مطلع باشند.

۵ کارگزاران یوسف (ع) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند.

جعل السقايه في رحل أخيه ثم أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب، اتهام سرقت را به آنان اعلام کرد.

ثم أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قافله و شترانی که بار و بنه آنان را حمل می کنند، گفته می شود. این کلمه مرادف کاروان و قافله در فارسی است. <اذان> به معنای اعلام کردن است و <تأذین> مصدر <أذن> به معنای کثرت اعلام می باشد. بنابراین <أذن مؤذن...>؛ یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

۷ اتهام سرقت به فرزندان یعقوب پس از حرکت و دور شدنشان از محوطه بارگیری، به آنان اعلام شد. *

ثم أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

حرف <ثم> و نیز جمله <أقبلوا عليهم> در آیه بعد می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۹ > عن أبي عبد الله عليه السلام... قال: إنهم سرقوا يوسف من أبيه إلا- تری أنه قال لهم حين قالوا: ماذا تفقدون؟ قالوا: نفقد صواع الملك، و لم يقولوا: سرقتم صواع الملك، إنما عنی

أنکم سرقتم یوسف من آیه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود] فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانہ پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانہ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید.<

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) : . . . و ارتحل القوم (إخوه يوسف) مع الرفقه فمضوا ، فلحقهم يوسف و فتيته فنادوا فيهم قال : > أيتها العير إنکم لسارقون < . . . < .

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. برادران یوسف با کاروانیان حرکت کردند و رفتند، سپس یوسف و افرادش به آنان ملحق شدند. آن گاه بین آنان ندا دادند و منادی چنین گفت: <أيتها العير إنکم لسارقون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ فرزندان یعقوب با شنیدن اتهام سرقت به سوی یوسف (ع) و کارگزاران وی بازگشتند .

قالوا و أقبلوا علیهم

ضمیر در <قالوا> و <أقبلوا> به کلمه <العیر> در آیه قبل باز می گردد و جمله <و أقبلوا علیهم> حال برای ضمیر در <قالوا> است.

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا .. ماذا تفقدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱،۵،۷،۲۰

گم ۱

شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

<صواع> به معنای پیمانانه است.

۵ یک بار شتر غله ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعير

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعيم> یوسف (ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۲۰ > عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < صواع الملك > قال : كان قدحاً من ذهب و قال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال :

لعن الله الخوان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق (ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمانانه خیانت نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱،۴،۶

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزله بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فساد گری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سارقين

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ؛ ولی در حقیقت

<ما جئنا .. > مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

۴ دستگاه حکومتی یوسف (ع) ، درباره کاروانهایی که به مصر وارد می شدند ، تفحص می کرد تا به فسادگر و سارق بودن ایشان اطمینان پیدا کند .

لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

جمله <لقد علمتم > (یقیناً دانستید و دریافتید که ما چنین و چنان نیستیم) حاکی است که کاروانهای وارد شده به مصر، مورد تفحص قرار می گرفتند تا هدف آنان از ورود به مصر مشخص شود که مبادا برای جاسوسی ، خرابکاری ، سرقت و .. به مصر وارد شده باشند.

۶ فرزندان یعقوب با بیان حسن پیشینه خویش و منزله بودنشان از سابقه سرقت ، متهم شدنشان را به سرقت جام شاهی امری نابجا شمردند .

لقد علمتم .. ما كنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲،۵

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

ضمیر در <جزاؤه > به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱

۱ فرزندان یعقوب، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند.

قالوا فما جزؤه... قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۴، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) خود به بازرسی بارها و اثاثیه کاروان فرزندان یعقوب اقدام کرد.

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه

ضمیر در <بدأ> و <استخرج> به قرینه <أخیه> به یوسف باز می گردد. اسناد آن دو فعل به یوسف، ظاهراً حقیقی است نه مجازی (به این معنا که او دستور داده باشد که چگونه بازرسی کنند در حالی که خود مباشرت نداشته باشد). تغییر سیاق / یعنی، تبدیل فعل جمع (قالوا فما جزؤه) به فعل مفرد (بدأ) قرینه بر معنای یاد شده است. <وعاء> به معنای ظرف و <أوعیه> جمع آن می باشد.

۲ یوسف (ع) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت.

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه <ثم> دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرا رسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر برادران به دقت انجام می

گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد.

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود.

كذلك كدنا ليوسف

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین، جویا\$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود.

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر، برای یوسف (ع) مجاز نبود.

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملك> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

۱۴ مشیت الهی، زمینه ساز باقی ماندن بنیامین نزد یوسف (ع)

ما كان

... إلا أن يشاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۶، ۱۴، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

۲ برادران یوسف در حضور او ، بنیامین را به داشتن روحیه سرقت متهم کردند .

قالوا إن يسرق

چون از نظر ظاهر بنیامین سارق شناخته شد، اقتضای مقام آن بود که برادران یوسف از فعل ماضی (سرق) استفاده می کردند. آنان با آوردن فعل مضارع (یسرق) که دلالت بر استمرار و تجدد دارد به جای فعل ماضی درصدد بیان این معنا بودند که بنیامین دارای روحیه سرقت است.

۳ برادران یوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنیامین (یوسف) سخن گفتند و سابقه دزدی را برای او نیز امری ثابت شده قلمداد کردند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

۴ یوسف (ع) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل .. قال ... الله أعلم بما تصفون

۵ برادران یوسف بر \$ این باور بودند که یوسف (ع) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل > می تواند متعلق به <سرق > باشد. بر این اساس جمله <فقد سرق ... > چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود. همچنین می تواند متعلق به مضمون <أخ له > باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او

پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

۷ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن يسرق) جمله ای محذوف است و جمله <فقد سرق...> - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله <إن يسرق...> چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

۸ فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد ، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن يسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته زیرا ولی سایر برادرانش چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد .

فأسرها يوسف في نفسه و لم يبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرها> و <لم يبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرها...> یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس

خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف (ع) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان (دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین) را باور ندارد.

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل . . . و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . . .> عطف بر <أنتم...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسر> و <لم يبد> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

۱۶ > عن النبي (ص) في قوله: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل> قال: سرق يوسف (ع) صنماً لجدّه أبي أمّه من ذهب و فضّه، فكسره و ألقاه في الطريق، فعيره بذلك إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا- و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱۱، ۹، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ یوسف (ع) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد.

فهو جزؤه . . . قالوا یا أيها العزيز إن له أبا شيخاً كبيراً

الدرالمنثور، ج ۴، ص ۵۶۴.

۲ فرزندان یعقوب با تحریک عواطف

یوسف (ع) در صدد جلب رضایت او برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قالوا یا ایها العزیز ان له ابا شیخا کبیرا

۳ اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یا ایها العزیز ان له ابا شیخا کبیرا .. انا نریک من المحسنین

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف (ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف (ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

۵ یوسف (ع) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یا ایها العزیز

۶ بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أحدنا مکانه

۷ فداکاری و گذشت برادران بنیامین ، برای بازگرداندن او به پدرشان یعقوب

فخذ أحدنا مکانه

۸ برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است .

فخذ أحدنا مکانه

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

اِنا نریک من المحسنین

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مکانه اِنا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از

آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أحدنا مكانه . .. قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ...> یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

۵ اجتناب یوسف (ع) از نسبت دادن دزدی به بنیامین

أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

آوردن عبارت <إلا من وجدنا متعنا عنده> (مگر کسی که متاع خویش را نزد او یافتیم) به جای <إلا من سرق متعنا> (مگر کسی که متاع ما را سرقت کرده باشد) گویای اجتناب یوسف از نسبت دادن سرقت به بنیامین است.

۱۰ یوسف (ع) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر، از هر \$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان .. . إنا إذا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخذ... إنا إذا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً ناامید گشتند .

فلما استیثسوا منه

<یأس> و <استیثاس> به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که <استیثاس> حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در <منه> یوسف و

یا بنیامین است. بنابراین <فلما استئیسوا منه ...> ؛ یعنی، پس آن گاه که فرزندان یعقوب از [جلب رضایت] یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند

۲ فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین ، در کناری به دور از یوسف و کارگزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما استئیسوا منه خلصوا نجیاً

از معانی <خلوص> اعتزال و کناره گیری کردن است. <نجی> به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شریفه حال برای فاعل <خلصوا> می باشد. بنابراین <خلصوا نجیاً> ؛ یعنی، برادران یوسف از دیگران جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

۳ فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر ، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

۴ بازگشت همگان به کنعان ، نظر و رأی اکثریت فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین

قال کبیرهم ألم تعلموا .. فلن أبرح الأرض

استفهام در <ألم تعلموا ..> استفهام توییخی است. از نتیجه ای که <لاوی>، فرزند ارشد یعقوب، در سخنان خویش بیان می دارد (فلن أبرح الأرض ؛ از دیار مصر نمی روم) معلوم می شود منشأ توییخ و سرزنش او از برادرانش این بوده که آنان را مصمم بر بازگشت می دیده است.

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

<براح>

(مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم .. قد أخذ علیکم موثقًا ... فلن أبرح الأرض

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا .. من قبل ما فرطتم فی یوسف

<ما> در <ما فرطتم> مصدریه است و عبارت <من قبل ما فرطتم ..> عطف بر <أن أباکم ...> می باشد ؛ یعنی: <ألم تعلموا> تفریطکم فی یوسف من قبل . تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

۱۰ فرزند بزرگ یعقوب ، رفتار گذشته برادرانش با یوسف (ع) را رفتاری نکوهیده خواند .

قال کبیرهم .. و من قبل ما فرطتم فی یوسف

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بدون

بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي أو يحكم الله لي

گویا مقصود لاوی از <حتی یاذن لی اَبی> این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن يحاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از <یحکم الله> شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال كبيرهم .. ارجعوا إلى أبيكم فقولوا ياأبانا إن ابنك سرق

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنك سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنك سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنك سرق). بر این اساس مفاد جمله

<ما شهدنا...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنك سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

يأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <يأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگوئید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنك سرق

لحن جمله <إن ابنك سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما كنا للغيب حفظين

در معنای جمله <و ما كنا ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنك سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگاهبان باشیم ، یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و

ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهران ، اعتذار آنان نزد یعقوب (ع) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. و ما كنا للغيب حافظين

جمله <و ما كنا ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد ، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گوئید بینجامد.

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در ائاثیه بنیامین ، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند .

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵(جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين> چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم / ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر است که بر این مبنا <حافظين> به معنای <عالمين> خواهد بود.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهرانی ، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ خبر دزدی بنیامین در آبادی محل سکونت یوسف (مصر) ، شایع شده بود .

وسئل القرية التي كنا فيها

<قرية> به محل

سکونت و اجتماع انسانها (شهر و روستا) گفته می شود. از این رو در برداشت از آن به <آبادی> تعبیر شد. پرسش از آبادی با اینکه مقصود پرسش از اهل آبادی است، برای رساندن این معناست که: خبر سرقت بنیامین در شهر شایع شده و همگان از آن مطلع بودند.

۲ کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند .

وسئل .. العیر التی أقبلنا فیها

۳ فرزندان یعقوب ، بر این گمان بودند که پدرشان داستان سرقت بنیامین را تصدیق نخواهد کرد .

وسئل القریه .. والعیر التی أقبلنا فیها

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جويا شود .

فقلوا یاأبانا .. وسئل القریه ... والعیر التی أقبلنا فیها

<اقبال> (مصدر اقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العیر التی ...> ؛ یعنی، از کاروانی پرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

۵ فرزندان یعقوب از مصر به همراه کاروانی از کنعانیان رهسپار دیار خویش شدند .

والعیر التی أقبلنا فیها

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۵،۶،۳،۲،۱

۱ فرزندان یعقوب به کنعان بازگشتند و گزارش سفرشان را

همان گونه که لاوی سفارش کرده بود، برای پدرشان بیان کردند.

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا ياأبانا... قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

از آن جا که مطالب آیه ۸۱ و ۸۲ سخنان لاوی در مصر است و جمله <بل سؤلت...> پاسخ یعقوب در برابر آن گفته هاست، معلوم می شود که اولاً: بخشی از داستان به خاطر اختصار آورده نشده است و آن اینکه: <فرجعوا إلى أبيهم و قالوا كذا و كذا>. ثانیاً: فرزندان یعقوب همان سخنان لاوی را به همان گونه که وی سفارش کرده بود برای پدرشان گزارش کردند.

۲ یعقوب (ع) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندان را باور نکرد.

قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندان را نپذیرفت.

۳ یعقوب (ع)، فرزندان را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست.

قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

۵ یعقوب (ع)، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پردازهای نفس فرزندان خویش دانست.

قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

جمله <سؤلت لكم...> یعنی، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندان است.

۶ آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندان (یوسف، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است.*

قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندان را باور نکرد و آنان

را علی رغم داشتن شهود عینی که جای شک باقی نمی گذاشت به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: ۱ یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. ۲ کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. ۳ این کید و نقشه از ناحیه فرزندانش اجرا شده است. اینها واقعیهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت و ولی نکته ای که برای او پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندانش است مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طراح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۳، ۱۲، ۷

۷ گریه فراوان یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) *

وایضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود و ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب (ع) بر اثر فراق یوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وایضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای

اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولیٰ عنهم .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ؛ یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۶، ۴، ۳، ۱

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافییه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ؛ یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

حرف

<تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرضاً ..) جواب قسم است / یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرضاً ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۶، ۱۰، ۹

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) قال : قدم أعرابيٌّ علي يوسف ... قال له يوسف : ... فإذا مررت بوادي كذا و كذا فقف فناد : يا يعقوب ! يا يعقوب ! فإنه سيخرج إليك رجل ... فقل له : لقيت رجلاً بمصر و هو يقرئك السلام و يقول لك : إن وديعتك عند الله عزوجل لن تضيع ، قال : فمضى الأعرابي ... فأبلغه ما قال له يوسف ... فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حي لم يمت و أن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته و كان يقول لبنيه : < إني أعلم من الله ما لاتعلمون > .

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف وارد شد . . . یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گذر کردی بایست و صدا بزنی: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهد آمد ... به او بگو مردی را در مصر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت ... و گفتار یوسف را به یعقوب ابلاغ کرد ... پس یعقوب می دانست یوسف زنده است و نمرده و خدای تعالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: <إني أعلم من الله ما لا تعلمون> ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۳، ۴، ۲

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند .

بینی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لا تأیسوا من روح الله

۱۳ > عن أبي جعفر (ع) : . . . انه [یعقوب] دعا ربّه فی السحر أن یهبط علیه ملک الموت فهبط علیه . . . قال یعقوب : . . . هل عرض علیک فی الأرواح روح

یوسف؟ فقال: لا فعند ذلك علم أنه حيّ فقال لولده: < اذهبوا فتحسسوا من يوسف ... > ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید... پس او فرود آمد... یعقوب گفت: ... آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: < اذهبوا فتحسسوا من يوسف ... >...< .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۴، ۳، ۱

۱ فرزندان یعقوب برای مرتبه سوم در دوران قحطی، به مصر آمدند و به حضور یوسف (ع) رسیدند.

فلما دخلوا علیه

۳ فرزندان یعقوب سختی معیشت و نابسامان بودن وضع مادی خاندان یعقوب را به یوسف گزارش کردند.

قالوا یا ایها العزیز مسنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه

۴ یوسف (ع) در دوران قحطی مصر، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت.

قالوا یا ایها العزیز

۷ فرزندان یعقوب در نوبت سوم سفرشان به مصر، بهای کامل برای خرید سهمیه خویش را نداشتند.

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

<مزجاه> به معنای ناچیز و حقیر است.

۸ فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش، از یوسف (ع) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند.

مسنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

۹ تداوم سیاست یوسف (ع) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت

بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدت‌ها ادامه داشت.

۱۰ یوسف (ع) از فقیران و تهیدستان برای پرداخت سهمیه شان ، بهایی دریافت نمی کرد .

مسنّا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <أوف لنا الکیل> به وسیله <فاء> بر <مسنّا و أهلنا الضر ..> است.

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزندان یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: ۱ منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف (ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. ۳ مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

۱۳ دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب ، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف (ع) و استرداد بنیامین *

یأیها العزیز مسنّا و

أهلنا الضر . . فأوف لنا الكيل و تصدق علينا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف (ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند ، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۱۴ برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب (ع) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه ، آذوقه و غلات به آنان ببخشد .

مَسْنَا و أهلنا الضر . . فأوف لنا الكيل و تصدق علينا

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خدانشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الكيل و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

۱۹ اظهار مسکنت و ذلت برادران یوسف به پیشگاه او و شکایت آنان از فقر و تنگدستی ، در سومین سفر آنان به مصر

مَسْنَا و أهلنا الضر . . و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

۲۰ > عن أبي الحسن الهادي (ع) : . . . لما مات العزيز . . . إفتقرت إمرأه العزيز و احتاجت حتى سألت الناس فقالوا : ما يضرك لو قعدت للعزيز و كان يوسف يسمي العزيز [خ . ل . و كل ملك كان لهم سمي بهذا الإسم] . . . فقامت إليه و قالت : سبحان . . . من جعل العبيد بالطاعه ملوكاً . . . ;

از امام هادی (ع) روایت شده است: . . . پس از مرگ عزیز مصر ... همسر وی [زلیخا] فقیر و نیازمند شد تا آن جا که از مردم درخواست کمک می

کرد. پس مردم به او گفتند: چه ضرر دارد که بر سر راه عزیز بنشینی [واز او کمک بخواهی] و یوسف در آن زمان عزیز نامیده می شد [و هر پادشاهی که بر مصریان حکومت می کرد به این اسم نامیده می شد]... پس همسر عزیز بر سر راه یوسف ایستاد و گفت: ... منزّه است خدایی که بردگان را در سایه اطاعت، به پادشاهی می رساند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۹، ۸، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ عزیز مصر در پی مشاهده ذلت فرزندان یعقوب، داستان رها کردن یوسف (ع) در چاه کنعان را به آنان یادآوری کرد.

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

مراد از <ما فعلتم بیوسف> و یا مصداق مورد نظر از آن، داستان رهاسازی یوسف(ع) در چاه کنعان است. گویا این یادآوری همان است که خداوند در آیه ۱۵ از همین سوره بیان داشت، بدین مضمون که همانا این واقعه (داستان چاه) را در آینده به آنان گزارش خواهی کرد، در حالی که متوجه نیستند (تو را نمی شناسند).

۲ بنیامین، برادر پدری و مادری یوسف (ع)، همچون یوسف (ع)، مورد آزار و اذیت برادرانش بود.

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

۳ بنیامین برخورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف (ع) شرح داده بود.

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن

مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

۶ برادران یوسف هنگام افکندن او در چاه کنعان، گرفتار جهل و بی خردی بودند.

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

۸ برادران یوسف پس از سپری کردن برهه ای از عمرشان از آزار و اذیت بنیامین دست کشیدند. *

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

چون <إذ أنتم جاهلون> ظرف برای <فعلتم> است، زمان آن فعل را مقید به زمان جهل و نادانی برادران یوسف می کند و این مفهوم را القا می کند که پس از آن زمان، برخوردشان با بنیامین برخورد نامناسبی نبوده است. تناسب حکم و موضوع و طبیعت حال، این احتمال را به ذهن می آورد که بگوییم آن زمان، زمان جدایی ایشان بوده است.

۹ یوسف (ع) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش، عذر تقصیرشان (جهل و نادانی) را به آنان القا کرد.

إذ أنتم جهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰

۱ فرزندان یعقوب در پی سخنان عزیز مصر (آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید) دریافتند که او برادرشان یوسف (ع) است .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف .. قالوا أءنك لأنت یوسف

جمله < أءنك .. > حاوی چهار تأکید است: اسمی بودن جمله ، حرف تأکید < إن > ، لام تأکید و ضمیر فصل < أنت > . و اینها حاکی از این است که برادران یوسف بر اینکه مخاطبشان همان یوسف (ع) است ، اطمینان کردند .

۲ استبعاد و شگفتی ، فرزندان یعقوب از اینکه عزیز مصر برادرشان یوسف باشد .

قالوا أءنك لأنت یوسف

برادران یوسف علی رغم اطمینانشان بر اینکه عزیز مصر همان یوسف است ، جمله خویش را با استفهام تقریری بیان کردند و از او خواستند که به یافته آنان اقرار کند و این بیانگر استبعاد و شگفتی ایشان است ، یعنی ، در عین اطمینان ناباور بودند .

۳ یوسف (ع) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنك لأنت یوسف قال أنا یوسف

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر ، حضور داشت .

و هذا أخی

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهی بر صدق دعوای خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله < هذا أخی > می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای < قد منّ الله > باشد به عنوان شاهی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را درخواهید

یافت.

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إِنَّ كُنَّا لَخَطِيئِينَ

<إِنَّ> در جمله فوق به اصطلاح مخفّفه از مثقله (إِنَّ) است. دلیل آن حرف <لام> در <لِخَطِيئِينَ> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إِنَّ كُنَّا لَخَطِيئِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۴، ۱۳، ۶، ۴، ۳، ۱

۱ یوسف (ع) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لا تثریب علیکم

روا نداشتن سرزنش برادران که جمله <لا تثریب...> گویای آن است ، می رساند که یوسف (ع) آنان را مورد عفو خویش قرار داد.

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لا تثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

۴ یوسف (ع) پس از اعتراف برادرانش به خطا ، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لا تثریب علیکم الیوم

کلمه <تثریب> نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر

عموم دارد؛ یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله <لا تثریب علیکم الیوم> جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است؛ یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

۶ یوسف (ع) از خداوند خواستار آمرزش خطاها و گناهان برادرانش شد.

یغفر الله لکم

جمله <یغفر..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۱۳ یوسف (ع) برادرانش را به آمرزش خدا و شمول رحمتش بر آنان نوید داد.

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

برداشت فوق بر این اساس است که <یغفر الله..> جمله ای خبری باشد.

۱۴ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهی، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت.

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

جمله <هو..> حالیه است و به منزله تعلیل برای <یغفر الله> می باشد؛ یعنی، چون <ارحم الرحمین> است، گناه شما را می بخشاید. قابل ذکر است که یوسف با یادآوری این صفت خداوند، پس از گذشت از گناه برادرانش، به این نکته اشاره می کند که: من از شما درگذشتم پس او که از همه از من و غیر من مهربان تر است، بی هیچ تردید از شما خواهد گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۲

۱ یوسف (ع)، برادرانش را با پیراهنی خاص از خویش روانه کنعان کرد.

اذهبوا بقمیصی هذا

کلمه <هذا> گویای آن است که یوسف (ع)

پیراهن خاصی را به برادرانش سپرد تا به کنعان ببرند.

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود.

فألْقوه على وجه أبي يأت بصيراً

<يأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصيراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <يأت> به معنای <می آید> است و <بصيراً> حال می باشد؛ یعنی، او به مصر می آید در حالی که بیناست.

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود.

يأت بصيراً

۴ یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند.

اذهبوا .. فألقوه على وجه أبي

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألْقوه> استفاده شده است. <فألْقوه>؛ یعنی، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۵ یوسف (ع) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود.

يأت بصيراً

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع)، کرامتی از یوسف

فألْقوه على وجه أبي يأت بصيراً

فعل <يأت> جواب امر <فألْقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه على وجه أبي يأت بصيراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف (ع) در بینا شدن چشم یعقوب (ع) است.

۱۲ > عن أبي جعفر (ع) [في قوله تعالى] : > قال ... اذهبوا بقميصي هذا > الذي بلّته

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای تعالی: <قال .. اذهبوا بقمیصی هذا> روایت شده: پیراهنی که اشک های چشم آن را تر کرده است، [با خود ببرید]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ کاروان فرزندان یعقوب با سوغاتی ارزشمند و دلیلی روشن بر سلامت یوسف (ع)، از مصر به سوی کنعان حرکت کردند

اذهبوا بقمیصی هذا .. و لما فصلت العیر

<فصلت> از مصدر <فصول> گرفته شده است و <فصول> به معنای خارج شدن و جدا گشتن می باشد.

تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۷۹؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۱۸۵.

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد.

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

جمله <قال أبوهم ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد.

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۴ شامه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت

العیر قال أبوهم إني لأجد ریح یوسف

۷ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع) ، انکار می کردند .

قال أبوهم .. لولا أن تفتنون

روشن است که جمله <إني لأجد ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا...> باشد زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما كذبتموني و...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

۱۲ در سفر سوم فرزندان یعقوب به مصر برای جست و جو از یوسف (ع) و بنیامین ، تنها برخی از آنان راهی آن سفر شدند .

بینی اذهبوا .. و لما فصلت العیر قال أبوهم ... لولا أن تفتنون

جمله <قال أبوهم ..> گویای این است که گوینده / یعنی، یعقوب(ع) پدر مخاطبان است. براین اساس مخاطبان یعقوب(ع) در جمله <لولا أن تفتنون> فرزندان اویند و این می رساند که برخی از فرزندانش برای جست و جوی یوسف(ع) و بنیامین (بینی اذهبوا) به مصر رفتند و برخی از آنان نزد پدر ماندند.

۱۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال : ... ان ابراهيم لما أوقدت له النار أتاه جبرئيل (ع) بثوب من ثياب الجنة ... فلما حضر ابراهيم الموت جعله في تميمه و علّقه إسحاق على يعقوب ، فلما ولد يوسف (ع) علّقه عليه فكان في عضده ..

. فلما أخرجہ یوسف بمصر من التمیمه وجد یعقوب ریحہ و هو قوله : < إني لأجد ریح یوسف ... > فهو ذلك القمیص
الذی أنزله الله من الجنة ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از
پیراهنهای بهشتی برای او آورد ... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حرز
بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را] بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف
بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب:
<إني لأجد ریح یوسف ...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إني لأجد ریح یوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ حامل پیراهن یوسف (ع) به عنوان پیکری مژده رسان پیش از دیگر افراد کاروان به حضور یعقوب (ع) رسید .

فلما أن جاء البشير

<بشیر> به معنای اسم فاعل (مبشِّر) به کسی گفته می شود

که پیامی مسرت بخش را ابلاغ می کند. گفتنی است چنان چه <بشیر> همراه دیگر فرزندان به حضور یعقوب (ع) رسیده بود، مناسب تر آن بود که جمله به این صورت بیان می شد: <فلما أن جاءوا ألقاه البشير على وجهه>. بنابراین جمله <فلما أن جاء البشير> ظهور در این دارد که مژده رسان پیش از دیگران آمده بود.

۲ پیک فرزندان یعقوب زنده بودن یوسف (ع) و همراه داشتن پیراهن وی را به یعقوب (ع) بشارت داد.

فلما أن جاء البشير

مصادق مورد نظر برای بشارت و خبرت مسرت بخش به مناسبت مورد خبر از حیات یوسف (ع)، سلطنت او و نیز به همراه داشتن پیراهن معجزه آسای وی است. قابل ذکر است که جمله <اذهبوا بقمیصی> در آیه ۹۳ می رساند که <بشیر> یکی از همان برادران یوسف بوده نه شخصی دیگر.

۳ افکندن پیراهن یوسف (ع) بر چهره یعقوب (ع) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب (ع)

فلما أن جاء البشير ألقیه علی وجهه

جمله <ألقاه ..> جواب برای <فلما أن جاء البشير> است و لذا دلالت می کند به اینکه افکندن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن، فروغ گرفت و بینایش بازگشت.

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در

جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: \$۱ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقى> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۱،۲،۳،۴،۸

۱ فرزندان یعقوب در حضور وی خویشان را گنهکار دانسته و به گناه خویش اقرار و اعتراف کردند .

قالوا یاأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خطئین

۲ فرزندان یعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با یوسف (ع) و بنیامین و یعقوب (ع) ، آن را مرتکب می شدند .

قالوا یاأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خطئین

مراد از <ذنوبنا> به قرینه مقام رفتار فرزندان یعقوب با وی و یوسف و بنیامین می باشد.

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با یوسف (ع) ، بنیامین و یعقوب (ع) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

یاأبانا استغفر لنا ذنوبنا

۴ فرزندان یعقوب با لحنی ملتمسانه از وی خواستند برای آموزش گناهانشان از خداوند ، طلب آموزش کند .

یاأبانا استغفر لنا ذنوبنا

تصریح فرزندان یعقوب به <یاأبانا> (ای پدر ما)

برای جلب مهر و محبت و برانگیختن عواطف اوست که از آن به <لحنی ملتمسانه> تعبیر شد.

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف (ع) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد. *

يَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب (ع) به <ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لكم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب (ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۱، ۱۸، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ خاندان یعقوب، تقاضای یوسف (ع) را پذیرفتند و همگی از کنعان به سوی مصر کوچ کردند.

وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ .. فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

۲ یوسف (ع) برای استقبال از پدر و مادر، برادران و سایر بستگانش، از شهر مصر بیرون رفت.

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ .. قَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ

جمله <ادخلوا مصر> (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف (ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

۴ یوسف (ع) در استقبال از پدر، مادر و

بستگانش ، از تشریفات وزارتی و حکومتی پیراسته بود .

فلما دخلوا علی یوسف

یاد کردن از یوسف(ع) با نام وی و نه عنوان و سمت او (عزیز و مانند آن) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۵ یوسف (ع) در بیرون شهر مصر ، جایگاهی را برای مراسم استقبال از خاندانش تدارک دید .

فلما دخلوا علی یوسف

جمله <آن گاه که بر یوسف(ع) وارد شدند> (فلما دخلوا علی یوسف) می رساند که یوسف(ع) در ساختمان و یا چادرهایی منزل گرفته بود. در غیر این صورت واژه ورود و دخول جایگاهی نداشت ؛ بلکه کلمه ملاقات و مانند آن مناسب می نمود.

۶ یعقوب (ع) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف (ع) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف (ع) پایان یافت

فلما دخلوا علی یوسف

۷ یوسف (ع) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

۸ مادر یوسف به هنگام کوچ خاندان یعقوب از کنعان به مصر زنده بود .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

۱۰ یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا ..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

۱۱ یوسف)

ع) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی درامان خواهند بود.

قال ادخلوا مصر إن شاء الله آمین

<آمن> (مصدر آمین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت، دغدغه معاش نداشتن و درامان بودن از ناحیه حکومت است.

۱۸ > عن الحسن بن اسباط قال: سألت أبا الحسن في كم دخل يعقوب من ولده علي يوسف؟ قال: في أحد عشر إبناً له...

حسن بن اسباط گوید: از امام رضا(ع) سؤال کردم: یعقوب در میان چند نفر از فرزندانش وارد بر یوسف شد؟ حضرت فرمود: در میان یازده پسر خود...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۲،۳،۷،۲۶

۱ یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند.

قال ادخلوا مصر .. و رفع أبويه علي العرش

ترتیب ذکر میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبويه علي العرش...> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۲ یوسف (ع) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود.

و رفع أبويه علي العرش

۳ یوسف (ع) پدر و مادرش

را بر تخت فرمانروایی خویش نشاند .

و رفع أبویه علی العرش

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خزّوا له سجّداً

<خروور> (مصدر خزّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّداً> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خزّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۲۶ یوسف (ع) به سخن خویش (دیگر بر شما برادرانم ملامتی روا نیست) متعهد و بدان وفادار بود .

لا تثریب علیکم الیوم .. نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

یوسف (ع) در بیان سرگذشت خویش برای یعقوب (ع) از برادرانش که منشأ فراق و جدایی بودند گلایه ای نکرد و رفتار ناروای ایشان را یادآور نشد ؛ بلکه شیطان را عامل فسادى که میان او و برادرانش رخ داده بود دانست با این برخورد به آنچه در خطاب به برادرانش گفته بود (هیچ کس حق ندارد شما را سرزنش و ملامت کند) وفا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۷

تصمیم و عزم برادران یوسف بر توطئه و مکر علیه وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. مراد از ضمیرهای جمع در جمله <أجمعوا...> برادران یوسف است. گرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که مقصود از آن ضمیرها علاوه بر برادران، زلیخا و هیأت حاکمه مصر نیز باشد.

قصه یوسف (ع) قبل از محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ سرگذشت یوسف (ع)، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلك من أنباء الغیب

<ذلك> اشاره به داستان یوسف (ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است / یعنی: <ذلك النبأ من أنباء الغیب>.

قضاوت در قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۲

۲ پاره شدن پیراهن یوسف (ع) محور و تکیه گاه کشف حقیقت، در نظر داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

و شهد شاهد... و هو من الصّٰدقین

قضاوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبيای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف -

۴ یوسف (ع) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیایها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۵

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

قوانین کیفری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

کاردانی قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . . . و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

کارگزاران یوسف و تدبیر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ بی اطلاعی کارگزاران یوسف (ع) از طرح و نقشه وی (جاسازی کردن پیمانانه در محموله بنیامین) برای جلوگیری از بازگشت بنیامین

جعل السقايه في رحل أخيه ثم أذن مؤذن

چنان چه کارگزاران یوسف (ع) از نقشه وی مطلع بودند، به سارق بودن فرزندان یعقوب تصریح و تأکید نمی کردند (انکم لسارقون). همچنین از اینکه یوسف (ع) خود جام را در محموله بنیامین قرار داد، این معنا استفاده می شود که او نمی خواست دیگران از نقشه وی مطلع باشند.

کارگزاران یوسف (ع) و برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب نزد کارگزاران یوسف به حسن سابقه و منزله بودن از فساد و سرقت شناخته شده بودند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد في الأرض و ما كنا سارقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی، که از جمله های قبل استفاده می شود، برمی گردد.

کارگزاران یوسف (ع) و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ یوسف (ع) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در

مصر ، از هر \$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان .. إنا إذا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخذ .. إنا إذا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

کاروان یابنده یوسف و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۱ ، ۱۰ ، ۶ ، ۵

۵ کاروان یابنده یوسف (ع) ، او را به عنوان کالای تجاری به همراه خود بردند .

و أسروه بضعه

<بضاعه> به مال و کالایی اطلاق می شود که برای تجارت قرار داده شده است.

۶ کاروان یابنده یوسف (ع) به منظور کالای تجاری قرار دادن او ، سعی در مخفی ساختن وی داشتند .

و أسروه بضعه

در فعل <أسروا> (پنهان ساختند) معنای جعل و قرار دادن اشراب شده است ؛ از این رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معنای جمله نیز چنین می شود: یوسف (ع) را کالای تجاری قرار دادند و او را پنهان ساختند.

۱۰ کاروانیان بردن یوسف (ع) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسروه بضعه والله عليم بما يعملون

چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیدا شده امری مجاز و قانونی بود ، مخفی ساختن یوسف (ع) (أسروه بضاعه) وجهی نداشت.

۱۱ کاروان یابنده یوسف (ع) به خاطر کالا قرار دادن او ، گنه کار و مستحق کیفر الهی شدند .

و أسروه بضعه والله عليم بما يعملون

یادآوری علم خدا به اعمال بندگان ، می تواند کنایه از کیفردهی او باشد.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۲،۳،۴

۱ کاروانیان ، یوسف (ع) را به درمهایی اندک و بهایی ناچیز فروختند .

و شروه بثمان بخش درهم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیاره> باز می گردد. <بخس> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخوس = ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمان بخش> ؛ یعنی، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندک بودن است.

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و خویشان را مالک او می شمردند .

أسروه بضعه .. و شروه بثمان

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

۳ کاروانیان یابنده یوسف (ع) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شروه .. و کانوا فیه من الزهدين

<زهدي> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. از این رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف (ع) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمان بخش .. و کانوا فیه من الزهدين

جمله <و کانوا ..> به منزله

تعلیل برای <شروه بضمن بخش> است ؛ یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری] یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

کرامات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۷

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألِقوه علی وجه اُبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألِقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه اُبی یأت بصیرًا>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴۸

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن ، فروغ گرفت و بینایش باز گشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: ۱\$ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

کرامت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۵

۲۵ سیمای یوسف (ع) ، نمایانگر بزرگواری و کرامت والای او بود .

إِن هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به .. فسله ما بال النسوه التی قطعن أیدیهنّ

کمالات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲۰

۲۰ یوسف (ع) برخوردار از مقام های بلند معنوی و نایل شده به مراحل و درجاتی از کمال

نرفع درجت من نشاء

کودکی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنی

کلمه <بنی> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است . <یبنی> یعنی ، ای پسر کوچک من .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۶

۶ یوسف (ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است .

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

برداشت فوق ، از فعل <یلعب> (بازی کنند) به دست می آید ؛ زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به

کار می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۲، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به .. و أوحينا إليه

۱۲ یوسف

(ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحينا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أكرمي مثويه .. و لما بلغ أشده

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۴

۴ یوسف (ع) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل .. قال ... الله أعلم بما تصفون

گزارش برادران یوسف به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۳

۳ فرزندان یعقوب سختی معیشت و نابسامان بودن وضع مادی خاندان یعقوب را به یوسف گزارش کردند .

قالوا یا ایها العزیز مسنا و أهلنا الضر و جئنا بیضعه مزجیه

گفتگوی جبرئیل با یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۸

١٨ > قال رسول الله (ص) لما ألقى يوسف فى الجبّ أتاها جبرئيل عليه السلام فقال له : يا غلام ، من ألقاك فى هذا الجبّ ؟
قال : إخوتى . قال : ولمّ ؟ قال :

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت: چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...<

گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴،۵

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد.

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مکین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنك...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنك الیوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله، منصوب کند.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار< این است که امور یاد شده را به من بسپار؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی..> است.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) :... ان یوسف (ع) ... لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ > عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممن ینظرون الزهد و یدعون الناس أن یكونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف ... أخبرونی این أتم عن .. یوسف النبی (ع) حیث قال لملك مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض ... > فكان من أمره الذی كان أن اختار مملکة

الملك و ما حولها إلى اليمن... فلم نجد أحداً عاب ذلك عليه... ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند... فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد...<

گواه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ > عن علی بن الحسین (ع) :... قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلك سوء بل هی راودتني عن نفسی فسل هذا الصبی... و كان عندها من أهلها صبی زائر لها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال :... انظر إلى قميص یوسف... ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است:.. یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودک پرس کودکی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود پس خدا آن کودک را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: ... به پیراهن یوسف نگاه کن...<

گواهان صداقت یوسف(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهی بر صدق دعوی خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخي

جمله <هذا أخي> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد من الله> باشد به عنوان شاهی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را در خواهید یافت.

گواهی بر عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۳

۳ زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد .

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند ؛ با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین <فاستعصم> یعنی، یوسف(ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

لاوی و تبعید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۲

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود .

لا تفتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . . . إن كنتم فعلین

جمله شرطی <إن كنتم فعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم

به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن كنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود / یعنی، <إن كنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

لاوی و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۴

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت.

قال قائل منهم لا تقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود.

لا تقتلوا یوسف... و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیارة

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیارة) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

لاوی و نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود.

لا تقتلوا یوسف... و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیارة

پیشنهاد لاوی مبنی بر

اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (يلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

يلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر يلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

لاوی و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۳

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه فی غیبت الجب يلتقطه بعض السیّاره

<جَبَّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت بر آنند که <جَبَّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

لیاقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به .. و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی..> است.

۴ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۶ یوسف (ع) بر به کار گیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

مادر یوسف(ع) در دربار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳

۳ یوسف (ع) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشانند .

و رفع أبویه علی العرش

مادر یوسف(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۸

۸ مادر یوسف به هنگام کوچ خاندان یعقوب از کنعان به مصر زنده بود .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

مجازات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

محافظت از یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۸

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف (ع) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید فراوان ، از آوردن جمله اسمیه به همراه <إِنَّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵،۷

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندان

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

۷ غفلت برادران از حراست یوسف (ع) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب (ع) نبود .

أخاف أن يأكله الذئب و أنتم عنه غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۹

۹ یعقوب (ع) در پی تعهد فرزندان بر محافظت از یوسف (ع) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

كما أمنتكم على أخيه من قبل

محبت یعقوب(ع) به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال يوسف لأبيه يأت . . . بيني

تعبیر < یأت > (ای پدرم) در کلام یوسف (ع) و < بیني > (ای پسرک من) در کلام

یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۴

۱۴ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت .. قال یبنی لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۵، ۱۳، ۹، ۶، ۵، ۴، ۳

۳ یوسف (ع) و بنیامین محبوب تر از دیگر فرزندان یعقوب در نزد آن حضرت

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

مراد از <أخوه> چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

۴ یوسف (ع) محبوب تر از بنیامین در نزد یعقوب (ع)

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا

برداشت فوق ، از تقدیم <یوسف> بر برادرش <بنیامین> استفاده شده است.

۵ شایستگی های معنوی یوسف (ع) و فضیلت های خدادادی وی ، عامل محبت فراوان یعقوب (ع) به او بود .

کذلک یجتیبک ربک .. لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

بیان مسأله محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) ، پس از بیان ویژگیهای یوسف (و کذلک یجتیبک ..) ، اشاره به ریشه محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) دارد.

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد؛ یعنی، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۹ لطف و محبت افزون تر یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین و شایسته نبودن آن دو برای آن لطف و محبت، از سخنان و پیش درآمدهای جلسه مشورتی برادران یوسف علیه وی

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا و نحن عصبه إن أبانا لفي ضلل مبين

۱۳ محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب .. إن أبانا لفي ضلل مبين

۱۵ > عن علي بن الحسين (ع) : ... فلما رأى يوسف الرؤيا و أصبح يقصّها علي أبيه يعقوب ، فاعتم يعقوب لما سمع من يوسف مع ما أوحى الله عزوجل إليه أن استعد للبلاء ... و خاف أن يكون ما أوحى الله عزوجل إليه من الإستعداد للبلاء هو في يوسف خاصّه فاشتدت رفته عليه من بين ولده فلما رأى إخوه يوسف ما يصنع يعقوب بيوسف و تكرمته إياه و إيثاره عليهم إشتد ذلك عليهم ... و قالوا : إن يوسف و أخاه < أحب إلى أبينا منا > ... ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: ... هنگامی که یوسف (ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او وحی کرد که آماده بلا باش غمگین شد ... و ترسید

که آن بلا-بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد / چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرمی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۳

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۲

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنك لفي ضللك القديم

محبت یوسف(ع) به مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۷

۷ یوسف (ع) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا على يوسف ءاوى إليه أبويه

محبت یوسف(ع) به یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۶

۶ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال يوسف لأبيه يأبت . . . بينى

تعبير <يأبت > (أى

پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۴

۱۴ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب (ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت .. قال یبنی لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنی> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۷

۷ یوسف (ع) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

محدوده اختیارات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۵

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۰، ۷

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملک> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد.
قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه...> در

آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

۱۰ یوسف (ع) در زمان وزارتش ، نمی توانست با قوانین و مقررات حکومت مصر مخالفت کند .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

محدوده حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۶

۶ قلمرو حکومتی یوسف (ع) محدود بود و فراگیر همه سرزمین ها نمی شد .

قد ءتیتنی من الملک

برداشت فوق با توجه به اینکه <من> در <من الملک> برای تبعیض است ، استفاده شده است.

محدوده علم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۹

۱۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلمه...> یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۹

۹ دانش یوسف (ع) به

تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

علمتني من تأويل الأحاديث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است، استفاده می شود.

محکومیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۰، ۹

۹ یوسف (ع)، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد.

لیسجنه حتی حین

۱۰ محکومیت یوسف (ع) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

لیسجنه حتی حین

محمد(ص) و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۹

۹ پیامبر (ص)، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت.

نقص .. بما أوحينا ... و إن كنت من قبله لمن الغفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۳، ۵، ۶

۳ خداوند، داستان یوسف (ع) را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد.

ذلك من أنباء الغيب نوحيه إليك

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت.

و ما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما كنت لديهم> (نزد آنان نبودى) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

۶ آگاه نبودن پیامبر (ص) به حقایق داستان یوسف پیش از نزول قرآن ، دلیلی روشن بر الهی بودن قرآن

ذلك من أنباء الغيب نوحیه إلیك و ما كنت لديهم

جمله

حالیه <و ما کنت لدیهم> به منزله تعلیل برای <نوحیه إلیک> است؛ یعنی، از نشانه های این حقیقت که قرآن وحی الهی است آن است که تو از داستان یوسف(ع) بی خبر بودی؛ ولی آن را به بهترین وجه آوردی و این جز از طریق وحی امکان پذیر نبود.

مدبر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ حوادث و مراحل زندگانی یوسف (ع) ، به تدبیر و فرمان خداوند تحقق می یافت .

و کذلک مکنا لیوسف فی الأرض .. والله غالب علی أمره

از مصداقهای مورد نظر برای <أمره> به قرینه <کذلک مکنا لیوسف> تدبیر امور یوسف(ع) است. برخی برآنند که ضمیر در <أمره> به یوسف برمی گردد. بر این اساس جمله <والله غالب علی أمره> (خداوند بر امور یوسف(ع) غلبه دارد و تدبیر امور او در اختیار خداست) در برداشت فوق صراحت بیشتری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۰

۲۰ یوسف (ع) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او ، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مشوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد؛ زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فستله ما بال النسوه . . . إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . .) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

مدت زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۲ ، ۱۰ ، ۹

۹ یوسف (ع) ، برای زمانی محدود و نامعلوم محکوم به زندان شد .

لیسجننه حتی حین

۱۰ محکومیت یوسف (ع) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زلیخا و دیگر زنان *

لیسجننه حتی حین

۱۲ > عن الصادق (ع) : انه قال : دخل یوسف السجن و هو ابن اثنتی عشر سنه و مکث فیه ثمان عشر سنه . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند . . . <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۳ ، ۱۶

۱۳ یوسف (ع) پس از آزادی ساقی پادشاه ، سالیانی دیگر ، گرفتار زندان بود .

فلبث فی السجن بضع سنین

<بضع> به معنای <چند> و کنایه از عددی مبهم بین

۳ تا ۱۰ می باشد.

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله تعالى : < فلبث في السجن بضع سنين > قال : سبع سنين ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <فلبث في السجن بضع سنين> روایت شده که فرمود: [مراد از بضع سنين] هفت سال است.

مدت فراق يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۵

۱۵ کمترین فاصله زمانی میان آخرین برخورد يوسف (ع) با برادران خویش تا ملاقات آنان با وی ، حدود بیست سال بوده است .

یرتع و یلعب .. و لما بلغ أشده .. فلبث في السجن بضع سنين... تزرعون سبع ... و

محاسبه مراحل که يوسف(ع) در مصر بسر برد، حدود بیست سال می شود ؛ زیرا کودکی حداکثر ده ساله بود که به دست کاروانیان افتاد و جمله <یرتع و یلعب> و نیز <أخاف أن يأكله الذئب> دلالت بر این معنا دارد. در خانه زلیخا به جوانی و رشد رسید (لما بلغ أشده) که این فاصله حدود هشت تا ده سال می شود. بیش از سه سال نیز (بضع سنين) در زندان بسر برد و هفت سال دوران پس از زندان را به وزارت اشتغال داشت و طبعاً یک سال پس از قحطی برادرانش به وی مراجعه کردند. مجموعه اینها حدوداً بیست سال می شود.

مدح يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۸

۸ يوسف (ع) ، برخوردار از عفتی اعجاب برانگیز و درخور برترین ستایش

قلن حش لله

<حاش لله>

سخنی است که از شدت شگفت زدگی حکایت دارد.

مراحل عمر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أكرمی مثویه .. و لما بلغ أشده

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شده (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

مربی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدیر خویش معرفی کرد .

فستله ما بال النسوه .. إن ربی بکیدهنّ علیم

مردسالاری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ سیادت و آقایی مرد بر همسر خویش در عصر یوسف (ع)

و ألفیا سیدها لدا الباب

مرگ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ برادران یوسف بر \$ این باور بودند که یوسف (ع) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل> می تواند متعلق به <سرق> باشد. بر این اساس جمله <فقد سرق...> چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود.

همچنین می تواند متعلق به مضمون <آخ له> باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

مسلمانان صدر اسلام و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۰

۱۰ مردم عصر بعثت ، ناآگاه به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

و إن كنت من قبله لمن الغفلین

<إن> در جمله فوق مخففه است و مراد از <الغافلین> مردم عصر بعثت می باشد. بنابراین مفاد جمله <إن كنت...> چنین می شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم ، از داستان یوسف بی خبر بودی.

مصر در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۲

۱۲ مصر ، دیاری بهره مند از امنیت در عصر یوسف (ع)

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

مصر باستان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۸

۸ مصر مرکز مراجعه مردم آبادی های مجاور برای تهیه آذوقه ، در قحطی هفت ساله عصر یوسف (ع) .

و جاء إخوه یوسف .. و لما جهزهم بجهازهم

مصریان باستان و نیاکان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ ناشناخته بودن حسب و نسب یوسف (ع) نزد عموم مصریان

فعر فهم و هم

اگر عموم مردم مصر می دانستند که یوسف(ع) از کدام قبیله، جامعه و دودمان است طبعاً به گوش برادران وی نیز می رسید و یوسف(ع) برای آنان ناشناخته نمی ماند.

مطالعه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۶

۶ مطالعه و دقت در داستان یوسف ، مایه دریافت حقایق و معارف الهی است .

إنا أنزلناه قرءاً نأ عربياً لعلکم تعقلون. نحن نقصّ علیک أحسن القصص

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان جمله <لعلکم تعقلون> با <نحن نقصّ علیک> است.

معجزه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۸

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقيه علی وجهه فارتد بصیراً

معرفی یوسف(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۳

۳ یوسف (ع) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إني أنا أخوك

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن

یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

معلم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع)، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد.

يجتبيك ربك .. إن ربك عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۵، ۱۶

۱۵ خداوند، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

۱۶ آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیاها، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكنّا ليوسف في الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۹

۹ خداوند، آموزنده علم غیب به یوسف (ع)

ذلکما مما علمنی ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۷

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد.

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت .. واتبعت مله ءابائی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند

شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد .. علمتی من تأویل الأحادیث

مقاطع پنهان قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۸

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمت های آن می باشد.

مقامات معنوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲۰

۲۰ یوسف (ع) برخوردار از مقام های بلند معنوی و نایل شده به مراحل و درجاتی از کمال

نرفع درجت من نشاء

مقامات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲

۲ رؤیای یوسف گویای آن بود که به مقامی رفیع نایل خواهد شد و بر برادرانش سیادت خواهد یافت .

بینی لاتقصص رءیاك

از اینکه برادران یوسف در صورت شنیدن رؤیایش درصدد ضربه زدن به او برمی آمدند ، دو نکته روشن می شود: ۱ رتبه و منزلت والای یوسف(ع)؛ ۲- آشنایی برادران او به تعبیر و تأویل رؤیا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱،۱۲

۱ رؤیای یوسف (ع) حاکی از برگزیده شدنش از ناحیه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و کذلک یجتیک ربک

<اجتباء> به معنای گزینش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراین <یجتیک ربک> یعنی ، پروردگارت تو را برمی گزیند و برای خویش خالص می گرداند ، به طوری که نصیبی در تو برای غیر او نخواهد بود.

۱۲ خداوند به واسطه یوسف (ع) ، نعمت کامل و تمام خویش را بر خاندان یعقوب ارزانی داشت .

و کذلک .. و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب

یوسف(ع) از خاندان یعقوب(ع) بود و <آل یعقوب> شامل او نیز می شد. بنابراین آوردن <علیک> و عطف کردن <آل یعقوب> بر آن، می تواند حاکی از نکته ای باشد که در برداشت فوق آمده است. قابل ذکر است که تأویل ستارگان، ماه و خورشید بر برادران و پدر و مادر یوسف(ع) مؤید آن نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰،۱۲

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به .. و أوحینا إلیه

۱۲ یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد، به مقام نبوت نایل گردید.

و لما بلغ أشدهً آتینه حکماً و علماً

برداشت فوق، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۶، ۶

۶ یوسف (ع)، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی، مصون و معصوم بود.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

۱۶ > عن الرضا (ع) : لقد هممت به و لولا أن رأی برهان ربّه لهم بها كما هممت به ، لکنه کان معصوماً ، والمعصوم لا یهم بذنب ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد ؛ ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۷

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلى الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۲

ع) در سرزمین مصر به منزلتی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مَكَّنَا لِيُوسِفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ

<تمکین> (مصدر مَكَّنَا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مَكَّنَا لِيُوسِفَ فِي الْأَرْضِ> ؛ یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حیث یشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

مکان استقبال یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۵

۵ یوسف (ع) در بیرون شهر مصر، جایگاهی را برای مراسم استقبال از خاندانش تدارک دید .

فلما دخلوا علی یوسف

جمله <آن گاه که بر یوسف(ع) وارد شدند> (فلما دخلوا علی یوسف) می رساند که یوسف(ع) در ساختمان و یا چادرهایی منزل گرفته بود. در غیر این صورت واژه ورود و دخول جایگاهی نداشت ؛ بلکه کلمه ملاقات و مانند آن مناسب می نمود.

مکذبان حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۷

۷ خانواده یعقوب، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع)، انکار می کردند .

قال أبوهم .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إني لأجد ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا...> باشد ؛ زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این

احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما کذبتمونی و...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

مکر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۷،۸،۹

۷ تصمیم و عزم برادران یوسف بر توطئه و مکر علیه وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای تصمیم گرفتن و مهتّیای انجام کاری شدن است. مراد از ضمیرهای جمع در جمله <أجمعوا...> برادران یوسف است. گرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که مقصود از آن ضمیرها علاوه بر برادران، زلیخا و هیأت حاکمه مصر نیز باشد.

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می باشد.

۹ بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما کنت لدیهم..> به منزله تعلیل برای <ذلک من أنباء الغیب...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه

وی ، تسلّی دهنده پیامبر (ص) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم وهم يمكرون. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان <ما أكثر الناس ..> با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم يمكرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبدا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

ملاقات آل یعقوب با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۶

۶ یعقوب (ع) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف (ع) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف (ع) پایان یافت

فلما دخلوا علی یوسف

ملاقات با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

ملاقات برادران یوسف با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۳، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) به مجرّد مشاهده برادران خویش ، علی رغم گذشت سالیانی دراز ، آنان را شناخت .

فدخلوا علیه فعرّفهم

<فاء> در <فعر فهم> حکایت از آن دارد که یوسف (ع) بدون پرسش و جست و جو بلکه به مجرد مشاهده برادرانش ، آنان را شناخت.

۱۳ هیچ یک از

برادران یوسف در ملاقات با او ، وی را نشناختند .

فدخلوا علیه فعرّفهم و هم له منکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۵

۵ برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال اتّونى بأخ لکم من أبيکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۶

۶ فرزندان یعقوب به بازگشت مجدد به مصر برای دریافت آذوقه ، مصمم بودند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف (ع) در آمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۴

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر ، حضور داشت .

و هذا أخی

ملاقات بنیامین با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف (ع) در آمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخاه

۳ یوسف (ع) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إنی أنا أخوک

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند،

امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

۵ یوسف (ع) شرح ماجرای خود و برادرانش (داستان قرار دادن او در چاه کنعان و...) را برای بنیامین باز گفت .

قال إني أنا أخوك فلا تبتئس بما كانوا يعملون

مراد از ضمیر در <كانوا> و <يعملون> برادران یوسف است. آوردن جمله <لا تبتئس> (اندوهگین نشو و تأسف نخور) پس از <إني أنا أخوك> می رساند که یوسف(ع) پس از معرفی خویش، ماجرای چاه کنعان و مسائل پیرامون آن را برای بنیامین باز گفته بود و گرنه مجرد معرفی خودش، زمینه ای برای ناراحتی و اندوه بنیامین نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۴،۱۱

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر، حضور داشت .

و هذا أخي

۱۱ دیدار یوسف (ع) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا يوسف و هذا أخي قد منّ الله علينا

ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما

كَلِمَةٌ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدِينَا مَكِينٌ أَمِينٌ

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

ملاقات یعقوب(ع) با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۶

۶ یعقوب (ع) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف (ع) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف (ع) پایان یافت

فلما دخلوا علی یوسف

ملاقات یوسف(ع) با برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی

۳ یوسف (ع) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به ... ولا تقربون

نون مکسور در <لا تقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لا تقربون> یعنی، نزد من نیاید.

ملاقات یوسف(ع) با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ دیدار یوسف (ع) و بنیامین و

پایان یافتن فراق آن دو ، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا يوسف و هذا أخي قد منّ الله علينا

ملیت خریدار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۳

۳ خریدار یوسف (ع) (همسر زلیخا) از شهروندان مصری بود .

و قال الذی اشتريه من مصر

برداشت فوق ، مبتنی بر این احتمال است که <من مصر> متعلق به محذوف و توصیفی برای <الذی اشتراه> باشد ؛ یعنی:
قال الذی اشتراه و هو من اهل مصر.

منافع یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۶

۶ حضور بنیامین نزد یوسف (ع) ، به سود و منفعت یوسف (ع) بود .

كذلك كدنا ليوسف

لام در <لیوسف> لام منفعت است. بنابراین نقشه طرح شده و هدف از آن (نگه داشتن بنیامین) در جهت منافع یوسف(ع) بوده است.

منجی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أن الله لا يهدي كيد الخائنين

منشأ برگزیدگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۲

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

يجتبيك ربك . . . إن ربك عليم حكيم

منشأ تدبیر یوسف(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جويا شدن از مجازات سارق در آيين فرزندان يعقوب و تفتيش بار بنیامین پس از ساير برادران ، از الهامات خدا به يوسف (ع) برای نگاه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد كه آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

منشأ حكمت يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند ، عطاکننده حكمت و علم به يوسف (ع)

ءاتينه حكما و علما

منشأ حكومت يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۵

۵ خداوند ، اعطا کننده حكومت و فرمانروایی به يوسف (ع)

رب قد ءاتيتني من الملك

منشأ عصمت يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۵

۵ خداوند ، با ارائه برهان به يوسف (ع) ، او را از آمیزش با زلیخا (زنا) و نگاه های شهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش،

و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۱،۷،۸

۱ یوسف (ع) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را ، به امداد خدا می دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفیق الهی .

أني لم أئخنه .. و ما أبرء نفسي إن النفس لأمارة بالسوء إلا ما رحم ربي

از ارتباط <ما أبرء نفسي> (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم) با جمله <لم أئخنه بالغیب> و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف(ع) (حاش لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف(ع) با جمله <ما أبرء نفسي> درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام؛ بلکه با توجه به عبارت <إلا ما رحم ربي> در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است؛ زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

۷ یوسف (ع) مصونیت خویش از گناه و خیانت را پرتوی از رحمت الهی بر خویش می دانست .

ما أبرء نفسي .. إلا ما رحم ربي

۸ یوسف (ع) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی ، رحمت

او را مایه ترک گناهان و بدی ها دانست و خود را ستایش نکرد .

و ما أُبرِّئُ نفسي إن النفس لأمارة بالسوء إلا ما رحم ربي

منشأ علم یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند ، عطاکننده حکمت و علم به یوسف (ع)

ءاتینه حکماً و علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۰،۱۷

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد .. علمتی من تأویل الأحادیث

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتی من الملك و علمتی .. أنت ولی فی الدنيا و الآخره

منشأ فضایل یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۲،۶

۲ فضیلت و برتری یوسف (ع) عنایتی از ناحیه خداوند به او بود .

لقد ءاثرک الله علينا

۶ اعتقاد و باور برادران یوسف به خدادادی بودن مقام و منزلت برتر او

لقد ءاثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربی حقاً

منشأ قدرت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

۵ سرگذشت یوسف (ع) (نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود

و كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض

۱۱ به قدرت رسیدن یوسف (ع) پس از بردگی و اسارت در زندان، دلیلی متقن بر حاکمیت مشیت الهی بر تمامی اسباب و علتهاست.

كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض يتبوأ منها حيث يشاء نصيب برحمتنا من نشاء

جمله <رحمت خویش را بر هر کس که خواهیم شامل می گردانیم و به او قدرت می بخشیم> که مفاد <نصیب برحمتنا..> است به منزله ادعایی است که با <كذلك مَكَّنَّا...> بر آن استدلال شده است؛ یعنی، خداوند برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

۱۷ دستیابی یوسف (ع) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی، پاداش کارهای نیک او بود.

كذلك مَكَّنَّا .. نصيب برحمتنا ... و لانضیع أجر المحسنين

۱۸ به قدرت رسیدن یوسف (ع) در سرزمین مصر، دلیلی روشن بر ضایع نشدن اجر نیکوکاران از ناحیه خداوند است.

و كذلك مَكَّنَّا ليوسف في الأرض .. و لانضیع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی

از ولایت خداوند بر او بود .

قد آتیتنی من الملک و علمتی .. أنت ولی فی الدنیا و الآخره

منشأ نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) (نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود .

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض

موجبات دانش تعبیر رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم لایؤمنون

جمله <إنی ترکت ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد ؛ یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت .

موجبات علم غیب یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

جمله <إني تركت...> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد / یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

موجبات نبوت

یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ نیکوکاری یوسف (ع) ، مایه رسیدن او به مقام نبوت بود .

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

موفقیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۲

۲ یوسف (ع) در طی هفت سال آبادانی ، به کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات برای دوران قحطی کاملاً موفق شد .

و جاء إخوه یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۲۱

۲۱ موفقیت یوسف (ع) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تروی

كذلك كدنا لیوسف . . . نرفع درجت من نشاء و فوق كل ذی علم علیم

مصدق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

مؤمن آل فرعون و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - آشنایی مؤمن آل فرعون ، از تاریخ مردم مصر و سرگذشت یوسف پیامبر (ع)

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت .. حتى إذا هلك قاتم لن يبعث الله من بعده ر

مهربانى يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ٣٩ - ١

١ يوسف (ع) با اظهار مهربانى و ملاطفت به هم بندان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

يصحبي السجن ءأرباب متفرقون خير أم

مهمان نوازی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۷۸،۹،۱۲

۷ یوسف (ع) از میهمانان و کسانی که برای تهیه آذوقه و دریافت سهمیه به او مراجعه می کردند ، به خوبی پذیرایی می کرد

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

<نزول> به طعام و مانند آن که برای میهمان تهیه شده گفته می شود و <نزیل> به معنای میهمان است. <منزلین> در آیه شریفه از همین ماده گرفته شده و به معنای میزبانها و مهمان نوازان می باشد.

۸ یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از میهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لكم من أيبكم ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

جمله <ألا- ترون ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لكم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

نبوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوت نایل گردید .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکمًا و علمًا

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ > عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأى یوسف] : انه النبوه المانعه من إرتکاب الفواحش و الحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده] روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- یوسف (ع)، پیامبر مردم مصر پیش از حضرت موسی (ع)

و لقد جاءكم يوسف من قبل

نجات همبند یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵

۵ یوسف (ع)، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد.

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضى الأمر...> یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۵،۶

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف (ع) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید.

وقال للذى ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذى> باز گردد و محتمل است به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذى...> چنین می شود: یوسف(ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف (ع) از رؤیای هم بند خویش، تحقق یافت و او با رهایی از زندان، به استخدام پادشاه درآمد.

فأنسبه الشيطان ذكر ربه

با

توجه به اینکه ضمیر در <فأנסاه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأנסاه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۸

۸ یوسف (ع) ، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد .

و أَلْفِیَا سِیْدَهَا لِدَا الْبَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۶

۶ نجات یوسف (ع) از کید زلیخا و دیگر زنان ، جلوه ای از ربوبیت الهی بر آن حضرت

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

نجات یوسف(ع) از چاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۳، ۷، ۳، ۲

۲ آب آور کاروان به منظور آب کشیدن ، دلو خویش را در چاه کنعان افکند و برخلاف انتظار ، کودکی را از آن بیرون آورد .

فأدلى دلوه قال يبشرى هذا غلم

<أدلاء> (مصدر أدلى) به معنای فرستادن <دلو> است. <غلام> به پسر کوچک گفته می شود (مصباح المنير).

۳ یوسف (ع) با چنگ زدن به طناب و دلو آب آور کاروان ،

خود را از چاه نجات داد .

فأرسلوا واردهم فأدلى دلوه قال يبشري هذا غلم

۷ نجات یوسف (ع) از چاه سرآغاز بردگی او

و أسروه بضعه

بضاعت و کالای تجارتی قرار دادن انسان ، مستلزم برده بودن و یا برده شمردن اوست.

۱۳ اتراق کاروانیان در اطراف چاه کنعان ، نجات دادن یوسف (ع) از آن چاه و به همراه خویش بردن او ، به تقدیر خداوند و تحت نظارت دقیق او انجام می گرفت .

و جاءت سیاره ... والله علیم بما یعملون

مراد از <ما> در <ما یعملون> می تواند کالا قرار دادن یوسف(ع) باشد (أسروه بضاعه). و نیز محتمل است همه داستان کاروان، در رابطه با یوسف(ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (کالا قرار دادن) کنایه از کیفردهی است و بنابر فرض دوم، علم خدا کنایه از تقدیر و تدبیر اوست ؛ یعنی، تمام مقدماتی که مایه نجات یوسف(ع) از چاه شد (گذر کردن کاروان در اطراف کنعان، منزل کردن در اطراف چاه و ...) همه به نظارت خدا و تدبیر او بود.

نجات یوسف(ع) از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴، ۱۲

۱۲ خروج یوسف (ع) از زندان و رفع اتهام از او ، ناسازگار با اهداف شیطان

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (مانند گار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع

جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود؛ یعنی، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳،۴،۵

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد.

و قال الملك ائتونی به

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد.

و قال الملك ائتونی به .. . قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه، به سوی زندان روانه شد.

فلما جاء الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ خداوند، خنثی کننده مکر و حيله زنان اشراف و نجات بخش یوسف (ع) از زندان

أن الله لا یهدی کید الخائنین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آزاد ساختن یوسف (ع) از زندان و کوچ دادن خاندان یعقوب از کنعان به مصر ، از جمله احسان های خداوند در حق یوسف (ع) .

و قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بکم من البدو

نشانه های احسان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ نیکوکاری یوسف در زمان اقتدارش ، در رفتار و منش او جلوه گر بود .

إنا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <اطمینان داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <می بینیم> گویای آن است که اطمینان برادران یوسف به شخصیت وی از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

نشانه های شخصیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۳

۱۳ سیمای یوسف (ع) و عملکرد او ، نشان دهنده شخصیت بلند مرتبه و بیانگر نیکوکاری او بود .

إنا نریک من المحسنین

<نری> در آیه شریفه، به معنای <یقین داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <نری> (می بینیم) گویای این مطلب است که: علم و یقین آن دو نفر به شخصیت یوسف(ع) ، از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

نشانه های صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى

حين < فالآيات شهاده الصبى و القميص المخزق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحه بزوجه حتى حبسه ... >

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم...> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد؛ پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.

نشانه های عفت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۵

۵ وجود نشانه های متعدد بر پاکدامنی یوسف (ع)

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات

نظارت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱

۱ یوسف (ع) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر ، نظارت مستقیم داشت .

و جاء إخوه يوسف ... و لما جهزهم بجهازهم

نظام جزایی در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۶

۱۶ مجازات مجرمان بیگانه بر اساس مقررات خود آنان ، با قوانین و مقررات مصر در زمان وزارت یوسف (ع) مخالفتی نداشت .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك إلا أن يشاء الله

نظام قضایی در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیاخذ أخاه فی دین الملک

نعمتهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۴،۲۱

۱۴ نعمتهایی که خداوند به یوسف (ع) و آل یعقوب ارزانی داشت ، مسانخ و هم طراز نعمتهایی بود که به ابراهیم و اسحاق (ع) اعطا کرده بود .

یتیم نعمته علیک .. کما أتمها علی أبویک

۲۱ فضیلت های یوسف (ع) و نعمت های عطا شده به او و حضرت ابراهیم و اسحاق (ع) و خاندان یعقوب ، جلوه هایی از ربوبیت خداوند

یجتییک ربک .. و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب ... إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۶،۱۱

۶ خداوند یوسف (ع) و بنیامین را از نعمتی بزرگ بهره مند ساخت .

قد منّ الله علینا

<منّ> به معنای احسان کردن و نعمت بخشیدن است. در <مفردات راغب> آمده که <منّه> به معنای نعمت گران سنگ است. مراد از ضمیر در <علینا> به قرینه جمله بعد (إنه من یتق ...) که تعلیل برای <قد منّ الله علینا> است یوسف(ع) و بنیامین می باشد نه همه برادران.

۱۱ دیدار یوسف (ع) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو ، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا يوسف و هذا أخى قد منّ الله علينا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ خداوند ، یوسف (ع) را از احسان های خویش برخوردار ساخت و به او نعمت ها بخشید .

قد أحسن بی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتینى .. فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلماً و ألحقنى بالصلحین

نقش خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . .) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربى لطيف لما يشاء إنه هو العليم الحكيم

نقش کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۴

۴ غلامان و کارگزارانی فراوان در استخدام یوسف (ع) برای توزین و توزیع آذوقه ها و دریافت بهای آنها

و قال لفتينه اجعلوا بضعتهم فى رحالهم

<فتیان> جمع فتی و به معنای غلامان و جوانان است.

نقش یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۲

۱۲ خداوند به واسطه یوسف (ع) ، نعمت کامل و تمام خویش را بر خاندان یعقوب ارزانی داشت .

و

كذلك .. و يتم نعمته عليك و على ءال يعقوب

يوسف (ع) از خاندان يعقوب (ع) بود و <آل يعقوب> شامل او نيز مي شد. بنابر اين آوردن <عليك> و عطف كردن <آل يعقوب> بر آن، مي تواند حاكي از نکته اي باشد كه در برداشت فوق آمده است. قابل ذكر است كه تأويل ستارگان، ماه و خورشيد بر برادران و پدر و مادر يوسف (ع) مؤيد آن نکته است.

نگرانی يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۷

۷ يوسف (ع) نگران تأثير مكر و حيله زليخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصيت

و إلا تصرف عني كيدهنن أصب إليهن

نوجوانی يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤيای شگفت يوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشيد) در سنين كودكي يا نوجوانی او بوده است .

قال يبنی

كلمه <بنی> تصغير كلمه <ابن> می باشد و به ضمير متكلم اضافه شده است. <بنی> ؛ يعنی، ای پسر كوچك من.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۶

۶ يوسف (ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش عليه او ، در سنين كودكي يا نوجوانی او بوده است .

أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

برداشت فوق ، از فعل <يلعب> (بازی كند) به دست می آيد ؛ زيرا معمولاً بازی كردن را در مورد كودكان و نوجوانان به كار می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أكرمی مثویه .. و لما بلغ أشده

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شده (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

نهی به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱،۲۱

۱ یعقوب (ع) ، فرزندش یوسف (ع) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

بینی لاتقصص رءیاك علی إخوتك

۲۱ یعقوب (ع) افشا شدن رؤیای یوسف (ع) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف (ع) را از آن برحذر داشت .

لاتقصص رءیاك علی إخوتك .. إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جمله <إن الشیطان ..> هم ناظر به <فیکیدوا...> است و هم ناظر به <لاتقصص رؤیاك> . بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لاتقصص...> به ضمیمه <إن الشیطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

نیازهای مادی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۵

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً یرتع

و يلعب

نیاکان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا... و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۷

۱۷ ابراهیم و اسحاق (ع)، پدران یعقوب و یوسف (ع) بودند.

علی أبویک من قبل إبرهیم و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند.

ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

وحی به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸

۸ خداوند یوسف (ع) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش، نوید داد.

و أوحینا إلیه لتنبئهم بأمرهم هذا

جمله <لتنبئهم> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف (ع) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن يجعلوه فی غیبت الجب و أوحینا إلیه

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی، شایستگی دریافت وحی را دارا بود.

فلما ذهبوا به .. و أوحینا إلیه

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف (ع) به برادرانش، محتوای وحی خداوند به یوسف (ع)

و أوحینا إلیه لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

۱۴ خداوند به یوسف (ع) خبر داد که ملاقات او با برادرانش، پس از داستان چاه کنعان، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت.

لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

جمله حالیه <و هم لایشعرون> متعلق به <لتنبئ> است؛ یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع)

(بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتبشّئهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

۱۶ برادران یوسف از شنیدن و احساس کردن وحی الهی به او ، ناتوان بودند .

و أوحینا إلیه . . . و هم لایشعرون

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که عامل حال (و هم لایشعرون) فعل <أوحینا> باشد. بر این اساس مفاد <و هم لایشعرون> چنین می شود: آنان وحی ما را به یوسف (ع) نمی فهمیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

كذلك كدنا لیوسف

وزارت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۹

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إننا نریک من المحسنین

وعده های یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۲

که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

وفاداری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۶

۲۶ یوسف (ع) به سخن خویش (دیگر بر شما برادرانم ملامتی روا نیست) متعهد و بدان وفادار بود .

لا تثریب علیکم الیوم ... نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

یوسف(ع) در بیان سرگذشت خویش برای یعقوب(ع) از برادرانش که منشأ فراق و جدایی بودند گلایه ای نکرد و رفتار ناروای ایشان را یادآور نشد ؛ بلکه شیطان را عامل فسادى که میان او و برادرانش رخ داده بود دانست با این برخورد به آنچه در خطاب به برادرانش گفته بود (هیچ کس حق ندارد شما را سرزنش و ملامت کند) وفا کرد.

ولایت تشریعی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۴

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

جمله <مکنا لیوسف ..> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریعی ؛ یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولایت تکوینی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۴

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و كذلك مكنّا

لیوسف فی الأرض یتبواً منها حیث یشاء

جمله <مکننا لیوسف...> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی / یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد آتیتنی من الملک و علمتني .. أنت ولی فی الدنيا و الآخره

ویژگیهای استقبال یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۴

۴ یوسف (ع) در استقبال از پدر ، مادر و بستگانش ، از تشریفات وزارتی و حکومتی پیراسته بود .

فلما دخلوا علی یوسف

یاد کردن از یوسف(ع) با نام وی و نه عنوان و سمت او (عزیز و مانند آن) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

ویژگیهای حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در حکومت مصر برای جای دادن به یعقوب (ع) و خاندان او در آن دیار ، محدودیت و مشکلی نداشت .

وأتونی بأهلکم أجمعین

ویژگیهای زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۸

۸ زندان یوسف (ع) و هم بندان او ، فاقد هرگونه برنامه غذایی از پیش تعیین شده

لایاتیکما

چنان چه برنامه غذایی زندان مشخص بود ، پیشگویی نوع و خصوصیات آن امری دشوار نبود و به عنوان یک ویژگی برای کسی که از آن خبر می داد ، محسوب نمی شد.

ویژگیهای قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴،۵

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

۵ خداوند ، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است .

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۱

۱ داستان یوسف و برادرانش ، حاوی نشانه ها و آیاتی فراوان از ربوبیت خدا و علم و حکمت او

إن ربك عليم حكيم. لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

<آیات> به معنای نشانه هاست و چون در جمله <لقد كان...> بیان نشده است که داستان یوسف و برادرانش نشانه چه حقیقت و یا حقایقی می تواند باشد و به عبارت دیگر، متعلق <آیات> ذکر نشده است، می توان گفت متعلق آن، حقایق مطرح شده در آیه قبل است که از جمله آنها ربوبیت، علم و حکمت خداوند است (إن ربك عليم حكيم).

ویژگیهای کاخ یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۳

۳ دربار یوسف (ع) ، دارای دربهایی متعدد برای ورود و خروج مراجعه کنندگان *

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقة

در اینکه مراد از مفعول <ادخلوا> چیست ، آیا مصر است و یا بارگاه

یوسف؟ دو نظر ابراز شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است. قابل ذکر است که تکرار <لما دخلوا> در آیه ۶۹ مؤید احتمال اول می باشد.

ویژگیهای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۴

۲۴ حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف (ع) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند .

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب . .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ جمال یوسف (ع) ، جمالی بی نظیر ، دلربا و در اوج زیبایی و ملاحظت بود .

فلما رأینہ أکبرنہ و قَطَعن أیدیہنَّ و قلن حش لله ما هذا بشرًا

نقل این قسمت از داستان یوسف (فلما رأینہ ..) برای بیان اوج زیبایی و دلربایی یوسف(ع) است. علاوه بر این، محتمل است اشاره به معذور بودن زلیخا در عشقش به یوسف(ع) باشد. مؤید این احتمال، این است که قرآن از او مذمت نکرده و یوسف(ع) نیز او را در مراحل مراوده، به عذابهای الهی هشدار نداده است.

هدایت همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۵، ۳، ۲

۲ یوسف (ع) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إننا نریک من المحسنین .. ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله

۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های

ویژه اش ، هم بندگان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندگان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

۱۵ یوسف (ع) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندگان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم . . هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱

۱ یوسف (ع) با اظهار مهربانی و ملاحظت به هم بندگان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، پس از ارشاد هم بندگان خویش به توحید و یکتاپرستی ، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت .

یصحبی السجن أما أحدکما فیسقی ربه خمراً

هدایت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۶،۷

۶ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمن و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می

آورد که ضمیر در <ذریته> به <ابراهیم> برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

۷ داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا .. و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت <نوحا> مرجع ضمیر در <ذریته> است: <نوحا> نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

هدایتگری یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲

۲ یوسف (ع) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نریک من المحسنین .. ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله

همبندان یوسف و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۴، ۱۲

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نریک من المحسنین

۱۴ محسن بودن یوسف (ع) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

نَبئنا بتأویله إنا نریک من المحسنین

جمله <إنا نراک> تعلیل برای <نَبئنا بتأویله> است.

همبندان یوسف(ع)

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۲

۲ دو تن از خادمان دربار مصر ، هم زمان با زندانی شدن یوسف (ع) ، به زندان درافتادند .

و دخل معه السجن فتيان

<فتی> (مفرد فتيان) به معنای عبد و نیز به معنای جوان است.

همراه بردن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱

۱ فرزندان یعقوب ، پس از طرح توطئه علیه یوسف (ع) از او خواستند تا یوسف (ع) را همراه آنان به مرتع بفرستد .

أرسله معنا غداً

همسر پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغيب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلک لیعلم ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

یعقوب(ع) در دربار یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۳

۱ یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . . و رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش . . > گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس

از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۳ یوسف (ع) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشاناد .

و رفع أبویه علی العرش

یعقوب(ع) در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۲

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع) ، از اعتذار های یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لا تأمنا .. قال إني ليحزنني أن تذهبوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۶، ۱۷، ۱۲، ۷، ۶، ۲

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف (ع) را برای یعقوب (ع) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف (ع) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتينى

بهم جميعًا .. وایضت عیناه من الحزن

۷ گریه فراوان یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) *

وایضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود و ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب (ع) بر اثر فراق یوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وایضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) : قيل له : كيف يحزن يعقوب علي يوسف و قد أخبره جبرئيل أنه لم يمتم و أنه سيرجع إليه فقال : إنه نسي ذلك ;

از امام صادق(ع) روایت شده که به ایشان گفته شد: چگونه یعقوب برای یوسف محزون می شود و حال آنکه جبرئیل او را خبر داده بود که یوسف نمرده و به زودی به سوی او برمی گردد؟ امام(ع) فرمود: یعقوب خبر جبرئیل را فراموش کرده بود.

۱۷ > سئل أبو عبدالله (ع) ما بلغ من حزن يعقوب علي يوسف ؟ قال : حزن سبعين ثكلى بأولادها ... ;

از امام صادق(ع) سؤال شد: حزن یعقوب بر یوسف چقدر بود؟ فرمود: به مقداری که هفتاد زن فرزند مرده به خاطر

فرزندانشان اندوهگین باشند .. < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱،۲،۴

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۲ یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع) ، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

<حرص> به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱،۲

۱ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثی و حزنی إلی الله

<بث> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را تحمل کند. از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

۲ یعقوب (ع) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ، تنها به خداوند

شکایت می کرد .

قال إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ؛ یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بدرفتاری آن چیز. بنابراین <إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله > ؛ یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۳

۱۳ > عن أبي جعفر (ع) : . . . انه [يعقوب] دعا ربّه في السحر أن يهبط عليه ملك الموت فهبط عليه . . . قال يعقوب : . . . هل عرض عليك في الأرواح روح يوسف ؟ فقال : لا فعند ذلك علم أنه حيّ فقال لولده : > اذهبوا فتحسسوا من يوسف . . . < . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است: یعقوب در سحر از خدا خواست تا ملک الموت بر او فرود آید . . . پس او فرود آمد . . . یعقوب گفت: ... آیا در میان ارواح، روح یوسف بر تو عرضه شده؟ گفت: نه. پس در این هنگام دانست که یوسف زنده است، پس به فرزندان خود گفت: <اذهبوا فتحسسوا من يوسف >...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نایبنا شده بود .

يأت بصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

یعقوب(ع) و بازگشت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

یعقوب(ع) و برادران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۴،۵

۲ یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند .

يَبْنِي اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَ اٰخِيهِ

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لا تأيسوا من روح الله

۵ مأیوس نشدن از رحمت خدا و امید داشتن به یاری او ، توصیه یعقوب (ع) به فرزندان خویش

و لا تأيسوا من روح الله

<روح> به معنای سرور ، فرح ، استراحت و رحمت می باشد. اضافه آن کلمه به <الله> و متعلق قرار گرفتن <من روح الله> برای <لا تأيسوا> گویای این است که مراد از آن <رحمت> می باشد.

يعقوب (ع) و برگزیدگی یوسف (ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۸

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إني رأيت أحد عشر .. كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث

يعقوب(ع) و بوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۳ ، ۴ ، ۳ ، ۲

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العير قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

جمله <قال أبوهم .. > جواب شرط <لما فصلت ... > است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العير قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۴ شامه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العير قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۱۳ > عن أبي عبدالله (ع) قال : . . . ان ابراهيم لما أوقدت له النار أتاه جبرئيل)

ع) بثوب من ثياب الجنة... فلما حضر ابراهيم الموت جعله في تميمه وعلقه إسحاق على يعقوب، فلما ولد يوسف (ع) علقه عليه فكان في عضده... فلما أخرجه يوسف بمصر من التميمه وجد يعقوب ريحه و هو قوله: < إني لأجد ريح يوسف... > فهو ذلك القميص الذي أنزله الله من الجنة... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را] بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إني لأجد ريح يوسف...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۴

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف (ع) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

یعقوب(ع) و پیراهن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۲

۲ یعقوب)

ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

جمله <قال أبوهم .. > جواب شرط <لما فصلت ... > است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف (ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب (ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف (ع) را از پیراهنش احساس کرد.

يعقوب (ع) و حیات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جميعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم > یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۶ ، ۱۳ ، ۱۱ ، ۹

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله > می تواند به معنای <از ناحیه خدا > باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا > باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون > به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۱ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۳ جهل و ناآگاهی

و أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) قال: قدم أعرابي على يوسف... قال له يوسف: ... فإذا مررت بوادي كذا وكذا فقف فناد: يا يعقوب! يا يعقوب! فإنه سيخرج إليك رجل... فقل له: لقيت رجلاً بمصر وهو يقرئك السلام ويقول لك: إن وديعتك عند الله عز وجل لن تضيع، قال: فمضى الأعرابي... فأبلغه ما قال له يوسف... فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حي لم يمت وأن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته وكان يقول لبنيه: <إني أعلم من الله ما لا تعلمون>...

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف وارد شد... یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گذر کردی بایست و صدا بزنی: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهد آمد... به او بگو مردی را در مصر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت... و گفتار یوسف را به یعقوب ابلاغ کرد... پس یعقوب می دانست یوسف زنده است و نمرده و خدای تعالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: <إني أعلم من الله ما لا تعلمون>...

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

يَبْنِيْ اَذْهَبُوا فَتَحْسَبُوا مِنْ يُّوسُفَ وَ اَخِيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قَالَ اَبُوهُمْ اِنِّيْ لِاَجِدُ رِيْحَ يُّوسُفَ . . . قَالُوا تَاللّٰهِ اِنْكَ لَفِيْ ضَلٰلٰكُمُ الْقَدِيْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ یعقوب (ع) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف (ع) ، به زنده بودن او اطمینان داشت .

اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ اِنِّيْ اَعْلَمُ مِنْ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب (ع) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف (ع) اطمینان داشت .

اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ اِنِّيْ اَعْلَمُ مِنْ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ

۱۱ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندانش و بستگان خویش بازگو می کرد .

اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ اِنِّيْ اَعْلَمُ مِنْ اللّٰهِ مَا

۱۲ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

یعقوب(ع) و رؤیای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۲۱

۲۱ یعقوب (ع) افشا شدن رؤیای یوسف (ع) را به تحریک شیطان می دانست و یوسف (ع) را از آن برحذر داشت .

لا تقصص رؤیاك على إخوتك .. إن الشيطان للإنس عدو مبين

جمله <إن الشيطان ..> هم ناظر به <فیکیدوا...> است و هم ناظر به <لا تقصص رؤیاك> . بنابر وجه دوم، مفاد جمله <لا تقصص...> به ضمیمه <إن الشيطان> چنین می شود: شیطان درصدد است که تو را به افشای رؤیایت وا دارد، پس برحذر باش!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) از رؤیای یوسف دریافت که خداوند نعمت کامل خویش را بر یوسف (ع) و خاندان یعقوب ، ارزانی خواهد داشت .

إني رأيت أحد عشر كوكبا .. يتم نعمته عليك و على آل يعقوب

یعقوب(ع) و فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۳

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون می شد .

قال إني ليحزني أن تذهبوا به

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولیٰ عنہم ... فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء> بر <تولیٰ عنہم> است.

یعقوب(ع) و ملاقات با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

یعقوب(ع) و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۳

۳ یعقوب (ع) از سپردن یوسف (ع) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لك لا تأمنا علی یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۵

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندان

قال إني .. أخاف أن يأكله الذئب

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند .

واتبعته مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

یعقوب(ع) هنگام حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب (ع) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین ، سالخورده و بسیار کهنسال بود .

إن له أباً شيخاً كبيراً

<شیخ> به معنای پیرمرد و <کبیر> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال می باشد.

یقین یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۳

۳ یوسف (ع) هیچ ابهام و تردیدی در رؤیای خویش و خصوصیات آن نداشت .

إني رأيت أحد عشر كوكباً .. رأيتهم لي سجدین

تکرار فعل <رأیت> برای تأکید است و هدف از تأکید رساندن این معناست که یوسف در خواب خویش و خصوصیات آن ، ابهام و تردیدی نداشت .

یوسف(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس (ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

یوسف (ع) از متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقوای پیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله

علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

يوسف (ع) از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۸

۸ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون (ع) از نیکوکاران هستند.

و من ذریته . . . و كذلك نجزي المحسنين

مشارالیه <کذلک> هم می تواند هدایت باشد، که از <هدینا> استفاده می شود، و هم می تواند کثرت ذریه صالح باشد، که از <وهبنا> و <من ذریته> به دست می آید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۸

۸ یوسف (ع) از نمونه های بارز نیکوکاران

و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۸، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱۱ یوسف (ع) از زمره نیکوکاران بود .

إنا نريك من المحسنين

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نريك من المحسنين

۱۳ سیمای یوسف (ع) و عملکرد او، نشان دهنده شخصیت بلند مرتبه و بیانگر نیکوکاری او بود .

إنا نريك من المحسنين

<نری> در آیه شریفه، به معنای <یقین داریم> است. رساندن این معنا با کلمه <نری> (می بینیم) گویای این مطلب است که: علم و یقین آن دو نفر به شخصیت یوسف (ع)، از طریق مشاهده رفتار و منش او حاصل شده بود.

۱۴ محسن بودن یوسف (ع)، دلیل مراجعه هم بندگان به او برای تعبیر رؤیا

بتأويله إنا نريك من المحسنين

جمله <إنا نراك> تعلیل برای <نبئنا بتأويله> است.

۱۸ > عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل <إنا نراك من المحسنين> قال: كان يوسف المجلس و يستقرض للمحتاج و يعين الضعيف ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل <إنا نراك من المحسنين> روایت شده که فرمود: در مجلس جای نشستن را برای دیگران باز می کرد و برای نیازمند وام می گرفت و به ناتوان کمک می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۶

۱۶ یوسف (ع) از زمره محسنان بود .

و لانضیع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۹

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نريك من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقواییشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

یوسف(ع) از مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) از بندگان مطیع خدا و از خالص شدگان برای او بود.

إنه من عبادنا المخلصین

مراد از <مخلصین> (خالص شدگان) این است که غیر خدا در آنان نصیبی ندارد و کاملاً در اختیار خداوند و اوامر او هستند. نه شیطان بر ایشان فرمان روایی می کند و

نه اسیر هواهای نفسانی اند.

یوسف(ع) پس از زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۳،۴

۳ یوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهی بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملك ائتونی به .. فلما كلمه

اتصال جمله <فلما كلمه> به <ائتونی به> و نیارودن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند / ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

یوسف(ع) در چاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۳،۷

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جَبَّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآند

که <جَبَّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاقمانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۷ > عن علی بن الحسین (ع) : ... قال کبیرهم <ولاتقتلوا یوسف> و لکن <ألقوه فی غیابت الجب> ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: .. که برادر بزرگ تر آنان گفت: یوسف را نکشید ، ولی او را در مخفی گاه چاه قرار دهید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لا تقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . . . قالوا یاأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب (ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف (ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۹،۱۸

۹ عنایت خاص خداوند به یوسف (ع) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أن یجعلوه فی غیبت الجب و أوحینا إلیه

۱۸ > قال رسول الله (ص) (لما ألقى یوسف فی الجبّ أتاه جبرئیل علیه السلام فقال له : یا

غلام، من ألقاك في هذا الجب؟ قال: إخوتى. قال: ولِمَ؟ قال: لمودّه أبى إِيّاي حسدوني...؛

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت: چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...>

یوسف(ع) در خانه عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۶، ۱۴، ۱۲

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

كذلك مكّنا ليوسف في الأرض

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود.

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

عبارت <لنعلّمه> عطف بر عبارتی مقدر است؛ یعنی: مكّنا ليوسف لنفعل كذا و لنعلّمه...؛ مراد از لنفعل كذا، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأيتهم لي ساجدين> و <كذلك يجتبيك ربك...>.

۱۶ آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیایها، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكّنا ليوسف في الأرض و لنعلّمه من تأويل الأحاديث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد، تا به جوانی و رشد

جسمی و عقلی رسید .

أكرمی مثویه . . . و لما بلغ أشده

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شده (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

یوسف(ع) در دربار مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکوناً من الصغیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۵،۸،۳

۳ یوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهی بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملك ائتونی به . . . فلما کلمه

اتصال جمله <فلما کلمه> به <ائتونی به> و نیاوردن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم...> ، معلوم می شود

سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

یوسف(ع) در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۴

۴ یوسف (ع) در دوران قحطی مصر ، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت .

قالوا یا ایها العزیز

یوسف(ع) در زندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۳

۲۳ > عن أبی عبدالله (ع) قال : لما أمر الملك بحبس يوسف فی السجن ألهمه الله علم تأویل الرؤیا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد ، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و

يعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبعت مله اباي ابراهيم و اسحق و يعقوب

۳ يوسف (ع) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبعت مله اباي ابراهيم و اسحق و يعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ شیطان ، برای باقی ماندن يوسف (ع) در زندان ، به دسیسه و شیطنت پرداخت .

فأنسبه الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۶

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش يوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أنبئكم بتأويله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أنبئكم بتأويله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای يوسف (ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ يوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلى ربك . . . ذلك لیعلم

در اینکه جمله <ذلك لیعلم . . .> تا آخر آیه بعد کلام يوسف (ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أنی لم أخنه...> باشد

؛ یعنی: <ذلك ليعلم... أن الله لا يهدي...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

یوسف(ع) در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۴

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

یوسف(ع) در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۳

۳ یوسف (ع) با یادآوری نعمت های الهی و توجه به ربوبیت و علم و حکمت فراگیر خداوند، خویشتن را در محضر او احساس کرد.

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم. رب قد ءاتیتنی

تغییر سیاق ؛ یعنی، التفات از غیبت (إن ربی .. إنه هو العلیم) به خطاب (رب قد ءاتیتنی) حاوی نکاتی است از جمله اینکه یوسف(ع) با یاد کردن از نعمتهای خدادادی و توجه به ربوبیت و علم و حکمت مطلق الهی، به این حقیقت توجه پیدا کرد که خداوند حاضر و ناظر است. از این رو خود را در محضر او احساس کرد و او را مخاطب قرار داد.

یوسف(ع) در مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱،۲،۱۱

۱ کاروان یابنده یوسف (ع) ، به مصر وارد شد و او را در آن دیار به فروش رساند .

و شروه بٹمن . . . و قال الذی اشتریه من مصر

۲ عزیز مصر ، یوسف (ع) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

و قال الذی اشتریه من مصر

<من مصر> محتمل است متعلق به <اشتره> باشد ، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتره> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از <الذی اشتره>، عزیز مصر است.

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مکنا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <فی الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکنا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۲،۳،۴

۲ یوسف (ع) در سرزمین مصر به منزلی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مکنا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

<تمکین> (مصدر مکنا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مکنا لیوسف فی الأرض> ؛ یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین

مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حيث يشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

۳ یوسف (ع) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مَكَّنَا لِيُوسِفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ

<يَتَّبِعُوا> به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله <يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ> (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای <مَكَّنَا...> است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسِفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ

جمله <مَكَّنَّا لِيُوسِفَ...> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی / یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲

۲ یوسف (ع) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبويه على العرش

یوسف (ع) در مهمانی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۴، ۱۲، ۱۱

۱۱ زلیخا ، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدند ، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند .

و قالت اخرج عليهن

۱۲ یوسف (ع) پس از دستور زلیخا بدون درنگ در مجلس زنان اشراف حاضر شد .

قالت اخرج عليهن فلما رأينه

<فاء> در <فلما>.

.. < فصیححه است و گویای جمله هایی مقدر می باشد / یعنی: < فخرج علیهنّ فرأینه فلما رأینه... >. حذف این جمله ها برای رساندن این نکته است که دستور زلیخا همان و اطاعت یوسف (ع) همان.

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند.

فلما رأینه أکبرنه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

یوسف (ع) و اتهام به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۵

۵ اجتناب یوسف (ع) از نسبت دادن دزدی به بنیامین

أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

آوردن عبارت < إلا من وجدنا متعنا عنده > (مگر کسی که متاع خویش را نزد او یافتیم) به جای < إلا من سرق متعنا > (مگر کسی که متاع ما را سرقت کرده باشد) گویای اجتناب یوسف از نسبت دادن سرقت به بنیامین است.

یوسف (ع) و ارزشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ ارزش اعاده حیثیت و شرف بیش از ارزش رهایی از زندان و نجات از دشواری ها و مشکلات، در بینش یوسف (ع)

فلما جاءه الرسول قال ارجع إلی ربک فسله ما بال النسوه

یوسف (ع) و امدادهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) بدون امداد الهی، خویشتن را از مقاومت در برابر خواست نامشروع زلیخا و همپالگی های او ناتوان می دید.

و إلا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

(از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد او به ربوبیت خدا

رب ... و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ یوسف (ع) جز به مشیت خدا و امداد او با هیچ سبب و مستمسکی ، نمی توانست بنیامین را نزد خویش نگه دارد .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك إلا أن يشاء الله

یوسف(ع) و بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۷

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملک> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

یوسف(ع) و بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۶

۱۶ > عن النبي (ص) في قوله : < إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق يوسف (ع) صنماً لجده أبي أمه من ذهب و فضّه ، فكسره و ألقاه في الطريق ، فعيره بذلك إخوته ;

از رسول خدا(ص)

درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند.<

یوسف(ع) و برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱

۱ یعقوب (ع) ، فرزندش یوسف (ع) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

بینی لا تقصص رءیاك علی إختك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف (ع) به برادرانش ، محتوای وحی خداوند به یوسف (ع)

و أوحینا إلیه لتنبئهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ > عن أبی جعفر (ع) : > . . . فعرفهم یوسف و لم یعرفه إخته لهیبه الملك و عزّته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . . . یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی شناختند . . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۲۸

۲ یوسف (ع) بار آذوقه و جیره غذایی برادران را ، خود آماده کرد . *

و لما جهزهم بجهازهم

<تجهيز> (مصدر جهز) به معنای مهیا ساختن و آماده

کردن جهاز (زاد و توشه) است. ضمیر در <جهاز> به یوسف(ع) برمی گردد. بنابراین <لما جهزهم ...> ؛ یعنی، پس آن گاه که یوسف(ع) بار و بنه و زاد و توشه برادرانش را آماده ساخت. البته این احتمال که اسناد <جهاز> به یوسف(ع) مجازی باشد، بعید به نظر نمی رسد ؛ زیرا بسیار متعارف است که فعل کارگزاران به کارفرما اسناد داده می شود.

۸ یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنى أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱۰، ۲

۲ یوسف (ع) خود به تجهیز و مهیا کردن محموله برادران خویش پرداخت .

فلما جهزهم بجهازهم

۱۰ > عن أبى جعفر (ع) : . . . و ارتحل القوم (إخوه يوسف) مع الرفقه فمضوا ، فلحقهم يوسف و فتيته فنادوا فيهم قال : > أيتها العير إنكم لسارقون < . . . < .

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . برادران یوسف با کاروانیان حرکت کردند و رفتند، سپس یوسف و افرادش به آنان ملحق شدند. آن گاه بین آنان ندا دادند و منادی چنین گفت: <أيتها العير إنكم لسارقون> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۶، ۱۴

۱۴ یوسف (ع) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان (دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین) را باور ندارد .

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

.. و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم .. > عطف بر <أنتم ... > است و هر دو مقول <قال > می باشند. و از آن جا که <قال > در مقابل <أسر > و <لم يبد > قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول > ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

۱۶ > عن النبي (ص) في قوله: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال: سرق يوسف (ع) صنماً لجدّه أبي أمّه من ذهب و فضّه، فكسره و ألقاه في الطريق، فعيره بذلك إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل >: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا- و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۲، ۹، ۱

۱ عزیز مصر در پی مشاهده ذلت فرزندان یعقوب، داستان رها کردن یوسف (ع) در چاه کنعان را به آنان یادآوری کرد .

قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه

مراد از <ما فعلتم بيوسف > و یا مصداق مورد نظر از آن، داستان رهاسازی یوسف(ع) در چاه کنعان است. گویا این یادآوری همان است که خداوند در آیه ۱۵ از همین سوره بیان داشت، بدین مضمون که همانا این واقعه (داستان چاه) را

در آینده به آنان گزارش خواهی کرد، در حالی که متوجه نیستند (تو را نمی شناسند).

۹ یوسف (ع) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش، عذر تقصیرشان (جهل و نادانی) را به آنان القا کرد.

إذ أنتم جاهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

۱۲ > عن أبي عبدالله (ع) :... كل ذنب عمله العبد و إن كان به عالماً فهو جاهل حين خاطر بنفسه في معصية ربه ، و قد قال في ذلك تبارك و تعالی یحکی قول یوسف لإخوته : > هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون < فنسبهم إلى الجهل لمخاطرتهم بأنفسهم في معصية الله ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... هر گناهی را که بنده انجام دهد اگر چه به گناه بودن آن آگاه باشد نادان است ؛ زیرا خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته است. خدای تبارک و تعالی در همین مورد، قول یوسف را خطاب به برادرانش حکایت کرده که گفت: >هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون < [امام(ع) فرمود: یوسف به آنان نسبت نادانی داد ؛ چون خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته بودند].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۳،۱۶

۳ یوسف (ع) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری

برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أَنتَ لَأَنْتَ يَوْسُفُ قَالَ أَنَا يَوْسُفُ

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، برتر و با فضیلت تر از سایر برادرانش بود .

لَقَدْ أَثَرَكِ اللَّهُ عَلَيْنَا

<ایثار> (مصدر اثر) به معنای برتری دادن و اختیار کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۴، ۱۳، ۶

۶ یوسف (ع) از خداوند خواستار آمرزش خطاها و گناهان برادرانش شد .

يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ

جمله <یغفر..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۱۳ یوسف (ع) برادرانش را به آمرزش خدا و شمول رحمتش بر آنان نوید داد .

يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

برداشت فوق بر این اساس است که <یغفر الله ..> جمله ای خبری باشد.

۱۴ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهی ، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

جمله <و هو ..> حالیه است و به منزله تعلیل برای <یغفر الله> می باشد ، یعنی، چون <ارحم الراحمین> است، گناه شما

را می بخشاید. قابل ذکر است که یوسف با یادآوری این صفت خداوند، پس از گذشت از گناه برادرانش، به این نکته اشاره می کند که: من از شما درگذشتم

پس او که از همه از من و غیر من مهربان تر است، بی هیچ تردید از شما خواهد گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱،۴،۹

۱ یوسف (ع) ، برادرانش را با پیراهنی خاص از خویش روانه کنعان کرد .

اذهبوا بقمیصی هذا

کلمه <هذا> گویای آن است که یوسف (ع) پیراهن خاصی را به برادرانش سپرد تا به کنعان ببرند.

۴ یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا .. فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه> یعنی ، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۹ یوسف (ع) از برادران خویش خواست تمام اهل و عیالشان (خاندان یعقوب) را به مصر کوچ دهند .

وأتونی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۱

۲۱ شیطان با وسوسه ها و دسیسه های خویش ، میان یوسف (ع) و برادرانش فسادانگیزی کرد .

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

<نزع> به معنای تحریک کردن بر فساد است و مراد از <نزع شیطان> وسوسه هایی است که او برای ایجاد فساد به انسانها القا می کند.

یوسف (ع) و بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۸

۸ اشتیاق وافر یوسف (ع) به بنیامین و دیدار او

اثنونی بأخ

لکم .. فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی ولا تقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۲،۷

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا .. ءاوی إليه أخواه

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱

۱ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴،۵،۲۱

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

كذلك کدنا لیوسف

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا\$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك کدنا لیوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

۲۱ موفقیت یوسف (ع) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از

دانش افزون تروی

كذلك كدنا

لیوسف ... نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصدق مورد نظر برای <من نشاء> یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱

۱ یوسف (ع) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد .

فهو جزؤه ... قالوا یا ایها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا

الدرالمنثور، ج ۴، ص ۵۶۴.

یوسف(ع) و بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

یوسف(ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

وقال الملك ائتونی به

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون

آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلى ربك فستله ما بال النسوة التي قطعن أيديهنّ

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فستله ما بال النسوة . . . إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳، ۱۲، ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم . . . أن الله لایهدى کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لا يهدي . . > عطف بر <أنى... >

است؛ یعنی: <ذلک لیعلم أن الله...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی‌نشانند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم .. أن الله لایهدی کید الخائنین

یوسف (ع) و پیشگیری از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

یوسف (ع) و پیشنهاد برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت.

فخذ أحدنا مكانه .. قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ...>؛ یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

یوسف (ع) و ترک گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ احساس ناتوانی یوسف (ع) از ترک گناه بدون امداد های الهی ، جلوه ای از اعتقاد

او به ربوبیت خدا

رب... و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

یوسف(ع) و تصدی امور غذایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۳،۴

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی..> است.

۴ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبارهای غذایی از حیف و میل شدن، توانا بود.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

یوسف(ع) و توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف (ع)، برای هم بندگان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد.

ما تعبدون من دونه إلاّ أسماء.. ذلك الدین القیم

یوسف(ع) و توزیع غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱

۱ یوسف (ع) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر، نظارت مستقیم داشت.

و جاء إخوه يوسف . . . و لما جهزهم بجهازهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ يوسف (ع) در سال های قحطی ، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد .

و لما جهزهم بجهازهم . . . فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول

(مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به ...> (اگر در سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید ...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف (ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین، ممنوع کرد، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه او باشد.

یوسف (ع) و تهدیدهای زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱

۱ یوسف (ع) حافظ عفت خویش و بی اعتنا به تهدیدهای زلیخا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

یوسف (ع) و تهمتهای برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۹، ۱۴

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح

ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرها...> یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف (ع) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان (دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین) را باور ندارد.

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل . . . و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . . .> عطف بر <أنتم...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسر> و <لم يبد> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

یوسف(ع) و تهمتهای زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱

۱ دفاع یوسف (ع) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) و حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

یوسف(ع) و خدمات زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فَسئله ما بال النسوه الّتي قطعن أيديهنّ

با وجود اینکه زلیخا

نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

یوسف(ع) و خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸، ۱۰، ۹

۹ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او، تمنای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد.

رودته ... و قالت هیت لك قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۰ یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی (تمنای زلیخا ، ابراز اشتیاق او ، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

۲۸ یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۸، ۱۹

۱۸ یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلا تصرف .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق

، ناظر به معنای نخست است.

۱۹ یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکماً و علماً .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتینه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

یوسف(ع) و درخواست تحقیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶،۷،۸

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف (ع) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف(ع) و دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ > عن الرضا (ع) فی قول الله : < إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل ... > قال : كانت لإسحاق النبي (ع) منطقه ... و كانت عند عمّه يوسف و كان يوسف عندها ... فربطتها فی حقوه ... و قالت : سرقت المنطقه فوجدت علیه ... ;

از حضرت امام رضا(ع) درباره سخن خدا که [به نقل از برادران یوسف] فرمود: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل .. > روایت شده است که فرمود: اسحاق پیامبر کمربندی داشت ... که در نزد عمّه یوسف بود و یوسف نیز در نزد عمّه خود بود ... پس عمّه کمربند را به کمر او بست ... و گفت: کمربند به سرقت رفته و سپس در کمر یوسف پیدا شد ...<

۱۶ > عن النبي (ص) فی قوله : < إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق يوسف (ع) صنماً لجدّه أبي أمّه من ذهب و فضّه ، فکسره و ألقاه فی الطريق ، فعیّره بذلك إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل >: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا- و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند.<

یوسف(ع) و دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ یوسف (ع) در زندان مصر، پیروی خویش از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت.

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

۴ یوسف (ع)، پیرو شریعت پدرانش، ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود.

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد.

ذلکما مما علمنی ربی اِنی ترکت .. واتبع مله اباہی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف (ع) از علوم الهی، نقش داشته است.

یوسف (ع) و دین اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۴،۷

۴ یوسف (ع)، پیرو شریعت پدرانش، ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود.

واتبع مله اباہی ابرہیم و اسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع)، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد.

ذلکما مما علمنی ربی اِنی ترکت .. واتبع مله اباہی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می کند

که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی ، نقش داشته است.

یوسف(ع) و دین مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۴، ۱۳

۱۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخره هم كفرون

۱۴ پیروی نکردن یوسف (ع) از آیین مصریان و ایمانش به خدا و آخرت ، موجب دستیابی او به علم غیب و دانش تعبیر رؤیا شد .

ذلکما مما علمنی ربی إني تركت مله قوم لا يؤمنون

جمله <إني تركت ..> تعلیل برای <علمنی ربی> می باشد / یعنی ، خداوند به خاطر اینکه من آیین کافران را وانهادم و پیروی نکردم ، چنین علمی را به من آموخت.

یوسف(ع) و دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۴، ۷

۴ یوسف (ع) ، پیرو شریعت پدرانش ، ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) بود و برانگیخته به شریعتی جدید نبود .

واتبع مله ءاباءِی ابرهیم و إسحق و یعقوب

۷ پیروی یوسف (ع) از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، موجب عنایت خدا به وی و آموزش علم غیب و دانش تعبیر رؤیا به او شد .

ذلکما مما علمنی ربی إني تركت .. واتبع مله ءاباءِی

جمله <اتبعت ..> عطف بر <ترکت> در آیه قبل است. بنابراین دلالت می

کند که: پیروی از آیین ابراهیم نیز در بهره مند شدن یوسف(ع) از علوم الهی، نقش داشته است.

یوسف(ع) و ذخیره سازی غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۶

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۲

۲ یوسف (ع) در طی هفت سال آبادانی، به کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات برای دوران قحطی کاملاً موفق شد .

و جاء إخوه یوسف

یوسف(ع) و ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲

۲ زندانی شدن و خوار گشتن، محبوب تر از گناه و معصیت، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

یوسف(ع) و ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فستله

ما بال النسوه . . . إن ربی بکیدهنّ علیم

یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد.

قال ارجع إلی ربک . . . ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم...> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أنی لم أخنه...> باشد، یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

یوسف(ع) و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۴

۴ یوسف (ع)، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) امتناع میورزید.

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مراوده، کشمکش و نزاع میان طرفین را قید کرده و گفته اند: <مراوده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق، براساس این معناست.

۲۰ یوسف (ع) در برابر زلیخا تصریح کرد

که تنظیم جریان زندگی او، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است.

معاذ الله إنه ربی أحسن مثنوی

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد؛ زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت، قدرشناسی و سپاس دانست.

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثنوی

۲۲ یوسف (ع)، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را، کفران احسان های خداوند به خویش دانست.

إنه ربی أحسن مثنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۵، ۳

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف (ع)، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله <همّ بها لولا...> تنها مانع یوسف (ع) را، مشاهده برهان الهی معرفی کرد تا گمان نشود که او گرایشی به امور جنسی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

۵ خداوند، با ارائه برهان به یوسف (ع)، او را از آمیزش با زلیخا (زنا) و نگاه های شهوانی به وی

، حفظ کرد و مصون داشت .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۲،۵،۹

۲ یوسف (ع) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او ، به طرف درب خروجی فرار کرد .

و لقد همّت به .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۵ یوسف (ع) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۹ یوسف (ع) و زلیخا ، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب ، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند .

و ألفیا سیدها لدا الباب

<إلفاء> (مصدر ألفیا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. <سید> به معنای شریف و دارای مجد است ، و مراد از آن در این جا ، شوهر است.

یوسف(ع) و ساقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف(ع) و سرزنش برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۳،۴

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لا تثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

۴ یوسف (ع) پس از اعتراف برادرانش به خطا ، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لا تثریب علیکم الیوم

کلمه <تثریب> نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر عموم دارد ؛ یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله <لا تثریب علیکم الیوم> جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است ؛

یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

یوسف(ع) و سهمیه بندی غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۱

۱ یوسف (ع) در سال های قحطی ، سهمیه و جیره افراد را طبق برنامه ای زمانبندی شده در دفعات متعدد تحویل می داد .

و لما جهزهم بجهازهم .. فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم

<کیل> به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن طعام و غلات است. نامیدن غله به <کیل> بدان جهت است که برای تحویل، آنها را پیمانانه می کردند و این بر سهمیه بندی دلالت دارد. از جمله <فإن لم تأتونی به...> (اگر در سفر آینده و نوبت بعد بنیامین را نزد من نیاورید...) معلوم می شود غله در دفعات متعدد و طبعاً زمان بندی شده پرداخت می گردید.

یوسف(ع) و صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۳

۲۳ ملحق شدن به صالحان در سرای آخرت ، از تقاضا های یوسف (ع) در نیایشش به درگاه خداوند

و ألحقنی بالصلحین

یوسف(ع) و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۸،۱۰

۸ استعاده یوسف (ع) به خداوند از روا داشتن ظلم و ستم

قال معاذ الله .. إنا إذا لظلمون

۱۰ یوسف (ع) و کار گزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر \$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان .

.. إنا إذا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخذ .. إنا إذا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

یوسف(ع) و ظلم برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱

۱ یوسف (ع) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لا تثریب علیکم

روا نداشتن سرزنش برادران که جمله <لا تثریب ..> گویای آن است ، می رساند که یوسف(ع) آنان را مورد عفو خویش قرار داد.

یوسف(ع) و عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۹

۹ یوسف (ع) و زلیخا ، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب ، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند .

و ألفتیا سیدها لدا الباب

<إلفاء> (مصدر ألفتیا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. <سید> به معنای شریف و دارای مجد است ، و مراد از آن در این جا ، شوهر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۲

۲ یوسف (ع) در نزد عزیز مصر ، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت ، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرا دانست .

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر <هی رودتنی> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر

حصر دارد. و از آن جا که یوسف(ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله <هی رودتنی> معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین <هی راودتنی> یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

یوسف(ع) و علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۵، ۱۶

۱۵ تأکید یوسف (ع) بر آگاهی کامل خداوند به کید زنان اشراف درباره او

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد.

إن ربی بکیدهنّ علیم

یوسف(ع) و عوامل انحطاط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست.

و إلاّ تصرف .. أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق، ناظر به معنای نخست است.

یوسف(ع) و عوامل سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست.

وإلا تصرف .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاقت در مقابل عقل ، و

نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

یوسف(ع) و فروش غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱

۱ یوسف (ع) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

یوسف(ع) و فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) از فقیران و تهیدستان برای پرداخت سهمیه شان ، بهایی دریافت نمی کرد .

مسنّا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <أوف لنا الکیل> به وسیله <فاء> بر <مسنّا و أهلنا الضر ..> است.

یوسف(ع) و قصه مهمانان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف (ع) و قوانین مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در

زمان وزارتش ، نمی توانست با قوانین و مقررات حکومت مصر مخالفت کند .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

يوسف(ع) و كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ يوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربي أحسن مثوای

يوسف(ع) و کمر بند اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۵

۱۵ > عن الرضا (ع) في قول الله : > إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل ... > قال : كانت لإسحاق النبي (ع) منطقه ... و كانت عند عمه يوسف و كان يوسف عندها ... فربطتها في حقوه ... و قالت : سرقت المنطقه فوجدت عليه ... ;

از حضرت امام رضا(ع) درباره سخن خدا که [به نقل از برادران يوسف] فرمود: >إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل .. < روایت شده است که فرمود: اسحاق پیامبر کمربندی داشت ... که در نزد عمه يوسف بود و يوسف نیز در نزد عمه خود بود ... پس عمه کمر بند را به کمر او بست ... و گفت: کمر بند به سرقت رفته و سپس در کمر يوسف پیدا شد ... <.

يوسف(ع) و كورى يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۵

۵ يوسف (ع) از نابینا شدن پدرش آگاه شده

بود .

يَأْتِ بِصِيرًا

یوسف (ع) و کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزّه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

یوسف (ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲،۷

۲ زندانی شدن و خوار گشتن ، محبوب تر از گناه و معصیت ، در پیش حضرت یوسف (ع) و بندگان مخلص خدا

قَالَ رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زليخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ

یوسف (ع) و مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴

۴ احترام ویژه یوسف (ع) به پدر و مادر خویش

و رفع أبويه على العرش

یوسف (ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۷۸،۹

۷ یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

۸ یوسف (ع) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم .. لعلهم یرجعون

۹ طرح و نقشه یوسف

(ع) برای مسافرت بنیامین از کنعان به مصر

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم .. اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

یوسف(ع) و مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ یوسف (ع) جز به مشیت خدا و امداد او با هیچ سبب و مستمسکی ، نمی توانست بنیامین را نزد خویش نگه دارد .

ما کان لیاخذ أخاه فی دین الملک إلا أن یشاء الله

یوسف(ع) و مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۸

۸ هفت سال تلاش برای تولید غله ، ذخیره سازی غله ها با خوشه های آن ، صرفه جویی در مصرف ، توصیه های یوسف (ع) به مردم مصر برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت ساله قحطی و خشکسالی

قال تزرعون سبع سنین دأباً

برخی برآنند که رؤیای پادشاه اشاره ای به دستورالعملها و چاره اندیشیها ندارد و تدبیرهایی که یوسف(ع) بیان داشته و دستوراتی که صادر کرده از دانشی خدادادی او بوده و ارتباطی به رؤیای پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس این نظر است.

یوسف(ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف (ع) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلا أسماء .. ذلک الدین القیم

يوسف (ع) و مكر زليخا

جلد - نام سوره - سوره -

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زليخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصيت

و إِلَّا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

۱۱ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زليخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . . . و إِلَّا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إِلَّا تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

یوسف(ع) و مکر زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حيله زليخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصيت

و إِلَّا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

۱۱ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زليخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . . . و إِلَّا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إِلَّا تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

یوسف(ع) و ملاقات

۸ خداوند یوسف (ع) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش، نوید داد.

و أوحینا إلیه لتنبئنه بامرهم هذا

جمله <لَتنبئنه> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۱۴ خداوند به یوسف (ع) خبر داد که ملاقات او با برادرانش، پس از داستان چاه کنعان، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت.

لَتنبئنه بامرهم هذا و هم لایشعرون

جمله حالیه <و هم لایشعرون> متعلق به <لَتنبئنه> است؛ یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع) بر برادرانش در دیدار مجدد، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئنه بامرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را

نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

یوسف (ع) و ملاقات با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۹، ۱۲

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد.

ائتونی بأخ لکم من أیکم ألا ترون أنى أوفى الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألا- ترون ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف (ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد، بنیامین را به همراه بیاورند، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد.

ألا ترون .. أنا خیر المنزلین

یوسف (ع) و ملاقات با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۲، ۳

۲ یوسف (ع) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند.

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی

۳ یوسف (ع) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند، نباید به بارگاه او حاضر شوند.

فإن لم تأتونی به .. و لا تقربون

نون مکسور در <لا تقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لا تقربون> یعنی، نزد من نیاید.

يوسف (ع) و ملائكه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۳

۲۳ زنان اشراف ، یوسف (ع) را بسان فرشته ای گرامی و بلند مرتبه یافتند .

إِن هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

یوسف(ع) و مَّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۵

۵ فرزندان یعقوب به وی خاطر نشان کردند که عزیز مصر (یوسف) بدون آگاهی ایشان و بدون کمترین امتنانی ، بضاعت آنان را باز گردانده است .

هَذِهِ بَضْعَتُنَا رَدَّتْ إِلَيْنَا

آوردن فعل <رَدَّتْ> به صورت مجهول و یاد نکردن از فاعل آن برای رساندن این معناست که باز گرداننده به گونه ای عمل کرده که ما متوجه او نشویم و احساس کوچکی و شرمندگی نکنیم.

یوسف(ع) و نقل رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱

۱ یعقوب (ع) ، فرزندش یوسف (ع) را از نقل خواب خویش برای برادرانش بر حذر داشت .

بَيْنِي وَبَيْنِكَ رِيبٌ كَثِيرَةٌ

یوسف(ع) و وزارت کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلني على خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار< این است که امور یاد شده را به

من بسیار / یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض... و كذلك مکننا لیوسف فی الأرض

یوسف(ع) و همبندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲،۵

۲ یوسف (ع) اقبال هم بندگان را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت.

إنا نریک من المحسنین... ذلكما مما علمنی ربی إنی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله

۵ یوسف (ع)، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندگان زندانش فاش ساخت.

ذلكما مما علمنی ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۳،۴،۷

۳ یوسف (ع)، هم بندگان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند.

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد

۴ یوسف (ع)، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندگان خویش، حقایق توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت.

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

۷ یوسف (ع) از هم بندگان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد، عقیده درست را

برگزینند .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۳

۳ یوسف (ع) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلا أسماء .. ذلك الدين القيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۵

۵ یوسف (ع) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضى الأمر الذى فيه تستفتيان

<افتاء> بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضى الأمر...> ؛ یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلك ليعلم أنى لم أئنه بالغيب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أئنه> به <ملك> باز گردد.

یوسف(ع) و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۵

۵ یوسف (ع) رؤیای شگفت خویش را برای پدرش (یعقوب (ع)) بیان کرد .

إذ قال يوسف لأبيه يأبت إنى رأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۴۸

۴ احترام ویژه یوسف (ع) به پدر و مادر خویش

و رفع أبويه على العرش

۸ یوسف (ع) پس از ورود خاندانش به مصر ، خلاصه ای از سرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد .

يأبت .. قد أحسن بى إذ أخرجنى من السجن و جاء بكم من البدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتيتنى .. فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلماً و ألحقنى بالصلحين

یوسف (ع) هنگام قحطی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) در زمان قحطی مصر ، پادشاه آن دیار نبود .

ما كان ليأخذ أخاه فى دين الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۵

۵ یوسف (ع)، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یا ایها العزیز

یوشع بن نون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{یوشع بن نون}

جلد - نام

۴ یوشع و کالب از یاران خداترس موسی (ع)

قال رجلان من الذين يخافون انعم الله عليهما

بسیاری از مفسران برآنند که مقصود از <رجلان>، یوشع و کالب می باشد.

۵ خداترسی یوشع و کالب، بر انگیزنده احساس مسؤولیت آنان در برابر فرمان های موسی (ع)

قال رجلان من الذين يخافون .. ادخلوا عليهم الباب

۱۴ تاختن بر جباران سرزمین مقدس و گشودن دروازه آن، طرح پیشنهادی یوشع و کالب برای فتح بی درنگ آن سرزمین

قال رجلان .. ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

۱۵ آگاهی یوشع و کالب از روش برخورد با جباران سرزمین مقدس برای دستیابی به پیروزی

قال رجلان .. ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

۲۵ دعوت یوشع بن نون و کالب بن یافنا (عموزاده های حضرت موسی (ع))، از بنی اسرائیل برای ورود به سرزمین مقدس

قال رجلان .. ادخلوا عليهم الباب

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: احدهما یوشع بن نون و الاخر کالب بن یافنا قال: و هما ابنا عمه . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۶۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۶، ح ۱۱۳.

تبلیغ یوشع بن نون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴ تبلیغات یاوران خداترس موسی (ع) (یوشع و کالب) به هدف برانگیختن و بسیج بنی اسرائیل برای هجوم به سرزمین

مقدس و نبرد با زورگویان

قال رجلان ..

ان کنتم مؤمنین

دعوت یوشع بن نون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۹، ۱۲

۱۲ یوشع و کالب، در عین ترس از دشمن، مردم را برای یورش به سرزمین مقدس فرا خواندند.

قال رجلان من الذین یخافون

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف <یخافون>، <جبارین> باشد.

۱۹ یوشع و کالب برای مقابله با زورگویان و پیروزی بر آنان، قوم موسی (ع) را به تلاش همراه با توکل بر خدا فرا خواندند.

ادخلوا علیهم الباب .. فانکم غلبون و علی الله فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۳

۳ بی اعتنایی قوم موسی (ع) به فراخوانی یوشع و کالب برای یاری موسی (ع) در مبارزه با جباران

ادخلوا علیهم الباب .. قالوا یموسی انا لن ندخلها

بنی اسرائیل پس از شنیدن سخنان یوشع و کالب، حضرت موسی (ع) را مخاطب قرار دادند تا بی اعتنایی و بی توجهی خود را به دعوت آن دو نفر اعلام کرده باشند.

فضایل یوشع بن نون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۶

۶ یوشع و کالب، مردانی بهره مند از نعمت های خداوند

قال رجلان .. انعم الله علیهما

یوشع بن نون و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ یوشع و کالب برای مقابله با زورگویان و پیروزی بر آنان ، قوم موسی

(ع) را به تلاش همراه با توکل بر خدا فرا خواندند .

ادخلوا عليهم الباب ... فانكم غلبون و على الله فتوكلوا

یوشع(ع)از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

استراحت یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱،۴

۱- موسی (ع) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوینا إلی الصخره

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرییت إذ أوینا إلی الصخره فإنی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوینا إلی الصخره> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>

اهداف مسافرت یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود ، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتدنا ... فوجدنا عبداً من عبادنا ... و علمنه من لدنا

واژه <وجدنا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

بازگشت یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- موسى (ع) و همسفرش ، پي جويانه ، به نقطه قبلي توقّف خود و محل از دست دادن ماهي بازگشتند .

فارتدا

<إرتداد> (مصدر <إرتدا>) یعنی، <بازگشتن> و <قصّ أثره قَصِيصاً>؛ یعنی، جاب پای او را با دقت، دنبال و پی گیری کرد. مراد از <فارتدا...> این است که موسی(ع) و همراه او، به دقت، راه رفته را بازگشتند تا به همان نقطه که ماهی به دریا رفته بود، باز گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتدا علی ءاثارهما قصصاً . فوجدا

بینش یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۶

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

تعجب یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱۰

۱۰- فرو غلتیدن ماهی و حرکت آن در آب در نظر همسفر موسی به گونه ای غیرعادی و عجیب بوده است .

واتخذ سبيله فی البحر عجباً

تلاش یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۳

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب

باشد.

جانشینى یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۲

۱۲- > عن أبى جعفر (ع) : كان وصى موسى بن عمران ، يوشع بن نون و هو فتاه الذى ذكر الله فى كتابه ;

از امام باقر(ع) روایت شده: جانشین موسى بن عمران، یوشع بن نون بود و او، همان جوان همراه موسى(ع) بود که خداوند، او را در قرآن یاد کرده است.<

جدایی یوشع(ع) و موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۳

۳- همسفر موسى (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسى و خضر (ع) ، از آنان جدا شد . *

فانطلقا حتى إذا ركبا فى السفينه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسى (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تشبیه (<فانطلقا>، <ركبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

جهل یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۴ - ۳

۳- همسفر موسى ، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر ، همگام موسى (ع) وخواهان به مقصد رسیدن او بود .

ذلك ما كنا نبغ

خستگی یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۲

۲- موسی (ع) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرین ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس

کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

خواسته های یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۴ - ۳

۳- همسفر موسی ، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر ، همگام موسی (ع) و خواهان به مقصد رسیدن او بود .

ذلك ما كننا نبغ

درخواست صبحانه از یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۵

۵- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرين ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

طعام یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۱ - ۲،۳

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرين ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غذاءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محلّ تلاقی دو دریا، از ماهی همراه خویش، غفلت کردند.

فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۷

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کار

همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاً می گفت <آتنی غدائی> .

علم یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۹

۹- خدمت کار موسی (یوشع) به شرارت شیطان و سلطه او بر ذهن انسان ، آشنا بود .

ما أنسنیه إلا الشیطن أن أذکره

عوامل فراموشی یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۶

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلا الشیطن أن أذکره

فراموشی یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۱ - ۳

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محل تلاقی دو دریا ، از ماهی همراه خویش ، غفلت کردند .

فلما بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرىيت إذ أويانا إلى الصخره فإني نسيت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أويانا إلى الصخره> یعنی:

> برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.<

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) قال : إني لما كان من أمر موسى الذي كان أعطى مكمل فيه حوت مملح قيل له : هذا يدلُّك على صاحبك عند عين مجمع البحرين . . . فانطلق الفتى يغسل الحوت في العين فاضطرب الحوت في يده حتَّى خدشه فانفلت و نسيه الفتى ;

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی (ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: > این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند... پس آن جوانی که همراه موسی (ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد.<

قصه یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۵

۵- موسی (ع) همسفر خود را از احتمال طولانی بودن سفرشان آگاه ساخت و احتمال بازگشت از نیمه راه را منتفی دانست .

و إذ قال موسى لفتیه لأبرح . . . أو أمضی حقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۲، ۳، ۱

۱- موسی (ع) و همسفر او به محلّ تلاقی دو دریا رسیدند و در آن جا

توقف کردند .

فلما بلغا مجمع بينهما

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرين ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی ، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محل تلاقی دو دریا ، از ماهی همراه خویش ، غفلت کردند .

فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۷، ۵، ۳، ۲، ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرين ، در جستجوی خضر (ع) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلما بلغا مجمع بينهما .. فلما جاوزا

موسی (ع) در سخن خود با یوشع ، مجمع البحرين را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی (ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محل مورد نظر موسی (ع) رسیده اند.

۲- موسی (ع) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرين ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصباً

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از

عبور از مجمع البحرين برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی (ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

۵- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرين ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کار همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاً می گفت <آتني غدائي> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱،۴،۱۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرين ، آرمیدند .

إذ أوتينا إلى الصخرة

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرين ، غفلت کرد .

قال أريت إذ أوتينا إلى الصخرة فإني نسيت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است . <أوتينا إلى الصخرة> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.> .

۱۱- > عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) قال : إنه لما كان من أمر موسى الذي كان أعطى مکتل فيه حوت

مملّح قيل له : هذا يدلك على صاحبك عند عين مجمع البحرين . . . فانطلق الفتى يغسل الحوت في العين فاضطرب الحوت في يده حتى خدشه فانفلت و نسيه الفتى ؛

از امام باقر و امام صادق (عليهماالسلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی(ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند... پس آن جوانی که همراه موسی(ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۴

۴- موسی (ع) و همسفرش ، پی جوینان ، به نقطه قبلی توقّف خود و محل از دست دادن ماهی بازگشتند .

فارتدا علی اثارهما قصصاً

<إرتداد> (مصدر <إرتدا>) یعنی، <بازگشتن> و <قصّ أثره قصصاً>؛ یعنی، جاب پای او را با دقت، دنبال و پی گیری کرد. مراد از <فارتدا...> این است که موسی(ع) و همراه او، به دقت، راه رفته را بازگشتند تا به همان نقطه که ماهی به دریا رفته بود، بازگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجو گرانه خود ، یافتن بنده ای

از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتدا .. فوجدا عبداً من عبادنا ... و علمنه من لدنا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

گرسنگی یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۲

۲- موسی (ع) در پی گذر کردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرین ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصباً

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

مسافرت یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۶

۶- > عن أبي عبد الله (ع) قال : ... أرسل (أى موسى) إلى يوشع إني قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا ، و اشتری حوتاً . . .
ثم شواه ثم حملة في مكمل . . . فقطرت قطره من السماء في المكمل فاضطرب الحوت ثم جعل يثب من المكمل إلى البحر قال :
و هو قوله : > واتخذ سبيله في البحر سرباً < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: .. موسی به یوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتیم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل

نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب وجوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: *وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا*.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۱،۳

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرین ، در جستوجوی خضر (ع) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا .. فَلَمَّا جَاوَزَا

موسی(ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلّ مورد نظر موسی(ع) رسیده اند.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . *

ءَاتْنَا غَدَاءَنَا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

ملاقات یوشع(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فَارْتَدَا عَلَىٰ ءِثَارِهِمَا قَصَصًا . فَوَجَدَا

موسی(ع) و یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

۲- موسی (ع) در جستار تحقیقی خویش برای یافتن خضر، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

<فتی> به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی (ع)، <یوشع بن نون> وصی آن حضرت بوده است.

نقش یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۶

۶- همسفر موسی (ع) عهده دار حمل و تدارک غذا بود.

قال لفتیه اءاتنا غداءنا

یوشع (ع) در مجمع البحرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۲، ۳، ۱

۱- موسی (ع) و همسفر او به محلّ تلاقی دو دریا رسیدند و در آن جا توقف کردند.

فلما بلغا مجمع بینهما

۲- موسی و همسفر او، به هنگام رسیدن به مجمع البحرين، یک ماهی، به عنوان غذا، همراه داشتند.

فلما بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محلّ تلاقی دو دریا، از ماهی همراه خویش، غفلت کردند.

فلما بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرین ، در جستوجوی خضر (ع) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلما بلغا مجمع بینهما .. فلما جاوزا

موسی (ع) در سخن خود با یوشع ، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی (ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلّ مورد نظر موسی (ع) رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوینا إلی الصخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

یونس (ع) از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

یونس (ع)

آثار ترک اولای یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

مطلب یاد شدہ با توجہ بہ این نکتہ است کہ یونس (ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی>

از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

آثار تسیح یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - یونس (ع) اگر به تسیح خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

۲ - تسیح مستمر یونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۵

۵ - دعا و تسیح یونس (ع) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنه كان من المسبّحين . . . و أنبتنا عليه شجرة من يقطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . و نبی یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلى طائفه قلاً أو كثروا کیونس . قال الله لیونس > و أرسلناه إلى مائه ألف أو یزیدون < . . .

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . . . و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و

به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون>...<.

آثار توبه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب < ترک اولی > از پیامبران بود. بنابراین مقصود از < فاجتباه > به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

آثار دعای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۵

۵ - دعا و تسیح یونس (ع) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنّه كان من المسبّحين . . . و أنبتنا علیه شجرة من يقطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - < عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . و نبی یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلى طائفه قتلوا أو كثروا کیونس . قال الله لیونس > و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون < . . .

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و

رسولان بر چهار طبقه اند . . . و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون...>.

آثار فرار یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۲،۳

۲ - حضرت یونس (ع) به جهت خروج عجولانه از میان قوم خود ، سزاوار سرزنش شد .

إذ أبق إلى الفلك .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألم>) به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است ؛ چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <ألم> برای سیورت است ؛ یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

۳ - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی ، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود .

إذ أبق إلى الفلك .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

اجابت دعای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۱

۱- دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن آن حضرت در تاریکی شکم ماهی ، مورد اجابت و پذیرش خدا قرار گرفت .

فنادی فی الظلمت .. فاستجینا له

اذیت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۶

۶ - یونس (ع) ، در معرض

اذیت و آزار شدید و طاقت فرسای قوم خود قرار داشت .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

گریختن یونس(ع) از میان قومش، می تواند به این دلیل باشد که او به شدت تحت شکنجه و آزار آنان قرار داشت.

اشتباه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۷

۷- یونس (ع) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنَّ أن لن نقدر عليه

اصابت قرعه به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۳

۳- اصابت قرعه به نام یونس (ع) و مغلوبیت او در قرعه کشی

فساهم فكان من المدحضين

<مدحضين> (اسم مفعول از <ادحاض>) به معنای <ازلاق> (کسی را لغزاندن) است و در این جا کنایه از شکست و مغلوبیت در امر قرعه کشی می باشد.

اقرار یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۷،۲۱

۱۷- خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی .. إني كنت من الظلمين

٢١- > قال المأمون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عزوجلّ : > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر عليه > فقال
الرضا (ع) : ذاك يونس بن متى (ع) ذهب مغاضباً لقومه > فظنّ > بمعنى إستيقن > أن لن نقدر عليه > أى لن نضيق عليه

رزقه ... < فنادی فی الظلمات > ای ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين > بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ۱

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه > امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. < ظن > در کلام خدا به معنای < استیقن > و < لن نقدر عليه > به معنای < لن نضیق علیه رزقه > ... می باشد. < فنادی فی الظلمات > یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إني كنت من الظالمين > یعنی، ... من از ستم کارانم زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم <.

امداد به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۳،۴

۳ - یونس (ع) ، مورد لطف ویژه خداوند و برخوردار از امداد او

و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس (ع) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای

او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دل‌داری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

اندوه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۶

۶ - یونس (ع) ، در حالی که سینه اش مملو از غم و اندوه بود خدا را ندا کرد .

إذ نادى و هو مكظوم

انقطاع وحى از یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحى به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحى مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب < ترک اولی > از پیامبران بود. بنابراین مقصود از < فاجتباه > به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

ایمان به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۷

۷ - > قال أبو عبيدة : قلت لأبي جعفر (ع) كم غاب يونس عن قومه حتى رجع إليهم بالنبوءه و الرسالة فأمنوا و صدقوه قال : أربعة أسابيع . . . إن العذاب أتاهم يوم الأربعاء فى النصف من شوال و صرف عنهم من يومهم ذلك فأنطلق يونس مغاضباً فمضى يوم الخميس سبعة أيام فى مسيره إلى البحر و سبعة أيام فى بطن الحوت و سبعة أيام تحت الشجره بالعراء

و سبعة أيام في رجوعه إلى قومه . . . ثم أتاهم فآمنوا به و صدقوه و اتبعوه . . .

ابوعبیده گوید: به امام باقر(ع) گفتم: چه مدتی یونس از قوم خود دور شد و سپس با نبوت و رسالت به سوی آنان بازگشت و آنها به او ایمان آوردند و تصدیقش کردند؟ فرمود: چهار هفته . . . همانا در روز چهارشنبه، در نیمه شوال عذاب بر آنان نازل شد و در همان روز عذاب از آنان برداشته شد. پس یونس با حالت غضب در روز پنجشنبه از آنان جدا شد و هفت روز در مسیرش تا دریا و هفت روز در شکم ماهی بود و هفت روز را در زیر درخت در سرزمین خشک و خالی و هفت روز را در راه بازگشت به سوی قومش گذراند... آن گاه به نزد آنان آمد و آنها به آن حضرت ایمان آورده و تصدیقش نمودند و از او پیروی کردند...<

بازگشت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۷

۷ - > قال أبو عبیده : قلت لأبي جعفر (ع) كم غاب يونس عن قومه حتى رجع إليهم بالنبوه و الرساله فآمنوا و صدقوه قال : أربعة أسابيع . . . إنَّ العذاب أتاهم يوم الأربعاء في النصف من شوال و صرف عنهم من يومهم ذلك فانطلق يونس مغاضباً فمضى يوم الخميس سبعة أيام في مسيره إلى البحر و سبعة أيام في بطن الحوت و سبعة أيام تحت الشجرة بالعراء و سبعة أيام في رجوعه إلى قومه . . . ثم أتاهم فآمنوا به

ابوعبیده گوید: به امام باقر(ع) گفتم: چه مدتی یونس از قوم خود دور شد و سپس با نبوت و رسالت به سوی آنان بازگشت و آنها به او ایمان آوردند و تصدیقش کردند؟ فرمود: چهار هفته . . . همانا در روز چهارشنبه، در نیمه شوال عذاب بر آنان نازل شد و در همان روز عذاب از آنان برداشته شد. پس یونس با حالت غضب در روز پنجشنبه از آنان جدا شد و هفت روز در مسیرش تا دریا و هفت روز در شکم ماهی بود و هفت روز را در زیر درخت در سرزمین خشک و خالی و هفت روز را در راه بازگشت به سوی قومش گذراند... آن گاه به نزد آنان آمد و آنها به آن حضرت ایمان آورده و تصدیقش نمودند و از او پیروی کردند...<

برگزیدگی یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۱،۵

۱ - یونس (ع) ، از برگزیدگان و پیامبران الهی بود .

فاجتبیہ ربّہ

۵ - برگزیدگی یونس (ع) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه . . . فجعله من الصالحین

بیماری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۲،۴

۲ - یونس (ع) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعرء و هو سقیم

۴ - "قال رسول الله(ص): "لما أراد الله حبس یونس علیه السلام فی بطن

الحوت، أوحى الله إلى الحوت أن خذه، و لا تخدش له لحماً، و لا تكسر له عظماً، فأخذه ثم أهوى به إلى مسكنه في البحر، فلما انتهى به إلى أسفل البحر سمع يونس حساً فقال في نفسه: ما هذا....؟ فأوحى الله إليه و هو في بطن الحوت: إن هذا تسييح دواب الأرض فسبح و هو في بطن الحوت فسمعت الملائكة عليهم السلام تسيحه فقالوا: ربنا إنا نسمع صوتاً ضعيفاً بأرض غربه، قال: ذاك عبدى يونس، عصاني فحبسته في بطن الحوت في البحر، قالوا: العبد الصالح الذى كان يصعد إليك منه فى كل يوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلك، فأمره فقذفه فى الساحل، كما قال الله: "و هو سقيم"؛

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسییح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسییح گفت: ملائکه تسییح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از

او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری . پس ملائکه در این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

بینش یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۸

۱۸- در دیدگاه یونس (ع) ، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی ، ظلمی به خویش بود .

إذ ذهب مغضبًا .. إني كنت من الظالمين

پیشگامی یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کارهای خیر

و لقد آتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم كانوا یسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۹۰ ۴۸) از آنان یاد شده است.

تداوم رسالت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۱

۱ - یونس (ع) ، پس از نجات از شکم ماهی ، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید .

فنبذنه بالعرء .. و أرسلنه إلی مائه ألف

ترک اولای یونس(ع)

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۴

۴ - شتاب کردن یونس (ع) در نفرین علیه قومش ، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر (ص)

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، از گرفتار شدن به مجازات ترک اولی ، همچون یونس (ع)

و لاتکن کصاحب الحوت .. لنبد بالعراء و هو مذموم

این که خداوند به پیامبر (ص) هشدار داد که مانند یونس مباش؛ اشاره به ترک اولی و مجازات آن دارد که یونس (ع) گرفتار آن شده بود.

تسبیح یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۳ - ۱

۱ - یونس (ع) ، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت .

فلولا أنه كان من المسبحین

تهلیل یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۴،۱۵

۱۴ - روی آوردن یونس (ع) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادى فى الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک

۱۵- > لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين < ، ندا و دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم ماهی

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين

خضوع یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۷

خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی ... إني كنت من الظلمين

خطر در کشتی قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۲

۲- وجود خطر برای کشتی حامل یونس (ع) و رفع آن ، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلى الفلك المشحون . فساهم فكان من المدحضين

دریانوردی در دوران یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳- وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك المشحون

دعای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۳، ۱۴، ۱۵

۱۳- دعا و تضرع یونس (ع) به درگاه الهی ، پس از گرفتار آمدن در ظلمات (شکم ماهی)

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت

۱۴- روی آوردن یونس (ع) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک

۱۵- < لا إله إلا أنت سبحانک إني كنت من الظالمين > ، ندا و دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم

فنادى فى الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنك إني كنت من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۶

۶ - يونس (ع) ، در حالى كه سينه اش مملو از غم و اندوه

بود خدا را ندا کرد .

إذ نادى و هو مكظوم

ذکر قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱

۱- ماجرای ذالنون (یونس (ع)) ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و ذالنون إذ ذهب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <ذالنون> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد. گفتنی است که <النون> به معنای ماهی است و <ذالنون> لقب برای یونس(ع) است، به این مناسبت که او مدتی در شکم ماهی قرار داشت.

رفع اندوه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۲۸

۲- خداوند ، یونس (ع) را از غم و اندوه نجات و رهایی بخشید .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْغَمِّ

۸- رهایی یونس (ع) از غم و اندوه ، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

و نَجِّينَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

اسم اشاره <كذلك>، اشاره به نجات یونس(ع) از غم و اندوه است.

روزی یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱

٢١- > قال المأمون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عزوجل : > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه > فقال
الرضا (ع) : ذاك يونس بن متى (ع) ذهب مغاضباً لقومه > فظن > بمعنى إستيقن > أن لن نقدر عليه > أى لن نصيق عليه
رزقه ... > فنادى فى الظلمات > أى ظلمه

اللیل و ظلّمه البحر و ظلّمه بطن الحوت : < أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين > بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ۛ

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظنّ > در کلام خدا به معنای <استیقن > و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه > ... می باشد. <فنادی فی الظلمات > ۛ یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إني كنت من الظالمين > ۛ یعنی، ... من از ستم کارانم ۛ زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم <.

زمینه امداد به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۵

۵ - دعا و تسیح یونس (ع) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنه كان من المسبّحين .. و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

زمینه سرزنش یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۲

۲ - حضرت یونس (ع) به جهت خروج عجولانه از میان قوم خود ، سزاوار سرزنش شد .

إذ أبق إلى الفلک .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألام>)

به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است؛ چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <الام> برای سیوروت است؛ یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

زمینه نجات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۲

۲ - تسبیح مستمر یونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - <عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . ونبى يرى في منامه و يسمع الصوت و يعاين الملك و قد أرسل إلى طائفه قَلُوا أو كثروا كيونس . قال الله ليونس > و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون < . . .

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . . . و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون> . . .

زمینه وحی به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم

و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیہ ربّہ

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباہ> به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

سایبان یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱،۲،۴

۱ - رویدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند ، بر فراز یونس (ع) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

<یقطین> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می شود.

۲ - احتیاج یونس (ع) به سایبان ، پس از بیرون آمدن از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس (ع) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی

برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام

امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . و نبی یری فی

منامه و يسمع الصوت و يعاين الملك و قد أرسل إلى طائفه قَلُوا أو كثروا كيونس . قال الله ليونس > و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون <... ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه: پيامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . . و پيامبري است كه در خواب مي بيند و صدا را مي شنود و فرشته را مي بيند و به سوي گروهی از مردم خواه كم يا زياد فرستاده مي شود، مانند يونس كه خدا درباره اش مي فرمايد: <و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون >...<.

ظلم يونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۷، ۱۸، ۲۱

۱۷- خضوع يونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی .. إني كنت من الظالمين

۱۸- در دیدگاه يونس (ع) ، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی ، ظمی به خویش بود .

إذ ذهب مغضباً .. إني كنت من الظالمين

۲۱- > قال المأمون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عزوجل : > و ذالنون إذ ذهب مغضباً فظن أن لن نقدر عليه < فقال الرضا (ع) : ذاك يونس بن متى (ع) ذهب مغضباً لقومه > فظن < بمعنى إستيقن > أن لن نقدر عليه < أي لن نضيق عليه رزقه ... > فنادى في الظلمات < أي ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : > أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين <

بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی لها فی بطن الحوت ۱

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أنّ لن نقدر علیه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <استیقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نضیق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات> یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إئی کنت من الظالمین> یعنی، ... من از ستم کارانم زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم.<

ظن یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۲، ۵، ۶

۵- گمان یونس (ع) در سخت نگرفتن خداوند بر وی، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضباً فظنّ أنّ لن نقدر علیه

یکی از معنای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن (ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۶- گمان یونس (ع) به مجازات نشدن او از جانب خداوند، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنّ أنّ لن نقدر علیه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إئی کنت من الظالمین) مؤید همین برداشت است.

۲۲ - > عن أبي جعفر ()

ع) فی قوله : < و ذالنون إذ ذهب مغاضباً > يقول : من أعمال قومه < فظنَّ أن لن نقدر عليه > يقول : ظنَّ أن لن يعاقب بما صنع ؛

از امام باقر(ع) در باره قول خدا < و ذالنون إذ ذهب مغاضباً > روایت شده که: غضب یونس(ع) از اعمال قومش بود [و در معنای] < فظنَّ أن لن نقدر عليه > فرمود: یونس(ع) گمان کرد که او در برابر آن چه انجام داده مجازات نمی شود.

عبرت از قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱

۱- ماجرای ذالنون (یونس (ع)) ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و ذالنون إذ ذهب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب < ذالنون > به وسیله عامل مقدری چون < أذکر > یا < أذکروا > باشد. گفتنی است که < النون > به معنای ماهی است و < ذالنون > لقب برای یونس(ع) است؛ به این مناسبت که او مدتی در شکم ماهی قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۲

۲- سرگذشت یونس پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و ایمان آورندگان به آن حضرت

و إنَّ یونس لمن المرسلین

برداشت بالا به خاطر این نکته است که یادآوری سرگذشت یونس(ع) و قومش، برای پیامبر و مؤمنان که در شرایط سخت مکه قرار داشتند و با مخالفت های مشرکان روبه رو بودند در واقع به منظور درس آموزی و دلداری به آنان است.

عجله یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی .. إني كنت من الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۳،۴،۵

۳ - هشدار خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان، مانند شتاب کردن یونس (ع) در این باره

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

مفسران بر آنند که این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیاء> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه فنادى فى الظلمات..>.

۴ - شتاب کردن یونس (ع) در نفرین علیه قومش، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر (ص)

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

۵ - یونس (ع)، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد.

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

عمل خیر یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کارهای خیر، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، یونس، زکریا، و یحیی (علیهم السلام) بود.

و لقد آتینا موسی و

هرون . . . يحيى ... إنهم كانوا يسرعون في الخيرت

عوامل بیماری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۳

۳ - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی ، موجب بیماری او گردید .

فالتقمه الحوت . . فنبذنه بالعرء و هو سقیم

عوامل غضب یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۲،۳

۳- رفتار قوم یونس ، خشم شدید آن حضرت را برانگیخت و موجب ناخرسندی او شد .

إذ ذهب مغضباً

۲۲ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و ذالنون إذ ذهب مغضباً > يقول : من أعمال قومه > فظن أن لن نقدر عليه <

يقول : ظن أن لن يعاقب بما صنع ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدا <و ذالنون إذ ذهب مغضباً> روایت شده که: غضب یونس(ع) از اعمال قومش بود [و در معنای] <فظن أن لن نقدر عليه> فرمود: یونس(ع) گمان کرد که او در برابر آن چه انجام داده مجازات نمی شود.<

غذای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . و نبى يرى في منامه و يسمع الصوت و يعاين الملك و قد أرسل إلى طائفه قلاوا أو كثروا كيونس . قال الله ليونس > و أرسلناه إلى مائه ألف أو يزيدون < . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان

بر چهار طبقه اند . . . و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون>...>.

غضب یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱، ۷، ۵، ۲

۲- یونس (ع) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد .

إذ ذهب مغضبًا

آن چه از نظر مفسران و مورخان استفاده می شود، این است که یونس(ع) از میان قومش، به خاطر ایمان نیاوردنشان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۵- گمان یونس (ع) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

یکی از معنای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن (ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۷- یونس (ع) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

۲۱- < قال المأمون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عزوجلّ : > و ذالنون إذ ذهب مغاضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه > فقال

الرضا (ع) : ذاک یونس بن متی (ع) ذهب مغاضبًا لقومه > فظنّ > بمعنی إستیقن > أن

لن نقدر عليه < أي لن نضيق عليه رزقه ... > فنادی فی الظلمات < أي ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : > أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين < بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ؛

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر عليه> امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظنّ> در کلام خدا به معنای <استیقن> و <لن نقدر عليه> به معنای <لن نضيق عليه رزقه> ... می باشد. <فنادی فی الظلمات> یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک إني كنت من الظالمين> یعنی، ... من از ستم کارانم؛ زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم.<

فرار یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۱،۲

۱ - یونس پیامبر ، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر ، از میان قوم خود گریخت .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

<أَبَّقَ> (مصدر <أَبَقَ>) به معنای فرار عبد از مالک است و <مشحون> به معنای مملو است.

۲ - تصمیم یونس (ع) ، به گریختن از میان قوم خود و هجرت به دیار دیگر ، تصمیمی فردی بود ؛ نه با

اذن و رهنمود خداوند .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

تعبیر <أبق> (گریختن عبد از دست مالکش) استعاره تمثیلیه است که در آن وضع یونس در گریختن از میان قوم خود به عبد فراری از مالکش تشبیه شده است. به کار رفتن این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

فضایل یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۴

۴ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، پیامبرانی برتری یافته بر همه مردم عصر خویش

و زکریا و یحیی . . . و کلا فضلنا علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۳،۴

۳ - یونس (ع) ، مورد لطف ویژه خداوند و برخوردار از امداد او

و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس (ع) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی

برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱،۲،۳

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

۲- نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع

(، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۴،۵،۱

۱ - یونس (ع) ، از برگزیدگان و پیامبران الهی بود .

فاجتبیه ربّه

۴ - یونس (ع) ، به عنایت خداوند از صالحان کامل و راستین بود .

فجعله من الصالحین

۵ - برگزیدگی یونس (ع) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه .. فجعله من الصالحین

قرعه در قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۷،۱

۱ - قرعه کشی یونس (ع) و سرنشینان کشتی ، برای به دریا افکنده شدن یک نفر از جمعیان

فساهم فکان من المدحضین

>ساهم< به معنای <قارع> (قرعه افکند) می باشد.

۷ - > عن أبي جعفر (ع) قال :... إستهوا فی یونس لما ركب مع القوم فوقفت السفینه فی اللّجه ... فوق السهم علی یونس

ثلاث مرّات ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. در مورد یونس(ع) قرعه انداختند، آن هنگام که به همراه قوم بر کشتی سوار شد و کشتی در آب های متراکم متوقف گردید،... و قرعه سه مرتبه به نام یونس اصابت کرد...<

۲- یونس (ع) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد .

إذ ذهب مغضبًا

آن چه از نظر مفسران و مورخان استفاده می شود، این است که یونس (ع) از میان قومش، به خاطر ایمان نیاوردنشان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۳- رفتار قوم یونس ، خشم شدید آن حضرت را برانگیخت و موجب ناخرسندی او شد .

إذ ذهب مغضبًا

۵- گمان یونس (ع) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنَّ أن لن نقدر عليه

یکی از معنای **<قدر>**، سخت گرفتن و تنگ گرفتن (ضيق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۶- گمان یونس (ع) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنَّ أن لن نقدر عليه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که **<قدر>** به معنای **<قضا>** و **<حکم>** باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إني كنت من الظالمين) مؤید همین برداشت است.

۷- یونس (ع) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنَّ أن لن نقدر عليه

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذالنون إذ ذهب مغضبًا .. فنادی في الظلمت

<ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس (ع) به درگاه الهی، پس از گرفتار آمدن در ظلمات (شکم ماهی)

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت

۱۴- روی آوردن یونس (ع) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک

۱۵- <لا إله إلا أنت سبحانک إنی كنت من الظالمین>، ندا و دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم

ماهی

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک إنی كنت من الظالمین

۱۷- خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی .. إنی كنت من الظالمین

۲۱- <قال المأمون للرضا (ع) فأخبرنی عن قول الله عزوجل: > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر علیه > فقال

الرضا (ع): ذاک یونس بن متی (ع) ذهب مغاضباً لقومه > فظن > بمعنی إستیقن > أن لن نقدر علیه > أي لن نضیق علیه

رزقه ... > فنادی فی الظلمات > أي ظلمه اللیل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت: > أن لا إله إلا أنت سبحانک إنی كنت

من الظالمین > بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی لها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن

أن لن نقدر علیه >

امام فرمود: او یونس بن متی بود، که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظَنَّ> در کلام خدا به معنای <إستيقن> و <لن نقدر علیه> به معنای <لن نصيق علیه رزقه> ... می باشد. <فنادى فى الظلمات>؛ یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانك إني كنت من الظالمين>؛ یعنی، ... من از ستم کارانم؛ زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - یونس پیامبر، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر، از میان قوم خود گریخت.

إذ أبق إلى الفلك المشحون

<أَبَقَ> (مصدر <أَبَقَ>) به معنای فرار عبد از مالک است و <مشحون> به معنای مملو است.

۲ - تصمیم یونس (ع)، به گریختن از میان قوم خود و هجرت به دیار دیگر، تصمیمی فردی بود؛ نه با اذن و رهنمود خداوند.

إذ أبق إلى الفلك المشحون

تعبیر <أَبَقَ> (گریختن عبد از دست مالکش) استعاره تمثیلیه است که در آن وضع یونس در گریختن از میان قوم خود به عبد فراری از مالکش تشبیه شده است. به کار رفتن این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

۴ - محل تبلیغ و رسالت یونس پیامبر (ع)، به دریا نزدیک بود.*

إذ أبق إلى الفلك المشحون

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلى

فرار یونس (ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

۶ - یونس (ع) ، در معرض اذیت و آزار شدید و طاقت فرسای قوم خود قرار داشت .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

گریختن یونس (ع) از میان قومش، می تواند به این دلیل باشد که او به شدت تحت شکنجه و آزار آنان قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۳،۴

۳ - اصابت قرعه به نام یونس (ع) و مغلوبیت او در قرعه کشی

فساهم فکان من المدحضین

<مدحضین> (اسم مفعول از <ادحاض>) به معنای <ازلاق> (کسی را لغزاندن) است و در این جا کنایه از شکست و مغلوبیت در امر قرعه کشی می باشد.

۴ - نبودن هیچ داوطلبی برای افکندن خویش به دریا و فدا کردن خود در ماجرای یونس *

فساهم فکان من المدحضین

از قرعه کشی و نیز تعبیر <مدحضین> (مغلوب شدگان)، می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۱،۲،۳

۱ - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی بزرگ ، پس از افکنده شدن او به دریا

فالتقمه الحوت و هو ملیم

<إلتقام> (مصدر <التقم>) به معنای بلعیدن است و <حوت> هر چند در مطلق ماهی چه بزرگ باشد و چه کوچک به کار می رود؛ اما کاربرد آن در ماهی بزرگ بیشتر است و در آیه شریفه نیز به همین معنا به کار رفته است.

۲ - حضرت یونس (ع) به جهت خروج عجولانه از

میان قوم خود ، سزاوار سرزنش شد .

إذ أبق إلى الفلك .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألام>) به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است ؛ چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <ألام> برای صیروت است ؛ یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

۳ - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی ، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود .

إذ أبق إلى الفلك .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۳ - ۱

۱ - یونس (ع) ، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت .

فلولا أنه كان من المسبّحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - یونس (ع) اگر به تسبیح خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت فی بطنه إلى يوم یبعثون

۲ - تسبیح مستمر یونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت فی بطنه إلى يوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱،۲،۴

۱ - یونس (ع) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعرء

<نیز> (مصدر <نیزنا>) به معنای افکندن است و

<عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

۲- یونس (ع)، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی، بیمار بود.

فبذنه بالعراء و هو سقیم

۴- "قال رسول الله(ص): "لما أراد الله حبس يونس عليه السلام في بطن الحوت، أوحى الله إلى الحوت أن خذه، و لا تخدش له لحماً، و لا تكسر له عظماً، فأخذه ثم أهوى به إلى مسكنه في البحر، فلما انتهى به إلى أسفل البحر سمع يونس حساً فقال في نفسه: ما هذا....؟ فأوحى الله إليه و هو في بطن الحوت: إن هذا تسييح دواب الأرض فسبح و هو في بطن الحوت فسمعت الملائكة عليهم السلام تسيحه فقالوا: ربنا إنا نسمع صوتاً ضعيفاً بأرض غربه، قال: ذاك عبدى يونس، عصاني فحبسته في بطن الحوت في البحر، قالوا: العبد الصالح الذى كان يصعد إليك منه فى كل يوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلك، فأمره فقذفه فى الساحل، كما قال الله: " و هو سقيم";

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسییح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسییح گفت: ملائکه

تسبیح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری. پس ملائکه در این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱،۲

۱ - رویدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند، بر فراز یونس (ع) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی و اُنبتنا علیه شجره من یقطين

<یقطين> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می شود.

۲ - احتیاج یونس (ع) به سایبان، پس از بیرون آمدن از شکم ماهی

و اُنبتنا علیه شجره من یقطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۱،۴

۱ - یونس (ع)، پس از نجات از شکم ماهی، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید.

فنبذنه بالعرء . . و أرسلنه إلی مائه ألف

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . و نبی یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه

قَلُّوا أَوْ كَثُرُوا كَيُونَسَ . قَالَ اللَّهُ لِيُونَسَ < وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . . . و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: < وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ > . . . < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۱،۷

۱ - تمامی قوم یونس ، پس از رسالت و مأموریت مجدد آن حضرت به سوی آنان ایمان آوردند .

و أَرْسَلْنَاهُ . . . فَأَمْنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ

۷ - < قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ : قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) كَمْ غَابَ يُونَسُ عَنْ قَوْمِهِ حَتَّى رَجَعَ إِلَيْهِمْ بِالنَّبُوءِ وَ الرِّسَالَةِ فَأَمْنُوا وَ صَدَّقُوهُ قَالَ : أَرْبَعَةَ أَسَابِيعَ . . . إِنَّ الْعَذَابَ أَتَاهُمْ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فِي النِّصْفِ مِنْ شَوَّالٍ وَ صَرَفَ عَنْهُمْ مِنْ يَوْمِهِمْ ذَلِكَ فَاَنْطَلَقَ يُونَسَ مَغَاضِبًا فَمَضَى يَوْمَ الْخَمِيسِ سَبْعَةَ أَيَّامٍ فِي مَسِيرِهِ إِلَى الْبَحْرِ وَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ فِي بَطْنِ الْحَوْتِ وَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ تَحْتَ الشَّجَرَةِ بِالْعِرَاءِ وَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ فِي رَجُوعِهِ إِلَى قَوْمِهِ . . . ثُمَّ أَتَاهُمْ فَأَمْنُوا بِهِ وَ صَدَّقُوهُ وَ اتَّبَعُوهُ . . . ;

ابوعبیده گوید: به امام باقر(ع) گفتم: چه مدتی یونس از قوم خود دور شد و سپس با نبوت و رسالت به سوی آنان بازگشت و آنها به او ایمان آوردند و تصدیقش کردند؟ فرمود: چهار هفته .

.. همانا در روز چهارشنبه، در نیمه شوال عذاب بر آنان نازل شد و در همان روز عذاب از آنان برداشته شد. پس یونس با حالت غضب در روز پنج شنبه از آنان جدا شد و هفت روز در مسیرش تا دریا و هفت روز در شکم ماهی بود و هفت روز را در زیر درخت در سرزمین خشک و خالی و هفت روز را در راه بازگشت به سوی قومش گذراند... آن گاه به نزد آنان آمد و آنها به آن حضرت ایمان آورده و تصدیقش نمودند و از او پیروی کردند...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۵،۶

۵ - یونس (ع)، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد .

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

۶ - یونس (ع)، در حالی که سینه اش مملو از غم و اندوه بود خدا را ندا کرد .

إذ نادى و هو مکظوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱،۲،۳

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعرء

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن

تدرکه نعمه من ربّه لبذ بالعراء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب < ترک اولی > از پیامبران بود. بنابراین مقصود از < فاجتباه > به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

قضاوت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

کشتی سازی در دوران یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك المشحون

کشتی سواری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - یونس پیامبر ، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر ، از میان قوم خود گریخت .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

<أَبَّقَ> (مصدر <أَبَقَ>) به معنای فرار عبد از مالک است و <مشحون> به معنای مملو است.

کیفر غضب یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۲

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذالنون إذ ذهب مغضبًا . . فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

کیفر یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۶

۶- گمان یونس (ع) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنَّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إني كنت من الظالمين) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، از گرفتار شدن به مجازات ترک اولی ، همچون یونس (ع)

و لاتکن کصاحب الحوت . . لنبذ بالعراء و هو مذموم

این که خداوند به پیامبر(ص) هشدار داد که مانند یونس مباش؛ اشاره به ترک اولی و مجازات آن دارد که یونس(ع) گرفتار آن شده بود.

گرفتاری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۳، ۱۲

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذالنون إذ ذهب مغضبًا ..

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس (ع) به درگاه الهی، پس از گرفتار آمدن در ظلمات (شکم ماهی)

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۱

۱- دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن آن حضرت در تاریکی شکم ماهی، مورد اجابت و پذیرش خدا قرار گرفت.

فنادی فی الظلمت .. فاستجبنا له

محدوده علم یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۹

۹- عدم آگاهی کامل یونس (ع) از تمامی مقدرات الهی نسبت به خویش

و ذالنون .. فظن أن لن نقدر علیه

مقامات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۱

۱ - یونس (ع) ، از رسولان الهی

و إنّ یونس لمن المرسلین

مکان تبلیغ یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۴

۴ - محل تبلیغ و رسالت یونس پیامبر (ع) ، به دریا نزدیک بود . *

إذ أبق إلى الفلك

مکذبان یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۶

۶ قوم یونس ، پیامبر خویش را در آغاز تکذیب کرده و از ایمان آوردن به دعوت های او سرباز زدند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا کشفنا عنهم عذاب

منشأ نجات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱

۱ - یونس (ع) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعراء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و <عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۲

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

موانع سرزنش یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۳

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعرء و هو مذموم

نبوت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۴

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح)

ع) و مخاطب وحی

و أوحينا إلى إبراهيم . . . و سليمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۱

۱ - یونس (ع) ، از رسولان الهی

و إنّ یونس لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۵

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۱

۱ - تمامی قوم یونس ، پس از رسالت و مأموریت مجدد آن حضرت به سوی آنان ایمان آوردند .

و أرسلناه . . . فآمنوا فمّتعنهم إلى حین

نجات یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۲

۲- خداوند ، یونس (ع) را از غم و اندوه نجات و رهایی بخشید .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْغَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۲،۴

۲ - یونس (ع) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعرء و هو سقیم

۴ - "قال رسول الله(ص): "لما أراد الله حبس يونس عليه السلام في بطن الحوت، أوحى الله إلى الحوت أن خذه، و لا تخدش له لحماً، و لا تكسر له

عظماً، فأخذه ثم أهوى به إلى مسكنه في البحر، فلمّا انتهى به إلى أسفل البحر سمع يونس حساً فقال في نفسه: ما هذا...؟ فأوحى الله إليه وهو في بطن الحوت: إنّ هذا تسبيح دوابّ الأرض فسبح و هو في بطن الحوت فسمعت الملائكة عليهم السلام تسبيحه فقالوا: ربّنا إنّنا نسمع صوتاً ضعيفاً بأرض غربه، قال: ذاك عبدى يونس، عصاني فحبسته في بطن الحوت في البحر، قالوا: العبد الصالح الذى كان يصعد إليك منه فى كلّ يوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلك، فأمره فقذفه فى الساحل، كما قال الله: "وهو سقيم"؛

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسبیح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسبیح گفت: ملائکه تسبیح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری. پس ملائکه در

این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱

۱ - رویدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند، بر فراز یونس (ع) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی و اُنبتنا علیه شجره من یقطین

<یقطین> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۱

۱ - یونس (ع)، پس از نجات از شکم ماهی، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید.

فنبذنه بالعرء .. و أرسلنه إلی مائه ألف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت.

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

نعمتهای یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۲،۳

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع)، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد.

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعرء

۳- نعمت و لطف خداوند به یونس (ع)، موجب مذمت نشدن او گردید.

لولا أن تدرکه نعمه من

رَبِّهِ لَنُبَذَ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ مَذْمُومٌ

نفرین یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۳،۴،۵

۳ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان ، مانند شتاب کردن یونس (ع) در این باره

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

مفسران بر آنند که این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیا> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أنّ لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات...>.

۴ - شتاب کردن یونس (ع) در نفرین علیه قومش ، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر (ص)

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

۵ - یونس (ع) ، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد .

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

نفی الگوگیری از یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۴

۴ - شتاب کردن یونس (ع) در نفرین علیه قومش ، غیر قابل تحسین و الگوگیری برای پیامبر (ص)

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم

نیاکان یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۱

۱ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط، از ذریه نوح(ع) بودند.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته .. و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

هجرت

۲- یونس (ع) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد .

إذ ذهب مغضبًا

آن چه از نظر مفسران و مورخان استفاده می شود، این است که یونس(ع) از میان قومش، به خاطر ایمان نیاوردنشان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۵- گمان یونس (ع) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنَّ أن لن نقدر عليه

یکی از معنای **<قدر>**، سخت گرفتن و تنگ گرفتن(ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۶- گمان یونس (ع) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنَّ أن لن نقدر عليه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که **<قدر>** به معنای **<قضا>** و **<حکم>** باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إني كنت من الظالمين) مؤید همین برداشت است.

۷- یونس (ع) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنَّ أن لن نقدر عليه

هدایت یونس(ع)

كلاً هدينا . . . و من ذريته ... كل من الصالحين ... و

إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

یأس یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۵

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر ، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلى الفلك المشحون

فرار یونس(ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

یقین یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱

۲۱- > قال المأمون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عزوجل : > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه > فقال الرضا (ع) : ذاك يونس بن متى (ع) ذهب مغاضباً لقومه > فظن > بمعنى إستيقن > أن لن نقدر عليه > أي لن نضيق عليه رزقه ... > فنادی فی الظلمات > أي ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : > أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين > بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی ل ها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه >] در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. > ظن > در کلام خدا به معنای > إستيقن > و > لن نقدر عليه > به معنای > لن نضيق عليه رزقه > ... می باشد. > فنادی فی الظلمات > یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و

تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک انی کنت من الظالمین> یعنی، ... من از ستم کارانم زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم.>

یونس(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كَلَّا هَدِينَا .. و من ذریته ... کل من الصالحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۴،۵

۴ - یونس (ع) ، به عنایت خداوند از صالحان کامل و راستین بود .

فجعلہ من الصالحین

۵ - برگزیدگی یونس (ع) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه .. فجعله من الصالحین

یونس(ع) در بیابان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱

۱ - یونس (ع) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعرء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و <عرء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

یونس(ع) در شکم ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۱، ۱۴، ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ - گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی

، کيفر ترک خشمگينانه او از ميان قومش

ذالنون إذ ذهب مغضباً . . . فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس (ع) به درگاه الهی، پس از گرفتار آمدن در ظلمات (شکم ماهی)

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت

۱۴- روی آوردن یونس (ع) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک

۱۵- <لا إله إلا أنت سبحانک إني كنت من الظالمين>، ندا و دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم

ماهی

فنادی فی الظلمت أن لا إله إلا أنت سبحنک إني كنت من الظالمين

۲۱- <قال المأمون للرضا (ع) فأخبرني عن قول الله عزوجل : > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه < فقال

الرضا (ع) : ذاک یونس بن متی (ع) ذهب مغاضباً لقومه < فظن > بمعنى إستيقن > أن لن نقدر عليه < أي لن نضيق عليه

رزقه . . . > فنادی فی الظلمات < أي ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : > أن لا إله إلا أنت سبحانک إني كنت

من الظالمين < بترکی مثل هذه العباده التي قد فرغتنی لها فی بطن الحوت ;

در روایت آمده است که [مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خدای عزوجل > و ذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن

أن لن نقدر عليه < امام فرمود: او یونس بن متی بود،

که در حالی که بر قوم خود غضبناک بود، از میان آنان برفت. <ظَنَ > در کلام خدا به معنای <استیقن > و <لن نقدر علیه > به معنای <لن نضیق علیه رزقه > ... می باشد. <فنادی فی الظلمات >؛ یعنی، در میان سه تاریکی (تاریکی شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی) ندا کرد: <...سبحانک ائی کنت من الظالمین >؛ یعنی، ... من از ستم کارانم؛ زیرا مثل چنین عبادتی را که اکنون مرا برای آن در شکم ماهی فارغ گردانیده ای در گذشته ترک کرده بودم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۱

۱- دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن آن حضرت در تاریکی شکم ماهی ، مورد اجابت و پذیرش خدا قرار گرفت .

فنادی فی الظلمت .. فاستجبنا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۱،۳

۱ - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی بزرگ ، پس از افکنده شدن او به دریا

فالتقمه الحوت و هو ملیم

<إلتقام > (مصدر <التقم >) به معنای بلعیدن است و <حوت > هر چند در مطلق ماهی چه بزرگ باشد و چه کوچک به کار می رود؛ اما کاربرد آن در ماهی بزرگ بیشتر است و در آیه شریفه نیز به همین معنا به کار رفته است.

۳ - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی ، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود .

إذ أبق إلى الفلک .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۳ - ۱

۱ - یونس (ع) ، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت .

فلولا أنه كان من المسبّحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - یونس (ع) اگر به تسبیح خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

۲ - تسبیح مستمر یونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنه كان من المسبّحين . للبت في بطنه إلى يوم يبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۳

۳ - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی ، موجب بیماری او گردید .

فالتقمه الحوت . .. فنبتنه بالعرء و هو سقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات . . . و نبّی یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملك و

قد أرسل إلى طائفه قلاوا أو كثروا کیونس . قال الله لیونس > و أرسلناه إلى مائه ألف أو یزیدون < . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . . . و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می

شنود و فرشته را می بیند

و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون...>.

یهود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{یهود}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۲

۲ جبهه گیری یهود در برابر مسلمانان ، علی رغم مشاهده پیروزی معجزه آسای آنان در جنگ بدر

قل للذین کفروا .. قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا

بنابراینکه مقصود از <الذین کفروا>، یهود باشند؛ چنانچه در شأن نزول آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱۴، ۶

۶ عدم قبول حکمیت تورات از سوی برخی عالمان یهود ، به دنبال ارائه پیشنهاد آن از جانب پیامبر اکرم (ص)

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب .. هم معرضون

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که درباره آیه مورد بحث نقل شده است. (مجمع البیان).

۱۴ داوری پیامبر (ص) در میان یهودیان بر اساس تورات ، و عدم پذیرش حکم تورات توسط برخی از آنان

یدعون الی کتاب الله لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم

در شأن نزول آیه آمده است، پیامبر (ص) درباره زن و مردی از یهود که مرتکب زنا شده بودند؛ به استناد تورات، حکم به رجم آنان نمود که سبب خشم یهودیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۸، ۱۴

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جعل الذين اتبعوك

احتمالا مراد از پیروان عیسی

(ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود؛ چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده بود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

۱۸ خداوند، مرجع و حاکم حلّ اختلافات یهود و نصارا در قیامت

ثُمَّ الّی مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیہ تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۳

۳ عدم تبعیت یهود از حضرت عیسی (ع)، موجب عذاب سخت آنان در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذبهم عذاباً شدیداً فی الدنيا و الاخره

مصدق مورد نظر از جمله <فاما الذین کفروا>، کافران به حضرت عیسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲۰

۲۰ دعوت پیامبر (ص) از یهود برای مباحله

فقل تعالوا ندع ابناءنا

تفسیر المیزان از ابن جریر نقل می کند، آنگاه که آیه <فمن حاجک فیہ .. > نازل شد؛ پیامبر (ص) یهود را برای مباحله دعوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۲،۴

۲ محاجه یهود و نصارا درباره آیین ابراهیم (ع)

یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابرهیم

از جمله <و ما انزلت .. >، معلوم می شود محاجه و نزاع، درباره آیین ابراهیم بوده است.

۴ احتجاج یهود و نصارا با یکدیگر، در مورد انتساب و پیوند دینی خود به ابراهیم (ع) و نفی آن از طرف مقابل

يا اهل الكتاب لم

تَحَاوْنُ فِي اِبْرَاهِيمَ

<ان اولی الناس بابراہیم .. > در آیه شصت و هشتم، می رساند که از جمله احتجاجهای یهود و نصارا با یکدیگر، ادعای تبعیت و پیوند دینی خود با ابراهیم (ع) و نفی آن از دیگری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۱،۲

۱ احتجاج بحق نصارا، با یهود، درباره اثبات نبوت حضرت عیسی (ع)

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج نصارا در موردی که علم داشتند، عبارت بود از نبوت حضرت عیسی (ع) که این احتجاج، حق بوده است.

۲ احتجاج بحق یهود با نصارا، درباره عدم الوهیت عیسی (ع) و پسر خدا نبودن وی

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج یهود در موردی که علم داشتند، عبارت بود از عدم الوهیت حضرت عیسی (ع) و .. که این احتجاج، بحق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۳،۴

۳ ادعای یهودیت ابراهیم (ع)، حجت یهود بر حقانیت خویش در مقابل نصارا *

یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابرهیم .. ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً

۴ ادعای مسیحیت ابراهیم (ع)، حجت نصارا برای حقانیت خویش در مقابل یهودیان *

یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابرهیم .. ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۴،۶

۴ بیگانگی یهود و نصارا از آیین حضرت ابراهیم (ع)

(تسلیم بودن در برابر خدا)

انّ اولی الناس بابرهیم للذین اتبعوه

جمله <ان اولی .. >، تعریضی است به یهود و نصارا که چنین نیستند.

۶ سزاوارترین مردم به انتساب و پیوند دینی به حضرت ابراهیم (ع)، پیامبر (ص) و مؤمنانند نه یهود و نصارا.

ما کان ابرهیم یهودیاً و لا نصرانیاً .. انّ اولی الناس بابرهیم للذین اتبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا، محروم از هدایت، به جهت انکار آگاهانه حقایق پیامبر (ص) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی الله قوماً .. و الله لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حقایق آن حضرت، منکر حقایق وی شدند. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند.

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و الناس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۵،۷

۵ کوشش یهود در تفرقه افکنی میان مؤمنان

قل یا اهل الکتاب لم تصدّون .. من امن

برخی از مفسران بر آنند که آیه درباره یهود نازل شده است، که سعی در اختلاف افکنی بین اوس و خزرج را

داشتند. (مجمع البیان ج ۲).

۷ منحرف نشان دادن اسلام، از راه های مبارزه اهل یهود با اسلام

لم تصدّون .. تبغونها عوجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۲

۱۲ کشتار نابحق (با علم و عمد) انبیای الهی ، به دست یهود

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ

نفی هر گونه حق در کشتن انبیا دلالت می کند که یهود، با علم به نبوت آنان و بدون خطا و فراموشی، پیامبران را می کشتند. چون اگر آنان را پیامبر نمی دانستند و یا به خطا و نسیان آنان را می کشتند، <بغیر حقّ > صدق نمی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۵، ۲۳، ۱۲، ۱۰، ۵

۵ مبارزات یهود علیه اسلام و پیامبر (ص) ، به نام دین و دینداری

انّ الله عهد الینا الّا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان

چون یهود مدعی بودند با ایمان نیاوردن به پیامبر (ص)، به عهد الهی وفادار بوده و از دستورات خداوند پیروی کرده اند.

۱۰ احتجاج و استدلال پیامبر (ص) با یهود ، به تعلیم خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلم فلم قتلتموهم

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقایق آنان

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بینه > گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقایق آن آگاه

کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۲۳ تکذیب عهد خداوند با یهود در مورد ایمان نیاوردن به پیامبر (ص)، جز با ارائه قربانی که آتشی از غیب آن را بسوزاند.

انّ الله عهد الينا الا نؤمن .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

اگر ادعای یهود صحیح بود، باید پیامبر (ص) خواسته آنان را عملی می کرد، و نیز نباید از عهد، به <الذی قلم> (آنچه را گفتید) تعبیر می کرد؛ بلکه می فرمود: بالعهد الذی عهد الله علیکم. چون اگر ادعای آنان حقیقت داشت، عهدی بود الهی؛ نه گفتار آنان.

۲۵ برخورد منطقی و استدلالی قرآن در برابر اهل کتاب (یهود)

قل قد جاءکم رسل من قبلی .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ تکذیب پیامبر (ص) از سوی یهود

فان کذبوک

۲ اندوه پیامبر (ص) به جهت تکذیب آن حضرت از سوی یهود *

فان کذبوک فقد کذب رسل من قبلک

لحن آیه حکایت از اندوه پیامبر (ص) نسبت به تکذیبش دارد، و برخی جواب شرط را محذوف دانسته اند و چنین گفته اند: ان کذبوک فلا تحزن. از این رو، جمله <فقد کذب> را علت <لا تحزن> گرفته اند.

۳ دلداری خداوند به پیامبر (ص) به جهت تکذیب آن حضرت از سوی یهود

فان کذبوک فقد کذب رسل من قبلک

۵ یهودیان، در گستره رسالت پیامبر (ص)

فان کذبوک

از اینکه یهود، پیامبر (ص) را

تکذیب کردند، معلوم می شود که پیامبر (ص) آنان را نیز به پذیرش اسلام دعوت می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۵

۵- > عن ابن عباس سأل رجل رسول الله (ص) قال: رأيت قول الله: < كما أنزلنا على المقتسمين > قال: اليهود و النصارى...؛

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) سؤال کرد و گفت: نظر شما درباره سخن خداوند < كما أنزلنا على المقتسمين > چیست؟ حضرت فرمود: [مقصود از مقتسمین] یهود و نصاریست.

آثار اختلاف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۳

۳- اختلاف یهود در تعیین روز تعطیلی ، عامل معین شدن روز شنبه برای آنان

إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه

برداشت فوق بنابراین نکته است که <جعل السبت> معلول و پیامد <اختلفوا فيه> باشد و ضمیر <فيه> به معنای لغوی سبت که روز تعطیل است باز گردد و نه به معنای اصطلاحی آن که روز شنبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید یهود از سوی خداوند ، به خاطر اختلاف های مغرضانه و جاه طلبانه آنان در امر رسالت پیامبر اکرم (ص) *

بينت من الأمر... إن ربك يقضى بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

آثار اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۴

ایمان به پیامبر (ص) و قرآن و پرهیز از گناهان (سحر، بی‌اعتنایی به کتاب‌های آسمانی و...) از پاداش‌های الهی بهره‌مند می‌شدند.

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمتوبه...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیبا> (همانا پاداش داده می‌شدند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۵

۵ - یهود و نصارا، در صورتی که تسلیم خدا شوند (اسلام را بپذیرند) و کارهای نیک انجام دهند، اهل بهشت خواهند بود.

قالوا لن یدخل الجنة إلا من كان هوذاً .. بلی من أسلم ... فله أجره

آثار ایمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۲

۲ - ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح، شرط دور ماندن مسلمانان، یهودیان، نصارا و صابثان از هرگونه ترس و اندوه

إن الذین ءامنوا .. و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

تکرار <ایمان> در <ان الذین آمنوا> و <من آمن> حکایت از آن دارد که: مراد از ایمان در جمله <من آمن> ایمان واقعی و راستین است نه ایمان صوری و اسمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل

و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ كَفَرْتُمْ بِهِ وَ شَهِدَ شَهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

آثار پیروی از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۹

۹ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به محروم کردن از یاری و حفاظت خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولي ولاواق

<ولِي> به معنای یاور و <واق> اسم فاعل از <وقایه> به معنای نگهدارنده است. <من الله> می تواند متعلق به محذوف و حال برای <ولِي> و <واق> باشد. بر این مبنا جمله <مالک ...> چنین معنا می شود: برای تو از جانب خداوند هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود ؛ یعنی، امدادهای خداوند به تو نخواهد رسید.

آثار تبعیت از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۶

۱۶ - خداوند به پیامبر (ص) هشدار داد که در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا ، از زمره ستمگران خواهد شد .

لئن اتبعت أهواءهم .. إنك إذا لمن الظلمين

آثار تقوای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر (ص)

(و قرآن و پرهیز از گناهان (سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و ...) از پاداش های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمتوبه...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیبا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

آثار حسد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل الله بغیاً أن ینزل الله من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است / برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

وَدّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد ایمنکم کفاراً حسداً

<حسداً> مفعولٌ له برای <وَدّ کثیراً..> می باشد / یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

آثار دشمنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و

نصارا به قرآن و معارف اسلام، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

آثار دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶، ۱۲

۱۲ روابط دوستانه گروهی از مسلمانان عصر پیامبر (ص)، با یهود و نصارا، موجب تباهی اعمال نیک گذشته آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

۱۶ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

بدان احتمال که مراد از <اعملهم> تلاشهایی است که بیمار دلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند / بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ دوستی با کافران (یهود، نصارا و ...)، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفرازی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۵

۵ - برقراری رابطه دوستی منافقان با یهودیان، مصداق بارز زشت کاری آنان و سبب دچار شدنشان به عذاب سخت الهی

الم تر إلى الذین تولّوا قومًا .. إنهم ساء ما كانوا یعملون

آثار طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود ،

زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم .. طغیاناً و کفراً و القینا بینهم العدو و البغضاء

آثار ظلم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۴

۴- تحریم برخی از حلال ها بر یهود ، کیفر و بازتاب عملکرد ظالمانه خود آنان بود نه برخاسته از ستم الهی .

و علی الذین هادوا حرمنا .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسم یظلمون

آثار فسق یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۷

۷- فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصدق روشن برای <الفاسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

آثار کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۶

۶- قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت <بیل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بیل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم>

الله... < بیان می دارد حجابِ قلبِ یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی
- که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم .. طغیاناً و کفراً و القینا بینهم العدو و البغضاء

آثار نژاد پرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ - قوم گرایی و نژاد پرستی یهود، از عوامل کفر ورزی آنان به قرآن

قالوا تؤمن بما أنزل علينا و یکفرون بما وراءه

آثار یأس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

آخرت فروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸

۴۸ - ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشترى ماله في الآخرة من خلق و لبئس ما شروا به أنفسهم لو كانوا يعلم

کسی که بداند با دستیابی به منافی نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا ..) ولی در عین حال به زیانباری این

داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو کانوا یعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

آرزوهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۷

۷ - پیروزی بر کافران در پرتو قرآن و بعثت پیامبر (ص) ، آرمان یهودیان پیش از بعثت

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

از معانی <فتح> نصرت و پیروزی است. <استفتاح> به معنای طلب پیروزی است. آمدن فعل مضارع (یستفتحون) قرین <کان> و مانند آن دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد. ارتباط جمله <و کانوا...> با قبل و بعد اقتضا می کند که: این پیروزی طلبی در ارتباط با نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) مطرح باشد. بنابراین <و کانوا...> یعنی، یهودیان پیش از بعثت از زمانهایی دور در انتظار نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) بودند تا در سایه آن بر کافران پیروز شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۳

۳ - آرزوی یهود و نصارا برای مرتد ساختن مسلمانان صدر اسلام آرزویی خام و تلاش آنان در این زمینه ، تلاشی ناموفق بود

وَدَّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم

به کارگیری فعل ماضی <وَدَّ> (دوست داشتند) به جای فعل مضارع

(دوست می دارند) اشاره به این نکته دارد که: تلاش آنان بی ثمر است، به گونه ای که باید علاقه و تلاش آنان را سپری شده دانست.

آسایش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۴

۴ خداوند امت های یهود را گاهی با اعطای نعمت ها و آسایش ها و زمانی با گرفتار ساختن به سختی ها و ناخوشایندی ها آزمود .

و بلونهم بالحسنت و السيئات

مراد از ضمیر مفعولی در <بلوناهم> می تواند همه یهود، صالحان و ناصالحان، باشد و می تواند مراد از آن تنها ناصالحان ایشان باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

آگاهی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - عالمان یهود در عصر پیامبر (ص) ، به الهی بودن قرآن آگاهی کامل داشتند .

و هم يعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول <يعلمون> به قرینه <يسمعون كلام الله> الهی بودن کلامی باشد که برای آنان قراءت می شده است؛ یعنی: <و هم يعلمون ان الذی يسمعونه كلام الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون انه منزل من ربك بالحق

آگاهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۵

۵ - یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث

شدن پیامبر (ص) آگاهی داشتند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۹، ۴۱

۴۱ - یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد ، به آموزش آن پرداختند .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

<خلاق> به معنای بهره وافر و نصیب نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زائیده، دلالت بر قلت دارد و ظاهر آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

۴۹ - یهودیان ساحر ، علی رغم اطمینانشان به محروم بودن از سرای آخرت ، محرومیت خویش را انکار می کردند .

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

تأکید جمله با لام قسم (لقد) و نیز لام تأکید (لمن) گویای این است که: یهودیان ساحر، حقیقتی را که بدان علم داشتند، مورد انکار قرار می دادند؛ زیرا تأکید جمله غالباً در مواردی است که مضمون آن مورد انکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۷، ۱۶

۱۶ یهودیان ، آگاه به حرمت انتساب امور ناحق به خداوند بودند .

و درسوا ما فیه

هدف از بیان این حقیقت که یهودیان، تورات را همواره می خواندند، رساندن این معناست که آنان به محتوای تورات آگاهی کامل داشتند.

۱۷ یهودیان با مطالعه مکرر تورات به معارف و احکام آن آگاهی داشتند .

درسوا ما فیه

<درس> تکرار کردن چیزی است و <درس الكتاب> هنگامی گفته می شود که خواندن تکرار شود. (مجمع البيان).

آگاهی یهود به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ - از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: > هذه الآية نزلت في اليهود و النصارى يقول الله تبارك و تعالی > الذين آتيناهم الكتاب < یعنی التوراه و الأنجيل - يعرفونه - یعنی رسول الله كما يعرفون أبناءهم لان الله عز و جل قد أنزل عليهم في التوراه و الزبور و الأنجيل صفه محمد و صفه اصحابه و مبعثه و هجرته ... >

آیه فوق، درباره یهود و نصارا نازل شده است و آنان کسانی بودند که تورات و انجیل به آنان داده شده بود و رسول خدا(ص) را مانند فرزندان خود می شناختند؛ چون خداوند در تورات، زبور و انجیل صفات رسول خدا و اصحابش و بعثت و هجرت آن حضرت را نازل کرده بود ... <.

آگاهی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ یهودیان عصر بعثت آگاه به تجاوزگری همدینان یهودی خویش در ایله و سرگذشت شوم آنان

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضره البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر (ص) از سرگذشت موسی (ع) و فرعون

فسئل بنی إسرئیل إذ جاءهم فقال له فرعون

آلودگی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۱۵،۱۶

(یهود) مبنی بر پیراستگی خویش از آلودگی و انحراف

الم تر الی الذین یزکون انفسهم

تزکیه به معنای برطرف کردن رذایل و بدیها است و گاهی در انتساب پاکی و طهارت معنوی نیز به کار برده می شود. یعنی پاک شمردن و منزّه دانستن. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است. گفتنی است با توجه به آیات پیشین و نیز آیات بعدی به دست می آید که مراد از <الذین یزکون> یهود و یا گروهی از آنان است.

۵ خداوند نخواست است که یهودیان کفرپیشه ، از آلودگی ها پیراسته گردند و تزکیه شوند .

یزکون انفسهم بل الله یزکی من یشاء

۱۶ یهود و نصارا ، مدعی پیراستگی خویش از آلودگی و انحراف

الم تر الی الذین یزکون انفسهم

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: انهم الیهود و النصاری.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۲۲۰ / نورالثقلین، ج ۱، ۴۸۹، ح ۲۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۷

۷ افترای یهود بر خداوند دلیل آلودگی آنان و پیراسته نبودنشان از انحراف

الم تر . . انظر کیف یفترون علی الله الکذب

جمله <انظر کیف> می تواند دلیلی باشد بر اثبات عدم تزکیه یهودیان که در آیه قبل مطرح شده است.

آمرزش گناه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۷۸،۱۱

۷ دنیاگرایان یهود بر این باور بودند که خداوند گناهان آنان را ، حتی بدون توبه ، خواهد آمرزید .

و يقولون سيغفر لنا و إن يأتهم عرض مثله يأخذوه

جمله <و إن يأتهم عرض ... > حاكي

از این است که گنهکاران یهود در عین آمادگی برای حرامخواری مجدد، خود را مورد عفو و مغفرت خداوند می پنداشتند. یعنی هرگز از عمل گذشته پشیمان نبودند تا توبه کنند.

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند

يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا

۱۱ ادعای آمرزش گناه یهودیان بدون توبه، از نسبت های دروغین دنیاگرایان یهود به خداوند

و يَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا... أَلَمْ يَأْخُذْ عَلَيْهِمْ... أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ

ابتلای یهود عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۲

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجر آور و تحت شکنجه دیگران، به همگان اعلام کرد.

وَ إِذْ تَأْذَنُ رَبِّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

ابراهیم(ع) و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۴،۵،۶

۴ بیگانگی یهود و نصارا از آیین حضرت ابراهیم (ع) (تسلیم بودن در برابر خدا)

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

جمله <ان اولی...>، تعریضی است به یهود و نصارا که چنین نیستند.

۵ یهود و نصارا هر یک مدعی انتساب و پیوند دینی با ابراهیم (ع) بودند.

يا اهل الكتاب لم تحاجون في ابراهيم.. ان اولی الناس بابراهيم للذین اتبعوه

۶ سزاوارترین مردم به انتساب و پیوند دینی به حضرت ابراهیم (ع

(، پیامبر (ص) و مؤمنانند نه یهود و نصارا .

ما کان ابرهیم یهودیاً و لا نصرانیاً .. انّ اولی الناس بابرهیم للذین اتبعوه

اتحاد منافقان مدینه با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۶

۶ - منافقان مدینه ، در جبهه بندی سیاسی ، در جبهه یهود بودند .

و القائلین لإخوانهم

بنابراین احتمال که مراد از <القائلین> یهود و مرجع ضمیر در <إخوانهم> منافقان باشد، معلوم می شود که منافقان، در جبهه یهود و برادران سیاسی آنان بودند.

اتحاد یهود و مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۲

۲ - توافق و اتحاد یهود و نصارای عصر بعثت علیه مسلمانان ، علی رغم اختلافات شدید ایشان با یکدیگر

و قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا

هدف از <لَفَّ اجمالی> در آیه و بیان دو جمله در یک کلام، رساندن اتحاد و توافق یهود و نصارا علیه مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۳

۳ - یهود و نصارا - علی رغم داشتن اختلاف های اساسی با یکدیگر - بر ضد اسلام و مسلمانان همسو و هم آوا هستند .

أم تقولون إن إبراهیم .. کانوا هوداً أو نصری

روشن است که یهودیان اظهار نمی داشتند که ابراهیم و .. نصرانی بودند و همچنین نصارا نمی گفتند که ابراهیم و ... یهودی بودند. بنابراین آوردن <لَفَّ اجمالی> و بیان نکردن عقیده هر کدام به صورت تفصیلی، حاوی این نکته است که: آنان -

علی رغم اختلافاتشان - بر ضد اسلام و مسلمین هم آوا و همسو هستند.

اتمام حجت با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن .. منفکین حتی تأتیم البینه

اجتناب یهود از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

احتجاج محمد(ص) با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۴

۲۴ پیامبر(ص) موظف به ترک مباحثه و احتجاج با یهود، بیش از مقدار بیان شده در این آیات بوده است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

آیه مورد بحث خود در مقام احتجاج با یهود است و جمله ذیل آیه (ثم ذرهم)، دستور به ترک احتجاج می دهد. مقتضای جمع بین این دو فراز، آن است که احتجاج باید در حد مذکور باشد و بیش از آن نباید به آن پرداخته شود.

احتجاج یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۲،۴

۲ - محاجه يهود و نصارا درباره آيين

ابراهیم (ع)

یا اهل الكتاب لم تحاجون فی ابرهیم

از جمله <و ما انزلت .. >، معلوم می شود محاجّه و نزاع، درباره آیین ابراهیم بوده است.

۴ احتجاج یهود و نصارا با یکدیگر، در مورد انتساب و پیوند دینی خود به ابراهیم (ع) و نفی آن از طرف مقابل

یا اهل الكتاب لم تحاجون فی ابرهیم

<ان اولی الناس بابرهیم .. > در آیه شصت و هشتم، می رساند که از جمله احتجاجهای یهود و نصارا با یکدیگر، ادّعی تبعیت و پیوند دینی خود با ابراهیم (ع) و نفی آن از دیگری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۱،۲

۱ احتجاج بحقّ نصارا، با یهود، درباره اثبات نبوّت حضرت عیسی (ع)

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج نصارا در موردی که علم داشتند، عبارت بود از نبوّت حضرت عیسی (ع) که این احتجاج، حق بوده است.

۲ احتجاج بحقّ یهود با نصارا، درباره عدم الوهیت عیسی (ع) و پسر خدا نبودن وی

حاججتم فیما لکم به علم

احتجاج یهود در موردی که علم داشتند، عبارت بود از عدم الوهیت حضرت عیسی (ع) و .. که این احتجاج، بحق بوده است.

احکام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ دریافت فدیة از اسیران همکیش برای آزادی آنان، از محرّمات آیین یهود

و إن یأتوکم أسری فغدوهم

اختلاف يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - نساء - ٤ - ١٥٧

۸ اختلاف یهود، در اصل رخداد قتل و به دار آویخته شدن عیسی (ع)

إِنَّ الَّذِينَ اختلفوا فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۲،۵

۲- قانون تعطیلی روز شنبه حکمی علیه یهودیان، به جرم اختلافشان درباره دین توحیدی ابراهیم (ع) بود.

إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه

آیه شریفه، پاسخی است از این سؤال که: در دین ابراهیم(ع) و ادیان پس از آن حضرت، روز جمعه به عنوان روز تعطیل تعیین شده بود، پس چرا در دین یهود روز شنبه اعلان شد؟ پاسخ این است که: این حکم مختص به یهودیان بود که به جرم اختلافشان در دین ابراهیم(ع) وضع گردید. گفتنی است ضمیر <فیه> به حضرت ابراهیم(ع) با تقدیر مضاف، یعنی، ملته باز می گردد.

۵- خداوند در قیامت، نسبت به اختلافات و انحرافات یهود، داوری خواهد کرد.

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبر اکرم (ص) اختلافی ریشه دار و دیرپا *

و ءاتينهم بينت من الأمر .. فيما كانوا فيه يختلفون

در صورتی که <الأمر> اشاره به رسالت پیامبر اکرم(ص) داشته باشد، اختلاف مستمری که از <کانوا فيه يختلفون> استفاده می شود، ریشه دار بودن اختلافات آنان را درباره رسالت پیامبر اکرم(ص) می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۸

های سخت میان خویش

بأسهم بینهم شدید تحسبهم جميعاً و قلوبهم شتى

برداشت یاد شده در صورتی است که ضمائر به یهودیان بازگردد و بأس اشاره به عداوت و دشمنی داشته باشد.

اختلاف یهود با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۸

۸ - تورات و انجیل ، راهگشای حل اختلاف مذهبی یهود و نصارا

قالت الیهود .. و قالت النصری ... و هم یتلون الکتب

جمله حالیه < و هم یتلون الکتب > می تواند به داعی تعجب ایراد شده باشد؛ یعنی، باعث شگفتی است که یهود و نصارا کتابهای آسمانی را می خوانند، ولی در عین حال این گونه اختلاف دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۲

۲ - توافق و اتحاد یهود و نصارای عصر بعثت علیه مسلمانان ، علی رغم اختلافات شدید ایشان با یکدیگر

و قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا

هدف از < لَفَّ اجمالی > در آیه و بیان دو جمله در یک کلام، رساندن اتحاد و توافق یهود و نصارا علیه مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۳

۳ - یهود و نصارا - علی رغم داشتن اختلاف های اساسی با یکدیگر - بر ضد اسلام و مسلمانان همسو و هم آوا هستند .

أم تقولون إن إبراهیم .. کانوا هوداً أو نصری

روشن است که یهودیان اظهار نمی داشتند که ابراهیم و .. نصرانی بودند و همچنین نصارا نمی گفتند که ابراهیم و ... یهودی بودند. بنابراین آوردن < لَفَّ اجمالی > و بیان نکردن عقیده

هر کدام به صورت تفصیلی، حاوی این نکته است که: آنان - علی رغم اختلافاتشان - بر ضد اسلام و مسلمین هم آوا و همسو هستند.

اختلاف یهود دوران عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۷

۷- ربوبیت الهی ، محور اصلی اختلافات یهودیان در عصر عیسی (ع)

الذی تختلفون فیہ .. . إِنَّ اللّٰهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ فاعبدوه

از ارتباط این آیه با آیه قبل، به دست می آید که آنچه مورد اختلاف یهودیان بوده است، مسأله ربوبیت الهی می باشد.

اختلافات دینی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۵

۵- یهودیان ، گرفتار اختلافات پردامنه مذهبی در عصر بعثت عیسی (ع)

لَأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ

اختلافات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۸

۱۸ خداوند ، مرجع و حاکم حلّ اختلافات یهود و نصارا در قیامت

ثُمَّ الّٰی مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُم بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلَفُونَ

اخراج یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، یهود بنی قریظه را از قلعه های مستحکم خود بیرون کشید تا در دسترس مسلمانان مدینه قرار گیرند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب من صیاصیهم .. فریقاً تقتلون

<صیاصی> جمع <صیصیه> است و <صیصیه> به دژ و قلعه و هر آنچه را که بتوان در پناه آن خود را حفظ کرد، گفته می شود (مفردات راغب).

- توان مندی و شکست ناپذیری خداوند ، یهودیان را از قلعه های مستحکم خویش ، فرود آورد .

و كان الله قويًا عزيزًا . و أنزل الذين ظهروا من أهل الكتب من صياصيهم

۷- چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذين ظهروهم .. و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

اخلالگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۳،۴

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر (ص) و اخلالگری آنان در راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلالگری تعبیر شد.

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلالگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتینا ال ابرهیم .. و منهم من صدّ عنه

ادعاهای علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۸

۸ تناقض آشکار میان ادعای اهل

کتاب (عالمان یهود) و عمل آنان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

خداوند از یکسو یهودیان را به دارا بودن کتاب آسمانی که طبعاً کتاب توحید است توصیف کرده و از سوی دیگر شرک آنان را گوشزد کرده تا تناقض در ادعا و عمل یهودیان را به خود آنان و به مسلمانان تفهیم کند.

ادعاهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - یهودیان ، مدعی دارا بودن قلب و اندیشه ای نفوذناپذیر در برابر افکار و عقاید نادرست

قالوا قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که مراد یهودیان از <حجاب داشتن قلبهایشان> متأثر نشدن از سخنان ناصحیح باشد؛ چنانچه هر غلافی مانع از آن است که چیز ناصوابی به آنچه در غلاف است در آید و بدان ضربه زند. گفتنی است که کلمه <بل> در این صورت نفی همین ادعاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۶،۷

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت

۷ - ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱۰

به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کتتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۵

۵ - اتهام یهود و نصارا علیه یکدیگر (بی پایه و اساس خواندن آیین طرف مقابل) مخالف با کتاب آسمانی خود آنان است .

و قالت الیهود . . . و هم یتلون الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱

۱ - توصیه یعقوب (ع) بر ملازمت فرزندانش بر آیین یهودیت ، از ادعاهای دروغین یهود

أم کتتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه یهودیان است. بنابراین <أم کتتم شهداء...> یعنی، شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندانش را به پایداری در آیین یهود سفارش کرد؟)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۱۶، ۱۴

۱ ادعای گروهی از اهل کتاب (یهود) مبنی بر پیراستگی خویش از آلودگی و انحراف

الم تر الی الذین یرکون انفسهم

تزکیه به معنای برطرف کردن رذایل و بدیها است و گاهی در انتساب پاکی و طهارت معنوی نیز به کار برده می شود. یعنی پاک شمردن و منزّه دانستن. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است. گفتنی است با توجه به آیات پیشین و نیز آیات بعدی به دست می آید که مراد از <الذین یرکون> یهود

و یا گروهی از آنان است.

۴ یهودیان عصر پیامبر (ص) علی رغم ادعایشان هرگز منزّه نبودند و نزد خدا منزلتی نداشتند.

الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

۱۶ یهود و نصارا، مدعی پیراستگی خویش از آلودگی و انحراف

الم تر الى الذين يزكون انفسهم

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: انهم اليهود و النصاری.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۲۲۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ۴۸۹، ح ۲۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۶

۶ ادعای یهود مبنی بر پاک و پیراستگی خویش در پیشگاه خداوند، افترا بر اوست.

الم تر الى الذين يزكون .. انظر كيف يفترون على الله الكذب

ادعای پاکی و رشدیافتگی یهود می تواند از مصادیق مورد نظر از افترا بر خدا باشد. چون مدعی بودند که این پیراستگی را خداوند به آنها داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۷، ۱۷

۷ یهود، با ادعای دانش وافر، خود را از تعالیم انبیا بی نیاز می پنداشتند.

و قولهم قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که <غلف> جمع غلاف به معنای ظرف باشد. بر این مبنا، مقصود یهود از جمله <قلوبنا غلف> این است که دلهایشان آکنده از دانش است و نیازی به تعالیم انبیا ندارند.

۱۷ یهود، مدعی جبر و قدرت بر ایمان *

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم

بدان احتمال که منظور یهود از <قلوبنا غلف> نسبت دادن حالت کفر خویش به

عوامل غیر اختیاری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۱۴، ۱۰، ۶، ۴

۱ یهود، مدعی کشتن حضرت مسیح (ع)

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

۶ یهود بر خلاف پندارشان حضرت عیسی (ع) را نکشتند و به دار نیز نیاویختند.

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم .. و ما قتلوه و ما صلبوه

۱۰ ادعای یهود در مورد کشته شدن حضرت عیسی (ع)، بر پایه گمان بود، نه علم و یقین.

إن الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن

۱۴ پندار غلط و خلافگویی یهود، در مورد تولد و مرگ حضرت عیسی (ع)

قولهم على مريم بهتناً عظيماً. و قولهم إنا قتلنا المسيح ... ما لهم به من علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳

۳ بسته بودن دست خداوند، از گفتارهای ناروا و گناه آلود بسیاری از یهودیان

عن قولهم الاثم .. و قالت اليهود يدالله مغلولة

<وقالت اليهود ..>، می تواند بیان مصداقی برای <قولهم الاثم> در آیه قبل باشد و به قرینه آیه ۶۲ این سخن، گفته تمامی

یهودیان نبوده

و گروهی از آنان همچون ربانیون و احبار چنین گفتاری نداشته و لذا در برداشت فوق به همه آنان نسبت داده نشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء... و من أظلم ممن افترى على

ارتداد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۳

۳ یهود، مرتدانی که با انکار عیسی (ع) کافر شدند و با انکار حضرت محمد (ص)، بر کفر خویش افزودند.

لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم سبيلا

در شأن نزول آمده که مقصود آیه، یهودیان هستند که به حضرت موسی (ع) ایمان آوردند و سپس با گوساله پرستی کافر شدند و پس از مراجعه ی آن حضرت (ع) از طور، دوباره مؤمن شدند. تا آنگاه که به حضرت عیسی (ع) کفر ورزیدند و با انکار رسول الله (ص)، بر کفر خویش افزودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۸

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البينات فعفونا عن ذلك

ارزش دنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۴

۴ دنبه و پیه گاو و گوسفند از نظر غذایی برای یهودیان ارزش فراوانی داشت.

الذین هادوا .. حرماً علیهم شحومهما ... ذلک جزینهم بیغیهم

چون تحریم پیه و دنبه بر یهودیان به عنوان مجازاتی در برابر ظلم و تجاوز آنها مطرح شده، طبیعتاً چیزهایی مرغوب و مورد پسند و نیاز آنها بوده تا عنوان مجازات لغو و بی اثر نباشد.

اسارت یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به اسارت سپاه مسلمانان در آمدند .

و تأسرون فریقاً

استفاده یهود از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبیث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

استکبار علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود .. و انهم لایستکبرون

استکبار یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۴، ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . . . و انهم لایستکبرون

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . . . و

انهم لا يستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

استهزاهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱

۱ - کلمه < راعنا > دستاویز یهودیان برای اهانت به پیامبر (ص) و استهزای آن حضرت

لا تقولوا راعنا و قولوا انظرونا

مسلمانان در ضمن سخن گفتن پیامبر(ص) گاهی از آن حضرت تقاضا می کردند که مهلت دهد تا سخنان پیشین وی را درک کنند. برای درخواست مهلت، کلمه < راعنا > (فرصتمان ده) را به کار می بردند. یهودیان با اندک تحریفی در این کلمه، معنایی ناروا از آن قصد کردند و در خطاب به پیامبر (ص) به کار می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۹

۹ استهزای یهود و مشرکان به آیات الهی و شرکت منافقان در جمع آنان

إذا سمعتم آيات الله يكفر بها ويستهزأ بها فلا تقعدوا معهم

ابن عباس در شأن نزول آیه گفته است: منافقان، در مجالسی که از سوی یهود ترتیب می یافت و قرآن مورد تمسخر قرار می گرفت، شرکت می کردند و سدی گفته است: مشرکان آنگاه که با

مسلمانان در یک مجلس می نشستند، قرآن را استهزا می کردند و به رسول خدا(ص) دشنام می دادند.

مجمع البيان، ذیل آیه: الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۳

۳ استهزای یهود نسبت به پیامبری حضرت عیسی (ع) *

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

برداشت فوق مبتنی بر این است که <رسول الله> گفتار یهودیان باشد، بر این اساس به نظر می رسد اقرار آنان به رسالت عیسی(ع) به منظور تمسخر بوده است.

استهزای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۲

۲ فرمان خداوند به انفاق و بخشش ، مورد تمسخر و استهزای یهودیان

الَّذِينَ يَخْلُونَ .. لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ

نقل کلام یهودیان (انّ الله فقیر ..)، پس از ترغیب آنان به انفاق و تهدید بخیلان، بیانگر این نکته است که یهودیان، امر خداوند مبنی بر انفاق را به تمسخر گرفته و چنین شایع کردند که خدای محمد(ص)، فقیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۲، ۱۴، ۱۰

۱۰ استهزای یهود نسبت به پیامبر (ص) و اسلام

من الذين هادوا .. يقولون سمعنا و عصينا و اسمع غير مسمع و راعنا لئلا بالستهم

۱۴ به کارگیری کلمات دو پهلو و چند معنی ، شیوه برخی از یهودیان برای استهزای پیامبر (ص) و طعن بر اسلام

واسمع غير مسمع .. راعنا لئياً بالسنتهم و طعنأ

کلمه <مسمع>، از مصدر اسماع، دارای دو معنای متضاد است: یکی شنیدن و فهمیدن و دیگری دشنام دادن و ناسزا گفتن. و جمله راعنا با اندکی انحراف زبان می تواند معنای <چوبان ما> را به ذهن شنونده القا کند.

۲۲ تحریفگری، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص)، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرفون .. سمعنا و عصینا ... لعنهم الله بکفرهم

اسلام و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۴، ۵

۳ نگرانی علمای یهود، از افشای توطئه آنان علیه اسلام

و قالت طائفه من اهل الكتاب .. و لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم

نهی عالمان یهود از اعتماد به غیر همکیشان، پس از طرح توطئه علیه مسلمانان، بیانگر نگرانی آنان از افشای توطئه می باشد.

۴ نهی علمای یهود پیروان خویش را از بازگویی توطئه شان علیه اسلام، مگر در میان همکیشان خود

و قالت طائفه .. امنوا بالذی ... و لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم

۵ نگرانی علمای یهود، از گرایش پیروانشان به اسلام

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم

(بنابراینکه ایمان، به معنای گرایش باشد).

اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۶

۶ - توافق های سطحی با یهود و نصارا، در گرایش آنان به اسلام مؤثر نیست.

و لن ترضى عنك اليهود و لا النصرى حتى تتبع ملتهم

اضلال علمای يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ -

۹ تصمیم عالمان یهود بر گمراه کردن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۳

۳ تحریف و تفسیر ناصواب گفته ها ، از روش های عالمان یهود برای گمراه ساختن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل . . . من الذین هادوا یحزفون الکلم

هدف از تحریف و تفسیر ناصواب سخنان از سوی عالمان یهود، به دلیل <ان تضلوا>، گمراه ساختن مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۷

۷ بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) عوامل انحراف مردم و بازدارنده آنان از راه خدا بودند .

إن كثيراً من الأَحبار و الرهبان . . . و یصدون عن سبیل اللّٰه

اضلال یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الی الذین . . . ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ یهود عامل انحراف بسیاری از مردمان و مانع آنان از پیوستن به راه خدا

و بصدّهم عن سبیل اللّٰه کثیراً

بدان احتمال که <کثیراً>، مفعول به به <صدّهم> باشد، یعنی <بصدّهم کثیراً من الناس عن سبیل اللّٰه>، گفتنی است که در این صورت کلمه <صدّ> متعدی و به معنای

بازداشتن خواهد بود.

اطاعت از علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۱،۱۵

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون...>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر، مردمی دروغ پرداز، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱

۱ تسلیم و اطاعت بی چون و چرای یهود و نصارا در برابر احبار و راهبان (پیشوایان دینی) خویش

اتخذوا احبارهم و رهبنهم ارباباً

<اتخاذ رب> کنایه از تسلیم و اطاعت بی چون و چراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۴

کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهنهم أرباباً .. یريدون أن يطفئوا نور الله بأفوههم

اظهار ضعف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۸

۸ - مایوس کردن پیامبر (ص) ، انگیزه یهودیان در اظهار ناتوانی خویش از درک معارف اسلام

قالوا قلوبنا غلف

انسانها معمولاً به قصور خویش در فهم و درک باور ندارند. بنابراین اعتراف یهودیان به درک نکردن و نفهمیدن، می تواند به منظور مایوس کردن پیامبر(ص) باشد تا از اصرار بر دعوت ایشان به اسلام منصرف شود.

اعتراض یهود به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، معترض به خداوند به خاطر گزینش رسول اکرم (ص) به پیامبری و نازل کردن وحی بر آن حضرت

بغياً أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

از اینکه قرآن در بیان ریشه حسادت یهود (آن ينزل ..) به دو چیز اشاره کرده است (پیامبری رسول اکرم (ص) و اینکه خدا این مقام را به او عطا کرده) می توان چنین نتیجه گرفت که یهودیان علاوه بر حسادتشان بر رسول اکرم(ص) به خداوند نیز به سبب اعطای این مقام، معترض بودند.

اعراض از ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱

۱ ضرورت پرهیز مسلمانان از پذیرش ولایت و حاکمیت یهود و نصارا

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى اولياء

يكي از معانى

ولایت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحيط)، بنابراین <ولی> می تواند به معنای امیر و حاکم باشد.

اعراض از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۵

۱۵ - پیامبر (ص) موظف به پرهیز از پیروی یهود و نصارا و ردّ آرای نفسانی ایشان

و لئن اتبعت اهواءهم .. إنک إذا لمن الظلمین

اعراض یهود از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۳

۳ - خداوند، مسلمانان را از ایمان نیاوردن بنی اسرائیل و طایفه یهود آگاه ساخت.

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم

همزه استفهام در <أفتطمعون> استفهام انکار توییخی یا تعجیبی است و در هر صورت دلالت بر این دارد که: جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام و قرآن ایمان نخواهند آورد.

اغواگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۰

۱۰ یهود، ظالمانی منحرف و بسیار اغواگر

فبظلم من الذین هادوا حرمنا .. و بصدّهم عن سبیل الله کثیراً

افتراهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ - بیشتر از چند روز نبودن عذاب قیامت برای یهودیان گنهکار ، از نسبت های دروغین یهود به خداوند

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة . . أم تقولون على الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۲

۲ - داشتن زاده و اختیار کردن فرزند ، از نسبت های ناروای

یهود، نصارا و مشرکان به خداوند

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

مراد از ضمیر در <قالوا> - به قرینه آیه ۱۱۳ - یهود، نصارا و مشرکان است. یهود <عزیر> و نصارا <مسیح(ع)> را فرزند خدا می پنداشتند و مشرکان نیز فرشتگان را فرزند او می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱۸

۱۸ پاک بودن دامن حضرت مریم (ع) از تهمت های ناروای یهودیان

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و كلمته القاها إلى مریم و روح منه

جملات <انما المسيح .. روح منه> علاوه بر اینکه رد عقیده غلوآمیز مسیحیان درباره حضرت عیسی(ع) است، می تواند اشاره به ناروایی اتهام یهودیان نسبت به مریم(ع) نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ توبیخ یهود و نصارا از جانب خداوند ، به خاطر ادعای دروغین فرزند بودن عزیر و مسیح برای خدا

و قالت اليهود عزیر ابن الله .. أنى يؤفكون

افساد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به یهود نسبت به فرجام شوم ستیزه جویی با پیامبر (ص) و فسادانگیزی در زمین

من اجل ذلك كتبنا على بنی اسرئیل .. انما جزؤا الذين يحاربون

چون در آیه پیش روی سخن با بنی اسرائیل بود، این آیه می تواند تعریض به اهداف و اعمال آنان در برابر پیامبر(ص) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۲۸ یهودیان ، همواره در تلاش آتش افروزی و فتنه گری برای به راه انداختن جنگ علیه مسلمانان

كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

<ایقاد نار> که به معنای آتش افروزی است، می تواند کنایه از مکرها و شیطنت هایی باشد که یهودیان به وسیله آن مردم خویش و یا دیگر طوایف را علیه مسلمانان می شوراندند.

۲۹ ناکامی همواره یهود در آتش افروزی های خویش علیه مسلمانان

كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

۳۰ خداوند ، فرو نشاننده آتش هر جنگی که یهودیان علیه مسلمانان بر افروزند .

كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود ، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدوه و البغضاء .. كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

بدان احتمال که جمله <كلما اوقدوا ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد ؛ وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

۳۵ تلاش مستمر یهود برای ایجاد فساد و تباهی در زمین

و یسعون فی الارض فساداً

فعل مضارع <یسعون> حاکی از تلاش پیگیر و مستمر است.

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً .. و یسعون فی الارض فساداً

۳۸ مفسده جویی یهود ، عامل محرومیت آنان از محبت خداوند

و یسعون فی الارض فساداً و الله لایحب المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۵

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی

با رسول خدا (ص)، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه

اقرار عوام يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱

۱ - عوام، يهود در حضور مسلمانان به حقانيت پيامبر اسلام (ص) و انطباق نشانه های پيامبر موعود، بر آن حضرت اعتراف می کردند.

و إذا لقوا الذين ءامنوا قالوا ءامنوا ءامننا .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

جمله <أتحدثونهم ..> چرا حقايقی که خدا در اختيار شما نهاده به مسلمانان باز می گوئيد؟ <دلالت بر اين دارد که مراد از <آمننا> بيان ويژگيهای پيامبر موعود در تورات و تطبيق آن با رسول اکرم(ص) است. بنابراین <آمننا>؛ يعنى، ما تصديق می کنيم که محمد(ص) همان پيامبر موعود است و ويژگيهای بيان شده بر او تطبيق می کند.

اقرار يهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۲

۲ - يهوديان عصر بعثت، بر ناتوانی خویش از درک معارف اسلام معترف بودند.

و قالوا قلوبنا غلف

کلمه <قالوا> دلالت بر اعتراف دارد.

اقلیت يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۴

۲۴ يهوديان، جز اندکی از آنان، هرگز به راه خير و قوام روی نخواهند آورد.

لکان خیراً لهم و اقوم و لکن لعنهم اللہ بکفرهم فلا یؤمنون الا قليلاً

۲۵ تنها اندکی از یهود به اسلام و پیامبر (ص) ایمان خواهند آورد .

و

لكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم الله بكفرهم .. الا قليلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم الله> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۲

۲۲ وجود افراد اندکی انسان حق گرا در میان یهود عصر پیامبر (ص)

فلا يؤمنون الا قليلا

اکثریت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن كثيراً من الأجرار والرهبان ليأكلون أموال الناس بالباطل

اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۱

۲۱ بسیاری از یهود ، هرگز به پیامبر اسلام (ص) ایمان نخواهند آورد .

فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لكن> استدراک

از جمله <فلا يؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۲

۳۲ بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و ان كثيراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۲

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان، در صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱

۱ بسیاری از یهود و نصارا، مردمی حرام خوار و دارای زبانی آلوده به گناه و سخنان ناروا

لولا ینهیهم... عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۲، ۳

۳ بسته بودن دست خداوند، از گفتار های ناروا و گناه آلود بسیاری از یهودیان

عن قولهم الاثم... و قالت الیهود یدالله مغلوله

<و قالت الیهود...>، می تواند بیان مصداقی برای <قولهم الاثم> در آیه قبل باشد و به قرینه آیه ۶۲ این سخن، گفته

تمامی یهودیان نبوده و گروهی از آنان همچون ربانیون و احبار چنین گفتاری نداشته و لذا در برداشت فوق به همه آنان نسبت داده نشد.

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر (ص)، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغیاناً و کفرأ

امتحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۴

۴ خداوند امت های یهود را گاهی با اعطای نعمت ها و آسایش ها و زمانی با گرفتار ساختن به سختی ها و ناخوشایندی ها آزمود .

و بلونهم بالحسنت و السيئات

مراد از ضمیر مفعولی در <بلوناهم> می تواند همه یهود، صالحان و ناصالحان، باشد و می تواند مراد از آن تنها ناصالحان ایشان باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

امتحان یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۹،۱۱

۹ وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان)، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلک نبلوهم

۱۱ خداوند برای امتحان یهودیان ایله، ماهیان را در روز شنبه به طرف ساحل سوق می داد و در روز های دیگر از ساحل دور می ساخت .

إذ تأتیهم حیثانهم یوم سبتهم شرعاً و یوم لایسبتون لا تأتیهم کذلک نبلوهم

چون حکم تعطیلی روز شنبه برای همه یهود بود، نه مخصوص مردم ایله، معلوم می شود آنچه خداوند برای مردم آن سامان پیش آورد تا آنان را بیازماید، همان آمدن ماهیان در روز شنبه و کمیاب شدنشان

در روزهای دیگر بود، نه اصل تحریم کار در روز شنبه. لذا مشارالیه <ذلک> وضعیت بیان شده برای ماهیان است.

امداد به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۶

۶ تعهد مسلمانان سست ایمان بر یاری یهود و نصارا با سوگندهایی مؤکد

اهولاء الذین اقساموا بالله جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق بر این مبناست که <هولاء> اشاره به بیماردلان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا باشد.

امکانات مادی یهود خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۴

۴ - یهودیان خیبر، دارای امکانات مالی گسترده

و مغانم کثیره یاخذونها

به دست آمدن غنایم فراوان، نشانگر وجود امکانات بسیار دشمنان اسلام، در جنگ خیبر است.

انبیای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۷

۷ یهود، برخوردار از پیامبرانی متعدد

یحکم بها النبیون الذین اسلموا

انتظار یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - یهودیان ، از دیرباز در انتظار پیامبر (ص) و نزول قرآن بودند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

انتظارات يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۲

۲ اهل کتاب (یهود و نصارا) در انتظار بعثت پیامبر (ص) *

يا اهل الكتاب قد جاءكم رسولنا

کلمه <قد> می تواند بیانگر انتظار حصول فعلی باشد که بر سر آن آمده است. نظیر <قد قامت الصلوه>.

انحراف اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۱۰

۱۰ بیشتر یهودیان و مسیحیان ، مردمانی منحرف و بریده از تعالیم آسمانی خویش

و إن اکثرکم فسقون

<فاسق> غالباً به کسی گفته می شود که به برخی از آیین خویش و یا به تمامی آن پایبند نباشد. (مفردات راغب).

انحراف عقیدتی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۶

۶ - رسوخ افکار و اندیشه های مخالف کتاب های آسمانی ، در عقاید و باور های دینی یهود و نصارا

و قالت الیهود .. و هم یتلون الکتب

انحراف علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

يأیها الذین ءامنوا إن كثيراً من الأخبار و الرهبان لیأکلون أموال الناس بالباطل

انحراف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۷

۷ افترای یهود بر خداوند دلیل آلودگی آنان و پیراسته نبودنشان از انحراف

الم تر . . . انظر كيف يفترون على الله الكذب

جمله <انظر كيف> می تواند دلیلی باشد بر اثبات عدم تزکیه یهودیان که در آیه قبل مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۷،۹،۱۰

۷ یهودیان مردمانی بسیار منحرف و رویگردان از راه خدا

و بصدّهم

عن سبيل الله كثيراً

کلمه <صدأ> می تواند به معنای بازدارى و نیز به معنای اعراض باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است، چنانچه برداشت پیش بر مبنای احتمال اول بود.

۹ انحراف عمیق یهود از راه خدا و بازدارى مردمان از پیوستن به آن، موجب تحریم نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

حرّمنا علیهم طیبیت أحلت لهم و بصدّهم عن سبیل الله كثيراً

ظاهراً کلمه <بصدّهم> عطف بر <بظلم> است، یعنی <بظلم من الذین هادوا و بصدّهم حرّمنا علیهم>. گفتنی است که تکرار باء در <بصدّهم> اشاره به این دارد که بازدارى آنان از راه خدا نیز می توانست نقش مستقلى در تحریم داشته باشد.

۱۰ یهود، ظالمانی منحرف و بسیار اغواگر

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا .. و بصدّهم عن سبیل الله كثيراً

انحرافات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۵

۵- خداوند در قیامت، نسبت به اختلافات و انحرافات یهود، داوری خواهد کرد.

و إن ربّك لیحكّم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

انحصارطلبی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱،۲

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا)، تنها خویشتن را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن، محروم می پندارند.

و قالوا لن یدخل الجنه إلا من كان هوداً أو نصری

ضمیر در <قالوا> به <اهل الكتاب> (در آیه ۱۰۹) باز می گردد.

۲ - یهودیان، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند.

وقالوا لن يدخل الجنة

آیه ۱۱۳، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث <لفّ اجمالی> وجود دارد و حرف <أو> نیز برای تفصیل است؛ یعنی، جمله <قالوا لن...> حاکی از دو جمله است: ۱. قالت اليهود: <لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً>. ۲. قالت النصاری: <لن يدخل الجنة إلا من كان نصری>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۵

۵ بخل شدید و انحصارطلبی یهودیان

فاذا لا يؤتون الناس نقيراً

ظاهراً منظور از کلمه <الناس>، غیر یهودیان هستند؛ به قرینه آیه بعد: <ام يحسدون الناس>، بنابر این معنای جمله <فاذا..> چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش نگه می دارند.

انحطاط یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۱،۳

۱ خداوند جامعه یهود را گروه گروه کرد و در پهنه گیتی پراکنده ساخت .

وقطّعتهم فی الأرض أمماً

<أمماً> هم می تواند مفعول دوم برای <قطّعتناهم> باشد، که در این صورت در <قطّعتنا> معنای <تصیییر> تضمین شده است، و هم می تواند حال برای ضمیر <هم> در <قطّعتناهم> باشد.

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند .

منهم الصلحون و منهم دون ذلك

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلك> اشاره است به صالح که از <الصلحون> به دست می آید، یعنی: <منهم

غیر صالحین >.

انقیاد انبیای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴

۴ پیامبران یهود ، تسلیم در برابر خداوند و قوانین او

یحکم بها النبیون الذین اسلموا

>الذین اسلموا< صفت توضیحی برای >النبیون< است.

انگیزه آخرت فروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۷

۷ - یهودیان برای رسیدن به مزایای دنیوی ، آخرت و نعمت های آن را از دست دادند .

أولئك الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

انگیزه تبعیدهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون .. أولئك الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

انگیزه قتلهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون .. أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالأخرة

اولین تبعید یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۳

۳ - تبعید بنی نضیر ، نخستین اخراج دسته جمعی یهودیان از مدینه

أخرج الذين كفروا .. لأول الحشر

<حشر>، عبارت است از بیرون راندن دسته جمعی عده ای از مردم از محل سکونت شان.

اهانت‌های یهود

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - کلمه < راعنا > دستاویز یهودیان برای اهانت به پیامبر (ص) و استهزای آن حضرت

لا تقولوا راعنا و قولوا انظرنا

مسلمانان در ضمن سخن گفتن پیامبر(ص) گاهی از آن حضرت تقاضا می کردند که مهلت دهد تا سخنان پیشین وی را درک کنند. برای درخواست مهلت، کلمه < راعنا > (فرصت‌مان ده) را به کار می بردند. یهودیان با اندک تحریفی در این کلمه، معنایی ناروا از آن قصد کردند و در خطاب به پیامبر (ص) به کار می بردند.

اهداف علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۳

۲۳ تثبیت حکم تحریف شده به دست عالمان یهود، هدف آنان از ارجاع داوری به رسول خدا (ص)

ان اوتیتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داوری به رسول خدا(ص) و نپذیرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حکم وی با اظهارات عالمان یهود، می رساند که هدف آنان از این ارجاع تنها تلاش برای یافتن امضای حکم تحریف شده بوده است.

ایمان اقلیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - عده بسیار اندکی از یهودیان، معارف اسلام را باور کرده، به پیامبر (ص) ایمان می آوردند. *

فقلیلا ما یؤمنون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <قلیلا> حال برای فاعل <یؤمنون> باشد، یعنی: <فما یؤمنون منهم إلا نفر قلیل> پس ایمان نمی آورند از یهود مگر افرادی معدود. (اقتباس از مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۲

۲ گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت (معبودی غیر از خدا) و طاغوت

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

<جبت> در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

ایمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۹

۹ - یهود ، تنها به اندکی از معارف الهی ایمان دارند .

فقلیلاً ما يؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <قلیلاً> صفت برای مفعول مطلق محذوف باشد، یعنی، <ایماناً قليلاً>. حرف <ما> تأکید این قَلت می باشد. قابل ذکر است که ایمان قلیل یا به معنای ضعف ایمان است و یا به معنای ایمان داشتن به بخش اندکی از دین و باور نداشتن به اکثریت آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۵

۱۵ - یهود و نصارا ، تنها به برخی از پیامبران ایمان داشتند .

لانفرق بین أحد منها

جمله <و ما أوتی النبیین> دلالت بر لزوم ایمان به همه پیامبران دارد. بنابراین تأکید آن با جمله <و لانفرق...> اشاره به این معنا دارد که مخاطبان، یعنی، یهود و نصارا به همه پیامبران ایمان ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ تنها اندکی از یهود به اسلام و پیامبر (ص) ایمان

خواهند آورد .

و لكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱

۱ ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، شرط رهایی مسلمانان ، یهودیان ، صائبی ها و نصارا از هرگونه ترس و اندوه

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبِئُونَ وَالنَّصِرَى ... وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

<صائبی> که مفرد <صائبون> است به کسی گفته می شود که آیین خویش را رها کرده و به آیینی دیگر گرویده باشد ؛ با توجه به این معنا می توان گفت مصداق مورد نظر از <الصَّبِئُونَ> در این آیه به قرینه وقوع آن بین <الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا> <و النصری>، کسانی هستند که با ترک اسلام و یا یهودیت پذیرای آیین نصارا شده باشند.

ایمان یهود به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۶

۲۶ - پایبندی گروهی از یهودیان عصر بعثت به تورات با عمل کردن به پیمان های الهی و پرهیز از کشتن و بیرون راندن همکیشان خود

فما جزاء من يفعل ذلك منكم

سیاق خطابه های گذشته اقتضا می کرد که جمله <فما جزاء ..> بدین گونه ایراد شود: <فما جزاء کم بما تفعلون إلا خزی>. این تغییر سیاق اشاره به این دارد که همه یهودیان مرتکب اعمال ناروای مذکور نشدند. من تبعیضیه در <منکم> مؤید این معناست.

ایمان یهود به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۶

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به

خدا، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت

ایمان یهود به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۶

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت

بخل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۵

۵ بخل شدید و انحصارطلبی یهودیان

فاذا لا يؤتون الناس نقيراً

ظاهراً منظور از کلمه <الناس>، غیر یهودیان هستند ؛ به قرینه آیه بعد: <ام يحسدون الناس>، بنابر این معنای جمله <فاذا> .
.. <چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش نگه می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۵،۶

۵ گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیه‌م

جمله <ینفق کیف يشاء> دلالت می کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیه‌م) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

۶ یهود ، مردمی ناتوان ، درمانده و بخیل

غلت ایدیهم

جمله <غلت ایدیهم> چه اخبار باشد و چه نفرین، در هر صورت دلالت بر تحقق ناتوانی و یا بخل ورزی یهودیان دارد.

بدعت در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ -

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

بدعت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که فرمود : < اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله > روایت شده که فرمود : < و الله ما صلوا لهم و لا صاموا و لكنهم أحلوا لهم حراماً و حرّموا عليهم حلالاً فاتبعوهم ;

به خدا سوگند آنان برای احبار و راهبان نه نماز خواندند و نه روزه گرفتند ؛ ولی آن علما و صومعه داران، برای مردم حرام را حلال و حلال را حرام کردند و آنان پیروی کردند.>

بدعتگذاری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۰، ۷، ۸، ۶، ۵

۵ - گروهی از عالمان یهود ، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف ، احکام و ...) از جانب خدا قلمداد نموده ، به مردم ارائه می کردند .

فويل للذين يكتبون الكتب بأيديهم ثم يقولون هذا من عند الله

<بأيديهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <يقولون بأفواههم> و <نظرته بعینی . . .> و

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی (مال ،

ریاست ، وجاهت و ...) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلا

۷ - عوام یهود ، خریداران تحریف ها و بدعت های عالمانشان

لیشتروا به ثمناً قليلا

۸ - گروهی از عالمان یهود ، مردمانی بدعتگذار و دین ساز بودند .

فويل للذين يكتبون الكتب بأيديهم

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود ، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به ثمناً قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۲

۲ - اندیشه یهود درباره عذاب قیامت (نبود عذاب برای یهودیان جز روزی چند) از بدعت های عالمان یهود

فويل للذين يكتبون الكتب .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جمله <وقالوا ..> در ضمن اینکه عطف بر <قد كان فريق< در آیه ۷۵ است، بیانگر مصداقی از <أمانی< در آیه ۷۸ و مصداقی از <الكتاب< در آیه ۷۹ می باشد. برداشت فوق به لحاظ وجه اخیر است.

بدعتگذاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۳

۳ یهودیان ، بدعتگذار و دروغپردازانی سخت ستمگر

قل فاتوا بالتوریه .. فمن افتری ... فاولئك هم الظالمون

برخورد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۸

۸ تبلیغات سوء یهود علیه احکام و دستورات اسلام (انفاق)

و لا يحسبنّ الذين .. لقد سمع الله قول الذين قالوا انّ الله فقير و نحن اغنى

بطلان ادعای یهود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷ - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان (تقدیر بهشت برای آنان) واقفند .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های <لتجدنهم ..> و <یود أحدهم ...> را می توان ناظر به ادعای یهود (إن كانت ... در آیه ۹۴) دانست؛ یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

بغض یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ کینه و دشمنی دایمی یهود و مسیحیان با یکدیگر تا روز قیامت و لقد اخذ الله ميثق بني اسرائيل .. العداوه و البغضاء إلى يوم القيمة بنا بر اینکه ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۳، ۲۱، ۲۰، ۱۹

۱۹ یهودیان ، گرفتار کینه و دشمنی با یکدیگر تا روز قیامت

و القينا بينهم العداوه و البغضاء إلى يوم القيمة

۲۰ خداوند ، ایجاد کننده دشمنی و کینه در بین یهود

و القينا بينهم العداوه و البغضاء إلى يوم القيمة

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کیفر و عقوبت دنیوی آنان

و القينا بينهم العداوه و البغضاء إلى يوم القيمة

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامدهای گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از

و لعنوا بما قالوا .. و القينا بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمة

جمله <و القينا ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد؛ یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۲

۲ هشدار خداوند به پیامبر (ص) در مورد کینه توزی یهودیان و مشرکان نسبت به مؤمنان

لتجدن اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود و الذين اشركوا

بهانه جویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۱،۲۴

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر (ص)

الَّذِينَ قَالُوا .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جمله <فلم قتلتموهم ..>، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن، بهانه ای بیش نبوده است.

۲۴ سرزنش یهود از سوی خداوند به جهت بهانه جویی و ادعاهای واهی

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۸

۸ غیر علمی شمردن تعالیم انبیا، بهانه بی اساس یهود، برای نپذیرفتن آنها

و قولهم قلوبنا غلف

مقصود یهودیان از اینکه می گفتند قلبهایمان آکنده از علم است، می تواند این باشد که تعالیم انبیا اگر دارای مبنایی علمی بود، قلبهای ما آن را درک می کرد و در خود جای می داد و چنین

نتیجه می گرفتند که تعالیم انبیا به دلیل نافذ نبودنش در قلبها علمی نیست.

بهانه های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا

بی پناهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۲

۲ - کارساز نبودن یاری هیچکس برای یهودیان ، معلول نقش نداشتن آنان در نظام هستی است .

فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا. ام لهم نصيب من الملك

در برداشت فوق، جمله <ام لهم>، علت برای جمله <فلن تجد...> گرفته شده است.

بی تقوایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ یهودیان عصر بعثت بی هیچ ترس و پروایی از پیامبر (ص) و مسلمانان ، پیمانهایشان را نقض می کردند .

و هم لایتقون

برای فعل <یتقون> چندین متعلق می توان لحاظ کرد ؛ از جمله ضمیر <ك> که خطاب به پیامبر(ص) باشد و یا کلمه ای همانند <المؤمنین>.

بی تقوایی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ جامعه یهود در عصر پیامبر (ص) ، جامعه ای به دور از تقوا و پرهیزگاری *

و هم لایتقون

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق <لایتقون>، الله باشد ؛ یعنی یهودیان ترسی از خداوند ندارند و

تقوای الهی را رعایت نمی کنند.

۱۳ بی تقوایی یهودیان عصر بعثت عامل پیمان شکنی آنان

ینقضون عهدهم فی کل مره و هم لایتقون

جمله حالیه <و هم لایتقون> بیانگر ریشه پیمان شکنی یهودیان و به اصطلاح حال معلله است.

بی تقوایی یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ بی پروایی یهودیان کفرییشه از پیمان شکنی های مکرر

و هم لایتقون

بی سواد ی عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۲،۶

۲ - عوام یهود، مردمی بی سواد که نه خواندن می دانستند و نه نوشتن آموخته بودند.

و منهم أمیون

<أمیون> (جمع أمی) است و أمی به کسی گفته می شود که نوشتن نمی داند. برخی از اهل لغت نخواندن را نیز در معنای <أمی> قید کرده اند.

۶ - بی سواد ی عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

جمله <منهم أمیون> عطف بر <قد کان فریق...> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون...> می باشد.

بی عقلی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - یهود ، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی *

ذلك بأنهم قوم لا یعقلون

با توجه به بازگشت ضمیر <هم> به یهودیان، اسناد عدم تعقل به <قوم> می تواند اشاره به خصوصیت این <قوم> داشته باشد.

بی منطقی یهود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۸

۸ - یهود و نصارا هیچ برهانی بر ادعای خویش (اختصاص بهشت به خویشان و محرومیت مسلمان از آن) ندارند .

قل هاتوا برهانکم إن کنتم صدقین

<هات> (مفرد هاتوا) اسم فعل و به معنای عطا کن است. بنابراین <هاتوا برهانکم> یعنی، برهانتان را ارائه کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۷

۷ - تعصب بی منطقی یهود و نصارا در دفاع از آیین خویش و مقاومت در برابر اسلام

و لن ترضی عنک الیهود و لالنصری حتی تتبع ملتهم .. و لن اتبع أهواءهم

بینش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۱، ۱۲، ۶۸

۶ - ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر

صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

۸ - پیشوایان یهود، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم .. أفلا تعقلون

۱۱ - حفظ منافع قوم و جامعه یهود، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم .. أفلا تعقلون

۱۲ - پیشوایان و عالمان یهود، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان

گردد، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

بما فتح الله عليكم .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۵

۵ - گروهی از عالمان یهود ، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف ، احکام و ...) از جانب خدا قلمداد نموده ، به مردم ارائه می کردند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند الله

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <یقولون بأفواههم> و <نظرته بعینی ...> و ...

بینش عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۷

۷ - عوام یهود ، خریداران تحریف ها و بدعت های عالمانشان

لیشتروا به ثمناً قليلاً

بینش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳

۳ - یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم الله یكفرهم> (خدا یهودیان را بسزای كفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریع شده بر آن (فقلیلاً- ما یؤمنون) و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست؛ بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر

درک نکردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸

۴۸ - ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی ، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتريه ماله في الآخرة من خلق و لبئس ما شروا به أنفسهم لو كانوا يعلمون

کسی که بداند با دستیابی به منافع نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا ..) ولی در عین حال به زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو كانوا يعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

پاداش یهود مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذين ءامنوا .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذين ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرائیه بوده است.

پرسش محمد(ص) از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر (ص) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر

پندار یهود

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۹

۱۹ یهودیان تحریفگر به پندار خیر و صلاح خویش در صدد آزار رساندن به پیامبر (ص) و ضربه زدن به اسلام بودند .

من الذین هادوا .. لکان خیراً لهم و اقوم

پیروزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۷

۷ - پیروزی بر کافران در پرتو قرآن و بعثت پیامبر (ص) ، آرمان یهودیان پیش از بعثت

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

از معانی <فتح> نصرت و پیروزی است. <استفتاح> به معنای طلب پیروزی است. آمدن فعل مضارع (یستفتحون) قرین <کان> و مانند آن دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد. ارتباط جمله <و کانوا...> با قبل و بعد اقتضا می کند که: این پیروزی طلبی در ارتباط با نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) مطرح باشد. بنابراین <و کانوا...> یعنی، یهودیان پیش از بعثت از زمانهایی دور در انتظار نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) بودند تا در سایه آن بر کافران پیروز شوند.

پیروی از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند پیامبر (ص) را از پیروی آرا و عقاید یهود و نصارا برحذر داشت .

و لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولی ولاواق

پیشگویی جنگ با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۴

۴ - خیردادن خداوند از درگیری های آینده کافران (یهود) با مؤمنان ،

از درون دژها و از پس دیوارهای بلند

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه أو من وراء جدر

با توجه به معنای مضارع (یقاتلون)، مطلب بالا قابل برداشت است.

پیشگویی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أولم یکن لهم آیه أن یعلمه علموا بنی اسرائیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

پیه گاو در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلک جزینهم بیغیهم

پیه گوسفند در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلک جزینهم بیغیهم

تاریخ یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱،۲

۱ - یهودیان ، در طول تاریخ خویش عهد ها و پیمانهایی را با خدا و پیامبران بسته بودند .

أو کلما عهدوا عهداً

جمله < کلما عاهدوا .. > (هرگاه عهدی می بندند) دلالت

بر عهد‌ها و پیمان‌های متعدد دارد. قرینه‌هایی همانند <بل اکثرهم لایؤمنون> دلالت بر آن دارد که مراد از عهد‌های مطرح شده در آیه، عهد‌هایی است که یهود با خدا و پیامبران داشتند.

۲- تاریخ یهود، آکنده از عهدشکنی و بی‌اعتنایی به پیمان‌های الهی است.

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم

<نبذ> به معنای انداختن و رها کردن است و در آیه شریفه کنایه از شکستن و نقض کردن می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۴

۱۴ احتجاج پیامبر (ص) با یهود بر اساس تاریخ گذشته آنان

قل قد جاءكم رسل من قبلى .. فلم تقتلتموهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۷

۷ ورود به بیت المقدس و سجده به درگاه الهی در آن هنگام، فرمان خداوند به یهودیان عصر موسی (ع)

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ بقای یهودیان تا روز قیامت

فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء إلى يوم القيمة

برداشت فوق بر این مناست که ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۲،۱۱

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون

... إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القریه>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۱۱ خداوند برای امتحان یهودیان ایله، ماهیان را در روز شنبه به طرف ساحل سوق می داد و در روزهای دیگر از ساحل دور می ساخت.

إذ تأتيهم حيتانهم يوم سبتهم شرعاً و يوم لايسبتون لا تأتيهم كذلك نبلوهم

چون حکم تعطیلی روز شنبه برای همه یهود بود، نه مخصوص مردم ایله، معلوم می شود آنچه خداوند برای مردم آن سامان پیش آورد تا آنان را بیازماید، همان آمدن ماهیان در روز شنبه و کمیاب شدنشان در روزهای دیگر بود، نه اصل تحریم کار در روز شنبه. لذا مشارالیه <ذلک> وضعیت بیان شده برای ماهیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱

۱ یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند: تجاوزگران فاسق، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات، تارکان نهی از منکر.

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۱،۳،۴

۱ خداوند جامعه یهود را گروه گروه کرد و در پهنه گیتی پراکنده ساخت.

و قَطَّعْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا

<أُمَّمًا> هم می تواند مفعول دوم برای <قطّعناهم> باشد، که در این صورت در <قطّعنا> معنای <تصییر> تضمین

شده است، و هم می تواند حال برای ضمیر <هم> در <قطّعناهم> باشد.

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند.

منهم الصلحون و منهم دون ذلک

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلک> اشاره است به صالح که از <الصلحون> به دست می آید، یعنی: <منهم غیر صالحین>.

۴ خداوند امت های یهود را گاهی با اعطای نعمت ها و آسایش ها و زمانی با گرفتار ساختن به سختی ها و ناخوشایندی ها آزمود.

و بلونهم بالحسنت و السيئات

مراد از ضمیر مفعولی در <بلوناهم> می تواند همه یهود، صالحان و ناصالحان، باشد و می تواند مراد از آن تنها ناصالحان ایشان باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱،۲،۲۳

۱ تاریخ یهود، شاهد نسلهایی دنیاگرا و معصیتکار

فخلف من بعدهم خلف ورثوا الکتب يأخذون عرض هذا الأذنی و يقولون

۲ دنیاگرایان یهود، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند.

ورثوا الکتب يأخذون عرض هذا الأذنی و يقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الکتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند؛ مدعی اعتقاد به آن بودند.

۲۳ تاریخ یهود شاهد عالمانی دنیاگرا و بی تقوا*

خلف ورثوا الکتب يأخذون عرض هذا الأذنی .. و الدار الأخره خیر للذین یتقون

جمله <ورثوا الکتب>، هم می تواند ناظر به

این باشد که یهودیان مورد بحث مردمی بودند که تورات نسل به نسل به آنها رسیده و در دسترس آنان بود، و هم می تواند حاکی از آگاهی کافی آنها به تورات و محتوای آن باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۲

۲- تنها یهود از میان سایر امت ها ، موظف به انجام تکالیفی فزون تر و دشوارتر بودند .

و علی الذین هادوا حَرَمنا

جار و مجرور <علی الذین> متعلق به فعل <حَرَمنا> است و تقدیم آن بر فعل مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۷،۸

۷- اختلاف یهود درباره روز تعطیلی ، اختلافی دامنه دار و بی فرجام

و إن ربك لیحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتنی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <كانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

۸- اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم ، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است .

و إن ربك لیحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه>

به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۵

۵ - یهودیان ، گرفتار اختلافات پر دامنه مذهبی در عصر بعثت عیسی (ع)

لَأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۳

۳ - یهودیان در عصر عیسی (ع) ، گرفتار شرک در ربوبیت و دور ماندن از پرستش پروردگار یگانه

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

از تأکید عیسی(ع) بر ربوبیت الهی، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبر اکرم (ص) اختلافی ریشه دار و دیرپا *

وَأَتَيْنَهُمُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ... فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

در صورتی که <الأمر> اشاره به رسالت پیامبر اکرم(ص) داشته باشد، اختلاف مستمری که از <کانوا فيه یختلفون> استفاده می شود، ریشه دار بودن اختلافات آنان را درباره رسالت پیامبر اکرم(ص) می رساند.

تبعیت از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۵

۱۵ - پیامبر (ص) موظف به پرهیز از پیروی یهود و نصارا و ردّ آرای نفسانی ایشان

و لئن اتبعت اهواءهم .. إنك إذا لمن الظلمين

تبعیت یهود از شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطان علی ملک

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

تبعیت یهود از علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱

۱ تسلیم و اطاعت بی چون و چرای یهود و نصارا در برابر احبار و راهبان (پیشوایان دینی) خویش

اتخذوا أجبارهم و رهبنهم أرباباً

<اتخاذ رب> کنایه از تسلیم و اطاعت بی چون و چراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۴

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أجبارهم و رهبنهم أرباباً .. یزیدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

تبعیت یهود از ماروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۷

۱۷ - یهودیان ، تعالیم هاروت و ماروت را دنبال کرده و آنها را در جهت مبارزه با پیامبر به کار گرفتند .

اتبعوا ما تتلوا .. و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

<ما أنزل> عطف بر <ما تتلوا ..> است؛ یعنی: *اتبعوا ما تتلوا الشیاطین و اتباعوا ما أنزل علی الملکین*.

تبعیت یهود از هاروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - یهودیان ، تعالیم هاروت و ماروت را دنبال کرده و آنها را در جهت مبارزه با پیامبر به کار گرفتند .

اتبعوا ما تتلوا . . و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

< ما أنزل > عطف بر < ما >

تتلوا... است؛ یعنی: اتباعوا ما تتلوا الشياطين و اتباعوا ما أنزل على الملكين.

تبلیغ یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ - تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱،۲

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن)، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن يطفئوا نور الله بأفواههم

ضمیرهای جمع در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الكتاب) بازمی گردد. قید <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

۲ موضع گیری ها و تبلیغات سوء یهود و نصارا، علیه اسلام به مثابه پفی ناچیز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهی

یریدون أن يطفئوا نور الله بأفواههم

تبلیغ یهود علیه اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۶

۶ - تلاش های تبلیغی اهل کتاب (یهود و نصارا) بر ضد احکام اسلام، ایجاد کننده زمینه های شک و تردید در اذهان مسلمانان صدر اسلام

الحق من ربك فلا تكونن من الممترین

بر حذر داشتن مسلمانان از شك و تردید، با فعل <فلاتكونن> - که مقرون به نون تأکید است - گویای این معناست که:
زمینه های شك و تردید در مسلمانان به وجود آمده بود. از

آیات قبل می توان فهمید که مخالفتهای اهل کتاب منشأ این تردیدها بوده است.

تجاوز گری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۷، ۱۶، ۱۲

۱۲ عصیان یهود و تعدی و تجاوز مستمر آنان ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذلّه .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه <ذلک بما عصوا>، اشاره به ذلت و .. باشد.

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بثایت الله و یقتلون .. و کانوا یعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <کَوْنُ> دلالت بر استمرار دارد.

۱۷ عصیان اهل کتاب (یهود) و تجاوز مداومشان ، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بثایت الله .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱۲، ۱۱، ۹

۹ یهود، مردمی تجاوز پیشه بودند.

و علی الذین هادوا .. ذلک جزینهم بیغیهم

۱۱ تجاوز پیشگی یهود در تاریخ، خبری راست و عین حقیقت است.

ذلک جزینهم بیغیهم و انا لصدقون

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوز گری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب

خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینهم ببغیهم و انا لصدقون

تجاوزگری یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۴ یهودیان عصر بعثت آگاه به تجاوزگری همدینان یهودی خویش در ایله و سرگذشت شوم آنان

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر

تحجر يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۷

۱۷ خرافه گویی و جمود و تحجر یهود *

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْإِنْسَانِ أَلَّا يُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بَقَرَابَانَ تَأْكُلُهُ النَّارُ

۱ ظاهر جمله <الْمَا نُؤْمِنُ لِرَسُولٍ>، این است که خداوند به ما دستور داده به کسی که فلان معجزه خاص را ندارد، ایمان نیاوریم، هر چند حقیقتاً پیامبر باشد. چون نگفتند <الَّا نُؤْمِنُ لِمَدْعَى الرَّسَالَةِ>، و این معنا که به فرض نبوت، ایمان نیاورید اگر فلان معجزه خاص را نداشت، خرافه ای بیش نیست. ۲ بر فرض که چنین عهدی باشد، آنان باید بیندیشند که قربانی کذایی، معجزه ای است برای کشف صادق از کاذب، نه اینکه موضوعیت داشته باشد و اصرار به این معنا حاکی از جمود و تحجر یهود است.

تحریفگری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱،۲،۳

۱ عالمان یهود، تحریف کننده حقایق و سخنها

من الذين هادوا يحرفون الكلم عن مواضعه

<كلم> (جمع کلمه) به معنای سخن است که به مناسبت مورد، حقایقی است که تحریف آن در گمراه ساختن مسلمانان مؤثر بوده است.

۲ تحریف و تفسیر نابجای تورات از سوی عالمان یهود *

من الذين هادوا يحرفون الكلم عن مواضعه

برخی برآنند که مراد از <الكلم> تورات است و تحریف در این آیه به معنای تفسیر غلط است و نه

تغییر الفاظ و جملات؛ به دلیل <عن مواضعه>. چون با تفسیر غلط، جمله از موضع و موقعیت خود خارج می شود.

۳ تحریف و تفسیر ناصواب گفته ها، از روش های عالمان یهود برای گمراه ساختن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل . . من الذین هادوا یحرفون الکلم

هدف از تحریف و تفسیر ناصواب سخنان از سوی عالمان یهود، به دلیل <ان تضلوا>، گمراه ساختن مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۶، ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۱۵، ۱۴، ۱۱

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون . . >، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخیرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۴ دروغ پذیری برخی منافقان و یهودیان و پیروی آنان از عالمان تحریفگر، فلسفه نهی خداوند از تأسف پیامبر (ص) بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون . . سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

<سمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذین قالوا> و <الذین هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر، مردمی دروغ پرداز، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك يحرفون الكلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للكذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخريں>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۲۲ سفارش عالمان یهود به فرستادگان خویش مبنی بر پذیرش حکم پیامبر (ص) به شرط موافقت آن با حکم تحریف شده آنان

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك .. ان اوتيتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

<هذا> اشاره به حکمی است که عالمان یهود آن را ابراز می داشتند و جمله <يحرفون الكلم> می رساند که حکمی تحریف شده بوده است.

۲۳ تثبیت حکم تحریف شده به دست عالمان یهود، هدف آنان از ارجاع داوری به رسول خدا (ص)

ان اوتيتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داوری به رسول خدا(ص) و نپذیرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حکم وی با اظهارات عالمان یهود، می رساند که هدف آنان از این ارجاع تنها تلاش برای یافتن امضای حکم تحریف شده بوده است.

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی با رسول خدا (ص)، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه

۲۶ تحریف تورات از سوی عالمان یهود با جابجایی کلمات و جملات و احکام آن

يحرفون الكلم من بعد مواضعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۳،۴

۳ عوام یهود، قبول کننده

تحریفات صورت گرفته به دست عالمان آنها *

سمعون للكذب

چنانچه <سمعون> وصف عوام یهود باشد، مراد از <کذب> به قرینه <یحرفون> تحریفاتی خواهد بود که به دست عالمان یهود صورت می گیرد و شنیدن تحریف به معنای قبول کردن آن است.

۴ نیل به متاع دنیا، انگیزه عالمان یهود در تحریف حقایق تورات و احکام آن

یحرفون الکلم من بعد مواضعه .. اکلون للسحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۷،۸،۹

۷ - تحریف معنوی تورات از سوی عالمان یهود

ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

تناسب مسائل یاد شده در آیه مورد بحث با عالمان و نیز طایفه مقابل آنان، یعنی <أمیون> - که در آیه ۷۸ بیان شده - دلالت بر این دارد که: مراد از <فریق منهم> عالمان بنی اسرائیل و یهود می باشد. <من بعد ما عقلوه> (پس از آنکه کلام خدا را می فهمیدند تحریفش می کردند) اشاره به آن دارد که مراد از تحریف، تحریف معنوی است.

۸ - عالمان یهود از روی عمد و با آگاهی و توجه، سخنان خدا را تحریف می کردند.

ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول <یعلمون> تحریف کلام خدا باشد؛ یعنی: <و هم یعلمون أنهم یحرفونه>. احتمالات دیگری نیز گفته شده که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۹ - تحریف کلام الهی از سوی عالمان یهود، دلیل نبود زمینه های ایمان در آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم و قد کان فریق منهم .. من بعد ما عقلوه

جمله حالیه <و قد کان ..> بیانگر

علتی برای نفی امید از ایمان آوردن یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۰، ۷، ۵

۵ - گروهی از عالمان یهود، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف، احکام و...) از جانب خدا قلمداد نموده، به مردم ارائه می کردند.

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند الله

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <یقولون بأفواههم> و <نظرته بعینی...> و ...

۷ - عوام یهود، خریداران تحریف ها و بدعت های عالمانشان

لیشتروا به ثمناً قليلاً

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم یقولون هذا من عند الله لیشتروا به ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۶

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

تحریفگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیان، قرآن (کلام خدا) را می شنیدند، آن را به خوبی می فهمیدند

و به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد كان فريق منهم يسمعون كلم الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام الله> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۵

۵ - یهود و نصارا، آیین الهی خویش را تحریف کرده، احکام و معارف الهی را با امور غیر دینی آمیخته بودند .

قولوا ءامنا بالله .. و ما أوتى موسى و عيسى

چون خطاب آیه، به یهود و نصاراست و آنان خویشتن را پیروان حضرت موسی و عیسی می شمردند، مقتضای کلام این بود که به جای <و ما أوتى موسى و عيسى> گفته شود <و ما أوتیتم>. این جایگزینی اشاره به این نکته دارد که: احکام و معارفی که بر موسی و عیسی (ع) نازل شد، همانی نیست که در اختیار یهود و نصاراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۶

۶ - تحریف تاریخ انبیا از سوی یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل .. كانوا هوداً أو نصری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۱

۱۱ - یهود و نصارا آیین الهی خویش را با آرای برخاسته از هواهای نفسانی، آمیخته بودند .

و لئن اتبعت أهواءهم

مقصود از <أهواءهم> (آرای برخاسته از هواهای نفسانی) آیین و مرام دینی یهود و نصاراست؛ زیرا مبارزه آنان با پیامبر(ص) و اهل ایمان بر سر باورها و

احکام دینی بوده است و از آنجا که آیین اهل کتاب، آیینی الهی بوده ولی در آیه شریفه از آن به هواهای نفسانی تعبیر شده، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴

۴ عالمان یهود، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

انّ الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم

با توجه به شأن نزول، مقصود از <عهد الله>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۱

۱ ادعای یهود مبنی بر تحریم برخی از خوردنی ها افترای آنان بر خداوند

کل الطعام کان ... فمن افتری علی الله الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۲، ۱۹، ۴

۴ تحریف و تحلیل ناصواب گفته ها، نمونه ای از دشمنی یهود با مسلمانان

و الله اعلم باعدائکم ... یحرفون الکلم عن مواضعه

جمله <یحرفون ...> پس از بیان دشمنی یهود، به منزله دلیل و نشانه ای برای اثبات عداوت عالمان یهود نسبت به مسلمانان است.

۱۹ یهودیان تحریفگر به پندار خیر و صلاح خویش در صدد آزار رساندن به پیامبر (ص) و ضربه زدن به اسلام بودند.

من الذین هادوا ... لکان خیراً لهم و اقوم

۲۲ تحریفگری، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر

(ص) ، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرفون .. سمعنا و عصینا ... لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ تحریف تورات ، توسط بنی اسرائیل (یهود)

یحرفون الکلم عن مواضعه

<کلم> جمع <کلمه> به معنای سخن است و مصداق بارز و مورد نظر آن، تورات می باشد. گفتنی است که مراد از بنی اسرائیل، به قرینه آیه بعد، یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۷،۴۵

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

تحریم حلالها بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۱۴

تحریم حیوانات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۵،۱۲

۵ - تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود،

سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمانا .. ذلک جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

تداوم اختلاف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۷۸

۷- اختلاف یهود درباره روز تعطیلی، اختلافی دامنه دار و بی فرجام

و إن ربك لیحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتنی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <كانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

۸- اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است.

و إن ربك لیحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

تداوم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ تداوم یهودیت و نصرانیت تا قیامت

و جاعل الذین اتبعوك فوق الذین كفروا الی یوم القیمه

بنابراینکه مراد از <الذین کفروا>، یهود باشد که نتیجه اش بقای هر دو دین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ بقای یهودیان تا روز قیامت

فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء إلی یوم القیمه

برداشت فوق بر این مناست که ضمیر در

<بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

ترس علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۵

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی با رسول خدا (ص)، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخريں لم یأتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۲

۲۲ عالمان یهود در عصر بعثت، بیمناک از مردم خویش در حکم و قضاوت بر اساس تورات

و الرئیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه .. فلا تخشوا الناس

ترس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۱

۱ - یهود، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لا یتمنّونه أبداً

ترس یهود از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۳،۴

۳ - روش و منش یهود، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

<لتجدن> مرکب از فعل تجدد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است؛ یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴- نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهرا سیدن

از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جمله <لتجدنهم...> استشهادی است برای جمله <لن یتمنوه>؛ یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود؛ به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

ترس یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲، ۷، ۶، ۳

۳ - دل های یهودیان بنی قریظه ، آکنده از ترس و وحشت از مسلمانان مدینه شده بود .

و قذف فی قلوبهم الرعب

<رعب> در لغت، بریدن و لاعلاج شدن ناشی از ترسی است که همه جان را فراگرفته است (مفردات راعب).

۶ - خداوند ، بر دل های یهود بنی قریظه ، ترس و وحشت افکند .

و قذف فی قلوبهم الرعب

۷ - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم ... و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقاً تقتلون و تأسرون فریقاً

ترک احتیاج با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۴

۲۴ پیامبر(ص) موظف به ترک مباحثه و احتجاج با یهود، بیش از مقدار بیان شده در این آیات بوده است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

آیه مورد بحث خود در مقام احتجاج با یهود است و جمله ذیل آیه (ثم ذرهم)، دستور به ترک احتجاج می دهد. مقتضای جمع بین این دو فراز، آن است که احتجاج باید در حد مذکور باشد و بیش از آن نباید به آن پرداخته شود.

ترک دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ لزوم قطع پیوند ، با کسانی که رابطه دوستی با یهود و نصارا برقرار می سازند .

لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء . . . و من یتولهم منکم فانه منهم

جمله <فانه منهم> می رساند که هر مسلمانی که پذیرای ولایت یهود و نصارا باشد و یا با آنان روابط دوستانه برقرار کند، از زمره آنان خواهد بود و جمله <ولاتتخذوا . . .> دلالت می کند که نباید با وی رابطه دوستی داشت.

تعالم آسمانی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۹

۹ نزول فرمان ها و معارف الهی بر یهود و نصارا ، علاوه بر تورات و انجیل

حتی تقیموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیکم من ربکم

تعالیم انبیای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ بقای نشانه ها و آیین پیامبران یهود تا زمان بعثت عیسی (ع)

و قفینا علیء اثرهم بعیسی ابن مریم

<اثرهم> می رساند که شریعت و آثاری از پیامبران پیشین باقی بوده است.

تعالیم دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۸

۸ اعتبار مالکیت خصوصی در آئین یهود

و أكلهم أموال الناس بالبطل

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اموال الناس> ثروتهای شخصی مردم باشد.

تعجب یهود دوران مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۵،۶

۵- مردم ، از واگذارشدن پاسخ اتهامات از سوی مریم (س) به نوزادش عیسی (ع) ، شگفت زده شده و آن را باور نکردند .

فأشارت إليه قالوا كيف نكلم من كان في المهد صبياً

استفهام در آیه انکاری است. این انکار را چندین تأکید نیز همراهی می کند: ۱) فعل <کان> که در این موارد بر ماضی دلالت ندارد، بلکه استقرار و ثبوت را می فهماند؛ ۲) قید <فی المهد> که نشانه ناتوانی عیسی(ع) از هرگونه حرکتی است؛ ۳) قید <صبياً> که با وجود <فی المهد> نیازی به آن نبود، ولی گویندگان آن را به منظور تأکید انکار و تعجبشان افزودند.

۶- زبان گشودن کودکی آرمیده در گهواره و تشریح ماجرای میلاد خویش ، برای قوم مریم قابل تصور نبود .

كيف نكلم من كان في المهد صبياً

<مهد> گهواره یا هر مکان دیگری است که برای آرمیدن کودک اختصاص یابد.

تعصب يهود

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۷

۷ - تعصب بی منطق یهود و نصارا در دفاع از آیین خویش و مقاومت در برابر اسلام

و لن ترضی عنک الیهود و لالنصری حتی تتبع ملتهم .. و لن اتبعن أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ وابستگی و تعصب یهود، نسبت به قوانین اجتماعی و دینی خویش

و لاحلّ لکم .. فاتقوا الله و اطیعون

امر به تقوا و اطاعت پس از عنوان کردن تغییر برخی احکام، بیانگر انتظار جبهه گیری و تعصب یهود در قبال احکام جدید است.

تعطیلی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۱،۷

۱- تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است؛ چون در روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

۷- اختلاف یهود درباره روز تعطیلی، اختلافی دامنه دار و بی فرجام

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتنی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <کانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

تقوای علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۳، ۳۱

۳۱ اجبار و ربانیون، عالمانی خداترس، بی طمع

و دل بریده از دنیا

الربنیون و الاحبار .. فلاتخشوا الناس و اخشون

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون .. فلاتخشوا الناس و اخشون

تکالیف شاق یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۲

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

تکالیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ همه انسان ها از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهود ، نصارا و ...) وظیفه دار ایمان به قرآن

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۱،۲

۱- تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فيه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است؛ چون در

روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

۲- قانون تعطیلی روز شنبه حکمی علیه یهودیان ، به جرم اختلافشان درباره دین توحیدی ابراهیم (ع) بود .

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فیه

آیه شریفه، پاسخی است از این سؤال که: در دین

ابراهیم(ع) و ادیان پس از آن حضرت، روز جمعه به عنوان روز تعطیل تعیین شده بود، پس چرا در دین یهود روز شنبه اعلان شد؟ پاسخ این است که: این حکم مختص به یهودیان بود که به جرم اختلافشان در دین ابراهیم(ع) وضع گردید. گفتنی است ضمیر <فیه> به حضرت ابراهیم(ع) با تقدیر مضاف یعنی، ملته باز می گردد.

تکبر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۴

۴ - یهود ، مردمی خودخواه ، مغرور و خودبرترین

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۳

۳ - قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرترین

إن كانت لكم الدار الآخرة .. خالصة من دون الناس

تکذیبگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۶

۶ - قوم یهود ، تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)

بئس مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله

تکلیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲

۲ - یهودیان ، در گستره دعوت پیامبر (ص) قرار دارند و موظف به پذیرش اسلام و ایمان به قرآن هستند .

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله

تلاش يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱

۱ - هر يك از يهود و نصارا ، در تلاش برای گرايش دادن مسلمانان به آيين خویش

و قالوا كونوا هوداً أو نصرى

از آن جا که یهود و نصارا یکدیگر را هدایت یافته نمی دانند، معلوم می شود: جمله <قالوا ..> دارای <لفّ اجمالی> بوده و حاکی از دو جمله است؛ یعنی: قالت اليهود کونوا هوداً تهتدوا و قالت النصارى کونوا نصارى تهتدوا. مخاطبان جمله فوق به دلیل آیه بعد، مسلمانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۹

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر (ص) و مؤمنان از کعبه به قبله خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم .. و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله <و لئن اتبعت .. إنک لمن الظالمین> با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <اهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

تملك اموال يهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملك مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمینه تملك اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به

مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . . . و أورثكم أرضهم ... و كان الله على كل ش

تملك خانه های یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملك مسلمانان در آمد .

و أورثكم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمينه تملك اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثكم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . . . و أورثكم أرضهم ... و كان الله على كل ش

تملك سرزمین یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۳،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملك مسلمانان در آمد .

و أورثكم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمينه تملك اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثكم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۳ - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملك آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و اورثکم . . . و أرضاً لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت

و زور< است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

۹- قدرت مطلق خداوند، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود.

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الكتب... و أورثکم أرضهم... و كان الله على كل ش

تناقض در عقیده یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۶

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

توبیخ یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۸

۸ توبیخ اهل کتاب (یهود و نصارا) به خاطر عدم تعقل آنان در منسوب کردن حضرت ابراهیم (ع) به یهودیت و نصرانیت

یا اهل الكتاب... افلا تعقلون

توجیه گری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۶

۶- ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا، توجیه عالمان یهود برای بازداري مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

تورات در يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳

۳ تورات ، مرجع و پایه قضاوت های پیامبران در بین يهود

يحكم بها النبيون الذين اسلموا للذين هادوا

تورات و يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۷،۹

۷ پیشنهاد پیامبر (ص) به يهوديان برای ارائه شاهدهی از تورات ، بر صدق ادعای خویش در تحریم برخی خوردنیها

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها ان كنتم صادقین

۹ پنهان کردن تورات ، توسط يهوديان *

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

توطئه علمای يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۷

۷ همسویی اهل کتاب (علمای يهود) با کافران و مشرکان ، تلاشی برای فراهم آوردن نیرو و یاور علیه مسلمانان *

الم تر الى الذين .. و يقولون للذين كفروا ... فلن تجد له نصيراً

جمله <فلن تجد له نصيراً> پس از بیان همسویی يهود با مشرکان، می تواند بیانگر این معنا باشد که يهوديان به منظور یاری

طلبی علیہ مسلمانان، با مشرکان همسو شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۴

۲۴ تحریکات پشت پرده عالمان یهود علیہ پیامبر (ص) و اسلام

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک . . ان اوتیتم هذا فخذوه و إن

لم توتوه فاحذروا

توطئه يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۴

۴ - یهودیان عصر بعثت دارای جلسات سرّی و مخفیانه برای توطئه چینی علیه اسلام

و إذا خلا بعضهم إلى بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۴،۷

۳ اظهار ایمان در ابتدای روز و کفر در انت های آن ، حيله يهود برای متزلزل ساختن مؤمنان

و قالت طائفة . . . لعلهم يرجعون

مفسرین طبق شأن نزول، آیه را حمل بر یهودیان کرده اند.

۴ خداوند ، رسواگر يهود با افشای توطئه آنان در جهت متزلزل ساختن مؤمنان

و قالت طائفة . . . لعلهم يرجعون

۷ يهود ، آنچه را در اوّل روز بر پیامبر (ص) نازل شده بود (قبله بودن بیت المقدّس) ، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز

نازل شده بود (قبله بودن کعبه) ، کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفة . . . لعلهم يرجعون

برخی از مفسران برآنند که <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است ؛ و سیاق آیه می رساند که مراد از <الذی> ، حکمی خاص است ؛ برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص، تغییر قبله بوده است که پیامبر (ص) در عصرگاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۳،۴،۱۲

۳ نگرانی علمای

یهود، از افشای توطئه آنان علیه اسلام

و قالت طائفة من اهل الكتاب ... و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

نهی عالمان یهود از اعتماد به غیر همکیشان، پس از طرح توطئه علیه مسلمانان، بیانگر نگرانی آنان از افشای توطئه می باشد.

۴ نهی علمای یهود پیروان خویش را از بازگویی توطئه شان علیه اسلام، مگر در میان همکیشان خود

و قالت طائفة ... امنوا بالذی ... و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

۱۲ افشای توطئه علمای یهود علیه مسلمانان، از جانب خداوند

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم ... او يحاجوكم عند ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۵

۵ کوشش یهود در تفرقه افکنی میان مؤمنان

قل يا اهل الكتاب لم تصدّون ... من امن

برخی از مفسران برآنند که آیه درباره یهود نازل شده است، که سعی در اختلاف افکنی بین اوس و خزرج را داشتند. (مجمع البيان ج ۲).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۶

۶ تبانی و تلاش یهودیان برای برانگیختن نزاع های قومی زمان جاهلیت، میان اهل ایمان (اوس و خزرج)

يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا

شاش بن قیس یهودی از وحدت مؤمنان (اوس و خزرج) به خشم آمد و فردی یهودی را مأمور کرد تا فتنه های جاهلیت را میان آنها برانگیزاند. (المیزان، ج ۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۴

پیامبر اسلام (ص) *

و قتلهم الانبیاء بغير حق

برداشت فوق، توجیهی است برای نسبت دادن قتل انبیا به یهود زمان پیامبر (ص). یعنی از اینکه کشتن پیامبران به آنان نسبت داده شده، معلوم می گردد که آنان در صدد قتل پیامبرند؛ چرا که وی به منزله همه پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ یهود، در صدد وارد ساختن ضربه به اسلام

و طعناً فی الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۶

۶ تلاش مداوم و پیگیری یهود در جهت بازسازی انسان ها از راه خدا

و بصدّهم عن سبیل اللّٰه کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که <کثیراً> صفت برای مفعول مطلق (صدّاً) محذوف باشد؛ بر این مبنا مفعول به کلمه ای همانند <الناس> در تقدیر است، یعنی <و بصدّهم الناس عن سبیل اللّٰه صدّاً کثیراً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۴، ۱۲

۱۲ یهودیان، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر (ص)، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

۱۴ نوید خداوند به مصونیت پیامبر (ص) از توطئه های یهودیان به خاطر ترك داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ تلاش موزیانه و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (

ص) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

چون <يفتنوك> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است؛ یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۲

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان، در صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۱

۳۱ خداوند، حامی مؤمنان، در برابر توطئه های یهودیان و دشمنان دین

كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۲

۲ - اتحاد و همدستی منافقان با یهودیان علیه اسلام و مسلمین

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

دوستی میان منافقان و یهودیان که مورد غضب خدا هستند جنبه عاطفی نداشت؛ بلکه سیاسی و عقیدتی بوده است.

تهدید یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ تهدید شدن اهل کتاب (یهود و نصارا) به عذاب سخت الهی ، در صورت کفر به آیات خداوند ، قرآن ، تورات و انجیل

نَزَّلَ عَلَيْكَ .. انّ الذّین کفروا ... لهم عذاب شدید

از شأن نزول به دست می آید که

مورد آیه، اهل کتابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۶

۶ تهدید شدن یهود به هزیمت و شکست ، پس از پیروزی مسلمین در جنگ بدر

قل للذین کفروا ستغلبون

در شأن نزول آیه آمده است که آیه شریفه بعد از جنگ بدر آنگاه که رسول خدا از آن جنگ به طرف بنی قینقاع بازمی گشتند نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، باء در <بمیتقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۲ یهود ، مردمانی طغیانگر که جز با تهدید ، در برابر حق تسلیم نمی شدند .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید یهود از سوی خداوند ، به خاطر اختلاف های مغرضانه و جاه طلبانه آنان در امر رسالت پیامبر اکرم (ص) *

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ... إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - تهدید یهودیان از سوی خداوند ، به فرجام بد و ناگوار اخرویشان

إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفْتَرُونَ مِنْهُ .. فَيُبَيِّنُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

تهمت مسیحیان به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - اتهام هریک از یهود و نصارا به یکدیگر (بی پایه و اساس بودن آیین یکدیگر) اتهامی جاهلانه است .

و قالت اليهود لیست النصری .. كذلك قال الذین لا یعلمون

برداشت فوق از تشبیه سخن یهود و نصارا به گفته جاهلان، استفاده شده است.

تهمت های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۲

۲ - یهودیان ، پیامبر (ص) را به نداشتن دلیل و برهانی روشن بر حقانیت رسالتش متهم می کردند .

و لقد أنزلنا إلیک ءایت بینت

معمولا بیان جمله با تأکید حکایت از آن دارد که مخاطبان، مضمون آن جمله را مورد تردید قرار داده یا انکار می کنند و از آن جا که جمله <و لقد أنزلنا ..> با حرف لام - که حاکی از قسم مقدر است - و نیز با حرف <قد> تأکید شده معلوم می شود که یهودیان مخاطب آیه، مضمون جمله فوق را مورد تردید و یا انکار قرار می دادند.

تهمت یهود به مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - اتهام هریک از یهود و نصارا به یکدیگر (بی پایه و اساس بودن آیین یکدیگر) اتهامی جاهلانه است .

لیست النصری .. کذلک قال الذین لایعلمون

برداشت فوق از تشبیه سخن یهود و نصارا به گفته جاهلان، استفاده شده است.

تہمتہای یهود دوران مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۳

۳- مردم با دیدن مریم (س) همراه کودک خویش ، بدون پرس و جو او را به زنا متهم کردند .

فأتت به قومها تحمله قالوا یمریم لقد جئت شیئاً فریاً

<فریاً> صفت مشبہه به معانی <سنگین و بزرگ> و <شگفت> و <کار بی سابقه> آمده و از ریشه <فری> به معنای قطع گرفته شده است؛ به این تناسب که چنین عملی قطع روند گذشته است. در هر صورت مراد کسانی که این سخن را به مریم(س) گفتند، اتهام زنا و خلاف بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۶

۶- مردم بیت المقدس ، مریم (س) را به زنا متهم کردند .

و ما کانت أممک بغیاً

<بغی>، یعنی زن بدکاره (قاموس). مردم گرچه مریم(س) را صریحاً به زنا متهم نکردند، ولی با کنایه این کار را انجام دادند. جمله <و ما کانت...> (مادرت بدکاره نبود)، یعنی تو این چنین هستی.

جادوگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱ - بقرہ - ۲ - ۱۰۲ - ۱۱،۱۳

۱۱ - گروهی از یهودیان به آموختن سحر های تعلیم داده شده از سوی شیاطین روی آورده و به جادوگری پرداختند .

واتبعوا ما تتلوا الشیطین

ضمیر در <اتبعوا> به <فريق من الذين أتوا الكتاب> در آیه قبل بر می گردد.

۱۳ - یهودیان برای مبارزه

با پیامبر (ص) علاوه بر انکار بشارت های تورات، از سحر و جادو مدد می گرفتند.

نبذ فریق .. کتب الله وراء ظهورهم ... واتبعوا ما تتلوا الشیطین

در آیه قبل گذشت که جمله <نبذ فریق> پس از <لما جاءهم> می رساند که: یهود به خاطر اینکه بتوانند رسالت پیامبر(ص) را انکار کنند بشارتهای تورات را درباره آن حضرت، نادیده گرفتند. عطف جمله <اتبعوا...> بر <نبذ فریق> نیز اقتضا می کند که دنبال کردن سحر به همین منظور بوده است.

جاسوسی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۵، ۳۶، ۱۷، ۱۵

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر، مردمی دروغ پرداز، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۶ خداوند هرگز جان و دل نپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت.

أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر، تحریفگری، دروغپردازی و جاسوسی، نمودی از

خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جاه طلبی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبر اکرم (ص)، اختلافی مغرضانه و جاه طلبانه *

و ءاتینهم بینت من الأمر فما اختلفوا إلا من بعد ما جاءهم العلم .. إن ربك

برداشت بالا بدان احتمال است که <الأمر> نظر به رسالت پیامبر اکرم (ص) داشته باشد. در این صورت اختلاف بنی اسرائیل نیز مربوط به همین مسأله می شود.

۱۳ - تهدید یهود از سوی خداوند، به خاطر اختلاف های مغرضانه و جاه طلبانه آنان در امر رسالت پیامبر اکرم (ص) *

بینت من الأمر .. إن ربك یقضی بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیہ یختلفون

جبرگرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۷

۱۷ یهود، مدعی جبر و قدرت بر ایمان *

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

بدان احتمال که منظور یهود از <قلوبنا غلف> نسبت دادن حالت کفر خویش به عوامل غیر اختیاری باشد.

جرایم علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا، اموال مردم را

به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن كثيراً من الأبحار و الرهبان ليأكلون أموال الناس بالباطل

جرایم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون .. أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱، ۱۹

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

چون جمله <فلم تقتلون ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبياء الله> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

جلب رضایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) به امید اسلام آوردن یهود و نصارا ، در پی جلب رضایت و خشنودی آنان بود .

و لن ترضى عنك اليهود ولا النصرى

بدیهی است که اهتمام پیامبر(ص) برای جلب خشنودی یهود و نصارا برای دستیابی به منافع شخصی و مانند آن نبود؛ بلکه در جهت ایفای وظیفه، یعنی، گرایش دادن آنان به

اسلام بوده است و لذا قید <به امید اسلام آوردن> در برداشت آورده شد.

جلسات سّری یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۴

۴ - یهودیان عصر بعثت دارای جلسات سّری و مخفیانه برای توطئه چینی علیه اسلام

و إذا خلا بعضهم إلى بعض

جنگ افروزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر (ص) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید.

فإما تتقنهم في الحرب فشردهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فی الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

جنگ مسلمانان با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند، پیامبر (ص) را از وقوع نبردی میان مسلمانان و یهودیان پیمان شکن، پیش از واقع شدنش، آگاه ساخت.

فشردهم من خلفهم

<ثقف> مصدر <ثقفن> به معنای دستیابی و تسلط

پیدا کردن است. <إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زاید است. تأکید جمله شرطیه با نون تأکید ثقلیه و <ما>ی زایده حکایت از آن دارد که شرط، یعنی وقوع جنگ و تسلط مسلمانان بر یهودیان، تحقق خواهد یافت. بنابراین معنای جمله شرط چنین خواهد بود: اگر نبردی با یهودیان رخ داد و بر آنان مسلط شدی، که البته چنین خواهد شد ...

جنگ یهود با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۷

۷ - وجود برخورد های پراکنده و انفرادی ، میان یهودیان تبعیدی و مسلمانان *

لایقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه

ذکر واژه <جمیعاً>، می تواند از آن جهت باشد که یهودیان اخراجی از مدینه، فقط در نبردهای جمعی از برخورد مستقیم با مسلمانان پرهیز می کردند؛ ولی ممکن است آنان برخوردهای انفرادی مستقیم داشته باشند.

جوسازی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۸

۸ تبلیغات سوء یهود علیه احکام و دستورات اسلام (انفاق)

ولا یحسبنّ الذین .. لقد سمع الله قول الذین قالوا انّ الله فقیر و نحن اغنی

جهل عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۳،۶

۳ - عوام یهود ، ناآگاه به محتوای کتاب آسمانی خویش (تورات)

لایعلمون الکتب

۶ - بی سواد یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . و منهم أُميون لا يعلمون الكتب إلا أمانى

جمله <منهم أُميون>

عطف بر <قد کان فریق...> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون...> می باشد.

جهل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۶

۴۶ - یهودیان ، ناآگاه به سودای زیانبار خویش (از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع سحر)

لبس ماشروا به أنفسهم لو کانوا یعلمون

مفعول <یعلمون> - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است، یعنی، ای کاش! می دانستند که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۵

۵ - کوتاه فکری یهود در معارف الهی و صفات خداوند

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۳

۱۳ - دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام (ص)

قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸،۹

۸ - خواسته های نابجا ، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و نابوری ایشان نسبت به تعالیم دین

يسئلك أهل الكتب .. لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون

توصيف صالحان يهود با عنوان عالمان

ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلا يؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جهل یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ تورات دربردارنده حقایق و معارفی بود که نه یهود زمان پیامبر(ص) بر آن آگاهی داشتند و نه پدران آنها.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لاءاباؤکم

حاکمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱

۱ خداوند برای یهودیان متمدّد مقدرّ ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربك لیبعثن علیهم إلى يوم القیمة من یسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). <بعث> (مصدر <لیبعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده

است. <سَوْم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

حاکمیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۴

۴ خطر فقر و بیچارگی برای مردم ، در صورت حاکمیت یهود بر آنان

ام لهم نصيب من الملك فاذا لا يؤتون الناس نقيراً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای <الملک> در آیه فوق فرمود: یعنی الامامه و الخلافه . . .

کافی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۰، ح ۲۹۹.

حتمیت کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۲

۳۲ اراده حتمی خداوند بر مجازات یهودیان و منافقان شتابنده در کفر

قالوا ءامنا بافواهم و لم تؤمن قلوبهم و من الذين هادوا . . . و من یرد الله

حرامخواری در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ بسیاری از یهود و نصارا، مردمی حرام خوار و دارای زبانی آلوده به گناه و سخنان ناروا

لولا ینهیهم . . . عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

۲ بازداري یهودیان و مسیحیان از آلودگی به گناه (گفتار های ناروا، حرام خواری و . . .)، تکلیفی الهی بر عهده عالمان

اهل كتاب

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

۳ سكوت و بى تفاوتى عالمان اهل كتاب ، در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار نارواى آنان

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

۴ ربانيون

و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توییح خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

حرامخواری رهبران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲۲

۲۲ حرامخواری حاکمان یهود ، به صورت رشوه

اكلون للسحت

از رسول خدا(ص) روایت شده: رشوه الحکام حرام و هی السحت الذی ذکر الله فی کتابه.

الدر المثور، ج ۳، ص ۸۱.

حرامخواری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲

۲ عالمان یهود در عصر پیامبر (ص) گوش سپارنده به شایعات دروغین و راغب به حرمخواری و رشوه گیری

سمعون لقوم ءاخیرین .. سمعون للکذب اکلون للسحت

برداشت فوق بر این مناسبت که دو صفت یاد شده درباره عالمان یهود باشد. توصیف عوام یهود در آیه قبل به <سمعون للکذب>، این مبنا را تأیید می کند، و <سحت> به معنای مال حرام است و از مصادیق مورد نظر آن، به مناسبت مورد، رشوه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع، تصاحب می کردند .

إن كثيراً من الأتجار و الرهبان ليأكلون أموال الناس بالباطل

حرامخواری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ رباخواری و حرامخواری یهودیان ، موجب محرومیت آنان از برخی طیبات *

فبظلم من الذین هادوا و حرّمنا علیهم الطیبت . . . و أكلهم أموال الناس بالباطل

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ رغبت فراوان یهود به حرامخواری و شنیدن دروغ ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب اكلون للسحت

صیغه مبالغه <سمعون> و <اكلون> دلالت بر رغبت فراوان دارد. در برداشت فوق دو خصلت یاد شده، وصف عموم یهودیان (عالمان و پیروان) آنان گرفته شده است.

حرص یهود به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۲ - یهود ، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

نکره آوردن <حیاه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حریصند.

۳ - روش و منش یهود ، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است؛ یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب،

دل بستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جمله <لتجدنهم...> استشهادی است برای جمله <لن يتمنوه> یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود؛ به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

۵ - اشتیاق یهود به زندگی دنیا، حتی از مشرکان فزونتر است .

و لتجدنهم أحرص الناس... و من الذين أشركوا

<من الذين > عطف بر <الناس > می باشد؛ یعنی: <و لتجدنهم أحرص من الذين أشركوا> می یابی آنها را که از مشرکان به زندگی در دنیا دل بسته ترند.>

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو يعمر الف سنة و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

حرص یهود به عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳، ۱۸

۱ - یهود، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

۸ - فرد فرد یهود، خواهان عمر طولانی هزار ساله هستند .

یود أحدهم لو يعمر الف سنة

<يعمر> از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن <أحدهم> به عنوان فاعل <یود> و استفاده نکردن از ضمیر

جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

حس گرای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

یسئلك أهل الكتب ان تنزل علیهم کتاباً من السماء . . فقالوا أرنا الله

حسادت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۹

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب . . بغیاً بینهم

حسد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (ص) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغیاً أن ینزل الله من فضله علی من یشاء من عباده

عبارت < أن ینزل الله . . > به تقدیر < لام > بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای < أن یکفروا ... من عباده >

چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر (ص)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد (ص) -

که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغِيًّا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

<بغياً> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است؛ برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغياً> مفعول^۳ به برای <أَنْ يَكْفُرُوا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۹، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ حسادت اهل کتاب (یهود)، نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدى ..) بنابراین مراد از <الناس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا .. يحسدون الناس

جمله <ام يحسدون ..> بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله فقد اتينا ال ابرهيم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا ..)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۴ اعطای قرآن

به پیامبر (ص) ، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله

از مصادیق <فضل> به قرینه ذیل آیه قرآن می باشد.

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالحبیب و الطاغوت . . . ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضلات الهی به پیامبر (ص)

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نسبتند و به آنان ضرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجه آن حضرت نخواهند کرد.

حسد یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۴

۴ - یهودیان و نصاری عصر بعثت ، بر ایمان مسلمانان رشک برده به آنان حسادت میورزیدند .

وَدَّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد ایمنکم کفاراً حسداً

مقصود از <اهل الکتب> به دلیل <وقالوا لن یدخل . . .> در آیه ۱۱۱، یهود و نصاراست.

حق ستیزی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یرکتون . . . ذلك بأن الله نزل الکتب بالحق

حق گرایان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ -

۲۲ وجود افراد اندکی انسانِ حق گرا در میان یهود عصر پیامبر (ص)

فلا يؤمنون إلا قليلا

حق ناپذیری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

أشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . . . و انهم لا يستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۹، ۱۰

۹ - پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم . . . أفلا تعقلون

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <وقد كان...> و یا عطف بر جمله <يسمعون...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۱

۱ - عالمان یهود ، به رغم آگاهی از دستورات تورات ، به آن عمل نمی کردند .

مثل الذين حملوا التوریه ثم لم يحملوها

حق ناپذیری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله

<لئن . . . > (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازداري منافقان و يهوديان حق ناپذير از شتاب در كفر ، خارج از محدوده رسالت پيامبر (ص)

يأيتها الرسول لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر

خطاب خداوند به پيامبر(ص) با عنوان رسالت (يايها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و يهوديان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذير ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر كفرشان غمگين بود

لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر . . . سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۴،۱۳

۱۳ يهوديان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . . . و انهم لا يستكبرون

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری يهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . . . و انهم لا يستكبرون

حيوانات چنگال دار در يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حيوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای يهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذين هادوا حرمنا . . . ذلك جزينهم بيغيهم

ختم قلب يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢

۶- قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۷- یهودیان کافر، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۰، ۱۹، ۱۲، ۱۱

۱۱ کفر یهود، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

۱۲ دل های یهود، دارای حجابی جلوگیری از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود، مایه تقدیر الهی، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

۲۰ دل های مهر خورده و در حجاب لجاج فرو رفته یهود، مانع گرایش آنان به اسلام

بل طبع الله علیها بکفرهم فلا يؤمنون إلا قليلا

خدا و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء

۴ یهودیان عصر پیامبر (ص) علی رغم ادعایشان هرگز منزّه نبودند و نزد خدا منزلتی نداشتند .

الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

۵ خداوند نخواسته است که یهودیان کفرپیشه ، از آلودگی ها پیراسته گردند و تزکیه شوند .

يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا ، همچون سایر مردمان ، مملوک و تحت حاکمیت خدا هستند ، نه فرزند وی و نه برخوردار از محبتی ویژه در پیشگاه او .

وقالت اليهود والنصرى نحن ابنوا الله .. و لله ملك السموت والارض

در برداشت فوق، جمله <لله ملك السموت ..> دلیل رد پندار یهود و نصارا (نحن ابنوا الله و احبوه) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۰

۲۰ خداوند ، ایجاد کننده دشمنی و کینه در بین یهود

والقىنا بينهم العداوة والبغضاء إلى يوم القيمة

خداشناسی ناقص یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۵

۵ - یهودیان ، فاقد معرفت و شناخت لازم به خدا و صفات او

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

خداشناسی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۳

۳ - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

و

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

خداشناسی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ - ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله .. كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

خرافات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۷

۱۷ خرافه گویی و جمود و تحجر یهود *

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْإِنسَانِ أَلَّا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان تأكله النار

۱ ظاهر جمله <الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْإِنسَانِ أَلَّا نؤمن لرسول>، این است که خداوند به ما دستور داده به کسی که فلان معجزه خاص را ندارد، ایمان نیاوریم، هر چند حقیقتاً پیامبر باشد. چون نگفتند <الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْإِنسَانِ أَلَّا نؤمن لمدعى الرّسالة>، و این معنا که به فرض نبوت، ایمان نیاورید اگر فلان معجزه خاص را نداشت، خرافه ای بیش نیست. ۲ بر فرض که چنین عهدی باشد، آنان باید بیندیشند که قربانی کذایی، معجزه ای است برای کشف صادق از کاذب، نه اینکه موضوعیت داشته باشد و اصرار به این معنا حاکی از جمود و تحجر یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۱، ۲۲

۲۱ رها ساختن مردم (یهود، نصارا و ...) از تکالیف شاق و زنجیرهای خرافات، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (ص)

الذی یجدونه .. یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

خطر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

يأيتها الذين ءامنوا إن كثيراً من الأحرار و الرهبان ليأكلون أموال الناس بالباطل

خطر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشدار برای مسلمانان

لا تتخذوا اليهود و النصرى أولياء بعضهم أولياء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر ، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است ، استفاده می شود که پیوند آنان ، پیوندی خطرناک برای مسلمین است .

خواسته علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۷

۷ عالمان ژرفنگر یهود ، خواسته نابجا از پیامبر اسلام (ص) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان (پیمان شکنی

، انکار آیات الهی و ...) بر حذر بودند .

يسئلك أهل الكتب .. لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون

خداوند در آیه ۱۵۳ تا آیه مورد بحث بهانه

گیریه‌ها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه <لکن> مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

خواسته های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۸

۸ - فرد فرد یهود ، خواهان عمر طولانی هزار ساله هستند .

یود أحدهم لو یعمر الف سنه

<یعمّر> از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن <أحدهم> به عنوان فاعل <یود> و استفاده نکردن از ضمیر جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲

۲ در آتش سوختن قربانی پیامبر (ص) ، شرط یهود برای ایمان به آن حضرت

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ .. حَتَّى يَأْتِينَا بَقْرَبَانٍ تَاكُلُهُ النَّارُ

<قربان> به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن به خداوند تقرب جوید و

قربانِ امت‌های گذشته، گاو، گوسفند و شتری بود که برای تقرب به خدا ذبح می شد (تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲،۵،۹

۲ آشکارا دیدن خداوند ، تقاضای نابجای یهودیان از موسی (ع)

فقد سألوا موسی أكبر من ذلك فقالوا أرنا الله جهره

۵ درخواست دیدن خداوند از سوی یهود ، درخواستی ظالمانه و موجب گرفتار شدن آنان به صاعقه

فقالوا أرنا الله جهره فأخذتهم الصعقه بظلمهم

۹ درخواست یهود از موسی (ع) (دیدن خدا) ، نابجاتر از درخواست آنان از پیامبر (ص) (نزول کتاب آسمانی بر آنان)

يسئلك أهل الكتب .. فقد سألوا موسی أكبر من ذلك

خود برترینی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

وقالت اليهود و النصری نحن ابناؤا الله .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه خداوند در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود

امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

خود برترینی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۷

۷ خود برترینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ٧٥ - ٨

٨ تضييع حقوق ديگران

توسط برخی از اهل کتاب (یهود)، ناشی از روحیه خودبرتربینی آنان

ذلك بائهم قالوا ليس علينا في الامين سبيل

خودفروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲

۲ - یهودیان، با کفرشان به قرآن و تورات، خود را به بدبهایی فروختند.

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله

<اشرء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن يكفروا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۳

۴۳ - یهودیان با آموزش سحرهای زیان آور، خویشان را تباه و بهای بدی را کسب کردند.

ماله في الآخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم

خوردنیهای حرام در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱،۲،۳

۱ خداوند خوردن گوشت حیوانات دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمننا كل ذی ظفر

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلك جزینهم بیغیهم

۳ خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و

استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرما علیهم شحومهما إلا ما حملت

<شحم> به معنی چربی و پیه است و <ظهر> یعنی پشت و <حوایا>، جمع <حویه>، به معنی روده است.

خیال پردازی عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۵،۷

۵ - حدس و گمان ، پایه و اساس تفکرات دینی عوام یهود

إن هم لا یظنون

۷ - پذیرش خیالات واهی به جای محتوای کتاب آسمانی و پایه قرار دادن حدس و گمان در تفکرات و معتقدات دینی ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از عوام یهود

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . و منهم أمیون . . . إن هم إلا یظنون

خیانت اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۲

۲۲ تلاش مستمر اکثریت یهود در عصر بعثت برای خیانت به پیامبر (ص) و اسلام

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

چون آیه فوق در بیان خیانتکاری بنی اسرائیل، پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده (و لاتزال تطلع . . .) معلوم می شود این خیانت درباره پیامبر(ص) و مسلمانان صورت می گرفته است.

خیانت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا ... اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل

جمله <ان تحكموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ؛ آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۱

۲۱ مراقبت مستمر پیامبر (ص) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

درخواست برهان از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) ، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

دروغگویی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۵

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی با رسول خدا (ص) ، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخیرین لم یأتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه

دروغگویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱

۱ - توصیه یعقوب (ع) بر ملازمت فرزندانیش بر آیین یهودیت ، از ادعای دروغین یهود

أم کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

<أم> منقطعه و متضمن معنای استفهام انکاری است. <شهداء> جمع شهید و به معنای حاضران می باشد و خطاب متوجه

یهودیان است. بنابراین <أم کنتم شهداء...> یعنی، شما یهودیان به هنگام مرگ یعقوب حضور نداشتید. (پس چگونه ادعا می کنید که او فرزندانش را به پایداری در آئین یهود سفارش کرد؟)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۳

۳ یهودیان ، بدعتگذار

و دروغپردازانی سخت ستمگر

قل فاتوا بالتوریه ... فمن افتری ... فاولئک هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۲

۲۲ دروغ بودن ادعای یهود در مورد ایمان به پیامبر (ص)، در صورت مشاهده معجزه درخواستی خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب)

قل قد جاءکم .. فلم قتلتموهم ان کتتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۱،۲

۱ یهود، داعیه دار نسبت‌هایی ناروا به خداوند، علی‌رغم علم و آگاهی به کذب و بطلان آن نسبتها

انظر کیف یفترون علی الله الکذب

ضمیر در <یفترون> به <الذین اوتوا الکتاب> برمی‌گردد، و مراد از آن به قرینه آیات گذشته یهودیان هستند.

۲ علم و آگاهی یهود به بطلان افتراهای خویش بر خداوند *

انظر کیف یفترون علی الله الکذب

چون افترا به معنای دروغ بستن است، آوردن کلمه <الکذب> برای تفهیم این معناست که یهودیان با اینکه می‌دانند مثلاً خداوند به آنها امتیازی نداده، آن را به خدا نسبت می‌دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۵، ۳۶، ۱۸، ۱۵

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر، مردمی دروغ پرداز، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی

سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و

شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخیرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

دشمن شناسی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۲

۲ عالمان یهود ، دشمن مسلمانان

الم تر الی الذین .. و الله اعلم باعدائکم

مراد از <اعداء> به قرینه آیه قبل و بعد، همان عالمان یهود هستند.

دشمنی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۷، ۲۳، ۲۱، ۲۰، ۱۹

۱۹ یهودیان ، گرفتار کینه و دشمنی با یکدیگر تا روز قیامت

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

۲۰ خداوند ، ایجاد کننده دشمنی و کینه در بین یهود

والقینا

بينهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمة

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کيفر و عقوبت دنیوی آنان

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمة

۲۳ دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا .. و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمة

جمله <و القینا ..> می تواند بیان پیامدی دیگر برای <لعنوا بما قالوا> باشد ؛ یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

۲۷ بقاء ملت و آیین یهود تا روز قیامت

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلى يوم القيمة

دشمنی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد کان فریق منهم .. و منهم أمیون لا یعلمون الکتب إلا امانی

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فریق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۳

۳ احبار (عالمان یهود) و راهبان (عالمان نصارا) سردمداران مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا احبارهم و رهنهم أرباباً .. یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <هم> در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفوههم> به احبار و راهبان بازگردد،

که در این صورت آیه

شریفه بیانگر یکی از مصداقهای <اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً> خواهد بود؛ بدین معنا که احبار و راهبان علیه قرآن و اسلام سخنان نادرست می گفتند و یهود و نصارا از آنان تبعیت کورکورانه و اطاعت محض داشتند.

دشمنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۴

۴ - یهود و نصارا، در صورت نپذیرفتن معارف ابلاغ شده به آنان (ایمان به قرآن، ایمان به همه پیامبران و...) از دشمنان و ستیزه جویان با اسلام و مسلمانان، تلقی خواهند شد.

فإن ءامنوا .. فقد اهتدوا و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

<شقاق> به معنای دشمنی و مخالفت کردن است. حرف <فی> می رساند که دشمنی و مخالفت یهود و نصارا با اسلام، سراسر وجود آنان را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۵

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند.

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلتهم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۳

۳ ناباوری مسلمانان صدر اسلام، نسبت به دشمنی یهود با آنان

الم تر . . . والله

آوردن <اعلم>، با صیغه افعال تفضیل، حکایت از ناباوری مسلمانان نسبت به دشمنی عالمان یهود با آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۴

۴ تحریف و تحلیل ناصواب گفته ها، نمونه ای از دشمنی یهود با مسلمانان

و الله اعلم باعدائکم... یحرفون الکلم عن مواضعه

جمله <یحرفون...> پس از بیان دشمنی یهود، به منزله دلیل و نشانه ای برای اثبات عداوت عالمان یهود نسبت به مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۹

۱۹ تحریف نشانه های پیامبر اسلام (ص) در تورات و به فراموشی سپردن آن توسط یهود *

یحرفون الکلم... و نسوا حظاً مما ذکرنا به

به احتمال اینکه مراد از <الکلم> و <ما ذکرنا به> به قرینه مقام، نشانه های پیامبر (ص) در تورات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ کینه و دشمنی دایمی یهود و مسیحیان با یکدیگر تا روز قیامت

و لقد اخذ الله ميثق بني اسرئيل... العداوه والبغضاء إلى يوم القيمة

بنابر اینکه ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۴، ۱۳

۱ یهودیان و مشرکان سرسخت ترین دشمن برای مسلمانان

لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا یهود و الذین اشركوا

۳ دشمنی یهود با مسلمانان بیش از دشمنی مشرکان با آنان است .

لتجدن اشد الناس عدوه

للذين ءامنوا اليهود و الذين اشركوا

تقديم ذكرى <يهود> بر <مشركان> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . . . و انهم لا يستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۷، ۴، ۲، ۱

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا ، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن) ، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

ضمیرهای جمع در <یریدون> ، <یطفئوا> و <بأفوههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الكتاب) بازمی گردد. قید <بأفوههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

۲ موضع گیری ها و تبلیغات سوء یهود و نصارا ، علیه اسلام به مثابه پفی ناچیز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهی

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهنهم أرباباً . . . یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

۷ اسلام ، همواره در معرض کینه و عداوت یهود و نصارا

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

با توجه به اینکه جمله <یریدون . . . > مفید استمرار است برداشت فوق استفاده می گردد.

دشمنی یهود با جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۵، ۱

۱ - عداوت و كينه توزى يهوديان با جبرئيل (ع)

من كان عدواً لجبريل

مراد از

<من کان> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

۵- نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید.

من کان عدواً لجبرئیل فإنه نزله علی قلبک یاذن الله

جمله <فانه...> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

۱۱- بازگشت دشمنی یهود با جبرئیل، به دشمنی با خداوند است.

من کان عدواً لجبرئیل فإنه نزله علی قلبک یاذن الله

هر یک از حقایق بیان شده در جمله <فانه نزله> تا <بشری للمؤمنین> پاسخی به یهود در ارتباط با کینه توزی آنان با جبرئیل است. قید <یاذن الله> بیان می دارد که جبرئیل به فرمان خدا، قرآن را برای پیامبر(ص) آورده است؛ پس اگر نزول قرآن مایه عداوت است باید شما یهودیان با خدا دشمنی کنید. بنابراین جواب جمله شرطیه <من کان...> چنین می شود: <فهو عدو الله>.

۱۲- دشمنی یهود با جبرئیل، در حقیقت دشمنی با تورات، دشمنی با مایه های هدایت بشر و دشمنی با پیام آور بشارت است.

فانه نزله... مصداقاً لما بین یدیه و هدی و بشری للمؤمنین

هر یک از توصیفهای <مصداقاً...> و <هدی> و <بشری للمؤمنین> همانند <یاذن الله> می تواند پاسخی نقضی به یهودیان کینه توز با جبرئیل باشد؛ یعنی، دشمنی کردن با آورنده قرآن - که دین و کتاب شما را تأیید می کند، مایه هدایت بشر است و به سعادت‌ها بشارت می دهد - در واقع دشمنی کردن با تورات و... است.

۱۳- نازل شدن قرآن

به فرمان خدا، دلیلی بر ناروایی عداوت یهود با جبرئیل است .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن الله

برداشت فوق بر این اساس است که قید <بإذن الله> پاسخی حلی در ارتباط با عداوت یهود با جبرئیل باشد، یعنی، او به فرمان خدا قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل کرد و کسی که فرمان خدا را اطاعت کند، نباید در نزد معتقدان به خدا مبعوض باشد.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک بإذن الله مصداقاً لما بین یدیه

<مصداقاً لما بین یدیه> (قرآن درستی تورات را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشمن جبرئیل، این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک ... هدی و بشری للمؤمنین

عبارت <هدی و بشری> نیز همانند <مصداقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۹

۹ - یهودیان، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من

كان عدواً لله .. و جبريل و ميكل فان الله عدو للكافرين

از مصداقهای <الكافرين> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

دشمنی یهود با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۱

۱۱ - بازگشت دشمنی یهود با جبرئیل ، به دشمنی با خداوند است .

من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك ياذن الله

هر يك از حقایق بیان شده در جمله <فإنه نزله> تا <بشرى للمؤمنين> پاسخی به یهود در ارتباط با کینه توزی آنان با جبرئیل است. قید <ياذن الله> بیان می دارد که جبرئیل به فرمان خدا، قرآن را برای پیامبر(ص) آورده است؛ پس اگر نزول قرآن مایه عداوت است باید شما یهودیان با خدا دشمنی کنید. بنابراین جواب جمله شرطیه <من كان ...> چنین می شود: <فهو عدو الله>.

دشمنی یهود با سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطين على ملك سليمان

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

دشنام در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۶

۱۶ - امام باقر (ع) فرمود: < هذه الكلمة سب بالعبرانية ، إليه كانوا يذهبون ؛

این کلمه (راعنا) به زبان عبری فحش است و آنان (یهود) این کلمه را به عنوان فحش استعمال می کردند.<

دعوت از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، یهودیان را به پذیرش اسلام و ایمان آوردن به قرآن فرا می خواند .

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله

فاعل <قيل> به قرینه <قل فلم تقتلون> (در ذیل آیه) پیامبر است / یعنی: و إذا قلت لهم ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۵

۵ - خداوند توسط پیامبر (ص) ، به یهود پیشنهاد کرد برای اثبات ادعای خود (این که آنان دوستان خدایند) ، آرزوی مرگ کنند .

قل یا أيها الذين هادوا.. فتمنوا الموت إن كنتم صدقين

دفع شر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۵

۵ - دفع شر یهودیان و نصرانیان از جامعه اسلامی ، وعده و نوید خداوند به پیامبر (ص)

فإنما هم في شقاق فسيكفيكهم الله و هو السميع العليم

دلایل اعراض یهود از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ - تبیین علل ایمان نیارودن جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام ، از اهداف تشریح سرگذشت آنان در قرآن

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم

آیه مورد بحث نتیجه است برای حقایق تاریخی مربوطه به بنی اسرائیل و خصوصاً یهود^۷ یعنی، آنان پس از مشاهده معجزه های فراوان و برخوردار شدن از نعمتهای الهی کفر ورزیدند^۸ به گوساله پرستی گرایش پیدا کردند و نسبت جهل و استهزا به موسی(ع) دادند. بنابراین انتظار ایمان آوردن به قرآن از آنان انتظاری

نا به جاست.

دلایل صداقت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۷

۷ - ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

دلایل کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل ... و لقد جاءكم موسى بالبينت ثم أتخذتم العجل

جمله <لقد جاءكم...> عطف بر <لم تقتلون...> در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

دلایل کفر یهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷

۷- نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا

نؤمن بما أنزل علينا

دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱،۲،۴

۱ تاریخ یهود ، شاهد نسلهایی دنیاگرا و معصیتکار

فخلف من بعدهم خلف ورثوا الکتب يأخذون عرض هذا الأذنی و يقولون

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند .

ورثوا الکتب يأخذون عرض هذا الأذنی و يقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الکتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند ؛ مدعی اعتقاد به آن بودند.

۴ دنیاگرایان یهود به گناه خویش (دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع) ، اصرار میورزیدند .

و إن یأتهم عرض مثله يأخذوه

جمله <و إن یأتهم ..> (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

دنیاطلبی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۶

۶ حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر

پیامبر (ص) به متاع دنیا

اکلون للسحت

صیغه مبالغه <اکلون> نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۶

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی (مال، ریاست، وجاهت و...) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۸

۸ تلاش احبار و راهبان، در بازداشتن مردم از راه خدا، در راستای دستیابی به مطامع دنیوی خویش

ليأكلون أموال الناس بالباطل و يصدون عن سبيل الله

با توجه به ارتباط و پیوستگی <یصدون> با <یاکلون> برداشت فوق استفاده می شود.

دنیاطلبی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

ولا تشتروا بآیتی ثمناً قليلا

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶،۷

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا، همکیشان

خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون .. أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا بالآخره

۷- یهودیان برای رسیدن به مزایای دنیوی ، آخرت و نعمت های آن را از دست دادند .

أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا بالآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۶، ۶

۶- دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس على حيوه

۱۶- خداوند ، ناظر بر رفتار و کردار برخاسته از دنیاپرستی یهود است .

و الله بصير بما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸

۴۸- ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی ، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق و لبئس ماشرؤا به أنفسهم لو كانوا يعلم

کسی که بداند با دستیابی به منافع نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا ..) ولی در عین حال به زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو كانوا يعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

دنیاطلبی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۵

۵- یهودیان عصر بعثت ، به دلیل وابستگی به دنیا و فسق پیشگی زمینه های ایمان و تقوا را از دست داده بودند .

لبئس ما شروا به أنفسهم . . . و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عند الله خير

به کارگیری <لو> امتناعیه در جمله <لو أنهم . . . > می نمایاند

که: ایمان آوردن یهود و پرهیز از گناهانی همانند سحر، امری مشکل یا ممتنع بوده است. آیات پیشین - که سخن از دل‌بستگی شدید یهود به دنیا و فاسق بودن آنان داشت - می‌تواند بیانگر علت به وجود آمدن این روحیه در ایشان باشد.

دنیاگرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴۸

۴ عالمان یهود، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

ان الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم

با توجه به شأن نزول، مقصود از <عهد الله>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

۸ محرومیت عالمان یهود، سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان، از بهره های اخروی

ان الذین یشترون... اولئک لا خلاق لهم فی الاخره

دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۷، ۴، ۳، ۲

۲ حرمت ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا

لا تتخذوا الیهود و النصری اولیاء

در برداشت فوق <ولی> به معنای دوست که یکی از معانی آن است، گرفته شده است.

۳ یهود و نصارا، مردمی غیر قابل اعتماد و ناشایست برای برقراری روابط دوستی مسلمانان با آنان

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء

کلمه <اتخاذ> به معنای برگزیدن و اعتماد کردن است. (مجمع البیان).

۴ ناسازگاری ایمان با ایجاد پیوند دوستی و مودت با یهود و نصارا

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى اولياء

مخاطب قرار دادن مسلمانان با عنوان اهل ايمان

و سپس نهی از ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا، گویای برداشت فوق است.

۸ پابند بودن یهود و نصارا به تعهدات خویش نسبت به مسلمانان، فلسفه حرمت ایجاد روابط با آنان

لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء بعضهم اولیاء بعض

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من یتولهم منکم فانه منهم إِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰلِمِیْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۳، ۲۰، ۱۴، ۱۳

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یقولون نخشی ان تصینا دائره

۱۴ مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار، بهانه بیمار دلان برای دوستی با یهود و نصارا

یقولون نخشی ان تصینا دائره

<دائره> از مصدر <دوران> (چرخیدن) است؛ که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده؛ چون چرخش روزگار احياناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

۲۰ پشیمانی، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یسرعون فیهم .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

۲۳ نزول عذاب الهی بر دشمنان دین، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل بستگی به یهود و نصارا

او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <امر>، عذاب دنیوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱، ۲

سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا باللّٰه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <هولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد؛ یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

۲ ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا باللّٰه جهد ایمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله <اهولاء ..> حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر(ص)، رسوا شده و به ذلت افتادند؛ بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵،۱۱

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من یتولهم منکم فانه منهم .. یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نهی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض .. یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

۱۱ دوستی با کافران (یهود و نصارا و ...)، ناسازگار

با عشق به خداوند

و من يتولهم منكم .. فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات گذشته، معلوم می شود که توصیف مؤمنان واقعی به ویژگیهای یاد شده برای اشاره به این حقیقت است که مدعیان اسلام در صورت گرایش به کافران (من يتولهم منكم) نمی توانند آن ویژگیها و از جمله محبت و عشق به خدا را دارا باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۱،۳،۶

۱ - منافقان ، دارای روابط دوستانه با یهودیان

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

<تولّی> (مصدر <تولّوا>) به معنای دوست گرفتن است و مراد از <قومی که خدا بر آنان غضب کرده است>، قوم یهود می باشد.

۳ - روابط دوستانه منافقان با یهود ، از نشانه های روشن و قابل توجه نفاق آنان

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

۶ - منافقان ، عناصری بیگانه ، هم با مسلمانان به رغم ادعای مسلمانی و هم با یهودیان به رغم برقرار کردن روابط دوستی با آنان

ما هم منكم و لا منهم

دوستی مسلمانان صدراسلام با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۴

۴ - روابط دوستانه برخی از مسلمانان صدراسلام با یهودیان

يأيتها الذين ءامنوا لاتتولّوا قوماً غضب الله عليهم

چنان که در بعضی شأن نزول ها آمده است، آیه شریفه ناظر به جریان خارجی می باشد.

دوستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۶

یهود و نصارا، تنها با یکدیگر و همکیشان خویش روابط دوستی داشته و به آن وفادار هستند .

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء بعضهم اولیاء بعض

چون جمله <بعضهم اولیاء بعض> به منزله دلیل برای جمله <لاتتخذوا ..> است، معنای حصر از آن استفاده می شود.

دین سازی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۸، ۹، ۵، ۶

۵ - گروهی از عالمان یهود، افکار تحریر یافته خویش را حقایقی (معارف، احکام و ...) از جانب خدا قلمداد نموده، به مردم ارائه می کردند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عند الله

<بأیدیهم> (با دستهای خود)، تأکید بر این است که عالمان یهود آنچه را به عنوان کتاب الهی می نوشتند، ساخته و پرداخته خود آنان بود، همانند جمله های <یقولون بأفواههم> و <نظرتہ بعینی ..> و

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی (مال، ریاست، و جاهت و ...) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلاً

۸ - گروهی از عالمان یهود، مردمانی بدعتگذار و دین ساز بودند .

فویل للذین یکتبون الکتب بأیدیهم

۹ - عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فویل للذین یکتبون الکتب .. فویل لهم مما کتبت أیدیهم

دین فروشی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۴

دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لا تشتروا بایتی ثمناً قليلاً

دین فروشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حَقانیت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الكتب لمن... لا يشترون بايات الله ثمناً قليلاً

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۶

۶ - آیین یهود، نصارا و صابنان، از ادیان الهی و آسمانی است.

إن الذين ءامنوا... و الصبئين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۴،۵

۴ سهولت شریعت عیسی (ع)، در مقایسه با شریعت موسی (ع)

و لآحلّ لكم بعض الذی حرّم علیکم

۵ وعده عیسی (ع) به بنی اسرائیل، در برداشتن حرمت برخی از محرّمات شریعت موسی (ع)

و لآحلّ لكم بعض الذی حرّم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۸

۸ اهمیت ویژه آیین موسی و عیسی و کتاب نازل شده بر آنها (تورات و انجیل)

و ما اوتی موسی و عیسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۹

۱۹ اسلام ، برترین

آیین در میان سایر ادیان (دین یهود و نصارا) برای سعادت بشر

و لو أمن من اهل الكتب لكان خيراً لهم

بنابر اینکه <خیر> برای تفضیل باشد و مُفَضَّل علیه، آیین خود اهل کتاب و مفضَّل، اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۴

۲۴ یهودیان ، مسیحیان و مسلمانان ، هر کدام دارای آیین و شریعتی خاص

لكل جعلنا منكم شرعه و منهاجاً

با توجه به آیات گذشته که درباره یهودیان، مسیحیان و مسلمانان سخن داشت، می توان گفت خطاب در <منکم> متوجه همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۳

۳ آیین یهود ، نصارا و صابئین ، از ادیان رسمی و الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبِئُونَ وَالنَّصِرَى .. فَلَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ

درباره آیین صابئینها نظرات مختلفی بیان شده است، علامه طباطبایی در تفسیر <المیزان> پس از اشاره به اقوالی گوناگون تأیید می کند که آیین صابئین آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیه بوده است.

ذلت دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۳، ۲۰، ۱۹

۱۹ - سزای یهودیانی که پیمان های الهی را نقض کردند ، خواری و خفت در دنیاست .

إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ .. فَمَا جَزَاءٌ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

<ذلک> اشاره به همه کارهایی است که آیه شریفه از یهودیان نقل کرد و آنها را ناپسند شمرد؛ از جمله: پاییند نبودن به

پیمانهای الهی، کشتن همکیشان و . . .

۲۰ - گرفتار شدن

به خواری و ذلت در دنیا، سزای یهودیانی است که همدیگر را کشتند و همکیشان خو را از دیارشان بیرون راندند .

تقتلون أنفسکم .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

۲۳ - سزای یهودیانی که کتاب آسمانی را تبعیض کردند (به برخی از تورات عمل کرده و برخی را وانهادند) ، خفت و خواری در دنیا است .

أفتؤمنون ببعض .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۲،۴۵

۴۲ خواری و رسوایی در دنیا و عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا اءامننا بافواههم .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

ذلت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵

۱۳ برتری پیروان حضرت عیسی (ع) بر یهودیان تا روز قیامت

و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۲۱، ۹، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ ذلّت همیشهگی اهل کتاب (یهود) ، سرنوشت محتوم آنان

ضربت عليهم الذلّة أين ما ثقفوا

۲ به ذلّت کشانیدن اهل کتاب (یهود) در هر زمان و مکان ، وظیفه اهل ایمان

ضربت عليهم الذلّة أين ما ثقفوا

بنابر اینکه جمله <ضربت عليهم .. > ، به قرینه استثنای <إلا بحبل ... > و جمله <این ما ثقفوا> ، تعیین وظیفه باشد، و نه اخبار از یک امر خارجی.

۳ رهایی اهل کتاب (یهود) از ذلّت ، در گرو رابطه با خدا یا وابستگی به دیگر مردمان

ضربت عليهم الذلّة .. إلا بحبل من الله و حبل من الناس

جمله <حبل من الناس> ، بنابر احتمالی وابسته شدن به مردمان و عدم استقلال معنا شده است.

۴ اهل کتاب (یهود) ، همواره مبتلا به ذلت یا وابستگی و عدم استقلال

ضربت عليهم الذلّة .. إلا بحبل من الله و حبل من الناس

۹ درماندگی و ناتوانی شدید اهل کتاب (یهود) ، سرنوشت محتوم آنان

و ضربت عليهم المسكنه

۲۱ تقویت روحیه اهل ایمان ، با بیان وضعیّت نکبت بار و ننگین اهل کتاب (یهود)

و إن یقتلوکم .. ثم لا ینصرون. ضربت عليهم الذلّة أين ما ثقفوا إلا بحبل من ال

بیان ذلّت و مسکنت یهود، پس از اشاره به ستیزه جویی آنان، می تواند برای تقویت روحیه اهل

ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۳

۳ یهود و نصارا در عصر پیامبر (ص)، شوکت خویش را از دست دادند و به ذلت و خواری کشیده شدند.

اهولاء الذین اقسما بالله جهد ایمنهم انهم لمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۳

۳ ذلت و خواری یهودیان با مسلط ساختن مردمی بر آنان، پرتوی از ربوبیت خدا بر پیامبر (ص) و در راستای تقویت و گسترش آیین وی

و إذ تأذن ربک

برداشت فوق از کلمه <رب> و اضافه شدن آن به ضمیری که برای خطاب به پیامبر(ص) به کار رفته، استفاده شده است.

ذلت یهود متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۰

۱۰ تقدیر الهی بر ذلت یهودیان متمرّد، امری عبرت آموز و شایان به یاد داشتن

و إذ تأذن ربک لیبعثن

برداشت فوق با توجه به فعل مقدّر <أذکر> استفاده شده است؛ یعنی: <أذکر إذ تأذن ربک ... >

رباخواری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۰، ۹، ۲، ۱

۱ حرمت رباخواری بر یهود

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

۲ یهود مردمی رباخوار علی رغم آگاهی به حرمت آن

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

۹ رباخواری و تصرف نابحق یهودیان در اموال مردم ، موجب تحریم برخی از حلال های پاکیزه بر ایشان

حرّمنا علیهم . . . و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

و أكلهم أموال الناس

۱۰ رباخواری و حرامخواری یهودیان ، موجب محرومیت آنان از برخی طیبات *

فبظلم من الذین هادوا و حرّمنا علیهم الطیبت . . . و أكلهم أموال الناس بالبطل

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد.

رذایل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۴،۵

۴ یهودیان با اسباب غیر مشروع و باطل اموال دیگران را تصاحب می کردند .

و أكلهم أموال الناس بالبطل

کلمه <باء> در <بالبطل> سببیه است و مراد از <اموال الناس> می تواند ثروتهای متعلق به جامعه همانند معادن، جنگلها و ... باشد و می تواند مقصود از آن داراییهای شخصی دیگران باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است گفتنی است مراد از <اکل> خصوص خوردن نیست بلکه هر نوع تصرفی منظور است.

۵ یهودیان با اسباب باطل و غیر مشروع اموال عمومی و متعلق به جامعه را تصاحب می کردند .

و أكلهم أموال الناس بالبطل

بدان احتمال که مراد از <اموال الناس> اموال عمومی که متعلق به همه مردم است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸

۸ خواسته های نابجا ، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباوری ایشان نسبت به تعالیم دین

یسئلك أهل الكتب . . . لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون

توصیف صالحان یهود با عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۷

۷ - کافران به اسلام (یهودیان ، مسیحیان ، مجوسیان و مشرکان) ، شرورترین مردم و بدترین مخلوقات اند .

الذین كفروا من أهل الكتب و المشركين .. أولئك هم شر البریه

<بریه> (فعيله به معنای مفعوله) با کلمه <بری> (به وزن <عصا> یعنی، خاک) هم خانواده است و تمام خاکیان، از جمله بشر را شامل می شود (مصباح و مفردات). برخی گفته اند: این کلمه با فعل <بَرَّءَ> (به معنای <خَلَقَ>) هم خانواده است و بر تمام مخلوقات تطبیق می کند.

رشوه خواری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲،۵

۲ عالمان یهود در عصر پیامبر (ص) گوش سپارنده به شایعات دروغین و راغب به حرمخواری و رشوه گیری

سمعون لقوم ءاخريين .. سمعون للكذب اكلون للسحت

برداشت فوق بر این مناسبت که دو صفت یاد شده درباره عالمان یهود باشد. توصیف عوام یهود در آیه قبل به <سمعون للكذب>، این مبنا را تأیید می کند، و <سحت> به معنای مال حرام است و از مصادیق مورد نظر آن، به مناسبت مورد، رشوه می باشد.

۵ رشوه خواری عالمان کفرپیشه یهود برای پذیرش و تأیید دروغپردازی های رشوه دهندگان

لقوم ءاخريين .. سمعون للكذب اكلون للسحت

ذکر رشوه خواری عالمان یهود پس از توصیف آنان به دروغ پذیری، بیانگر آن است که آنان برای پذیرش و تأیید دروغهای بافته شده توسط گروهی از یهودیان رشوه می گرفتند.

رشوه خواری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲۲

۲۲ حرامخواری حاکمان یهود ، به صورت رشوه

اکلون للسحت

از رسول خدا(ص) روایت شده: رشوه الحکام حرام و هی السحت الذی ذکر الله فی کتابه.

الدر المثنور، ج ۳، ص ۸۱.

روزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۵

۲۵ بهره مندی یهود و نصارا از نعمت های بیکران خداوند ، در گرو برپا داشتن حکومت و ولایت الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل ... لا کلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: الولایه.

کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰، ح ۴۸۵.

روش احتجاج با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۱

۱ - رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، در احتجاج با یهودیان

قل یا ایها الذین هادوا

روش برخورد با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الى الذين .. ان تضلوا السبيل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

روش برخورد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۶،۷،۸،۱۴

۶ بی اعتنایی و پشت گوش انداختن گفته های یهود ، اتهام آن به پیامبر (ص)

من الذين هادوا .. يقولون ...

واسمع غیر مسمع

بر این مبنا که <غیر مسمع> اخبار باشد، نه نفرین. و جمله <اسمع غیر مسمع> بدین معناست: ای پیامبر سخنان ما را بشنو، اگر چه تاکنون نسبت به گفته ها و سخنان ما ناشنوا بودی و اعتنایی بدانها نداشتی.

۷ درک نمودن گفته های یهود، تهمت آنان به پیامبر (ص)

واسمع غیر مسمع

برداشت فوق بر این مناسبت که شنیدن به معنای درک کردن باشد. یعنی درک کن و بفهم آنچه را ما می گوئیم؛ اگر چه تاکنون سخنان ما را درک نکردی و نفهمیدی.

۸ توهین و نفرین برخی از یهودیان به پیامبر (ص) در ضمن سخن با آن حضرت

من الذین هادوا .. واسمع غیر مسمع

<غیر مسمع> در برداشت فوق به معنای انشایی آن گرفته شده است. و مفهوم آن چنین است: خدا تو را کر و ناشنوا قرار دهد. و یا: خدا تو را نفهم گرداند.

۱۴ به کارگیری کلمات دو پهلو و چند معنی، شیوه برخی از یهودیان برای استهزای پیامبر (ص) و طعن بر اسلام

واسمع غیر مسمع .. راعنا لئلا بالسنتهم و طعناً فی الدین

کلمه <مسمع>، از مصدر اسماع، دارای دو معنای متضاد است: یکی شنیدن و فهمیدن و دیگری دشنام دادن و ناسزا گفتن. و جمله راعنا با اندکی انحراف زبان می تواند معنای <چوبان ما> را به ذهن شنونده القا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۷

۷ معرفی پیامبر (ص) به عنوان عامل شرور، از روش های ایدایی و تبلیغی منافقان و یهود

علیه آن حضرت

ان تصبههم سیئه یقولوا هذه من عندك

برخی از مفسران با توجه به شأن نزول آیه گفته اند که مقصود از ضمیر <تصبههم>، منافقین و یهودیان هستند که حوادثی چون قحطی و خشکسالی را به پیامبر (ص) منتسب می کردند و از این راه علیه او تبلیغ می کردند.

روش تبلیغ علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تحفون کثیرا

روش مبارزه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۳، ۱۷

۱۳ - یهودیان برای مبارزه با پیامبر (ص) علاوه بر انکار بشارت های تورات، از سحر و جادو مدد می گرفتند.

نبذ فریق .. کتب الله وراء ظهورهم ... واتبعوا ما تتلوا الشیطین

در آیه قبل گذشت که جمله <نبذ فریق> پس از <لما جاءهم> می رساند که: یهود به خاطر اینکه بتوانند رسالت پیامبر(ص) را انکار کنند بشارتهای تورات را درباره آن حضرت، نادیده گرفتند. عطف جمله <اتبعوا...> بر <نبذ فریق> نیز اقتضا می کند که دنبال کردن سحر به همین منظور بوده است.

۱۷ - یهودیان، تعالیم هاروت و ماروت را دنبال کرده و آنها را در جهت مبارزه با پیامبر به کار گرفتند.

اتبعوا ما تتلوا .. و ما أنزل علی الملکین ببابل هروت و مروت

<ما أنزل> عطف بر <ما تتلوا ..> است یعنی: اتباعوا ما تتلوا

الشیاطین و اتبعوا ما أنزل علی الملکین.

رهبران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵۲

۵۲ پیشوایان یهود (ربانیون) ، دارای جایگاهی پایینتر از انبیا و منزلتی برتر از علمای یهود (احبار)

یحکم بها النبیون ... للذین هادوا و الربنیون و الاحبار

از امام صادق (ع) روایت شده که آن حضرت پس از تلاوت آیه فوق فرمود: فهذه الائمة دون الانبياء الذين يريون الناس بعلمهم و اما الاحبار فهم العلماء دون الربانيين ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۱۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۳۴، ح ۲۰۶.

ریاست طلبی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۶

۶ - دستیابی به متاع های دنیوی (مال ، ریاست ، وجاهت و ...) هدف عالمان یهود از ارائه خود ساخته ها به عنوان کتاب آسمانی

لیشتروا به ثمناً قليلاً

زکات در دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و يؤتون الزكوة

زمینه بغض در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود ، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم . . . طغیاناً و کفراً و القینا بینهم العدو و البغضاء

زمینه توجیه گری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶

۶ - ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

زمینه دشمنی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و ليزيدن كثيراً منهم .. طغيناً و كفراً و القينا بينهم العداوة و البغضاء

زمینه دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۴

۴ سستی ایمان زمینه گرایش به یهود و نصارا و طرح دوستی با آنان

فتري الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

مراد از بیماردلان، کسانی هستند که نسبت به حقانیت پیامبر(ص) و یا برخی از معارف دین در شک بوده و ایمانی ضعیف دارند.

زمینه طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر (ص)، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و ليزيدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفراً

زمینه علاقه به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۴

۴ سستی ایمان زمینه گرایش به یهود و نصارا و طرح دوستی با آنان

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

مراد از بیمار دلان، کسانی هستند که نسبت به حقانیت پیامبر(ص) و یا برخی از معارف دین در شک بوده

و ایمانی ضعیف دارند.

زمینه کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر (ص)، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۸

۸ - اهل کتاب (یهود و نصارا)، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان، در زمره کافران اند.

الذین کفروا من أهل الکتاب

زمینه گمراهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم یقولون هذا من عند الله لیشتروا به ثمناً قليلاً

زمینه گناه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۸

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند

يأخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا

زندگی دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی ، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست .

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

<أن يعمر> بدل برای <هو> و یا فاعل برای <مزحزح> است. مآل هر دو به یک معناست؛ معنای جمله <ما هو...> چنین است:

یهودیان [بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند] آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

زندگی سخت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱،۲،۶

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدرّ ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربك ليعيثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). <بعث> (مصدر <ليعيثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سوم> (مصدر <يسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران، به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربك ليعيثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمرّدان و فاسقان ستم پیشه

ليعيثن عليهم .. إن ربك لسريع العقاب

زهد علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۱

۳۱ احبار و ربانیون، عالمانی خداترس، بی طمع و دل بریده از دنیا

الربنيون و الاحبار .. فلاتخشوا الناس و اخشون

زیانکاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴۶ - یهودیان ، ناآگاه به سودای زیانبار خویش (از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع

(سحر)

لبئس ماشرؤا به أنفسم لو كانوا يعلمون

مفعول <يعلمون> - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است^۲ یعنی، ای کاش! می دانستند که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

ساختار اجتماعی یهود صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۳

۳ یهود و نصارا، در عصر پیامبر (ص) به گروههایی با گرایش های مختلف، تقسیم شده بودند .

والذین ءاتینهم الکتب یفرحون . . . و من الأحزاب من ینکر بعضه

<حزب> چنان چه از <لسان العرب> استفاده می شود به مردمی که دارای اندیشه و رفتاری مشابهند گفته می شود. <ال> در <الأحزاب> عهد ذکری و اشاره به <الذین...> (یهود و نصارا) دارد. بنابراین آنان در عصر بعثت به چند حزب که هر یک عقاید و گرایشهای متفاوتی داشتند، تقسیم شده بودند.

سختی تکالیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۲

۲- تنها یهود از میان سایر امت ها، موظف به انجام تکالیفی فزون تر و دشوارتر بودند .

و علی الذین هادوا حرمنا

جار و مجرور <علی الذین> متعلق به فعل <حرمنا> است و تقدیم آن بر فعل مفید حصر است.

سرزش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون

جمله <الم تر .. > دارای

لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

سرزنش احترام به علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۲

۲ توبیخ یهود و نصارا از سوی خدا، به خاطر ارج نهادن به پیشوایان دینی خود (احبار و راهبان) تا حد پروردگاری

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون الله

سرزنش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۴

۴ ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و

گفتار ناروای آنان

لولا ينهيم الربنيون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۲

۲ - نکوهش شدید عالمان یهود، از سوی خداوند

مثل الذين حملوا التوریه ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل أسفاراً

سرزنش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۳

۳- یهود مورد توبیخ و سرزنش خداوند، به خاطر محدود پنداشتن علم و آگاهی او

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۳

۳- یهود، مورد توبیخ و سرزنش خداوند به جهت عهدشکنی و نقض پیمان های الهی

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم

استفهام در >أو كلما .

..< انکار توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۳

۳ سرزنش اهل کتاب (علمای یهود و نصارا) به خاطر محاجّه و انتساب ناآگاهانه ابراهیم (ع) به یهودیت و نصرانیت

فلم تحاجون فیما لیس لکم به علم

آنچه یهودیان و نصارا بدان علم نداشتند و درباره آن احتجاج می کردند، انتساب ابراهیم به یهودیت و نصرانیت بوده و لذا به خاطر آن، سرزنش شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۴

۲۴ سرزنش یهود از سوی خداوند به جهت بهانه جویی و ادعا های واهی

الذین قالوا انّ الله... فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۵

۵ یهود ، مورد سرزنش خداوند به خاطر نسبت های ناروا به خداوند

انظر کیف یفترون علی الله الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۳

۳ اگر یهودیان در حکومت بر هستی نقشی داشتند ، هیچ پیشیزی به مردم نمی دادند .

ام لهم نصیب من الملك فاذا لا یؤتون الناس نقیراً

کلمه <نقیراً> به معنای چیزی است که پرنده ای با منقار خویش برمی گیرد و کنایه از چیز حقیر و اندک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۸

۸ یهودیان و مسیحیان دلگرم به یاری و همگامی مسلمانان سست ایمان ، مورد ملامت مؤمنان پس از پیروزی

و

يقول الذين ءامنوا اهولاء الذين اقساموا .. انهم لمعكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ توبيخ يهود و نصارا از جانب خداوند ، به خاطر ادعای دروغين فرزند بودن عزيز و مسيح برای خدا

و قالت اليهود عزيز ابن الله .. انى يؤفكون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۲

۲ توبيخ يهود و نصارا از سوى خدا ، به خاطر ارج نهادن به پيشوايان دينى خود (احبار و راهبان) تا حد پروردگارى

اتخذوا احبارهم و رهنهم ارباباً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - يهود و نصارا مورد نکوهش خداوند ، به خاطر بى تفاوتى شان در برابر تذکارها و رهنمود های تورات و انجيل

و لا يکونوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل

مراد از <الذین اوتوا الکتاب> پيروان موسى (ع) و عيسى (ع) است. برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، به مسلمانان هشدار می دهد که مبدا مانند يهود و نصارا شوند.

سرزنشهای يهود دوران مريم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۲۸ - ۱

۱- قوم مريم با بيان عفت و پاکدامنى پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدن بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغياً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۰۹

ذَلَّتْ هَمِيشْكَى اهل كتاب (يهود) ، سرنوشت محتوم آنان

ضربت عليهم الذلّه أين ما ثقفوا

۹ درماندگی و ناتوانی شدید اهل کتاب (يهود) ، سرنوشت محتوم آنان

و ضربت عليهم المسكنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدرّ ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلی يوم القيمه من يسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). <بعث> (مصدر <ليعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سوم> (مصدر <يسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

سکوت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۴،۱۰

۴ ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

۱۰ سکوت عالمان یهود و نصارا در برابر منکرات جامعه خویش ، بسیار زشت و ناپسند

لبس ما كانوا يصنعون

ظاهراً مراد از ضمیر در <كانوا> و <يصنعون>، <ربانیون> و <احبار> می باشد نه توده اهل کتاب ؛ قابل ذکر است که

در برداشت فوق مراد از <ما>ی موصوله، سکوت عالمان اهل کتاب در برابر گناهان دانسته شده است.

سوء استفاده

علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۶

۱۶ - سوء استفاده عالمان یهود ، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

سوگند یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱

۱ سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذين اقساموا بالله جهد ايمنهم انهم لمعكم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <هولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد ؛ یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

شایعه سازی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا يحزنك الذين يسرعون .. سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخريين

شبهه افکنی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - > و قيل كتابتهم بأيديهم انهم عمدوا إلى التوراه و حرفوا صفه النبى (ص) ليوقعوا الشك بذلك للمستضعفين من اليهود و هو المروى عن ابى جعفر (ع) ;

از امام باقر(ع) روایت شده كه: >علمای يهود به سراغ تورات رفتند و اوصاف

حضرت محمد(ص) را در آن تغییر دادند تا به این وسیله در دل مستضعفان فکری یهود، شک ایجاد کنند.

شبهه افکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه . . . أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... وَد کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

شجاعت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۳

۳۳ پیامبران، ربانیون و احبار، الگوهای خدا ترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . . . فلا تخشوا الناس و اخشون

شخصیت مریم(س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۹

۹- مریم (س) و خاندان او، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

یاخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

شخصیت نیاکان مریم(س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۹

۹- مریم

(س) و خاندان او، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

يَأْخُذُ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ بَعِيًّا

شرارت يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۷

۷ - کافران به اسلام (یهودیان، مسیحیان، مجوسیان و مشرکان)، شرورترین مردم و بدترین مخلوقات اند.

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ وَالْمُشْرِكِينَ... أُولَئِكَ هُمُ الشَّرَّاءُ الْبَرِيَّةُ

<بریه> (فعيله به معنای مفعوله) با کلمه <بری> (به وزن <عصا>; یعنی، خاک) هم خانواده است و تمام خاکیان، از جمله بشر را شامل می شود (مصباح و مفردات). برخی گفته اند: این کلمه با فعل <بَرَّءَ> (به معنای <خَلَقَ>) هم خانواده است و بر تمام مخلوقات تطبیق می کند.

شرایط رستگاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۴

۲۴ رستگاری همگان، حتی یهود و نصارا، در گرو ایمان به پیامبر (ص)، دفاع از او در مقابل دشمنان و تقویت وی در پیشبرد رسالت است.

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَزَّرُوا وَنَصَرُوا... أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

<تعزیر> به معنای یاری کردن با شمشیر است. بنابراین <الذین... عزروه> کسانی هستند که از پیامبر در مقابل هجوم دشمنان دفاع می کنند. <نصر> به معنای مطلق یاری کردن است، ولی چون <نصروه> در مقابل <عزروه> قرار گرفته، مراد از آن یاری دادن در غیر مسائل دفاعی است.

شرایط رضایت یهود از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۴ - خشنودی و رضایت یهود از پیامبر (ص)، در گرو پیروی او از آیی یهودیت بود.

و لن ترضی عنک الیهود .. حتی تتبع ملتهم

<مله> به معنای دین و آیین است.

شرایط هدایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا، تا آن گاه که به قرآن و تمامی پیامبران و همه کتاب های آسمانی ایمان نیاوردند، هدایت یافته نیستند.

فإن ءامنوا بمثل ما ءامنتم به فقد اهتدوا

مراد از ضمیر فاعلی در <ءامنوا> و <اهتدوا>، به دلیل آیه ۱۳۵، یهود و نصارا هستند.

شرک ربوبی یهود دوران عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۳

۳ - یهودیان در عصر عیسی (ع)، گرفتار شرک در ربوبیت و دور ماندن از پرستش پروردگار یگانه

إنّ الله هو ربّی و ربّکم فاعبدوه

از تأکید عیسی (ع) بر ربوبیت الهی، مطلب بالا استفاده می شود.

شرک عبادی یهود دوران عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۳

۳ - یهودیان در عصر عیسی (ع)، گرفتار شرک در ربوبیت و دور ماندن از پرستش پروردگار یگانه

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

از تأکید عیسی (ع) بر ربوبیت الهی، مطلب بالا استفاده می شود.

شرك علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۴

۴ شرك برخی از اهل کتاب (علمای یهود) ، علی رغم

بهره مندی آنان از کتاب های آسمانی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

جمله <اوتوا نصيباً .. > می تواند اشاره به علت سرزنش و اعتراضی باشد که از جمله <الم تر ... > به دست می آید. یعنی چگونه است که از کتاب خداوند بهره مند هستند، ولی کافر و مشرک می شوند.

شرك يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا، منحرف از حق، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين

بنابراینکه جمله <و لكن كان .. >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۶

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

يؤمنون بالجبت والطاغوت .. ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ یهود و نصارا، مردمانی شرک پیشه

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون الله .. سبحانه عما يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ یهود و نصارا ، مردمانی شرک پیشه

اتخذوا أحبارهم ورهبانهم أرباباً .. و لو کره المشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۹

گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ينكر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله ولا أشرك به

چون جمله <قل إنما أمرت ..> که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته است ، معلوم می شود این گروه ها به پرستش غیر خدا و شرک در عبادت روی آورده بودند.

شکست یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۷

۷ خبر غیبی قرآن از شکست قریب الوقوع یهود عصر پیامبر (ص)

قل للذين كفروا ستغلبون

بنابراینکه منظور از <للذين كفروا>، یهودیان باشند؛ چنانچه در شأن نزول آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴، ۱۱

۱۱ وعده خداوند به عیسی (ع) در مورد غلبه پیروان راستین آن حضرت بر کافران (یهودیان) تا قیامت

و جاعل الذين اتبعوك فوق الذين كفروا الى يوم القيمة

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذين اتبعوك

احتمالاً مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود؛ چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده بود. و مراد از <الذين كفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۴، ۷

۴ شکست و فرار، فرجام رویارویی و نبرد اهل کتاب (یهود) با مسلمانان

وإن يقتلوكم يولّوكم الأديبار

اهل کتاب (یهود زمان پیامبر (ص)) ، آغازگر پیکاری که فرجامش جز شکست و فرار برای آنان نخواهد بود .

و إن یقتلوکم یولوکم الادبار

چون نسبت قتال به اهل کتاب داده شده، معلوم می شود که آنان آغازگر پیکار خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۸

۸ بشارت الهی در مورد ناکامی یهود و کافران در مبارزه مشترک علیه مسلمانان

الم تر الی الذین اتوا الکتب . .. و من یلعن اللّٰه فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۸

۱۸ ناکامی یهود و نصارا در بهره گیری از روابط دوستانه خویش با مسلمانان سست ایمان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسیرین

در برداشت فوق <هولاء> اشاره به بیماردلان مسلمان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۹، ۳۳

۲۹ ناکامی همواره یهود در آتش افروزی های خویش علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّٰه

۳۳ ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیهم . . . کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها اللّٰه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا . . .> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیهم> باشد.

شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث

از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقاً تقتلون و تأسرون فریقاً

شکنجه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۶،۹

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیبعثن علیهم .. . إن ربك لسريع العقاب

۹ توبه و بازگشت به خدا ، راه نجات یهودیان از ذلت و بیرون آمدن از سلطه عذاب کنندگان ایشان است .

و إذ تأذن ربك لیبعثن .. . و إنه لغفور رحيم

هدف از تذکر بخشایشگری و مهربانی خداوند پس از بیان گرفتاری یهودیان به شکنجه و سلطه دیگران، این است که آنچه بر یهود از جانب خداوند مقدر شده است، تا زمانی است که از فرمانهای الهی سرپیچی کنند.

شکنجه یهود عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱،۲

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدر ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربك لیبعثن علیهم إلى يوم القيمة من یسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). <بعث> (مصدر <لیبعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سوم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران

، به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

شگفتی دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۵

۵ - برقراری دوستی میان منافقان و یهودیان ، امری بس شگفت آور

ألم تر إلى الذين تولوا قوماً غضب الله عليهم

استفهام در <ألم تر> تعجیبی است.

شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱۲ ، ۱۰ ، ۹

۹ خداوند ، روز شنبه را به عنوان روز تعطیل رسمی یهودیان اعلام کرد .

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

چون نهی از تجاوز به روز شنبه اختصاص داده شده است و <سبت> در لغت به معنای تعطیلی و دست از کار کشیدن است، معلوم می شود مراد از تجاوز در روز شنبه این است که تعطیلی را بشکنند و رعایت نکنند، بنابراین جمله <لاتعدوا فی السبت> می رساند که تعطیلی روز شنبه فرمانی از جانب خدا برای بنی اسرائیل بوده است.

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <فی السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

۱۲ ورود خاضعانه به بیت المقدس و رعایت قانون تعطیلی روز شنبه ، از جمله پیمان های خداوند با یهود

و قلنا لهم ادخلوا .. و أخذنا منهم ميثقاً غليظاً

جلد - نام سوره - سوره

۱ خداوند کار و فعالیت در روز شنبه را برای یهود تحریم کرده بود .

إذ يعدون في السبت . . . و يوم لا يسبتون

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می شود. بنابراین <يوم السبت> یعنی روز تعطیلی و استراحت و <يوم لا يسبتون> یعنی روزی که تعطیل نمی کردند و روز کاری بود. <عدوان> (مصدر يعدون) به معنی تخلف و تجاوز است. تجاوز در روز تعطیل به معنای شکستن تعطیلی است. بنابراین مطلق کار در آن روز حرام بوده و ماهیگیری به عنوان یک مصداق تحقق یافته حرمت مطرح است.

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون . . . إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القرية>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۶ ماهیان در روز شنبه (روز تعطیلی کار در آیین یهود) به ساحل دریای مجاور ایله هجوم می آوردند و بر سطح آب آشکار می گشتند .

إذ تأتيهم حيتانهم يوم سبتهم شرعاً

<شرع> جمع شارع است. در لسان العرب آمده است: <حيتان شرع> یعنی ماهیانی که از عمق آب به سوی ساحل می آیند. برخی از اهل لغت گفته اند که <حيتان شرع> یعنی ماهیانی که سر از آب

بیرون می کنند.

۹ وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان) ، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلک نبلوهم

۱۰ وفور ماهی در روز شنبه و ظهورشان بر سطح آب ، محرک یهودیان ایله به تعدی از حکم خدا

إذ يعدون فی السبت إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۲،۷

۲ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه <قوما> می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

اللّه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۶

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه (حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما كانوا یفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۱،۷

۱- تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است؛ چون در روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

۷- اختلاف یهود درباره روز تعطیلی، اختلافی دامنه دار و

بی فرجام

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به <سبت> برگردد. گفتنی است فعل مضارع <یختلفون> همراه با فعل <كانوا> دلالت بر استمرار و دوام مضمون آن دارد.

صالحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۳

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند.

منهم الصلحون و منهم دون ذلك

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلك> اشاره است به صالح که از <الصلحون> به دست می آید، یعنی: <منهم غیر صالحین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۱،۴

۱ یهودیانی که به تورات چنگ زنند و به محتوای آن پایبند باشند و نماز را برپا دارند، مردمی صلاح پیشه اند.

و الذين يمسكون بالكتب... إننا لانضیع أجر المصلحین

تمسیک (مصدر <یمسکون>) به معنای حفظ کردن و رها ساختن است. محافظت کتاب آسمانی به این است که انسان معارف آن را باور داشته و به احکام آن پایبند باشد.

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین، بر خلاف دنیاگرایان ایشان، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند.

و الذين يمسكون بالكتب و أقاموا الصلوه

صفات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۴

۴ - یهود ، مردمی خودخواه ، مغرور و خودبرترین

وقالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون .. أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالأخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، مردمی نژادگرا

قالوا تؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه و هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۹

۹ - یهود ، مردمی ستم پیشه و ظالمند .

و أنتم ظلمون

جمله <و أنتم ظلمون> (و شما ستمکار بودید) را می توان جمله ای معترضه دانست. بر این مبنا جمله مذکور بیانگر آن است که: یهود نه تنها در مورد گوساله پرستی ستمکاری کردند، بلکه عادت و رویه آنها ستمگری بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۳

۳ - قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرترین

إن كانت لكم الدار الآخرة .. خالصه من دون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۳،۷

۳- یهود، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن يتمنوه أبداً بما قدمت أيديهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أيديهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال نارواست.

۷- یهود، مردمی ستم پیشه اند.

و الله عليم بالظالمين

از مصداقهای <الظالمين> - به قرینه صدر آیه و آیات پیشین - یهودیان می باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱،۲،۶

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

۲ - یهود ، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

نکره آوردن <حياه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حریصند.

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱،۲،۷

۱ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود اعتماد کنند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه <لا تؤمنوا>، به معنای عدم اعتماد باشد نه به معنی عدم تصدیق و باور.

۲ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود ایمان بیاورند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه ایمان، به معنی گرایش و باور باشد.

۷ خودبرترینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات و بالذی قلم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳

۵ بخل شدید و انحصارطلبی یهودیان

فاذاً لا یؤتون الناس نقیراً

ظاهراً منظور از کلمه <الناس>، غیر یهودیان هستند؛ به قرینه آیه بعد: <ام یحسدون الناس>، بنابر این معنای جمله <فاذاً ..> چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش نگه می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین اوتوا الکتب .. ففست قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - یهود، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی *

ذلک بانهم قوم لایعقلون

با توجه به بازگشت ضمیر <هم> به یهودیان، اسناد عدم تعقل به <قوم> می تواند اشاره به خصوصیت این <قوم> داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب الله علیهم قد یسوا من الآخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعہ - ۶۲ - ۶ - ۳

۳ - یهود ، قومی نژاد پرست و خود برترین

إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۲، ۱

۱ - یهود، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لا یتمنّونه أبداً

۲ - یهودیان، مردمی ظالم و ستمگراند.

و لا یتمنّونه ... و الله علیم بالظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۲

۲ - قوم یهود، مردمی هراسان از مرگ

قل إنّ الموت الذی تفرّون منه

صفات یهود دوران مریم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۵

۵ - مردم بیت المقدس در زمان مریم (س)، در برابر انحرافات اخلاقی و جنسی حساس بودند.

لقد جئت شیئاً فریاً

صید حرام بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱۴، ۹

۹ وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان)، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

كذلك نبلوهم

۱۴ فسق و تبهكاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد (تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب شدن ماهی در غیر آن روز) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

كذلك نبلوهم بما كانوا یفسقون

<كذلك> اشاره است به معنایی که از <إذ تأتیهم حیثانهم .. > به دست می آید.

صید ماهی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (

موعظه گران و تارکان نهی از منکر (داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهنم لم تعظون .. قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر > باشد.

ضعف فهم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱،۲

۱ - دل و قلب یهودیان عصر بعثت ، ناتوان از درک معارف اسلام بود .

و قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

<غلف > جمع اغلف است و <اغلف > به چیزی گفته می شود که دارای پوشش باشد. بنابراین <قلوبنا غلف > یعنی، قلبهای ما دارای پوشش و حجاب است. منظور یهودیان را به دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ قلب ما حجاب دارد و لذا توان درک معارف اسلام را ندارد پس ای پیامبر! چه انتظار داری که پیامهای تو را پذیرا باشیم پیش از آنکه آنها را دریابیم. ۲ قلب ما حجاب دارد و به گونه ای نیست که هر سخنی را بپذیرد؛ بلکه فقط آنچه که حقیقت دارد در می یابد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۲ - یهودیان عصر بعثت ، بر ناتوانی خویش از درک معارف اسلام معترف بودند .

و قالوا قلوبنا غلف

کلمه <قالوا > دلالت بر اعتراف دارد.

ضعف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۲

۲ ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا بالله جهداً یمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله > اهو لاء .

>> حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر(ص)، رسوا شده و به ذلت افتادند؛ بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۴،۶

۴ درماندگی و ناتوانی همیشگی یهود، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیه‌م

۶ یهود، مردمی ناتوان، درمانده و بخیل

غلت ایدیه‌م

جمله <غلت ایدیه‌م> چه اخبار باشد و چه نفرین، در هر صورت دلالت بر تحقق ناتوانی و یا بخل ورزی یهودیان دارد.

طبقات اجتماعی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد کان فریق منهم... و منهم أمیون لایعلمون الکتب إلا امانی

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فریق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

طرد یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت.

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسین

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۲

۲ یهود، مردمانی طغیانگر که جز با

تهدید ، در برابر حق تسلیم نمی شدند .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۲

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی (ع) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

بر این مبنا که <رسول الله> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳،۱۴،۳۶

۱۳ یهودیان عصر پیامبر (ص) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغیناً و کفراً

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغیناً و کفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً .. و یسعون فی الارض فساداً

طمع علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده

۶ حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر پیامبر (ص) به متاع دنیا

اکلون للسحت

صیغه مبالغه <اکلون> نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

ظلم علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ داوری ظالمانه علمای یهود نسبت به مسلمانان

الم تر الى الذين... و يقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۳

۲۳ ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (ص)، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئك هم الظلمون

ظلم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۹

۹ - یهود، مردمی ستم پیشه و ظالمند.

و أنتم ظلمون

جمله <و أنتم ظلمون> (و شما ستمکار بودید) را می توان جمله ای معترضه دانست. بر این مبنا جمله مذکور بیانگر آن است که: یهود نه تنها در مورد گوساله پرستی ستمکاری کردند، بلکه عادت و رویه آنها ستمگری بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۷

۷ - یهود ، مردمی ستم پیشه اند .

و الله علیم بالظلمین

از مصداقهای <الظالمین> - به قرینه صدر آیه و آیات پیشین - یهودیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی

درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمتین مردم هستند .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ... وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ شَهِدَ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ کافران به عیسی (ع) (یهودیان) ، ظالم و محروم از محبت خداوند هستند .

فاما الذين كفروا... والله لا يحب الظالمين

از مصداق مورد نظر از کلمه <الظالمين>، به قرینه آیات قبل، یهودیانی هستند که به حضرت عیسی (ع) ایمان نیاوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلك بانهم كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون... و كانوا يعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <كَوَّنُ> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۱۰، ۳، ۱

۱ ظلم یهود ، موجب حرام گشتن برخی از نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

۳ ظلم یهود ، موجب محرومیت آنان از برخی نعمت های پاکیزه *

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد؛ بنابراین <حرمانا..> به این معنا

است که خداوند یهود را از دستیابی به برخی طیبات محروم ساخت.

۱۰ یهود ، ظالمانی منحرف و بسیار اغواگر

فبظلم من الذین هادوا حرمننا .. و بصدّهم عن سبیل اللّٰه کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ یهود و نصارا ، مردمی گمراه و ستمگر

إِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰلِمِیْنَ

از مصادیق مورد نظر برای <الظالمین> به قرینه صدر آیه ، یهود و نصارا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَی بَشَرٍ مِّنْ شَیْءٍ .. و من أظلم ممن افتری علی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۹

۹ - قوم یهود ، گروهی ظالم و محروم از هدایت خداوند

الذین کذبوا بآیت اللّٰه و اللّٰه لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰلِمِیْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۵، ۲

۲ - یهودیان ، مردمی ظالم و ستمگراند .

و لَا یَتَمَنّوْنَہُ .. و اللّٰهُ عَلِیْمٌ بِالظّٰلِمِیْنَ

۵- دستاورد زشت و ظلم و ستم یهودیان ، سبب ترس و هراس آنان از مرگ

و لا یتمنّونه أبداً بما قدّمت أیدیهم و اللّٰه علیم بالظلمین

ظلم یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۷

۷ فسق و ستمگری یهودیان ایله ، مایه نزول عذاب الهی بر آنان شد .

أخذنا الذین

ظلموا بعذاب بئس بما كانوا يفسقون

<ما> در <بما كانوا> مصدریه و <باء> سببیه است یعنی: أخذناهم بسبب فسقهم.

عجب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۲،۳

۲ - قوم یهود ، تنها خود را اولیا و دوستان خداوند می پنداشتند .

إن زعمتم أنکم أولیاء لله

۳ - یهود ، قومی نژاد پرست و خودبرترین

إن زعمتم أنکم أولیاء لله من دون الناس

عجز یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۶

۶ ناتوانی یهود و نصارا از مغلوب ساختن و نابود کردن اسلام ، در پرتو تبلیغات بی امان خویش

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم و یأبی الله إلا أن یتم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کافران (یهود) ، پس از غزوه بنی نضیر ، ناتوان از مقابله رویارو در میدان نبرد با مؤمنان *

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه

این آیات، پس از آیات غزوه بنی نضیر، آمده است؛ از این رو می تواند ناظر به برنامه های آینده یهود باشد هر چند آنان در گذشته نیز قدرت رویارویی مستقیم نداشته اند. روشن است که در این احتمال، ضمیر فاعل

<یقاتلون> تنها به یهودیان بازگردد؛ نه آنان و منافقان (چنان که در برداشت قبل آمده است).

عذاب اخروی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۲، ۷، ۶، ۳، ۲، ۱

۱ - گرفتار نشدن یهودیان گنهکار به آتش دوزخ - به جز چند روز محدود - از باور های دینی یهود

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

<معدوده> به معنای شمرده شده، کنایه از اندک و ناچیز بودن است. روشن است که پندار مذکور درباره گنهکاران یهود است. آیه بعد (بلی من کسب ...) این معنا را تأیید می کند و لذا در برداشت کلمه گنهکار آورده شد.

۲ - اندیشه یهود درباره عذاب قیامت (نبود عذاب برای یهودیان جز روزی چند) از بدعت های عالمان یهود

فویل للذین یکتبون الکتب .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جمله <و قالوا ..> در ضمن اینکه عطف بر <قد کان فریق> در آیه ۷۵ است، بیانگر مصداقی از <أمانی> در آیه ۷۸ و مصداقی از <الکتب> در آیه ۷۹ می باشد. برداشت فوق به لحاظ وجه اخیر است.

۳ - عذاب نشدن یهودیان گنهکار در قیامت به جز عذابی اندک، از خیالات واهی و خام عوام یهود

لا یعلمون الکتب إلا أمانی .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

در برداشت فوق، جمله <قالوا ..> بیان مصداقی از <أمانی> در آیه ۷۸ گرفته شده است.

۴ - اندیشه باطل یهود (عذاب نشدن یهودیان جز روزی چند) بازدارنده آنان از ایمان آوردن به اسلام

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جمله

<وقالوا...> عطف بر <قد كان فريقك> در آیه ۷۵ است و لذا حاکی از آن است که چنین عقیده و پنداری، مانع از آن شده که یهودیان ایمان آورند.

۷- توجه به باور ناردست یهود درباره (عذاب نشدن یهود جز روزی چند)، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

۱۲- بیشتر از چند روز نبودن عذاب قیامت برای یهودیان گنهکار، از نسبت های دروغین یهود به خداوند

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة... أم تقولون على الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۳، ۱

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران، به اندازه استحقاقشان، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة... بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة) است.

۳- خداوند، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد.

أتخذتم عند الله عهداً... بلی من کسب سیئه... هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۴، ۲۲

۲۲- یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند، به شدیدترین عذاب های

قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم ... و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

۲۴ - یهودیانی که با تبعیض به احکام و معارف تورات برخورد می کردند ، در قیامت به شدیدترین عذاب ها گرفتار خواهند شد .

أفتؤمنون ببعض ... و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۴، ۱۲

۱۲ - یهودیان گنهکار به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

بما قدمت أیدیهم ... و ما هو بمزحزحه من العذاب

<مزحزحه> (مصدر مزحزح) به معنای دور ساختن است.

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی ، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست .

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

<أن یعمر> بدل برای <هو> و یا فاعل برای <مزحزح> است. مآل هر دو به یک معناست؛ معنای جمله <ما هو...> چنین است: یهودیان [بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند] آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

عذاب برزخی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۲، ۱۱

۱۱ یهودیان تجاوزگر ایله ، علاوه بر چشیدن عذاب های دنیوی ، تا قیامت به عذاب های برزخی گرفتار خواهند بود .

و إذ تأذن ربك لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <علیهم> یهودیان مسخ شده ایله باشد. بر این اساس مقصود از <سوء العذاب> عذابهای دنیوی نیست، بلکه به دلیل <إلی یوم القیمه> مراد عذابهای برزخی خواهد بود. یعنی: <لیبعثن علیهم من

إلى يوم القيمة ... <

۱۲ خداوند برای عذاب یهودیان متمرّد، نیروهایی را در برزخ بر آنان مسلط کرده است .

ليبعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

عذاب دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۰

۲۰ - گرفتار شدن به خواری و ذلت در دنیا ، سزای یهودیانی است که همدیگر را کشتند و همکیشان خو را از دیارشان بیرون راندند .

تقتلون أنفسكم .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ گرفتاری گنهکاران یهود و نصارا به عذاب های دنیوی *

قل فلم يعذبكم بذنوبكم

چون مسیحیان خود را مصون از عذاب قیامت می دانند، بنابراین در صورتی استدلال تمام است که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۱

۱۱ یهودیان تجاوزگر ایله ، علاوه بر چشیدن عذاب های دنیوی ، تا قیامت به عذاب های برزخی گرفتار خواهند بود .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <علیهم> یهودیان مسخ شده ایله باشد. بر این اساس مقصود از <سوء العذاب> عذابهای دنیوی نیست، بلکه به دلیل <إلى يوم القيمة> مراد عذابهای برزخی خواهد بود. یعنی: <ليبعثن عليهم من

بعد موتهم إلى يوم القيامة ... <

عذاب كافران يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - نساء

۱۱ خداوند برای کافران یهود عذاب دردناک آماده کرده است .

و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

عذاب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۹

۹ - خداوند ، هرگز اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده و با آنان در این باره عهد و پیمانی نبسته است .

أتخذتم عند الله عهداً

همزه استفهام در <أتخذتم> انکار ابطالی است یعنی، چنین عهد و پیمانی نزد خدا ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للكافرين عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۴

۲۴ مشرکان ، یهود و نصاری عصر بعثت ، همواره در خطر گرفتاری به عذاب الهی بودند .

او امر من عنده فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

عذاب یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۲،۳،۴،۷

۲ خداوند یهودیان متمرّد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذكروا به .. أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس

<بئس> به معنای شدید است.

۳ خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أنجينا الذين ينهون عن

۴ خداوند حتی آن گروه از یهودیان ايله را که خود صالح بودند ، ولی متجاوزان را موعظه نکردند ، به عذابی شدید گرفتار ساخت .

أنجینا الذین ینھون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

در آیه قبل در مقام تقسیم یهودیان ايله از نظر عملکرد، آنان را به سه گروه تقسیم کرد و آیه مورد بحث در مقام بیان سرنوشت آنان است و ایشان را در دو گروه قرار داده است. این مقایسه نشان می دهد که خداوند ترک کنندگان نهی از منکر را از گروه ظالمان (الذین ظلموا) شمرده است.

۷ فسق و ستمگری یهودیان ايله ، مایه نزول عذاب الهی بر آنان شد .

أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون

<ما> در <بما کانوا> مصدریه و <باء> سببیه است یعنی: أخذناهم بسبب فسقهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۳

۳ خداوند یهودیان ايله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذین ظلموا .. > ، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

عذاب یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ - یهودیان کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

للكافرين عذاب أليم

عذاب يهود متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۲

۱۲ خداوند برای عذاب یهودیان متمرّد، نیروهایی را در برزخ بر آنان مسلط کرده است .

ليبعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

عصيان اكثرية يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲۰

۲۰ - بسیاری از اهل کتاب (یهود و نصارا) ، فاسق و متمرّداند .

و كثير منهم فسقون

عصيان علمای يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۷

۲۷ عدم پابندی سران و عالمان یهود به احکام تورات

يحرفون الكلم من بعد مواضعه

عصيان يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا ، منحرف از حق ، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين

بنابراینکه جمله <و لكن كان .. >، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۲

۱۲ عصیان یهود و تعدی و تجاوز مستمر آنان، موجب ذلت، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت عليهم الذلّ... ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

بنابر اینکه <ذلك بما عصوا>، اشاره به ذلت و .. باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۵

۵ نافرمانی

آگاهانه پس از دریافت و شنیدن سخنان پیامبر (ص)، عکس العمل یهود در برابر آن حضرت

من الذین هادوا .. و یقولون سمعنا و عصینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵

۵ تسلیم نبودن یهود در برابر خدا، دلیل رویگردانی آنان از احکام تورات

ثم یتولون من بعد ذلک .. یحکم بها النبیون الذین اسلموا

<الذین اسلموا> بیان علتی است برای <یحکم بها النبیون> یعنی انبیا چون تسلیم خدا بودند، بر اساس تورات حکم می کردند. بیان این حقیقت پس از <ثم یتولون من بعد ذلک>، اشاره به ریشه تمرد یهودیان عصر پیامبر(ص) از احکام تورات دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از یهودیان، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت به تمامی یهودیان

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه .. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (ص)، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران بر آنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش

از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین كفروا> هستند.

عصیان یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۲،۱۶

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون .. إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القریه>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۱۶ خداوند یهودیان ایله را به آزمونی مبتلا کرد که عدم موفقیت در آن ، ایشان را به انحراف و تمرد همیشگی می کشانید .

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

برداشت فوق بر این اساس است که <ما> در <بما كانوا> موصول اسمی باشد / یعنی: <بالذی كانوا يفسقون به>. (به چیزی آنان را آزمودیم که موجب فسق ایشان می شد). بدیهی است تحقق این معنا ناشی از شکست آنان در آزمون خواهد بود.

عصیانگران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱

۱ تاریخ یهود ، شاهد نسلهایی دنیاگرا و معصیتکار

فخلف من بعدهم خلف ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأذنی و يقولون

عفو از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا

العجل من بعد ما جاءتهم البينات فعفونا عن ذلك

عقاید یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۵ - ۶، ۷، ۳

۳ نصارا، ابراهیم (ع) را نصرانی و یهودیان، او را یهودی می پنداشتند .

لم تحاجون فی ابرهیم و ما انزلت التوریه و الانجیل

۶ پندار نصارا، در انحصار آیین الهی به نصرانیت و یهودیان، به یهودیت *

یا اهل الكتاب . .. و ما انزلت التوریه و الانجیل الا من بعده

با توجه به تقدم زمانی ابراهیم (ع) بر یهود و نصارا، انتساب یهودیت و نصرانیت به ابراهیم، ناشی از پنداری است که در برداشت آمده است.

۷ نزول تورات و انجیل پس از ابراهیم (ع)، دلیل بطلان ادعای یهودی یا نصرانی بودن آن حضرت

یا اهل الكتاب لم تحاجون فی ابرهیم و ما انزلت التوریه و الانجیل الا من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۲، ۳

۲ یهود، مدعی یهودیت ابراهیم (ع) و نصارا، مدعی نصرانیت او بودند .

یا اهل الكتاب . .. ما کان ابرهیم یهودیاً و لا نصرانیاً

۳ ادعای یهودیت ابراهیم (ع)، حجت یهود بر حقایق خویش در مقابل نصارا *

یا اهل الكتاب لم تحاجون فی ابرهیم . .. ما کان ابرهیم یهودیاً و لا نصرانیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۵

۵ یهود و نصارا هر يك مدعى انتساب و پیوند دینی با ابراهیم

(ع) بودند .

يا اهل الكتاب لم تحاجون في ابراهيم .. ان اولى الناس بابراهيم للذين اتبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۶

۶ علمای یهود می پنداشتند که پیامبر (ص) باید از میان آنان برگزیده شود .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۱۳

۱۳ راه نداشتن نسخ در احکام شریعت ، پندار باطل یهود

الا ما حرم اسرائيل على نفسه من قبل ان تنزل التوریه قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

بنابراینکه <من قبل> متعلق به <کان حلا> باشد؛ یعنی برخی طعامها قبل از نزول تورات حلال بوده و تورات آن را حرام کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۷

۷ یهودیان عصر پیامبر (ص) ، دارای اعتقادات شرک آلود

و ما كان من المشركين

نفی شرک از ابراهیم (ع)، تعریضی به یهودیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۵

۵ شرافت کعبه بر بیت المقدس ، علی رغم پندار یهودیان

انّ اوّل بيت وضع للناس

با توجه به شأن نزول که یهودیان می گفتند بیت المقدّس، برتر و باارزشترا از کعبه است.

عقیده اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - اکثر یهودیانی که به عهد های الهی وفا نکردند ، به آن عهد و پیمان ها ،

ایمان و اعتقاد نداشتند .

كلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اكثرهم لا يؤمنون

این برداشت بدان احتمال است که متعلق <یؤمنون> عهدها و پیمانها باشد؛ یعنی، اکثر عهدشکنان، آن عهد و پیمانها را به قلب و دل خویش نپذیرفته بودند اگر چه تظاهر به پذیرش آن می کردند. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <اكثرهم> به <فریق> برگردانده شده است.

عقیده باطل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - آگاه نبودن خدا به اسرار نهانی انسان ها ، از باور ها و پندار های باطل یهود

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

از جمله <أتحدثونهم... ليحاجوكم> چنین بر می آید که یهود آن گاه راه احتجاج علیه خویش را گشوده می دیدند که حقایق و دانسته های خویش را آشکار کنند؛ ولی اگر حقایق را آشکار نکنند علیه آنان احتجاج نمی شود و مؤاخذه نمی کردند. این پندار بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۷

۷ - توجه به باور ناردست یهود درباره (عذاب نشدن یهود جز روزی چند) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (ص) ، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه

ای

و لا يحسن الذين كفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین كفروا> هستند.

عقیده دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۳،۷،۱۱

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند .

ياخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا

جمله <سیغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله <یاخذون ... > ناظر به کسب مال از راههای نامشروع است.

۷ دنیاگرایان یهود بر این باور بودند که خداوند گناهان آنان را ، حتی بدون توبه ، خواهد آمرزید .

و يقولون سيغفر لنا و إن يأتهم عرض مثله يأخذوه

جمله <و إن يأتهم عرض ... > حاکی از این است که گنهکاران یهود در عین آمادگی برای حرامخواری مجدد، خود را مورد عفو و مغفرت خداوند می پنداشتند. یعنی هرگز از عمل گذشته پشیمان نبودند تا توبه کنند.

۱۱ ادعای آمرزش گناه یهودیان بدون توبه ، از نسبت های دروغین دنیاگرایان یهود به خداوند

و يقولون سيغفر لنا .. ألم يؤخذ عليهم ... أن لا يقولوا على الله إلا الحق

عقیده عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۴،۵،۶،۷

۴ - عوام یهود ، خیالات واهی و نسبت داده شده به تورات را به عنوان کتاب آسمانی و دستورات الهی پذیرفته بودند .

لا يعلمون الكتب إلا امانى

<امانى>

(جمع امنیه) به معنای خیالات واهی و دروغهای بافته شده است. استثنا در جمله فوق، استثنای منقطع است. بنابراین <لا يعلمون...> یعنی، عوام یهود به محتوای تورات آگاهی ندارند، بلکه خیالات واهی و مطالب دروغین را به عنوان کتاب می شناسند.

۵- حدس و گمان، پایه و اساس تفکرات دینی عوام یهود

إن هم لا یظنون

۶- بی سوادی عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم... و منهم أمیون لا یعلمون الکتب إلا امانی

جمله <منهم أمیون> عطف بر <قد کان فریق...> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون...> می باشد.

۷- پذیرش خیالات واهی به جای محتوای کتاب آسمانی و پایه قرار دادن حدس و گمان در تفکرات و معتقدات دینی، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از عوام یهود

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم... و منهم أمیون... إن هم إلا یظنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۳

۳- عذاب نشدن یهودیان گنهکار در قیامت به جز عذابی اندک، از خیالات واهی و خام عوام یهود

لا یعلمون الکتب إلا امانی... و قالوا لن تمسنا النار إلا آیاماً معدوده

در برداشت فوق، جمله <قالوا...> بیان مصداقی از <امانی> در آیه ۷۸ گرفته شده است.

عقیده یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۴، ۱۳

۱۳- یهودیان معتقد به برپایی قیامت، بر قراری صحنه های محاکمه در آن

روز و احتجاج انسان ها علیه یکدیگر در پیشگاه خدا

أتحدثونهم... ليحاجوكم به عند ربكم

۱۴ - یهودیان ، معتقد به ربوبیت خداوند

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۵، ۳، ۲

۲ - یهودیان ، خداوند را به امور نهانی انسان عالم و آگاه نمی دانستند .

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

استفهام در <أو لا يعلمون...> انکار توییخی است.

۳ - یهود مورد توییخ و سرزنش خداوند ، به خاطر محدود پنداشتن علم و آگاهی او

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

۵ - یهودیان ، فاقد معرفت و شناخت لازم به خدا و صفات او

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۲، ۱

۱ - گرفتار نشدن یهودیان گنهکار به آتش دوزخ - به جز چند روز محدود - از باور های دینی یهود

وقالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

<معدوده> به معنای شمرده شده، کنایه از اندک و ناچیز بودن است. روشن است که پندار مذکور درباره گنهکاران یهود است. آیه بعد (بلی من کسب...) این معنا را تأیید می کند و لذا در برداشت کلمه گنهکار آورده شد.

۲ - اندیشه یهود درباره عذاب قیامت (نبود عذاب برای یهودیان جز روزی چند) از بدعت های عالمان یهود

فويل للذين يكتبون الكتب . . . وقالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جمله <وقالوا . . .> در ضمن اینکه عطف بر <قد كان

فریق < در آیه ۷۵ است، بیانگر مصداقی از < آمانی > در آیه ۷۸ و مصداقی از < کتاب > در آیه ۷۹ می باشد. برداشت فوق به لحاظ وجه اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶

۶ - یهود، ایمان به وحی و کتاب های آسمانی را تنها در صورت نزولشان بر پیامبری از نژاد اسرائیل، ضروری می پنداشتند.

قالوا نؤمن بما أنزل علينا

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

۱۰ - ملائک یهودیان، برای ایمان آوردن به پیامبران، بعثت آنان از میان بنی اسرائیل است.

قالوا نؤمن بما أنزل علينا

هر چند ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی محور سخن در آیه شریفه است ولی از آن جا که نزول کتاب آسمانی مستلزم بعثت پیامبر (ص) نیز هست، دعوت به پذیرش قرآن، دعوت به ایمان به پیامبر (ص) نیز می باشد و سخن یهود - که فقط به کتاب خود ایمان می آوریم - مستلزم این معنا نیز هست که: فقط به پیامبران خود ایمان می آوریم.

۱۱ - یهودیان، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد، کافر می شوند.

و یکفرون بما وراءه

۱۲ - یهودیان، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد، کافر می شوند.

و یکفرون بما وراءه

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا.

ساخته است.

۵- یهود، همه ادیان جز دین یهود را بی اعتبار و دیگر ملت ها را در پیشگاه خدا فاقد قدر و منزلت می شمردند.

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس

۶- یهودیان، مدعی اعتقاد به خدا، قیامت و نعمت های اخروی هستند.

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت

۱۲- یهود، بر خلاف ادعایشان، به بهشتی بودن خویش اطمینان نداشتند.

فتمنوا الموت إن كنتم صدقین

جمله <إن كنتم صادقین> اشاره به دروغ گویی یهود دارد؛ یعنی، آنان خود می دانند که ادعایشان واقعیت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷- یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان (تقدیر بهشت برای آنان) واقفند.

إن كانت لكم الدار الآخرة... و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های <لتجدنهم...> و <یود أحدهم...> را می توان ناظر به ادعای یهود (إن كانت... در آیه ۹۴) دانست؛ یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۶

۶- تصور جاهلانه یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك يا ذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۵ - عهد ها و پیمان های الهی در دیدگاه بسیاری از یهودیان ، امری بی مقدار و کم ارزش

نبذه فریق منهم

برداشت فوق بر اساس معنایی است که <راغب> در کلمه <نبذ> بیان کرده است. او در <المفردات> می گوید: <نبذ> انداختن و دور افکندن چیزی است به خاطر کم ارزش شمردن آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۷، ۶، ۲، ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، تنها خویشان را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

و قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصری

ضمیر در <قالوا> به <اهل الكتاب> (در آیه ۱۰۹) باز می گردد.

۲ - یهودیان ، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند .

و قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً

آیه ۱۱۳، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث <لفّ اجمالی> وجود دارد و حرف <أو> نیز برای تفصیل است؛ یعنی، جمله <قالوا لن...> حاکی از دو جمله است: ۱ قالت اليهود: < لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً>. ۲ و قالت النصاری: < لن يدخل الجنة إلا من كان نصری>.

۶ - محرومیت مسلمانان از بهشت از خیالات واهی و نادرست یهود و نصارا

تلک أمانیهم

<أمانی> جمع امنیه و به معنای آرزوها، خیالات واهی و دروغهای یافته شده است.

۷ - عقاید و باور های دینی یهود و نصارا ، آمیخته با خیالات واهی است

تلك أمانتهم

<تلك أمانتهم> حاکی از این است که: پندار یهود و نصارا بر محرومیت دیگران از بهشت، از خیالات و آرزوهای آنان است و این در حالی است که یهود و نصارا، آن پندار را یک عقیده و باور دینی می‌شمردند. بنابراین عقاید مذهبی و باورهای دینی یهود با آرزوها و خیالات آمیخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱

۱ - یهودیان ، آیین نصرانیت را پوچ و بی پایه و اساس می دانستند .

و قالت اليهود لیست النصری علی شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۲،۳

۲ - داشتن زاده و اختیار کردن فرزند ، از نسبت های ناروای یهود ، نصارا و مشرکان به خداوند

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

مراد از ضمیر در <قالوا> - به قرینه آیه ۱۱۳ - یهود، نصارا و مشرکان است. یهود <عزیر> و نصارا <مسیح(ع)> را فرزند خدا می‌پنداشتند و مشرکان نیز فرشتگان را فرزند او می‌شمردند.

۳ - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۴،۹

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که

دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار نادرست نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتسئلون عما كانوا يعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۳

۳ - هر یک از یهود و نصارا ، آیین خویش را موجب هدایت بشر می پنداشتند .

قالوا کونوا هوداً أو نصیری تهتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهیم و إسمعیل .. كانوا هوداً

جمله <أم تقولون ..> دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۴،۹

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون : ابراهیم ، اسحاق و ... از باور های ناصواب یهود

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاورد پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می

توان به برداشت فوق

دست یافت.

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار ناصواب نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتسئلون عما كانوا يعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱،۵

۱ پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير و نحن اغنياء

به گفته بسیاری از مفسرین، مراد از <الذين قالوا>، یهودیان هستند.

۵ کوتاه فکری یهود در معارف الهی و صفات خداوند

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير و نحن اغنياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱،۳،۴،۶،۷

۱ ارائه قربانی و سوخته شدن آن به آتشی از غیب ، عهدی الهی در پندار یهود ، برای ایمان به رسولان

الذين قالوا ان الله عهد الينا الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان تاكلم النار

۳ اعتقاد و اعتراف یهود به پایان نیافتن پیامبری و رسالت ، پس از بعثت حضرت موسی (ع)

الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان

اگر یهود، مدعی خاتمیت نبوت حضرت موسی(ع) بودند، باید به پیامبر (ص) می گفتند از ما تعهد گرفته شده که به هیچ مدعی رسالتی ایمان نیاوریم، نه اینکه علامت پیامبر راستین را بیان کنند.

۴ یهود ، مدعی وفاداری خویش به پیمان های الهی

انّ الله عهد الينا الا نؤمن لرسول

۶ سوختن قربانی در آتشی از غیب ،

نشانه راستگویی مدعی رسالت از دیدگاه یهود

الَّا تُوْمَن لِرَسُوْلِ حَتَّىٰ يَاتِنَا بِقُرْبَانٍ تَاكُلُهُ النَّارُ

۷ تشریح قربانی در ادیان الهی

حَتَّىٰ يَاتِنَا بِقُرْبَانٍ تَاكُلُهُ النَّارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۱

۱ یهود ، داعیه دار نسبت‌هایی ناروا به خداوند ، علی رغم علم و آگاهی به کذب و بطلان آن نسبتها

انظر كيف يفترون على الله الكذب

ضمیر در <یفترون> به <الذین اوتوا الكتاب> برمی گردد، و مراد از آن به قرینه آیات گذشته یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ یهودیان و مسیحیان خود را پسران خدا و محبوب پیشگاه او می پندارند .

و قالت اليهود و النصرى نحن ابنوا الله و احبوه

۲ فرزند داشتن خدا ، از پندار های باطل یهود و نصارا

و قالت اليهود و النصرى نحن ابنوا الله و احبوه

۳ هر يك از يهود و نصارا ، خو را از مقربان خداوند می پندارند .

و قالت اليهود و النصرى نحن ابنوا الله و احبوه

بنابر اینکه مقصود از <ابناء>، معنای کتابی آن (مقربان) باشد.

۴ محبت و عشق به خدا ، ادعای واهی یهود و نصارا

و قالت اليهود

و النصرى نحن ابناؤا الله و احبؤه

برداشت فوق بر این مبناست که <احباء>، جمع <حبيب>، و به معنای اسم فاعل (محبان) باشد.

۸ گرفتاری گنهکاران یهود و نصارا به عذاب الهی، ردی بر پندار تقرب و محبوب بودنشان نزد خداوند

قل فلم يعذبكم بذنوبكم

۱۵ همسانی و همگونی یهود و نصارا با دیگر انسان ها، دلیل نادرستی پندار آنان بر محبوبیت و تقرب در پیشگاه خداوند

نحن ابناؤا الله و احبؤه .. بل انتم بشر ممن خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱،۲،۲۶،۴۱

۱ یهودیان، منکر قدرت و نفوذ اراده خداوند در تدبیر جهان

و قالت اليهود يدالله مغلولة

اطلاق جمله <يدالله مغلولة> می رساند که یهود بر این باور بودند که خداوند هیچ دخل و تصرفی در جهان هستی ندارد. بنابراین جمله <ينفق كيف يشاء> پس از <يداه ميسوطان> تنها اشاره به نمونه و مصداقی از نفوذ و قدرت الهی در جهان هستی دارد.

۲ ناتوانی خداوند در انفاق و بخشش روزی به موجودات، از باور های باطل یهود

و قالت اليهود يدالله مغلولة

جمله <ينفق كيف يشاء> می تواند قرینه باشد بر اینکه مراد از بسته بودن دست خدا و نافذ نبودن قدرت وی در پندار یهود تنها ناتوانی از اعطای روزی و انفاق به انسانهاست.

۲۶ اصرار یهود بر انحرافات اعتقادی خویش تا قیامت

قالت اليهود يدالله مغلولة .. القينا بينهم العدو و البغضاء إلى يوم القيمة

چون دشمنی یهود با یکدیگر، کیفر انحرافات رفتاری و اعتقادی آنان است و این عقوبت تا قیامت باقی می ماند (.. الی یوم

القیمه)، معلوم می شود آنان همچنان به اعتقادات انحرافی و رفتار ناپسند خویش پافشاری دارند.

۴۱ اعتقاد یهود به کناره گزینی خداوند از تدبیر امور جهان پس از فراغت از آفرینش آن

و قالت اليهود ید الله مغلوله

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: ... قالوا قد فرع من الامر فلا یزید و لاینقص ...

توحید صدوق، ص ۱۶۷، ح ۱، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۹، ح ۲۷۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۴

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۱، ۱۶

۱۱ ادعای آمزش گناه یهودیان بدون توبه، از نسبت های دروغین دنیاگرایان یهود به خداوند

و یقولون سیغفر لنا .. ألم یؤخذ علیهم ... أن لا یقولوا علی الله إلا الحق

۱۶ یهودیان، آگاه به حرمت انتساب امور ناحق به خداوند بودند.

و درسوا ما فیه

هدف از بیان این حقیقت که یهودیان، تورات را همواره می خواندند، رساندن این معناست که آنان به محتوای تورات آگاهی کامل داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱، ۳، ۴

۱ یهودیان ، < عزیز > را فرزند خدا خواندند .

و قالت اليهود عزیز ابن الله

۳ فرزند خدا خواندن < عزیز > و < مسیح > ، سخنان نسنجیده و باطلی بود که یهود و نصارا به زبان آوردند

و قالت . . . ذلك قولهم بأفوههم

۴ پندار فرزند خدا بودن < عزیر > و < مسیح > ، پنداری است سابقه دار در تاریخ یهود و نصارا .

يضهئون قول الذين كفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ > عن أبي عبدالله (ع) انه قال في قول الله عزوجل : < و قالت اليهود يدالله مغلولة > : لم يعنوا أنه هكذا ، و لكنهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلا يزيد و لا ينقص فقال الله جل جلاله تكذيباً لقولهم : < غلّت أيديهم و لعنوا بما قالوا بل يدها مبسوطتان ينفق كيف يشاء > ألم تسمع الله عزوجل يقول : < يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: < و قالت اليهود يد الله مغلولة > فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غلّ بسته است ؛ بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند جل جلاله برای تکذیب سخن آنان فرمود: < دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد ؛ بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد >. آیا نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: < یمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب >.

عقیده یهود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

- یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

عقیده یهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به آسمانی بودن قرآن و معترف به الهی بودن آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

چنانچه یهودیان آسمانی بودن قرآن را باور نداشتند در پاسخ به دعوت پیامبر(ص) (ءامنوا بما أنزل الله؛ به آنچه خدا فرو فرستاده ایمان آورید)، اظهار می داشتند که: قرآن از جانب خدا نیست. اعراض از چنین پاسخی، گویای اطمینان ایشان به آسمانی بودن قرآن و اعتراف ضمنی آنان به الهی بودن آن است.

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

عقیده یهود به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

عقیده یهود به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

عقیده یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ - ضعف بینش و

شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله .. كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۶

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۵

۵ عقاید و آرای یهود و نصارا در عصر پیامبر (ص) ، عقاید و آرای برخاسته از هوا های نفسانی بود .

و لئن اتبعت أهواءهم

<أهواء> (جمع هوی) به معنای خواهشها و تمایلات نفس است و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با احکام قرآن آرا ، عقاید و قوانین برخاسته از تمایلات نفسانی است.

علايق علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲

۲ عالمان یهود در عصر پیامبر (ص) گوش سپارنده به شایعات دروغین و راغب به حرمخواری و رشوه گیری

سمعون لقوم ءاخرین .. سمعون للکذب اکلون للسحت

برداشت فوق بر این مناسبت که دو صفت یاد شده درباره عالمان یهود باشد. توصیف عوام یهود در آیه قبل به <سمعون للکذب>، این مبنا را تأیید می کند، و <سحت> به معنای مال حرام است و از مصادیق مورد نظر آن،

به مناسبت مورد، رشوه می باشد.

علاقه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا

<حسدًا> مفعولٌ له برای <وَدَّ كَثِيرًا..> می باشد، یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۳، ۱۲

۱۲ اعتنا و رغبت فراوان منافقان و یهود به شنیدن گفته ها و شایعه های دروغین ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب

چون شنیدن سخنانی که دروغ بودن آن برای شنونده معلوم نباشد، صفت مذمومی نیست، لذا مراد این است که آنان با توجه و آگاهی به دروغ بودن سخنان به شنیدن آنها رغبت داشتند.

۱۳ رغبت منافقان و یهودیان به شنیدن شایعات و دروغ های بافته شده علیه رسول خدا (ص)

سمعون للكذب

مخاطب قرار دادن پیامبر (لایحزنك) و توصیف شتابگران در کفر به گوش سپاران دروغ، می رساند که مراد از <کذب> دروغها و شایعاتی بوده است که علیه پیامبر(ص) ساخته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱

۱ رغبت فراوان یهود به حرامخواری و شنیدن دروغ ، علی رغم آگاهی به دروغ بودن آن

سمعون للكذب اكلون للسحت

صيغه مبالغه <سمعون> و <اكلون> دلالت بر رغبت فراوان دارد. در برداشت فوق دو خصلت یاد

شده، وصف عموم یهودیان (عالمان و پیروان) آنان گرفته شده است.

علم علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ - عالمان یهود و نصارا، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام، فرمانی از ناحیه خداوند است .

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <لِیَعْلَمُونَ> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

علم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷ - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان (تقدیر بهشت برای آنان) واقفند .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های <لتجدنهم ..> و <یود أحدهم ...> را می توان ناظر به ادعای یهود (إن كانت ... در آیه ۹۴) دانست؛ یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۷

۷ یهود، با ادعای دانش وافر، خود را از تعالیم انبیا بی نیاز می پنداشتند .

و قولهم قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که <غلف> جمع غلاف به معنای ظرف باشد. بر این مبنا، مقصود یهود از جمله <قلوبنا

غلف < این است که دل‌هایشان آکنده

از دانش است و نیازی به تعالیم انبیا ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۷

۷- آگاهی یهود و نصارا، از کتاب آسمانی بعد از تورات و انجیل (قرآن) پیش از نزول آن

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

علمای دنیا طلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۳

۲۳ تاریخ یهود شاهد عالمانی دنیاگرا و بی تقوا *

خلف ورثوا الکتب يأخذون عرض هذا الأدنی . . . و الدار الآخره خیر للذین یتقون

جمله <ورثوا الکتب>، هم می تواند ناظر به این باشد که یهودیان مورد بحث مردمی بودند که تورات نسل به نسل به آنها رسیده و در دسترس آنان بود، و هم می تواند حاکی از آگاهی کافی آنها به تورات و محتوای آن باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

علمای فاسق یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۳

۲۳ تاریخ یهود شاهد عالمانی دنیاگرا و بی تقوا *

خلف ورثوا الکتب يأخذون عرض هذا الأدنی . . . و الدار الآخره خیر للذین یتقون

جمله <ورثوا الکتب>، هم می تواند ناظر به این باشد که یهودیان مورد بحث مردمی بودند که تورات نسل به نسل به آنها رسیده و در دسترس آنان بود، و هم می تواند حاکی از آگاهی کافی آنها به تورات و محتوای آن باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳

۶ عدم قبول حکمیت تورات از سوی برخی عالمان یهود ، به دنبال ارائه پیشنهاد آن از جانب پیامبر اکرم (ص)

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتاب . . هم معرضون

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که درباره آیه مورد بحث نقل شده است. (مجمع البيان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۶ - ۳

۳ سرزنش اهل کتاب (علمای یهود و نصارا) به خاطر محاجّه و انتساب ناآگاهانه ابراهیم (ع) به یهودیت و نصرانیت

فلم تحاجون فيما ليس لكم به علم

آنچه یهودیان و نصارا بدان علم نداشتند و درباره آن احتجاج می کردند، انتساب ابراهیم به یهودیت و نصرانیت بوده و لذا به خاطر آن، سرزنش شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۳

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا ، و نکوهش آنان از سوی خداوند

يا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون

۳ علم و آگاهی علمای یهود و نصارا به حقیقت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

يا اهل الكتاب . . و انتم تعلمون

با توجه به اینکه محور اختلاف اهل کتاب با مسلمانان در حقیقت قرآن و پیامبر (ص) بوده، معلوم می شود منظور از کلمه <الحق>، قرآن و رسالت پیامبر (ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴۸

۴ عالمان یهود ،

دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

انّ الذین یشترون بعهد اللّٰه و ایمانهم

با توجه به شأن نزول، مقصود از <عهد اللّٰه>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

۸ محرومیت عالمان یهود، سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان، از بهره های اخروی

انّ الذین یشترون .. اولئک لا خلاق لهم فی الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۵

۵ انتظار ستایش عالمان یهود و نصارا از پیروانشان به جهت بیان نکردن حقایقی از تورات و انجیل

لا تحسبنّ الذین .. یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

بنابر اینکه مراد از <ما لم یفعلوا> (آنچه را انجام ندادند)، وفادار نبودنشان به پیمان الهی و کتمان حقایق باشد که در آیه قبل به آن تصریح شد. و انتظار ستایش شاید بدان جهت بوده که آنان با کتمان حقایق، دین اجدادی مردم خویش را محفوظ می داشتند و لذا فاعل محذوف در <یُحمدوا> به پیروان آنان تفسیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حقیقت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الکتاب لمن .. لا یشترون بایات اللّٰه ثمناً قليلاً

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۲،۱۱

۲ آگاهی ناقص دانشمندان یهود به تورات

الم تر الى الذين اتوا نصيباً من الكتب

بدان احتمال که <من> در <من الذين هادوا آیه ۴۶> بیانیه باشد.

۱۱ سوء استفاده علمای یهود و دانشمندان اهل کتاب از علم و مقام خویش برای گمراهی مسلمانان

الم تر الى الذين ... ان تضلوا السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱،۲

۱ وجود دانشمندان ژرفنگر و مؤمنانی واقعی در میان یهودیان

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك

ظاهراً مراد از <المؤمنون>، یهودیان با ایمان می باشد، یعنی <المؤمنون منهم> و کلمه <منهم> به قرینه فراز قبل حذف شده است.

۲ عالمان ژرفنگر یهود و مؤمنان واقعی آنها، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵۲

۵۲ پیشوایان یهود (ربانیون)، دارای جایگاهی پایینتر از انبیا و منزلتی برتر از علمای یهود (احبار)

يحكم بها النبيون ... للذين هادوا و الربنيون و الاحبار

از امام صادق(ع) روایت شده که آن حضرت پس از تلاوت آیه فوق فرمود: فهذه الائمة دون الانبياء الذين يريون الناس بعلمهم و اما الاحبار فهم العلماء دون الربانيين ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۱۹ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۳۴، ح ۲۰۶.

علمای یهود و اسلام

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ - عالمان یهود ، دارای نقش بسزا در بازسازی مردم خویش از ایمان آوردن به پیامبر (ص) و اسلام

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم و قد كان فريق منهم

جمله < و قد كان .. > می تواند دلیل قطع امید از ایمان آوردن عالمان یهود باشد و می تواند علت قطع امید از ایمان آوردن عامه یهود باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است؛ یعنی، یهودیان ایمان نمی آورند؛ زیرا عالمانشان به خاطر تحریفگر بودن، اجازه نخواهند داد حقایق - همان گونه که هست - به دست مردم برسد و زمینه های ایمان در آنان شکوفا شود.

علمای یهود و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۲

۳۲ ضرورت درس آموزی عالمان یهود از انبیا ، احبار و ربانیون ، در خداترسی و بی پروایی از مردم

یحکم بها النبیون .. فلاتخشوا الناس و اخشون

تفریع جمله < فلاتخشوا الناس > بر < یحکم بها النبیون > با کلمه < فاء > ، بیانگر برداشت فوق است.

علمای یهود و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱

۱ بهره اندک علمای یهود از تورات

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب

۲ کلمه < نصیباً > با توجه به نکره بودن آن، دلالت بر بهره اندک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۷

۲۷ عدم پابندی سران و عالمان یهود به احکام تورات

يحرّفون الكلم من بعد مواضعه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۶، ۱۲، ۱۱

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۲ عالمان یهود مانع دسترسی مردم به حقایق کتاب آسمانی خود (تورات) بودند.

هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

علمای یهود و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۸، ۱۲

۸ - پیشوایان یهود ، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را ، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم .. أفلا تعقلون

۱۲ - پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم .. أفلا تعقلون

علمای یهود و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <لِيعْلَمُونَ> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

علمای یهود و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - عالمان یهود در عصر پیامبر (ص)، به الهی بودن قرآن آگاهی کامل داشتند.

و هم یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول <یعلمون> به قرینه <یسمعون کلام الله> الهی بودن کلامی باشد که برای آنان قراءت می شده است، یعنی: <و هم یعلمون ان الذی یسمعونه کلام الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الكتب یعلمون أنه منزل من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أولم یکن لهم ءایه أن یعلمه علموا بنی اسرائیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

علمای یهود و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱۰۷

۱ اهل کتاب (علمای یهود)

مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

۷ همسویی اهل کتاب (علمای یهود) با کافران و مشرکان ، تلاشی برای فراهم آوردن نیرو و یاور علیه مسلمانان *

الم تر الى الذين ... و يقولون للذين كفروا ... فلن تجد له نصيراً

جمله < فلن تجد له نصيراً > پس از بیان همسویی یهود با مشرکان، می تواند بیانگر این معنا باشد که یهودیان به منظور یاری طلبی علیه مسلمانان، با مشرکان همسو شدند.

علمای یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۵

۲۵ خداوند ، بر حذر دارنده عالمان یهود از کتمان حقایق تورات

و کانوا علیه شهداء فلاتخشوا الناس

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق < فلاتخشوا .. > مضمونی باشد که از < کانوا علیه شهداء > به دست می آید. یعنی در اظهار آنچه در تورات است، از مردم نترسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ - پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم .. أفلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶،۱۰

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذین یکتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینہ للناس فی الکتب

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا .. أولئک یلعنہم اللہ و یلعنہم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتُمون .. ذلك بأن اللہ نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۲ عالمان یهود مانع دسترسی مردم به حقایق کتاب آسمانی خود (تورات) بودند.

هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۳ تورات مشتمل بر حقایقی بوده، که بیان آن به نفع و مصلحت عالمان یهود نبوده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش

شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

علمای یهود و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۷

۷ عالمان ژرفنگر یهود ، خواسته نابجا از پیامبر اسلام (ص) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان (پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و ...) بر حذر بودند .

يسئلك اهل الكتب .. لكن الرسخون في العلم منهم و المؤمنون يؤمنون

خداوند در آیه ۱۵۳ تا آیه مورد بحث بهانه گیریها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه <لکن> مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۴،۲۵،۲۱

۲۱ عالمان یهود با اعزام گروهی از منافقان و یهودیان به حضور پیامبر (ص) ، جویای حکم وی درباره قضیه مورد اختلاف در بین یهودیان شدند .

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك

۲۴ تحریکات پشت پرده عالمان یهود علیه پیامبر (ص) و اسلام

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك .. ان اوتيم هذا فخذوه و ان لم تؤتوه فاحذروا

۲۵ امتناع عالمان تحریفگر یهود از رویارویی با رسول خدا (ص) ، از ترس افشای دروغ ها و تحریفهایشان *

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۵ - عالمان و پیشوایان یهود ، مردم خویش را از بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به انطباق آن به رسول اکرم (ص) ، بر حذر می داشتند .

قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

استفهام در <أتحدثونهم> انکار توییخی است.

۶ - ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازداری مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

۸ - پیشوایان یهود ، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را ، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند .

أتحدثونهم .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ - > و قيل كتابتهم بأيديهم عمدوا إلى التوراه و حرفوا صفه النبي (ص) ليوقعوا الشك بذلك للمستضعفين من اليهود و هو المروى عن ابي جعفر (ع) ;

از امام باقر(ع) روایت شده که: <علمای یهود به سراغ تورات رفتند و اوصاف حضرت محمد(ص) را در آن تغییر دادند تا به این وسیله در دل مستضعفان فکری یهود، شک ایجاد کنند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۸

۸ - انگیزه عالمان یهود از نادیده گرفتن بشارت های تورات ، ایجاد زمینه برای انکار رسالت پیامبر (ص) بود .

و لما جاءهم رسول .. نبذ فريق من الذين أوتوا الكتب كذب الله وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أولم يكن لهم آية أن يعلمه علموا بنى إسرائيل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

علمای یهود و مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ - عالمان یهود، دارای نقش بسزا در بازاری مردم خویش از ایمان آوردن به پیامبر (ص) و اسلام

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم و قد كان فريق منهم

جمله <و قد كان...> می تواند دلیل قطع امید از ایمان آوردن عالمان یهود باشد و می تواند علت قطع امید از ایمان آوردن عامه یهود باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است؛ یعنی، یهودیان ایمان نمی آورند؛ زیرا عالمانشان به خاطر تحریفگر بودن، اجازه نخواهند داد حقایق - همان گونه که هست - به دست مردم برسد و زمینه های ایمان در آنان شکوفا شود.

علمای یهود و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ داوری ظالمانه علمای یهود نسبت به مسلمانان

الم تر الى الذين... و يقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلاً

۱۱ موضعگیری مشترک عالمان یهود و مشرکان مکه علیه اهل ایمان

الم تر الى الذين... و يقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلاً

نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون

جمله <الم تر .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۶

۶ - ناتوانی مسلمانان از احتجاج علیه یهود در پیشگاه خدا ، توجیه عالمان یهود برای بازسازی مردم خویش از بازگویی و نشر صفات پیامبر موعود

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

علمای یهود و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۷

۷ همسویی اهل کتاب (علمای یهود) با کافران و مشرکان ، تلاشی برای فراهم آوردن نیرو و یاور علیه مسلمانان *

الم تر الى الذين .. و يقولون للذين كفروا ... فلن تجد له نصيراً

جمله <فلن تجد له نصيراً> پس از بیان همسویی یهود با مشرکان، می تواند بیانگر این معنا باشد که یهودیان به منظور یاری طلبی علیه مسلمانان، با مشرکان همسو شدند.

علمای یهود و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - عالمان و پیشوایان یهود ، مردم خویش را از بازگویی صفات پیامبر موعود و

اعتراف به انطباق آن به رسول اکرم (ص)، بر حذر می داشتند .

قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

استفهام در <أتحدثونهم> انکار توییخی است.

۱۶ - سوء استفاده عالمان یهود ، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

عمل ناپسند یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۳

۳ - یهود ، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن يتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أیدیهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال نارواست.

عمل نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار ناصواب نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتسئلون عما كانوا يعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت

که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

عمل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۶

۱۶ - خداوند، ناظر بر رفتار و کردار برخاسته از دنیاپرستی یهود است.

و الله بصیر بما یعملون

عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد کان فریق منهم... و منهم أمیون لا یعلمون الکتب إلا امانی

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فریق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

عوام یهود و پیامبر موعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱

۱ - عوام، یهود در حضور مسلمانان به حقانیت پیامبر اسلام (ص) و انطباق نشانه های پیامبر موعود، بر آن حضرت اعتراف می کردند.

و إذا لقوا الذین ءامنوا قالوا ءامنوا .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله علیکم

جمله <أتحدثونهم...> چرا حقایقی که خدا در اختیار شما نهاده به مسلمانان باز می گوید؟> دلالت بر این دارد که مراد از <آمناء> بیان ویژگیهای پیامبر موعود در تورات و تطبیق آن با رسول اکرم (ص) است. بنابراین <آمناء> یعنی، ما تصدیق می کنیم که محمد (ص) همان پیامبر موعود است و ویژگیهای بیان شده بر او تطبیق می کند.

عوام يهود و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢

۳ - عوام یهود، ناآگاه به محتوای کتاب آسمانی خویش (تورات)

لا یعلمون الکتب

۴ - عوام یهود، خیالات واهی و نسبت داده شده به تورات را به عنوان کتاب آسمانی و دستورات الهی پذیرفته بودند.

لا یعلمون الکتب إلا امانی

<امانی> (جمع امنیه) به معنای خیالات واهی و دروغهای بافته شده است. استثنا در جمله فوق، استثنای منقطع است. بنابراین <لا یعلمون...> یعنی، عوام یهود به محتوای تورات آگاهی ندارند، بلکه خیالات واهی و مطالب دروغین را به عنوان کتاب می شناسند.

۶ - بی سوادی عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . . . و منهم أمیون لا یعلمون الکتب إلا امانی

جمله <منهم أمیون> عطف بر <قد کان فریق . . .> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون...> می باشد.

عوام یهود و عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۳

۳ - عذاب نشدن یهودیان گنهکار در قیامت به جز عذابی اندک، از خیالات واهی و خام عوام یهود

لا یعلمون الکتب إلا امانی . . . و قالوا لن تمسنا النار إلا آیاماً معدوده

در برداشت فوق، جمله <قالوا...> بیان مصداقی از <امانی> در آیه ۷۸ گرفته شده است.

عوام یهود و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۴

۴ - عوام یهود ، خیالات واهی و نسبت داده شده به تورات را به عنوان کتاب آسمانی و دستورات الهی

پذیرفته بودند .

لا يعلمون الكتب إلا امانی

<امانی> (جمع امنیه) به معنای خیالات واهی و دروغهای بافته شده است. استثنا در جمله فوق، استثنای منقطع است. بنابراین <لا يعلمون...> یعنی، عوام یهود به محتوای تورات آگاهی ندارند، بلکه خیالات واهی و مطالب دروغین را به عنوان کتاب می شناسند.

عوام یهود و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱

۱ - عوام، یهود در حضور مسلمانان به حقانیت پیامبر اسلام (ص) و انطباق نشانه های پیامبر موعود، بر آن حضرت اعتراف می کردند .

و إذا لقوا الذين آمنوا قالوا ءامنوا .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

جمله <أتحدثونهم...> چرا حقایقی که خدا در اختیار شما نهاده به مسلمانان باز می گوئید؟> دلالت بر این دارد که مراد از <آمناء> بیان ویژگیهای پیامبر موعود در تورات و تطبیق آن با رسول اکرم(ص) است. بنابراین <آمناء> یعنی، ما تصدیق می کنیم که محمد(ص) همان پیامبر موعود است و ویژگیهای بیان شده بر او تطبیق می کند.

عوامل تعطیلی شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۳

۳- اختلاف یهود در تعیین روز تعطیلی، عامل معین شدن روز شنبه برای آنان

إنما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه

برداشت فوق بنابراین نکته است که <جعل السبت> معلول و پیامد <اختلفوا فيه> باشد و ضمیر <فيه> به معنای لغوی سبت که روز تعطیل است باز گردد و نه به معنای اصطلاحی آن که روز شنبه است.

عوامل دشمنی یهود

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۵

۵ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن الله

جمله <فانه ...> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

عوامل ذلت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۳

۲۳ - سزای یهودیانی که کتاب آسمانی را تبعیض کردند (به برخی از تورات عمل کرده و برخی را وانهادند) ، خفت و خواری در دنیا است .

أفتؤمنون ببعض .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحياه الدنيا

عوامل سرور یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۴

۴ نزول قرآن بر پیامبر (ص) مایه سرور و شادمانی گروهی از یهود و نصارا بود .

والذين ءاتينهم الكتب يفرحون بما أنزل إليك

جمله <و من الأحزاب ...> (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از <الذين ... يفرحون> همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

عوامل شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۸،۹

۸- قدرت مطلق خداوند ، عامل شکست یهود بنی قریظه و پیروزی مسلمانان مدینه

بود .

أنزل الذين ظهروهم .. فریقاً تقتلون ... وكان الله على كل شيء قديرًا

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب .. و أورثكم أرضهم ... و كان الله على كل ش

عوامل قساوت قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ - قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لا یكونوا کالذین أوتوا الكتب من قبل فطال علیهم الأمد فقتل قلوبهم

عوامل کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ - قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علینا و یکفرون بما وراءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۷

۷ - فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصدق روشن برای <الفاسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای

اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

عوامل کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۳

۳- تکالیف فزون تر یهود در مقایسه با دیگر امت ها ، برای کیفر و مجازات آنان بود نه به خاطر دفع ضرر و مفسده از آنان .

و علی الذین هادوا حرمنا

تحریم هر چیزی در دین برای دفع مفسده و ضرر است و تحریم اختصاصی برای یهودیان، این مطلب را می رساند که این تحریم به خاطر امر دیگری است و گرنه برای همه مکلفان حرام می شد و جمله <لکن کانوا أنفسهم یظلمون> نشان می دهد که فلسفه این تحریم، کیفر ظلم آنان بود. گفتمی است که در جمله <جزیناهم ببغیهم> (در آیه ۱۴۶ سوره انعام) به این مطلب تصریح شده است.

عوامل محرومیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۵، ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

۵ - کفر ورزی یهود ، موجب محروم شدن آنان از رحمت الهی است .

لعنهم الله بکفرهم

<باء> در <بکفر> سببیه است.

عوامل مخالفت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ،
اصرار قرآن بر توحید و

نفی شرک است.

عوامل معذوریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳

۳ - یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم الله یکفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریح شده بر آن (فقلیلا- ما يؤمنون) و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست؛ بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

عوامل نجات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ - رهایی یافتن یهود از خواری و درماندگی و برطرف شدن غضب الهی از آنان ، در گرو ایمان واقعی ایشان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت علیهم الذله والمسكنه . . من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم أج

در آیه قبل بیان شد که یهود بر اثر کفر و گناه به خواری، ذلت و غضب گرفتار شدند. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والذین هادوا) می تواند اشاره به این باشد که: راه نجات یهود از آن سرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

۹ توبه و بازگشت به خدا، راه نجات یهودیان از ذلت و بیرون آمدن از سلطه عذاب کنندگان ایشان است .

و إذ تأذن ربك ليعثن ... و إنه لغفور رحيم

هدف از تذکر بخشایشگری و مهربانی خداوند پس از بیان گرفتاری یهودیان به شکنجه و سلطه دیگران، این است که آنچه بر یهود از جانب خداوند مقدر شده است، تا زمانی است که از فرمانهای الهی سرپیچی کنند.

عوامل یأس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۴

۴ - یهودیان، به خاطر ارتکاب گناهان، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن يتموه أبداً بما قدمت أيديهم

عهد خدا با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۹

۹ - خداوند، هرگز اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده و با آنان در این باره عهد و پیمانی نبسته است .

أتخذتم عند الله عهداً

همزه استفهام در <أتخذتم> انکار ابطالی است؛ یعنی، چنین عهد و پیمانی نزد خدا ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱۱، ۱۲، ۱۱

۱ خداوند، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعا فوقهم الطور بميثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، باء در <بمیتقهم>
سبیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور

را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۱۱ خداوند برای اجرای فرامین و رعایت حدود خویش ، از یهودیان پیمانی محکم گرفت .

و قلنا لهم .. و أخذنا منهم ميثقاً غليظاً

۱۲ ورود خاضعانه به بیت المقدس و رعایت قانون تعطیلی روز شنبه ، از جمله پیمان های خداوند با یهود

و قلنا لهم ادخلوا .. و أخذنا منهم ميثقاً غليظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۰

۱۰ نسبت ندادن امور ناروا به خدا ، از پیمان های خداوند با یهودیان

ألم يؤخذ عليهم ميثق الكتب أن لا يقولوا على الله إلا الحق

عهد محمد(ص) با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) بار ها از یهودیان پیمان گرفت و آنان همواره پیمان خویش را شکستند .

الذين عهدت منهم ثم ينفضون عهدهم في كل مره

برخی برآنند که مراد از <الذين عهدت> مشرکان مکه هستند، ولی مشهور مفسران گفته اند مقصود یهودیانی هستند که در عصر بعثت در اطراف مدینه سکونت گزیده بودند.

عهد یهود با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱

۱ - یهودیان ، در طول تاریخ خویش عهد ها و پیمانهایی را با خدا و پیامبران بسته بودند .

أو كلما عهدوا عهداً

جمله < كلما عاهدوا .. > (هرگاه عهدی می بندند) دلالت بر عهدها و پیمانهای متعدد دارد. قرینه هایی همانند < بل أكثرهم
لایؤمنون > دلالت

بر آن دارد که مراد از عهدهای مطرح شده در آیه، عهدهایی است که یهود با خدا و پیامبران داشتند.

عهد یهود با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱،۳

۱ - یهودیان، در طول تاریخ خویش عهد ها و پیمانهایی را با خدا و پیامبران بسته بودند .

أو كلما عهدوا عهداً

جمله < كلما عهدوا .. > (هر گاه عهدی می بندند) دلالت بر عهدها و پیمانهای متعدد دارد. قرینه هایی همانند < بل اکثرهم لایؤمنون > دلالت بر آن دارد که مراد از عهدهای مطرح شده در آیه، عهدهایی است که یهود با خدا و پیامبران داشتند.

۳ - یهود، مورد توبیخ و سرزنش خداوند به جهت عهدشکنی و نقض پیمان های الهی

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم

استفهام در < أو كلما .. > انکار توبیخی است.

عهدشکنان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۴

۴ فزونی پیمان شکنان یهود نسبت به پیمان شکنان نصارا

فبما نقضهم ... و من الذین قالوا إنا نصری

< من الذین > خبر مبتدای محذوف است. یعنی < من الذین قالوا انا نصاری قوم اخذنا میثاقهم >، بنابراین آیه شریفه، تنها سخن از پیمان شکنی گروهی از مسیحیان را مطرح کرده است. به خلاف آنچه درباره یهود بیان داشت که همه آنها، جز اندکی، پیمان شکن بودند.

عهدشکنی اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اکثر یهودیانی که به عهد های الهی وفا نکردند ، به آن عهد و پیمان ها ، ایمان

و اعتقاد نداشتند .

کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

این برداشت بدان احتمال است که متعلق <یؤمنون> عهدها و پیمانها باشد؛ یعنی، اکثر عهدشکنان، آن عهد و پیمانها را به قلب و دل خویش نپذیرفته بودند اگر چه تظاهر به پذیرش آن می کردند. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <اکثرهم> به <فریق> برگردانده شده است.

عهدشکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۲،۳،۸

۲ - تاریخ یهود ، آکنده از عهدشکنی و بی اعتنایی به پیمان های الهی است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم

<نبذ> به معنای انداختن و رها کردن است و در آیه شریفه کنایه از شکستن و نقض کردن می باشد.

۳ - یهود ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند به جهت عهدشکنی و نقض پیمان های الهی

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم

استفهام در <أو کلما ..> انکار توییخی است.

۸ - رواج عهدشکنی در میان یهود ، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۳،۱۳

۳ نقض میثاق از سوی یهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد؛ بنابراین جمله

<ورفعنا..> یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و

تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

۱۳ وجود زمینه های تخلف و پیمان شکنی در یهود

و أخذنا منهم میثقاً غلیظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱،۹

۱ یهود، مردمی پیمان شکن و قاتل پیامبران

فبما نقضهم میثقهم و کفرهم بایت الله و قتلهم الأنبياء بغیر حق

۹ یهود، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم میثقهم... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم...> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۷

۷ عالمان ژرفنگر یهود، خواسته نابجا از پیامبر اسلام (ص) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان (پیمان شکنی، انکار آیات الهی و...) بر حذر بودند.

يسئلك أهل الكتب... لكن الرسخون في العلم منهم و المؤمنون يؤمنون

خداوند در آیه ۱۵۳ تا آیه مورد بحث بهانه گیریها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه <لكن> مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۸

۸ هشدار خداوند به یهودیان نسبت به شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۷۸

۷ یهود و نصارا هرگز به تعهدات و روابط خویش با مسلمانان پایبند نخواهند بود .

بعضهم أولیاء بعض

۸ پایبند نبودن یهود و نصارا به تعهدات خویش نسبت به مسلمانان ، فلسفه حرمت ایجاد روابط با آنان

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۲

۱۲ یهودیان به تورات و پیمان های الهی پایبند نبودند .

ألم یؤخذ علیهم میثق الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۰، ۳

۳ پیامبر (ص) بارها از یهودیان پیمان گرفت و آنان همواره پیمان خویش را شکستند .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

برخی برآنند که مراد از <الذین عهدت> مشرکان مکه هستند، ولی مشهور مفسران گفته اند مقصود یهودیانی هستند که در عصر بعثت در اطراف مدینه سکونت گزیده بودند.

۱۰ بی پروایی یهودیان کفرپیشه از پیمان شکنی های مکرر

و هم لایتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (ص)، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران بر آنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

عهدشکنی یهود با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ یهودیان عصر بعثت بی هیچ ترس و پروایی از پیامبر (ص) و مسلمانان، پیمانهایشان را نقض می کردند .

و هم لایتقون

برای فعل <یتقون> چندین متعلق می توان لحاظ کرد ؛ از جمله ضمیر <ك> که خطاب به پیامبر(ص) باشد و یا کلمه ای همانند <المؤمنین> .

عهدشکنی یهود با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ یهودیان عصر بعثت بی هیچ ترس و پروایی از پیامبر (ص) و مسلمانان، پیمانهایشان را نقض می کردند .

و هم لایتقون

برای فعل <یتقون> چندین متعلق می توان لحاظ کرد ؛ از جمله ضمیر <ك> که خطاب به پیامبر(ص) باشد و یا کلمه ای همانند <المؤمنین> .

عهدشکنی یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۴

۴ یهودیان مدینه در عصر بعثت نمونه پست ترین جنبندهاگان به سبب اصرارشان بر کفر و از میان بردن زمینه های ایمان در خویش و شکستن پیمانها

إن شر الدواب عندالله الذین کفروا .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم

عیبجویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ گفته های یهود با پیامبر (ص) ، آمیخته با عیجویی به آیین اسلام

راعنا لئاً بالسنتم و طعناً فی الدین

<طعناً فی الدین> به معنای ضربه وارد کردن در دین با ناسزاگویی و عیجویی است.

گفتنی است که <طعنا> حال برای فاعل <يقولون> است؛ یعنی <يقولون كذا طاعنين في الدين>.

غرور علمی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم>.

غرور یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۶

۶ یهودیان، مردمی خودبین و مغرور

قالوا انّ الله فقير و نحن اغنياء

غصب در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۴،۵

۴ یهودیان با اسباب غیر مشروع و باطل اموال دیگران را تصاحب می کردند.

و أكلهم أموال الناس بالباطل

کلمه <باء> در <بالباطل> سببیه است و مراد از <اموال الناس> می تواند ثروتهای متعلق به جامعه همانند معادن، جنگلها و ... باشد و می تواند مقصود از آن داراییهای شخصی دیگران باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است گفتنی است مراد از <اكل> خصوص خوردن نیست بلکه هر نوع تصرفی منظور است.

۵ یهودیان با اسباب باطل و غیر مشروع اموال عمومی و متعلق به جامعه را تصاحب می کردند.

و أكلهم أموال الناس بالباطل

بدان احتمال که مراد از <اَموال الناس> اموال عمومی که متعلق به همه مردم است، باشد.

غصب علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا ، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع ، تصاحب می کردند .

إن كثيراً من الأبحار و الرهبان ليأكلون أموال الناس بالباطل

غفلت یهود از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . .) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

ليس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: > آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. <

غلو یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳

۳ یهود و نصارا مردمی آلوده به غلو و گزافه گویی در دین

ياهل الكتب لا تغلوا فی دینکم

با توجه به سیاق آیه معلوم می شود، غلو و تجاوز تحقق پیدا کرده نه اینکه نهی از غلو تنها برای پیشگیری باشد.

فاسقان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ قوم موسی ، مردمانی فاسق و نافرمان

إننا لن ندخلها .. فلاتأس علی القوم الفسقين

فرار یهود از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - گریز یهود از آرزوی مرگ ، نشانه نادرستی ادعای آنان (بهشتی بودنشان) است .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقین . و لن يتمنوه أبداً

فراموشی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۹

۱۹ تحریف نشانه های پیامبر اسلام (ص) در تورات و به فراموشی سپردن آن توسط یهود *

يحرّفون الكلم . . . و نسوا حظاً مما ذكروا به

به احتمال اینکه مراد از <الكلم> و <ما ذكروا به> به قرینه مقام ، نشانه های پیامبر(ص) در تورات باشد.

فرجام اخروی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۶

۶ - تهدید یهودیان از سوی خداوند ، به فرجام بد و ناگوار اخرویشان

إنّ الموت الذی تفرّون منه . . . فیبتئکم بما كنتم تعملون

فرجام شوم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۶

۶ - تهدید یهودیان از سوی خداوند ، به فرجام بد و ناگوار اخرویشان

إنّ الموت الذی تفرّون منه . . . فیبتئکم بما كنتم تعملون

فرجام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۷، ۲۶

۲۶ اصرار یهود بر انحرافات اعتقادی خویش تا قیامت

قالت اليهود يدالله مغلوله .. القينا بينهم العدو و البغضاء إلى يوم القيمة

چون دشمنی یهود با یکدیگر، کیفر انحرافات رفتاری و اعتقادی آنان است و این عقوبت تا قیامت باقی می ماند (.. الی يوم القيمة)، معلوم می شود آنان همچنان به

اعتقادات انحرافی و رفتار ناپسند خویش پافشاری دارند.

۲۷ بقاء ملت و آیین یهود تا روز قیامت

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلى یوم القیمه

فرجام یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر (ص) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القریه التي كانت حاضره البحر

فرقه های یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۶

۲۶ تنها یک فرقه از هفتاد و یک فرقه یهود و یک گروه از هفتاد و دو گروه نصارا ، معتدل و متعهد به کتاب آسمانی خویشند

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . . . و کثیر منهم ساء ما يعملون

از رسول خدا(ص) روایت شده: تفرقت امه موسی علی احدی و سبعین مله (فرقه) سبعون منها فی النار و واحده فی الجنه و تفرقت امه عیسی علی اثنین و سبعین فرقه احدی و سبعون فرقه فی النار و واحده فی الجنه . . . حضرت علی(ع) هرگاه این حدیث را از رسول خدا(ص) نقل می کرد، این آیه را قرائت می فرمود: و لو ان اهل الكتاب امنوا ... و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل ... منهم ساء ما يعملون

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۵۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۱، ح ۲۸۸.

فساد مالی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند

، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَ الرَّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ

فسق اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲۰

۲۰ - بسیاری از اهل کتاب (یهود و نصارا) ، فاسق و متمرّداند .

و کثیر منهم فسقون

فسق یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱۴، ۱۳

۱۳ یهودیان ساکن ایله دارای پیشینه فسق و تبهکاری

بما کانوا یفسقون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما کانوا> مصدریه باشد ؛ یعنی: به سبب فسق و تبهکاری سابقشان آنان را این گونه آزمودیم.

۱۴ فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد (تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب شدن ماهی در غیر آن روز) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

کذلک نبلوهم بما کانوا یفسقون

<کذلک> اشاره است به معنایی که از <إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانِهِمْ... > به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۷

۷ فسق و ستمگري يهوديان ايله ، مايه نزول عذاب الهی بر آنان شد .

أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس بما كانوا يفسقون

<ما> در <بما كانوا> مصدریه و <باء> سببیه است یعنی: أخذناهم بسبب فسقهم.

فسق يهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۵

۵ - یهودیان عصر بعثت ، به دلیل وابستگی به دنیا و فسق پیشگی زمینه های ایمان و تقوا را از دست داده بودند .

لبس ما شروا به أنفسهم . . . و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

به کارگیری <لو> امتناعیه در جمله <لو أنهم . . . > می نمایاند که: ایمان آوردن یهود و پرهیز از گناهانی همانند سحر، امری مشکل یا ممتنع بوده است. آیات پیشین - که سخن از دل بستگی شدید یهود به دنیا و فاسق بودن آنان داشت - می تواند بیانگر علت به وجود آمدن این روحیه در ایشان باشد.

فطرت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳

۳ - یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم الله یکفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریع شده بر آن (فقلیلا- ما یؤمنون) و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست؛ بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

فلسفه آسایش یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۶

۶ بازگشت ناصالحان یهود به صلاح و صواب ،

از اهداف آزمون آنان با ایجاد سختی ها و آسایش ها در زندگانی ایشان بود .

و بلونهم بالحسنت و السيئات لعلهم يرجعون

چنانچه ضمیر در <بلونا هم> به ناصالحان برگردد، ارجاع ضمیر <لعلهم> به آنان طبیعی و روشن است. و اگر ضمیر در <بلونا هم> به همگان، صالح و ناصالح، برگردد، مرجع ضمیر <لعلهم> به طریقه استخدام، ناصالحان است.

فلسفه اختلاف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبر اکرم (ص) ، اختلافی مغرضانه و جاه طلبانه *

و ءاتینهم بینت من الأمر فما اختلفوا إلا من بعد ما جاءهم العلم . . . إن ربك

برداشت بالا بدان احتمال است که <الأمر> نظر به رسالت پیامبر اکرم(ص) داشته باشد. در این صورت اختلاف بنی اسرائیل نیز مربوط به همین مسأله می شود.

فلسفه امتحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۶

۶ بازگشت ناصالحان یهود به صلاح و صواب ، از اهداف آزمون آنان با ایجاد سختی ها و آسایش ها در زندگانی ایشان بود .

و بلونهم بالحسنت و السيئات لعلهم يرجعون

چنانچه ضمیر در <بلونا هم> به ناصالحان برگردد، ارجاع ضمیر <لعلهم> به آنان طبیعی و روشن است. و اگر ضمیر در <بلونا هم> به همگان، صالح و ناصالح، برگردد، مرجع ضمیر <لعلهم> به طریقه استخدام، ناصالحان است.

فلسفه بغض در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ

افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدو و البغضاء .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

بدان احتمال که جمله <کلما اوقدوا ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد؛ وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

فلسفه تبیین تاریخ یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ - تبیین علل ایمان نیاوردن جامعه یهود و بنی اسرائیل به اسلام، از اهداف تشریح سرگذشت آنان در قرآن

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم

آیه مورد بحث نتیجه است برای حقایق تاریخی مربوطه به بنی اسرائیل و خصوصاً یهود؛ یعنی، آنان پس از مشاهده معجزه های فراوان و برخوردار شدن از نعمتهای الهی کفر ورزیدند؛ به گوساله پرستی گرایش پیدا کردند و نسبت جاهل و استهزا به موسی(ع) دادند. بنابراین انتظار ایمان آوردن به قرآن از آنان انتظاری نا به جاست.

فلسفه ترس یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۵

۵ - دستاورد زشت و ظلم و ستم یهودیان، سبب ترس و هراس آنان از مرگ

و لا یتمنونہ أبداً بما قدّمت أیدیهם و اللّٰه علیم بالظلمین

فلسفه تعطیلی شنبه در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۲

۲- قانون تعطیلی روز شنبه حکمی علیه یهودیان، به جرم اختلافشان درباره دین توحیدی ابراهیم (ع) بود.

إنما جعل السبب على الذين اختلفوا فيه

آیه شریفه، پاسخی است از این سؤال که: در

دین ابراهیم(ع) و ادیان پس از آن حضرت، روز جمعه به عنوان روز تعطیل تعیین شده بود، پس چرا در دین یهود روز شنبه اعلان شد؟ پاسخ این است که: این حکم مختص به یهودیان بود که به جرم اختلافشان در دین ابراهیم(ع) وضع گردید. گفتنی است ضمیر <فیه> به حضرت ابراهیم(ع) با تقدیر مضاف، یعنی، ملته باز می گردد.

فلسفه دشمنی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۲

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدوه و البغضاء .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

بدان احتمال که جمله <کلما اوقدوا ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد، وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

فلسفه سختی تکالیف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۳

۳- تکالیف فزون تر یهود در مقایسه با دیگر امت ها، برای کیفر و مجازات آنان بود نه به خاطر دفع ضرر و مفسده از آنان .

و علی الدین هادوا حرّما

تحریم هر چیزی در دین برای دفع مفسده و ضرر است و تحریم اختصاصی برای یهودیان، این مطلب را می رساند که این تحریم به خاطر امر دیگری است و گرنه برای همه مکلفان حرام می شد و جمله <لکن کانوا أنفسهم یظلمون> نشان می دهد که فلسفه این تحریم، کیفر ظلم آنان

بود. گفتنی است که در جمله <جزیناهم بیغیمم> (در آیه ۱۴۶ سوره انعام) به این مطلب تصریح شده است.

فلسفه مشکلات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۶

۶ بازگشت ناصالحان یهود به صلاح و صواب ، از اهداف آزمون آنان با ایجاد سختی ها و آسایش ها در زندگانی ایشان بود

و بلونهم بالحسنت و السیئات لعلهم یرجعون

چنانچه ضمیر در <بلوناهم> به ناصالحان برگردد، ارجاع ضمیر <لعلهم> به آنان طبیعی و روشن است. و اگر ضمیر در <بلوناهم> به همگان، صالح و ناصالح، برگردد، مرجع ضمیر <لعلهم> به طریقه استخدام، ناصالحان است.

قبله یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۷

۷ - یهود و نصارا هر یک دارای قبله ای ویژه خویش

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربك فلاتكونن من الممترین

قبول دین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۹

۹ گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتري الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

تفریع جمله <فتري> بر جمله <ان الله...>، می رساند که گرایش عمیق

بیماردلان، بیان مصداقی برای جمله <ان الله لا يهدي ...> است.

قبول ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۶، ۱۷، ۱۱

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من يتولهم منكم فانه منهم

۱۶ مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۳، ۲۰، ۱۱، ۶، ۲

۲ شتاب زدگی بیماردلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتري الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

در برداشت فوق <يسرعون فيهم> به قرینه آیه قبل به معنای <يسارعون في توليهم> گرفته شده است.

۶ شتاب بیماردلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتري الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

۱۱ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتري الذين في قلوبهم مرض يسرعون فيهم

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و

پذیرش ولایت آنان

یقولون نخشی ان

۲۰ پشیمانآ ، فرجام اآجاد روابط دوستآ با آهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

آسرعون فآهم .. فآصآحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمآن

آلد - نام سوره - سوره - آآه - فآش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ ناکامآ پذیرندگان ولایت و دوستآ آهود و نصارا ، در بهره آآرآ از روابط دوستانه با آنان

آبطل اعلمهم فاصآحوا آسرآن

آدان آآمال كه مراد از <اعلمهم> تلاشهاآآ است كه بآمارآلان برآ اآجاد روابط دوستانه با آهود و نصارا، داشتند ؛ بر آآن اساس مقصود از <آسارت> بهره نجستن از اآجاد رابطه با آهود و نصارا آواده بود.

آلد - نام سوره - سوره - آآه - فآش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ پذیرش ولایت و دوستآ آهود و نصارا ، ارتداد و بازآشت از آآن است .

و من آتولهم منكم فانه منهم .. آ آها الذآن ءامنوا من آرتد منكم عن آآنه

با توجه به آآات گذشته معلوم مآ شود از مصادآق مورد نظر برآ مرتدان، مسلمانانآ هستند كه على رآم نهآ آداوند با آهود و نصارا ارتباط دوستآ و ولآآآ برآر مآ كند.

۵ ارتداد برآى مسلمانان صدر اسلام ، با پذیرش ولایت و دوستآ آهود و نصارا

فترآ الذآن فى قلوبهم مرض .. آ آها الذآن ءامنوا من آرتد منكم عن آآنه

آلد - نام سوره - سوره - آآه - فآش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۸

۸ ناکامآ و شكست ، سرنوشت آآمآ پذیرندگان ولایت آهود ، نصارا و آآر كافران

و من آتول الله و رسوله و الذآن ءامنوا فان آرب

حصر در جمله <فان حزب اللّٰه . . > می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

قتل انبیا در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۷، ۱۹، ۱۳، ۱۲

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حَقّانیت آنان

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلم فلم قتلتموهم ان کتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بینه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حَقّانیت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۱۳ یهود، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند، بلکه آنان را کشتند.

قل قد جاءکم رسل من قبلی . . و بالذی قلم فلم قتلتموهم

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین

و القائلين خمس ماه عام، فالزمهم الله القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

قتل یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به دست مسلمانان ، به قتل رسیدند .

فَرِيفًا تَقْتُلُونَ

قتلهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱، ۱۹

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

چون جمله <فلم تقتلون ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبياء الله> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

قرآن و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفراً

واقع شدن جمله <ولیزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که
ازدیاد کفر و طغیان

آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

قساوت قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم .. أفتطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أوتوا الکتب .. فقست قلوبهم

قصاص در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از یهودیان ، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت به تمامی یهودیان

و

كيف يحكمونك و عندهم التوریه . . و كتبنا عليهم فيها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ آیین یهودیان و مسیحیان، دارای احکام و قوانین یکسان در قصاص *

و كتبنا عليهم فيها ان النفس بالنفس . . مصداقاً لما بين يديه من التوریه

توصیف تورات به نور و هدایت و سپس بیان احکام قصاص می رساند که آن احکام از مصادیق نور و هدایت است و چون انجیل بلافاصله به نور و هدایت توصیف شده، معلوم می شود آن احکام بر اهل انجیل نیز نوشته شده است. جمله > و قفینا علی ءاثرهم < و نیز کلمه < مصداقاً > این معنا را تأیید می کند.

قصه یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ یهودیان عصر بعثت آگاه به تجاوزگری همدینان یهودی خویش در ایله و سرگذشت شوم آنان

و سئلهم عن القریه التي كانت حاضره البحر

قضاوت بین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۱، ۱۲

۱۱ پیامبر (ص)، از جانب خداوند، اختیار دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوك فاحكم بينهم او اعرض عنهم

۱۲ یهودیان، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر (ص)، در صورت اعراض آن

حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) از سوی یهودیان، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات، شگفت آور و سؤال بر انگیز

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فیها حکم الله

۲ گریز از احکام تورات، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (ص) برای قضاوت

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فیها حکم الله

۳ پیامبر (ص)، مورد مراجعه مردم، حتی یهودیان، برای حکمیت و داوری

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه

قضاوت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۰،۱۲

۱۰ داوری ظالمانه علمای یهود نسبت به مسلمانان

الم تر الى الذين... و يقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلاً

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود)، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون

جمله <الم تر...> دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها .. الربنیون و الاحبار

۱۰ عالمان ربانی و احبار یهود ، ادامه دهندگان راه انبیا در مسند قضاوت

یحکم بها النبیون .. و الربنیون و الاحبار

۳۳ پیامبران

، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون .. فلا تخشوا الناس و اخشون

قضاوت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا ... اذا حکمتم بين الناس ان تحکموا بالعدل

جمله <ان تحکموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ؛ آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - یهودیان ، مدعی دارا بودن قلب و اندیشه ای نفوذناپذیر در برابر افکار و عقاید نادرست

قالوا قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که مراد یهودیان از <حجاب داشتن قلبهایشان> متأثر نشدن از سخنان ناصحیح باشد ؛ چنانچه هر غلافی مانع از آن است که چیز ناصوابی به آنچه در غلاف است در آید و بدان ضربه زند. گفتنی است که کلمه <بل> در این صورت نفی همین ادعاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۳

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام (ص)

قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

قلعه های یهود بنی قریظه

جلد - نام

۱ - خداوند ، یهود بنی قریظه را از قلعه های مستحکم خود بیرون کشید تا در دسترس مسلمانان مدینه قرار گیرند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب من صیاصیهم .. فریقاً تقتلون

<صیاصی> جمع <صیصیه> است و <صیصیه> به دژ و قلعه و هر آنچه را که بتوان در پناه آن خود را حفظ کرد، گفته می شود (مفردات راغب).

۵ - یهود بنی قریظه ، دژ های مستحکمی داشتند .

أهل الکتب من صیاصیهم

۷ - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم ... و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر <أنزل> پیش از <قذف> ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

کافران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر (ص) و اخلا لگري آنان در راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعددی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلا لگري تعبیر شد.

۴ ایمان نیاوردن برخی

از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلاص لگري آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتينا ال ابرهيم . . . و منهم من صدّ عنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ تحريم طبيات بر تمامی يهود کافر و مؤمن و عذاب قيامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا عليهم الطيبات . . . و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

با توجه به جمله <اعتدنا للكافرين منهم> و جمله <حرّمنا عليهم الطيبات> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه يهوديان چه کافر و چه مؤمن طبيات تحريم شده ولی عذاب قيامت، تنها از آن کافران ایشان است.

کتاب آسمانی يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱

۱ - يهود و نصارا، از جمله امتهايی که از کتاب آسمانی برخوردار بودند .

الذين ءاتينهم الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱

۱ يهود و نصارا، از کتاب آسمانی (تورات و انجيل) برخوردار بودند .

والذين ءاتينهم الكتب

در اینکه مراد از <الذين . . .> چه کسانی اند چند نظر ابراز شده است: ۱ يهود و نصارا، ۲ آنها و مجوس، ۳ مسلمانان.

کفر اکثریت يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷- اکثریت یهود، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لا یؤمنون

متعلق ایمان

- به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است، یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

۸- رواج عهدشکنی در میان یهود، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است.

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

۱۰- اکثر یهودیانی که به عهد های الهی وفا نکردند، به آن عهد و پیمان ها، ایمان و اعتقاد نداشتند.

كلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

این برداشت بدان احتمال است که متعلق <یؤمنون> عهدها و پیمانها باشد، یعنی، اکثر عهدشکنان، آن عهد و پیمانها را به قلب و دل خویش نپذیرفته بودند اگر چه تظاهر به پذیرش آن می کردند. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <اکثرهم> به <فریق> برگردانده شده است.

۱۱- بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص)، ایمان نخواهند آورد.

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

كفر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۵

۵ رشوه خواری عالمان کفرپیشه یهود برای پذیرش و تأیید دروغپردازی های رشوه دهندگان

لقوم ءاخیرین .. سمعون للکذب اکلون للسحت

ذکر رشوه خواری عالمان یهود پس از توصیف آنان به دروغ پذیری، بیانگر آن است که آنان برای پذیرش و تأیید دروغهای بافته شده توسط گروهی از یهودیان رشوه می گرفتند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵۱

۵۱ کفرپیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (ص) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

ثم يتولون من بعد ذلك . . . و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۵

۵ - کفر ورزی یهود ، موجب محروم شدن آنان از رحمت الهی است .

لعنهم الله بكفرهم

<باء> در <بکفر> سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱،۱۵

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به

۱۵ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عز و جل (و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا) روایت شده که فرموده اند : < كانت اليهود تجد في كتابها ان مهاجر محمد (ص) مابين عير و أحد فخرجوا يطلبون الموضوع . . . فاتخذوا بأرض المدینه الأموال فلما كثرت أموالهم بلغ تبع فغزاهم . . . فخلف حيين الأوس و الخزرج . . . و كانت اليهود تقول لهم : أما لو قد بعث محمد ليخرجنكم من ديارنا و اموالنا فلما بعث الله عز و جل محمداً آمناً به الأنصار و كفرت به اليهود و هو قول الله عز و جل : و كانوا من

قبل يستفتحون على الذين كفروا فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به فلعنه الله على الكافرين ۛ

یهود در کتابهای آسمانی خود خوانده بودند که محل هجرت محمد(ص) بین کوه عیر و کوه احد است لذا برای یافتن آن محل از جایگاه خود خارج گردیدند . . . پس در مدینه ساکن شدند و اموالی فراوان به دست آوردند. چون این خبر به <تَبِع> رسید با آنان جنگ کرد ... پس دو طایفه اوس و خزرج را به جا گذاشت ... و یهود به آنان (اوس و خزرج) می گفتند: اگر محمد(ص) مبعوث شود، شما را از خانه های ما و اموالمان بیرون می کند. پس چون خداوند پیامبر را مبعوث کرد، انصار (اوس و خزرج) ایمان آوردند و یهود به آن حضرت کافر گشتند و این سخن خداوند است که: آنان (یهودیان) قبل از بعثت محمد(ص) وعده پیروز شدن بر کافران را می دادند ۛ پس وقتی کتابی که آن را (از قبل) می شناختند نزد آنان آمد به آن کافر شدند ۛ پس لعنت خدا بر کافران باد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

مراد از <ما أنزل الله> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ،

خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله

<اشترأ> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن يكفروا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱، ۲۰، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۹

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و يكفرون بما وراءه

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و يكفرون بما وراءه

۱۴ - قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه

۲۰ - یهود ، بر خلاف اظهاراتشان حتی به پیامبران بنی اسرائیل نیز ایمان نداشتند .

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل إن كنتم مؤمنين

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل ... و لقد جاءكم موسى بالبينت ثم اتخذتم العجل

جمله <لقد جاءكم .. > عطف بر <لم تقتلون ... > در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به إيمانکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما .. > (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷،۱۱

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها

اهل ایمان نیستند.

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص)، ایمان نخواهند آورد.

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان، مردمی کفرپیشه اند.

ما یوّد الذین کفروا من اهل الکتب و لالمشرکین

<من> در <من اهل...> به دلیل عطف <المشرکین> بر <اهل الکتب> بیانیه است. بنابراین <ما یوّد الذین کفروا...> یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام، از سر ستیزه جویی و دشمنی است.

و إن تولوا فإِنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر، کیفر یهود و نصارا، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم... خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوماً کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران

، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت عليهم الذلّة .. و باءو بغضب من الله و ضربت عليهم المسكنه ذلك بانهم كا

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلك بانهم كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون ... و كانوا يعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <كَوَّنُ> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۱، ۱۳

۱۳ یهود ، حتی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جاءكم رسل من قبلي .. و بالذی قلمم فلم قتلتموهم

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر (ص)

الذین قالوا .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

جمله <فلم قتلتموهم .. > ، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن ، بهانه ای بیش نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۲، ۲۱

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذین هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص) ، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا يحرفون .. سمعنا و عصينا ... لعنهم الله بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- نساء - ۴ - ۴۹ - ۱۵، ۱۴، ۵، ۴

۴ یهودیان عصر

پیامبر (ص) علی رغم ادعایشان هرگز منزّه نبودند و نزد خدا منزلتی نداشتند .

الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

۵ خداوند نخواسته است که یهودیان کفرپیشه ، از آلودگی ها پیراسته گردند و تزکیه شوند .

يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

۱۴ شهادت خدا بر ناپاکی یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نیست .

الم تر . . . بل الله يزكى من يشاء و لا يظلمون فتیلا

۱۵ خداوند در اعطا نکردن کمال و پاک نمودن یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نکرده است .

الم تر . . . بل الله يزكى من يشاء و لا يظلمون فتیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۶

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

يؤمنون بالجبث و الطاغوت . . . ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۳

۳ یهود ، مرتدانی که با انکار عیسی (ع) کافر شدند و با انکار حضرت محمد (ص) ، بر کفر خویش افزودند .

لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم سبيلا

در شأن نزول آمده که مقصود آیه، یهودیان هستند که به حضرت موسی(ع) ایمان آوردند و سپس با گوساله پرستی کافر شدند و پس از مراجعه ی آن حضرت(ع) از طور، دوباره مؤمن شدند. تا آنگاه که به حضرت عیسی(ع) کفر ورزیدند و با انکار رسول الله(ص)،

بر کفر خویش افزودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۵

۱۵ کفر و گوساله پرستی یهود، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۹، ۱۱، ۳

۳ آیات الهی (معجزات پیامبران و...) مورد انکار یهودیان

و کفرهم بایت الله

۱۱ کفر یهود، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت.

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود، مایه تقدیر الهی، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۱، ۲، ۷

۱ یهود، مردمی کفرپیشه

و بکفرهم

۲ بهتان یهودیان به مریم (ع)، نمونه ای از کفرپیشگی آنهاست.

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

بدان احتمال که <قولهم> تفسیر و تبیین کفر در <بکفرهم> باشد.

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع)، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۲

۲ یهود، مردمی کفرپیشه و طغیانگر

علیه عیسی (ع) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

بر این مبنا که <رسول الله> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلا یؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۵، ۳۵، ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱۱

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت

آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخیرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۴ دروغ پذیری برخی منافقان و یهودیان و پیروی آنان از عالمان تحریفگر، فلسفه نهی خداوند از تأسف پیامبر (ص) بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

<سمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذین قالوا> و <الذین هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس، دروغ پرداز و حق ناپذیر، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

۳۵ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر، دارای جان و دلی آلوده و ناپاک

قالوا ءامنا بافواهم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا .. أولئک الذین

۴۵ پیشتازی در کفر، تحریفگری، دروغپردازی و جاسوسی، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان

در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۴، ۱۳، ۳۶

۱۳ یهودیان عصر پیامبر (ص)، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

واقع شدن جمله <ولیزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

۳۶ مفسده جویی یهود، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغيناً و کفراً .. و يسعون في الارض فساداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۲

۲ مشرکان و یهودیان، مردمانی کفر پیشه و تکذیب کننده آیات الهی

و الذين كفروا و كذبوا بآياتنا

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود مصداق بارز از <الذين كفروا و كذبوا ..> مشرکان و یهودیان منکر قرآن و رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۸

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن <عزیر > و <مسیح > کافرند .

يضهون قول الذين كفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - توبه

۱۲ یهود و نصارا ، مردمانی کفرپیشه

یریدون أن یطفئوا نور الله . . و یأبی الله ... و لو کره الکفرون

کفر یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۶

۶ گروهی از منافقان و یهودیان عصر پیامبر (ص) ، کافرانی شتابگر در جهت کفر

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر من الذین . . و من الذین هادوا

<من الذین هادوا> عطف بر <من الذین قالوا> گرفته شده است و <من> در هر دو مورد برای تبعیض می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۸

۸ - گروهی از یهود و نصارا و مشرکان در عصر بعثت ، اسلام را نپذیرفته و خود را همچنان در انتظار دستیابی به برهان آشکار قلمداد می کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکین حتی تأتیهم البینه

حرف <من> ، ممکن است برای تبعیض باشد.

کفر یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۴

۴ یهودیان مدینه در عصر بعثت نمونه پست ترین جنبنندگان به سبب اصرارشان بر کفر و از میان بردن زمینه های ایمان در خویش و شکستن پیمانها

إن شر الدواب عندالله الذین کفروا . . الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم

کیفر اخروی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۱

۲۱ - شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را

شکستند .

إذ أخذنا ميثقكم .. و يوم القيمة يردون إلى أشد العذاب

اضافه <أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فألله يحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <يحكم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۲

۴۲ خواری و رسوایی در دنیاو عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذين قالوا ءامنا بافواههم .. لهم فى الدنيا خزى و لهم فى الاخره عذاب عظيم

کیفر بدعتگذاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۹

۹ - عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فويل للذين يكتبون الكتب .. فويل لهم مما كتبت أيديهم

کیفر پیروی از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به عقوبتهایی از جانب

خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <من الله> متعلق به <ولیّ> و <واق> باشد. بر این مبنا <ولیّ و واق> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک...> چنین معنا می شود: برای تو یاور و نگه دارنده ای که تو را از [عذاب] خدا باز دارد، وجود نخواهد داشت.

کیفر تبعیدگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۲، ۲۰

۲۰ - گرفتار شدن به خواری و ذلت در دنیا، سزای یهودیانی است که همدیگر را کشتند و همکیشان خو را از دیارشان بیرون راندند .

تقتلون أنفسکم .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند، به شدیدترین عذاب های قیامت، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

کیفر تجاوزگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱۲، ۵

۵ - تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلك جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ - حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینہم بیغیہم و إنا لصدقون

کیفر دنیوی یہود

جلد - نام سورہ - سورہ

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کیفر و عقوبت دنیوی آنان

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۴

۴- تحریم برخی از حلال ها بر یهود ، کیفر و بازتاب عملکرد ظالمانه خود آنان بود نه برخاسته از ستم الهی .

و علی الذین هادوا حَرَمْنَا .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسم یظلمون

کیفر شرک یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت الیهود عزیر ابن الله .. قتلهم الله أنى یؤفکون

کیفر گناهکاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱،۳

۱ - گناهکاران یهود همانند دیگر گناهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلاّ آیاماً معدوده .. بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلاّ آیاماً معدوده) است.

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا .. بَلَىٰ مِنْ كَسْبٍ

سیئه ... هم فیها خلدون

کیفر نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۳

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت ..> می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۴، ۵، ۱

۱ کافران (یهودیان)، مشمول عذاب سخت خداوند در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

۳ عدم تبعیت یهود از حضرت عیسی (ع)، موجب عذاب سخت آنان در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

مصدق مورد نظر از جمله <فاما الذین کفروا>، کافران به حضرت عیسی (ع) است.

۴ برتری پیروان عیسی (ع) بر یهودیان، موجب عذاب سخن دنیوی یهودیان

و جاعل الذین اتبعوک .. فاما الذین کفروا

بنابراینکه جمله <فاما الذین ..>، به قرینه ذکر عذاب دنیوی، نتیجه جمله <جاعل الذین ..> باشد، یعنی عذاب دنیوی یهود نتیجه تفوق نصارا بر ایشان است.

۵ کافران (یهودیان)، هیچ یار و یآوری در برابر عذاب الهی در دنیا و آخرت ندارند.

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا... وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

جلد - نام سورہ - سورہ

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفّ عنهم العذاب و لا هم یظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۱۶

۱۶ عذاب سخت اهل کتاب (یهود و نصارا) ، به خاطر تفرقه و اختلاف

و لا تكونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات و اولئک لهم عذاب ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱،۳

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در < ایدیکم > به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله < ذلک بما قدّمت .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۷

۱۷ گرفتاری یهود

به صاعقه ، از بینات الهی برای آنان

فأخذتهم الصعقه بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ هشدار خداوند به مسلمانان با بیان مجازات یهود و نصارا به خاطر نقض پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم .. و من الذين قالوا إنا نصرى اخذنا ميثقهم فنسوا

بیان مجازات مسیحیان و یهودیان به خاطر پیمان شکنی آنان پس از <اذکروا .. ميثقه > (ای مسلمین پیمان الهی را به یاد داشته باشید)، هشدارى است به مسلمانان که مبادا همانند اهل کتاب پیمان الهی را نقض کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۲

۲۲ اراده خداوند به عذاب بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)

فان تولوا .. ان يصيبهم ببعض ذنوبهم و إن كثيراً من الناس لفسقون

کیفر یهود عهدشکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۹،۲۱

۱۹ - سزای یهودیانی که پیمان های الهی را نقض کردند ، خواری و خفت در دنیاست .

إذ أخذنا ميثقكم .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي فى الحيوه الدنيا

<ذلك > اشاره به همه کارهایی است که آیه شریفه از یهودیان نقل کرد و آنها را ناپسند شمرد از جمله: پایبند نبودن به پیمانهای الهی، کشتن همکیشان و ..

۲۱ - شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را شکستند .

إذ أخذنا ميثقكم .. و يوم القيمه يردون إلى أشد العذاب

<أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است، یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر (ص) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید.

فإما تتفنههم في الحرب فشردههم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببه است که به دلیل <فی الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردههم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

کیفر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۷

۷ - یهودیان، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص)، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... من كسب سيئه... هم فيها خالدون

کینه توزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب (یهود)، با علم به ناحق بودن قتل انبیاء، آنان را می کشتند.*

و يقتلون الانبياء بغير حق

چون تصوّر حق

بودن قتل انبیا نمی رود، لذا می توان گفت که قید <بغیر حق>، اشاره باشد به اینکه قاتلین می دانستند که قتل انبیا، حق نیست.

گرایش به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۱

۲۱ شکست دشمنان اسلام، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دلبستگی به یهود و نصارا

فعسى الله ان يأتى بالفتح .. فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمين

در برداشت فوق جمله <ما اسروا> به قرینه <و من يتولهم منكم> در آیه قبل به دلبستگی مسلمانان به یهود و نصارا تفسیر شده است.

گرایش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۲

۲ گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت (معبودی غیر از خدا) و طاغوت

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

<جبت> در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

گرایشهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۹

۹ گروه هایی از یهود و نصارا دارای گرایشهایی شرک آلود بودند .

و من الأحزاب من ينكر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله ولا أشرك به

چون جمله <قل إنما أمرت ..> که حاکی از توحید و یکتاپرستی است در پاسخ گروه هایی از یهود و نصارا قرار گرفته

است ، معلوم می شود این گروه ها به پرستش غیر

خدا و شرک در عبادت روی آورده بودند.

گروه گرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۶

۶ یهود و نصارا، تنها با یکدیگر و همکیشان خویش روابط دوستی داشته و به آن وفادار هستند.

يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى اولياء بعضهم اولياء بعض

چون جمله <بعضهم أولياء بعض> به منزله دلیل برای جمله <لاتتخذوا ..> است، معنای حصر از آن استفاده می شود.

گروههای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۱

۱ خداوند جامعه یهود را گروه گروه کرد و در پهنه گیتی پراکنده ساخت.

و قَطَّعْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّاماً

<أُمَّاماً> هم می تواند مفعول دوم برای <قَطَّعْنَاهُمْ> باشد، که در این صورت در <قَطَّعْنَا> معنای <تصییر> تضمین شده است، و هم می تواند حال برای ضمیر <هم> در <قَطَّعْنَاهُمْ> باشد.

گمراهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۷ - ۸

۸ یهود و نصارا، منحرف از حق، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين

بنابراینکه جمله <و لكن كان ..>، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۴

۲۴ یهودیان ، جز اندکی از آنان ، هرگز به راه خیر و قوام روی نخواهند آورد .

لکان خيراً لهم و اقوم و لكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلاً

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ یهود و نصارا ، مردمی گمراه و ستمگر

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

از مصادیق مورد نظر برای <الظالمین> به قرینه صدر آیه ، یهود و نصارا هستند.

گناه دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۸

۸ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند

يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا

گناه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۴

۱۴ آلوده شدن گروهی از یهودیان به گناه ، موجب تحریم طیبات الهی بر تمامی آنان

فَبَطَّلْنَا مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ... وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۱،۳۲

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن ، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های

پیامبر (ص)

فَان تَوَلَّوْا فاعلم انما يريد الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

کلمه <بعض> می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد؛ نه همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال

دوم است.

۳۲ بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و ان كثيراً من الناس لفسقون

گناهان کبیره در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۷

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

الله مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

گناهکاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۱

۵ گروهی از یهود و نصارا، آلوده به گناه هستند .

فلم یعذبکم بذنوبکم

۶ گناهکاران یهود و نصارا، گرفتار عذاب الهی

فلم یعذبکم بذنوبکم

۸ گرفتاری گناهکاران یهود و نصارا به عذاب الهی، ردی بر پندار تقرب و محبوب بودنشان نزد خداوند

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

۹ یهود و نصارا به دلیل ارتکاب گناه، نه محبوب خدا هستند و نه مقرب درگاه او

نحن ابئنا الله و احبوه قل فلم یعذبکم بذنوبکم

۱۱ گرفتاری گنهکاران یهود و نصارا به عذاب های دنیوی *

قل فلم یعذبکم بذنوبکم

چون مسیحیان خود را مصون از عذاب قیامت می دانند، بنابراین در صورتی استدلال تمام است که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی باشد.

گناهکاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۳،۴

۳ - یهود، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أیدیهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال

نارواست.

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن يتمنوه أبداً بما قدمت أيديهم

گواهی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۷، ۱۶

۱۶ دانشمندان یهود و عالمان ربانی آنان ، گواهان حقانیت تورات و بیان کنندگان حقایق آن

یحکم بها .. و الربنيون و الاحبار بما استحفظوا من كتب الله و كانوا عليه شهداء

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

یحکم .. بما استحفظوا من كتب الله و كانوا عليه شهداء

چون جمله <كانوا .. > عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

گواهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن كان من عند الله و كفرتم به و شهد شهد من بنی إسرئیل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

گوساله پرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن

بما أنزل علينا .. قل ... و لقد جاءكم موسى بالبينت ثم أتخذتم العجل

جمله <لقد جاءكم .. > عطف بر <لم تقتلون ... > در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما .. > (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا > قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۵،۱۸

۱۵ کفر و گوساله پرستی یهود ، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت فغفونا عن ذلك

لجاجة علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۹،۱۰

پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم . . . أفلا تعقلون

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <وقد كان...> و یا عطف بر جمله <يسمعون...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون...> می باشد.

لجاجت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴،۵

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

جمله <لئن...> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات و بالذی قلم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۹

الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

لجاجة یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۵

۵ یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر(ص) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

جملات بعدی این آیه قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً، معتقد به نبوت موسی(ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

لعن بر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا .. أولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللعنون

لعن بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴،۶،۱۰

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از

رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به

خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۱۰ - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم الله بكفرهم قليلا ما يؤمنون

فء تفریع در <قلیلا- ما .. > گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸، ۲۷، ۲۱، ۲۰

۲۰ گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بكفرهم

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم الله بكفرهم .. الا قليلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم الله> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰، ۹

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

میثقههم .. و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است. یعنی <بقولهم ... لعناهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷۸

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع)، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۴

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷،۱۴

۷ یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۱۴ تأثیر منفی قرآن

در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفرةً

واقع شدن جمله <و لیزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ > عن أبي عبد الله (ع) انه قال في قول الله عزوجل : < و قالت اليهود يد الله مغلولة > : لم يعنوا أنه هكذا ، و لكنهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلا يزيد و لا ينقص فقال الله جل جلاله تكذیباً لقولهم : < غلّت أیدیهم و لعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء > ألم تسمع الله عزوجل یقول : < یمحوا الله ما یشاء و یشاء و عنده أمّ الكتاب > ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: <و قالت اليهود ید الله مغلولة> فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غلّ بسته است ؛ بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند جل جلاله برای تکذیب سخن آنان فرمود: <دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد ؛ بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد.> آیا

نشیده ای که خدای عزوجل می فرماید: <يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ>.

لعن بر يهود كافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

ماهی گیری یهود در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۲،۱۴

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون .. إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القرية>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

۱۴ فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد (تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب شدن ماهی در غیر آن روز) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

<كذلك> اشاره است به معنایی که از <إذ تأتيهم حيتانهم ..> به دست می آید.

متجاوزان يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۳

۳ - خداوند ، اصحاب سبت (تجاوزکاران یهود در روز شنبه) را به بوزینه هایی

مطروود تبدیل کرد .

فقلنا لهم كونوا قردة خاسئين

<قِرْد> (مفرد قِرْدَة) به معنای میمون است. <خاسیاء> به معنای مطروود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه <خاسئين> خبر دوم برای <كونوا> است.

متعهدان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۶

۲۶ تنها یک فرقه از هفتاد و یک فرقه یهود و یک گروه از هفتاد و دو گروه نصارا، معتدل و متعهد به کتاب آسمانی خویشند

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل .. و کثیر منهم ساء ما یعملون

از رسول خدا(ص) روایت شده: تفرقت امه موسی علی احدى و سبعین مله (فرقه) سبعون منها فی النار و واحده فی الجنه و تفرقت امه عیسی علی اثین و سبعین فرقه احدى و سبعون فرقه فی النار و واحده فی الجنه .. حضرت علی(ع) هرگاه این حدیث را از رسول خدا(ص) نقل می کرد، این آیه را قرائت می فرمود: و لو ان اهل الكتاب امنوا ... و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل ... منهم ساء ما یعملون

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۵۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۱، ح ۲۸۸.

مثل علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۳

۳ - مَثَل عالمان بی عمل یهود در پیشگاه خداوند، مَثَل الاغی است که بار کتاب حمل می کند و ولی از آن بهره ای ندارد .

مثل الذین حَمَلُوا التوریه .. كمثل الحمار یحمل أسفارًا

محرمات یهود

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ دریافت فدیه از اسیران همکیش برای آزادی آنان ، از محرّمات آیین یهود

و إن یأتوكم أسرى تفدوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۵

۵ وعده عیسی (ع) به بنی اسرائیل ، در برداشتن حرمت برخی از محرّمات شریعت موسی (ع)

و لآحلّ لكم بعض الذی حرّم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۷

۷ پیشنهاد پیامبر (ص) به یهودیان برای ارائه شاهی از تورات ، بر صدق ادعای خویش در تحریم برخی خوردنیها

قل فاتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <فی السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱،۲

۱ حرمت رباخواری بر یهود

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

۲ یهود مردمی رباخوار علی رغم آگاهی به حرمت آن

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱۲، ۳، ۵، ۲، ۱

۱ خداوند خوردن گوشت حیوانات

دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمانا کل ذی ظفر

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمانا .. ذلک جزینهم ببغیهم

۳ خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرمانا علیهم شحومهما إلا ما حملت

<شحم> به معنی چربی و پیه است و <ظهر> یعنی پشت و <حوایا>، جمع <حویه>، به معنی روده است.

۵ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمانا .. ذلک جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱

۱ خداوند کار و فعالیت در روز شنبه را برای یهود تحریم کرده بود .

إذ یعدون فی السبت .. و یوم لا یسبتون

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می شود. بنابراین <یوم السبت> یعنی روز تعطیلی و استراحت و <یوم لا یسبتون> یعنی روزی که تعطیل نمی کردند و روز کاری بود. <عدوان> (مصدر یعدون) به معنی تخلف و تجاوز است. تجاوز در روز

تعطیل به معنای شکستن تعطیلی است. بنابراین مطلق کار در آن روز حرام بوده و ماهیگیری به عنوان یک مصداق تحقق یافته حرمت مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۷

۷ شکستن حرمت تعطیلی روز شنبه گناهی بزرگ در آیین یهود و در پی دارنده عذاب شدید

اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

شدت عذاب، حکایت از بزرگی گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۶

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه (حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئیس بما كانوا یفسقون

محرومیت اخروی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۴

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

محرومیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ١٠٢ - ٤٩

٤٩ - يهوديان ساحر ، على رغم اطمينانهم به محروم بودن از سراى آخرت ، محروميت خویش را انكار می کردند .

لقد علموا لمن اشتريه ماله فى الآخره

تأکید جمله با لام قسم (لقد) و نیز لام تأکید (لمن) گویای این است که: یهودیان ساحر، حقیقتی را که بدان علم داشتند، مورد انکار قرار می دادند؛ زیرا تأکید جمله غالباً در مواردی است که مضمون آن مورد انکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۵

۵ یهود و نصارا و مرتدان ، محروم از نظر و توجه خداوند

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. و لا هم ينظرون

جمله <و لا هم ينظرون>، می تواند به این معنا باشد که آنان مورد عنایت و توجه خداوند قرار نمی گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۸

۲۸ گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (ص) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۱

۴۱ ناپاکی جان و دل منافقان و یهودیان ، موجب محرومیت آنان از شفاعت رسول خدا (ص) برای هدایت و نجاتشان از عذاب *

و من یرد الله فتنته فلن تملک له .. أولئك الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۷۸، ۳۸

۷ یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

<لعنت> به معنای دوری از رحمت است.

۸ سخن ناروای یهود درباره خداوند (نافذ نبودن قدرت او) موجب دوری آنان از

رحمت الهی

و لعنوا بما قالوا

۳۸ مفسده جویی یهود، عامل محرومیت آنان از محبت خداوند

و یسعون فی الارض فساداً و الله لایحب المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۹

۹ - قوم یهود، گروهی ظالم و محروم از هدایت خداوند

الذین کذبوا بایت الله و الله لایهدی القوم الظلمین

محمد(ص) و اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) به امید اسلام آوردن یهود و نصارا، در پی جلب رضایت و خشنودی آنان بود.

و لن ترضی عنک الیهود و لالنصری

بدیهی است که اهتمام پیامبر(ص) برای جلب خشنودی یهود و نصارا برای دستیابی به منافع شخصی و مانند آن نبود؛ بلکه در جهت ایفای وظیفه، یعنی، گرایش دادن آنان به اسلام بوده است و لذا قید <به امید اسلام آوردن> در برداشت آورده شد.

۲ - تلاش پی گیر پیامبر (ص) برای گرایش دادن یهود و نصارا به اسلام

و لن ترضی عنک الیهود و لالنصری

محمد(ص) و عهدشکنی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۷

۷ خداوند ، پیامبر (ص) را بر روحیه پیمان شکنی یهودیان عصر خویش آگاه ساخت .

ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

به کارگیری فعل مضارع <ینقضون> به جای فعل ماضی، با اینکه سیاق آیه اقتضا می کرد که گفته شود <ثم نقضوا>، اشاره به این است که پیمان شکنی یک حالت مستمر برای یهودیان است.

محمد(ص) و محرّمات یهود

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۵

۵- پیامبر (ص) از محرماتی که تنها برای ملت یهود وضع گردیده بود، از راه وحی آگاه شد.

و علی الذین هادوا حرمنا ما قصصنا علیک من قبل

محمد(ص) و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹،۱۰

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر، بر مخفی کردن ادله رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا .. ان یؤتی احد مثل ما او تیتم

احتمالا مراد از <ما او تیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

۱۰ علمای یهود، منکر توان مسلمانان در احتجاج بر نبوت پیامبر اسلام (ص)

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم .. او یحاجوکم عند ربکم

بنابراینکه <او یحاجوکم>، که عطف به <ان یؤتی> است، مفعول له برای <لا تؤمنوا> باشد؛ به تقدیر <لا> یعنی: لان لا یحاجوکم عند ربکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۷

۷ پیشنهاد پیامبر (ص) به یهودیان برای ارائه شاهی از تورات، بر صدق ادعای خویش در تحریم برخی خوردنیها

قل فاتوا بالتوریه فاتلوا ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۲

۲ - یهودیان ، همچون سایر مردم در گستره رسالت پیامبر (ص) هستند .

و لما جاءهم رسول من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱۴، ۶

عدم قبول حکمیت تورات از سوی برخی عالمان یهود ، به دنبال ارائه پیشنهاد آن از جانب پیامبر اکرم (ص)

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتاب . . هم معرضون

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که درباره آیه مورد بحث نقل شده است. (مجمع البیان).

۱۴ داوری پیامبر (ص) در میان یهودیان بر اساس تورات ، و عدم پذیرش حکم تورات توسط برخی از آنان

يدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى فريق منهم

در شأن نزول آیه آمده است، پیامبر (ص) درباره زن و مردی از یهود که مرتکب زنا شده بودند، به استناد تورات، حکم به رجم آنان نمود که سبب خشم یهودیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲۰

۲۰ دعوت پیامبر (ص) از یهود برای مباحله

فقل تعالوا ندع ابناءنا

تفسیر المیزان از ابن جریر نقل می کند، آنگاه که آیه <فمن حاجك فيه . . > نازل شد ، پیامبر (ص) یهود را برای مباحله دعوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۷

۷ یهود ، آنچه را در اوّل روز بر پیامبر (ص) نازل شده بود (قبله بودن بیت المقدّس) ، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود (قبله بودن کعبه) ، کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفه . . لعلمهم يرجعون

برخی از مفسران بر آنند که <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است ، و

سیاق آیه می رساند که مراد از <الذی>، حکمی خاص است؛ برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص، تغییر قبله بوده است که پیامبر (ص) در عصرگاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا، محروم از هدایت، به جهت انکار آگاهانه حقایق پیامبر (ص) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی الله قوماً... و الله لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حقایق آن حضرت، منکر حقایق وی شدند. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند.

قوماً کفروا بعد ایمانهم... اولئک جزاؤهم انّ علیهم... و الناس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۱

۲۱ مراقبت مستمر پیامبر (ص) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

و لاتزال علی خائنه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۱، ۱۳، ۱۵

۱۱ پیامبر (ص)، از جانب خداوند، اختیار

دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوك فاحكم بينهم او اعرض عنهم

۱۳ پیامبر (ص) ، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

به نظر می رسد مراد از <یضروك> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

۱۵ پیامبر (ص) ، مأمور به قضاوت عادلانه بین یهودیان در صورت تصمیم بر داوری میان آنان

و إن حكمت فاحكم بينهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر (ص) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر (ص) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید .

فإما تتقنهم في الحرب فشردهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فی الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند.

بنابراین جمله <فشردهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

محمد(ص) و یهود عهدشکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر (ص) را از وقوع نبردی میان مسلمانان و یهودیان پیمان شکن ، پیش از واقع شدنش ، آگاه ساخت .

فشردهم من خلفهم

<ثقف> مصدر <تثقفن> به معنای دستیابی و تسلط پیدا کردن است. <إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زاید است. تأکید جمله شرطیه با نون تأکید ثقلیه و <ما>ی زایده حکایت از آن دارد که شرط، یعنی وقوع جنگ و تسلط مسلمانان بر یهودیان، تحقق خواهد یافت. بنابراین معنای جمله شرط چنین خواهد بود: اگر نبردی با یهودیان رخ داد و بر آنان مسلط شدی، که البته چنین خواهد شد ...

مخالفت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۹

۹ یهود و نصارا ، مخالف اسلام و ناخشنود از گسترش آن

اتخذوا أجارهم و رهنهم أرباباً .. لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

مخالفت یهود با موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۷

۷ - یهودیان ، علی رغم دریافت دلایل و معجزات موسی (ع) با رسالت های او مخالفت کردند .

لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أخذتم العجل من بعده

۴ - گریزان بودن یهود از مرگ ، نشان دروغین بودن ادعای آنان (این که آنان دوستان و اولیای خدا هستند) .

إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ .. إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . وَلَا يَتَمَنَّوْنَ أَبَدًا

مسخ یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱،۳،۷

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خسئين

<عتوا> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذين ظلموا .. >، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب

دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

۷ مسخ یهودیان متمرّد آبادی ایله به بوزینگانی مطرود ، عذاب سخت الهی برای ایشان

قلنا لهم كونوا قردة خسئين

برخی برآنند که <قلنا لهم .. > بیان همان <عذاب بئس> است که در آیه قبل آمده است. گفتنی است بر این مبنا

<الذين ظلموا> شامل ترک کنندگان نهی از منکر نمی شود. زیرا آنان قانون حرمت صید را نشکستند و به بوزینه تبدیل

نشدند.

مسلمانان صدر اسلام و علمای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۳

۳ خوشبینی مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به پیشوایان دینی یهود و نصارا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَطْلِ

افشای چهره عالمان دینی یهود و نصارا برای مسلمانان (یا أيها الذین آمنوا) که متضمن هشدار به ایشان است بیانگر این حقیقت است که: مسلمانان از ماهیت خطر پیشوایان دینی اهل کتاب آگاهی نداشتند بلکه بر عکس به آنان خوشبین بودند.

مسلمانان و علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أَفْتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ .. قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <وقد كان ..> و یا عطف بر جمله <يسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

مسلمانان و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ علمای یهود ، منکر توان مسلمانان در احتجاج بر نبوت پیامبر اسلام (ص)

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم .. او يجاجوكم عند ربكم

بنابراینکه <او يجاجوكم>، که عطف به <ان يؤتى> است، مفعول له برای <لا تؤمنوا> باشد؛ به تقدیر <لا> یعنی: لان لا يجاجوكم عند ربكم.

با آنها در پیشگاه خداوند

و لا تؤمنوا .. او یحاجوکم عند ربکم

۱۲ افشای توطئه علمای یهود علیه مسلمانان ، از جانب خداوند

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم .. او یحاجوکم عند ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۱۲ ، ۱۰ ، ۴ ، ۲ ، ۱

۱ کوشش اهل کتاب (یهود) ، برای زیان رساندن به مسلمانان

لن یضروکم إلیّ اذی

مفسرین شأن نزول آیه را یهودیان گفته اند.

۲ ناتوانی اهل کتاب (یهود) ، از آسیب رساندن به مسلمانان ، جز اندک آزاری

لن یضروکم إلیّ اذی

اندک بودن آزار از نکره آوردن <اذی> استفاده شده است.

۴ شکست و فرار ، فرجام رویارویی و نبرد اهل کتاب (یهود) با مسلمانان

و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

۱۰ محرومیت اهل کتاب (یهود) از یاری دیگران ، پس از فرار و شکست در پیکار با مسلمانان

و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار ثم لا ینصرون

۱۲ گروندگان از اهل کتاب (عبدالله بن سلام و یارانش) به اسلام ، مورد سرزنش و آزار سران یهود

لن یضروکم إلیّ اذی

در شأن نزول آمده است: عبدالله بن سلام و یارانش پس از ایمانشان به پیامبر(ص) مورد سرزنش رؤسای یهود قرار گرفتند.
(مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱

۱ - تأیید حقانیت رسالت پیامبر (ص) و تأیید پیروان او ، انتظار مسلمانان عصر بعثت از یهودیان آن دوران

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم

طمع به معنای کشش نفس به چیزی دلخواه است (مفردات راغب). طمع به معنای امید و

رغبت است (لسان العرب). ایمان در <أن يؤمنوا> به قرینه متعلق آن (لکم) به معنای تصدیق و تأیید کردن است. بنابراین <أفطمعون...> یعنی، آیا انتظار دارید شما را - بر آن راهی که انتخاب کرده اید - تأیید کنند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۳، ۱۰

۱۰ - مسلمانان، باید به یهود و نصارا ابلاغ کنند که به قرآن و همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان و به تمامی کتاب های آسمانی، ایمان دارند.

قولوا ءامنا بالله و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم . . . و ما أوتی النبیین

برداشت فوق از کلمه <قولوا> (بگویید) استفاده می شود. آیه قبل گویای این است که <مقول له> (کسی که باید به او ابلاغ شود) یهود و نصاراست.

۱۳ - مسلمانان، باید به یهودیان و نصرانیان ابلاغ کنند که هرگز تسلیم خواسته های آنان نخواهند شد.

کونوا هوداً أو نصری . . . قولوا ءامنا . . . و نحن له مسلمون

حصر در جمله <و نحن له مسلمون> ناظر به سخن یهود و نصاراست که از مسلمانان می خواستند به آیین یهودیت و نصرانیت ایمان آورند و در زمره یهودیان و نصرانیان قرار بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذین اتبعوک

احتمالاً مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود؛ چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده

بود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۹،۲۶

۱۹ عنایت خداوند به عزت و شوکت مسلمین در برابر یهود و نصارا

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

۲۶ یهود و نصارا، مورد علاقه و محبت مسلمانان سست ایمان در عصر بعثت

مَا اسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۴،۶،۷

۴ مسلمانان فریب خورده و دلگرم به یاری یهود و نصارا، مورد ملامت مؤمنان راستین پس از فتح و پیروزی

أَهْلَاءَ الَّذِينَ اقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ أَنْهُمْ لَمَعَكُمْ

۶ تعهد مسلمانان سست ایمان بر یاری یهود و نصارا با سوگندهایی مؤکد

أَهْلَاءَ الَّذِينَ اقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ أَنْهُمْ لَمَعَكُمْ

برداشت فوق بر این مبناست که <اهلواء> اشاره به بیماردلان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا باشد.

۷ ناتوانی مسلمانان سست ایمان بر پابندی به تعهد خویش با یهود و نصارا

أَهْلَاءَ الَّذِينَ اقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ أَنْهُمْ لَمَعَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۳

۳ خداوند پیش از وقوع نبرد، تسلط مسلمانان بر یهودیان را بر پیامبر (ص) بشارت داد.

فَإِذَا تَثَقَّفْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ

برداشت فوق مبتنی بر مطالبی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

مسئولیت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۳، ۳۲، ۲۱، ۱۲

۱۲ حراست و نگهداری تورات از تغییر، تبدیل و تحریف، مسئولیت عالمان ربانی

یحکم بها .. الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله

<استحفظوا> به معنای <امروا بالحفظ> و <من کتب> بیان برای <ما> در <بما استحفظوا> می باشد. یعنی ربانیون و احبار به چیزی حکم می کنند که مأمور حفاظت از آن هستند و آن چیز کتاب خداست.

۲۱ حراست از تورات و قضاوت بر اساس آن ، بدون هیچ ترسی از مردم ، فرمان خداوند به عالمان یهود معاصر پیامبر (ص)

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله .. فلاتخشوا الناس

۳۲ ضرورت درس آموزی عالمان یهود از انبیا ، احبار و ربانیون ، در خداترسی و بی پروایی از مردم

یحکم بها النبیون .. فلاتخشوا الناس و اخشون

تفریع جمله <فلاتخشوا الناس> بر <یحکم بها النبیون> با کلمه <فاء> ، بیانگر برداشت فوق است.

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگوهای خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون .. فلاتخشوا الناس و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ سکوت عالمان یهود و نصارا در برابر منکرات جامعه خویش ، بسیار زشت و ناپسند

لبئس ما کانوا یصنعون

ظاهراً مراد از ضمیر در <کانوا> و <یصنعون> ، <ربانیون> و <احبار> می باشد نه توده اهل کتاب ؛ قابل ذکر است که در برداشت فوق مراد از <ما>ی موصوله ، سکوت عالمان اهل کتاب در برابر گناهان دانسته شده است.

مسئولیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷

۷ - خداوند ، بنی

اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا اول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۴

۴ - مسلمانان ، یهودیان ، مسیحیان و صابئی ها سزاوارترین امت ها برای برخوردار شدن از ایمان راستین و انجام عمل صالح

إن الذین ءامنوا .. من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صلحاً

نام بردن از ملت‌های مذکور - با وجود این که ایمان راستین چنانچه گذشت از هر فرد و ملتی پذیرفته است - می تواند اشاره به این نکته باشد که: پیروان آیینهای یاد شده دارای زمینه بیشتری برای ایمان حقیقی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۸

۸ - یهود و نصارا ، حقیقتی را از ناحیه خداوند در اختیار داشتند که باید آن را به مردم ارائه می کردند .

أم تقولون .. و من أظلم ممن کتم شاهده عنده من الله

چون در این بخش از آیات سخن درباره یهود و نصارا است، معلوم می شود: اشاره مستقیم جمله <من أظلم ..> و مصداق مورد نظر آن، یهود و نصارا می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲

۲ یهود وظیفه دار اجرای احکام و قوانین قصاص (بیان شده در تورات) در میان خویش

و کتبنا

عليهم فيها ان النفس بالنفس .. و الجروح قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٦٩ - ٤

٤ ايمان به خدا و قيامت و رسالت انبيا ، از اصول مشترك ادیان آسمانی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّبِئُونَ .. من ءامن بالله و اليوم الآخر

ايمان به رسولان الهی، از عناوین مذکور در آیه (الذین ءامنوا .. النصری) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ١٥٧ - ١٠

١٠ ايمان به رسول اکرم (ص) و پیروی از او وظيفه ای الهی بر عهده يهود و نصارا و ثبت شده در تورات و انجيل

الذین يتبعون الرسول النبى الأُمى الذى یجدونه مکتوبا عندهم فى التوریه و الإنجیل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ١٥٨ - ١٥،٢٠

١٥ همه انسان ها ، حتى يهود و نصارا ، باید به خدا و پیامبر او ايمان آورند .

قل یا ایها الناس .. فامنوا بالله و رسوله

مصدق مورد نظر برای <الناس>، به قرینه آیات گذشته و نیز آیه قبل که بیان داشت اوصاف پیامبر در تورات و انجيل ثبت شده، يهود و نصارا است. بنابراین يهود و نصارا از مخاطبان <فامنوا ... > هستند.

٢٠ همگان ، حتى يهود و نصارا ، باید از پیامبر اسلام تبعیت کنند .

و اتبعوه

مسیحیان و قبله يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا،

قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

مسیحیان و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۸

۱۸ خداوند ، مرجع و حاکم حلّ اختلافات یهود و نصارا در قیامت

ثمّ الّی مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون

مشاجره یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . .) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: > آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. <

مشکلات یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۸

۸ - یهودیان مدینه ، پیش از اسلام در گیر با کافران و از ناحیه آنان در سختی و فشار بودند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

مصلحت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۸، ۱۶

۱۶ خیر و صلاح یهود در گوش سپردن به گفته های پیامبر (ص) و فرمانبرداری از آن حضرت

و لو انهم قالوا سمعنا

و اطعنا .. لكان خيراً لهم

۱۸ خیر و قوام یهود ، در پرهیز از سخنان مبهم ، دو پهلو و تمسخرآمیز در برابر پیامبر (ص)

و لو انهم قالوا .. واسمع و انظرنا لكان خيراً لهم و اقوم

معاهده با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۶

۶ - توافق های سطحی با یهود و نصارا ، در گرایش آنان به اسلام مؤثر نیست .

و لن ترضى عنك اليهود و لا النصرى حتى تتبع ملتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۷

۷ ناتوانی مسلمانان سست ایمان بر پابندی به تعهد خویش با یهود و نصارا

اهولاء الذين اقساموا بالله جهد ايمنهم انهم لمعكم

معاهده یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۴

۴ - یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، هم پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب

مراد از <الذين ظاهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

معاهده یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در وفا نکردن منافقان به پیمان خویش با کافران (یهود بنی نضیر)

و الله يشهد انهم لکذبون

معدور نبودن یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محبوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفر هم

مغضوبیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ - یهودیان ، مردمی گرفتار شده به غضب و خشم خداوند

فباء و بغضب علی غضب

۱۶ - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن یکفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله .. فباء و بغضب علی غضب

<باءوا> به معنای <بازگشتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشد، یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

۱۷ - یهودیان به خاطر کفرشان به تورات ، مورد غضب و خشم خدا قرار گرفتند .

أن یکفروا بما أنزل الله .. فباء و بغضب علی غضب

تفریع جمله <باءوا ..> بر جمله های سابق، بیانگر آن است که: منشأ خشم خدا بر یهود، کافر شدن به قرآن و تورات از یکسو و حسدورزی و اعتراض آنان به خداوند از سوی دیگر است و لذا می توان گفت: <غضب> اول به خاطر کفر آنان و <غضب> دوم به خاطر حسادت و اعتراضشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۲، ۱۱، ۸

۸ اهل کتاب (یهود) ، هموارکننده غضب الهی بر خویشان

و بءو بغضب من الله

مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت عليهم الذلّ... و باءو بغضب من الله و ضربت عليهم المسكنه ذلك بانهم كا

۱۲ عصیان یهود و تعدی و تجاوز مستمر آنان ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت عليهم الذلّ... ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

بنابر اینکه <ذلك بما عصوا>، اشاره به ذلت و... باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۴

۴ - یهود ، ملتی مغضوب و مورد خشم خداوند

قومًا غضب الله عليهم

مقلدان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۳

۳ عوام یهود ، قبول کننده تحریفات صورت گرفته به دست عالمان آنها *

سمعون للكذب

چنانچه <سمعون> وصف عوام یهود باشد، مراد از <كذب> به قرینه <يحرّفون> تحریفاتی خواهد بود که به دست عالمان یهود صورت می گیرد و شنیدن تحریف به معنای قبول کردن آن است.

مکر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ تلاش مودیان و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (ص) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

چون <يفتنوك> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است / یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی

بازدارند و گمراه سازند.

ملاکهای ایمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۲، ۱۰، ۶

۶ - یهود، ایمان به وحی و کتاب های آسمانی را تنها در صورت نزولشان بر پیامبری از نژاد اسرائیل، ضروری می پنداشتند.

قالوا نؤمن بما أنزل علينا

۱۰ - ملاک یهودیان، برای ایمان آوردن به پیامبران، بعثت آنان از میان بنی اسرائیل است.

قالوا نؤمن بما أنزل علينا

هر چند ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی محور سخن در آیه شریفه است ولی از آن جا که نزول کتاب آسمانی مستلزم بعثت پیامبر (ص) نیز هست، دعوت به پذیرش قرآن، دعوت به ایمان به پیامبر (ص) نیز می باشد و سخن یهود - که فقط به کتاب خود ایمان می آوریم - مستلزم این معنا نیز هست که: فقط به پیامبران خود ایمان می آوریم.

۱۲ - یهودیان، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد، کافر می شوند.

و یکفرون بما وراءه

منابع غذایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۴

۴ دنبه و پیه گاو و گوسفند از نظر غذایی برای یهودیان ارزش فراوانی داشت.

و علی الذین هادوا .. حرما علیهم شحومهما ... ذلک جزینهم بیغیهم

چون تحریم پیه و دنبه بر یهودیان به عنوان مجازاتی در برابر ظلم و تجاوز آنها مطرح شده، طبیعتاً چیزهایی مرغوب و مورد پسند و نیاز آنها بوده تا عنوان مجازات لغو و بی اثر نباشد.

منافقان و علمای یهود

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون...>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

منافقان و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۹

۹ استهزای یهود و مشرکان به آیات الهی و شرکت منافقان در جمع آنان

إذا سمعتم ءایة الله یکفر بها و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم

ابن عباس در شأن نزول آیه گفته است: منافقان، در مجالسی که از سوی یهود ترتیب می یافت و قرآن مورد تمسخر قرار می گرفت، شرکت می کردند و سدی گفته است: مشرکان آنگاه که با مسلمانان در یک مجلس می نشستند، قرآن را استهزا می کردند و به رسول خدا(ص) دشنام می دادند.

مجمع البیان، ذیل آیه؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۴ - ۲

۲ - اتحاد و همدستی منافقان با یهودیان علیه اسلام و مسلمین

ألم تر إلی الذین تولّوا قوماً غضب الله علیهم

دوستی میان منافقان و یهودیان که مورد غضب خدا هستند جنبه عاطفی نداشت، بلکه سیاسی و عقیدتی بوده است.

منشأ عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۵

۵ تأثیر پذیری فرهنگ دینی یهود و نصارا از عقاید کافران پیشین *

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الذین کفروا من قبل> جوامع کفرپیشه پیش از پیدایش دین یهود و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۵

۵ عقاید و آرای یهود و نصارا در عصر پیامبر (ص)، عقاید و آرای برخاسته از هواهای نفسانی بود.

و لئن اتبعت أهواءهم

<أهواء> (جمع هوی) به معنای خواهشها و تمایلات نفس است و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با احکام قرآن آرا، عقاید و قوانین برخاسته از تمایلات نفسانی است.

منشأ کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أَن یكفروا بما أنزل اللّٰه بغیاً أَن ینزل اللّٰه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است؛ برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أَن یكفروا> می باشد.

موانع اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اندیشه باطل یهود (عذاب نشدن یهودیان جز روزی چند) بازدارنده آنان از ایمان آوردن به اسلام

أَفْتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا

لکم .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جمله <وقالوا ..> عطف بر <قد كان فريق> در آیه ۷۵ است و لذا حاکی از آن است که چنین عقیده و پنداری، مانع از آن شده که یهودیان ایمان آورند.

۷- توجه به باور ناردست یهود درباره (عذاب نشدن یهود جز روزی چند) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳

۳- یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم الله یکفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریع شده بر آن (فقلیلا- ما يؤمنون) و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست؛ بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

موانع ایمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۶

۶- اندیشه باطل یهود (عذاب نشدن یهودیان جز روزی چند) بازدارنده آنان از ایمان آوردن به اسلام

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم .. و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جمله <وقالوا ..> عطف بر <قد>

کان فریق < در آیه ۷۵ است و لذا حاکی از آن است که چنین عقیده و پنداری، مانع از آن شده که یهودیان ایمان آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۳،۷،۱۰

۳ - یهودیان ، ناتوانی خویش را از پذیرش اسلام ، برخاسته از فطرت و خلقت خویش پنداشته ، خود را معذور می دانستند .

و قالوا قلوبنا غلف

جمله <لعنهم الله یکفرهم> (خدا یهودیان را بسزای کفرشان لعنتشان کرده است) با جمله تفریح شده بر آن (فقلیلا- ما یؤمنون) و لذا کمتر ایمان می آورند) به خوبی می رساند که: ادعای یهود مبنی بر ناتوانی از درک معارف اسلام ادعای صحیحی است. بنابراین کلمه <بل> رد معنای مطابقی <قلوبنا غلف> نیست؛ بلکه نفی معنایی است که می توان گفت مقصود اصلی یهودیان بوده و آن معذور بودن به خاطر درک نکردن است.

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم

۱۰ - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما یؤمنون

فاء تفریح در <فقلیلا- ما ..> گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

موضعگیری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر (

الذین یسرعون فی الکفر . . . سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

موضعگیری یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۵

۵ یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر(ص) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

جملات بعدی این آیه قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً، معتقد به نبوت موسی(ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

مؤاخذه یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۹

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار نادرست نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتستلون عما كانوا یعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

مؤمنان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۷

۲۷ گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لکن لعنهم الله بکفرهم . . . الا قليلا

بنابر اینکه <قلیل> استثناء از مفعول در <لعنهم الله> باشد. نصب <قلیلا> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ ایمان برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر اسلام (ص)

فمنهم من امن به و منهم

بدان احتمال

که مراد از <النَّاس> در آیه قبل پیامبر (ص) باشد و ضمیر <به> به آن ارجاع شود.

۲ ایمان برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران خاندان ابراهیم

فقد اتینا ال ابرهیم .. فمَنهم من امن به

بنابر اینکه ضمیر در <به> به مجموعه کتاب، حکمت و ملک عظیم برگردانده شود. یعنی: <فمَنهم من امن بما اتینا ال ابرهیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۲، ۱۳

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حَرَمْنَا عَلَيْهِمُ الطَّيِّبَاتِ .. وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً

با توجه به جمله <اعتدنا للکفرین منهم> و جمله <حرمانا علیهم الطیبات> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

۱۳ گروهی از یهود حافظ حریم ایمان و پایبند به احکام الهی

وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً

کلمه <من> در <منهم> برای تبعیض است و می رساند که گروهی از یهودیان کافر نشدند / قابل ذکر است که مراد از کافر در اینجا می تواند کفر عملی یعنی پایبند نبودن به احکام الهی، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۱، ۱۰، ۱۲

۱ وجود دانشمندان ژرفنگر و مؤمنانی واقعی در میان یهودیان

لكن الرسخون في العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك

ظاهراً مراد از <المؤمنون>، یهودیان با ایمان می باشد، یعنی <المؤمنون منهم> و کلمه

<منهم> به قرینه فراز قبل حذف شده است.

۲ عالمان ژرفنگر یهود و مؤمنان واقعی آنها، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۱۰ یهودیان پیادارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون . . . و المقيمين الصلوه و المؤتون الزكوه

گفتنی است که <المقیمین> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنابر قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

۱۱ یهودیان مؤمن به خدا و قیامت ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون فى العلم منهم . . . و المؤمنون بالله و اليوم الاخر

بنابر اینکه <المؤمنون بالله . . .> عطف باشد بر <الرسخون>.

ناآگاهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۳

۳ اطلاعات ناقص برخی اهل کتاب (یهود) ، از کتاب آسمانی خویش

الم تر الى الذين اتوا نصيباً من الكتاب

نابخردى دنیاطلبان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۶

۲۶ دنیاگرایان یهود ، مردمی نابخرد و خام فکر در پیشگاه خداوند

أفلا تعقلون

ناپاکی یهود

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۱۵، ۱۴

۱۴ شہادت خدا

بر ناپاکی یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نیست .

الم تر . . . بل الله یزکی من یشاء و لا یظلمون فتیلا

۱۵ خداوند در اعطا نکردن کمال و پاک نمودن یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نکرده است .

الم تر . . . بل الله یزکی من یشاء و لا یظلمون فتیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۱، ۳۶، ۳۵

۳۵ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، دارای جان و دلی آلوده و ناپاک

قالوا ءامنا بافواهمم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا . . أولئک الذین

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

۴۱ ناپاکی جان و دل منافقان و یهودیان ، موجب محرومیت آنان از شفاعت رسول خدا (ص) برای هدایت و نجاتشان از عذاب *

و من یرد الله فتنته فلن تملک له . . أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

ناخشنودی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۲

۲ - کفرپیشگان (یهود ، نصارا و مشرکان) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما یودّ الذین کفروا . . أن ینزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

یهود و نصارا، ناخشنود از گسترش اسلام

و یأبی الله إلا أن یتم نوره و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۹

۹ یهود و نصارا، مخالف اسلام و ناخشنود از گسترش آن

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً .. لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

نارواگویی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ بسیاری از یهود و نصارا، مردمی حرام خوار و دارای زبانی آلوده به گناه و سخنان ناروا

لولا ینهیهم .. عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۲ بازداری یهودیان و مسیحیان از آلودگی به گناه (گفتار های ناروا، حرام خواری و ...)، تکلیفی الهی بر عهده عالمان

اهل کتاب

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۳ سکوت و بی تفاوتی عالمان اهل کتاب، در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

۴ ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد تویب خدایند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و

گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از <ربانیون> عالمان نصارا هستند و <احبار> به دانشمندان یهود، گفته می شود.

نارواگویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۸

۳ بسته بودن دست خداوند ، از گفتار

های ناروا و گناه آلود بسیاری از یهودیان

عن قولهم الاثم ... و قالت اليهود يدالله مغلولة

<و قالت اليهود...>، می تواند بیان مصداقی برای <قولهم الاثم> در آیه قبل باشد و به قرینه آیه ۶۲ این سخن، گفته تمامی یهودیان نبوده و گروهی از آنان همچون ربانیون و احبار چنین گفتاری نداشته و لذا در برداشت فوق به همه آنان نسبت داده نشد.

۸ سخن ناروای یهود درباره خداوند (نافذ نبودن قدرت او) موجب دوری آنان از رحمت الهی

و لعنوا بما قالوا

ناصالحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۳

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند.

منهم الصلحون و منهم دون ذلك

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلك> اشاره است به صالح که از <الصلحون> به دست می آید، یعنی: <منهم غیر صالحین>.

نجات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست.

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

<أن يعمر> بدل برای <هو> و یا فاعل برای <مزحزح> است. مآل هر دو به یک معناست؛ معنای جمله <ما هو...> چنین است: یهودیان [بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند] آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

نزول کتاب آسمانی بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۴ نزول کتاب آسمانی بر دو طایفه غیر عرب (یهود و نصارا) قبل از نزول قرآن

إنما أنزل الكتب على طائفتين من قبلنا

نژاد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، آفریده هایی همانند و همسان با سایر انسانها

بل انتم بشر ممن خلق

نژادپرستی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ - حفظ منافع قوم و جامعه یهود ، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم . .. أفلا تعقلون

نژادپرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۷، ۶

۶ - یهود ، ایمان به وحی و کتاب های آسمانی را تنها در صورت نزولشان بر پیامبری از نژاد اسرائیل ، ضروری می پنداشتند .

قالوا تؤمن بما أنزل علينا

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا تؤمن بما أنزل علينا

۱۰ - ملائک یهودیان ، برای ایمان آوردن به پیامبران ، بعثت آنان از میان بنی اسرائیل است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا

هر چند ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی محور سخن در آیه شریفه است؛ ولی از آن جا که نزول کتاب آسمانی مستلزم بعثت پیامبر (ص) نیز هست، دعوت به پذیرش قرآن، دعوت به ایمان به پیامبر (ص) نیز می باشد و سخن یهود - که

فقط به کتاب خود ایمان می آوریم - مستلزم این معنا نیز هست که: فقط به پیامبران خود ایمان می آوریم.

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراه

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراه

۱۳ - یهودیان ، مردمی نژادگرا

قالوا تؤمن بما أنزل علينا و یکفرون بما وراه و هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۳

۳ - قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرترین

إن كانت لكم الدار الآخرة .. خالصه من دون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۷، ۲، ۱

۱ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند ؛ که مبادا به غیر همکیش خود اعتماد کنند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه <لا تؤمنوا> ، به معنای عدم اعتماد باشد ؛ نه به معنی عدم تصدیق و باور .

۲ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود ایمان بیاورند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه ایمان ، به معنی گرایش و باور باشد .

۷ خودبرترینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۶

۲۶ پیوستگی و ارتباط محکم یهود با پیشینه تاریخی ، فرهنگی و قومی خود

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ إِلَيْنَا لَأَن نُّؤْمِنَ . . . فَلَمْ يَكْفُرْهُمْ

ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

و قالت اليهود و النصری نحن ابناؤا الله .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه خداوند در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۶

۶ یهود و نصارا ، تنها با یکدیگر و همکیشان خویش روابط دوستی داشته و به آن وفادار هستند .

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا اليهود و النصری اولیاء بعضهم اولیاء بعض

چون جمله <بعضهم اولیاء بعض> به منزله دلیل برای جمله <لاتتخذوا ..> است، معنای حصر از آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۳

۳ - یهود ، قومی نژاد پرست و خودبرترین

إن زعمتم أنکم اولیاء لله من دون الناس

نشانه های بطلان ادعای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۲

۲ - گریز یهود از آرزوی مرگ ، نشانه نادرستی ادعای آنان (بهشتی بودنشان) است .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقين. و لن يتمنوه أبداً

نشانه های حرص یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۳،۴

۳ - روش و منش یهود ،

نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوه

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است؛ یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهرا سیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوه

جمله <لتجدنهم...> استشهادی است برای جمله <لن یتمنوه>؛ یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود؛ به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

نشانه های دروغگویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۴

۴ - گریزان بودن یهود از مرگ، نشان دروغین بودن ادعای آنان (این که آنان دوستان و اولیای خدا هستند).

إن زعمتم أنکم أولیاء لله .. إن کنتم صدقین . ولا یتمنونه أبداً

نشانه های کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ - رواج عهدشکنی در میان یهود، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لا یؤمنون

نظام اقتصادی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ حاکمیت روابط ناسالم اقتصادی بر جامعه یهود

و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه و أكلهم أموال الناس بالباطل

نعمتهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۴

۴ خداوند امت های یهود را گاهی با اعطای نعمت ها و آسایش ها و زمانی با گرفتار ساختن به سختی ها و ناخوشایندی ها آزمود .

و بلونهم بالحسنت و السيئات

مراد از ضمیر مفعولی در <بلوناهم> می تواند همه یهود، صالحان و ناصالحان، باشد و می تواند مراد از آن تنها ناصالحان ایشان باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

نفاق علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۸

۸ تناقض آشکار میان ادعا های اهل کتاب (عالمان یهود) و عمل آنان

الم تر الى الذين اتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبث و الطاغوت

خداوند از یکسو یهودیان را به دارا بودن کتاب آسمانی که طبعاً کتاب توحید است توصیف کرده و از سوی دیگر شرک آنان را گوشزد کرده تا تناقض در ادعا و عمل یهودیان را به خود آنان و به مسلمانان تفهیم کند.

نفاق یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۷

۷ یهود، آنچه را در اوّل روز بر پیامبر (ص) نازل شده بود (قبله بودن بیت المقدّس)، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود (قبله بودن کعبه)،

کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفه . . . لعلهم يرجعون

برخی از مفسران برآنند که <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است ؛ و سیاق آیه می رساند که مراد از <الذی>، حکمی خاص است ؛ برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص، تغییر قبله بوده است که پیامبر (ص) در عصرگاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۶

۱۶ برخورد منافقانه یهود ، با پیامبر (ص)

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا لَأَن نُّؤْمِنَ لِرَسُولٍ .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقي

جمله <فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين>، بیانگر این است که یهود، علی رغم ادعای ایمان در صورت مشاهده معجزه قصد ایمان آوردن، نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ نفاق و دورویی قوم یهود

يقولون سمعنا و عصينا و اسمع غير مسمع و راعنا

نفرین بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۴،۵،۳۳

۴ درماندگی و ناتوانی همیشگی یهود ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیه‌م

۵ گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

جمله <ینفق کیف یشاء> دلالت می کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیهم) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیههم .. . کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا .. .> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیههم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۹

۹ نفرین خداوند به یهود و نصارا ، به خاطر سخنان کفرآمیزشان

قتلهم الله انی یؤفکون

نقش علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۹، ۱۰

۱۰ عالمان ربانی و احبار یهود ، ادامه دهندگان راه انبیا در مسند قضاوت

یحکم بها النبیون .. . و الرنبیون و الاحبار

۱۹ عالمان ربانی و احبار یهود ، وفادار به تکلیف حراست از تورات تا عصر بعثت

بما استحفظوا من کتب الله و کانوا علیه شهداء

بنابر اینکه <شهداء> به معنای <رقباء> و <حافظان> باشد، جمله <و کانوا علیه شهداء> دلالت بر تحقق مأموریتی دارد

که بر عهده عالمان یهود گذاشته شده بود که همان حراست از تورات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ - عالمان یهود ، دارای نقش بسزا در بازسازی مردم خویش از ایمان آوردن به پیامبر (ص) و اسلام

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم و قد کان فریق منهم

جمله <وقد كان ..> می تواند دلیل قطع امید از ایمان آوردن عالمان یهود باشد و می تواند علت قطع امید از ایمان آوردن عامه یهود باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم

است، یعنی، یهودیان ایمان نمی آورند، زیرا عالمانشان به خاطر تحریفگر بودن، اجازه نخواهند داد حقایق - همان گونه که هست - به دست مردم برسد و زمینه های ایمان در آنان شکوفا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - عالمان تحریفگر و بدعتگذار یهود، زمینه سازان گمراهی مردم خویش

ثم يقولون هذا من عند الله ليشثروا به ثمناً قليلاً

نگرانی از اتحاد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۳

۳ - وجود زمینه های نگرانی برای مسلمانان از همدستی جامعه یهود علیه آنان (پس از غزوه بنی نضیر)

لا يقتلونكم جميعاً إلا في قرى محصنه

از این که خداوند، همدستی کافران در نبرد و رویارویی با مؤمنان را نفی کرده است، چنین احتمال می رود که نگرانی هایی در میان مسلمانان وجود داشته است.

نماز در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۱،۲،۴

۱ یهودیانی که به تورات چنگ زنند و به محتوای آن پایبند باشند و نماز را برپا دارند، مردمی صلاح پیشه اند.

و الذين يمسكون بالكتب... إنا لانضیع أجر المصلحين

تمسیک (مصدر <یمسکون>) به معنای حفظ کردن و رها ساختن است. محافظت کتاب آسمانی به این است که انسان معارف آن را باور داشته و به احکام آن پایبند باشد.

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد.

و الذين يمسون بالكتب .. إنا لانضع أجر المصلحين

چون آيه

مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین .. > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

نمازگزاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۰

۱۰ یهودیان پادارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون .. و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

گفتنی است که <المقیمین > به وسیله فعلی همانند <امدح > و یا <اخص > منصوب شده و در اصل چنین بوده <و المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم > که بنابر قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در <امدحهم > به صورت اسم ظاهر در آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

نهی از دوستی با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۳

۳ - نهی الهی از رابطه موّدت آمیز مؤمنان با یهودیان معاند و مورد خشم

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم

مفسران در تفسیر <قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ>، یهود را یاد کرده اند.

نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید <... فلم تقتلون انبياء الله من قبل ان كنتم مؤمنين> روایت کرده که : <انما نزل هذا في قوم اليهود و كانوا على عهد محمد (ص) لم يقتلوا الأنبياء بأيديهم ولا كانوا في زمانهم و انما قتل أوائلهم... فجعلهم الله منهم و أضاف إليهم فعل أوائلهم بما تبعوههم و تولّوهم /

این آیه درباره یهود نازل گشته است در حالی که یهودیان زمان پیامبر(ص) پیامبرانی را نکشته بودند و در زمان آنان نیز زندگی نمی کردند و همانا گذشتگان آنان پیامبران را کشتند... پس خداوند این یهودیان (یهودیان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبیا را به خاطر پیروی آنان و محبتشان به پیشینیان به آنان نسبت داده است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۹

۹ - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار نادرست نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتستلون عما كانوا يعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۴

۴ رضایت

یهود زمان پیامبر (ص) از کشتار انبیای گذشته به دست نیاکان و همکیشان خویش

و قتلهم الانبیاء .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

به نظر می رسد نسبت قتل پیامبران به یهود عصر پیامبر (ص) که از خطاب در <ایدیکم> به دست می آید، به جهت رضایت آنان به عملکرد گذشتگان خویش باشد، چون آنان مرتکب قتل انبیا نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹،۲۷

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قتلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القاتلین خمس ماه عام، فالزمهم اللّهُ القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ رضایت یهودیان و مسیحیان عصر بعثت از رفتارهای ناپسند نیاکان خویش

هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّهُ من لعنه اللّهُ .. و عبد الطغوت

سرزنش یهودیان و مسیحیان عصر بعثت به خاطر رفتار ناپسند پیشینیان آنان، می تواند حاکی از رضایشتان به آن رفتار باشد.

ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم .. انما وليكم الله و رسوله و الذين ءامنوا

ویژگیهای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۲

۲- تنها یهود از میان سایر امت ها ، موظف به انجام تکالیفی فزون تر و دشوارتر بودند .

و علی الذین هادوا حرمنا

جار و مجرور <علی الذین> متعلق به فعل <حرمنا> است و تقدیم آن بر فعل مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۱

۱- تعیین روز شنبه به عنوان روز تعطیلی ، تکلیفی مختص یهود

إنما جعل السبت علی الذین اختلفوا فيه

<سبت> از نظر ریشه لغوی به معنای <قطع> است و مقصود از آن در این آیه، تعطیلی روز شنبه برای یهود است؛ چون در روز تعطیلی تمامی کارها و تلاشها قطع می شود.

هارون(ع) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۲

۲- مریم (س) از نوادگان حضرت هارون (ع) بود . *

یأخت هرون

هرگاه قبیله ای از نسل فردی به وجود آید، آن قبیله را به نام وی می نامند و افراد قبیله را با تعبیر <أخ> یا <أخت> آن قبیله یاد می کنند؛ بنابراین، اطلاق <أخت هارون> بر مریم(س) به این اعتبار است که وی فردی از نسل هارون می باشد.

هشدار به علمای یهود

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۷

۲۷ تهدید و هشدار خداوند به عالمان یهود ، نسبت به خودداری از بیان احکام تورات

یحکم بها .. و اخشون

هشدار به یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۸

۸ هشدار خداوند به یهودیان نسبت به شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به یهود نسبت به فرجام شوم ستیزه جویی با پیامبر (ص) و فسادانگیزی در زمین

من اجل ذلك كتبنا على بنی اسرئیل .. انما جزؤا الذین یحاربون

چون در آیه پیش روی سخن با بنی اسرائیل بود، این آیه می تواند تعریض به اهداف و اعمال آنان در برابر پیامبر(ص) داشته باشد.

هماهنگی یهود و مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۴

۴ - اتفاق نظر یهود و نصارا ، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن یدخل الجنة إلا من کان هوداً أو نصری

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت <لفّ اجمالی> بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

هواپرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۱

۱۱ - یهود و نصارا، آیین الهی خویش را با آرایی برخاسته از هواهای نفسانی

، به انحراف کشانده بودند .

و لئن اتبعت أهواءهم

بدیهی است که آیین یهودیت و نصرانیت، ریشه الهی و آسمانی دارد. بنابراین تعبیر کردن از آیین آنان به هواهای نفسانی، می رساند که: یهودیان و نصرانیان با نفوذ دادن آرا و هواهای نفسانی خویش در معارف و احکام دین، وجهه الهی آن را از میان برده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۱،۱۵

۱۱ - یهود و نصارا آیین الهی خویش را با آرای برخاسته از هواهای نفسانی ، آمیخته بودند .

و لئن اتبعت أهواءهم

مقصود از <أهواءهم> (آرای برخاسته از هواهای نفسانی) آیین و مرام دینی یهود و نصاراست؛ زیرا مبارزه آنان با پیامبر(ص) و اهل ایمان بر سر باورها و احکام دینی بوده است و از آنجا که آیین اهل کتاب، آیینی الهی بوده ولی در آیه شریفه از آن به هواهای نفسانی تعبیر شده، برداشت فوق به دست می آید.

۱۵ - پیامبر (ص) موظف به پرهیز از پیروی یهود و نصارا و ردّ آرای نفسانی ایشان

و لئن اتبعت أهواءهم .. إنك إذا لمن الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ گروهی از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص) ، هواپرستان گمراه و ناشر عقاید افراطی و غلوآمیز در میان همکیشان خود

و لا تتبعوا أهواء قوم .. و اضلوا كثيراً و ضلوا عن سواء السبيل

کلمه <ضلوا> در دو بخش از آیه می تواند اشاره به دو طایفه از گمراهان داشته باشد، طائفه ای پیش از بعثت که

جمله <قد ضلوا من قبل> بیانگر آن است و طائفه ای معاصر پیامبر(ص) که جمله <ضلوا عن سواء السبيل> حاکی از آنان می باشد. گفتنی است که آوردن قید <من قبل> در یک بخش و نیامدن آن در بخش بعد، گویای این تفسیر است.

هواپرستی یهود صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۵

۵ عقاید و آرای یهود و نصارا در عصر پیامبر (ص) ، عقاید و آرای برخاسته از هوا های نفسانی بود .

و لئن اتبعت أهواءهم

<أهواء> (جمع هوی) به معنای خواهشها و تمایلات نفس است و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه مقابله آن با احکام قرآن آرا ، عقاید و قوانین برخاسته از تمایلات نفسانی است.

یأس از اسلام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم .. قالوا أتحذونهم بما فتح الله عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <وقد كان ..> و یا عطف بر جمله <يسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۷

۷ - توجه به باور ناردست یهود درباره (عذاب نشدن یهود جز روزی چند) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون

أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ . . . وَقَالُوا لَنْ تَمْسَنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً

یأس یهود از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱،۴

۱ - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا

۴ - یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيَهُمْ

یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۸،۱۰

۸ ماهی های دریای سرخ در روز های کاری یهود به سواحل ایله گذر نمی کردند و خود را در دید ماهیگیران قرار نمی دادند .

يَوْمَ لَا يَسْتَوِي لَّا تَأْتِيهِمْ

۱۰ و فور ماهی در روز شنبه و ظهورشان بر سطح آب ، محرک یهودیان ایله به تعدی از حکم خدا

إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱،۴،۵

۱ یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند : تجاوزگران فاسق ، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات ، تارکان نهی از منکر .

إِذْ قَالَتْ أُمَةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعْطُونَ قَوْمًا

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

۴ تارکان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، به موعظه گران اعتراض کردند و عمل آنان (نهی از منکر) را نابجا شمردند

لم تعظون قوماً

۵ پرهیزکنندگان از صید ماهی در میان یهودیان ایله (چه موعظه گران و چه تارکان نهی از منکر) مطمئن به نزول عذاب الهی بر متجاوزان و یا به هلاکت رسیدن ایشان به دست خدا

اللّه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۵

۵ ترک کنندگان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، بی اعتنا به تذکار موعظه گران (لزوم نهی از منکر)

فلما نسوا ما ذكروا به

ضمیر در <نسوا> و <ذکروا> به تجاوزگران و نیز به ترک کنندگان نهی از منکر برمی گردد. تذکری که به ترک کنندگان نهی از منکر داده شد، همان است که از جمله <معذره إلی ربکم> فهمیده می شود. یعنی مصلحان به آنان تفهیم کردند که شما نیز باید نهی از منکر کنید، و گر نه مسؤول هستید؛ اما آنان همچنان بی تفاوت ماندند.

یهود بنی قریظه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۴

۴ - یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، هم پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الكتب

مراد از <الذین ظهروا> یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر <هم>، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

یهود بنی قریظه و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۳

۳ - دل های یهودیان بنی قریظه ، آکنده از ترس و وحشت از مسلمانان مدینه شده بود .

و قذف فی قلوبهم الرعب

<رعب> در لغت، بریدن و لاعلاج شدن ناشی از ترسی است که همه جان را فراگرفته است (مفردات راغب).

یهود بنی نضیر در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

یهود جادوگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۸،۴۹

۴۸ - ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی

، در دیدگاه یهودیان ساحر

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق و لبئس ما شروا به أنفسهم لو كانوا یعلم

کسی که بداند با دستیابی به منافی نامشروع، آخرت خویش را از دست داده است (لقد علموا ..) ولی در عین حال به زیانباری این داد و ستد اعتقاد نداشته باشد (لو كانوا یعلمون)، معلوم می شود وی منافع دنیوی را بر آخرت ترجیح می دهد.

۴۹ - یهودیان ساحر ، علی رغم اطمینانشان به محروم بودن از سرای آخرت ، محرومیت خویش را انکار می کردند .

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

تأکید جمله با لام قسم (لقد) و نیز لام تأکید (لمن) گویای این است که: یهودیان ساحر، حقیقتی را که بدان علم داشتند، مورد انکار قرار می دادند زیرا تأکید جمله غالباً در مواردی است که مضمون آن مورد انکار باشد.

یهود جاسوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۸

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

یهود حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۳

و نصارای عصر بعثت ، مردمی حق ناپذیر بودند .

و إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحاب الجحيم

یهود در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۶

۶ یهودیان عصر موسی ، مأمور ورود به بیت المقدس ، با حالتی خاضعانه

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

مراد از <الباب> بنا به گفته بسیاری از مفسران، دروازه شهر بیت المقدس است و <سجداً> جمع ساجد می باشد و مراد از سجده می تواند معنای لغوی آن (خضوع) باشد.

یهود در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده

اند.

یهود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فألله یحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

یهود در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۳

۳ - وجود افرادی یهودی و یا مسیحی در مکه ، در دوران بعثت پیامبر اکرم (ص)

و لاتجدلوا أهل الکتب إلا بالتی هی أحسن

سوره عنکبوت، طبق نظر مشهور، مکی است و برداشت بالا، براساس آن است.

یهود دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا>

یهودیان عصر سلیمان باشند.

یهود دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۵

۵ - یهودیان ، گرفتار اختلافات پر دامنه مذهبی در عصر بعثت عیسی (ع)

لَأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ

یهود دوران مریم(ع) و انحرافات جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۵

۵- مردم بیت المقدس در زمان مریم (س) ، در برابر انحرافات اخلاقی و جنسی حساس بودند .

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا فَرِيًّا

یهود دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۸

۱۸ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۶،۷

۶ یهودیان عصر موسی ، مأمور ورود به بیت المقدس ، با حالتی خاضعانه

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

مراد از <الباب> بنا به گفته بسیاری از مفسران، دروازه شهر بیت المقدس است و <سجداً> جمع ساجد می باشد و مراد از سجده می تواند معنای لغوی آن (خضوع) باشد.

۷ ورود به بیت المقدس و سجده به درگاه الهی در آن هنگام، فرمان خداوند به یهودیان عصر موسی (ع)

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

یهود ساحل دریای سرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۲

۲ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع

در ساحل دریای سرخ ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقص می کردند .

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون .. إذ تأتيهم حيتانهم

<ال> در <البحر> عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از <القرية>، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

و قد كان فريق منهم .. و منهم أميون لا يعلمون الكتب إلا امانی

چنانچه در آیه <۷۵> گذشت، مراد از <فريق منهم> - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱

۱ - دل و قلب یهودیان عصر بعثت ، ناتوان از درک معارف اسلام بود .

و قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بكفرهم فقليلاً

<غلف> جمع اغلف است و <اغلف> به چیزی گفته می شود که دارای پوشش باشد. بنابراین <قلوبنا غلف>؛ یعنی، قلبهای ما دارای پوشش و حجاب است. منظور یهودیان را به دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ قلب ما حجاب دارد و لذا توان درک معارف اسلام را ندارد پس ای پیامبر! چه انتظار داری که پیامهای تو را پذیرا باشیم پیش از آنکه آنها را دریابیم. ۲ قلب ما حجاب دارد و به گونه ای نیست که هر سخنی را بپذیرد؛

بلکه فقط آنچه که حقیقت دارد در می یابد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۷، ۲۵، ۸

۸ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به آسمانی بودن قرآن و معترف به الهی بودن آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

چنانچه یهودیان آسمانی بودن قرآن را باور نداشتند در پاسخ به دعوت پیامبر(ص) (ءامنوا بما أنزل الله) به آنچه خدا فرو فرستاده ایمان آورید)، اظهار می داشتند که: قرآن از جانب خدا نیست. اعراض از چنین پاسخی، گویای اطمینان ایشان به آسمانی بودن قرآن و اعتراف ضمنی آنان به الهی بودن آن است.

۲۵ - یهودیان عصر بعثت ، دارای روحیه ای همسان با گذشتگان خویش در برخورد با پیامبران

فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

استناد قتل به یهودیان عصر بعثت با فعل مضارع <تقتلون> - با اینکه آنان پیامبری را نکشتند - حکایت از برداشت فوق دارد.

۲۷ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید >... فلم تقتلون انبياء الله من قبل ان كنتم مؤمنين < روایت کرده که : > انما نزل هذا في قوم اليهود و كانوا على عهد محمد (ص) لم يقتلوا الأنبياء بأيديهم ولا كانوا في زمانهم و انما قتل أوائلهم... فجعلهم الله منهم و أضاف إليهم فعل أوائلهم بما تبعوه و تولّوهم ;

این آیه درباره یهود نازل گشته است در حالی که یهودیان زمان پیامبر(ص) پیامبرانی را نکشته بودند و در زمان آنان نیز زندگی نمی

کردند و همانا گذشتگان آنان پیامبران را کشتند .. پس خداوند این یهودیان (یهودیان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبیا را به خاطر پیروی آنان و محبتشان به پیشینیان به آنان نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۲

۲ - یهودیان ، پیامبر (ص) را به نداشتن دلیل و برهانی روشن بر حقانیت رسالتش متهم می کردند .

و لقد أنزلنا إليك آیت بینت

معمولا بیان جمله با تأکید حکایت از آن دارد که مخاطبان، مضمون آن جمله را مورد تردید قرار داده یا انکار می کنند و از آن جا که جمله <و لقد أنزلنا ..> با حرف لام - که حاکی از قسم مقدر است - و نیز با حرف <قد> تأکید شده معلوم می شود که یهودیان مخاطب آیه، مضمون جمله فوق را مورد تردید و یا انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۰۳

۱ - کلمه <راعنا> دستاویز یهودیان برای اهانت به پیامبر (ص) و استهزای آن حضرت

لا تقولوا رعنا و قولوا انظرنا

مسلمانان در ضمن سخن گفتن پیامبر(ص) گاهی از آن حضرت تقاضا می کردند که مهلت دهد تا سخنان پیشین وی را درک کنند. برای درخواست مهلت، کلمه <راعنا> (فرصتمان ده) را به کار می بردند. یهودیان با اندک تحریفی در این کلمه، معنایی ناروا از آن قصد کردند و در خطاب به پیامبر (ص) به کار می بردند.

۱۳ - یهودیان عصر بعثت ، مردمی کفرپیشه

بودند .

و للكافرين عذاب أليم

از مصداقهای <الكافرين> به قرینه آیات پیشین، یهودیانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۳

۳ - یهودیان و نصرانیان عصر بعثت ، مردمانی هدایت ناپذیر بودند .

و لن ترضى عنك اليهود ولاالنصرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۲

۲ - توافق و اتحاد یهود و نصاری عصر بعثت علیه مسلمانان ، علی رغم اختلافات شدید ایشان با یکدیگر

و قالوا كونوا هوداً أو نصری تهتدوا

هدف از <لَفَّ اجمالی> در آیه و بیان دو جمله در یک کلام، رساندن اتحاد و توافق یهود و نصارا علیه مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۳

۲۳ - یهود و نصاری عصر بعثت ، مردمی حق ناپذیر بودند .

و إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذين يكتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینة للناس فی الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۳،۴

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیاء بغير حقّ .. ذلک بما

قَدَمَت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قَدَمَت ..> می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

۴ رضایت یهود زمان پیامبر (ص) از کشتار انبیای گذشته به دست نیاکان و همکیشان خویش

و قتلهم الانبیاء .. ذلک بما قَدَمَت ایدیکم

به نظر می رسد نسبت قتل پیامبران به یهود عصر پیامبر (ص) که از خطاب در <ایدیکم> به دست می آید، به جهت رضایت آنان به عملکرد گذشتگان خویش باشد، چون آنان مرتکب قتل انبیا نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹،۲۷

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قتلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم الله القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۴

۴ یهودیان عصر پیامبر (ص) علی رغم ادعایشان هرگز منزه نبودند و نزد خدا منزلتی

نداشتند .

الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۲

۲۲ وجود افراد اندکی انسان حق گرا در میان یهود عصر پیامبر (ص)

فلا يؤمنون إلا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۱

۲۱ مراقبت مستمر پیامبر (ص) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر (ص) و اسلام

الذين يسرعون في الكفر . . . سمعون للكذب سمعون لقوم اخرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۶

۶ حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر پیامبر (ص) به متاع دنیا

اكلون للسحت

صیغه مبالغه <اكلون> نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ وجود تورات ، به صورت اصلی و تحریف نشده ، در نزد یهود عصر پیامبر (ص) *

و عندهم التوریه

مذمت یهودیان عصر پیامبر(ص) به خاطر اعراض از تورات، حکایت از صحت توراتی دارد که در نزد آنان بوده است.

۶ تورات ، پاسخگوی نیاز یهود عصر پیامبر (ص) به احکام قضایی و

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

۷ احکام تورات در دسترس یهود عصر پیامبر (ص) و قابل فهم برای آنان

و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۲، ۲۱

۲۱ حراست از تورات و قضاوت بر اساس آن، بدون هیچ ترسی از مردم، فرمان خداوند به عالمان یهود معاصر پیامبر (ص)

و الرئیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه .. فلا تخشوا الناس

۲۲ عالمان یهود در عصر بعثت، بیمناک از مردم خویش در حکم و قضاوت بر اساس تورات

و الرئیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه .. فلا تخشوا الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۳

۲۳ ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (ص)، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئك هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۲، ۲۱، ۳۲

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های

پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یرید اللّٰه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

کلمه <بعض> می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد؛ نه

همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام

الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۲۲ اراده خداوند به عذاب بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)

فان تولوا .. ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و ان کثیراً من الناس لفسقون

۳۲ بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)، مردمی آلوده به گناه و معصیت

یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و ان کثیراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۴

۲۴ مشرکان، یهود و نصاری عصر بعثت، همواره در خطر گرفتاری به عذاب الهی بودند.

او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۳

۳ یهود و نصارا در عصر پیامبر (ص)، شوکت خویش را از دست دادند و به ذلت و خواری کشیده شدند.

اهولاء الذین اقسما بالله جهد ایمنهم انهم لمعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ رضایت یهودیان و مسیحیان عصر بعثت از رفتارهای ناپسند نیاکان خویش

هل انبئکم بشر من ذلک مثوبه عند الله من لعنه الله .. و عبد الطغوت

سرزنش یهودیان و مسیحیان عصر بعثت به خاطر رفتار ناپسند پیشینیان آنان، می تواند حاکی از رضایشتان به آن رفتار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳

(ص) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ گروهی از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص) ، هواپرستان گمراه و ناشر عقاید افراطی و غلوآمیز در میان همکیشان خود

و لا تتبعوا اهواء قوم .. و اضلوا کثیراً و ضلوا عن سواء السبيل

کلمه <ضلوا> در دو بخش از آیه می تواند اشاره به دو طایفه از گمراهان داشته باشد، طائفه ای پیش از بعثت که جمله <قد ضلوا من قبل> بیانگر آن است و طائفه ای معاصر پیامبر(ص) که جمله <ضلوا عن سواء السبيل> حاکی از آنان می باشد. گفتنی است که آوردن قید <من قبل> در یک بخش و نیامدن آن در بخش بعد، گویای این تفسیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۶

۶ پذیرش ولایت مشرکان و دوستی با آنان از جمله اعمال ناپسند و رایج در بین انبوهی از یهودیان عصر پیامبر (ص)

لبس ما كانوا يفعلون. تری کثیراً منهم يتولون الذين كفروا

جمله <يتولون الذين كفروا> مصداقی برای جمله <لبس ما كانوا يفعلون> است. و به قرینه آیه ۸۲ (و لتجدن اقربهم موده ...) که مسیحیان را دوستار مسلمانان معرفی کرده است، معلوم می شود، مراد از بنی اسرائیل در این بخش از آیات، یهودیان است.

یهود صدر اسلام و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۷

یهودیان عصر بعثت در تلاش برای کتمان حقانیت اسلام و رسالت پیامبر (ص)

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

یهود صدر اسلام و پیامبر موعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۲

۲ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به حقانیت رسالت پیامبر و انطباق علایم پیامبر موعود بر آن حضرت

و إذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله

عبارت <لیجاجوكم به ..> تا به استناد آن حقایق در پیشگاه خدا علیه شما استدلال کنند. < می رساند که مصداق مورد نظر از <ما فتح الله> حقانیت اسلام و رسول اکرم(ص) است که در تورات بیان شده است. بنابراین همه یهودیان - چه عالمان و چه عوام ایشان - به رسالت پیامبر(ص) اطمینان داشتند.

یهود صدر اسلام و تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر (ص) از سرگذشت موسی (ع) و فرعون

فسئل بنی اسرائیل إذ جاءهم فقال له فرعون

یهود صدر اسلام و فرجام فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر (ص) از سرگذشت موسی (ع) و فرعون

فسئل بنی اسرائیل إذ جاءهم فقال له فرعون

یهود صدر اسلام و قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر (ص) از سرگذشت موسی (ع) و فرعون

فستل بنی

إسرائيل إذ جاءهم فقال له فرعون

يهود صدر اسلام و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۷

۷ - یهودیان عصر بعثت در تلاش برای کتمان حقانیت اسلام و رسالت پیامبر (ص)

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

يهود صدر اسلام و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۷، ۲، ۷

۲ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به حقانیت رسالت پیامبر و انطباق علایم پیامبر موعود بر آن حضرت

و إذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله

عبارت <لیجاجوكم به ..> تا به استناد آن حقایق در پیشگاه خدا علیه شما استدلال کنند. < می رساند که مصداق مورد نظر از <ما فتح الله> حقانیت اسلام و رسول اکرم(ص) است که در تورات بیان شده است. بنابراین همه یهودیان - چه عالمان و چه عوام ایشان - به رسالت پیامبر(ص) اطمینان داشتند.

۷ - یهودیان عصر بعثت در تلاش برای کتمان حقانیت اسلام و رسالت پیامبر (ص)

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

۱۷ - از امام باقر (ع) روایت شده که : < انه قال كان قوم من اليهود ليسوا من المعاندين المتواطئين إذا لقوا المسلمين حدثوهم بما فى التوراه من صفة محمد (ص) فنهاهم كبرائهم عن ذلك ، و قالوا : لا تخبروهم بما فى التوراه ، من صفة محمد (ص) فيجاجوكم به عند ربكم فنزلت هذه الآية ؛

گروهی از یهود - که کینه ای به مسلمانان نداشتند - هنگامی که با مسلمانان روبرو می

شدند از اوصاف رسول خدا(ص) که در تورات آمده بود سخن می گفتند؛ بزرگان یهود با خبر شده و آنها را نهی کردند و گفتند: از صفات محمد [ص] - که در تورات آمده - مسلمانان را مطلع نسازید که به وسیله آن با شما در نزد پروردگارتان استدلال و احتجاج خواهند نمود، پس آیه فوق نازل گشت. <

یهود غطفان در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۴

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

یهود فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱۳

۱۳ یهودیان ساکن ايله داراي پيشينه فسق و تبهكاري

بما كانوا يفسقون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما كانوا> مصدریه باشد؛ یعنی: به سبب فسق و تبهکاری سابقشان آنان را این گونه آزمودیم.

یهود قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۷۸

۷ - پیروزی بر کافران در پرتو قرآن و بعثت پیامبر (ص) ، آرمان یهودیان پیش از بعثت

كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

از معانی <فتح> نصرت و پیروزی است. <استفتاح> به معنای طلب پیروزی است. آمدن فعل مضارع (یستفتحون) قرین <كان> و مانند آن دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد. ارتباط جمله <و كانوا...> با قبل و بعد اقتضا می کند که: این پیروزی طلبی در ارتباط با نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) مطرح باشد. بنابراین <و كانوا...> یعنی، یهودیان پیش از بعثت از زمانهایی دور در انتظار نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) بودند تا در سایه آن بر کافران پیروز شوند.

۸- یهودیان مدینه ، پیش از اسلام در گیر با کافران و از ناحیه آنان در سختی و فشار بودند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۲

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للكفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- مائده - ۵ - ۴۳ - ۹،۱۰

۹ یهودیان اعراض کننده از حکم تورات ، مردمی بی ایمان

ثم يتولون من بعد ذلك و ما أولئك بالمؤمنین

فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به حکم الهی در تورات باشد. قابل ذکر است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر جمله <فیها حکم الله> است و <ثم> برای ترتیب در خبر است، نه برای ترتیب حکم.

۱۰ یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا (ص)، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره باشد به حکم رسول خدا که از <یحکمونک> به دست می آید. گفتنی است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر <یحکمونک> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (ص)، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران بر آنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

یهود گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۲

۱۲ - یهودیان گناهکار به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

بما قدمت أیدیهم .. و ما هو بمزحزحه من العذاب

<زحزحه> (مصدر مزحزح) به معنای دور ساختن است.

یهود متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجرآور و تحت شکنجه دیگران ،

به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

يهود متخلف ايله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱،۲،۶

۱ یهودیان متخلف در آبادی ايله ، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند .

فلما نسوا ما ذکروا به

۲ خداوند یهودیان متمرّد در آبادی ايله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذکروا به .. أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه (حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۷

۷ مسخ یهودیان متمرّد آبادی ايله به بوزینگانی مطرود ، عذاب سخت الهی برای ایشان

قلنا لهم کونوا قرده خسّین

برخی برآنند که <قلنا لهم ...> بیان همان <عذاب بئیس> است که در آیه قبل آمده است. گفتنی است بر این مبنا <الذین ظلموا> شامل ترک کنندگان نهی از منکر نمی شود. زیرا آنان قانون حرمت صید را نشکستند و به بوزینه تبدیل نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۱

۱۱ یهودیان تجاوزگر ایله ، علاوه بر چشیدن عذاب های دنیوی ، تا قیامت

به عذاب های برزخی گرفتار خواهند بود .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلی يوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <علیهم> یهودیان مسخ شده ایله باشد. بر این اساس مقصود از <سوء العذاب> عذابهای دنیوی نیست، بلکه به دلیل <إلی يوم القیمه> مراد عذابهای برزخی خواهد بود. یعنی: <لیبعثن علیهم من بعد موتهم إلی يوم القیمه ... >.

یهود مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

یهود مکذب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافراند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

یهود مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۵

۵ - کسانی از یهود و نصارا به کتاب آسمانی خویش ایمان دارند که از آن به خوبی و شایستگی پیروی می کنند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

در برداشت فوق، ضمیر <به> به <الکتاب> - که مقصود از آن تورات و انجیل است - برگردانده شده است.

یهود مؤمن به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از میان یهود و نصارا، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد (ص

(ایمان می آورند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

>تلاوت به معنای خواندن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پیروی کردن نیز گفته اند. مراد از ضمیر <به> محتمل است قرآن یا پیامبر(ص) باشد و نیز می تواند به الکتاب (تورات و انجیل) برگردد. برداشت فوق ناظر به این است که مراد از ضمیر <به> قرآن یا پیامبر (ص) بوده و تلاوت به معنای پیروی کردن باشد.

یهود مؤمن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از میان یهود و نصارا ، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد (ص) ایمان می آورند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

>تلاوت به معنای خواندن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پیروی کردن نیز گفته اند. مراد از ضمیر <به> محتمل است قرآن یا پیامبر(ص) باشد و نیز می تواند به الکتاب (تورات و انجیل) برگردد. برداشت فوق ناظر به این است که مراد از ضمیر <به> قرآن یا پیامبر (ص) بوده و تلاوت به معنای پیروی کردن باشد.

یهود مؤمن صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۶

۲۶ - پابندی گروهی از یهودیان عصر بعثت به تورات با عمل کردن به پیمان های الهی و پرهیز از کشتن و بیرون راندن همکیشان خود

فما جزاء من یفعل ذلک منکم

سیاق خطابه‌های گذشته اقتضا می کرد که جمله <فما جزاء...> بدین گونه

ایراد شود: <فما جزاء کم بما تفعلون إلا- خزی>. این تغییر سیاق اشاره به این دارد که همه یهودیان مرتکب اعمال ناروای مذکور نشدند. من تبعیضیه در <منکم> مؤید این معناست.

یهود و آرزوی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۷

۷- ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند.

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

یهود و آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۱،۲،۳

۱ یهود، نقشی در نظام هستی ندارند.

ام لهم نصیب من الملك

۲ کارساز نبودن یاری هیچکس برای یهودیان، معلول نقش نداشتن آنان در نظام هستی است.

فلن تجد له نصيراً. ام لهم نصیب من الملك

در برداشت فوق، جمله <ام لهم>، علت برای جمله <فلن تجد ..> گرفته شده است.

۱۳ اگر یهودیان در حکومت بر هستی نقشی داشتند، هیچ پیشیزی به مردم نمی دادند.

ام لهم نصیب من الملك فاذا لا یؤتون الناس نقیراً

کلمه <نقیراً> به معنای چیزی است که پرنده ای با منقار خویش برمی گیرد و کنایه از چیز حقیر و اندک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۴۱

۴۱ اعتقاد یهود به کناره‌گزینی خداوند از تدبیر امور جهان پس از فراغت از آفرینش آن

و قالت اليهود ید الله مغلوله

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده:

... قالوا قد فرع من الامر فلا يزيد ولا ينقص ...

توحيد صدوق، ص ۱۶۷، ح ۱، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۹، ح ۲۷۸.

یهود و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۳

۳ آیات الهی (معجزات پیامبران و ...) مورد انکار یهودیان

و کفرهم بایت الله

یهود و ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۱

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهيم .. و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصری

یهود و ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۵

۵- یهود ، همه ادیان جز دین یهود را بی اعتبار و دیگر ملت ها را در پیشگاه خدا فاقد قدر و منزلت می شمردند .

إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ

یهود و ارتداد مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۳،۵

- آرزوی یهود و نصارا برای مرتد ساختن مسلمانان صدر اسلام آرزویی خام و تلاش آنان در این زمینه ، تلاشی ناموفق بود .

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ

به کارگیری فعل ماضی <وَدَّ> (دوست داشتند) به جای فعل مضارع (دوست می دارند) اشاره به این نکته دارد که: تلاش آنان بی ثمر است، به گونه ای که باید علاقه و تلاش آنان را سپری شده دانست.

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا

<حسدًا> مفعولٌ له برای <وَدَّ كَثِيرًا ..> می باشد، یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

یهود و اسباط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ .. و مِنْ أَظْلَمِ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدِهِ مِنَ اللَّهِ

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایق است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

یهود و اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۱

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ

إبراهيم .. و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهيم .. كانوا هوداً أو نصری

یهود و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۲

۲ - یهودیان عصر بعثت ، بر ناتوانی خویش از درک معارف اسلام معترف بودند .

و قالوا قلوبنا غلف

کلمه <قالوا> دلالت بر اعتراف دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قيل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست؛ بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹،۱۴

۹ - تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا

۱۴ - حقانیت اسلام ، حتی در نظر یهودیان و مسیحیان امری روشن و تردیدناپذیر بود .

من بعد ما تبين لهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۶- توافق های سطحی با یهود و نصارا، در گرایش آنان به اسلام مؤثر نیست.

و لن ترضى عنك اليهود و لا النصرى حتى تتبع ملتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۵، ۲۲، ۱۹، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ استهزای یهود نسبت به پیامبر (ص) و اسلام

من الذين هادوا .. يقولون سمعنا و عصينا و اسمع غير مسمع و راعنا لئلا بالستهم

۱۱ گفته های یهود با پیامبر (ص)، آمیخته با عیبجویی به آیین اسلام

راعنا لئلا بالستهم و طعناً فى الدين

<طعناً فى الدين> به معنای ضربه وارد کردن در دین با ناسزاگویی و عیبجویی است. گفتنی است که <طعناً> حال برای فاعل <يقولون> است؛ یعنی <يقولون کذا طاعنين فى الدين>.

۱۲ یهود، در صدد وارد ساختن ضربه به اسلام

و طعناً فى الدين

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر (ص) به هیاهوی چوپان ها، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لئلا بالستهم و طعناً فى الدين

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

۱۹ یهودیان تحریفگر به پندار خیر و صلاح خویش در صدد آزار رساندن به پیامبر (ص) و ضربه زدن به اسلام بودند.

من الذين هادوا .. لكان خيراً لهم و اقوم

۲۲ تحریفگری، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص)، نمودی از کفر آنان

من الذين هادوا يحزفون .. سمعنا و عصينا ... لعنهم الله بكفرهم

و پیامبر (ص) ایمان خواهند آورد .

و لكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۰

۲۰ دل های مهر خورده و در حجاب لجاج فرو رفته یهود ، مانع گرایش آنان به اسلام

بل طبع الله عليها بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر (ص) و اسلام

الذين يسرعون في الكفر .. سمعون للكذب سمعون لقوم اخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ پیامبر (ص) ، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

به نظر می رسد مراد از <یضروك> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۹

۹ همکاری و روابط دوستانه یهود و نصارا ، @در جهت مقابله با اسلام*

يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا اليهود والنصرى اولياء بعضهم اولياء بعض

با توجه به اینکه یهود و نصارا نسبت به یکدیگر دشمنی و کینه دارند، معلوم می شود دوستی آنها با یکدیگر که از جمله
<بعضهم .. > استفاده می گردد، در جهت مقابله به

اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۳، ۴، ۲

۲ موضع گیری ها و تبلیغات سوء یهود و نصارا ، علیه اسلام به مثابه پفی ناچیز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهی

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً .. یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

۱۳ یهود و نصارا ، ناخشنود از گسترش اسلام

و یأبی الله إلا أن یتم نوره و لو کره الکفرون

یهود و اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۱، ۹

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم .. و من أظلم ممن کتم شاهده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم (ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم .. کانوا هوداً أو نصری

یهود و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ - یهودیان عصر بعثت ، دارای روحیه ای همسان با گذشتگان خویش در برخورد با پیامبران

فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

استناد

قتل به یهودیان عصر بعثت با فعل مضارع <تقتلون> - با اینکه آنان پیامبری را نکشتند - حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۰، ۱۲، ۱۰، ۷، ۶

۶ یهود با اظهار ناتوانی از درک سخنان پیامبران، تعالیم آنان را به استهزا می گرفتند.

و قولهم قلوبنا غلف

<غلف> جمع اغلف به چیزی گفته می شود که دارای حجاب و پرده باشد؛ بر این مبنا به نظر می رسد قصد و داعی یهود از جمله <قلوبنا غلف> (قلبهای ما دارای حجاب است)، استهزای انبیا باشد.

۷ یهود، با ادعای دانش وافر، خود را از تعالیم انبیا بی نیاز می پنداشتند.

و قولهم قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که <غلف> جمع غلاف به معنای ظرف باشد. بر این مبنا، مقصود یهود از جمله <قلوبنا غلف> این است که دل‌هایشان آکنده از دانش است و نیازی به تعالیم انبیا ندارند.

۸ غیر علمی شمردن تعالیم انبیا، بهانه بی اساس یهود، برای نپذیرفتن آنها

و قولهم قلوبنا غلف

مقصود یهودیان از اینکه می گفتند قلبهایمان آکنده از علم است، می تواند این باشد که تعالیم انبیا اگر دارای مبنایی علمی بود، قلبهای ما آن را درک می کرد و در خود جای می داد و چنین نتیجه می گرفتند که تعالیم انبیا به دلیل نافذ نبودنش در قلبها علمی نیست.

۱۰ غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه <قولهم> عطف بر <نقضهم> است، بنابراین متعلق به فعل محذوف <لعناهم> است.

یعنی >بقولهم ... لعناهم.

۱۲ دل های یهود ، دارای حجابی جلوگیری از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

یهود و انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما .. > (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

یهود و انبیای غیر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

یهود و انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا ، از هدف های یهود و

نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قليلاً

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ بهره مندی یهود و نصارا از تعالیم و معارفی آسمانی علاوه بر تورات و انجیل

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

مراد از <ما انزل الیهم> می تواند کتابهایی همانند زبور و .. باشد که خداوند بر پیامبران بنی اسرائیل نازل کرده است.

یهود و اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۲

۲ - قوم یهود، تنها خود را اولیا و دوستان خداوند می پنداشتند .

إن زعمتم أنکم أولیاء لله

یهود و بعثت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ - یهودیان، آمدن پیامبر (ص) و نزول قرآن را از دیرباز و پیش از بعثت برای کافران تشریح می کردند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

<استفتاح> (مصدر یستفتحون) می تواند به معنای مطلع ساختن باشد، چنانچه در مفردات راغب آمده: <فتح علیه کذا> آن

گاه گفته می شود که به او امری

را اعلام کند و او را بر آن امر مطلع سازد. قابل ذکر است که در این صورت بردن <یفتحون> به باب استفعال برای تأکید است و معنای طلب ندارد.

یهود و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۴،۷،۱۲

۴ - یهودیان، اختصاص یافتن بهشت را به قوم یهود، حکم و تقدیری الهی می شمردند.

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله

<عند الله> متعلق به <كانت> است و مفادش این است که ثبوت آخرت برای یهود در نزد خداست، یعنی، او این معنا را پذیرفته، تحقق بخشیده و مقرر ساخته است.

۷ - ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند.

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

۱۲ - یهود، برخلاف ادعایشان، به بهشتی بودن خویش اطمینان نداشتند.

فتمنوا الموت إن كنتم صدقین

جمله <إن كنتم صادقین> اشاره به دروغ گویی یهود دارد، یعنی، آنان خود می دانند که ادعایشان واقعیت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۷

۷ - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان (تقدیر بهشت برای آنان) واقفند.

إن كانت لكم الدار الآخرة .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های <لتجدنهم ..> و <یود أحدهم...> را می توان ناظر به ادعای یهود (إن كانت ... در آیه ۹۴) دانست، یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست

و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱۰، ۴، ۲، ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، تنها خویشان را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

و قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصری

ضمیر در <قالوا> به <اهل الكتاب> (در آیه ۱۰۹) باز می گردد.

۲ - یهودیان ، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند .

و قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً

آیه ۱۱۳، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث <لفّ اجمالی> وجود دارد و حرف <أو> نیز برای تفصیل است؛ یعنی، جمله <قالوا لن...> حاکی از دو جمله است: ۱. قالت الیهود: < لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً>. ۲. قالت النصاری: < لن يدخل الجنة إلا من كان نصری>.

۴ - اتفاق نظر یهود و نصارا ، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصری

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت <لفّ اجمالی> بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

۸ - یهود و نصارا هیچ برهانی بر ادعای خویش (اختصاص بهشت به خویشان و محرومیت مسلمانان از

آن) ندارند .

قل هاتوا برهنكم إن كنتم صدقین

<هات> (مفرد هاتوا) اسم فعل و به معنای عطا کن است. بنابراین <هاتوا برهنكم> یعنی، برهانتان را ارائه کنید.

۱۰ - پیامبر (ص)، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنكم إن كنتم صدقین

یهود و تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ - تلاش یهود و نصارا برای تخریب مساجد و بازداشتن مردم از حضور یافتن در آنها *

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

از مصداقهای <من أظلم..> به دلیل آیه قبل، یهود و نصارا هستند.

یهود و تعالیم آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ بهره مندی یهود و نصارا از تعالیم و معارفی آسمانی علاوه بر تورات و انجیل

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

مراد از <ما انزل الیهم> می تواند کتابهایی همانند زبور و .. باشد که خداوند بر پیامبران بنی اسرائیل نازل کرده است.

یهود و تعلم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۱،۴۳

۴۱ - یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد، به آموزش آن پرداختند.

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

<خلاق> به معنای بهره‌وافر و نصیب‌نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زائده، دلالت

بر قلت دارد و ظاهر آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

۴۳ - یهودیان با آموزش سحر های زیان آور ، خویشتن را تباه و بهای بدی را کسب کردند .

ماله فی الآخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم

یهود و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۰

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّٰه بغفل عما یعملون

جمله <و ما اللّٰه . . .> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربک فلا تکونن من الممترین

یهود و تکذیب محمّد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۴

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هر گونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء

یهود و تلاوت کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۶

۶ یهود و نصارا کتاب آسمانی خویش را به زبان غیر عربی تلاوت می کردند.

و إن

<إن> در جمله <إن کنا> إن مخففه است. <دراست> مصدر و به معنای تلاوت است. <هم> فاعل <دراست> و مفعولش <الکتاب> می باشد. یعنی <همانا ما از خواندن کتاب آسمانی توسط اهل کتاب غافل بودیم>. این بدان معناست که ما متوجه محتوای قرائت آنان نبودیم و لذا حقایق آن را درک نمی کردیم.

یهود و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بآیتی ثمناً قليلاً

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - یهودیان، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند.

أن یکفروا بما أنزل الله

مراد از <ما أنزل الله> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم (ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان، با کفرشان به قرآن و تورات، خود را به بد بهایی فروختند

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله

<اشترء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن يكفروا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۶

۶ عدم قبول حکمیت تورات از سوی برخی عالمان یهود، به دنبال ارائه پیشنهاد آن از جانب پیامبر اکرم (ص)

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتاب . . هم معرضون

برداشت فوق بر اساس شأن نزولی است که درباره آیه مورد بحث نقل شده است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۷،۹

۷ پیشنهاد پیامبر (ص) به یهودیان برای ارائه شاهی از تورات، بر صدق ادعای خویش در تحریم برخی خوردنیها

قل فاتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

۹ پنهان کردن تورات، توسط یهودیان *

قل فاتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۲

۲ آگاهی ناقص دانشمندان یهود به تورات

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب

بدان احتمال که <من> در <من الذين هادوا آيه ٤٦> بيانيه

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۲۸،۹

۲ گریز از احکام تورات ، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (ص) برای قضاوت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم الله

۸ گروهی از یهودیان ، بی اعتنا به حکم خدا در تورات و رویگردان از حکم پیامبر (ص) پس از مراجعه به آن حضرت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم الله ثم یتولون من بعد ذلک

۹ یهودیان اعراض کننده از حکم تورات ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به حکم الهی در تورات باشد. قابل ذکر است که بر این مبنای <یتولون> عطف بر جمله <فیها حکم الله> است و <ثم> برای ترتیب در خبر است، نه برای ترتیب حکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ بهره مندی یهود و نصارا از تعالیم و معارفی آسمانی علاوه بر تورات و انجیل

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

مراد از <ما انزل الیهم> می تواند کتابهایی همانند زبور و ... باشد که خداوند بر پیامبران بنی اسرائیل نازل کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۷،۱۸

۱۷ یهود با نزول تورات معارف و حقایق تازه ای را فراگرفتند.

و علمتم ما لم تعلموا انتم و لاءاباؤکم

زمان پیامبر(ص) بر آن آگاهی داشتند و نه پدران آنها.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لا آباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۱۷، ۱۲، ۲

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند .

ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأذنی و يقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الكتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند ؛ مدعی اعتقاد به آن بودند.

۱۲ یهودیان به تورات و پیمان های الهی پایبند نبودند .

ألم یؤخذ علیهم میثق الكتب

۱۷ یهودیان با مطالعه مکرر تورات به معارف و احکام آن آگاهی داشتند .

درسوا ما فیه

<درس> تکرار کردن چیزی است و <درس الكتاب> هنگامی گفته می شود که خواندن تکرار شود. (مجمع البیان).

یهود و جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۶

۶ - تصور جاهلانه یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من کان عدواً لجبرئیل فإنه نزله علی قلبک یاذن الله

یهود و حفظ منافع قومی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حفظ منافع قوم و جامعه یهود ، برتر از اعتراف به باور ها و عقاید دینی در دیدگاه عالمان و پیشوایان آنان

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم .. أفلا تعقلون

۱۲ - پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و

معارف الهی را، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند.

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم .. أفلا تعقلون

یهود و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند.

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

یهود و خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۵، ۷، ۲، ۱

۱ یهود، داعیه دار نسبت‌هایی ناروا به خداوند، علی رغم علم و آگاهی به کذب و بطلان آن نسبتها

انظر کیف یفترون علی الله الکذب

ضمیر در <یفترون> به <الذین اوتوا الکتاب> برمی گردد، و مراد از آن به قرینه آیات گذشته یهودیان هستند.

۲ علم و آگاهی یهود به بطلان افتراهای خویش بر خداوند *

انظر کیف یفترون علی الله الکذب

چون افترا به معنای دروغ بستن است، آوردن کلمه <الکذب> برای تفهیم این معناست که یهودیان با اینکه می دانند مثلاً خداوند به آنها امتیازی نداده، آن را به خدا نسبت می دهند.

۵ یهود، مورد سرزنش خداوند به خاطر نسبت های ناروا به

انظر كيف يفترون على الله الكذب

۷ افترای یهود بر خداوند دلیل آلودگی آنان و پیراسته نبودنشان از انحراف

الم تر . . انظر كيف يفترون على الله الكذب

جمله <انظر كيف> می تواند دلیلی باشد بر اثبات عدم تزکیه یهودیان که در آیه قبل مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱،۲،۸

۱ یهودیان ، منکر قدرت و نفوذ اراده خداوند در تدبیر جهان

و قالت اليهود يدالله مغلولة

اطلاق جمله <يدالله مغلولة> می رساند که یهود بر این باور بودند که خداوند هیچ دخل و تصرفی در جهان هستی ندارد. بنابراین جمله <ينفق كيف يشاء> پس از <يداه مبسوطان> تنها اشاره به نمونه و مصداقی از نفوذ و قدرت الهی در جهان هستی دارد.

۲ ناتوانی خداوند در انفاق و بخشش روزی به موجودات ، از باور های باطل یهود

و قالت اليهود يدالله مغلولة

جمله <ينفق كيف يشاء> می تواند قرینه باشد بر اینکه مراد از بسته بودن دست خدا و نافذ نبودن قدرت وی در پندار یهود تنها ناتوانی از اعطای روزی و انفاق به انسانهاست.

۸ سخن ناروای یهود درباره خداوند (نافذ نبودن قدرت او) موجب دوری آنان از رحمت الهی

و لعنوا بما قالوا

يهود و دين ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . . . >

دارای لَفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسباط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ .. كَانُوا هُودًا

جمله <أَمْ تَقُولُونَ ..> دارای لَفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ .. كَانُوا هُودًا

جمله <أَمْ تَقُولُونَ ..> دارای لَفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان

را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . . . > دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و دین یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یهودیان آیین ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب و نوادگانش را آیین یهودیت و ایشان را یهودی می دانستند .

أم تقولون إن إبراهيم و إسمعیل . . . كانوا هوداً

جمله <أم تقولون . . . > دارای لفّ اجمالی است و حاکی از دوقضیه می باشد: الف) ای یهودیان! آیا می پندارید که ابراهیم و ...، یهودی بودند؟ ب) ای نصارا! آیا شما می پندارید که ابراهیم و ...، نصرانی بودند؟

یهود و ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۴

۱۴ - یهودیان ، معتقد به ربوبیت خداوند

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم لیحاجوكم به عند ربکم

یهود و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۰

۱۰ یهودیان بپادارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون . . . و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

گفتنی است که <المقیمین> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و
المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنا بر

قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

یهود و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل <اتبعوا> یهودیان عصر سلیمان باشند.

یهود و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰ - آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

یهود و صفات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰ - آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

یهود و عزیر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۳،۴،۱

۱ یهودیان ، < عزیر > را فرزند خدا خواندند .

و قالت اليهود عزیر ابن الله

۳ فرزند خدا خواندن < عزیر > و < مسیح > ، سخنان نسنجیده و باطلی بود که یهود و نصارا به زبان آوردند .

و قالت . . . ذلك قولهم بأفوههم

۴ پندار فرزند خدا بودن < عزیر > و < مسیح > ، پنداری است سابقه دار در تاریخ یهود و نصارا .

یضهئون

قول الذین کفروا من قبل

یهود و علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۳

۳ - یهود مورد توییح و سرزنش خداوند ، به خاطر محدود پنداشتن علم و آگاهی او

أو لا یعلمون أن الله یعلم ما یسرون و ما یعلنون

یهود و علم غیب خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - آگاه نبودن خدا به اسرار نهانی انسان ها ، از باور ها و پندار های باطل یهود

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم لیحاجوكم به عند ربکم

از جمله <أتحدثونهم .. لیحاجوكم> چنین بر می آید که یهود آن گاه راه احتجاج علیه خویش را گشوده می دیدند که حقایق و دانسته های خویش را آشکار کنند؛ ولی اگر حقایق را آشکار نکنند علیه آنان احتجاج نمی شود و مؤاخذه نمی کردند. این پندار بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۲

۲ - یهودیان ، خداوند را به امور نهانی انسان عالم و آگاه نمی دانستند .

أو لا یعلمون أن الله یعلم ما یسرون و ما یعلنون

استفهام در <أو لا یعلمون ..> انکار توییحی است.

یهود و عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - زندگانی در دنیا و داشتن عمری طولانی ، نجاتبخش یهود از عذاب اخروی نیست .

و ما هو بمزحزحه من العذاب أن يعمر

<أن يعمر> بدل برای <هو> و یا فاعل برای <مزحزح> است. مآل هر

دو به یک معناست؛ معنای جمله <ما هو...> چنین است: یهودیان [بر فرض اینکه عمری هزار ساله داده شوند] آن عمر طولانی، ایشان را از عذاب رها نخواهد ساخت.

یهود و عهد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۵

۵ - عهد ها و پیمان های الهی در دیدگاه بسیاری از یهودیان ، امری بی مقدار و کم ارزش

نبذه فریق منهم

برداشت فوق بر اساس معنایی است که <راغب> در کلمه <نبذ> بیان کرده است. او در <المفردات> می گوید: <نبذ> انداختن و دور افکندن چیزی است به خاطر کم ارزش شمردن آن.

یهود و عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۳،۷

۳ یهودیان ، منکر رسالت حضرت مسیح (ع)

و بکفرهم

تکرار <کفر> که در این بخش از آیات به یهودیان نسبت داده شده، حکایت از تعدد موارد کفرورزی آنان دارد. در برداشت فوق کفر به قرینه فرازهای بعد انکار رسالت عیسی (ع) گرفته شده است.

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی (ع) ، علی رغم اذعان به

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بر این مبنا که <رسول الله> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

۳ استهزای یهود نسبت به پیامبری حضرت عیسی (ع) *

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

برداشت فوق مبتنی بر این است که <رسول الله> گفتار یهودیان باشد، بر این اساس به نظر می رسد اقرار آنان به رسالت عیسی(ع) به منظور تمسخر بوده است.

۶ یهود بر خلاف پندارشان حضرت عیسی (ع) را نکشتند و به دار نیز نیاویختند .

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم .. و ما قتلوه و ما صلبوه

۱۴ پندار غلط و خلافگویی یهود ، در مورد تولد و مرگ حضرت عیسی (ع)

قولهم علی مريم بهتناً عظيماً. و قولهم إنا قتلنا المسيح ... ما لهم به من علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۸ - ۱

۱ عدم حضور حضرت مسیح (ع) در بین مردم ، پس از توطئه قتل وی توسط یهود

و ما قتلوه. بل رفعه الله إليه

چنانچه عیسی(ع) پس از توطئه قتل در بین مردمان حضور می داشت، همگان به اشتباه خویش پی می بردند و واهی بودن قصه صلیب بر مدعیان آن روشن می گشت و جمله <رفعه الله اليه> در حقیقت جواب این سؤال است که اگر

وی کشته نشد چرا پس از واقعه قتل در بین مردمان دیده نشد.

یهود و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۵

۲۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که : > و صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ . . . ثُمَّ عَيَّرْتَهُ الْيَهُودُ ، فَقَالُوا إِنَّكَ تَابِعٌ لِقَبْلَتِنَا فَاعْتَمِمْ لَذَلِكَ عَمًّا شَدِيدًا و لما كان في بعض الليل خرج (ص) يقلب وجهه في آفاق السماء . . . فلما صَلَّى من الظهر ركعتين جاءه جبرئيل (ع) فقال له : قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضى ها فول وجهك شطر المسجد الحرام - الآية - ثم أخذ بيد النبي (ص) فحوّل وجهه إلى الكعبة . . . ;

رسول خدا(ص) به سوی بیت المقدس نماز می خواند . . . سپس یهود او را سرزنش کرده گفتند: تو پیرو قبله ما هستی، و آن حضرت در پی این سرزنش بشدت اندوهگین شد و در موقعی از شب که از [خانه] بیرون آمده بود، در اطراف آسمان ها می نگریست ... و چون دو رکعت نماز ظهر را خوانده بود جبرئیل نازل گشت و به آن حضرت گفت: ما نگاههای انتظارآمیز تو را [برای تغییر قبله] مشاهده می کردیم، پس روی تو را به سوی قبله ای - که تو به آن راضی هستی - بر می گردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام برگردان. آن گاه دست او را گرفت و رویش را به سوی کعبه برگرداند.<

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا، سرای آخرت و ...) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله، به بحث و مشاجره می پرداختند.

لیس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: > آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. <

یهود و قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲، ۵، ۹

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجد الحرام)، آن را نخواهند پذیرفت.

ليعلمون أنه الحق . . . و لئن أتيت الذين ... ما تبعوا قبلتك

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند.

و لئن أتيت الذين أتوا الكتب بكل ءايه ما تبعوا قبلتك

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر (ص) و مؤمنان از کعبه به قبله خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم . . . و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله > و لئن اتبعت . . . إنك لمن الظالمين < بالام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر (ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی

پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <أهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

یهود و قبله مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

یهود و قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۷، ۲۱، ۱۹

۱۹ - یهود، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

چون جمله <فلم تقتلون...> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبياء الله> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

۲۷ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید <... فلم تقتلون انبياء الله من قبل ان كنتم مؤمنين> روایت کرده که : <انما نزل هذا في قوم اليهود و كانوا على عهد محمد (ص) لم يقتلوا الأنبياء بأيديهم ولا كانوا في زمانهم و انما قتل أوائلهم... فجعلهم الله منهم و أضاف إليهم فعل أوائلهم بما تبعوه و تولوهم /

این آیه درباره یهود نازل گشته

است در حالی که یهودیان زمان پیامبر(ص) پیامبرانی را نکشته بودند و در زمان آنان نیز زندگی نمی کردند و همانا گذشتگان آنان پیامبران را کشتند . .. پس خداوند این یهودیان (یهودیان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبیا را به خاطر پیروی آنان و محبتشان به پیشینیان به آنان نسبت داده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۷،۲۲

۱۷ عصیان اهل کتاب (یهود) و تجاوز مداومشان ، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلک بانهم کانوا یکفرون بآیت اللہ .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

۲۲ یهود با افشای اسرار پیامبران ، شریک جرم قاتلان آنان

و یقتلون الانبیاء بغير حقّ

امام صادق (ع) در تفسیر آیه <و یقتلون الانبیاء بغير حق>، فرمود: .

.. و لكن اذاعوا سرهم و افشوا عليهم فقتلوا.

اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۱۳۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱،۴،۹

۱ یهود، مردمی پیمان شکن و قاتل پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم و كفرهم بايت الله و قتلهم الأنبياء بغير حق

۴ یهودیان، هیچگونه توجیهی برای کشتن انبیا، نداشتند.

و قتلهم الأنبياء بغير حق

با اینکه همواره کشتن انبیا نا به حق است، خداوند قید توضیحی <بغير حق> را ذکر کرده است تا به این معنا اشاره کند که قاتلان پیامبران خود نیز به ناروا بودن کشتن انبیا آگاه بودند.

۹ یهود، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم...> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

یهود و قتل عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۱۰،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰

۱ یهود، مدعی کشتن حضرت مسیح (ع)

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

۷ یهودیان ، به اشتباه شخص دیگری را به جای حضرت عیسی (ع)

به دار آویخته و کشتند .

و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم

استدارك در جمله <و لکن شبه لهم> رسای به این است که یهودیان شخصی را به گمان اینکه حضرت عیسی (ع) است به دار آویخته و او را به قتل رساندند.

۸ اختلاف یهود ، در اصل رخداد قتل و به دار آویخته شدن عیسی (ع)

إِنَّ الَّذِينَ اختلفوا فيه

۱۰ ادعای یهود در مورد کشته شدن حضرت عیسی (ع) ، بر پایه گمان بود ، نه علم و یقین .

إِنَّ الَّذِينَ اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن

۱۵ یهودیان ، قطعاً حضرت عیسی (ع) را نکشتند .

و ما قتلوه یقیناً

۱۶ یهود به جای حضرت عیسی (ع) جوانی را که به شکل آن حضرت در آمده بود کشتند و به صلیب کشیدند .

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و ما قتلوه

امام باقر(ع): .. و اخذوا الشاب الذی القی علیه شبح عیسی فقتل و صلب ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۹، ح ۶۵۳.

یهود و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷، ۱۰

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا اول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا ، از

هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قليلا

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیان، قرآن (کلام خدا) را می شنیدند ، آن را به خوبی می فهمیدند و به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّٰه ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام اللّٰه> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱، ۶، ۵

۵ - یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث شدن پیامبر (ص) آگاهی داشتند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

۶ - یهودیان ، از دیرباز در انتظار پیامبر (ص) و نزول قرآن بودند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲، ۱

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

مراد از <ما أنزل الله> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

<اشتراء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أَنْ يَكْفُرُوا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَوْمَنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قیل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست؛ بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن)، با سخنان و تبلیغات خود

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

ضمیرهای جمع در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الكتاب) بازمی گردد. قید <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و مِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يَنْكُرُ بَعْضَهُ قُلُوبًا إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ يَعْبُدَ اللَّهَ

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ينكر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب، اصرار قرآن

بر توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱

۱- یهود و نصارا، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند.

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است؛ چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند؛ چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <.. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

یهود و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۲

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الذین امنوا سیلا .. یحسدون الناس

جمله <ام یحسدون ..> بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۴

۴ ایجاد پیوند دوستانه یهود با کافران برای تشکیل جبهه ای متحد و نیرومند علیه مسلمانان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا .. لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا

بیان عداوت یهودیان و مشرکان با اهل ایمان پس

از بیان برقراری دوستی یهود و اهل شرک می رساند که این رابطه دوستی در جهت دشمنی با مسلمانان است.

یهود و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۷

۱۷ - از امام باقر (ع) روایت شده که : <انه قال کان قوم من اليهود لیسوا من المعاندين المتواطئين إذا لقوا المسلمین حدثوهم بما فی التوراه من صفه محمد (ص) فنهاهم کبرائهم عن ذلک ، و قالوا : لا تخبروهم بما فی التوراه ، من صفه محمد (ص) فیحاجوکم به عند ربکم فنزلت هذه الآیه ;

گروهی

از یهود - که کینه ای به مسلمانان نداشتند - هنگامی که با مسلمانان روبرو می شدند از اوصاف رسول خدا(ص) که در تورات آمده بود سخن می گفتند؛ بزرگان یهود با خبر شده و آنها را نهی کردند و گفتند: از صفات محمد [ص] - که در تورات آمده - مسلمانان را مطلع نسازید که به وسیله آن با شما در نزد پروردگارتان استدلال و احتجاج خواهند نمود، پس آیه فوق نازل گشت. <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۰

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ... وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهْدَةَ عِنْدِهِ مِنَ اللَّهِ

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایق است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند ، کتمان کرده و از ارائه آن خودداری نمودند .

و مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهْدَةَ عِنْدِهِ مِنَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادله رسالت پیامبر اسلام *

و لَا تُؤْمِنُوا .. ان يۇتى احد مثل ما اوتيتم

احتمالاً مراد از <ما اوتيتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۴ عالمان یهود، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

انّ الذّین یشترون بعهد اللّٰه وایمانهم

با توجّه به شأن نزول، مقصود از <عهد اللّٰه>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۹

۹ پنهان کردن تورات، توسط یهودیان *

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا)، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند.

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۷

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا یبیین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبیین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

يهود و کتمان حقايق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقيقت

، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق

تکرار نکردن <لا-ی ناهیه در <تکتّموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

یهود و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۳،۴

۱ خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، بآء در <بمیتقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۳ نقض میثاق از سوی یهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد ؛ بنابراین جمله <و رفعنا ..> یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

۴ قرار دادن کوه طور بر سر یهود ، از معجزات حضرت موسی (ع)

و ءاتینا موسی سلطاناً مبیناً. و رفعنا فوقهم الطور

بر افراشتن کوه طور، می تواند

بیان مصداقی برای جمله <و آتینا موسی سلطناً مبیناً> باشد.

یهود و گسترش اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ یهود و نصارا ، ناخشنود از گسترش اسلام

و یأبی الله إلا أن یتم نوره و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۹

۹ یهود و نصارا ، مخالف اسلام و ناخشنود از گسترش آن

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً .. لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

یهود و لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۱

۱ - یهود ، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لا یتمنونه أبداً

یهود و مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۴،۳،۲

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند .

ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا

جمله <ورثوا الكتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند؛ مدعی اعتقاد به آن بودند.

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند .

يأخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا

جمله <سيغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و

بیانگر این است که جمله <یاخذون .. > ناظر به کسب مال از راههای نامشروع است.

۴ دنیاگرایان یهود به گناه خویش (دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع) ، اصرار میورزیدند .

و إن یأتهم عرض مثله یأخذوه

جمله <و إن یأتهم .. > (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

یهود و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۸

۸ - مایوس کردن پیامبر (ص) ، انگیزه یهودیان در اظهار ناتوانی خویش از درک معارف اسلام

قالوا قلوبنا غلف

انسانها معمولاً به قصور خویش در فهم و درک باور ندارند. بنابراین اعتراف یهودیان به درک نکردن و نفهمیدن، می تواند به منظور مایوس کردن پیامبر(ص) باشد تا از اصرار بر دعوت ایشان به اسلام منصرف شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱، ۶

۶ - یهودیان ، از دیرباز در انتظار پیامبر (ص) و نزول قرآن بودند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۲

۲ - یهودیان ، پیامبر (ص) را به

نداشتن دلیل و برهانی روشن بر حقانیت رسالتش متهم می کردند .

و لقد أنزلنا إليك آیت بینت

معمولا بیان جمله با تأکید حکایت از آن دارد که مخاطبان، مضمون آن جمله را مورد تردید قرار داده یا انکار می کنند و از آن جا که جمله <و لقد أنزلنا ..> با حرف لام - که حاکی از قسم مقدر است - و نیز با حرف <قد> تأکید شده معلوم می شود که یهودیان مخاطب آیه، مضمون جمله فوق را مورد تردید و یا انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۹،۱۰

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر (ص) و مؤمنان از کعبه به قبله خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم .. و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله <و لئن اتبعت .. إنك لمن الظالمين> با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <أهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

۱۰ - یهود و نصارا در صدد گرایش دادن پیامبر (ص) و مؤمنان به پیروی از احکام و قوانین دینی خویش

و لئن اتبعت اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۳،۱۴،۱۸،۲۲،۲۵

۵ نافرمانی آگاهانه پس از دریافت و شنیدن سخنان پیامبر (ص) ، عکس العمل یهود در

برابر آن حضرت

من الذین هادوا .. و یقولون سمعنا و عصینا

۶ بی اعتنایی و پشت گوش انداختن گفته های یهود ، اتهام آن به پیامبر (ص)

من الذین هادوا .. یقولون ... و اسمع غیر مسمع

بر این مبنا که <غیر مسمع> اخبار باشد، نه نفرین. و جمله <اسمع غیر مسمع> بدین معناست: ای پیامبر سخنان ما را بشنو، اگر چه تاکنون نسبت به گفته ها و سخنان ما ناشنوا بودی و اعتنایی بدانها نداشتی.

۷ درک نمودن گفته های یهود ، تهمت آنان به پیامبر (ص)

و اسمع غیر مسمع

برداشت فوق بر این مناسبت که شنیدن به معنای درک کردن باشد. یعنی درک کن و بفهم آنچه را ما می گوئیم ؛ اگر چه تاکنون سخنان ما را درک نکردی و نفهمیدی.

۸ توهین و نفرین برخی از یهودیان به پیامبر (ص) در ضمن سخن با آن حضرت

من الذین هادوا .. و اسمع غیر مسمع

<غیر مسمع> در برداشت فوق به معنای انشایی آن گرفته شده است. و مفهوم آن چنین است: خدا تو را کر و ناشنوا قرار دهد. و یا: خدا تو را نفهم گرداند.

۹ اهانت برخی یهودیان به پیامبر (ص) ، با تغییر لحن خویش در تلفظ کلمه <راعنا> به <راعینا>

راعنا لئلا بالسنتم

<راعنا> به معنی توجه به ما کن و <راعینا> به معنی چوپان ماست. و یهودیان کلمه <راعنا> را به گونه ای تلفظ می کردند که معنای <راعینا> برای شنونده تداعی می شد.

۱۰ استهزای یهود نسبت به پیامبر (ص) و اسلام

من الذین هادوا .. یقولون سمعنا

و عصینا و اسمع غیر مسمع و راعنا لئلاً بالسنتهم

۱۱ گفته های یهود با پیامبر (ص)، آمیخته با عیجوبی به آیین اسلام

راعنا لئلاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

<طعناً فی الدین> به معنای ضربه وارد کردن در دین با ناسزاگویی و عیجوبی است. گفتنی است که <طعناً> حال برای فاعل <یقولون> است؛ یعنی <یقولون کذا طاعنین فی الدین>.

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر (ص) به هیاهوی چوپان ها، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لئلاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

۱۴ به کارگیری کلمات دو پهلو و چند معنی، شیوه برخی از یهودیان برای استهزای پیامبر (ص) و طعن بر اسلام

و اسمع غیر مسمع .. راعنا لئلاً بالسنتهم و طعناً فی الدین

کلمه <مسمع>، از مصدر اسماع، دارای دو معنای متضاد است: یکی شنیدن و فهمیدن و دیگری دشنام دادن و ناسزا گفتن. و جمله راعنا با اندکی انحراف زبان می تواند معنای <چوپان ما> را به ذهن شنونده القا کند.

۱۸ خیر و قوام یهود، در پرهیز از سخنان مبهم، دو پهلو و تمسخرآمیز در برابر پیامبر (ص)

و لو انهم قالوا .. و اسمع و انظرنا لکان خیراً لهم و اقوم

۲۲ تحریفگری، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص)، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرفون .. سمعنا و عصینا ... لعنهم الله بکفرهم

۲۵ تنها اندکی از یهود به اسلام و پیامبر (ص)

(ایمان خواهند آورد .

و لكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۹، ۶، ۳، ۱

۱ حسادت اهل کتاب (یهود) ، نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدى . . .) بنابراین مراد از <الناس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله فقد اتينا ال ابرهيم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا . . .)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

يؤمنون بالجبث والطاغوت . . . ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضلات الهی به پیامبر (ص)

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله فقد اتينا ال ابرهيم

<فقد آتينا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نیستند و به آنان ضرری نرسانند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجه آن حضرت نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۷

۷ معرفی

پیامبر (ص) به عنوان عامل شرور ، از روش های ایذایی و تبلیغی منافقان و یهود علیه آن حضرت

ان تصبهم سیئه یقولوا هذه من عندك

برخی از مفسران با توجه به شأن نزول آیه گفته اند که مقصود از ضمیر <تصبهم>، منافقین و یهودیان هستند که حوادثی چون قحطی و خشکسالی را به پیامبر (ص) منتسب می کردند و از این راه علیه او تبلیغ می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۹

۹ درخواست یهود از موسی (ع) (دیدن خدا) ، نابجاتر از درخواست آنان از پیامبر (ص) (نزول کتاب آسمانی بر آنان)

یسئلك أهل الكتب .. فقد سألوا موسی أكبر من ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۳،۲۱

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام (ص)

قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

۲۱ بسیاری از یهود ، هرگز به پیامبر اسلام (ص) ایمان نخواهند آورد .

فلا يؤمنون إلا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۲

۲ اهل کتاب (یهود و نصارا) در انتظار بعثت پیامبر (ص) *

یاهل الکتاب قد جاءکم رسولنا

کلمه <قد> می تواند بیانگر انتظار حصول فعلی باشد که بر سر آن آمده

است. نظیر <قد قامت الصلوه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به یهود نسبت به فرجام شوم ستیزه جویی با پیامبر (ص) و فسادانگیزی در زمین

من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل .. انما جزؤا الذين يحاربون

چون در آیه پیش روی سخن با بنی اسرائیل بود، این آیه می تواند تعریض به اهداف و اعمال آنان در برابر پیامبر(ص) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۶، ۱۳

۱۳ رغبت منافقان و یهودیان به شنیدن شایعات و دروغ های بافته شده علیه رسول خدا (ص)

سمعون للكذب

مخاطب قرار دادن پیامبر (لایحزنک) و توصیف شتابگران در کفر به گوش سپاران دروغ، می رساند که مراد از <کذب> دروغها و شایعاتی بوده است که علیه پیامبر(ص) ساخته شده بود.

۱۶ یهودیان و منافقان، تنها به انگیزه دروغ بستن بر پیامبر (ص)، رغبت به شنیدن سخنان او داشتند.

سمعون للكذب

برداشت فوق بر این میناست که <للكذب> مفعول له برای <سمعون> باشد و به قرینه <لم یأتوک>، منظور شنیدن سخنان پیامبر(ص) است. یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند.

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر (ص) و اسلام

الذين يسرعون في الكفر .. سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين

۲۱ عالمان یهود با اعزام گروهی از منافقان و یهودیان به حضور پیامبر (ص)، جویای

حکم وی درباره قضیه مورد اختلاف در بین یهودیان شدند .

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك

۲۲ سفارش عالمان یهود به فرستادگان خویش مبنی بر پذیرش حکم پیامبر (ص) به شرط موافقت آن با حکم تحریف شده آنان

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك .. ان اوتيتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

<هذا> اشاره به حکمی است که عالمان یهود آن را ابراز می داشتند و جمله <يحرّفون الكلم> می رساند که حکمی تحریف شده بوده است.

۲۳ تثبیت حکم تحریف شده به دست عالمان یهود ، هدف آنان از ارجاع داوری به رسول خدا (ص)

ان اوتيتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داوری به رسول خدا(ص) و نپذیرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حکم وی با اظهارات عالمان یهود، می رساند که هدف آنان از این ارجاع تنها تلاش برای یافتن امضای حکم تحریف شده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر (ص) ، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱۰، ۸، ۳، ۲، ۱

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) از سوی یهودیان ، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات ، شگفت آور و سؤال بر انگیز

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فيها حکم الله

۲ گریز از احکام تورات ، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (ص)

ص (برای قضاوت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

۳ پیامبر (ص) ، مورد مراجعه مردم ، حتی یهودیان ، برای حکمیت و داوری

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه

۸ گروهی از یهودیان ، بی اعتنا به حکم خدا در تورات و رویگردان از حکم پیامبر (ص) پس از مراجعه به آن حضرت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه ثم یتولون من بعد ذلک

۱۰ یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا (ص) ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مناسبت که <ذلک> اشاره باشد به حکم رسول خدا که از <یحکمونک> به دست می آید. گفتنی است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر <یحکمونک> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ تلاش موزیانه و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (ص) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّٰه إلیک

چون <یفتنوک> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ، یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۵

۵ یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر (ص) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل اللّٰه علی بشر من شیء

جملات بعدی این آیه

قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً، معتقد به نبوت موسی (ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۰

۱۰ ایمان به رسول اکرم (ص) و پیروی از او وظیفه ای الهی بر عهده یهود و نصارا و ثبت شده در تورات و انجیل

الذین يتبعون الرسول النبى الأُمى الذى يجدونه مكتوباً عندهم فى التوریه و الإنجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبر اکرم (ص) اختلافی ریشه دار و دیرپا *

و ءاتینهم بینت من الأمر .. فیما كانوا فیه یختلفون

در صورتی که <الأمر> اشاره به رسالت پیامبر اکرم (ص) داشته باشد، اختلاف مستمری که از <كانوا فیه یختلفون> استفاده می شود، ریشه دار بودن اختلافات آنان را درباره رسالت پیامبر اکرم (ص) می رساند.

یهود و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱

۱ - یهودیان، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد.

و لن یتمنوه أبداً

یهود و مریم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۲،۴،۸،۱۰

۲ بهتان یهودیان به مریم (ع)، نمونه ای از کفرپیشگی آنهاست.

و بكفرهم و قولهم على مريم بهتناً عظيماً

بدان

احتمال که <قولهم> تفسیر و تبیین کفر در <بکفرهم> باشد.

۴ یهودیان ، مریم (ع) را به کرداری بسیار ناشایست متهم کردند .

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

<بهتان> به معنای افترا و اتهام است. و مراد از آن در آیه فحشا و بی عفتی است.

۸ اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

۱۰ اتهام ارتباط نامشروع مریم (ع) با مردی نجار به نام یوسف ، و باردار شدن وی به عیسی (ع) ، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

امام صادق(ع): .. الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ...

امالی صدوق، ص ۹۲، ح ۳، مجلس ۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱۸

۱۸ پاک بودن دامن حضرت مریم (ع) از تهمت های ناروای یهودیان

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته القها الی مریم و روح منه

جملات <انما المسیح .. روح منه> علاوه بر اینکه رد عقیده غلوآمیز مسیحیان درباره حضرت عیسی(ع) است، می تواند اشاره به ناروایی اتهام یهودیان نسبت به مریم(ع) نیز باشد.

یهود و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۲

۲ - کفرپیشگان (یهود ، نصارا و مشرکان) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما

يُودُ الَّذِينَ كَفَرُوا .. أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زائده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۴، ۱۲، ۱۳

۴ - یهودیان و نصاری عصر بعثت ، بر ایمان مسلمانان رشک برده به آنان حسادت میورزیدند .

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا

مقصود از <اهل الكتاب> به دلیل <وقالوا لن يدخل ..> در آیه ۱۱۱، یهود و نصراست.

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من آیه .. أم تريدون أن تسئلوا رسولكم ... وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان را در ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

۱۳ - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نابه جا از پیامبر (ص)

أم تريدون أن تسئلوا .. وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۵

۵ - یهود و نصارا ، در تلاش برای تضعیف روحیه مسلمانان و بازداري مردم از گرایش به

قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۹، ۱۱، ۱۲

۹ تصمیم عالمان یهود بر گمراه کردن مسلمانان

و یریدون ان تضلوا السبیل

۱۱ سوء استفاده علمای یهود و دانشمندان اهل کتاب از علم و مقام خویش برای گمراهی مسلمانان

الم تر الى الذين . . ان تضلوا السبیل

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الى الذين . . ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۳

۳ ناباوری مسلمانان صدر اسلام، نسبت به دشمنی یهود با آنان

الم تر . . و الله اعلم باعدائکم

آوردن <اعلم>، با صیغه افعال تفضیل، حکایت از ناباوری مسلمانان نسبت به دشمنی عالمان یهود با آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۳

۳ تحریف و تفسیر ناصواب گفته ها، از روش های عالمان یهود برای گمراه ساختن مسلمانان

و يريدون ان تضلوا السبيل . . من الذين هادوا يحرفون الكلم

هدف از تحريف و تفسير ناصواب سخنان از سوى عالمان يهود، به دليل <ان تضلوا>، گمراه ساختن مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۳

۱ حسادت اهل كتاب (يهود) ، نسبت به پيامبر (ص) و مسلمانان

ام يحسدون الناس

علی ما اتیهم اللہ من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی ..) بنابراین مراد از <الناس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا .. يحسدون الناس

جمله <ام يحسدون ..> بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام يحسدون الناس علی ما اتیهم اللہ من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا ..)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ پیامبر (ص)، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

به نظر می رسد مراد از <يضروک> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۳،۷،۸

۳ یهود و نصارا، مردمی غیر قابل اعتماد

و ناشایست برای برقراری روابط دوستی مسلمانان با آنان

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء

کلمه <اتخاذ> به معنای برگزیدن و اعتماد کردن است. (مجمع البیان).

۷ یهود و نصارا هرگز به تعهدات و روابط خویش با مسلمانان پایبند نخواهند بود .

بعضهم أولیاء بعض

۸ پایبند نبودن یهود و نصارا به تعهدات خویش نسبت به مسلمانان ، فلسفه حرمت ایجاد روابط با آنان

لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء بعضهم أولیاء بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۸، ۲۸، ۱

۱ سوگند مؤکد یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا باللّٰه جهد ایمنهم انهم لمعکم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <اهولاء>، اشاره به یهود و نصارا بوده و مخاطب در <لمعکم> همان بیماردلانی باشند که پیوند ولایی با یهود و نصارا داشتند. کلمه <جهد> مفعول مطلق برای <اقسموا> می باشد ؛ یعنی سوگند یاد کردند در بالاترین درجه سوگند.

۲ ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا باللّٰه جهد ایمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله <اهولاء .. > حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر(ص)، رسوا شده و به ذلت افتادند ؛ بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

۸ یهودیان و مسیحیان دلگرم به یاری و همگامی مسلمانان سست ایمان ، مورد ملامت مؤمنان پس از پیروزی

و یقول الذین ءامنوا اهلوا الذین اقساموا .. انهم لمعکم

۱۸ ناکامی یهود و نصارا در بهره گیری از روابط

دوستانه خویش با مسلمانان سست ایمان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

در برداشت فوق <هولاء> اشاره به بیمار دلان مسلمان و خطاب در <معکم> متوجه یهود و نصارا دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۳

۲۸ یهودیان ، همواره در تلاش آتش افروزی و فتنه گری برای به راه انداختن جنگ علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

<ایقاد نار> که به معنای آتش افروزی است، می تواند کنایه از مکرها و شیطنت هایی باشد که یهودیان به وسیله آن مردم خویش و یا دیگر طوایف را علیه مسلمانان می شوراندند.

۲۹ ناکامی همواره یهود در آتش افروزی های خویش علیه مسلمانان

کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

۳۲ ایجاد دشمنی و کینه توزی در بین یهود ، تدبیری الهی جهت خاموش نمودن جنگ افروزی آنان علیه مسلمانان *

و القینا بینهم العدوه و البغضاء .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

بدان احتمال که جمله <کلما اوقدوا ..> بیان نتیجه ای برای جمله <القینا بینهم...> باشد ؛ وصل آن دو جمله بدون حرف عطف که حکایت از شدت اتصال مضمون آنها دارد، تأییدی برای برداشت فوق است.

۳۳ ناکامی یهود در جنگ افروزی های خود علیه مسلمانان ، نمود ناتوانی آنان بر اثر نفرین خداوند

غلت ایدیهم .. کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <کلما اوقدوا ..> بیان نتیجه ای برای <غلت ایدیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۴، ۱۳

۱ یهودیان و مشرکان سرسخت ترین دشمن برای

لتجدن اشد الناس عدوه للذين ءامنوا يهود و الذين اشرکوا

۳ دشمنی یهود با مسلمانان بیش از دشمنی مشرکان با آنان است .

لتجدن اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود و الذين اشرکوا

تقديم ذکری <يهود> بر <مشرکان> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . . . و انهم لا يستکبرون

يهود و مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۶

۶ - تلاش های تبلیغی اهل کتاب (یهود و نصارا) بر ضد احکام اسلام ، ایجاد کننده زمینه های شک و تردید در اذهان

مسلمانان صدر اسلام

الحق من ربك فلا تکونن من الممترین

بر حذر داشتن مسلمانان از شک و تردید، با فعل <فلا تکونن> - که مقرون به نون تأکید است - گویای این معناست که:

زمینه های شک و تردید در مسلمانان به وجود آمده بود. از آیات قبل می توان فهمید که مخالفتهای اهل کتاب منشأ این

تردیدها بوده است.

يهود و مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۴،۱۰

۴ فزونی پیمان شکنان یهود نسبت به پیمان شکنان نصارا

فبما نقضهم . . . و من الذين قالوا إنا نصری

<من الذین > خیر مبتدای محذوف است. یعنی <من الذین قالوا انا نصاری قوم اخذنا میثاقهم >، بنابراین آیه شریفه، تنها سخن از پیمان شکنی گروهی از مسیحیان را مطرح کرده است. به خلاف آنچه درباره یهود بیان داشت که همه آنها، جز اندکی، پیمان شکن بودند.

۱۰ کینه و دشمنی

دایمی یهود و مسیحیان با یکدیگر تا روز قیامت

و لقد اخذ الله ميثق بنى اسرائيل .. العداوه و البغضاء إلى يوم القيمة

بنابر اینکه ضمیر در <بینهم> به یهود و نصارا برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۹،۱۰

۹ همکاری و روابط دوستانه یهود و نصارا ، @در جهت مقابله با اسلام *

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء بعضهم اولیاء بعض

با توجه به اینکه یهود و نصارا نسبت به یکدیگر دشمنی و کینه دارند، معلوم می شود دوستی آنها با یکدیگر که از جمله <بعضهم ..> استفاده می گردد، در جهت مقابله به اسلام است.

۱۰ روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشدار برای مسلمانان

لاتتخذوا الیهود و النصری اولیاء بعضهم اولیاء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است، استفاده می شود که پیوند آنان، پیوندی خطرناک برای مسلمین است.

یهود و مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱

۱ - یهودیان ، آیین نصرانیت را پوچ و بی پایه و اساس می دانستند .

و قالت الیهود لیست النصری علی شیء

یهود و مصلحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱،۲

۱ یهودیان متخلف در آبادی ایله ، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند .

فلما نسوا ما ذكروا به

خداوند یهودیان متمرّد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذكروا به .. أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

یهود و ملتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۵

۵ - یهود ، همه ادیان جز دین یهود را بی اعتبار و دیگر ملت ها را در پیشگاه خدا فاقد قدر و منزلت می شمرند .

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس

یهود و منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ همسویی منافقان و یهود عصر بعثت در گرایش ها و موضعگیری های خویش در برابر پیامبر (ص) و اسلام

الذين يسرعون في الكفر .. سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين

یهود و موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲،۹

۲ آشکارا دیدن خداوند ، تقاضای نابجای یهودیان از موسی (ع)

فقد سألو موسى أكبر من ذلك فقالوا أرنا الله جهرة

۹ درخواست یهود از موسی (ع) (دیدن خدا) ، نابجاتر از درخواست آنان از پیامبر (ص) (نزول کتاب آسمانی بر آنان)

يسئلك أهل الكتب .. فقد سألوا موسى أكبر من ذلك

يهود و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ١٤٥ - ١٠

١٠ - يهود و

نصارا در صدد گرایش دادن پیامبر (ص) و مؤمنان به پیروی از احکام و قوانین دینی خویش

و لئن اتبعت اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۱

۳۱ خداوند ، حامی مؤمنان ، در برابر توطئه های یهودیان و دشمنان دین

كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۴

۴ ایجاد پیوند دوستانه یهود با کافران برای تشکیل جبهه ای متحد و نیرومند علیه مسلمانان

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا .. لتجدن اشد الناس عدوه للذين ءامنوا

بیان عداوت یهودیان و مشرکان با اهل ایمان پس از بیان برقراری دوستی یهود و اهل شرک می رساند که این رابطه دوستی در جهت دشمنی با مسلمانان است.

یهود و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۴،۶

۴ یهود به سبب انکار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هر گونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء

۶ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

یهود و نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۵

۵ - یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث شدن

پیامبر (ص) آگاهی داشتند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، معترض به خداوند به خاطر گزینش رسول اکرم (ص) به پیامبری و نازل کردن وحی بر آن حضرت

بغياً أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

از اینکه قرآن در بیان ریشه حسادت یهود (آن ينزل ..) به دو چیز اشاره کرده است (پیامبری رسول اکرم (ص) و اینکه خدا این مقام را به او عطا کرده) می توان چنین نتیجه گرفت که یهودیان علاوه بر حسادتشان بر رسول اکرم (ص) به خداوند نیز به سبب اعطای این مقام، معترض بودند.

یهود و نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۶

۶ گفتار یهود زمان پیامبر (ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض با عقیده آنان در مورد نبوت موسی (ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

یهود و نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ - یهودیان ، آمدن پیامبر (ص) و نزول قرآن را از دیرباز و پیش از بعثت برای کافران تشریح می کردند .

و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

<استفتاح> (مصدر يستفتحون) می تواند به معنای مطلع ساختن باشد، چنانچه در مفردات راغب آمده: <فتح عليه كذا> آن

می شود که به او امری را اعلام کند و او را بر آن امر مطلع سازد. قابل ذکر است که در این صورت بردن <یفتحون> به باب استفعال برای تأکید است و معنای طلب ندارد.

یهود و نزول وحی بر بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء .. و من أظلم ممن افترى على

یهود و نعمتهای اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱،۲،۶

۱ - یهود ، سرای آخرت و نعمت های آن را ویژه خویش می پندارند .

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. خالصه

تقدیم <لکم> بر <الدار الآخرة> مفید حصر و اختصاص است و <خالصه> - که حال برای <الدار> می باشد - بر این انحصار و اختصاص تأکید می کند؛ زیرا خالص بودن به معنای اختصاص داشتن است.

۲ - یهودیان ، دیگر مردمان را از نعمت های آخرت بی نصیب می پندارند .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. خالصه من دون الناس

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصه من دون الناس فتمنوا الموت

یهود و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۶

۶- تصور جاهلانہ یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من كان عدواً لجبريل

فإنه نزله على قلبك يا ذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر (ص) به هیاهوی چوپان ها ، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لئلا بالستهم و طعناً فی الدین

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

یهود و هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۳

۳ - هر یک از یهود و نصارا ، آیین خویش را موجب هدایت بشر می پنداشتند .

قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا

یهود و یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۱

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . . . و من أظلم ممن کتم شاهده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه ، حقایقی است درباره ابراهیم (ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه .

۱۱ - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) از پیامبران و شخصیت های مورد قبول یهود و نصارا

أم تقولون إن إبراهیم . . . کانوا هوداً أو نصری

یهود هدایت ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۳

۳ - یهودیان و نصرانیان عصر بعثت ، مردمانی هدایت ناپذیر بودند .

ولن

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

